انتشارات سخن

رهنمون

شامل سخنان جاودانِ

بزرگان، مشاهیر و نوابغ جهان

گردآورنده

غلامحسین ذوالفقاری

نام کتاب : رهنمون
گردآورنده : غلامحسین ذوالفقاری
خط : حسین خسروی
تصحیح : شاهرودی
تیراژ : ۳،۰۰۰ جلد
قطع : وزیری
چاپ : بهمن
نوبت چاپ : سوم پائیز ۱۳۷۰
تعداد صفحات : ۸٦٤ صفحه
ناشر : انتشارات سخن

جل جلاله

بسم الله الرحمن الرحيم

چون مطالعه میکنی عزیزی

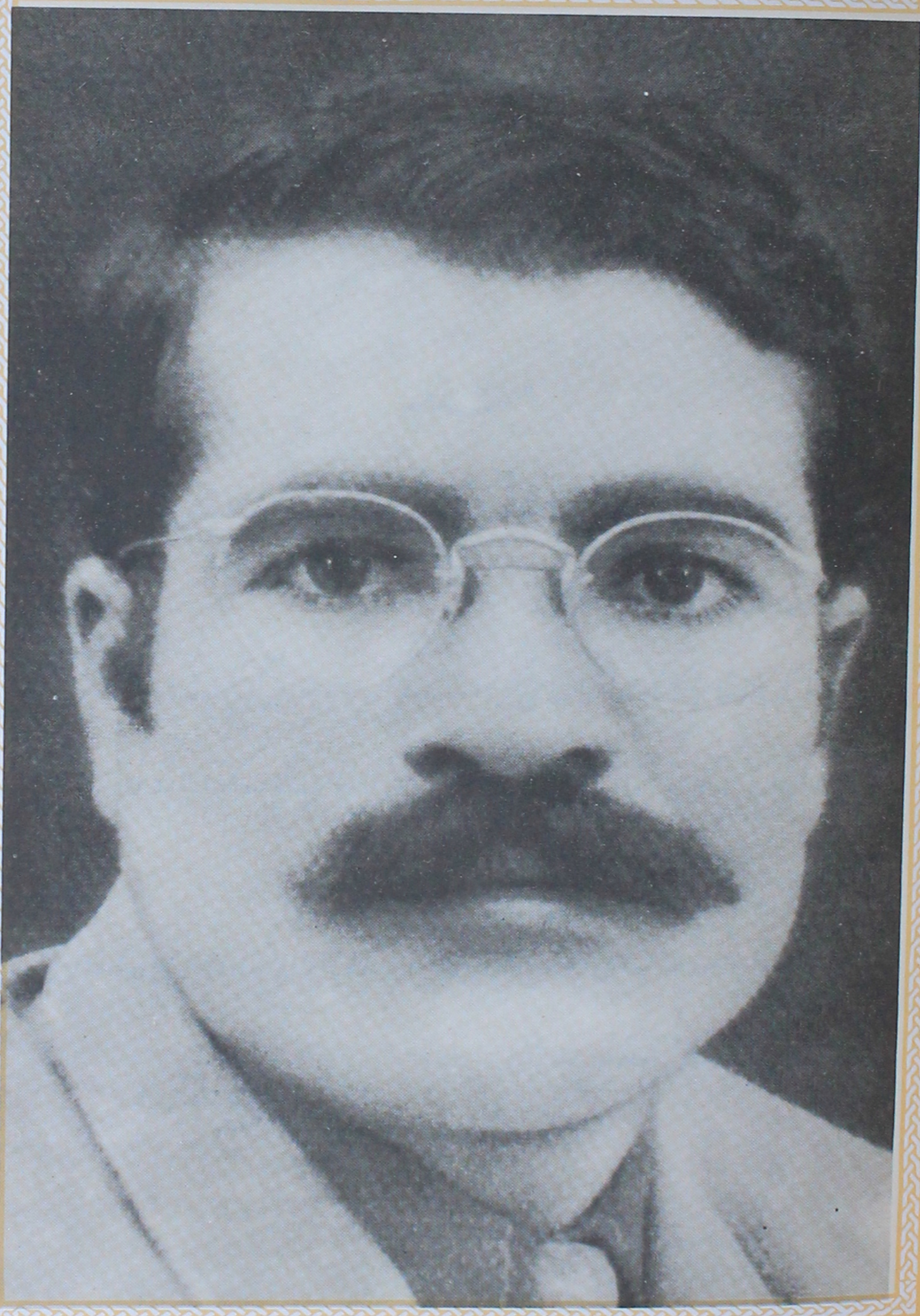
زحمات جمع آوری این کتاب را بتو تقدیم میکنیم

غلامحسین ذوالفقاری

بار کار خویش کی و بر و زیر | آنکه جانی داشت بر جانش گزیر

آنکه غافل بود خود واقف نشد | وای آن جانی که او عارف نشد

مولوی



مقدمه

درود بتو ای خواننده، درود بتمام افرادیکه قلماً، قدماً، مالاً، جاناً وقت و انرژی خود را هر آنچه توانائی داشته‌اند در خدمت دیگران گذاشته و میگذارند.

همینطور که ما از تمام امکانات انسانهای دیگر استفاده میکنیم برای جبران آن نیز باید بنوبهٔ خود خدمتی بکنیم. پس ضمن مطالعه گفتار بزرگان و امثال ملل و ابیات و اشعاری چند که بمطالب کمک کند دربارهٔ نود و نه موضوع مطالبی گلچین و بترتیب حروف الفبا تقدیم حضورتان میکنم.

خواهشمندم درصورتیکه گفته ای از خود و یا دیگران که مفید باشد و یا ایراد و پیشنهاد اصلاحی دربارهٔ این کتاب دارید بآدرس ذیل ارسال فرمائید.

غلامحسین ذوالفقاری ذوالفقاری

تهران - خیابان کریم خان زند - شمارهٔ ۶۳

پیشگفتار

نوشتن شرح حال مردی که فرزند کار و مرارت و فعالیتهای مستمر بود برای ما که از نزدیک به عمق

اندیشه و افکارش آگاهی داشتیم سهل و مشکل است.

آسان از این جهت که پدرمان بود و میدانستیم نردبان زندگی را چگونه از هیچ تا به همه چیز پیموده و نستباً به

آرزوهایش نایل شده است و مشکل بخاطر آنکه میخواست شمعی باشد تا برای دیگران بسوزد.

امید است بتوانیم این مرد زنده دل شوخ طبع یعنی مرحوم غلامحسین ذوالفقاری را از طریق چاپ کتاب خاطرات

و برگزیده هایش معرّفی کنیم.

پدرمان در خاطراتش با شوق و ایمان عجیبی قلم بدست گرفت و از آنجا شروع کرد که در محیطی علم آور

سرد و بیروح نشو و نما کرد و راه خود را انتخاب نمود.

کتاب برگزیده هایش عصاره و چکیده متجاوز از هزار کتابی است که در طول عمر مطالعه نمود. اگر میگوئیم

او مرد رنج بود بخاطر حقایقی است که در نوشته های دلنشین و عبرت آموزش دیده میشود.

او برای نیل بمقصود اندیشید سپس کار کرد و به کمک کار شبانه روزی موانع را یکی پس از دیگری از برابرش برداشت

تفکرات زیاد و تجربه های فراوان او موجب گردید که بسوی هیچیک از لذتها روی نیاورد حتی از خوردن و خوابیدن

زیاد امساک میورزید، مطالعاتش از نوجوانی شروع و تا قبل از مرگش ادامه داشت.

او در روز بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و یک شمسی در اصفهان بدنیا آمد و شصت و دو سال بعد در یکروز سرد زمستانی در تهران دیده از جهان فروبست.

پدرش مرحوم غلامرضا ذوالفقاری به حسن سلوک و مردمداری مشهور بود و مرحوم پدرمان تا واپسین دم حیات از او به دیده تکریم و ستایش یاد میکرد. فرزندش تا خود را شناخت روی پای خودش ایستاد، زحمت کشید و زندگی خود را تأمین نمود. بموازات کار در اصفهان با گروهی از بزرگان علم و ادب و سیاست آشنا شد و در نتیجه توانست در مجامع مختلف سخنرانی کند.

در شبانه روز بویژه از چهل سالگی ببعد جمیع اوقات عزیز خود را با پشتکاری عجیب که از خصایص وی بود صرف مطالعه کتابهای مختلف میکرد و آنچه که برای زندگی مردم اهمیت انسانی مؤثر و عبرت انگیز بود یادداشت مینمود.

خوانندگان گرامی میدانند در جهانی که ما زندگی میکنیم بسیاری از بزرگان دین و علم و ادب و سیاست و اقتصاد و صنعت سخنان اندیشمندانه ای گفته و یا نوشته اند، بطوریکه تعداد زیادی از کتابها و رساله ها مملو از سخنان نغز و متفکرانهٔ آنهاست. بزرگان و مبشران سعادت بشری انسانها را بسوی حقایقی که در زندگی موجود است دعوت کرده اند و معتقدند که باید انسانها را به رنجها و شادمانیهای معنوی عمر کوتاه آشنا ساخت تا ایام زندگی را به بطالت و پوچی بسر نبرند.

نویسندگان و شعرا با قلم قدرتمند و دیدگان ژرف بین و با بیان دلنواز و جان بخش عظمت و شکوه کائنات و رمز

زندگی واقعی را بیان، تجزیه و تحلیل کرده‌اند. مرحوم ذوالفقاری دست علاقمندان را میگیرد. پدرانه و دوستانه آنها را بسوی این زیبائیهای معنوی رهنمون میسازد.

شعار پدرمان این بود که نباید فضیلت را فدای هوسها و مادیات نمود. فکری که برای تهیهٔ این کتاب در مخیله اش خطور کرد تجلی این اندیشه است که باید در عصر تسلط بر فضا و صنایع گیج کننده یار و یاور انسانها بویژه جوانان و خانواده‌ها باشیم.

کتاب **رهنمون** سیری متفکرانه و گرایشی است برای اصلاح اخلاق اجتماعی که مولود چهل سال مطالعهٔ اوست و بنا به علاقهٔ خاص آن روانشاد با خط نستعلیق توسط هنرمند گرامی آقای حسین خسروی عضو و مدرس انجمن خوشنویسان ایران که لازمست از حسن اخلاق و پشتکار ایشان که متجاوز از یکسال صرف تحریر این کتاب نموده‌اند تشکر و سپاسگزاری نمائیم. در قطع وزیری با هشتصد و اندی صفحه تقدیم خوانندگان ارجمند میگردد. امیدواریم هرگونه لغزشی را ضمن تذکر بدیدهٔ عفو بنگرند.

دراینجا اضافه میکنیم که در بخش های مختلف کتاب گاهی جملاتی که در انتهای آن حروف غ. ذ. ذکر شده بچشم میخورد که این جملات از آن شادروان میباشد.

تهران - آبان ۱۳۶۵ - محمدعلی و منصور ذوالفقاری

سخنی با خوانندگان

تو ای خوانندهٔ گرامی:

هر که هستی، با هر شغل و مقام و هر سنّی بارها و بارها در مبارزه با احساسات شکست خورده ای و قطرهٔ اشکی از شادی و یا غم در چشمانت پرورانده ای. شاید حال به دنبال آموختن مطالبی بیشتر و یا برای تفریح و سرگرمی و یا شاید برای گریز از مسائل و مشکلات بمطالب این کتاب روی آورده ای.

بگذار بگویمت که غم و اندوه را کنار بگذار، ببین که پروردگارت را از باران نعمات و الطافش سیراب کرده است. تو نیز غنچهٔ محبّت را بدست نسیم بسپار تا آشنایان و همنوعان را از پاکی و لطافت خود سرمست سازد. بیا و دیگران را دوست بدار خصوصاً کسی را که «پدربزرگ» نامش می نهند.

مگر زندگی چیست که از برایش جانها را با خار غم بیحرمت نمائیم و دلها را از برایش به ناله و فغان در بیاوریم؛ مقصود از اینهمه تلاش و رفت و آمد و غوطه ور شدن در عالم بدست آوردن رمز عشق و ایمان است و چنین است هدف و آرزوی تمامی شاعران و عاشقان. آری بزرگان آنانند که گرفتاریهای جامعهٔ بشریّت را ادراک کرده و برای یافتن راه چاره بپا خاسته اند و تمدّن موجود مولود رنجهای آنان است.

همچنانکه او نیز در زندگانی چنین مسلک و مرامی داشت، سوختن و بدیگران روشنائی بخشیدن آسمان از فراق او دلتنگ و ملول است چراکه دیگر از او سخن بمگویید او دیگر در میان ما نیست.

زیبائی مهتاب گاه با پوشش ابری زائل میگردد حال آنکه نام او چون ستاره‌ای درخشان بر صفحه گیتی پرتو افکن و جاوید خواهد بود. خوشا بحال آسمان علم و دانش و ایمان که چنین نگینی در بر دارد.

گزیده‌ای از عسل کندوان و ترنم نغمهٔ بلبلان، گوهری که نوشته‌هایش به زیبائیها جان میدهد و حقایق را تا اعماق وجود سیر میدهد، چه بسیارند زندگیها که در پناه یک جملهٔ حکمت آمیز پا برجا میمانند و دوستیهائی که از یک سخن حکیمانه بار مستحکم میگردند.

هر گلبرگ کلمات نهفته در این کتاب با بوی خوشش کدورت دنیای آگنده از گرد و غبار را از روح انسان میزداید و او را به آفرینش خدای مهربان نزدیکتر میسازد.

و این شهد چکیدهٔ رنجهای مردی است که از آغاز زندگی یکدم از وقت خود را به غفلت و بیهودگی نگذارند و قلب پر عطوفتش موظف شد تا از هر شاخه‌ای گلی بچیند و امروز خرمنی از گل را به انسانها تقدیم کند تا در راه پرپیچ و خم زندگی همواره پیرو پاکی و انسانیت باشیم. او که برای نیل به مقصود چون دژی مستحکم طوفان حوادث را هیچ گرفت، تا مرهمی برای زخم خوردگان و آبی برای سیراب کردن تشنگان بدست آورد.

بزرگمردی که رفتارش به پاکی و شایستگی بلندای آسمانهاست آنچنانکه نه من و نه احساسات من هیچیک قادر به وصف صفاتش نیستم.

اما زهی سعادت که ما حصل عمرش را با اوراق زرین این کتاب عرضه کرد و نامش را برای همیشه جاودان ساخت.

پس ای عزیز :

بیا تا خاطرات و حوادث و تألمات را بدست فراموشی بسپاریم .

بسوئی رویم که نغمه بلبلان و بوی خوش گلها ، معانی نگاهها و رمز اشکها و کلید اسرار همه را مترجم است و تنها ترا اجازه میدهد تا دمی در این بوستان بوجد آئی .

بیا که آمدنت شادی و امید و موفقیت بهمراه دارد چراکه رمز زندگی در اینجا گرد آمده است ، داروی دردها شبنم گیاهان ، رسم مروت ، ایمان و انصاف ، داستان پروانه و شمع همه اینجا نهفته است .

دروازه گنجینه محبت کنون باز است و ترا می طلبد . پس باز آ که به محفل گل و شمع و دوستی خوش آمدی .

به یاد پدربزرگ مهربانی که مرا با علم و قلم آشنا کرد .

کلاس سوم دبیرستان - نوه اش فریبا ذوالفقاری

فهرست

فهرست

از سخنان حضرت محمد (ص)

عادلترین مردم کسی است که آنچه را بر خود نمی‌پسندد بر دیگران نپسندد.

هیچ ثروتی نیرومندتر از عقل نیست.

از اخلاق مؤمن تملق نیست مگر در جستن دانش.

بجوئید دانش را هر چند در چین باشد.

بین دانشمند و عابد فرق بسیار است دانشمند صد پایه از عابد فزونی دارد.

دانش اندک بهتر است از عبادت بسیار.

داناترین مردم کسی است که دانش مردم را بدانش خود جمع کند.

علم گنج و کلید آن سؤال است پس سؤال کنید.

مؤمن همواره در جستجوی حکمت است.

امید و آرزو رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمیداد و باغبانی درختی نمی‌نشانید.

از سخنان حضرت علی ع

آنکه تواناتر است آسانتر میبخشد .

آنکه انتقام میکشد یکروز خوشحال است و آنکه میبخشد یک عمر .

بالاترین بخششها رسانیدن حق است به صاحبش

بیدادی که بر تو وارد میشود در عفو آن مختار هستی اما بیدادی که به دیگران وارد میشود

اندازه توانائی از آن بخشی و تا شرف آدمیت در وجود تو باقی است باید در رفع ظلم

با تمام توانائی خود بکوشی .

پوزش و عذرخواهی دلیل خردمندی است .

علم نعمت بزرگی است که در زندگی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار

درخشان خواهد بود .

هر کس گفتارش راست باشد بزرگیش افزونی یابد .

حقگو باشید و با صریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید .

من گنجینهٔ حافظه ام را که پر از خاطره های تلخ و رنج آور

و دیرپای زندگی است به دنیا و آخرت نمی دهم

در لحظاتی که تنها نشسته ام و با آنها سرگرمم و اینها بودند

که مرا از سختیها و مذلّت ها نجات دادند، هر خاطره ای چون

مروارید و ستاره ای درخشان در افق زندگیم درخشندگی

خاص دارد. آه خاطراتم، آه خاطراتم.

غلامحسین ذوالفقاری

زندگی آنقدر طولانی نیست که تمام تجربه های آن را عملاً

به ثبوت برسانیم برای پیشرفت و آسایش بهتر تا میتوانیم

باید از تجربه های دیگران استفاده کنیم .

غلامحسین ذوالفقاری

یکبار شکست خوردم، دوبار موفق نشدم چیزی که مرا
وادار کرد که بکوشش ادامه دهم و تسلیم ناملایمات
و مشکلات و موانع زندگی نشوم اراده بود.

غلامحسین ذوالفقاری

غرور و خودخواهی نماینده شکست و ذلّت است

هر وقت غرور قیام کرد منتظر شکست فوری باشیم

غلامحسین ذوالفقاری

همیشه در زندگی نه تملّق گفته ام و نه متملّق را بعنوان دوست

انتخاب کرده ام.

غلامحسین ذوالفقاری

بیشتر سختی های زندگی در اینست که میکوشیم از حقیقت آن بگریزیم.

غلامحسین ذوالفقاری

تمام دردهای جسمانی از خواهش‌های بیجای
نفسانی بوجود میآید

غلامحسین ذوالفقاری

وای که چه دشوار است انسان در تنهائی پیر

شده و در بی کسی بمیرد.

غلامحسین ذوالفقاری

آرزو - امید

آرزو ریشهٔ حیات ماست. اگرچه این ریشه حیات ما را بتدریج میسوزاند، ولی همین ریشه مایهٔ زندگیست. **نیلی**

آرزو کردن چقدر شعف انگیز است! اما وقتی بآرزو رسیدیم شعف از درون ما رخت بر میبندد. **نیچه**

آماده شدن برای دستگیری از پیران، وفاداری دربارهٔ دوستان و مهرورزیدن بمردم آرزوی من است. **کنفوسیوس**

آن توقع و آرزو عاقلانه است که از دست خودمان برآید. **حجازی**

آینده متعلق بکسانیست که در آرزوی آن هستند و بدان ایمان دارند. **؟**

آینده ها بنظر بزرگ جلوه میکنند اما وقتی که گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند. **مترلینگ**

آنکه امید را از دست میدهد، خیلی چیزها را از دست میدهد. **مثل اسپانیولی**

از آرزوهای دور و دراز دوری نمائید چه جز خستگی روح و ملال خاطر باروبری ندارد. **ولتر**

از دست دادن امیدی پوچ و آرزوئی محال خود موفقیت و پیشرفت بزرگی است. **شکسپیر**

اطراف و جوانب هر نگرانی را بدقت ملاحظه کنید و از خود بپرسید، طبق قانون بطور متوسط چند درصد این چیزیکه شما را نگران کرده ممکن است اتفاق افتد. **دیل کارنگی**

افسوس که پیش بینی های بشر در کار آینده قطعی الوقوع نیست و حتی دربارهٔ یکی از آنها هم نمیتوان بطور صریح -

و ثابت حکم نمود. و بسا که یک عمر آرزو در یک لحظه نابود گردیده است — نظام وفا کاشانی

افکار خوب معمار و آفریننده هستند و آرزو قلابی است که هر چیز را بجانب ما میتواند بکشد. — دیل کارنگی

اگر آرزومندید که بسعادت برسید پیش از آنکه خود عبرت دیگران شوید از دیگران پند و عبرت گیرید. — حضرت امیر (ع)

اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید. — ؟

اگر روزگاری شأن و مقامت پائین آمد نا امید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین میرود تا بامداد روز دیگر بالا بیاید. — افلاطون

اگر از انسان امید و خواب گرفته شود بدبخت ترین موجود روی زمین میشود. — کانت

اگر کسی در راه رسیدن آرزو قدم بردارد. دائماً از لذت وصال برخوردار است. — ؟

اگر میخواهی خوشبخت باشی جز آنکه برایت مهیاست آرزو مکن. — لارشفوکوله

اگر «فقط» را باعث امیدواری و استقلال خود میدانید هرگز بآرزوی خود نخواهید رسید. — هنری فورد

اگر مأیوس باشید فقط هدف را باخته اید، ولی دم مرد دهم هدف و هم زمان را میبازد. — ؟

اگر تا کنون به نصف آرزوهایتان رسیده اید. بدون تردید زحمت شما دو برابر شده است. — ایبسن

امید و آرزو رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نمیبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و باغبانی درختی نمی نشانید. — حضرت محمد (ص)

امیدوارترین مردم کسی است که اگر نقصی در کارش پدید آید بی تأمل در راه اصلاحش بکوشد. حضرت امیر (ع)

امید سرابی است که اگر ناپدید شود همه از تشنگی خواهیم سوخت. حجازی

امید و آرزو آخرین چیز است که دست از گریبان بشر برمیدارد. روسو

امید عافیت و نیکوئی. آخرین و بهترین کامرانی های آدمی است. ؟

امید غذای روزانهٔ بیچارگان است. هرشل

امید داروئی است که شفا نمیدهد اما درد را قابل تحمل میکند. مارسل آشار

امید مادر ایمان است. لاندور

امید نان روزانهٔ آدمی است. تاگور

امید رفیق تیره بختانی است که از دست ساقی دهر جرعهٔ بی مهری نوشیده اند. اعتصام الملک

امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرندگان. هوگو

امروز مردم با امیدهای موهوم و استفاده های آنی بهم نزدیک و بواسطهٔ توقعات بیجا و گمانهای باطل از هم دور میشوند. نظام وفا

امیال رشک آمیز مانند زنگ روح را میخورد. دیوژنش

امید نصف خوشبختی است. مثل ترکی

انسان درعین نومیدی امیدوار است .

اعتصام الملک

انسان بوسیلهٔ برآوردن تمایلات خود نمیتواند بلذت و شادکامی برسد. بلکه درصورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد که پا بر سر این تمایلات بگذارد .

آندره ژید

ای امیدهای دورهٔ زندگی اگر شما نبودید و بروی این حیات پر از مصیبت تبسم نمیکردید بشر چگونه زنده میماند . ؟

این جملهٔ کوتاه حاوی جمیع نصایح است : امیدوار باش امید بشر مثل بال برای پرندگان است . هوگو

ایده آل اندیشه هائیست که تحقق آنها مربوط بمبارزه است .

ادی زیرژیل

ایده آل پیشاهنگ هوش است .

مان

ایده آلهای ما پاکتر از ما هستند .

آلکوب

ایده آل انسان انسانیت است .

؟

ایده آل نیروی شگرفیست که دنیا را زنده نگاه میدارد .

؟

باید اعتراف کنیم که منبع بدبختی ما دنیائی است که در سینه داریم نه دنیائی که ما را احاطه کرده است . غالباً آرزو میکنیم که از بدبختی و فلاکت در امان باشیم و در عین حال بپای خود بطرف ورطهٔ بدبختی میرویم . لودآویبودی

باید هوش و مهارت خود را بکار ببریم . چیزیکه دیروز غیر ممکن بود امروز دشوار است . فردا با خوشی و رضایت قبول خواهد شد .

؟

بامید فکر و کوشش خود باشیم نه بانتظار بخت و اتفاق . حجازی

بدبختی عبارت است از اینکه ندانیم چه آرزوئی داریم و برای رسیدن بآن هزار جور مشقت را تحمل کنیم . موریل اولاکس

برای همه کس خوشبختی یک معنی بیشتر ندارد : رسیدن بآرزوی موهوم . سعید نفیسی

برای تحقق آرزوی تو ، خواه امیر باشی خواه گدا ، در برابر طبیعت فرق نمیکند و برای همه یک بها معین شده است و آن فداکاری و از خود گذشتگی است . دکتر ماردن

برای رسیدن بآرزوئی باید دهها آرزوی دیگر را سر برید . ؟

بزرگترین امید آنست که امید را به قصد کشت کتک بزنیم . جان اشتنبک

بسا اتفاق میافتد که در جستجوی یک سعادت خیالی برمیآییم و خود را گرفتار هزاران مصیبت واقعی مینمائیم . ابو العلا

بشر وقتی در خانه اش نشسته است خواهان حادثه ای در زندگی و هنگامیکه دچار حادثه ای میشود طالب زندگی آرام در خانه است . وایلد

بهترین وسیله برای فتح و پیروزی انسانی امیدواریست ! اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید . ؟

بیم و امید از هم جدا شدنی نیستند : امید بدون بیم و بیم بدون امید وجود ندارد . لاردشفوکوله

تصور همیشه بر پایه امید است ، تا وقتیکه احساس میکنیم امیدواریم . ؟

تنها یک امید و یک هدف همگی ما را تحت تسلط خود درآورده است و آن اینستکه هرطور شده خود را به بهشت تحملی و بیهودگی و لذت برسانیم و بخاطر آن روح را بکشیم و جسم را خوار کنیم .

بالزاک

تا رمقی از جان باقیست امیدی هست .

مثل انگلیسی

چرخهای سنگین و زنگ زده زندگی با دستهای نامرئی امید میچرخد .

دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

چه باید کرد : ای انسانها ؟ باید رنج بریم . لب فرو بندیم . ستایش کنیم امیدوار باشیم . و بمیریم .

پاسکال

چنان زندگی کن که وقت مردن آرزو خواهی کرد و با هرکس چنان رفتار کن که از او توقع داری .

کنفوسیوس

چون زندگی مادریاست امید به لنگر گاهی تشبیه شده است که در مواقع طوفانی بدان پناه میبریم تا بتوانیم بروی پای خود بایستیم .

پول بیل

حتی با پیران نیز امید بگور نمیرود . زیرا هرچند مسیر آن با مرگ طبعاً متوقف میگردد لیکن اینجا هم امید تخم میگذارد . با ز امید میرویید .

شیللر

حیات بی امید همدوش و همسفر ممات است .

اعتصام الملک

خداوند وقتی میخواهد کسی را فاسد سازد او را به همه آرزوهایش میرساند .

اسکار وایلد

خدا امید و خواب را برای جبران غمهای زندگی بما ارزانی داشته است .

ولتر

خردمند بکار خویش تکیه کند و نادان به آرزوی خویش .

حضرت امیر (ع)

خوشبختی در این است که شخص بداند چه میخواهد و آنچه را آرزو دارد مشتاقانه بخواهد .　　فیلین ماریسر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند .　　؟

خوشبختی وجود ندارد و ما خوشبخت نیستیم . اما میتوانیم این حق را به خود دهیم که در آرزوی

آن باشیم .　　آنتوان چخوف

دامنهٔ آمال و آرزوی انسان انتهائی ندارد . سعادتمند کسیکه با فکار بی اساس و آیدآلهای بی معنا دل نبندد .　　؟

درصدد مباش کاری کنی که چیزهائیکه برایت پیش میآید آنگونه پیش آمد کند که تو آرزو داری . بلکه چیزهایی را که پیش

میآید آنگونه که هستند آرزو کن در اینصورت آرامش خاطر خواهی یافت .　　اپیکته توس

دست طبیعت امیدهای انسان را در هیچ حدود و ثغوری محصور نساخته است و آرزوهای بشری

هرگز حدی نمیشناسد .　　کندورسه

دنیا بامید برپاست و آدمی بامید زنده است .　　امثال وحکم دهخدا

راه زندگی پر از موانع و مشکلات است ، تنها کسی میتواند از این راه پرخطر عبور کند که روحش از امید لبریز

باشد و نومیدی در وی نفوذ نکند .　　لرد آویبوری

راستی اگر احلام و رؤیا های ما را از ما میگرفتند ، چگونه میتوانستیم حقایق ملال انگیز این زندگانی مسکین و

پست را تحمل کنیم .　　؟

زیاد زیستن تقریباً آرزوی همه میباشد. ولی خوب زیستن آرمان یکعده معدود. — ج. هیوز

سراب امید هرچند ما را میفریبد. اقلاً دوره زندگی ما را بخوشی بآخر میرساند. — هامرلینگ

سودمندترین دارو ها، ما کردن آرزوهاست. — حضرت امیر(ع)

شهوات و امیال چون نسیمی هستند که در بادبان کشتی افتاده بحرکتش میآورند. صحیح است که افراط آن سبب غرقش میشود لیکن بی وجود آن کشتی را یارای حرکت نیست. هرچیز در این جهان خطرناک و در عین حال لازم است. — ولتر

عاملیکه این گونه زندگی را بر ما غم انگیز ساخته پیری و پایان لذتها نیست بلکه قطع امید است. — شکسپیر

عده ای از مردم در زندگی بمرحله ای میرسند که ظاهراً تمام منابع قدرتشان بپایان میرسد و نقطه امیدی در زندگیشان باقی نمیماند. درحالیکه در وجود آدمی منابع قدرت عظیمی پنهان است که هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. — دیل کارنگی

قدرت شگرف نیروهای خلاقه و استعدادهای نهفته آدمی هنگامی نمایان میشود که احتیاج مبرمی وارا و را بفعالیت وادارد و کشش آرزوئی سراپای وجودش را به تقلا وادارد. — ابراهام لینکلن

کسیکه امیدواری را وسیله معاش خود قرار بدهد احتمال دارد از گرسنگی بمیرد. — فرانکلین

کسیکه هرگز متوقع و امیدوار نیست، هرگز روی نومیدی و خلاف انتظار نمی بیند. — برنارد شاو

کسیکه با امید تحصیل شهرت پیرو فضیلت و تقوا میگردد خیلی نزدیک بفسق و فساد قرار دارد. ناپلئون

کسیکه به طرف جلو نگاه میکند عقب میماند. ؟

گذشته مکان یادگارها، آینده مقام امیدها و حال جایگاه تکلیفها است. رشید یاسمی

گریه چرا؟ فتح را آرزو کنید. استفن گرین

ما نباید امیدوار باشیم که دنیا قوانین و نظامات و مناظر و آثار خود را برای خشنودی ما تغییر بدهد زیرا او هرگز تغییر نمینماید

بلکه این ما هستیم که تغییر میکنیم و اگر روزی از محیط کنونی خارج شدیم احتمالاً آنرا طور دیگر خواهیم دید. مترلینگ

ما همه کودکانی هستیم که چون در خواب میرویم رؤیای سعادت می بینیم و چون بیدار میشویم بجز تیره روزی

تعبیری نمی یابیم. ولتر

مانند سایه ها، هرچه خورشید زندگی و عمر بیشتر رو بغروب می نهد، آرزوهای ما دورتر و درازتر میگردند. دکتو یانگ

متانت ریشه امید است و امید کلید کامیابی. ایرانشهر

مردم بینوا و تیره بخت درمانی جز امید ندارند. شکسپیر

مقصرترین مردم کسانی هستند که روح مأیوس دارند. ناپلئون

مگسی میگفت کیست مرا به عسل برساند و دو درهم مزد بگیرد، چون بعسل میرسد، در آن فرو میرود، آنگاه میگوید کیست

که مرا از این مهلکه نجات دهد و من با و چهار درهم مزد بدهم. ؟

من تمام توفیق های خود را مرهون امید هائی هستم که در دوران جوانی در قلب خود پرورش میدادم . ناپلئون

موقعیت از آن کسانی نیست که هرگز دچار ناکامی نمیشوند بلکه متعلق بآنهائی است که هرگز از تجدید مبارزه بیم و هراسی ندارند .

هانری فاکپ

مایوس مباش زیرا ممکن است آخرین کلیدی که در جیب داری قفل را بگشاید .

؟

میتوانم با گفتن و اندیشیدن خود را فریب دهم و تقریبا باور کنم که امیدی دارم و همین خود در راه زندگی توشه ایست ؟

ناامیدی نخستین گامی است که شخص بسوی گور برمیدارد .

ناپلئون

وقتی اسکندر کبیر به تخت سلطنت مقدونیه نشست هرچه املاک و اراضی از پدرش بارث برده بود بین دوستانش تقسیم کرد . پیرومکاس از او پرسید پس برای خودت چه نگاه خواهی داشت ؟ در جواب گفت . امید . که بزرگترین دارائی و تملک انسان است .

اسمایلز

وقتی با دوستان بسر میبریم دیگر آرزوئی نداریم .

لابرویر

وقتی میمیرم . دلم میخواهد که مشتی از خاکستر مرا برود گنگ بیفشانید ... بقیهٔ خاکستر مرا با هواپیمائی بآسمان برده و بر مزارعی در خاک هند بپاشید . که در آن دهقانان بکار مشغولند . باشد که خاکسترم چنان با خاک وطنم درهم آمیزد که جزء غیر قابل تشخیصی از آن باشد .

از وصیت نامه نهرو که بعد از مرگش علنی شد

ویکتور هوگو در پانزده سالگی روی دفتر یادداشت خود نوشته بود که . من میخواهم شاتوبریان باشم . یا هیچ نباشم

سرانجام برتر از آن نویسندهٔ نامدار شد. — آرزوی ویکتور هوگو

هرچه کمتر آرزو داشته باشید محرومیتهای شما کمتر است. — پلوتارک

هرکس مایل است در میدان زندگی دارای برتری بیشتری باشد و بطریقی برتری خود را بدیگران نشان بدهد، و اگر باین آرزوی خود نرسید دنبال راههای کج و غیر طبیعی برای برتری خودش خواهد رفت. — ؟

هرکس در جهان آرزوئی دارد: یکی مال میخواهد، یکی افتخار، یکی جمال، لیکن بعقیدهٔ من یکدوست حقیقی از تمام اینها بهتر است. — ؟

هروقت در آسمان حیات خود قطعه ابری مشاهده کردیم نباید همه چیز را سیاه و ظلمانی پنداریم و بایستی متوجه آفتاب و روشنائی کامل هم که در پس آن ابرهای موقت موجود است بشویم. — اسمایلز

همیشه باید با واقعیت زیست، نه با وهم و خیال. — مری استوارت

هماره عزم، مرا از خانهٔ مذلت در دارد، و از شهری کوچم دهد و بشهر دیگر افکند. اگر پای رسیدن آرزو در میان نباشد ورود مرگ را خواستارم. — سید رضی

همین قدر که برای بدست آوردن آرزوئی اراده کنیم یک گام بلند در راه نیل بدان برداشته ایم. — سی فوستر

هنگامیکه امید در کسی بمیرد کینه و انتقام در او زنده میگردد. هرقدر امید کمتر باشد، عشق بزرگتر است. — ترنس

هر روز بلندی را پایانی است. — مثل آمریکائی

یأس در کارها یک نوع خودکشی است. بواقع وقتی قطع امید میکنی. گوئی از زندگی رشتهٔ پیوند بریده ای. ؟

یگانه تسکین دهندهٔ آرزوهای طلائی دو چیز است؛ صبر و امید. الکساندر دوما

یا آرزو و امید پیروزی. یا مرگ و نیستی. برای انسان آرزو و امید، همچون آب برای ماهی است. غ. ذ

از آن آبی که در من لاله کارد ساتگینی ده — کف خاکی مرا ساقی بباد فرودینی ده

بجانم آرزوها بود و نابود شمرداند — شبم را کوکبی از آرزوی دل‌نشینی ده

اقبال لاهوری

با همه جرمم امید، با همه خوفم رجاست — گر درم ما مس است، لطف شما کیمیاست

چون عرصه تنگ بند مدد رخصت پرواز — رو آرزوی نعمت بی‌بال و پری کن

مخوان از درم باز که از جان آرزومندم — بر دیدار تو خشنودم به گفتار تو خرسندم

در باغ امل شاخ عبادت منشانید — ور بحر عمل دُرّ مکافات برآید

سعدی

صد وعده امید بدل داده‌ام دروغ — چون من مباد هیچکسی شرمسار خویش

صائب تبریزی

غره مشو که مرکب مردان راه را — در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند

نومید هم مباش که رندان جرعه‌نوش — گاهی به یک ترانه بمنزل رسیده‌اند ؟

فریب جلوه نماهای آرزو خوردم — ره سراب گرفتم ز آرزو، مُردم

صدارت

کیم من؟ آرزو گم کرده‌ای تنها و سرگردان — نه آرامی نه امیدی نه همدردی نه همراهی

رهی معیری

من وصل یارم آرزو . او را بسوی غیر رو — نه من گنه کارم نه او کار دل است این کارها

آذر بیگدلی

مگر که باز این دل پر آرزوی من که مدام — سوخت در آتش بیداد سراپا بدنم

سر یک آرزوی خویش نهادم تا پای — آرزوی دگر از دل بدر آمد که منم

آرزوها همه چون خرمن انباشته شد — کو؟ جنونی که در این مزرعه آتش فکنم

ضیاءالله خضیلی

هنوز هم که هنوز است داغ او دارم — بیار او همه شب گریه در گلو دارم

ز نقشهای فریبنده جهان خیال — جمال اوست اگر نقش آرزو دارم

عبدالرفیع حقیقت

همین نه مشتاق در آرزویت مدام گیرد سراغ کویت — تمام عالم بجستجویت بکعبهٔ مؤمن بدیر ترسا

مشتاق اصفهانی

آزادی

آنکه ترک شهوات کرد آزاد شد .	حضرت امیر (ع)
آنکه خوشی خود را در رنج دیگران بجوید هرگز روی خوشی را نمی بیند .	بودا
آزادی شخص جاهل و کودک نادان سبب هلاکت و نابودی آنها می شود ...	محمد مسعود
آزادی حقیقی آن نیست که هر چه میل داریم انجام بدهیم بلکه اینستکه آنچه را که حق داریم بکنیم .	ویکتور کوزن
آزادی متعلق به یک نفر نیست مال همه است .	هربرت اسپنسر
آزادی فقط در عالم خیال وجود دارد .	شیللر
آزادی تلاش خردمندانه آدمی در جستجوی علت حادثه هاست .	هربرت مارکوزه
آزادی محدود کردن قدرت دستگاههاست نه اضافه کردن آن .	ویلسن
آزادی عبارت است از امکان انسانی برای هر نوع ترقی و تکامل .	دکتر شفق
آزادی حقیقی آن نیست که قانون بردار نباشد بلکه فقط مطیع قوانین درونی خویش بودن است .	تن
آزادی عبارت از اینستکه شخص مجبور نباشد برخلاف مقررات قانون کاری انجام دهد .	منتسکیو

آزادی ما از نقطه ای شروع میشود که آزادی دیگران خاتمه یابد .

هوگو

آزادی برای بسیاری از مردم سرمایه دکان است و برای یک تن از هزاران سرمایه جان .

سعید نفیسی

آزادی در کشورهائی ممکن تواند شد که حس ادای وظیفه بر هواپرستی غالب باشد

لاکو

آزادی مطلق در هیچ اجتماعی وجود ندارد و اساساً وجود اجتماع با آزادی مطلق قابل جمع نیست بنابراین هرجا صحبت آزادی و حریت میشود منظور آزادی نسبی است و تفاوتیکه در میان اقوام مختلف بوده و هست در حدود این آزادی نسبی است .

علامه سید محمد طباطبائی

آزادی این نیست که هرکس هرچه دلش خواست بکند . بلکه آزادی حقیقی قدرتی است که شخص را مجبور بانجام وظایف خود میکند .

ماکدونالد

آزادی بزرگترین عطیه و موهبتی است که بانسان عطا شده و در قبال آن تمام نعمات و عطایای دیگر پوچ و ناقابل و بیمصرف است .

اپیکتوس

آزادی عبارت است از اینکه یک فرد یا جامعه در پیروی و گفتن و نوشتن حق ، و بکار بستن بحق اختیار کامل داشته باشد

دکتر شفق

آزادی تنها ارزش جاودانه تاریخ است .

البر کامو

آزادی چیزی است شبیه سلامت این هر دو را تا از دست نداده ایم قدرشان را نمی شناسیم .

والتود

آزادی هیچوقت انتظار ما را ندارد. ما باید در طلبش از دل و جان دریغ نکنیم. چه در هیچ جایی از زوایای تاریخ سراغ نداریم آزادی و دموکراسی سهل و ساده تحصیل شده باشد. — امرسون

آزادی اندیشه و قلم و زبان و مجامع و شغل و مسکن و غیره موجب آبادی و عمران ممالک است. — دهخدا

آزادی، دریائی متلاطم و طوفانی است، مردان ترسو آرامش استبداد را بر این طوفان ترجیح میدهند، — توماس جفرسن

آزادی را فقط در مجسمه آن یافتم. — روسو

آزادی باده ایست که هزار تن آن را برای بدمستی مینوشند و یک تن برای سرمستی. — سعید نفیسی

آزادی رفتار، برای کسی میسر است که تنها در بیابانی زندگی کند. — حجازی

آنکس که مالک نفس خویش نیست آزاد نیست. — اپیکتوس

نبودن آزادی از زیادش بهتر. — مثل روسی

آزادی که باشد پیر مرد هم پهلوان میشود. — مثل مجارستانی

آزادی زیاد بی بند و باری زن خوب را هم فاسد میکند. — مثل روسی

اسکندر مقدونی دیوژن حکیم را دید بدقت به بقایای اسکلت یک انسان نگاه میکند. از او سؤال کرد دنبال چه میگردی؟ دیوژن گفت: دنبال چیزی میگردم که پیدایش نمیکنم و آن عبارت است از فرق موجود بین استخوانهای پدرت و استخوانهای بردگان پدرت. — پلوتارک

افراط در آزادی در بین افراد یا در کشور به بردگی میانجامد... و شدیدترین نوع استبداد از افراطی ترین نوع آزادی پدید میاید. وقتی آزادی افسار گسیخته شود استبداد نزدیک میشود.

سقراط

افسار گسیختگی هرزه گوئی و یاغیگری با مفهوم مقدس آزادی که برای تفوق هر استبداد و ظلم باید فرشته رحمتش نامید هزارها فرسنگ فاصله دارد.

ویلیام دوکلاس

اگر دین ندارید لااقل در دنیای خویش آزاد باشید.

حضرت امام حسین (ع)

اگر در روح کسی حس استقلال نباشد آزاد نمیتواند باشد.

حلمی ضیاء

اگر ملتی چیزی را بر آزادی ترجیح دهد همه چیز را از دست خواهد داد.

سامرست موام

انسان آزاد خلق شده است ولی در میان قیود بدنیا میاید.

فیللر

انسان تا زمانیکه در اطراف خود ظلم و جور می بیند، سعادت حقیقی نخواهد داشت.

صادق هدایت

انسان در همان لحظه که تصمیم میگیرد آزاد باشد آزاد است.

ولتر

ای آزادی چه جنایتها که بنام تو مرتکب میشوند.

مادام رولانه

ای آزادی با کمال تأثر میگویم، بشر سزاوار تو نیست.

تودگر

باید آزادی را موقتاً از دست داد تا بتوان برای همیشه آنرا حفظ نمود.

مونتسکیو

با دادن آزادی به بردگان آزادی مردم آزاد را تأمین میکنیم.

لینکلن

با نان خشک زندگی کردن و با آرامش خاطر بسر بردن بهتر از تکیه بر اریکه سلطنت با دغدغه خاطر است. ؟

برای اینکه ما از بندگی همه آزاد گردیم باید همه بندهٔ قانون باشیم. سیسرون

بزرگترین افتخار قومیکه آزاد بدنیا آمده آنستکه این آزادی را به کودکان خود انتقال دهند. هاوارد

بسیاری از سیاستمداران این مطلب را سخت آشکار میدانند که نباید ملتی آزاد باشد مگر آنگاه که شایستگی استحقاق و اجرای این آزادی را داشته باشد این اندرز بکار دیوانه ای از یک داستان کهن میماند که تصمیم گرفته بود در آب نرود مگر آنگاه که شنا کردن را آموخته باشد. مکولی

بشریکه حق اظهار عقیده و بیان فکر خود را نداشته باشد موجودی زنده محسوب نمی شود. مونتسکیو

بمن آزادی بدهید، یا مرگ. پل هانری

بیچاره آدمیزاده شکمی دارد که میگوید: مرا پر کن وگرنه رسوایت کنیم. چون پر شد میگوید خالی کن وگرنه آبرویت را بر باد دهم. بینوا همیشه میان دو خطر رسوائی بسر میبرد. حضرت امیر(ع)

تا بشر روحاً و معناً آزاد نشود یعنی رفاه فکر و علو همت و قوهٔ گذشت از علایق جزئی در وی پیدا نشود نمیتواند آزادی اجتماعی و سیاسی بدست آورد هر ملت بهر اندازه اخلاقش عالی تر است بهره اش از آزادی بیشتر و هر قدر اخلاقش پست تر است بهمان نسبت از آزادی محروم تر است. حسینعلی راشد

تمام مردم آزادی را دوست میدارند ولی مهارت عجیبی در معدوم کردن آن بکار میبرند. ولتر

تنها آزاد شدن از چنگ حکومتی که به قهر و غلبه تسلط یافته کافی نیست باید روحاً و فکراً هم آزاد بود و گرنه مادامیکه مردم از آزادی معنوی بهره‌مند نباشند هزار گونه گرفتاری و اسارت و قید و شکنجه برای خود خواهند ساخت که بدتر از فشار یک حکومت مستبد باشد.

حسینعلی راشد

جای شک و شبهه نیست که فضائل انسانی همه بسته به آزادی است در خاک حاصلخیز آزادی است که ملکات فاضله انسانی ریشه میگیرد و پرورش میکند.

چارلز فوکس

جسم تو تنها برای آزادی تو نیست.

حکمت هندو

چگونه میتوان بدون تقویت روح انسان آزاد ساخت.

کاسپارن

چون در انجام کاری مردد باشی آنطرف را اختیار کن که بی‌آزارتر باشد.

سعدی

حق طرف راست و نیرو در طرف چپ و نور در پیشانی و خون در زیر پای ماست، مرگ بر آنهائیکه میخواهند زنده بمانند و آزادی را در حال مرگ به بینند.

ماکسیم گورکی

خاطره بشر از لغت شیرین تمدن و لفظ آزادی جز تطاول و غارت و مرگ و نیستی یادگاری ندارد. افسوس که چشم و دلهای اینگروه هوسران کور است و هر لحظه با نیرنگ تازه‌تری اغفال میشوند.

؟

خوابیدیم و در خواب هم از آزار در امان نبودیم.

ابوالعلا

درخت آزادی با خون شهیدانش آبیاری میشود.

برتراند دبارد

در یادداشتهای لینکلن که در موزه بوستون محفوظ است چنین آمده . همانطوریکه مایل نیستم بنده کسی باشم ، حاضر نیستم آقای کسی باشم .

زندگانی وقتی مقرون بسعادت است که توام با آزادی فکر باشد . — ویکتی بوم

زنان نجیب را نباید بی جهت در خانه محبوس ساخت . — مثل ایرلندی

شخص مقروض یک غلام حقیقی است . — ولینگتن

شوهر و بچه را هر چه در بازیهای خود آزاد بگذارید بیشتر به شما محبت پیدا میکنند . — مثل فرانسوی

صرفه جوئی را میتوان دختر دور اندیش خواهر میانه رو و پدر آزادی شمرد آنکه و لخرج است بزودی فقیر میشود و ناداری محرومیت از آزادی و فساد را در بر دارد . — جانسون

طالب لطف هیچکس نباش چه گوهر آزادی را عوض خواهی داد . — نامق کمال

طبیعت حتی به حیوانات زبان بسته نیز آزادی بخشیده است . — تاس توس

طلا و آزادی در هر جا که قدرشانرا نداستند فرار میکنند . — مثل آلمانی

عشق در ترس و بیم بوجود میآید و در آزادی شگفته میگردد . — ژاراد بوار

علل و اسباب خارجی ما را براه های مختلف پرتاب میکنند : ما همچون امواج هستیم که بادهای مخالف از هر طرف آنرا باسانی میبرد . — اسپی نوزا

غوغا کفی است که هنگام بجوش آمدن یک ملت بالا میآید . درایدن

فکر آزادی همسال و معاصر ظلم و تعدی است نهضت آزادیخواهی همیشه در اثر مظالم استبداد و شکنجه و آزار ستمگران بوجود آمده است . ویلیام دوکلاس

قامت مردانگی را در برابر اغیار به طمع درهم و دنیا خم مکن و طوق بندگی دیگران بگردن مینداز . ارزش آزادی و آزادگی را بدان و این گوهر شریف را در میان قلب گرم و خون مواج خویش معزز و محترم بدار . حضرت امیر (ع)

قبل از هر آزادی به من نعمت آزادی دانستن ، فکر کردن . باور کردن و از روی حق و وجدان سخن گفتن را اعطا کنید . میلتون

قول دهید که دو سال با من متحد باشید من قول میدهم که در دو ماه برای شما استقلال بدست آورم . گاندی

کسیکه برای حفظ جان خود از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی و سلامتی ندارد . فرانکلین

کسانی نومیدانه در قید بندگی هستند و به غلط چنان می پندارند که آزادند . گوته

کسانیکه مخالف آزادی دیگرانند ، خود لیاقت آزادی را ندارند . لینکلن

کسی شایسته آزادی است که هر روز بتواند به هوسهای خود چیره شود . گوته

کشور در صورتی دارای آزادی و استقلال است که افرادش آزاد و مستقل باشند منتسکیو

کشتی مانند زندان است تنها فرقش آنست که شما در کشتی شانس غرق شدن را هم دارید . دکتر جانسون

کسیکه زن ثروتمند بگیرد در حقیقت آزادی خود را فروخته است . مثل آلمانی

ما ترجیح میدهیم که آزادانه بمیریم اما یوغ اسارت بگردن نگیریم . — فرانکلن

ما که آزادی را دوست نداریم نمیتوانیم نان آزادی را بخوریم و اگر هم بخوریم آنرا هضم نخواهیم کرد . — گاندی

معنی حقیقی آزادی مسئولیت است و بهمین جهت است که اغلب از آن میترسند . — شاو

مقدس‌ترین چیزها برای انسان سلامت روح، هوش، عشق و آزادی مطلق است . — چخوف

ملتی که حقوق یک ملت دیگر را غصب میکند هرگز خود از نعمت آزادی بهره‌مند نیست . — چرنیشفسکی

ملت از راه آزادی به تعلیم و تربیت دست می‌یابد نه برعکس . — شاو

ملتی که آزادیش غصب شده هر قدر در ثروت و رفاه غوطه‌ور باشد از نظر بشریت باندازهٔ پادو مغازه ارزش ندارد . — ؟

من دشمن تو و عقاید تو هستم اما آماده‌ام در راه آزادی عقیده‌ات جان خود را فدا کنم . — ولتر

من اگر در بهشت باشم ولی بمن بگویند تو حق نداری جهنم را با این بهشت ترجیح بدهی از آن بهشت بیرون میروم . — ژان دوستان

مؤسسات آزادی‌خواهی برای فرمانروایانی که دوستدار قانون باشند بمنزلهٔ پناهگاهی است نه مانع . — تالیران

وقتی نهال آزادی ریشه گرفت بسرعت رشد و نمو میکند . — ژرژ واشنگتن

وقتی آدم زندانی است بهترین خاطرات برایش شیرین است، چرا برای اینکه آن اتفاقات بیرون از زندان اتفاق افتاده است . — ؟

هر امری که آزادی را به مخاطره اندازد شایان قبول نیست هرچند از مقامات عالی و اشخاص مقتدر صادر گردد . — سعد زغلول پاشا

هرکس در میان زنجیرها و بندهای فراوانی بدنیا میآید .

ویل دورانت

هر مرد باید در خانه اطاقی باندازه یک قبر برای خود اختصاص دهد و هر روز چند دقیقه ای از آن بگذراند ، فقط در آن دقایق

است که احساس آزادی مطلق خواهد نمود .

ایومونتان

هرکس باید سعی کند در حیات خود خشتی محکم بر اساس کاخ آزادی بگذارد .

اسپرت سیبل

هر جا دو نفر باشند یکی حاکم است و دیگری محکوم .

حجازی

هرکس قادر به تملک و اداره نفس خود باشد آزادی حقیقی را بدست آورده است

پوسلیس

همه باید بدانند و یقین کنند و تسلیم شوند که بنی آدم از بنی آدم آفریده شده و آدم از خاک بوجود آمده است ، و همه با هم یکسان

و برابریم یعنی سیاه با سفید و توانگر با تهی دست و شاه با گدا کوچکترین تفاوتی در برابر آزادی و مساوات نخواهند داشت . حضرت محمد

همه کشمکش و تحمل آلام و مشقات انسان در عرصه گیتی ، خواه این کشمکش موافق یا مخالف عقل باشد برای آزادی است . کارلایل

همه آزادیهای ما حکم یک بسته را دارد و اگر بنا ست یکی از آنها محفوظ بماند همه آنها باید محفوظ بماند .

؟

هیچ آزمندی نیست که آزاد باشد .

عباد شهریار

هیچکس نمیتواند آزاد باشد مگر وقتیکه همه از آزادی کاملاً برخوردار گردند ، هیچکس نمیتواند کاملاً از اصول اخلاقی

پیروی کند مگر اینکه همه اخلاقی گردند و بالاخره هیچکس نمیتواند کاملاً سعادتمند شود مگر اینکه همه سعادتمند باشند

اسپنسر

هرچه قفس تنگتر آزادی شیرین تر .

مثل آلمانی

هیچ نیروئی از نسل انسان بآزاد بودن قویتر نیست .

؟

سیروتوس بعد از آنکه قیصر پدرخوانده خود را در راه آزادی رم کشت گفت قیصر بمن خوبی کرده بود . او را دوست میداشتم ولی چون رم را بیشتر دوست میداشتم او را کشتم .

پل دوم

یکی از مختصات اصلی آزادی این است که آن را کاملاً از نظر فردی نمیتوان تصور و ادراک کرد آزادی هر فرد - بستگی خیلی نزدیک با آزادی دیگران دارد .

پول لانژون

منم آزاده و هر کز هیچ آزاد | چو بنده بر کشیده جور و بیداد

نباشد هیچ بیگانه ستمگر | نباشد هیچ آزاده ستم بر

ویس و رامین

پادشاهی نزد اهل معرفت آزادگیست | هر که بند آز و حب جاه از دل پادشاهیست

کحل خاک آستان کلبهٔ آزادگی | گر بخود دارد کسی چشم خرد را توتیاست

ره بمعنی بر که در صورت بهم مانند و نی | از یکی خیزد شکر وان یک ز بهر بوریاست

گر صفا خواهی ره وحدت سپر زیراکه آب | ز امتزاج خاک شد گه گهی گر با صفاست

میرسد خواری ز آمیزش بمرغ خانگی | عزتی گر هست عنقا را ز بهر انزواست

گنج عزلت گیر و دهقانی گذار ابن یمین | بر زمانی آنچه میکاریش در نشو و نماست

جستن کوکب احمر عمر ضایع کردنست | روی بر خاک سیه آور که اکسیر کیمیاست

ابن یمین

اجتماع

آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران مپسند. حضرت امیر(ع)

آیا همه برادر نیستیم؟ نوع بشر باید خود را برادر همدیگر بدانند شکسپیر

اسباب ریاست تحمّل است و بلند نظری. حضرت امیر(ع)

اگر مردم مرا نشناسند غصّه نخواهم خورد، ولی من اگر مردم را نشناسم افسرده خواهم شد. کنفوسیوس

اگر زنجیری بگردن دیگری بیندازید، سر دیگر آن بر گردن خودتان گره میخورد. امرسون

اگر نسل حاضر نمیداند بکجا میرود، دلیل آن اینست که رؤیای اجداد خود را تعقیب مینماید. ؟

انسان حیوانیست اجتماعی. سرنک

انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست، بلکه با تمام اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. تولستوی

افعی مهیب را دسته ای مورچه از پای در میآورند. مثل ژاپونی

اگر مدت چهل روز با مردم بسر بری یا مانند آنها میشوی یا آنها را ترک میکنی. مثل عربی

بهترین کار برای جذب قلوب مردم خیرخواهی و نیکوکاری نسبت به آنهاست. ناپلئون

بینوایان همواره در خدمت ما بزرگ و عزیزند و حکومت ما با تمام وسایل که در دست دارد، طرفدار و پشتیبان ایشان است. حضرت امیر(ع)

تنها انقلاب خطرناک، انقلاب گرسنگان است. من از شورشهائیکه بر بنای بی نانی استوار باشد بیش از نبرد با یک ارتش ۶۰۰۰۰ نفری بیم دارم. ناپلئون

تو بر روی زمین یکفرد واحد نیستی بلکه جزئی از کل و اندکی از بسیار باشی. ترا بر زمین از آن نهاده اند که با دیگر آفریدگان هماهنگ شوی و در بساط نمایش آفرینش به نوبت خویش ببازی بپردازی. پوشه

تو که از دیگران پیروی نمیکنی، چرا دیگران از تو پیروی کنند؟. سعید نفیسی

جمعیت شبیه به سیل است. جرعه هائی گوارا و جانبخش وقتی بهم جمع شد دیوانگیها و خرابیها میکند. حجازی

خوبیها و بدیهای اجتماع بدست ما ساخته شده است و بجای ناله جای آنرا دارد که در صدد رفع آن برآئیم. هوگو

در هر اجتماعی بیشتر قسم خورده شود، آن اجتماع خرابتر و مردمش دروغگوترند. حضرت امیر(ع)

در دنیا خفتگانی هستند که بیداریشان همچو بیداری اژدها وحشتناک است. ناپلئون

در بینوائی همچنان که در سرما نیز دیده میشود آحاد به یکدیگر فشرده تر میشوند. هوگو

دشمنان من سه قسمند. گروهی قویتر، جماعتی هم وزن، دسته ای ضعیفتر. طرفیت با گروه اول موجب نابودیست

با جماعت دوم تا جان دارم میجنگم. اما گروه سوم را اگرچه با التماس باشد رام خواهم ساخت، چه ظرفیت با خصم ضعیف از مقام انسان در جامعه میکاهد و شخص را ناچیز میسازد. — افلاطون

دیگران را همانطور که هستند بپذیرید. — دیل کارنگی

رودخانه های عظیم نیروی خود را بجویبارهای کوچک مدیونند. — مثل یوگسلاوی

سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد است. — افلاطون

سنگهای درشت را سنگهای ریز پا برجای نگاه میدارند. — ؟

طبیعت بشر را خوب و قشنگ میسازد و اجتماع و را فاسد بار میآورد. — ؟

کسیکه مایل است خیر دیگران را تأمین کند خیر خودش را هم تأمین کرده است. — کنفوسیوس

لذات حیات و حقیقت زندگی را در خدمت به همنوع و محبت بمردم جستجو نمائید. — میرابو

ما بوسیلهٔ چهار چیز با مردم در تماس هستیم، ارزش موقعیت ما از روی این چهار چیز معلوم میشود. آنچه میکنیم، آنچه جلوه میکنیم، آنچه میگوئیم، آنطور که میگوئیم. — دیل کارنگی

محیط وجود خارجی ندارد. افراد آنرا درست میکنند. — سعید نفیسی

مردم را چگونه یافتم؟ شیادانی در قفای شیادانی دیگر. با گرگ میگویند و میخندند و با چوپان میگریند. بدیع الزمان همدانی

مردم عادی مانند شهری صد دروازه اند که سرنوشت از هر دروازه ای که بخواهد وارد میشود، اما وجود مرد حکیم شهری است

که یک مدخل بسته دارد. هنگامیکه سرنوشت خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند .   مترلینگ

میان آدمیان چیزی نیست جز دیوارهائی که خود ساخته اند .   تولستوی

ورزش یکی از مهمترین ارکانی است که نیروی اجتماعی کشور بر آن بنیاد و استوار میگردد .   ؟

وقتی خودخواهی یک فرد برای جامعه‌ای بصورت قانون درآمد فانوس بردارید و در روز روشن بدنبال عدالت وانسانیت بگردید .   ؟

وقتیکه آشفتگی جمعیتی بسرحد جنون میرسد، همچون آتش زبانه کشیده‌ای به پیش میخیزد و همه چیز را میسوزاند. ولی چون حدت آن فرو نشیند. خود را میخورد و نیرویش را از دست میدهد و میداند که باید اطاعت کند و در برابر منطق و قانون باراده شما تسلیم شود .   ؟

هر که دیگران را همچون خود دوست میدارد شایسته فرمانروائی است .   آئین تائو

هرگز سعادت شخصی قلب مرا در خود نگرفته است، من خوشبختی خود را جز در جامعه نمی بینم   روسو

هر کس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد بالاخره سعادت خودش را هم بدست خواهد آورد .   اسمایلز

هر قتل که بدون کیفر بماند، مقداری از امنیت اجتماعی زندگی اشخاص میکاهد .   دانیل ویستر

هیچ حالی از تنهائی و بی پناهی برای بشر دشوارتر و سهمناک تر نیست .   حجازی

حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت — آری باتفاق جهان میتوان گرفت

حافظ شیرازی

پس اجتماع سبب بند زروی دانش و علم — که علم اگر نبود اجتماع بی معناست

غرض ز علم چه؟ واقف بحال خود گشتن — که از چه روی گرفتار رنج و درد و بلاست

غرض ز علم چه؟ پی بر حقوق خود بردن — که از چه دستخوش و پایمال جهل و جفاست

ادیب الممالک فراهانی

جهان شود لب پر خنده ای اگر مردم — کنند دست یکی در گره گشائی هم

صائب تبریزی

غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست — چرا که قطره چو شد متصل بهم دریاست

ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت — هر آنچه نفع تصور کنی در آنجاست

ز قطره دیده نگردیده هیچ جنبش موج — که موج جنبش مخصوص بحر طوفانزاست

ز قطره ماهی پیدا نمیشود هرگز — محیط باشد کز وی نهنگ خواهد خاست

ادیب الممالک فراهانی

نظر کن بر این موی باریک سر — که باریک بینند اهل نظر

چو تنهاست از رشته‌ای کمتر است — چو پر شد ز زنجیر محکمتر است

سعدی

اخلاق

آداب و عادات با آسانی و سرعت بصورت اخلاق درمیآید. — ه. سان

آداب خوب و اخلاق دوستان قسم خورده‌اند و بزودی با یکدیگر متحد میشوند. — بادتول

آنکس که از لباس تقوی برهنه شد به هیچ لباسی پوشیده نمیشود. — حضرت امیر (ع)

آیا هنوز آن روز نرسیده ایم که خود بیک تحول عظیم اخلاقی و اجتماعی بپردازیم و بخاطر سیادت و سعادت خود قیام کنیم آیا دیر نیست؟

اخلاق سرمایه است، اخلاق بهترین و عالیترین دارائی ماست. — اسمایلز

اخلاق اگر با اندکی هوش توأم باشد هزار مرتبه بر تحصیل زیاد بدون هوش و بدون اخلاق ترجیح دارد. — ناپلئون

اخلاق یکی از بزرگترین قوای محرکه جهان است و در کمال تظاهرات خود طبیعت انسانی را در عالیترین شکل آن مجسم میسازد. — اسمایلز

اخلاق یک اراده کامل العیار و پسندیده است. — نووالیس

اخلاق خوب اختصاص به طبقه ای ندارد، در هر طبقه و صنفی پیدا شود مورد احترام واقع میگردد. — سموئل اسمایلز

اخلاق چیز ساخته شده و حاضر و آماده نیست. بلکه ذره ذره، روز بروز خلق و ایجاد میگردد. ادنا لیال

اخلاق در هر زمان میزان ثابتی نیست. بلکه موازین اخلاقی تابع تکامل رژیم اقتصادی و اجتماعی بشر است

چه بسا چیزهائیکه دیروز برای آنها کف میزدیم ولی امروز اظهار نفرت میکنیم. ؟

اخلاق خوب مانند آب جاری است که موجب حاصل خیزی کشتزارها میشود. لائوتسه ـ فیلسوف چینی

اخلاق میتواند جانشین علم و مال و مقام و زیبائی و سایر مزایا باشد، اما هیچ نعمتی جای آنرا نمیگیرد. حجازی

اخلاق بالاتر از قوانین است زیرا قوانین همیشه همراه انسان نیست. ولی اخلاق شخص همیشه با اوست. اسمایلز

اخلاق نیروی تفکر را میافزاید و مابین آدمیان تخم صلح میپاشد و بیشتر از علم و هنر پایه تمدن حقیقی است. دکتر الکسیس کارل

اخلاق در طوفانهای روزگار تقویت میکند. گوته

از خوشبختی ها، اخلاق نیکوست. حضرت محمد (ص)

از افکار جنایت آمیز دوری کنید. عفیف باشید. مهاویرا

اساس تمدن، تقوی و ریاضت است. ؟

اشخاص عاقل و با اخلاق هرگز کلامی بر زبان نمیآورند که احساسات دیگران را جریحه دار سازد. اسمایلز

اصیل بودن سعادتمندی است. ولی بهتر آنستکه رفتار ما نوعی باشد که احتیاج به پرسشی از اصل ما نباشد. لابرویر

اگر انسان خود را از آنچه که هست نتواند بمقامی بالاتر برساند، موجودی ضعیف و ناچیز است. دانیل

اگر انسان از گناه کوچک پرهیز نکند کم کم گناهان بزرگتری امر تکب خواهد شد — عیسی مسیح (ع)

انسان باید از هر حیث چه ظاهراً و چه باطناً زیبا و آراسته باشد . — چخوف

انحطاط اخلاقی همیشه پیشاهنگ انقراض تمدنها است . — کاظم زاده ایرانشهر

ای آدمی فناپذیر که در پی من میآئی تقوی را دوست بدار که آن تنها بتو میآموزد که چگونه از این طاق نُه برجد-

فراتر بپری بلکه آسمان را در برابر تو وادار به تعظیم خواهد کرد . — میلتون

ای پسر چند صفت از چند کس بسیار زشت است ۱- بیرحمی از حکومت ۲- حرص از علما ۳- کاهلی از جوانان

۴- رعنائی از پیران ۵- بیشرمی از زنان . — ؟

اشخاص بدخلق مثل ظروف سفالین هستند که زود میشکنند و بسختی دوباره بهم متصل میشوند . — مثل سانسکریت

باید بلاانقطاع مبارزه کرد ، وقتی شما اشتباهی را از بین بردید همیشه افرادی پیدا میشوند که میکوشند

آنرا احیا کنند . — ولتر

با تقوی و خوبی میتوان سعادت را خرید . — زنون

بداخلاق در دست دشمنی گرفتار است که هر جائی برود از چنگ عقوبت او رهائی نیابد . — سعدی

بدترین و خطرناکترین کلمات اینست : همه این جورند . — تولستوی

بدون اخلاق و ملکات فاضله هیچ فنون و صنایعی در دنیا نمیتواند ملتی را از انحطاط و فساد بیرون کشیده

و بمدارج عالیه برساند .　　اسمایلز

برای تحصیل سعادت باید اخلاق خوب را پیروز ساخت و بر ضد اخلاق بد باید جنگید. حکومت مانند یکفرد است و وظیفه او تربیت کردن افراد است در دایره فضایل اخلاقی .　　افلاطون

برای اینکه جهان را فرمانبردار خویش سازید، باید بر آدمیان تسلط یابید و آنگاه بر مردم مسلط آیید که بر نفس خویش حکومت کنید و زمانی حاکم نفس خویش شوید که اخلاق نیک را در خود بپرورید .　　پوشه

بزرگترین عمل غیر اخلاقی اینست که انسان انجام شغلی را که از عهده آن بر نمیاید بعهده بگیرد .　　ناپلئون

بزرگی و عظمت یک مملکت منوط بوسعت خاک آن نیست بلکه مربوط باخلاق و روحیات اهالی آن است .　　کلبر

به من بگو چه اشخاصی را می پسندی تا بگویم تو خودت کیستی و از هوش و ذوق و اخلاق چه مایه داری؟　　سنت بو

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان خود میگذارند تربیت خوب است .　　سیسرون

بهر کس که میخواهد موفق شود میگویم: اخلاق نیک را در خود پرورش بده .　　ابر هوبرت

بیا کاری بکن که نه من از تو بنالم و نه تو از من .　　سعید نفیسی

برای اینکه انسان کمال یابد صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است .　　مثل چینی

پاکدامنی ریشه اصالت و درست نهادی و نیک اندیشی و بزرگ منشی است. بوالهوسی و میل تجمل بست عنصری و شهوترانی

دشمنان خانه برانداز پاکدامنی هستند و وقتی بر آن چیره شدند شرافت نابود خواهد شد . نظام وفا کاشانی

پاکدامنی کالائی است که جهانی ارزش دارد . کاظم زاده ایرانشهر

تا روزیکه پایه تمام تغییرات و اصلاحات بر اساس فضیلت اخلاقی گذاشته نشود همه اقدامات و زحمات ما جز بازیچه و بوالهوسی و تقلید بچگانه چیز دیگر نخواهد شد . کاظم زاده ایرانشهر

ترقی و سعادت یک مملکت نه مربوط به ازدیاد عواید و استحکام قلاع آن است و نه مربوط به قشنگی ابنیه و عمارات آن بلکه عبارت است از ترتیب عده مردمان تربیت شده فاضل و با اخلاق آن که قوه و قدرت حقیقی و عظمت واقعی آنرا تشکیل میدهد . مارتین لوتر

تصفیه و تهذیب اخلاق یک ملت کهنسال به همان اندازه دشوار است که سفید کردن چوب آبنوس . پتیارگود

تقوی هنگام جلب منفعت معدوم میشود مانند رودخانه ای که وارد دریا گردد . لارشفوکو

تقوی در آنست که عمل نیک را از نتیجه آن فوق الاثر شماریم . حکمت هندو

تقوی هرکس را یک لحظه پرخطر امتحان و ثابت میکند . شیلر

تمول و تقوی چون دو وزنه هستند که در کفه های یک ترازو قرار گرفته باشند ، یکی نمیتواند بالا برود هرگاه دیگری پائین نرود . افلاطون

تمام ملل دنیا بدون استثناء در حال انحطاط اخلاقی رو بانقراض رفتند . ؟

تمام سرمایهٔ فکری و دانش اخلاقی باید تسلیم یک عظمت اخلاقی و روحی گردد و گرنه دانش مانند رودی خواهد بود که نتوانسته است خط سیر خود را به پیماید و بدریا بریزد و با وضعی اسف آور در صحرا و ریگزارها فرو رفته باشد. مترلینگ

تنبلی کلیهٔ تقوی‌ها را معدوم میسازد. لادو شنوگوله

تنها در ایام شباب است که انسان بنیاد اخلاق و عادات خود را استوار میسازد، هیچ ساعتی از آن خالی از فرصت نیست، اما یک دقیقه آنهم همینکه گذشت دیگر برنمیگردد. روسکن

چنان باش که بتوانی بهر کس بگوئی، «مثل من رفتار کن». کانت

چهار چیز است که موجب هلاک روح شود: اول حرص. دوم ترس. سوم عار. چهارم قرض. ؟

چشم بجاهائیکه نمیخواهد میرود، اما اختیار در دست توست. مثل افریقائی

حسن سلوک جزئی از حسن اخلاق است وظیفه ما بلکه بنفع ماست که هم دارای حسن سلوک باشیم و هم حسن اخلاق. هانتر

خط مستقیم نه تنها در هندسه بلکه در اخلاقیات هم کوتاهترین راه است. راحل

خلیق آنست که با هیچکس خصومت نکند و کسی با او خصم نباشد. ابوبکر واسطی

خوش خوئی و گشاده روئی دام دوستی است و بردباری گور عیب هاست. حضرت امیر(ع)

خوشا بحال کسی که روح کودکانهٔ خود را برای همه وقت از گناه مصون دارد. شیلر

خوی بد معصیتی است که با وی هیچ طاعت سودی ندارد و خوی نیکو طاعتی است که به وی هیچ معصیت ضرر نرساند .

؟

خلق نیک بال و پر انسان است .

؟

دارندگان قلب های پاک هیچگاه راحت و خوشی را بخود نخواهند و نپذیرا خوشی و راحت خود را فدای اعتلای ترقی دیگران نموده اند .

لابرویر

در دنیا منادیان فساد و دعوت کنندگان به فسق و فجور و خیانت و ستم همیشه هستند، ما نمیتوانیم همه آنها را بر اندازیم و دنبال آنها نرویم . در دنیا همیشه باد و باران هست و در دریا همیشه موج طوفان وجود خواهد داشت ما باید پنجره و سقف اطاق و بدنه و سکان کشتی خود را محکم بسازیم .

حسینعلی راشد

در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و انحرافی نیست که با تعلیم مناسب اصلاح نشود .

بیکن

دشمنان خود را با اخلاق نیکو رام سازید و بپسندید که در ساعات ذلت تنی چند از خفت و خواری شما خوشحال گردند .

سقراط

دلهائیکه روی آن کلمهٔ تقوی و محبت نوشته شد بهر جائیکه بخواهند پرواز میکنند و کائنات در مقابل آنها سر تعظیم فرود میآورد .

نظام وفا کاشانی

دنیا در خود ماست ، هر که بر خود مسلط باشد ، دنیا را باطاعت درآورده است .

حجازی

دیوژن در روز روشن فانوس روشن کرده و در شهر میگشت و قتیکه از علت آن پرسیدند گفت بدنبال انسان میگردم و او را میجویم .

؟

رسیدن بحد کمال بقدری دشوار است که طی سراسر زندگانی نیز برای نزدیک شدن بآن کفایت نمیکند .

بیزه

رفتار خوب از شکل و اندام خوب بهتر است و از مجسمه ها و تصاویر عالی بیشتر موجب حظ و بهجت نفس میگردد . سیدنی اسمیت

ریاکاری هدیه ایست که فسق و فجور به پیشگاه تقوی تقدیم میکند .

ننلون

زشتیهای اخلاقی اگر ترک هم شوند ، مانند زخم پس از شفا یافتن جای آن باقی خواهد ماند .

دیل کارنگی

زندگی انسان خیلی کوتاه است بنابراین بهتر است که باپستی توام نباشد .

دیزرائیلی

سلام بر تو ای پاکدامنی که پاک ماندن خونها و شیرها ، پایدار ماندن خانواده ها و پیوستگیها ، معصوم ماندن علاقه ها و وابستگی ها از تست ، تو آفتاب شرف و نجابتی ، سادگی و ذوق اخلاق ، عشق و تابناکی روح ، مناعت و مقهور ساختن نفس همه ذرات تو هستند .

نظام وفا

شرافت و نفع پرستی در یکجا جمع نمیشوند .

هربرت

شرافت مانند تیری است که چون از کمان جست بازگشت آن ممتنع است .

؟

شرافتمند هرچه را میخواهد در خود میجوید و مرد دون فطرت مایه در دیگران جستجو میکند .

کنفوسیوس

صاحبان اخلاق، روح جامعهٔ خود هستند. امرسون

عدم انسانیت انسانها، بانسانها، هزاران نفر را سوگوار میکند. وابوت بونز

عقیدهٔ خود را با زور بدیگران تحمیل کردن هم بیهوده است و هم گناه. جان کایزل

عقیدهٔ عمومی شبیه تیغ برهنه است، ضعیف از آن میترسد، نادان با آن تیغ بران در میافتد و زخم میخورد، عاقل دستهٔ تیغ را میگیرد و بکار میزند. حجازی

فرزانه کسی است که همواره بر خویش حکمفرماست. حکمت هندو از کتاب عقاید

کج خلقی شامگاه آشفتگی است. لاندور

کسیکه اخلاق ندارد، انسان نیست جزء اشیاء است. شانفور

کسیکه نفس خود را ضبط کرد، دنیا را هم میتواند ضبط بکند. از: ریگ ودا

کیمیائی که بتواند از احساسات بد طلا درست کند وجود ندارد، امّا تبدیل احساسات بد بخوب ممکن است. هربرت اسپنسر

ما همه از روز ولادت مساوی خلق شده ایم. تقوی و فضیلت مایهٔ امتیاز اشخاص است. ولتر

مردم جزء هر طبقه ای، خواه عالی، خواه متوسط و خواه پائین باشند باز افراد یک جامعه هستند و دارای یک نوع اخلاق میباشند و در تحت نفوذ و تأثیرات همان عصر و محیطند. هربرت اسپنسر

مردان قانون وضع میکنند و زنان اخلاق بوجود میآورند. کونه ودسیه

مردیکه خصلت نیک دارد، هرگز تنها نمیماند، زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند. کنفوسیوس

مردیکه دارای عزم نیرومند و اخلاقی متین است، هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوسهای زندگی نمیکند، آری مردانی در این جهان زندگی کرده اند که برای تکمیل و حفظ فضائل اخلاقی جسم و جان خود را فدا ساخته اند. کنفوسیوس

مکارم اخلاق محکمه ای بنا کرده که بمراتب از محاکم قانونی معتبرتر است، ترس از قانون ما را باحتراز از ذمائم عادات وادار میسازد ولی محکمه اخلاقی از ما جداً مطالبه مینماید که مرتکب عمل خیر باشیم. پاسکال

ملت بدون اخلاق، اخلاق بدون عقیده، و عقیده بدون فهم ممکن نیست. سید جمال الدین اسدآبادی

من همیشه میل دارم از اشخاص نجیب پیروی کرده و از آنان چیز بیاموزم. شکسپیر

منظور من از اخلاق کامل و عالی آن چیز است که از دانش تمام عالم حاصل میشود، این در حقیقت آخرین درجه خرد انسانی است. دکارت

میدانید چرا اروپا بعضی از آثار مرا خلاف اخلاق گویند؟ بعلت آنستکه من اخلاق اروپائیها را آنطور که هستند بوضوح معرفی میکنم. اسکار وایلد

نجیب زادگی بدون تقوی همچون قاب انگشتری زیباست که نگین جواهر نداشته باشد. جین پورتر

نخستین و مهمترین عوامل نیکبختی انسان عبارتست از خلق و خوی خود او. شوپنهاور

نمیتوان همه را با مال راضی کرد، اما با حسن خلق میتوان. حضرت محمد(ص)

نتیجه تهذیب اخلاقی آنستکه بدی مغلوب و منکوب خوبی گردد . ؟

وظیفه زن تهذیب اخلاق مردانست . ولتر

وقتیکه مرد درد معنوی و اخلاقی خود را درک کرد باید روح خود را پرستاری کند . ناپلئون

وقتی که پرکاهی به چشمتان میرود، آنرا بیرون میآورید، وقتی عادتی بدوارد روح شما میشود، میگوئید: سال دیگر معالجه اش میکنیم . هوراس

وقتیکه ثروت از دست برود چیزی از دست نرفته است. وقتی که سلامتی از دست برود چیزی از دست رفته است ولی وقتیکه اخلاق از دست برود همه چیز از دست رفته است . ؟

وقتی از اخلاق یک فرد سر درنمیآوری به دوستانش نگاه کن . مثل ژاپونی

وقتی تقوی و پرهیزکاری به قلب راه پیدا کند در سرشت هم زیبائی بوجود میآید . مثل چینی

هر دردی را درمانی است، جز بداخلاقی که درمان پذیر نیست . حضرت امیر(ع)

هر وقت اخلاق قومی از دست رفت آن قوم را منقرض شده باید دانست . اسمایلز

هر فرد انسانی همیشه عقاید خود را درست و شرافتمندانه میداند . جان کایزل

هرزگی در سلوک و رفتار موجب هرزگی در اصول و اخلاق میگردد. یونان و رم بعلت انحطاط اخلاقی فرمانروایانش سقوط کردند . اسمایلز

هر اندازه که علل طبیعی انسان را باستراحت سوق دهد به همان اندازه هم عوامل اخلاقی باید او را از استراحت دور کند

منتسکیو

هر مردی دو اخلاق دارد یکی اخلاق واقعی که در او آفریده شده است و دیگری اخلاقی که بعقیده زنش دارد . پل گات

هر کس در حدود ممکنات و توانائی خویش مأمور ستیزه و مقابله در برابر ناپاکی است . دکتر هشترودی

هر وقت ملتی از جادهٔ تقوی و فضیلت منحرف گردید و اعتنائی براستی و حق و عدالت نکرد آن ملت دیگر قابل بقاء و زیست نخواهد بود .

اسمایلز

هر یک از ثمرات فضیلتهای شما مانند ستاره ایست که خاموش میشود ولی پرتو آن هنوز در جادهٔ نجومی خود طی مراحل میکند همچنین پرتو اعمال حسنه شما راه می پیماید حتی در صورتیکه خود عمل مدتهاست بانجام رسیده باشد پس هر قدر اعمال شما فراموش و دفن شود اشعهٔ آنها همیشه فروزان خواهد ماند .

نیچه

همانطوریکه بدن ما از غذاهائی که میخوریم تغذیه و کسب قوت میکند، همانطور هم روحمان از صحبت و معاشرت رفقای خوب و بد کسب فضیلت و تقوی یا خباثت و شرارت مینماید .

ژرژ هربرت

همینکه مرد از حد خود تجاوز کند یعنی بآنجا رسد که محل او نبوده اخلاق او زشت و خشن میگردد . افلاطون

همه جا عدهٔ زیادی را مشاهده میکنیم که در کارها شکست خورده و در هیئت اجتماع پست و حقیر شده اند . در میان زندگی سرگشته اند و مسکین و پریشان قدم برمیدارند، علتی جز این ندارد که قدر و قیمت اخلاق نیک را ندانسته اند . دکتر ماردن

همواره تقوی را بکودکان خود توصیه کنید، تنها تقوی عامل خوشبختی است نه پول . بتهوون

هیچ اخلاقی برای جلب دوستان صمیمی بهتر از این نیست که انسان صفات و مزایای دیگران را مورد تمجید و تقدیر قرار دهد،
کسیکه صاحب این خصلت باشد جوانمردی و شجاعت و ادب از ملکات حسنه او ست . دکتر جانسون

هرفرد محافظ شرافت خود میباشد . مثل هندی

یک کمی عقل سلیم ، اندکی اغماض و قدری خوش خلقی داشته باشید آنوقت خواهید دید خودتان را در این دنیا چقدر
آسوده و خوشبخت ساخته اید . سامرست موام

آدمیت بحسن اخلاق است — حیف این شیوه در جهان طاق است

کافر نیک خوی و نیک اخلاق — بهتر از مومن بد اخلاق است

وافی کرمانشانی

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند — قومی که گشت فاقد اخلاق مردنیست

بهار

با همه خلق روی نیکو دار — خوی نکو دار روی چین خو دار

خوی نیکو ترا چو شیر کند — خوی بد عالم از تو سیر کند

سنائی

چو نیکو منش باشی و بردبار — نگردی بچشم خردمند خوار

از آن پاکدین تر کسی را مجوی — که خوانند خلقش پسندیده خوی

فردوسی

زخوی نیک و زخلق کریم و خوش خوئی — عجب مدار که بیگانه آشنا گردد

ولی بشومی خوی و زراه بی مهری — بسی بود که پدر از پسر جدا گردد

جواهر الاخلاق

طبع دلجو خوشتر از گنج زر و کان گهر — خوی نیکو بهتر از شاهی و ملک بیکران

فرخی

ازدواج

ازدواج مثل اجرای نقشه جنگی است که انسان یک مرتبه اشتباه نماید کارش تمام شده دیگر جبران آن به هیچ صورت نمی شود .
بورنز

از سقراط دانشمند نامی پرسیدند ازدواج خوب است یا بد . جواب داد در هر دو حال موجب پشیمانی است .
سقراط

ازدواجیکه به خاطر پول بوجود آید ، برای پول هم از بین میرود .
دولاند

ازدواج مثل مغز بادام است تا نخورده ای نمیدانی تلخ است یا شیرین .
؟

ازدواج کتابیست که فصل اول آن بنظم است و بقیه فصول به نثر .
پودلی نیکولاس

ازدواج آنقدر که محتاج تدبیر است ، نیازمند صراحت قول و بی پردگی گفتار نیست .
دیل کارنگی

ازدواج همیشه به عشق پایان داده است .
ناپلئون

ازدواج کنید ، بهر وسیله که میتوانید . اگر زن خوبی گیرتان آمد ، بسیار خوشبخت خواهید شد ، و اگر گرفتار یک همسر بد شوید فیلسوف از آب در خواهید آمد و این برای هر مردی خوب است .
سقراط

ازدواج مثل شهر محاصره شده است . کسانیکه داخل شهرند سعی میکنند از آن خارج ، و آنها که خارج هستند کوشش دارند

که داخل شوند .

فرانکلین

اگر میخواهید خانواده‌ای شاد و نیکبخت داشته باشید نسبت بزن خود سراپا عنایت و توجه شوید و ادب نگاهدارید .

دیل کارنگی

اگر از طبقهٔ بالا زن بگیرید بجای خویشاوند ارباب خواهی داشت .

کلئوپول

اگر کسی همسر خود را بصورتیکه آرزو دارد انتخاب بکند ، دو نفر را بدبخت کرده .

حجازی

اگر یکنفر روانپزشک ادعا کند بیشتر اختلافات زن ناشوئی مولود ناکامیهای جنسی نیست خیلی نادان است . بطور کلی اگر زن و مرد در زندگی جنسی از یکدیگر کامیاب و خوشنود شوند اختلافات و ناراحتیهای دیگر زندگی را نادیده خواهند گرفت .

دکتر هامیلتون

اگر میخواهید توافق نظر در خانهٔ شما باقی بماند از ملامت و تیزی بپرهیزید .

دیل کارنگی

اگر زنی به شما گفت ای بابا دیگر از من گذشته بدانید که منتظر است شما فوراً درصدد اعتراض برآئید .

؟

انسان بر اثر نداشتن حوصله کارش بطلاق میکشد و بر اثر نداشتن حافظه دوباره ازدواج میکند .

مارسل گرانئو

انتخاب پدر و مادر در دست خود انسان نیست ولی انتخاب پدر و مادر شوهر و مادر زن در دست خود انسان است .

خانم پرل . باک

ازدواج مشابه هندوانه است که گاهی خوب و چه بسا که بسیار بد است .

مثل اسپانیولی

ازدواج زودش اشتباه بزرگی و دیرش اشتباه بزرگتری است .

مثل فرانسوی

ازدواج پدیده ایست برای تکامل مرد . — مثل سانسکریت

اشتهای زن دو برابر اشتهای مرد است، هوشش او چهار برابر و هوسهای او هشت برابر . — مثل برمانی

اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شکمش را در دست بگیر . — مثل اسپانیائی

اگر زنی خواست که تو بخاطر پولت دامادش شوی. عروسی کن و پولت را از او دور نگاه دار . — مثل ترکی

اول زناشوئی کن، عشق خودش بوجود میآید . — مثل انگلیسی

با زنی ازدواج کنید که اگر مرد می بود بهترین دوست شما میشد . — بردون

با مصلحت دیگران ازدواج کردن در جهنم زیستن است . — شوپنهاور

با شوهر خود نیز مثل یک کتاب رفتار کنید، فصل های خسته کننده را اصلاً نخوانید . — سونی اسمادت

برای اینکه همسر خود را بیشتر دوست بدارید، گاهی با او قهر کنید و سالی چند روز تنها بسفر بروید . — ؟

برای یک زندگی آرام و بدون مخمصه شوهر باید کر و زن باید لال باشد . — سروانتس

برای ازدواج بیش از جنگ رفتن شجاعت لازم است . — گریستین

برای شوهر دانش لازم است . برای زن نجابت . — ژرژهوبوت

بعد از یکسال که از مزاوجت زن و مرد گذشت هیچکدام در فکر زیبائی صورت هم نمی افتند، و بر عکس هر دو متوجه خلق و رفتار یکدیگر میشوند . — اسمایلز

بموقع ازجا برخاستن و در دوره جوانی تأهل اختیار کردن کاریست که هرگز کسی، از انجام آن پشیمان نخواهد شد.

بوستر

بهترین نگهبان سعادت در یک خانواده. عشق زن و شوهر نسبت بیکدیگر است.

دومون لوزید

با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن.

مثل آلمانی

برای اینکه در ازدواج تجربه بدست بیاوری باید یکبار عروسی نمائی.

مثل فرانسوی

برای یافتن زن خوب میارزد. که یک کفش بیشتر پاره کنی.

مثل آفریقائی

پیش از ازدواج چشمها را خوب باز کنید و بعد از آن کمی آنها را روی هم بگذارید.

فرانکلین

تا وقتیکه مرد عروسی نکرده او را غیر کامل میخوانند بنابراین معلوم میشود پس از ازدواج کار مرد تمام است.

بوب هوپ

تنها علاج عشق ازدواج است.

آرت بوخوناله

تاک را از خاک خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب کن.

مثل چینی

حسب و نسب زن و مرد از رفتاریکه موقع پرخاش و جدال باهم میکنند معلوم میشود.

شاو

خانه بدون زن عفیف، گورستان است.

بالزاک

خانواده آموزشگاه رفتار و کردار است. لبخند و ترشروئی، مهربانی و بی مهری. وفا و بیوفائی. درستی و نادرستی زیاده روی و صرفه جوئی. همه را در این مکتب میآموزیم و عجب آنکه پس از سالها عمر و تجربه باز بسیاری از ملکات

وعادات مزاحم ما نتیجه پرورش در خانواده است که نتوانسته ایم از خود دور کنیم . جان کایزل

دختر عاقل، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح میدهد . مثل ایتالیائی

داماد زشت و باشخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت است . مثل لهستانی

داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای . مثل فرانسوی

در موقع خرید پارچه حاشیهٔ آنرا خوب نگاه کن و در موقع ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن . مثل آذربایجانی

دوام زناشوئی یک قسمت روی محبت است و نُه قسمتش روی گذشت از خطا . مثل اسکاتلندی

دو نوع زن وجود دارد ، با یکی ثروتمند میشوی و با دیگری فقیر . مثل آفریقائی

زمانیکه زوجه من با من است حاضر نیستم فقر و تنگدستی خود را با تموّل کراسوس معاوضه نمایم و -

او را از دست بدهم . بولتر

زناشوئی در حقیقت پیوندیست که از درختی بدرخت دیگر بزنید اگر خوب گرفت هر دو بارور میشوند و

اگر بد شد هر دو خشک میشوند . سعید نفیسی

زندگی خانوادگی شرکتی است که هر چه سهم دو شریک در آن بیشتر باشد قدرت آن شرکت و پایداری آن -

بیشتر خواهد بود . سعید نفیسی

زندگی شیرین است امّا برای دختری که هنوز عروس نشده باشد و برای پسریکه زن نگرفته باشد . ؟

زندگی زناشوئی یک کوشش متقابل و یک فعالیت متقابل است .

؟

زناشوئی عبارتست از سه هفته آشنائی سه ماه عاشقی سه سال جنگ و سی سال تحمل .

تن

زن و مرد مانند جزیره‌ای هستند که میانشان دریای سوء تفاهم قرار گرفته باشد، همدیگر را نمی فهمند و احساس یکدیگر را درک نمی کنند .

؟

زن گلی است که خارهای گزنده دارد .

؟

زوجهٔ خوب بمنزلهٔ عصای محکمی است که مرد در سنگلاخ حیات میتواند بدان تکیه نماید و هنگام بدبختی و فقر از شفقت و غمخواری وی تسلی و دلداری یابد .

اسمایلز

زورقی را تصور نمائید که دو نفر پاروزن داشته باشد، اگر پاروها را اتفاقاً حرکت بدهند زورق بسهولت در روی امواج براه میافتد، اگر با هم متفق نباشند تلاطم آب زورق را لرزان و بلکه غرق میکند، دختر عزیزم این زورق را از دواج و پاروزنان آن زن و شوهرند که در سطح دریای زندگی سیاحت می نمایند، اگر با یکدیگر موافق نشوند، موازنه را گم کرده به انواع بدبختی تصادف میکنند .

له وی

زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبهٔ خرابه هم زندگی می کنند .

مثل آلمانی

زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است .

مثل انگلیسی

زن عاقل با داماد بی پول خوب میسازد .

مثل ایتالیائی

زناشوئی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل میکند. مثل آلمانی

زنان مانند کوههای خوش منظره ای هستند که باید آنها را از دور دید و از مناظرشان لذت برد. مثل ژاپونی

زنی سعادتمند است که مطیع شوهر باشد. مثل یونانی

سختیها و ناراحتی ها بهترین وسیله آزمایش زندگی زناشوئی است زیرا رنج و محنت اخلاق حقیقی زن و مرد را آشکار میسازد. اسمایلز

زیبائی زن مانند آلت برنده ایست که در دست کودک باشد، هم برای خودش و هم برای دیگران خطر دارد. مثل عربی

شوهر باید مغز خانه و زن قلب آن باشد. سیروس

عروسی های غیر متناسب مانند پارچه های ابریشمی و پشمی است که بالاخره ابریشم پشم را قطع خواهد کرد. بالزاک

عشق سپیده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق. بالزاک

غالب هنرمندان در ازدواج شکست میخورند، برای اینکه اول با هنر خود ازدواج کرده اند نه با شخصیت یکدیگر. غ - ذ

قبل از آنکه بجنگ بروی یک بار، پیش از رفتن بدریا دو بار و قبل از زن گرفتن سه بار دعا کن. دانشمند لهستانی

قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه داشتم، حالا شش فرزند دارم ولی دارای هیچ گونه نظریه ای نیستم. لرد روچستر

قبل از ازدواج مرد یاد میگیرد که چگونه بر بی صبریش فائق آید. بعد از ازدواج میآموزد چگونه بر صبرش فائق آید.

ژرژ ساند

کسانیکه ازدواج کرده‌اند خود را ناراضی نشان میدهند و میگویند زن بد است. زیرا میخواهند فقط و فقط خودشان از این موهبت تمتع گیرند.

دیزرائیلی

لطف ازدواج در این است که یک عمر زندگی توأم با فریب را برای هر دو طرف لازم جلوه میدهد. اسکار وایلد

لیاقت داماد به قدرت بازوی اوست.

مثل چینی

مردانی که میکوشند زنها را درک کنند فقط موفق میشوند با آنها ازدواج کنند.

بن بیکر

مرد با ازدواج خط روی گذشته میکشد ولی زن با ازدواج باید خط روی آینده خود بکشد.

سینکا دلویس

مسرات حقیقی در اثر ازدواج بدست میآید.

پاستور

مطیع مرد باشید تا او شما را بپرستد.

کارول بیکر

منظره پسر جوان و دختر جوانی که برای نخستین بار یکدیگر را ملاقات میکنند، تماشائی و جالب توجه است. شوپنهاور

من تنها با مردی ازدواج میکنم که عتیقه شناس باشد زیرا فقط در این صورت است که هرچه پیرتر شدم در نظر شوهرم عزیزتر خواهم بود.

آگاتا کریستن

مردیکه بخاطر پول زن داماد شود به نوکری میرود.

مثل فرانسوی

نادان ترین افراد کسانی هستند که مصلحت دیگران ازدواج میکنند. — شوپنهاور

ناپلئون در آخرین ملاقاتش با زن خود، ژوزفین گفت: «ژوزفین» من در روی زمین آن مقدار که آدمی میسر تواند شد دارای شوکت و قدرت بودم، با وجود این در این ساعت تو تنها کسی هستی که با تو تکیه توانم کرد. — ناپلئون

وقتیکه زنان دوستمان میدارند ما را از هر لحاظ بدیده عقل مینگرند، حتی جنایات ما را، ولی وقتیکه علاقه‌ای بما نداشته باشند از رشادت حتی بفضائلمان قائل نمیشوند. — بالزاک

وقتی که با خرج زیاد داماد شدی همه خوشحال میشوند و خودت تا آخر عمر بدحال میمانی. — مثل یونانی

هر اجتماعی نیازمند به رهبری است، در خانواده رئیس شوهر است. — ناپلئون

هر چه عده متأهلین زیادتر گردد جنایات کمتر خواهد شد. — ولتر

هر کس طالب بهشت در دنیا باشد باید سراغ خانه خودش را بگیرد. — ؟

همه میدانیم ارتباط در موقعی لذت بخش است که تمایل متقابل برقرار باشد و گرنه نتیجه آن جز پلیدی روح و جسم چیز دیگر نیست. — مترلینگ

هیچ چیز غرور مرد را مثل شادی زنش ارضا نمیکند. چون همیشه آنرا مربوط بخود میداند. — جونسون

هیچ چیز زیباتر و بهتر از زندگی مرد و زنی نیست که در کمال توافق فکری خانه خود را اداره میکنند. — ؟

هنگام ازدواج بیشتر با گوشهایت مشورت کن تا با چشمهایت. — مثل آلمانی

هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمیکند . مثل اسکاتلندی

یک زن در هر زمان بیشتر ترجیح میدهد همسر مردی شود که زندگی خوبی نداشته باشد تا مردیکه شونده خوبی نباشد . کین هابارد

یک زن خوب بآنچه که شوهرش علاقمند است علاقه نشان میدهد . دورتی کارنگی

چو نیمه ایست تنها زن ارچه نکوست
دگر نیمه اش سایهٔ شوی اوست

زنان را بود شوی کهف هنر
بر شوی زن به که نزد پدر

بود سیب خوش بهی بر شاخ خویش
ولیکن بجا به دهر بهی بیش

زن ارچند با چیز و با آبروی
نگیرد دلش خرمی جز به شوی

یگانه گهر گرچه والا بود
نکوتر چه جفتش همتا بود

اسدی

استاد

آموزگاری که کودکی را برای نقص در طبیعت او کتک میزند، باید خودش را بزند ممکن نیست که همه تازیانه های عالم بتوانند هنری را که باید در وجودی بیدار کند، یک دقیقه پیش از وقت مقرر آن بیدار کند.

فنوکر

آموزگار در صف مقدم است و من با و اعتماد دارم و میدانم که با سلاح خود یعنی کتاب ابتدائی خود بر صفوف دشمن پیروز خواهد شد.

بورگهم

از دانش آموزی که فکر روشن دارد، ناامید نشو.

امونز

از بزرگی پرسیدند که چرا احترام آموزگار را از پدر بیش میداری؟ جواب گفت پدر فراهم سازندهٔ زندگانی فناپذیر من است و آموزگار سبب حیات جاودانی من.

لوامع‌الاشراق

استاد پرورندهٔ روان است. و پدر و مادر پرورش دهندهٔ جان.

قابوس

اطفال بیشتر بدستور و سرمشق محتاجند تا انتقاد و عیب جوئی.

ژوبر

افرادیکه بزرگترین خدمت را بعلم و فرهنگ نموده اند، نویسندگان و محققانی بوده اند که دراز و امیر زیسته اند و هرگز در مباحثات دانشگاهی شرکت نکرده حقایق نیمه است را در آکادمی ها ابراز نداشته اند.

ولتر

اگر از جغد متابعت کنی به ویرانه‌ات خواهد برد. — مثل عربی

من از یاد دادن آنچه یاد گرفته‌ام هرگز خسته نشده‌ام. این یگانه خدمت ناچیزی است که من آن را نسبت بخود میتوانم داد. — کنفوسیوس

هدف بزرگ آموزش و پرورش باید تربیت قوای دماغی باشد نه انباشتن مغز با معلومات و اندوخته‌های دیگران. — تیوون ادواردز

هر جا که بشر را دوست بدارند. فرهنگ را هم دوست خواهند داشت. — سقراط

هر آموزشگاهی را که باز کنید در زندانی را بسته‌اید. — ویکتور هوگو

هر کس را می‌بینم از یک حیث بر من برتری دارد، از این جهت است که من از هر کس پندی میگیرم و چیزی میآموزم.

همسایه‌ی تو معلم تواست. — مثل آلمانی

هنوز هیچ استادی از آسمان نیفتاده است. — مثل آلمانی

حقیقت از عیوب دیگران را اجرأت نداریم آشکار سازیم و آنها را بصورت مدحهای مسموم درمیآوریم. — لاردشفوگو

یک مادر خوب به صد استاد و آموزگار میارزد. — ژرژ هربرت

کسیکه در خود آتش ندارد نمی‌تواند دیگران را گرم کند. — مثل آلمانی

کسیکه پاروزنی بداند همیشه جائی در قایق پیدا میکند. — مثل فریقائی

لازم است به عیوب کسیکه با و میآموزیم کاملاً واقف باشیم .
نیکول

مردیراکه مهیای آموختن است تعلیم ندادن انسانی را بهدر دادنست . مردیراکه آماده آموختن نیست تعلیم دادن سخن بهدر دادنست . خردمند نه انسان را بهدر میدهد و نه سخن را .
کنفوسیوس

معلّم میتواند جهان را تغییر دهد .
لایب نیتز

معلومات کهنه را بکار بردن و از روی آن معلومات تازه ای بدست آوردن از اصول عمده آموزش است هر که این کار را بجا بیاورد او را میتوان آموزگار نامید .
کنفوسیوس

معلّم را بر پدر شرف باشد بقدر آنکه روح از جسم شرف است زیرا معلّم سبب کمال و تربیت روحانی است و پدر سبب تربیت جسمانی .
جلال‌الدین دوانی

رشد یا عدم رشد افراد را با درجه دیر باوری یا زود باوری آنها میتوان تشخیص داد .
گراسیان

زن و فرزندان خود را از تحصیل دانش و کسب پرورش باز مدار ، تا غم و اندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نگردی .
پندنامهٔ آذرآباد

سختی و مشقت استادی است که بزرگترین رجال عالم کمر شاگردی و خدمت او بسته اند .
جرمی تایلور

سوزن را بدست کسانی بده که دوخت و دوز بلدند .
مثل کردی

طبیعت هیچ چیز را چندان ناچیز نساخته است که داناترین مردمان نتواند از آن درس بیاموزد .
س . آلین

طبیعت آموزگار آدمی است. گنجینه های خود را در مقابل او میگشاید، چشم او را باز میکند. ذهن او را روشن مینماید و قلب او را پاکیزه میکند. — ستریت

عالم باید پند نگوید، مگر برای آنکه بپذیرد و خودپسند و مغرور نباشد. — حضرت امیر (ع)

فرهنگ ما آن چیزی است که خود هستیم. تمدن ما آن چیزیست که داریم. — مک آی ود

کار، استاد را تمجید میکند. — مثل آلمانی

کسیکه مردم را از آموختن و تعلیم منع کند انسانیت از او مفارقت کرده. — ؟

چه بسیار صاحبان مال و مقام که باید تشخص و نجابت را از تهی دستان و خردان بیاموزند. — محمد حجازی

دانشمند هر قدر از دانش خویش بخشد بمعلومات خود میافزاید. — حضرت امیر (ع)

دانش خود را بدیگران آموزش ده و دانش دیگران را بیاموز چه علم خود را انفاق کرده ای و آنچه را نمیدانی آموخته ای. — امام حسن (ع)

دانشگاه تمام استعدادهای افراد از جمله بی استعدادی آنها را آشکار میکند. — چخوف

در هر ملت چراغی است که بعموم افراد نور میدهد و آن معلم است. — هوگو

درسیکه از سنجاب میآموزیم مفید است که در موقع پرش شاخه بالا را هدف میگیرد تا براحتی روی شاخه پائین بنشیند. — ؟

در یک فن استاد بودن بهتر از آن است که شخص در صد کار دخالت کند و هیچیک را خوب نداند. مثل فارسی

اگر سالخورده هستی پند و اندرز بده و اگر جوان هستی به نصیحت دیگران گوش فراده. مثل چینی

اگر کسی بشاگردی نزد من آید و من یکجهت مسأله ای را برای او بیان کنم و او خود سه جهت دیگر آن را با قوه فکر خویش حل نکند من نمیتوانم باو چیزی یاد بدهم. کنفوسیوس

اولین قوای عاقله ترقی و تعالی مملکت مدرسه است. بیزمارک

بزرگترین درس زندگی اینست که گاهی احمقها درست میگویند. چرچیل

بهترین باغبان کسی است که بداند چگونه علفهای هرزه را از بین برد. مثل آمریکائی

پرورش بسته باستعداد شاگرد و استادی پرورنده است. محمد حجازی

پسندیده ترین چیزی که پدران برای فرزندان باز گذارند فرهنگ است. حضرت امیر(ع)

پند حکیم همچو قطره آب که بر جای سوخته بیفتد. لااقل یک لحظه آرامش میبخشد. حجازی

تعلیم بزرگترین هدیه ایست که مردم نیکوکار میتوانند بگدایان و بینوایان بدهند. وولر

معلّم چون بتعلیم خط از دستش قلم گیرد
خط او بیند و تعلیم از آن مشکین رقم گیرد

بابا فغانی

ما چو طفلیم و جهان مکتب و عشق تو ادیب
هجر و وصل تو بود شنبه و آدینهٔ ما

ظهوری قمی

معلّمت همه شوخی و دلبری آموخت
جفا و ناز و عتاب و ستمگری آموخت
همه قبیلهٔ من عالمان دین بودند
مرا معلّم عشق تو شاعری آموخت

معلّم گو ادب کم کن که من با جنبش شاگردم
پدر گو پند کمتر ده که من نااهل فرزندم

سعدی

آنروز که تعلیم تو میداد معلّم
بر لوح تو ننوشت مگر حرف وفا را

ملا اهلی جغتایی

خموشی پیشه کن در مکتب عشق
که درس عاشقی بی قیل و قال است

سحاب اصفهانی

روح پدرم شاد که میگفت باستاد
فرزند مرا هیچ میاموز بجز عشق

لاادری

استقامت ـ شکیبائی

آنکه از دست روزگار بخشم میآید هرچه آموخته بیهوده بوده است .
گریستن

آنکه آشفته و از جا رفته اختیار وجود خود را بدیوانه ای سپرده که بجای او حرف زند و احیاناً عمل کند . حجازی

آنکس که اراده و استقامت دارد ، روی شکست نمی بیند .
مترلینگ

آدم عجول دشمن خویش است .
مثل ایتالیائی

از دو صفت بپرهیز ، بیحوصلگی و تنبلی ، زیرا اگر بیحوصله باشی بر هیچ حقی صبر نتوانی کرد و اگر تنبل باشی بر ادای هیچ حقی قادر نخواهی بود .
امام صادق (ع)

از دست دادن ثروت مهم نیست . صبر را نباید از دست داد .
؟

از مرد آزاده استقامت و پایداری انتظار میرود نه اطاعت کورکورانه او همیشه استوار است اما مرد متوسط همیشه جوشان و خروشان است .
کنفوسیوس

استقامت ، مادر موفقیت است و موفقیت مادر سعادت .
کاظم زاده ایرانشهر

استقامت راه موفقیت و خوشبختی است کسیکه استقامت نداشته باشد روی موفقیت را نخواهد دید . سید رضا صدر

وسیله فرمانفرمائی زیاد داشتن حوصله است . حضرت محمد (ص)

اگر کوه ها بلرزه درآمدند. تو پابرجا و استوار باش . حضرت امیر (ع)

اگر بر خود مسلط باشیم فرمانروای سرنوشت خود هستیم . کلینگر

اگر هرکس با فکر خود و بدون نفوذ خارجی برای رسیدن بهدفش کوشش کند سرانجام طبیعت تسلیم او شده و دنیا

باو اقبال میکند . امرسون

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد. بلکه همانطور که هست راضی شوید تا زندگی شما

با آسایش بگذرد . اپیکتاتوس

انسان با استقامت و قدرت و نفوذ و تعقل و استدلال میتواند حتی بر وبا و طاعون غلبه کند. ناپلئون

اندر کارها شتابزدگی نباید کردن و چون خبر شود آهستگی کار باید فرمود تا حقیقت آن پدید آید و دروغ از راست

پدید آگردد که: شتابزدگی کار ضعیفان است نه کار قادران سیاست نامه

انسان در دورهٔ جوانی در مسائل صبر و حوصله رسیدگی و قضاوت ندارد. بد و خوب و زشت و زیبا را بصورتی که دست

تصادف بر لوح خاطرش نقش بسته. بی چون و چرا می پذیرد و یکی را سنجیده معبود خود قرار داده با دیگری نشناخته

دشمن خونین میشود . حجازی

انسان باید مثل کوه در ساحل دریا قرص و پابرجا باشد. به موج آب دریا بگوید تو آبی برو و بتوفانها بگوید تو بادی

رد شو . غ . ذ

اگر بهنگام جذر نتوانی ماهی بگیری بهنگام مد آزمایش کن . مثل آمریکا

افتخار را با تواضع و فقر را با صبر برگزار کن . مثل آمریکا

با دنیا مدارا کن و حوادث روزگار را با جوانمردی و شکیبائی بپذیر تا بر مراد خود پیروز شوی . حضرت امیر (ع)

باید با صبر و شکیبائی عیبهائی را که نمیتوانیم نه در خود و نه در دیگران تغییر دهیم تحمل کنیم . عیسی مسیح (ع)

با همین غصه که دارید بسازید، بیترسم آن غصه بعدی که برای خود خواهید تراشید از این بدتر باشد . حجازی

با استقامت بهمه چیز میتوان رسید . لافونتن

بدبختی نشانی از کم صبری است . سهل بن شوشتری

براز ندگی به پایداری نیکوست نه بنیکوئی قد و قامت . ؟

برای کسیکه آهسته و پیوسته راه میرود هیچ راهی دور نیست . لابرویر

برای انسان نعمتی از این بهتر نیست که بمقدرات خود سر تسلیم فرود آورده و مزه عظمت آنرا بچشد . داستایوسکی

بردباری برای مردم مانند نور است برای روشن کردن لامپ . آلفرد دوموسه

بگذارید در مورد زیردستان خود صبر و حوصله بخرج دهیم زیرا آنها دیر و زمانی را بخاطر ما میآورند . گودبرگ

بهترین دستور زندگی اینست که انسان اعتماد بنفس داشته باشد و در پرتو سعی و جدیت بمقام و منزلتی برسد . میکلانژ

بهترین چاره غضب بتأخیر انداختن آن است — سلیکا

بهتر آن است که پیش از وقوع حادثه بیمناک باشیم و پس از وقوع آن آسوده دل. نه اینکه پیش از حادثه آسوده دل و پس از آن بیمناک. — چرچیل

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمیرهاند، بلکه درد جدیدی برای از پا درآوردن شخص بوجود میآورد. — افلاطون

بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است. — ناپلئون

بی صبری آدمی را از هیچ صدمه ای رهائی نمی بخشد بلکه آن یکدرد بسیار شدیدی است که بر سایر صدمات برای اضمحلال انسان افزوده میشود. — فنلون

با بردباری علف تبدیل به شیر میشود. — مثل چینی

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی میشود. — مثل چینی

با بردباری میتوان بیش از خشم نتیجه گرفت. — مثل افریقائی

بردباری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. — مثل تازی

بردباری در آسایش را باز میکند. — مثل شرقی

پاکدامنی و استقامت از تمام پیمانها و سوگندها محکمتر است. — مادام نکر

پیروزی و پیشرفت ملکِ بلامنازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند. — گوته

ردشو .

غ . ذ

اگر بهنگام جذر نتوانی ماهی بگیری بهنگام مد آزمایش کن . — مثل آمریکا

افتخار را با تواضع و فقر را با صبر برگزار کن . — مثل امریکا

با دنیا مدارا کن و حوادث روزگار را با جوانمردی و شکیبائی بپذیر تا بر مراد خود پیروز شوی . — حضرت امیر (ع)

باید با صبر و شکیبائی عیبهائی را که نمیتوانیم نه در خود و نه در دیگران تغییر دهیم تحمل کنیم . — عیسی مسیح (ع)

با همین غصه که دارید بسازید، بترسم آن غصهٔ بعدی که برای خود خواهید تراشید از این بدتر باشد . — حجازی

با استقامت بهمه چیز میتوان رسید . — لافونتن

بدبختی نشانی از کم صبری است . — سهل بن شوشتری

راز زندگی به پایداری نیکوست نه بنیکوئی قد و قامت . — ؟

برای کسیکه آهسته و پیوسته راه میرود هیچ راهی دور نیست . — لابرویر

برای انسان نعمتی از این بهتر نیست که بمقدرات خود سر تسلیم فرود آورد و مزهٔ عظمت آنرا بچشد . — داستایوسکی

بردباری برای مردم مانند موتور است برای روشن کردن لامپ . — آلفرد دوموسه

بگذارید در مورد زیردستان خود صبر و حوصله بخرج دهیم زیرا آنها دیروزمان را بخاطرمان میآورند . — گودبرگ

بهترین دستور زندگی اینست که انسان اعتماد بنفس داشته باشد و در پرتو سعی و جدیت بمقام و منزلتی برسد . — میکلانژ

بهترین چاره غضب بتأخیر انداختن آن است — سلیکا

بهتر آن است که پیش از وقوع حادثه بیمناک باشیم و پس از وقوع آن آسوده دل. نه اینکه پیش از حادثه آسوده دل و پس از آن بیمناک. — چرچیل

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمیرهاند، بلکه درد جدیدی برای از پا درآوردن شخص بوجود میآورد. — افلاطون

بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است. — ناپلئون

بی صبری آدمی را از هیچ صدمه‌ای رهائی نمی بخشد بلکه آن یکدرد بسیار شدیدی است که بر سایر صدمات برای اضمحلال انسان افزوده میشود. — فنلون

با بردباری علف تبدیل به شیر میشود. — مثل چینی

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی میشود. — مثل چینی

با بردباری میتوان بیش از خشم نتیجه گرفت. — مثل افریقائی

بردباری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. — مثل تازی

بردباری در آسایش را باز میکند. — مثل شرقی

پاکدامنی و استقامت از تمام پیمانها و سوگندها محکمتر است. — مادام نکر

پیروزی و پیشرفت ملک بلامنازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند. — گوته

پیراهن صبر پوشیدم که علاج محنت را، هیچ چیز چون صبر نیست . — بوذرجمهر

تحمّل و بردباری بالاترین جرأت و جسارت است . — پاستور

تسلیم و رضا در برابر حوادثِ علاج ناپذیر، بهترین توشه سفر زندگیست . — شوپنهاور

تو هین ها مانند سکه تقلبی اند ما ناگزیریم آنها را بشنویم ولی مجبور نیستیم قبولشان کنیم . — رسورجن

تواضع ، صفت بارز کسانی است که به کمال دست یافته اند . — ؟

تواضع دلیل بر ضعف و ترس نیست بلکه از بزرگ منشی حکایت میکند . — ؟

جهان متعلّق با فرد اصبور است . — مثل ایتالیائی

چقدر بدبختند کسانیکه شکیبائی ندارند، هرگز با این خصلت در زندگی روی آسایش نخواهند دید . — شکسپیر

چند نیش مگس هرگز اسب چابک را از تاختن باز نمیدارد . — ولتر

چون بید خم شو، چون بلوط مقاومت کن . — ؟

حوادث چون روز ها سپری میشوند . — مثل آفریقا

خشم را چون شربتی گوارا بنوش که من در مدت عمر شربتی با این شیرینی از گلو فرو نبرده ام . — حضرت امیر (ع)

خطاهای دیگران را چون خطاهای خویش تحمّل کن . — فنلون

خلق از آن در رنجند که کارها را پیش از وقت طلب میکنند . — شیخ ابی سعید

خونسرد بمانید تا بر همه کس تسلط داشته باشید . — سن روست

خونسردی بزرگترین صفت یک فرمانده است . — ناپلئون

در سختی ها دل داشته باش و در شداید زندگی بحصار شکیبائی پناه بر و مردانه پایداری کن . سرانجام پیروز و غالب خواهی شد . — ؟

در روز مصیبت عظمت روح و توانائی اشخاص معلوم میگردد . — حضرت محمد ص

دست لرزان ، گره باز نمیکند و در خاطر پریشان فکر درست بر نمیآید . — حجازی

دیروز رفت . فردا نیامده . فریاد عبث است آرام باش ! — ؟

درد برای انسان صبور مفهومی ندارد . — مثل انگلیسی

راز بزرگ زندگی در شکیبائی است و نباید بخاطر یک آینده مبهم زمان حال را بر خود تلخ نمود . — ژان داوید

راز موفقیت در ثبات قدم نهفته است . — دیسرائیلی

رنجی که واقعاً شجاعانه تحمل شود حتی دل سنگ را نرم میسازد . — گاندی

روزیکه صبر در باغ زندگیت بروید بچیدن میوهٔ پیروزی امیدوار باش . — مثل آلمانی

روزگار همه ی درها را بروی بردباران میگشاید . — مثل چینی

زمان برای کسیکه میتواند صبر کند هر دری را میگشاید . — مثل چینی

زمان استاد بزرگی است و بسیاری از مشکلات را حل میکند .

کُرنی

سازگار بودن معنیش اینستکه با ناسازگاری دیگران سازگار باشیم .

ژول رومن

سرعت و تندی کار را مجوی . بلکه خوبی و برگزیدگی آن را سعی کن زیرا که مردم از تو نپرسند در چه مدت کار را انجام دادی بلکه خوبی و بی نقصی آنرا میجویند .

افلاطون

شتاب باید کرد ، اما در این شتاب چشم گشاده باید داشت که بیراهه ها در پیش و چاهها در راه است .

دکتر پرویز خانلری

صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانهٔ توفیق است .

حضرت محمدؐ

صبر و تحمّل موقعی خوب است که اصل مشروعی داشته باشد و گرنه در مقابل حق کشی و تبعیض و بیدادگری صبر تعبیر میشود به ضعف و ضعف مقدمهٔ فناست .

زرتشت

صبر و حوصله شکل دیگر ناامیدی است که بهتر میتوان آنرا تحمّل نمود .

بیرس

صبر و امید دو عامل موفقیتند .

الکساندر دوما

عجله مباح نیست مگر در سه کار ، یکی آنکه دختر بشوهر رود . دوّم آنکه میت را زود دفن کنند . سوّم آنکه طعام زود پیش میهمان برند .

لتن

قدرت و تحمّل اکثراً باهم نسبت معکوس دارند ، قدرت اشخاص که زیاد میشود تحمّل آنها کم میشود .

؟

قوّهٔ صبر و حوصله از بزرگترین مزایای عالیهٔ انسان بشمار میرود .

؟

قوت رای و ثبات عزم هر کس را در هنگام نکبت میتوان آزمود زیرا که حوادث زمانه بوته وفا و محک ثبات مردان است . کلیله و دمنه

کسیکه آهسته رود ، دور رود . مثل چینی

کره زمین مال اشخاص پشت کاردار است . مثل آلمانی

گذشت زمان بخودی خود بسیاری از نگرانی های ما را از بین میبرد . دیل کارنگی

مرور زمان غمهای ما را سبک میکند و با گردش ماه و خورشید محو ش میسازد جواد فاضل

من به هیچ وجه اجازه نمیدهم تحت هیچ نوع شرایطی مأیوس گردم . سه چیز لازم برای رسیدن به یک هدف بارارزش عبارت است از کار ، استقامت و عقل سلیم . تامس ادیسون

موفقیتهائیکه نصیب بشر شده عموماً در سایه تحمّل و بردباری بوده است . شکسپیر

موقع روی آوردن مصیبتی از خود بپرسید ۱ـ بدتر از بدش چه خواهد بود ؟ ۲ـ خود را از قبول آن درصورت لزوم آماده کنید ۳ـ آنوقت با آرامش در رفع و اصلاح آن بدتر از بد بکوشید . دیل کارنگی

مانند گاو نر بردبار ، مانند شیر دلیر ، مانند زنبور زحمتکش و مانند پرنده خوشحال و بانشاط باش . مثل طبرستانی

نیرومندترین مردم آن است که خشم خویش نگه دارد . افلاطون

نیکوترین تدبیرات تحمّل است و کار را بوقت خود گذاشتن . ؟

وقتی طوفان مصائب از چهار طرف شما را در میان میگیرد. بیهوده مضطرب نشوید و بفکر چاره باشید. ؟

هرگز صبر و بردباری را از دست ندهید زیرا این آخرین کلیدی است که در را میگشاید. تاکوپیری

هر چیز را چون خطای خودتان نباشد میتوانید تحمل کنید. ؟

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر میآید. کارلایل

هر روز با مشکلی روبرو میشوی بجای گریختن و در خود فرو رفتن با آن بمقابله برخیز. ؟

همیشه چنان رفتار کن که گوئی هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده است و باین توجه نداشته باش که چه اتفاقی افتاده است ؟

هنگامیکه دیگران خونسردی را از دست میدهند تو خونسرد باش. ؟

هیچ ایمانی چون حیا و صبر نیست. حضرت محمد

هیجان و خروش از نیروی شخصی میکاهد و خونسردی را که مرد در جریان رویدادها و موقعیت های بزرگ زندگی خود نیاز دارد از دستش میستاند. ؟

هفت بار که افتادی برای هشتمین بار برخیز. مثل ژاپونی

هیچ چیز باندازه بردباری آکنده از پیروزی نیست. مثل چینی

هیچ چیز باندازه زمان از خود انتقام نمیگیرد مثل ایتالیائی

بزندگانی اگر عزم آهنین داری — بزیر پات شود کوه چین زمین هموار

؟

رهائی خواهی از سیلاب اندوه — قدم بر جای باید بود چون کوه

گر از هر باد چون بیدی بلرزی — اگر کوهی شوی کاهی نیرزی

نظامی

شمع بر پای خود چنین بستاد — روشنی بخش گشت و بزم آرای

سرفراز است اگرچه بگدازد — هرکه چون شمع بود پا بر جای

تیره بختی است تکیه بر دگران — نپذیرفت مرد روشن رای

افسر

کن وهم و هوس را برون از دل خویش — یاور چه کنی تو خویش شو یاور خویش

مرغان که به شاخه ها نغنوند از بار — زانست که تکیه شان بود بر پر خویش

آیتی

محیط دایره آنکس بسر تواند برد — که پای همت چون پرگار استوار کند

قاآنی

مرد دانا کار گیتی را نگیرد سرسری
سروری را بایدت باید از سر بگذری

سخت جانی باید اندر زیر بار حادثات
با حوادث برنیاید سستی و تن پروری

در قبال زورمندان زورمندی لازم است
ورنه طعمه‌ی اقویا گشتن بجرم لاغری

گویند صبر کن که ترا صبر بر دهد
آری دهد ولیک بخون جگر دهد

من عمر خویش را بصبوری گذاشتم
عمری دگر بباید تا صبر بر دهد

سوزنی سمرقندی

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر نوبت ظفر آید

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود ولیک بخون جگر شود

حافظ شیرازی

اعتدال

آنکه ترک میانه روی کرد سرگردان است .　　حضرت امیر(ع)

آنچه که مایه نگرانی بیشتر مردم است نداشتن پول نیست .بلکه نداشتن طریقه خرج کردن آن است.　　دیل کارنگی

آنکه بیش از اندازه محتاط است بسیار کم کار انجام میدهد .　　شیللر

آنچه بار زندگی را بر دوش ما سنگین تر میسازد .عموماً زیاده روی در خود زندگی است .　　روسو

آهسته برو همیشه برو .　　مثل امریکائی

انسان فهمیده و خردمند کسی است که هیچ عادات و انس او را کور و کر نکند .　　سعید نفیسی

از آهسته رفتن مترس ، از بیحرکت ایستادن بترس .　　مثل چینی

از فرط غرور . « نه » . و از فرط ضعف « آری » مگو .　　مثل اسپانیولی

انسان در هر کار باید بداند کجا باید ترمز کرد .　　مثل فرانسوی

برتری همیشه منفور بوده است ، و هنگامیکه برتر از همه ای بیشتر منفوری .　　گراسیان

بسیاری از اشیاء لوکس و چیزهائیکه وسائل آسایش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند بلکه موانع بزرگی فراراه.

ترقی و تعالی انسانند . — توررو

بهترین کار میانه روی است . — حضرت امیر(ع)

بیش از حد عاقل بودن کار عاقلانه ای نیست . — ؟

پای خود را از زیاد رفتن بخانهٔ همسایه ات باز دار، مبادا از تو سیر شده از تو نفرت نماید . — ؟

تا انسان تمایلات خود را در حد اعتدال نگه ندارد سعادت و خوشی نخواهد داشت . — حسنعلی راشد

جهان بزرگتر و فراختر از آنستکه مردمی کوته نظر آنرا بخود اختصاص بدهند و از خود بدانند و بدانچه خود دارند مغرور باشند . — سعید نفیسی

حوادث و پیش آمدها، هر قدر مهم و بزرگ باشد، شخص خونسرد یکه توازن و اعتدال را از دست نمیدهد، میتواند بر آنها چیره شود . — دکتر مارون

خردمند از افراط و تفریط می هراسد . — آئین تائو

خشم بیش از حد گرفتن وحشت آورد و لطف بیوقت هیبت ببرد . — سعدی

در آشوب زمانه همچون شتر بچه نر باش که نه پشتی دارد که بنشینند و نه پستانی که بدوشند . — حضرت امیر(ع)

در عالم هیچ افراطی زننده تر از افراط در حق شناسی نیست . — لابرویر

در موفقیت هم باید راه اعتدال پوئید . — ؟

صرفه جوئی خود یکی از منابع مهم درآمد است . الکساندر دوما

عیسوی تر از پاپ ، کاسه گرمتر از آتش و رنگ بالاتر از سیاهی مباش . ؟

کسانیکه از درآمد کم خود نمیتوانند پس انداز کنند ، از درآمد زیاد نیز قادر به پس انداز نخواهند بود . دکتر ماردن

مجبوب و مغضوب بودن ، هردو رنج آور است . تاا و نه کینگ

مرد عادل و خردمند سرنوشت حقیقی را طرز استنباط از زندگی و حفظ تعادل بین افکار خود و قوای -

طبیعت میداند . مترلینگ

مرد خسیس ، گرانتر میپردازد . تاا و نه کینگ

مرد بزرگ از سه چیز پرهیز میکند ، شهوت در جوانی ، ستیزه جوئی در ابتدای کهولت و جاه طلبی در پیری . کنفوسیوس

میانه روی و اندازه نگاهداشتن ، کمال طبیعت آدمی است . کنفوسیوس

نه طوطی باش که گفته دیگران را تکرار کنی ، و نه بلبل باش که گفته خود را بهدر دهی . سعید نفیسی

نه چندان نرمی کن که بر تو دلیر شوند و نه چندان درشتی که از تو سیر گردند . سعدی

نمیگویم دستخوش هیجان نشو ، اما خودت را با آتش هیجان هانسوزان . مثل انگلیسی

وقتیکه یک چیز غیر لازم میخوری ، لازم است ده چیز دیگر برای تکمیل آن تهیه کنی ، پس بهتر است از هوی و هوس

اولین جلوگیری کنی تا مبتلای بعدی نشوی . فرانکلین

وقتی مورچه بال پیدا میکند سرش را از دست میدهد . ؟

همچنانکه نور زیاد مانع دیدن میشود فراوانی نعمت مانع لذت و برخورداریست . حجازی

همه ما نمیتوانیم ناخدای کشتی باشیم . ولی میتوانیم ملاح باشیم . دوگلاس مالوک

هرکس از صف اوّل کنار رفت در صف دوّم میدرخشد . مثل فرانسوی

ز کار زمانه میانه گزین — چه خواهی که یابی ز خلق آفرین

کسی کو میانه گزیند ز کار — پسند آیدش گردش روزگار

ستوده کسی کو میانه گزید — تن خویش را آفرین گسترید

چو داری بدست اندرون خواسته — ز ر و سیم و اسبان آراسته

هزینه چنان کن که بایدت کرد — نباید فشاند و نباید فشرد

فردوسی

چندین نه تیشه مباش و جمله بر خود متراش — چون رنده ز کار خویش بی‌بهره مباش

تعلیم ز اره گیر در عقل و معاش — چیزی سوی خود می‌کش و چیزی می‌پاش

جامی

نرمی ز حد مبر که چو دندان مار ریخت — هر طفل نی‌سوار کند تازیانه‌اش

صائب

نه چندان بخور کز دهانت برآید — نه چندان که از ضعف جانت برآید

سعدی

اعتقاد

آنکه خیال میکند ایمان ندارد، در اشتباه است، زیرا هر سری فکر میکند و معتقداتی دارد که همان ایمان است. — حجازی

آنچه که به پروردگار مدیونیم دوست داشتن دیگران است. — لاکوردر

آنچه انسان هرگز نخواهد فهمید اینستکه چگونه در مقابل کسی که ما را آفریده و همه چیز ما از اوست مسئول خواهیم شد و او از ما بازخواست خواهد کرد. — مترلینگ

آزادی وجدان نشانهٔ خداپرستی است. — مثل ایتالیائی

از دو چیز به خدا می نالم، سادگی و بیهوشی مردم درستکار، زیرکی و فراست اشخاص متقلب و خائن. — حضرت امیر (ع)

از آنها که دورو هستند بیشتر متنفرم تا آنها که دو خدا دارند. — حضرت موسی (ع)

اگر میخواهی هستی را بشناسی خود را بشناس. — سقراط

اگر مذهب ما را تسلیت نمیداد زندگی رقت انگیزی داشتیم. — تولستوی

اگر بت ها را واژگون کرده باشی کاری نکرده ای وقتی واقعاً شهامت خواهی داشت که خوی بت پرستی را در درون خویش از میان برداشته باشی. — نیچه

اگر من پانصد سر داشته باشم همه را در راه حق میدهم و حاضر نیستم از عقیده و ایمان خود دست بکشم . مارتین لوتر

انکار وجود خدا بمنزله انکار وجود انسان است . مترلینگ

انسان بایمانی نیاز دارد که بتواند با آن در برابر ناروائی های مولود جنگ گرم و سرد مقاومت ورزد . برتراند راسل

اولین و آخرین فلسفه همواره دین بوده است و حشی ترین اقوام نیز در آن آزمایش کرده ، زیرا هیچ ملتی که کاملا بی دین باشد در روی زمین پیدا نمیشود . هردر

ای طبیعت ای حکمران همه موجودات ، و شما ای اختران شایسته ستایش طبیعت ، ای فضیلت ، ای عقل شما برای ما خدایان یگانه باشید . دولباخ

این کفر نیست که من میگویم انتهای کفر ایمان است ، هرچه دانش ما بالاتر برود ، بهمان نسبت خداوند را بزرگتر از آنچه هست خواهیم شناخت ، خدائیرا که پیشینیان میپرستیدند ، غیر از خدائی است که ما شناخته ایم ، ما که در علوم پیشرفته و عجایب بسیاری را کشف کرده ایم خداوند را میلیون بار بزرگتر خواهیم شناخت . مترلینگ

ایمان بزرگترین حافظه بشری است . سرک گارد

ایمان و احکام آن دارای تأثیر و نفوذ غیر قابل انکاری است . محمد (ص) با دین خود جهان را رام کرد و او فاتح و جهانگیر است . ناپلئون

بتوانائی خویش ایمان داشتن نیمی از کامیابی است . روسو

بدان که ایمان بر سه وجه است. بیم و امید و مهر. بیم چنان میباشد که ترا بر طاعت وادارد و مهر چنان میباشد که در دل تو تخم خدمت کارد. — خواجه عبدالله انصاری

بزودی روزگار انتقاد و عیبجوئی به پایان میرسد و بوسیلهٔ پیشرفت تمدن آزادی فکر به تمام معنی در جهان حکمفرما میشود. و همه کس میتواند بدلخواه خود راجع بفلسفهٔ وجود فکر کند. — کوت

بسختی میتوان در بین مغزهای متفکر جهان کسیرا یافت که دارای یک نوع احساس مذهبی مخصوص بخود نباشد. این مذهب با مذهب یک شخص عادی فرق دارد. — انیشتین

بطور کلی تعلیمات مذهبی ژاپون، روح فضیلت ثبات و شجاعت و تحمل و امانت و تسلط بر نفس را در تمام افراد از مرد و زن پدید میآورد و همین صفات ملت ژاپون را در شمار ملل معظم دنیا در آورده است. — لرد اویبوری

بعضی صلیب را روی گور خود میگذارند و برخی آنرا لنگر کشتی میسازند. — ؟

بت تراشها کمتر اطاعت بت را مینمایند و کمتر معتقد بآنها هستند زیرا میدانند که چه ساخته اند. — مثل چینی

بی آزاری بهترین دین است. — مثل سانسکریت

تا وقتیکه قلب شما نخواهد، مسلماً مغز تان هرگز چیزی عقیده پیدا نمیکند. — ویلیام جیمس

تمام بدبختی ها و عذابهائیکه خدای شما بر ایتان میفرستد از طرف خود شما فرستاده میشود. — مترلینگ

توده عقاید خود را حاضر و آماده از بازار آزاد فراهم میکند. — کولستون

حتی خدا را هم هر کس به تناسب شعور خویش می شناسد .	امیل ناگه

در ایمان قطعی همواره باید آتشی نهفته باشد که خاشاک پلیدی و بدگمانی را سوخته و خاکستر سازد .	بایگون

در هر ذره ای از ذرات این نشان موجود است که او است آن خدای یگانه که هستی هر هستی بهستی او است .	ابوعلی سینا

در مغز و قلب متر لینگ خداوندی چنان بزرگ و لایزال وجود دارد که از آغاز پیدایش بشر یک چنین خدای بزرگ و توانا بفکر هیچ متفکری نرسیده است	پرنس دوبروگلی

دروغ آئین اربابان و بردگان و حقیقت خدای انسانهای آزاد است .	ماکسیم کودگی

دین عبارت است از شناختن تکالیف بشری در شکل اوامر خدائی .	کانت

دین برای فراغت خاطر و آرامش خیال بیشتر از آنچه بتوانیم تصور کنیم مفید است ، در روزگار بدبختی و بیچارگی ، دین بهترین وسیله ایست که ما را تسلیت داده ، فشار نارا حتیها را سبکتر سازد .	لرد آویبوری

دین سه اصل مهم که بنیاد حیات اجتماع بر آن سه اصل استوار است در جامعه ایجاد میکند : یکی الفت و یگانگی میان افراد ، دوم جلوگیری از شر و آزار افراد نسبت به یکدیگر ، سوم وادار کردن افراد بمعاونت و کمک و چیز رساندن به یکدیگر .	حسینعلی راشد

دین تنها یکی است ، اما اعتقادات ممکن است انواع یاد داشته باشد .	کانت

دین در هر شکلی که تظاهر کند همیشه بیک احتیاج وحی و معنوی بشریت میماند .	فوترباخ

ریاکار آن کسی است که جامهٔ خدمتگزاران خدا را می دزدد تا آن را بر تن شیطان بپوشاند. پولوک

سازندهٔ بت هرگز بت پرست نمیشود. مثل چینی

شمشیر میتواند روح را از بدن جدا سازد، ولی هرگز نمیتواند عقیده ای را از مغز کسی بیرون براند. لورد کالون

عبادت مردمیکه بطمع بهشت، عبادت خدا می کنند سوداگری است. امام زین العابدین (ع)

عظمت خدای هرکس باندازهٔ بزرگی مغز او است و بعبارت دیگر بزرگی خداوند بقدر شایستگی ما است. مترلینگ

عقل چیست که میتواند با پای چوبین استدلال که سخت بی ثبات و تمکین است بحریم هستی مطلق نزدیک شود. توفیق الحکیم

عقیده ایکه مردم از ترس جانشان بپذیرند پایدار نیست. سعید نفیسی

کسیکه فقط یک دین را می شناسد دین دار نیست. ماکس مولر

از کسانیکه دینشان، دامی برای باج گرفتن است اطاعت مکن. ابوالعلا

محققی که در جستجوی خدا است، ایمانش صد برابر محکمتر از آنهائیستکه بخدائی ندیده و نشناخته و تحقیق نکرده ایمان دارند. خدای آنها خدا نیست اسباب دلگرمی است. مترلینگ

مذهب نیروی بزرگی است. تنها نیروی محرکه واقعی جهان. اما شما بایستی دیگران را از طریق مذهب خودشان بحرکت وادارید نه از طریق مذهب خودتان. برنارد شاو

وقتی همه با من هم عقیده میشوند، تازه حس میکنم که اشتباه کرده‌ام. اسکار وایلد

هر که خود را شناخت خدای خود را شناخته است. حضرت محمد (ص)

هر کس که بمطالعه و درس کالبد شناسی بپردازد، به اعتقاد من هرگز منکر خدا نخواهد شد، قالب بدن انسان سازگاری اجزای آن با یکدیگر چندان شگفت انگیز و معمائی است که بنظر من آنرا باید بزرگترین معجزه طبیعت دانست. لورد هربرت

هر که اهمیت بزرگ دین را کوچک شمارد با وجود روشندلی خود با خرافات مشغول شده و هر جا که ترس از خدا زایل شود، بی لجامی هوی و هوس نفسانی را آغاز میکند. لایب نیتس

هزار سال اگر روی خود را بطرف مشرق و مغرب یا شمال و جنوب کرده و یک سلسله کلمات متحد الشکل و یکنواخت را بصورت دعا تکرار نمائیم، یک قدم در طریق شناسائی خدا جلو نخواهیم رفت، ولی اگر یکساعت در لابراتوار روی فلان ماده و فلان جانور و یا میکروب خم شده و مطالعه کنیم بیکقدم ما را در شناسائی خدا جلو خواهد برد. تنر لینگ

هیئت‌های مسیحی وقتیکه بسرزمین ما آمدند دارای آئین مقدس بودند و ما صاحب زمین بودیم، اکنون آنها مالک زمین هستند و ما دارای آئین مقدس. یک دهقان آفریقائی از کتاب اقتصاد قرن بیستم

هیچکس نمی‌تواند خدا را برای دیگران توصیف کند، زیرا بمحض اینکه توانست خدای خویش را وصف کند، دیگر او خدا نبوده، بلکه مثل من و شما است. مترلینگ

یگانه دعائی که شایسته خداوند میباشد اینست که در حضور او ایستاده و بگوئیم. خدایا ما ترا نمی‌شناسیم و غیر از این

هر چه بگوئیم اگر کفر نباشد موجب تحقیر اوست — مترلینگ

یک پرندهٔ کوچک که زیر برگها نغمه‌سرائی میکند برای اثبات خدا کافی است. — ویکتور هوگو

*

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست | دل ندارد که ندارد بخداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود | هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

سعدی

ای آنکه ز هر ذره نمایان شده‌ای | وز هر طرفی چو مهر تابان شده‌ای
در کعبه و دیر جمله را روی بتوست | تو مقصد کافر و مسلمان شده‌ای

طالب سبزواری

بگو یک ره کجا جویم ترا ای من ازین حسرت | که هر جانب نظر دارم وی آواز تو می‌آید

لا ادری

بنام خدائی که بر ذات وی | محالست هرگز برد عقل پی

قوام گنجوی

چشم بگشا که جلوهٔ دیدار | متجلی است از در و دیوار — عطار نیشابوری

ز روز گذر کردن اندیشه کن
پرستیدن دادگر اندیشه کن

فردوسی

گر رفته‌ای ز دل که تمنا کنم ترا
گر بوده‌ای نهفته که پیدا کنم ترا
غایب نگشته‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم ترا

فروغی بسطامی

بر شاخ طرب هزاردستان تواییم
دل واداده بران نغمه و دستان تواییم
از دست مده که زیردستان تواییم
بگذر ز گناه ما که مستان تواییم

الهی قمشه‌ای

اعتماد بنفس

اگر دستم را در دهان اژدها فرو برم، خوشتر دارم از اینکه از ناکسی که بمقامی رسیده چیزی بخواهم. حضرت امیر(ع)

اگر بکسی اعتماد نداری از او پرهیز کن. ناپلئون

بگرسنگی مردن بهتر که نان فرومایگان خوردن. سعدی

بهر اندازه که محتاج خدمتکار باشیم او فرمانروا خواهد بود. حجازی

تا میتوانی از درخواست کردن خویشتنداری کن. حضرت محمد(ص)

تمام وعده و نویدهای دنیا فریبی بیش نیست و بهترین دستور زندگانی اینستکه اعتماد به نفس داشته باشد و در پرتو سعی و مجاهدت خود بمقامی برسد. میکلانژ

جوانمرد آنست که دارائی خود را بدهد و آبروی خویش را نگاه دارد. حضرت امیر(ع)

حاجت روا ناشدن به از عرض حال بنااهل کردن است. ؟

خواری در درخواست از خلق است. حضرت امیر(ع)

خلعت سلطان اگرچه عزیز است، جامهٔ خلقان خود بعزت تر و خوان بزرگان اگرچه لذیذ است خردهٔ انبان.

خود بلندتر	سعدی

خودستایی مایل است که بوسیله شما اعتماد بخود را بیاموزد، وی از نگاههای شما تغذیه میکند و در دستهای شما تعریف و تمجید نسبت بخود را می بلعد.	نیچه

در دنیا تنها کسی موفق میشود که بانتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد.	شیللر

سنگ بجای خود سنگین است.	؟

شرافت مانند تیری است که چون از کمان گذشت بازگشت آن ممتنع است.	حضرت امیر

عظمت واقعی در اینستکه بر نفس خود مسلط باشید.	دانیل دیفو

کسیکه بر نفس خود غلبه نکرد بر هیچ چیز غالب نخواهد شد.	زرتشت

کسیکه از سرنوشت خود شکایت کند از کوچکی و ناچیزی روح خود شکایت کرده است.	مترلینگ

کسیکه بخود اطمینان دارد بتعریف کسی احتیاج ندارد.	گوستاولوبون

کسانیکه عزت نفس ندارند الم ذلت و اهانت را درک نکنند لیکن صاحبان نفوس شریفه با یک سخن کوتاه و با یک کلمه ملول و متاثر میشوند.	ارسطو

کسیکه هرچه ببیند و بشنود با و برنخورد و متغیر نشود، من اصلاً با او کاری نخواهم داشت.	پرسیس

مانند پرنده باش که روی شاخه سست وضعیف لحظه ای می نشیند و آواز میخواند و احساس میکند شاخه میلرزد ولی

مع ذالک باز از خواندن خود ادامه میدهد زیرا مطمئن است که بال و پر دارد .

هوگو

محترم و عزیز بدارید خود را تا پیش همه کس عزیز بمانید .

بهروز

مرد آزاده بهیچ وجه دست افزار کسی نمیشود یعنی برای وی شایسته نیست که خود را آلت مقاصد دیگران بسازد ، او مقصد خویشتن است .

کنفوسیوس

نمیدانید تا چه حد اعتماد به نفس باعث اعتماد بهر چیز دیگر میشود .

هوگو

وقتی عدم اعتماد شروع شود صمیمیت از بین میرود .

پوشکین

هرگز با حساسا تیکه در اولین برخورد از کسی پیدا می کنید نسنجیده اعتماد نکنید .

آناتول فرانس

هر کس که بر نفس خود مالک شد . بر نفوس دیگران نیز مالک و مستولی شد .

؟

هیچ چیز بیش از نیروی درونی . بیش از اعتماد به نفس شخص را قوی و نیرومند نگه نمیدارد ، وقتیکه این قوت باطنی متزلزل شود ، یکباره قوای بدنی شخص فرو میریزد و او را از پای در میآورد .

سعید نفیسی

یک قدم خواری بخوشی جاودانی نمیارزد .

حضرت امیر (ع)

خودستائی چشم عقل را کور و خلق حمیده را بدرندگی تبدیل میکند ، او بمردم طوری نگاه میکند که گوئی بردگانی در برابرش زندگی مینمایند .

غ - ذ

خودستا نماینده جنون بشریت است .

غ - ذ

اظهار عجز پیش ستم‌پیشه ابلهیست   اشک کباب موجب طغیان آتش است

صائب تبریزی

خاک گر انگشت خویش لیسی به   گر ز پالوده کسان انگشت

نظامی

دست حاجت ز در ناکس و کس کوته کن   آخر این دست بلند تو هنرها دارد

؟

چون بخارد پشت من انگشت من   خم نشد از بار منت پشت من

همتی کو تا بخارم پشت خویش   وارهم از منت انگشت خویش

مولوی

دو قرص نان اگر از گندم است یا که ز جو   دو تای جامه اگر از کهنه است یا که ز نو

چهار گوشهٔ دیوار خود بخاطر جمع   که کس نگوید از اینجای خیز و آنجا رو

هزار مرتبه بهتر بنزد ابن یمین   ز فر مملکت کیقباد و کیخسرو

ابن یمین

دائم چو انجم از مدد همت بلند   یعنی ز بار منت کس خم نگشته‌ام

غنی کشمیری

سرمه‌ای را که بود منت غیری همراه
کور بادا اگر کنم چشم بدان سرمه سیاه

عقل و همت را نمیدانم کدامین بهتر است
آنقدر دانم که همت هر چه گویی از پیش به

کوه را منتقل شدن سد ره مقصود من
همت مردان برآرد از نهاد کوه گرد

[illegible]

انسان

آدم تنها مخلوقی است که نمیخواهد همان باشد که هست . آلبر کامو

آدم هرجا باشد عادت میکند و دیگر برایش سخت است از آنجا برود، نحوهٔ فکر کردنش هم بعد از مدتی عادت میشود و عوض کردنش سخت است . اشتنبک

آدمها مثل درختها میباشند. درختی مثل مو از برگ و از میوه اش انگور و بعداً از کشمش آن استفاده میشود، و درختهائی هم هست که تقریباً بدون استفاده بوده و مزاحم رشد درختهای خوب هم میباشند. انسانهای خوب و واقعاً خوبند افرادی هم هستند که باعث شرمساری بشرند و مانع فعالیت افراد . غ - ذ

آدمی بسیرت است نه بصورت. انسانیت به کمال است نه بجمال . ؟

آنکس که جرأت انجام کارهای شایسته دارد، انسان است . شکسپیر

آنچه را که انسانیت به تو فرمان میدهد، انجام بده و از هیچکس جز خودت متوقع آفرین مباش . سر ریچارد برتن

آیا میدانید که انسان چیست؟ آیا نسب و زیبائی و خوش اندامی و سخنگوئی و مردانگی و دانشوری و بزرگمنشی و فضیلت و جوانی و کرم و چیزهای دیگری از این قبیل. نمک و چاشنی یک انسان نیستند . شکسپیر

اگر زندگی انسان، هیچگونه جنبهٔ انسانی نداشته باشد، فردا روز دیگری نیست.

؟

اگر انسان هر کاری را با جبار انجام دهد یعنی مثلاً خود را مجبور نماید که هر روز ده صفحه چیز بنویسد آن علاقهٔ اصلی و باطنی از بین خواهد رفت. من تصدیق میکنم که نوشتن کار سختی است. ولی حتماً باید با تفریح توأم باشد.

ویلیام فالکنر

اگر انسان خود را از آنچه هست نتواند بمقامی بالاتر برساند موجودی ضعیف و ناچیز است.

؟

انسان در این عالم چون شبح سرگردانی است که هنگام عبور از این راه حتی سایه‌ای از خود بیادگار نمیگذارد.

هوگو

انسان باید خود را در دنیا همچون درخت نارنجی رهبری کند که میتواند در باغ باین سو و آنسو حرکت کند. بهر جا که میرود عطری بفشاند و هوا را خوشبو کند.

ن. و. پیچر

انسان ترکیب عجیبی است و در عین ناچیزی خود را برتر از همه میشمارد.

اشتیل

انسان بزرگتر از یک جهان و بزرگتر از مجموعهٔ جهانها است. در اتحاد جان با تن رازی بیش از راز آفرینش جهان نهفته است.

هنری گیلر

انسان چه بد بهترین قسمت عمر خود را در معاملهٔ بیحاصلی مصرف میکند. در خوشامدگوئی. در ملاقاتهای بیهوده. در جمع کردن و پراکندن اخبار. در رفتن به جشنها و بازیها و در عقبتازی سردی در یک گوشهٔ تاریک.

بی جانسون

انسان همیشه میتواند بهتر از آنچه هست باشد و اعمال خود را منظم کند. با این فکر خود انضباط ببخشد و با امید زمین را بیاراید.

اوبری د وود

انسانها یگانه حیواناتی هستند که من از آنها سخت وحشت دارم . — برنارد شاو

انسان قبل از هر چیز باید حیوان خوبی باشد . — هربرت اسپنسر

انسان دنیائی از عجایب است . — ارسطو

انسان فقط موقعی که بازی میکند انسان است یعنی در ساعات بازی و تفریح که برای تجدید قوای خود میکوشد خصایص انسانیت او آشکار میشود . — شیلر

انسانی که با اجتماع تکامل پیدا کرده باشد، از همه جانوران بهتر است ! اگر بی قانون و بی عدالت زندگی کند - خطرناکترین جانوران است . — ارسطو

انسان از حشرات هم کوچکتر است، چون آنها فقط برای کشتن ما نیش میزنند، ولی ما برای کشتن آنها وجودشان را له و نابود میکنیم — ؟

انسان فرزند محیط و جامعه است که در آن نشو و نما و پرورش یافته است . — موپاسان

انسانیت بصورت نیست به صفا است . — ؟

انسانیکه معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست، بلکه با تمام اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد . — لئون تولستوی

انسان موجودی است که بهمه چیز عادت میکند . — داستایوسکی

انسان را محصول نمایشگر جهانی نامیده اند. خوب است بخاطر داشته باشیم که آدمی در این وضع نمایشگر، بهترین چیزهای طبیعت و نیز بدترین آنها است ؟

انسانها بصورت کلی چیزی جز کودکان بزرگ نیستند . ناپلئون

انسان یک مشت عواطف بیهوده است، و نفس دائماً میخواهد خود را بنا کند ولی دائماً این بنا فرو میریزد . ژان پل سارتر

انسانها با دو چشم و یک زبان بدنیا میآیند، تا دو برابر آنچه که میگویند ببینند، ولی از طرز سلوکشان اینطور استنباط میشود که آنها با دو زبان و یک چشم تولد یافته اند. زیرا همان افرادیکه کمتر دیده اند بیشتر حرف میزنند و آنهائیکه هیچ ندیده اند ، درباره همه چیز اظهار نظر میکنند . کولتون

ای انسان، تو آویخته میان یک لبخند و یک اشکی . بایرون

برتری انسان از سه راه است! از پرهیزکاری که با آن از نگرانی میرهد، از حکمت است که پریشانی را از او دور میکند و از شجاعت است که او را از ترس میرهاند . کنفوسیوس

بشر حیوان بکار برنده افزار است. در هیچ نقطه ای او را بدون افزار نمی توان یافت. بانداشتن افزار در حکم هیچ است و باداشتن آن همه چیز . توماس کارلایل

بشر در این دنیا بیشتر از همه موجودات مصیبت و عذاب کشیده . بهترین دلیلش هم اینست که در بین

تمام آنها فقط او میتواند بخندد . — نیچه

به من بگو برای چه شخصی احترام قائلی . تا بدانم چگونه انسانی هستی ، چه این بمن نشان میدهد که چه تصوری درباره انسانیت داری و خود نشان آن هستی که چگونه انسانی بشوی . — کارلایل

تأسف برای گذشته باین میماند که انسان بدنبال باد بدود . — مثل روس

جهان بزرگ است و آدمیزاده کوچک . اما انسان میتواند چنان بزرگ شود که جهان در برابرش کوچک شود ؟

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها فرق میکند . — مثل آلمانی

در جهان یگانه مایهٔ نیکبختی انسان صحبت است . — افلاطون

دفتر حساب یک انسان نمیتواند به ما بگوید که او چیست اگر میخواهید بدانید که ارزش هرکس درویش یا توانگر چیست ، باید به حساب آنچه در درون اوست رسید نه آنچه در بیرون اوست . — ه . و . بیچر

دوست دارم بدانم که انسان در خط سیر خود از حالت توحش بمدنیت چه گامهایی برداشته است . — ولتر

دو چیز تفاوت فاحشی بین انسان و حیوان بوجود میآورد . قدرت بیان و دروغگوئی — آناتول فرانس

دولت و دین و مالکیت و کتابها ، چیزی جز وسیله‌ای برای ساختن انسان نیست . کرهٔ زمین میوه‌ای بهتر از انسان تمام عیار ندارد . — شوپنهاور

زینت انسان سه چیز است ۱ - علم ۲ - محبت ۳ - آزادی — افلاطون

شما به دوستان من اشاره کردید. کدام دوستان؟ کجا هستند این دوستان، در قصر گل آلوده تو همات یا مشغول گوش دادن بصدای برخورد سکه های پس انداز شده شخصی؟ باور کنید انسان فقط میتواند در میان حیوانات اهلی دوستانی پیدا کند.

آلفرد نوبل

عرق ریختن و در کثافات زیستن و احساس نیمه بردگی در کار باید از میان برود. باید با معامله کردن با انسانها همچون انسان احساس انسانیت را ترویج دهیم.

لویدجرج

کار آموزی و تربیت انسان بصورت عمده باید مصروف ساختن انسان باشد.

گادادستون

گاه انسان در مقابل بعضی ها از خوشبختی خود احساس شرم میکند.

؟

مردم چنانچه غیر از خودشان مدل و سرمشق نداشتند به ندرت به پیشرفت نائل میشدند.

اسمیت

مسئله در این نیست که یک انسان چه اندازه میداند، چه چیز کسب کرده و چگونه پرورش یافته بلکه در آن است که دانسته خود را چگونه بکار برد و خودش چیست و چه میتواند بکند.

؟

معتقدم که سرنوشت انسان را تنها محبت معلوم میکند و بس.

شکسپیر

مفیدترین و پیشرفت نکرده ترین شناسائی بشری بنظر من همان شناسائی افراد بشری است.

ماسیون

مقام نیست که انسان را میسازد. بلکه انسان است که مقام را میسازد. برده میتواند مردی آزاد باشد جبار و خودکامه میتواند برده باشد. ما خود مقام و موقعیت را پست یا عالی میسازیم.

دوسو

من وطن را بیشتر از خانواده ام دوست دارم، اما بانسانیت بیشتر از کشورم علاقمندم.
فنلون

میخواهم از خودم یک انسان بسازم و اگر در این کار موفق شوم در هر کار دیگر کامیاب میشوم.
گارنیلد

نسبت بهمه مهربان و صمیمی باش، بخاطر داشته باش که جامهٔ نو به انسان شخصیت نمیدهد، بلکه مانند پر مرغان زیبا ست که آنها را می پوشاند و بآنها زیبائی میدهد.
جرج واشنگتن

وای که چه دشوار است انسان در تنهائی پیر شده و در بیکسی بمیرد.
غ - ذ

وقتی انسان دوست واقعی دارد که خودش هم بکید وست واقعی باشد.
امرسون

هر انسانی برای خود لحظه های شیطانی دارد.
لاواتر

هر انسانی یک جلد کتاب است بشرط آنکه بدانی چگونه آنرا بخوانی.
؟

هر کسی نمیتواند یک انسان باشد.
گوته

هنگامیکه ستارگان نمایان میشوند، انسان چه موجود حقیری میشود.
؟

یقین است که اگر همهٔ عالم برای انسان ساخته شده باشد انسان برای چیزی از عالم ساخته شده است.
دیلیس

دانی چه بود کمال انسان / با دشمن و دوست لطف و احسان

غمخواری دوستان خدا را / دلداری دشمنان مدارا

سعدی

ابنای دنیا سه فرقه بیش نیند / چون طعام‌اند و همچو دارو و درد

فرقه‌ای چون طعام درخورند / که از ایشان گریز نتوان کرد

باز جمعی چو داروی دردند / که بدان گه که هست حاجت مرد

باز جمعی چو درد باضررند / تا توانی بکن ز درد ملک

ابن یمین

رو بقلب آر و سرا کن به فضیلت تکمیل / مرد با قلب شد انسان نه به جسم انسان است

نیکوئی کن که بدل خلق ترا بنده شوند / کادمی بندهٔ لطف و کرم و احسان است

رو فرا جان کن و تکمیل فضایل میکن / کادمی خود نه به تن بلکه بجان انسان است

آنکه از کاسهٔ حرمان شده‌ای مست مدام / کی بهوش آید آن مست که سرگران است

آنکه از غیر خدا نصرت و یاری طلبد / یاورش عجز و فقر و ماندگی و خذلان است

[illegible]

انصاف . اخلاص

انصاف که از این مالیخولیا چندان فرو خواند که مرا بیش طاقت شنیدن نماند . — گلستان

اگر بی انصاف نداند که انصاف چیست ؟ انصاف داند که بی انصاف کیست . — خواجه عبدالله انصاری

اخلاص، آشیانهٔ دوستیهاست . — ؟

انصاف نصف ایمان است . — امثال و حکم دهخدا

انصاف از تو توقّع دارم . — گلستان

بخود ت سرزنش کن همچنان که دیگران را سرزنش میکنی ، دیگران را دوست بدار همچنان که خود را دوست میداری . — شل چینی

بلکه دم مسیحاست که مردگان انصاف را یک دم زدن اشارت زنده کند . — جهانگشای جوینی

در کارخانه ها و کارگاهها حتّی در مؤسّسات دولتی اگر مسئولان مربوطه از روی انصاف با زیردستان رفتار کنند نتایج آنرا در مدّت کوتاهی خواهند دید . انصاف برای کارفرما همچون بال برای پرندگان است . — غ - ذ

مردی نه اینستکه حمله آورد بلکه مردی آنست که در وقت خشم خود را بر جای بدارد و پای از حدّ انصاف بیرون نهد . — گلستان

اگر دستم دهد روزی که انصاف از تو بستانم قضای عهد ماضی را شبی دستی بر افشانم

سعدی

انصاف بده که هست ارزان یوسف صفتی بهفده درهم

خاقانی

انصاف میدهم که لطیفان و دلبران بسیار دیده‌ام نه بدین لطف و دلبری
از شرم چون تو آدمیان در میان خلق انصاف میدهم که نهان میشود پری

سعدی

چو خسروان رو جهان انصاف داد کز خرد انصاف جهانی در خور است

خاقانی

هستم همه انصاف دهند از پی من که چه انصاف ده و جورکش دورانم

خاقانی

زدستم بر نمی‌آید که انصاف از تو بستانم روا داری که خون خویش و آنگه بر من آشفتی

سعدی

من کیستم که سجده برم پیش ابروش انصاف گفته‌اند که بالای طاعت است کار

بخت و اقبال

افرادی هستند که نور چشمی شانس و اقبالند و هر وقت سقوط میکنند مانند گربه روی دو پا بر زمین می نشینند . کوبتون

اگر ما آنچه بایستی کنیم بکنیم آنچه بایستی داشته باشیم میرسیدیم . مثل اسکاتلندی

اگر اقبال مرا رئیس قوم سازد از کجا معلوم که بلافاصله نابودم نسازد . مثل مراکشی

بسی بینا که بچاه افتد و نابینا براه افتد . حضرت امیر (ع)

بیشتر ناراحتیها و نگرانیهای مردم زائیدهٔ اوهام و تصورات شخصی آنهاست و با دنیای حقیقت ارتباطی ندارد . ژرژ دوزگورک

بامید شانس نشستن همان و در بستر مرگ خوابیدن همان . مثل آلمانی

اقبال اسلحه ای است که شیطان بدست ما میدهد . مثل یونانی

طالع هر کس بدست خودش است . مثل آلمانی

عمر شانس با عمر یک گلولهٔ برفی بر روی بخاری یکی است . مثل سوئدی

کسی که از سرنوشت خود شکایت کند از کودنی و ناچیزی روح خویش شکایت کرده است . مترلینگ

کسیکه همه سلاحهای خود را رها کرده و ناله کنان میگوید نمی توانم، از من ساخته نیست، بد شانسم. ترحم انگیزترین مخلوق دنیاست.

؟

کسیکه شانس را راهنمای خود بداند کور است.

مثل ایتالیائی

کسیکه بامید شانس زنده باشد سالها قبل مرده است.

مثل فرانسوی

کالسکهٔ شانس همیشه بسر منزل مقصود نمیرسد.

مثل ایتالیائی

هیچ مریضی، مریضتر از کسی نیست که روز تعطیلش بیمار شده باشد.

بیل وگان

هیچ بامید شانس ننشینید. اگر بخواهد خود در را میزند.

؟

هیچ راهی نیست که تا تو قدم نگذاری بانتهایش برسی، اگر شانس هم داری مولود فعالیت تست برای بیکار و بیعار شانس و اقبال وجود ندارد.

غ - ذ

هر آنکس که معتقد به ستارهٔ شانس است. بیشتر چشم و گوشش را باز میکند و زیادتر فعالیت مینماید. بالاخره او فرشتهٔ شانس را در آغوش میگیرد.

؟

ترا که همت و اقبال و فر و بخت این است
بهر چه سعی کنی دولتت دهد یاری

جز نیکبخت پند خردمند نشنود
امید تربیت که پریشان مکن دلی

سعدی

جهان بگشتم و دردا به هیچ شهر و دیار
نیافتم که فروشند بخت در بازار

صائب

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش
باید برون کشید از این ورطه رخت خویش

حافظ

چو نیکبخت شدی ایمن از حسود مباش
که خار دیدهٔ بدبخت نیکبختانند

چو دستشان نرسد لاجرم به نیکی خویش
بری کنند بجای تو هر چه بتوانند

سعدی

از مال و جاه و منصب و اقبال و تخت و بخت
بهتر ز نام نیک نکرد ایچ حاصلی

سعدی

چون بخت نیک انجام را با ما بکلی صلح شد
بگذار تا جان میدهد بدگوی بدفرجام را

سعدی

نیک بخت آن کسی که داد و بخورد
شور بخت آنکه او نخورد و نهاد

رودکی

طالع عشاق او بس بوالعجب افتاده است
کوکب سعد شان از آسمان دیگر است

نجم الدین رازی

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم

تا شدم حلقه به گوش در میخانهٔ عشق
هر دم آید غمی از نو به مبارکبادم

حافظ

گله از چرخ نیست از بخت است
که مرا بخت در سر اندازد

یوسف از گرگ چون کند نالش
که به چاهش برادر اندازد

خاقانی

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره سری را

تو چون خود کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک اختری را

ناصرخسرو

بدبینی و خوش‌بینی

آتشی که جسم و جان را میسوزاند غالباً بدست خودمان روشن شده است. — بروکتر

آدم بدبین همچون مبتلایان تریاک مرض خود را به هزار دلیل بدیگران میدهد. — حجازی

آنکه خیال میکند شاید فردا گرفتار شود از آنکه الان گرفتار است بیشتر رنج میبرد. — حجازی

آینده را از دریچه ترس و وحشت نگاه نکنید. — ای. اچ. هادمن

اشتباه اینست که خیال میکنیم ما را برای خوشگذرانی باین دنیا آورده‌اند. اگر این اشتباه را از سر بدر کنیم به هر ناملایمی میسازیم. — محمّد حجازی

اگر چشم تو فاسد شد تمام جسدت تاریک میشود. — ؟

انسان همه چیز را میتواند فراموش کند غیر از ایام نیکبختی را. — مثل هلندی

به حال کسی افسوس میخوریم که از این سر کشور تا آن سر سفر کند و بگوید همه جا برهنه و تهی است و چنین است جهان را برای کسی که نخواهد میوه هائی را که باو تقدیم میکنید بچیند. — استرن

بخاطر داشته باشید امروز همان فردائی است که دیروز درباره آن نگران بودید! از خود بپرسید اقلاً این چیزی

که درباره اش نگرانم بوقوع خواهد پیوست یا خیر؟

بدحال ترین مردم کسی است که بکسی اطمینان نکند از جهت سوء ظن مفرطی که دارد و کسی هم باو اعتماد ننماید از خوی بدگمانی او.

حضرت امیر(ع)

بدگمانی و بدبینی پرده ایست که میان ما و دیگران حایل میشود و هیچوقت نمیگذارد، رشته دوستی خود را با آنها محکم ساخته از نعمت وفا و محبت بهره‌مند شویم.

لرد اویبوری

بدگمان کسی است که خیال میکند تمام مردم دنیا بد یا بدی او هستند.

باب بارکر

بدبینی نشانه ناتوانی است زیرا کسی که شایستگی تسلط بر زندگی را ندارد، احساس بدبینی میکند.

هاریو

بدگمانی میان افکار انسان مانند خفاش در میان پرندگان است که همیشه در سپیده دم یا هنگام غروب که نور و ظلمت بهم آمیخته است بال فشانی میکند.

بایگون

برای کامرانی و خوشبختی از تربیت کامل یعنی پرورش، جان ناگزیرید.

پوشه

برای خوشبخت شدن لازم است هر روز چند ساعت و هر ماه چند روز و هر سال چند ماه را در انزوا بسر بریم.

ژزف دو مال

برای کسیکه زندگی درویش غنی است، اشعه مختصر آفتاب بیهوده میدرخشد.

داستایوسکی

بزرگترین حوادث دنیا را که تحلیل و تجزیه کنیم به این نتیجه میرسیم که آنچه باعث بروز آن شده، حتی غازی هم ارزش نداشته است.

ناپلئون

به عوض آنکه بتاریکی لعنت فرستید، یک شمع روشن کنید.
کنفوسیوس

بکوش که نسبت بمردم بدبین نشوی، زیرا که صاحب سوءظن را جز زحمت ابدی و کسالت روحی بهره‌ای نباشد.
سقراط

پیر کامل آنست که تازگیهای زمان خود را هرچند عجیب و ناروا باشد، با روی خوش بپذیرد، جوان عاقل آنست که بعادات و افکار قدیم هرچند کهنه و بیمصرف باشد بدیدهٔ احترام بنگرد.
محمد حجازی

پای عادت بدرا بشکن.
مثل اسپانیولی

جائیکه در آن خوشبینی بیش از هرجای دیگر رواج و رونق دارد، تیمارستان است.
هاولاک الیس

چه بسا آنکه بظاهر آراسته و مایهٔ حسرت شماست، درمانده و محتاج دلداری و یاری شما باشد.
حجازی

خوشبین اظهار میدارد که ما در بهترین دنیای ممکنه بسر میبریم و بدبین بیمناک است که مبادا سخن او راست باشد.
برانچ کامل

خوشبختی فقط یک تعریف دارد باور داشتن خوشبختی.
داشیله

خوشیهای کوچک خوشبختی بزرگ میسازد.
آلفونس کار

خوشبختی نتیجهٔ ورزش و تندرستی است.

خوشبختی یک موضوع شخصی است اگر میخواهید سعادتمند باشید باید خوشبین و سالم و قانع باشید و اعتدال را رعایت

کنید همچنین باید کاری داشته باشید که از آن خوشتان بیاید و آن کار باید بازده داشته باشد. ?

خوشبختی و بدبختی را با هم ریخته اند، ما نباید انتظار داشته باشیم که در جام ما جز جرعه بدبختی چیزی نباشد، خوشبختی و بدبختی مانند سایه و آفتاب یکی پس از دیگری فرا میرسد. بدون تردید برای تکمیل خوشبختی وجود بدبختی هم لازم است ! اگر تاریکی نباشد اهمیت روشنی معلوم نمیشود . لرد آویبوری

در ایمان قطعی همواره باید آتشی نهفته باشد که خاشاک پلیدی و بدگمانی را سوخته و خاکستر سازد . باتگون

در دنیا دو نوع کور وجود دارد یکی آنکه نابیناست . دیگری مردی که شهوت جلوی چشمش را بگیرد . مثل چینی

ذهن خود را تیره مکن تا هر چیز برای شما روشن گردد . مثل چینی

زندگی یعنی مبارزه و کشمکش ، چه فرق میکند که این مبارزه بر علیه مصائب باشد یا در مقابل مشکلات . در اینصورت همه کس در عین ناتوانی خوشبخت باشد و از مسرت فتح و پیروزی برخوردار باشد . لرد اویبوری

ساعاتی که در انتظار خوشبختی هستیم لذت بخش تر از دقایقی است که بلذت خوشبختی رسیده ایم . الیوید کلداسمیت

غالب اوقات ما به علت آنکه خوشبختی را نمی شناسیم . وسیلهٔ بدبختی خود را فراهم میآوریم . لرد اویبوری

کسیکه سوءظن شدید دارد از لذت حیات محروم و بی بهره است . حضرت امیر(ع)

کسانیکه طبع تلخ و سنگین و انعطاف ناپذیری دارند، سهمی که از جاه و مقام دارند بیش از آن است که از خوشبختی دارند . بیکن

کلیه مشکلات برای کسیکه آنها را آسان میشمارد سهل است .
شاینینگ

کوههای عظیم پر از چشمه اند و قلبهای بزرگ پر از اشک .
ژزف دو

گیرم که رنگها و شکلها و آهنگها و صداها را یکسان دریابیم اما بی شک احساس درونی ما و برخورد ما با عوامل خارجی یکسان نیست .
دکتر هشترودی

ما از حقیقت دور افتاده ایم . خوشبختی غیر از اینهاست . خوشبختی احساسی است شیرین و فرح بخش که از روح ما بر میخیزد . از خود طلب هر آنچه خواهی که توئی .
لرد آویبوری

من میل بدیدن رویه دلپذیر کارها داشتم تا رویه نادلپذیر آنها و چه خوشتر است که آدمی با این شیوه فکر زاده شود تا ملکی بدرآمد ده هزار لیره در سال .
دیوید هیوم

مغز بشر در موقع خود میتواند بهشتی از جهنم و دوزخی از بهشت بوجود بیاورد .
؟

وجود خدا را از چشم دیگران تماشا کنید . و ببینید چه صورتی دارید ! آیا گلی هستید و نور آفتابی . یا خاری و طوفانی و ظلمت و وحشت زائی .
محمد حجازی

وقتی از کسی پرهیز میکنید و نسبت باو بدبین میشوید او را در ردیف دشمنان خود میشمارید عجبی نیست اگر دشمن حقیقی شما میشود زیرا همین رفتار کافی است که تخم کینه را در قلب او برویاند .
؟

وقتی که شما به بدبینی عادت کنید بدبینی به اندازه خوش بینی مطلوب و دوست داشتنی است .
آرنالد بنت

هرگز درباره چیزی نگو آنرا از دست داده ام. بلکه فقط بگو: آنرا پس داده ام.

اپیکتتوس رومی

همه جای این جهان مملو از زیبائی است. تنها باید با دیدهٔ زیبا بین و عینک زیبائی آنرا دید.

؟

همه حادثات جهان و ترقیها و تنزلها و خوشبختی و بدبختی های جامعهٔ بشر و افراد آن در آغاز سببهای کوچک و ساده داشته و بتدریج از صورت ساده بصورت امور پیچیده درآمده است. اگر کسی ریشه یا هستهٔ نخستین هر چیز و هر حادثه را در آغاز تکوین آن بشناسد، میتواند جریان و تأثرات آن حادثه را تا درجه ای تغییر بدهد. این اعتقاد یکی از پایه های فلسفهٔ کنفوسیوس است.

کنفوسیوس

همه مردم از خوشبختی دم میزنند ولی کمتر کسی است که معنای آن را بداند.

مادام اولا ن

هیچ چیز بد یا خوب نیست. قوهٔ اندیشه ما بدی و خوبی سعادت و شقاوت را میآفریند.

؟

یک بطری آب که تا نیمه داشته باشد از نظر یک فرد خوش بین نیمه پر است، اما از نظر یک بدبین نیمه خالی است.

برنارد شاو

یک راه مطمئن برای اینکه مسائل بدتر از آنچه هستند تبدیل شوند این است که آنها را انسان بدتر از آنچه هستند جلوه دهد.

لرد هیل شام

یک کبریت اصلا نمیگیرد. دومی جرقه دارد. سومی میگیرد، خاموش میشود. چهارمی قدری از خوشش میوزد. پنجمی بنصفش میسوزد. تا پای خود را روی آن بگذاریم. هفتمی را باید خاموش کرد. هشتمی خاموش نشده دور میاندازیم. نهمی را دور انداخته ایم

بازهم میوزد. تا پای خود را روی آن بگذاریم و خاموشش کنیم، دهمی چراغی را روشن میکند، یازدهمی زندگی را آتش میکشد و احتمالاً جانداری هم میوزد. زندگی ما افراد بشر هم همینطور است، خود را طلبکار کسی نمیدانیم، کسی هم در قبال زندگی ما مسئولیتی ندارد، تا هر جا پیش رفتیم، رفتیم، و هر جا خاموش شدیم، شدیم.

غ - ذ

از جدائی بگذر و مأنوس باش — قطره گی بگذار اقیانوس باش

جز براه یکدلی سالک مباش — محو یکتائی شو و مشرک مباش

بهار

بچشم علت تو هر چه هست معیوب است — در بیت و روایت نگر تا همه هنر یابی

کمال اسماعیل

چشم ابلیس نه بسا یکدم بیند — چند بینی صورت؟ آخر چند چند؟

مولوی

روی نکو معالجه عمر کوته است — این نسخه از علاج مسیحی نوشته ایم

بر ما سلامت که منشور راستی — بس واژگون تر از خط ترسا نوشته ایم

نظیری نیشابوری

مگر جز خوب صد در صد نبینی
که گر بد بین شوی جز بد نبینی

چو نیکو بنگری در عالم هستی
بغیر از جلوه ایزد نبینی

ز نابخرد جهان را روز تیره است
مگر تا روی نابخرد نبینی

حقایق را ز چشم دیگران بین
که گر خود بین شوی جز بد نبینی

مسلم شد مرا کز حسن نیت
بغیر از حسن پیامد نبینی

دد و دیو از خود بین معذور
همان بهتر که دیو و دد نبینی

بهار

همه عالم جمال و آواز است
چشم کور است و گوش کر چکنم

عطار

پاداش

آنکه با فداکاری انجام وظیفه میکند باید قولاً و عملاً تشویق شود. حتی کوچکترین اقدام ستوده اش را هم نباید ندیده انگاشت. حضرت امیر (ع)

آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد. حضرت عیسی (ع)

آنکس که زورمند و قوی است میتواند با مشت توانای خود دهان ضعیفی را درهم بشکند باید بداند که مشت درشت تری هم در آستین قوی تری پنهان است. ؟

آنچه بدیگران میکنی بخود کرده ای. پوشه

آنکه تخم بدی را می فشاند، بدون شک همه محصول آنرا درو خواهد کرد. دموستن

آنچه ما بکاریم درو میکنیم و سرنوشت ما را بجزای کارهای بدمان خواهد رسانید. اپیکتوس

اجر نیکی شما در عمل نیک شما مستور است. سیسرون

از حق شناسی دیگران مرنجید چون ناسپاسی برای بشر یک امر طبیعی است. از این رو اگر ما در انتظار حق شناسی باشیم بجهت خود را با امراض قلبی مختلفی روبرو خواهیم کرد. دیل کارنگی

از کشوریکه بهای خدمتکاران و دانشمندان را نداند و از آنان سپاسگزاری ننماید، نباید امید پیشرفت داشت.

ولتر

اعطای پاداش نباید محدود به لیاقت نظامی شود. قابلیتها همه با هم برابرند حق این است که شایستگی های نظامی و مدنی علی السّویه مورد توجه قرار گیرد و بدارندگانش پاداش داده شود. حق هوش مقدم بر حق زور است. زور بدون هوش ارزش ندارد.

ناپلئون

اگر مردم را بحال خودشان گذاشتی ترا بحال خودت خواهند گذاشت.

؟

اگر حضرت عیسی بجای اینکه بگوید اگر سیلی بگوشتان زدند آنطرف صورت را هم نگاه دارید میفرمود اگر سیلی بگوشتان زدند چهار تا پس بزنید هم عقلانی تر و هم با باب طبع و به نتیجه نزدیکتر بود زیرا سیلی زننده بواسطهٔ ترس خوردن اقدام بزدن نمیکرد.

محمد مسعود

اگر پاداش نیک و بد محقق بود ارواح بزرگ و جانبازان راه خدمتگزاری بخلق در روی زمین بندرت یافت میشدند بلکه اصلاً وجود نداشتند.

مترلینگ

اگر شما دشمن دارید. بدی او را با خوبی پاداش ندهید زیرا این امر موجب شرمساری او میگردد ولی باو وانمود کنید که او با این عمل خود برای شما خدمتی انجام داده است.

نیچه

اگر هم اشخاص شجاع و متدین و جوانمرد را تمجید میکنید یقیناً خودتان دارای روحی شجاع و مردانه و باتقوی هستید، انتقام، ناشی از ضعف روحی کسانی است که قادر نیستند ناملایمات را تحمل کنند.

؟

لاروشفوکوله

اگر گلی سالم باشد میوه اش هم سالم خواهد بود . — مثل چینی

اگر سنگی پرتاب کنی دست خودت درد میگیرد . — مثل هندی

با یک تحسین و یک دست به پشت زدن میتوان کسی را به میدان جنگ فرستاد با دو کلمه نامه قدردانی میشود عضوی را کاری و با نشاط و کارآمد کرد . — کتاب کار و زندگی

با تشویق میتوان قوای خفته و زنگ زده را بیدار کرد و برانگیخت و قوای بیدار و برانگیخته را برای همیشه پایدار و استوار کرد . — کتاب کار و زندگی

ببخش و منت منه که نفع آن بتو باز گردد . — ؟

بدی را با نیکی باید پاداش داد . — جان کاینرل

بزرگترین مصائب ما آنهائیست که در نتیجه غفلت برای خویش پدید آورده ایم . — لرد آویبوری

بنظر من حق ناشناسی بزرگترین ضعفی است که ممکن است کسی داشته باشد . — ناپلئون

بهترین پاداش نیک ، رضایتی است که در قلب خود احساس میکنیم . — ؟

بدنبال برقیکه در آسمان شاسن زده میشود ابر تیره را هم در انتظار داشته باش . — مثل مجارستانی

پاداش درستی را در درستی بجوی ، و انگیزه کار نیک را همان نیکی بدان و سود دیگر مخواه . — حکمت هندو

پاداش کاریکه خوب انجام گرفته است همان انجام آن کار است . — امرسون

پیش از آنکه کسیرا بکاری بگماری درباره دستمزدش با او سخن بدار . مثل افریقائی

تحوّل در داشتن خزائن و دفائن نیست . در دانستن طرز استعمال آن است در عالم هیچ افراطی بدتر از افراط

در حق شناسی نیست . لابرویر

تمام گلهائیکه در آینده خواهد روئید در دلِ تخم های امروز نهفته اند . مثل چینی

ثمرهٔ جهالت خجالت است و نتیجهٔ غضب ندامت . مثل شرقی

جواب نامه چون جواب سلام حق لازم است حضرت محمد (ص)

جوینده یابنده است . ؟

چو میوه درخت خوردی شاخ مشکن . مثل فارسی

خدمت خود را آنگاه در ازای پاداش باشد بمردم عرضه کنید و پاداش آنرا در رضایت خاطر

خویش بیابید . سقراط

خشم را با مهربانی ، بدی را با خوبی ، آزار را با بخشش دروغ را با راستی فرو بنشانیم . ؟

خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصارهٔ اعمال گذشتهٔ ماست . سنت بود

در هر خانه که بجای نیکی بدی کرده شود آن بدی آنخانه را هرگز ترک نخواهد کرد ، هر کس مزد دستهای خود را خواهد گرفت . حضرت موسی (ع)

در کشتزار زندگی از آن تخمی که افشانده ای خوشه خواهی چید . حضرت امیر (ع)

در مسابقات دوهای طولانی هر کس جریمه اشتباهات و لغزشهای خود را خواهد دید، کسیکه این حقیقت را بخاطر سپرد هرگز نسبت بدیگران کینه جوئی. نفرت، انتقام طلبی، دشمنی و تحقیر و جسارت روا نخواهد داشت.

دیل کارنگی

در این دنیا هر کس چیزی را درو میکند که قبلاً تخم آنرا کاشته است.

اسمایلز

دنیا با انسان معامله متقابل میکند! اگر بخندید بروی شما میخندد و اگر چین بر روی خود بیاندازید! او هم مقابل شما ابرو درهم میکشد و اگر آواز بخوانید بمجلس شادمانی دعوت میشوید و اگر متفکر باشید در کنار دانشمندان جای میگیرید. و بالاخره اگر مهربان و صمیمی باشید در اطراف خود مردمی را می بینید که همه شما را دوست میدارند و گنجینه دلها را بر رویتان باز میکنند.

رفتار کن با دیگران بهمانطوریکه توقع داری که دیگران با تو رفتار کنند.

زرتشت

زنگ آهن خوار هم از درون آهن میآید گناهکار را نیز عمل او بسزا میرساند.

پندهای دهاما پادا

زبان بدجنس آدم خبیث قبل از همه بخودش میرسد.

سنت اگوستین

سرنوشت حقیقی در همان وجود ماست نه در اطراف ما و عدالت انتظار پاداش ندارد، بلکه عمل دارای مسرت و شادمانی است.

مترلینگ

شارل نهم به تحریک مادرش دستور قتل عام پیروان هوگنو را داد و بعد از آن مرتب صدای مقتولین در وقت مرگ در گوش او بود و از خواب او را بیدار میکرد تا بالاخره او را مریض و دیوانه کرد و در سن ۲۴ سالگی با پشیمانی زمام سلطنت را وداع کرد.

(تاریخ تمدن) ویل دورانت

شخص باید لایق ستایش باشد ولی از آن بگریزد . فنلون

عدالت قابل تربیت نیست هر کاری بکنیم نتیجه آنرا می بینیم خطاهائی که از ما سر میزند تازیانه ای را پدید میآورد که بوسیله آن مجازات میشویم شکسپیر

عمل دو گونه است یکی آنکه لذت آن میگذرد و رنج آن میماند ، دیگر آنکه رنج آن میگذرد و پاداش آن میماند . حضرت امیر (ع)

عملی اگر کاشتید عادتی درو خواهید کرد .

عادتی اگر کاشتید اخلاقی درو خواهید کرد .

اخلاقی اگر کاشتید سرنوشتی درو خواهید کرد . ولتر

فراموش نکنیم که حق شناسی نشانه ای از تربیت صحیح است . پس اگر از فرزندانمان توقع حقشناسی داریم باید آنها را حقشناس بار بیاوریم . دیل کارنگی

کارهائیرا که در گذشته کرده ایم مارا مانند سایه تعقیب میکنند و نسبت بجنس آنها مارا بسوی بدبی و یا خوشی میکشند . کارلایل

کسیکه بکارد درخت نیکوئیرا بهترین ثمره آنرا خود خواهد چید . حضرت امیر (ع)

کسیکه بدنبال هوای نفس میرود همچون کشتی در دریای طوفانی شکست و غرق دچار خواهد گشت . حکمت هند

کسیکه جای بد وارد شود متهم گردد . لقمان

کسیکه میخواهد درو کند باید بکارد . مثل آلمانی

کسیکه سرش شیشه ایست نباید سنگ بیندازد. — مثل انگلیسی

کسیکه میوه میخورد باید سپاسگزار کسی باشد که درخت را کاشته است. — مثل آفریقائی

گرفتاری و بیچارگی نتیجهٔ اعمال ناروا است. — حکمت چین

گل را میتوان زیر پا له کرد ولی بوی عطر آنرا نمیتوان در فضا کشت. — ولتر

گناه فراموش نگردد و نیکی کهنگی نپذیرد. هرگونه که خواهی بمانی که هرچه کنی پاداش همان بینی. — حضرت محمد (ص)

لذت نعمت متناسب با رنجی است که برای بدست آوردن آن کشیده ایم. — حجازی

ما همواره باید بخاطر داشته باشیم که از نتایج اعمال خود برخوردار خواهیم شد. — جان کایزل

ما اغلب خار میکاریم و انتظار روئیدن گلی از آن داریم و این خطای محض و خلاف قانون طبیعت است. — ایرانشهر

مردم از شما تقاضای انتقاد و خرده گیری میکنند اما در انتظار تحسین هم هستند. — سامرست موآم

مصائب امروز میوه های اعمال دیروز است. — ایرانشهر

نتایج اعمال ما قهراً بسراغ ما خواهد آمد ولو اینکه ما در این ضمن اصلاح حال کرده باشیم. — نیچه

نه در هوا. نه در قعر دریا نه در سینهٔ کوهها. نه در جزوی از اجزای عالم جائی نیست که انسان در آنجا از دست نتایج اعمال خود گریبان خود را رها تواند کند. — بودا

هرکس برای دیگران چاه کند خود در آن افتد. — زرتشت

هر کز همه را راضی نمیشود کرد
لینون جانسن

هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست بآنچه سزاوار است میرسد.
بزرگمهر

هرچه کاری در بهاران تیر ماهان بدروی.
خواجه عبدالله انصاری

هرگز درصدد انتقام از دشمنان خود نباشید زیرا در غیر اینصورت آنقدر که شما بخودتان صدمه میزنید آنها را اذیت نکرده اید همان کاری را که زن زال آیزنهاور میکند ما هم بکنیم باین معنی هرگز دقیقه ای از عمر خود را در اندیشه کسانیکه دوستشان نمیداریم تلف نکنیم.
دیل کارنگی

هرچیزی که از شما ناشی شود، عبارت از قرضهائیست که بیکی از همجنسان خود داده اید و مطمئن باشید که بموقع خودش قرض خود را با منافعی به شما در خواهند کرد.
ربیع انصاری

هر کاری نتیجه و هر عملی عکس دارد.
ایرانشهر

هر انسانی در رنج عمل خود گرفتار است.
حکمت چین

همان قسم که آتش را هرچه طعمه بیشتر دهی قویتر میشود و سوختن و اثرش افزونتر گردد، ظالم را هرچه بیشتر تمکین نمائید آتش ظلمش زبانه دارتر و شراره همتش افزونتر خواهد گردید.
؟

هنوز خنجر خون آلود قاتل از پهلوی مقتولش بیرون نیامده که پنجه تالثی گلویش را میفشارد.
محمد مسعود

هیچکس جز خود ما مسئول بدبختی ها و یا خوشبختی های ما نیست.
بودا

هیچ کار نیک فراموش نشود و هر کس در خور کردار پاداش یابد. پوشه

هیچ خوشی در عالم نیست جز آنکه یک ناخوشی کنارش است. حضرت امیر

یک حکم ناحق بیش از چند جنایت مایهٔ خسران و تباهی است زیرا جنایت، جوی زند گانرا آلوده میکند ولی حکم ناحق سرچشمهٔ اپلید میسازد. بایگون

یک قسم از مصائب ما آنهائی است که در نتیجه اعمال گذشته وقوع مییابد و ما حق نداریم از اینگونه مصائب شکایت کنیم. کسیکه تخم میکارد باید حاصل آنرا برداردو. حال اگر تخم بد بوده گناه از کیست؟ آیا باید روزگار را باد ناسزا گرفت و از رفتار آسمان شکایت کرد؟ لرد آویبوری

آنچه خواهی که ندروی‌اش مکار — آنچه خواهی که نشنویش مگوی

امیرخسرو

بر خواه کسان هیچ بمقصد نرسند — یک بد نکنند تا بخود صد نرسند
من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من — تو نیک نبینی و بمن بد نرسد

خیام نیشابوری

پس جمله برآنیم که در عالم پاداش — آنها که درین راه بدادیم بریریم
دادند مجازات ببندی که گشادیم — گیرند مکافات برنجی که کشیدیم
ما را همه مقصود ببخشایش حق بود — المنة لله که بمقصود رسیدیم

سنائی

چه نیکو زن گفت دهقان ده — که نانی بایتام همسایه ده
که چون ما نمانیم ز انعام ما — گرسنه نمانند ایتام ما

اسیری اصفهانی

حرف دشمن نشنو تیغ مکش صحبت ماکش — ظلم از حد مبر امروز که فردائی هست — جعفری ساوجی
دیدی که خون ناحق پروانه شمع را — چندان امان نداد که شب را سحر کند — حکیم شفائی

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

حافظ شیرازی

غم و شادمانی نماند ولیک
جزای عمل ماند و نام نیک

سعدی شیرازی

کسی کاو به ره بر کند ژرف چاه
سزد گر کند خویشتن را نگاه

جز از بد نباشد مکافات بد
چنین از ره داد، دادن سزد

مگر تا چه کاری همان بدروی
سخن هر چه گویی همان بشنوی

درشتی ز کس نشنوی نرم گوی
سخن تا توانی به آزرم گوی

فردوسی

مگو ناخوش که پاسخ ناخوش آید
بکوه آواز خوش ده، خوش آید

مکن بخلق چه پسندی جز آن بخلق مکن
چو ندروی بجز از کشته هرچه خواهی کار

ناصر خسرو

یکی اره بر پای سروی نهاد
ببرید وی آن سرو از پا فتاد

دگر روز دادش مکافات دست
که از سرو افتاد و پایش شکست

سعدی شیرازی

پایان نگر

آنچه را که می شنوید به عقل سلیم و منش پاک و روشن بسنجید و آنگاه بپذیرید. — زرتشت

آینده به کسی تعلق دارد که میداند چگونه منتظر نشیند. — مثل روسی

اگر بخواهی از برادری ببری راهی برای برگشتن باز گذار شاید لازم شود. — حضرت امیر(ع)

اگرچه دریا آرام میباشد ممکن است تمساحی در زیر آب کمین کرده باشد. — مثل افریقائی

اگر بخاموش کردن آتش میروی، لباس علفی بر تن مکن. — مثل چینی

اگر میخواهی بدانی چه بوده ای، بنگر که چیستی. اگر میخواهی بدانی که چه خواهی شد، بنگر که چه میکنی. — مثل چینی

انتقام مآل اندیش نیست. — ناپلئون

انسان تا خود را به مافوق آنچه که هست بر نیانگیزد، مخلوقی ضعیف و ناچیز است. — دانیال

بدتر از بدتر هم وجود دارد و آن انتظار بدتر است. — ژیلبر برون

بزرگترین اقلیم نامکشوف آنست که زیر کلاه شما جای دارد. — ؟

پایان نگری نیمی از معیشت است. — حضرت محمد(ص)

پایان نگرکسی است که آنچه را در دست دارد نگاه دارد و کار امروز به فردا نیفکند. ثعالبی نیشابوری

تکامل هر یک از افراد بشر در چند مرحله بعمل میآید ولی مراحل عمومی که در همه موارد صادق است سه است نخست بیدار کردن احساسات لطیف و افکار بلند به وسیله اشعار و سرودهای عالی زیرا اینها صورتهای زیبا و دلربای زندگی پاک و باصفا را نشان میدهند و میآموزند. دوم استوار ساختن این صور تنها به وسیله اعمال روزانه زندگی، سوم تحمیل این اعمال و اشکال به وسیله موسیقی. زیرا این صنعت روحانی احساسات و افکار و کردار آدمی را با هم دمساز و هماهنگ میسازد و به زندگی رونق و جلوه و زیور کمال میدهد. کنفوسیوس

چیزیکه در خیال گذشت شاید روزی محقق گردد و صورت وقوع یابد چه غالبا عالم خیال مقدمه عالم حال است. دکتر نصر

حرف زده شده نهالی است که رشد و نمو میکند. مثل نروژی

خاطرات بزرگ معمولاً از درهای کوچک وارد صحنه ذهن ما میشود. آرمان ساداکرو

در هر لقمه طعامی و شربت آبی از این دنیا گلوگیری و گره در گلو افتادنی است. حضرت امیر (ع)

رنجی که از قصور خطر میبریم همیشه از خطر بزرگتر است محمد حجازی

روز هر قدر که روشن باشد شب را در پس دارد. مثل ایتالیائی

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ؟

طغیان میرود ولی اثرش میماند. مثل افریقائی

عشق اندیشه ایست بی هدف و پایان ناپذیر . — دستل نیس

قبل از اقدام بهر کاری قوای خود را بسنجید و مقصود خود و وسائلی را که میخواهی اتخاذ کنی در نظر بگیر . — سنگ

گرسنگی بر قوهٔ ادراک می افزاید . — ؟

ما فوق همه چیز داشتن خیالات بزرگ و قلب پاک است — شیلر

محال است که ما بتوانیم چیزی را تصور کنیم که در این جهان وجود نداشته باشد . — مترلینگ

زندگی همان چیزیستکه پس از خواندن همه چیز و فراموش کردن همه چیز در دماغ بجا میماند . — ادوارد هریو

ممکن است مقداری زهر در کوزه ای ریخت و بعد آن کوزه را شست و اثرات زهر را از بین برد ولی چیزی را که در ذهنتان جای داده اید خوب یا بد، بر شما فرمانروائی خواهد کرد و هرگز از آن جدا نتوانید شد . — سقراط

من ادعا نمیکنم که حوادث را کنترل کرده ام بلکه اعتراف میکنم که حوادث مرا تحت کنترل قرار داده بود . — هاری امرسون

مواظب خلق خودت باش، دشمنیست که تا پای مرگ همراه خود داری، بر اهنمائیهای تو داخل میشود، واگر باو گوش فرا دادی بتو خیانت میکند . — فنلون

نظر بپایان کار انداختن نیمهٔ زندگی است . — حضرت محمد

نیمهٔ اول زندگی صرف انتظار کشیدن برای نیمهٔ دوم میشود، نیمهٔ دوم صرف حسرت خوردن برنیمهٔ اول میگذرد . — ؟

هر که اول بنگرد پایان کار — اندر آخر او نگردد شرمسار — مولوی

هر که درباره اموریکه پس از مدتی اتفاق خواهد افتاد پیش از وقت نیندیشد بزودی چار سختیهای بسیار ناگوار خواهد شد. کنفوسیوس

هر که عاقبت اندیش‌تر مسعودتر. ؟

هرگز نباید چیزیرا که نمیتوانید بهتر از آنرا جایگزینش سازید از بین ببرید. پلودک

هیچ چیزرا بیقین نمی دانیم و آنچه دریافت میکنیم تغییراتی است که در بدن ما و بر اثر عواملی که از خارج با آن برخورد میکند، پدید میآید. از تاریخ تمدن - دموکریتوس

یادآوری صحیح از همهٔ چیزهائی که می بینیم می تواند سودی بدست آورد. شکسپیر

پدر و مادر

آیندهٔ کودکان بسته به تربیت کودکان است.
ویکتور هوگو

آیندهٔ اجتماع در دست مادران است. اگر جهان به نابسامانی گرفتار شود تنها اوست که میتواند آنرا نجات دهد.
ابوفنور

استوارتر از همهٔ پیوندها، پیوندیست که در میان مادر و فرزند برقرار است.
سعید نفیسی

اگر تمام عالم در یک کفهٔ ترازو نهاده شود و مادرم در کفهٔ دیگر، کفهٔ عالم بالاتر خواهد ایستاد.
لودولا بکدیل

اگر میخواهید ریشهٔ خطاها و رذایل را براندازید، سپاهی بیابید که سربازان آن مادران باشند.
؟

ای مادر تو مانند ستارهٔ مقدس در آسمان ابدیت ثابت و درخشان خواهی ماند.
ایمرمان

ای مهر مادری که مقدس‌ترین محبت‌ها هستی! از وصف عظمت آسمانی تو زبان زمینی ما عاجز است.
وباهاوف

ای پدر و مادر و ای گمشدگان عزیز من همه چیز خود را به شما مدیون هستم.
پاستور

این یک قاعدهٔ کلی است که همهٔ مردان برجسته عوامل برتری خود را از مادرانشان بارث میبرند.
میشله

بسیاری از استعدادهای بشری در نتیجهٔ غفلت و نادانی پدر و مادرها از میان میرود. بسا کودکان که ممکن بود اگر

ایشان را آزاد بگذارند و دنبال فنی بفرستند. مردان بزرگی در فن خود بشوند. و اما اگر استبداد رای یک

نوع خودخواهی که در مربیان و راهنمایان ایشان بوده آنها را بر شته‌ای راهنمائی کرده است که با کمال بی میلی

و اکراه آنرا پذیرفته اند.

سعید نفیسی

بچه‌ها با آن چشمان بنگرید. با آن صدای گرانمایه گوش کنید. با آن دستی که با ملاطفت شما را نوازش میکند

توجه داشته باشید تا آن زمان که سرچشمهٔ گرانبهای مادر ارزانی شده است از آن بهره‌مند شوید و قدر آنرا بدانید. عشق بی

پایان را در آن چشمان بخوانید، بیاد نگرانی آن صدا در آن نگاه باشید که از درد و رنج شما میکاهد، در زندگی پس از

مرگ مادر ممکن است دوستان عزیز و مهربانی پیدا کرده باشید ولی هرگز آن عشق بیان ناپذیر و محبتی را که کسی جز

مادر نمیتواند نثار کند، نخواهید داشت. بیاد آور از آن چشمهایی که بر تو نگران و برای تو شادیها آماده کرده بوده است

بیاد آور از آن دستهائی که بعضی شبها با نوازشهای خود دردهای ترا تسکین داده است. بیاد آور از آن دلی که برای

خاطر تو زخمها خورده باز وفادار و فداکار مانده است. آنوقت زانوی خود را بر زمین گذار و برای تقدیس مادرت

دعا کن.

هولند موئوف

این جنایت را پدرم در حق من کرد، و من در بارهٔ کسی جنایت نکردم.

نوشته روی قبر ابوالعلاء

اگر پدر ماهی گیر باشد بچه اش نیز به آب تمایل دارد.

مثل روسی

با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما با شما نیکی کنند

امام صادق (ع)

با پدر و مادر چنان رفتار کن که از اولاد خود توقع داری . سقراط

با همهٔ مهری که با طفال خود داریم و اندوخته‌ای که از دانش و ثروت و سایر وسایل خوشبختی برایشان میگذاریم دلهای نازکشان را چندان از زهر خودبینی و حرص و رقابت و کینه توزی پر میکنیم که در تمام عمر روی سلامت و خوشی را نمی‌بینند . حجازی

به مادران بگوئید که چه وظیفهٔ مقدسی بر عهده دارند . و با چه قدرت و حلاوت برخاسته از عشق بر چشمه‌های زندگی نوزادان فرمانروائی میکنند . سیگورنی

برای ترقی ملت و آبادی مملکت از وسائل بشمار دیگر بوجود مادر صالح و پرورش دهنده محتاج هستیم . ناپلئون

بهترین احسان به پدر این است که پس از مرگ او با دوستانش محبت کنی . حضرت محمد(ص)

پسران لنگرهای زندگی مادرانند . سوفوکل

پدر و مادر هر قدر که پیر باشند وجودشان نه عدم . مثل ایتالیائی

تار و پود روح مادر را از مهربانی بافته اند . امرسون

تنها زنی که آزار نمیرساند مادر است .

جوانان سرگشته و آشفته، خانواده را امیگذارند و از این و آن و از معشوق و از عاشق، تمنای مهر و محبت پیدا میکنند غافل از آنکه آنچه میجویند در دل پدر و مادر و در خانواده است و بس . حجازی

چشمان اشکبار مادر تنها چیزی است که سنگین‌ترین دل را برقت بیاورد . — الفرد دووینی

چه نیروی شگفت انگیزی ، نیروئی که کم بآن توجه میشود ، تنها به عقل مادر سپرده شده است ، تا نوابغ را بپرورد و جانها را

براه نیکی ببندازد و کسانی چون واشینگتون را تربیت کند . — ساراج هیل

در این جهان سرد و تو خالی هیچ سرچشمهٔ محبتی عمیق‌تر و خیره‌کننده‌تر و ابدی‌تر از آنچه در داخل قلب مادر است

وجود ندارد . — ؟

درسهائی که بر زانوی مادر آموخته شده ، آموزش هائی که پدر داده ، همراه با داستانهای شیرینی که در کنار بخاری

بگوش خورده ، یادگارهای شیرینی است که هرگز کاملاً از یاد نمیرود . — لامنه

در هر جا نیک و بد اعمال کودک مربوط به مادر است . — ناپلئون

در لبها و قلوب کودکان ، نام مادر بمنزلهٔ نام خدا است . — ؟

دختر را به بینی ، مادرش بشناس . — مثل ایتالیائی

سرنوشت آینده یک کودک همیشه کار مادر است — ناپلئون

عجلهٔ پدر ناکامی است . — مثل انگلیسی

فرزند را بنگر ، آنگاه پدر را خواهی شناخت و خواهی دانست که با چه کسی سر و کار داری . — مثل روسی

قرض پدر و مادر به فرزندان علم و ثروت نیست ، تربیت است و اخلاق . — حجازی

قلب مادر زیباترین و جاودانی ترین جایگاه فرزند است حتی در روزهائیکه موهای فرزند سفید شده باشد، هر فرد در تمام عالم تنها یک چنین قلب را مالک است. استیفنر

کسانیکه بند گهواره کودکان را بدست دارند از آنهائیکه زمام حکومتی را در دست گرفته اند مؤثرتر و با نفوذتر میباشند. اسمایلز

کمال زن در مادری است، زنیکه مادر نیست، موجود ناقصی است. بالزاک

کودکان چنانند که مادران باشند. بهترین پدر و بهترین مراقبت نمی تواند قلب کودک و زندگی او را چنان شکل دهد که مادر میدهد. لاندور

گمان نمیکنم در جائی نوشته شده باشد که فضائل مادران را میتوان در کودکانشان دید، همانگونه که گناهان پدران را؟ من به سی و پنج سال رسیده بودم ولی یکبار نشد که مادرم پیش از بازگشت بخانه خواب به چشمش آمده باشد. آناتول فرانس

مادر یگانه موجودی است که حقیقت عشق پاک را میشناسد. بالزاک

مادر شاهکار طبیعت است. گوته

مادر مهربان هر وقت دفتر عمر را با انگشتهای خاطرات ورق میزنم و دور تر میشوم، اسم ترا بیشتر می بینم و حتی جائی میرسم که سوای نام تو چیز دیگر نیست. آناتول فرانس

مادر شدن مرحله کمال زن است. الکساندر دوما

مادر با دستی گهواره و با دستی عالم را تکان میدهد.

ناپلئون

مادر آهن ربای قلب و ستاره قطبی چشم کودک است.

اژه‌هربرت

مادر، سازنده جهان و تابلوی آفریدگار است.

بتهوون

مردان همانند که مادرانشان ساخته اند! آیا میشود از یک کارگاه کرباس بافی خواست که شال کشمیر بیرون دهد؟

یا از فلان مهندس توقع شاعری داشت یا از مقاطعه کاری خواستار اکتشافی در علم شیمی بود.

امرسن

مرگ یک مادر همیشه با یک غم فراوان احساس میشود. ممکن است چندان سالم نباشد که بتواند درست بکارهای خانوادگی رسیدگی کند و سهمی در اداره آن بر عهده داشته باشد، با وجود این، چون مرکز تلاقی شیرینی است که مهربانیها و فرمانبرداریها در آن با یکدیگر تلاقی میکنند و متمرکز میشوند از بین رفتن چنین مرکز تجمعی بسیار مایه اندوه است.

لامارتین

ما ساخته و پرداخته کسانی میباشیم که دوستمان داشته اند.

آناتول فرانس

مادر، دریائی است که سیل دردهای ما را تا قطره آخر می پذیرد و طغیان نمی کند. قاضی عادلی است که حیله سازی و کینه ورزی طبیعت را همه جا می بیند و همیشه به بیگناهی ما فتوا میدهد.

حجازی

من از عشق بدم میآید، برای اینکه یکبار عاشق شدم و مادرم را فراموش کردم.

مارک تواین

میان گریه کنندگان گریه مادر عیان است.

مثل تازی

ناپلئون روزی به مادام کامپان گفت: برای آنکه جوانان فرانسه خوب تربیت شوند به چه چیز نیازمند؟ او در جواب گفت: مادران خوب و امپراطور که تحت تاثیر این جواب عالی قرار گرفته بود. گفت در این یک نظام است که با یک کلمه بیان شده است.

جان الیوت

نام نیکی را که از پدر رسیده باید همچو جام بلورین با احتیاط فراوان نگاه داشت.

حجازی

وای بر پدری که فرزند را نتیجه سوءعمل خود ببیند.

حجازی

وقتی طفل خود را در آغوش گرفتی ارزش پدر را خواهی دانست

مثل انگلیسی

هیچ زبانی نمیتواند قدرت و زیبائی و قهرمانی و جلال یک عشق مادری را بیان کند در آنجا که قامت مرد در زیر بار ناملایمات خم میشود این عشق جا خالی نمیکند و در آنجا که مرد دست بسته میشود این افزایش پیدا میکند. و در هنگام از دست رفتن ثروت دنیایی، شعاع فاداری و فداکاری خاموش ناشدنی خود را همچون اختری آسمانی پرتوافکن میسازد. او. و. چاپین

هر وقت مادر فاسد شد نسل نیز فاسد میگردد.

اسمایلز

هزار سیلی مادر را در ازای یک بوسه از مادر خریدارم.

مثل ارمنی

هیچگاه در زندگی نمیتوانید محبتی بهتر، عمیق تر، بی پیرایه تر و واقعی تر از محبت مادر خود بیابید.

بالزاک

هیچ چیز بقدر دیدن یک مادر با بچه اش روح پرور نیست و هیچ چیز حس حرمت و تقدیس ما را بقدر مادری که بچه های او وی را احاطه کرده باشند بیدار نمیکند.

گوته

یگانه داوری که گناه ما را هر چه باشد می‌بخشد مادر است .

حجازی

یک بوسه مادرم بود که مرا نقاش کرد .

رافائیل

یک مادر خوب بصد استاد و آموزگار برتری دارد .

ژرژ هربرت

یک پدر میراثی گرانبهاتر از نام نیک نمیتواند برای فرزندان خود بر جای گذارد و نیز در یک خانواده میراثی گرانبهاتر از خاطرهٔ یک نیای شریف و بزرگوار وجود ندارد .

ج . همیلتن

گواهی تر از خون دل چیز نیست | خردمند فرزند با دل یکیست

ز فرزند باشد پدر شاد دل | ز غمها بود دور و آزاد دل

نباید که گردن خلاف پدر | که آخر پشیمانی آرد به بر

فردوسی

گویند مرا چو زاد مادر | پستان به دهن گرفتن آموخت

شبها بر گاهواره من | بیدار نشست و خفتن آموخت

لبخند نهاد بر لب من | بر غنچه گل شکفتن آموخت

دستم بگرفت و پا به پا برد | تا شیوه راه رفتن آموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم | الفاظ نهاد و گفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست | تا هستم و هست دارمش دوست

ایرج میرزا

جوانی سر از رای مادر بتافت | دل دردمندش به آذر بتافت

چو بیچاره شد پیشش آورد مهد | که ای سست مهر فراموش عهد

نه گریان و درمانده بودی و خرد | که شبها ز دستت تو خوابم نبرد

توانی که از یک مگس رنجه‌ای ... که امروز سالار و سرپنجه‌ای

سعدی

مادری پیر و پریشان احوال ... عمر او بود فزون از پنجاه

زن بی‌شوهری از اصل عمر ... یک پسر داشت شرور و خودخواه

روز و شب از پی اوباشی خویش ... بی‌خبر از شرف و عزت و جاه

دیده بود او به بر مادر پیر ... یک گره بسته زر گاه به گاه

شبی آمد که ستاند آن زر ... بکند صرف عملهای تباه

مادر از دادن زر کرد ابا ... گفت رو رو که گناه است گناه

این ذخیره است مرا ای فرزند ... بهر دامادیت ان‌شاءالله

حمله آورد پسر تا گیرد ... آن گره بسته زر خواه‌مخواه

مادر از جور پسر شیون زد ... بود از چاره چو دستش کوتاه

پسر افشرد گلوی مادر ... سخت چندانکه رخش گشت سیاه

نیمه‌جان پیکر مادر بگرفت ... بر سر دوش و بیفتاد به راه

رفت در چاه عمیقی افکند ... کز جنایت نشود کس آگاه

شد سحر از پس آن واقعه او — تا نماید به ته چاه نگاه

از ته چاه بگوشش آمد — ناله زار و حزینی ناگاه

آخرین جمله مادر این بود — آه فرزند نیفتی تو به چاه

دولت آبادی

پدر جان یاد آن شب‌ها که با شمع جوان بودی — میان ناامیدی‌ها امید جاودان بودی

دل از غم بود بیگانه پر از شادی شده خانه — که با آهنگ و افسانه تو ما را او زبانی بودی

چه خوش بود آن زمستان‌ها و آن شب‌های طولانی — که گرم پرتو افشانی چراغ خاندان بودی

بهاری بود فرخنده دل شاد و لب خنده — دل از مهر تو آگنده که خیر و مهربان بودی

دریغا با سحرگاهان چراغ آرزو افسرد — وز آن پس قطره اشکی سرد بر روی روان بودی

گشودم دیدگان از خواب و دیدم رفته‌ای افسوس — در این دنیای سرگردان همه روزی مهربان بودی

برایت زندگانی گرچه یکسر رنج و سختی بود — سرت نازم که تا بودی دلیر و قهرمان بودی

حمید رزقی

پشیمانی

آدم بیجوج چون دانسته خطا میکند بیش از دیگران بر خطای خود دریغ میخورد. — حجازی

آنکه از انجام عملی پشیمان میشود دو برابر بدبخت است و دوباره ضعف از خود نشان داده است. — شوپنهاور

از بجا پرهیز کن که انگیزه آن نادانی و حاصل آن پشیمانی است. — حضرت محمد (ص)

اگر براه خطا رفتی از برگشتن مترس. — کنفوسیوس

اگر غصه های بیحاصلی که خورده ایم حساب کنیم خیلی غصه خواهیم خورد. — حجازی

اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب گردیم، روزی میرسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی ارتکاب کنیم. — ؟

اگر بامید حق شناسی نیکی میکنید، میترسم پشیمان نشوید. — حجازی

اگر خواهی از پشیمانی رسته گردی در دنبال هوای دل مباش. — ؟

از بی ملاحظگی بپرهیز، زیرا که مادر پشیمانیها خوانده شده است. — ؟

امروز آتش و فردا خاکستر است. — مثل عربی

ببخشایش دل گنهکار را به پشیمانی وامیدارد. — حجازی

پرهیز باد ترا از غضب که آغازش سفاهت و انجامش ندامت است. — حضرت امیر(ع)

پشیمانی توبه است. — حضرت محمد(ص)

پشیمانی هرگاه جبران ناپذیر باشد بیش از هر حالت دیگر رنج آور و خرد کننده تر است — ؟

پشیمانی مجازاتی است که در اثر ارتکاب گناه بما روی میآورد و توبه کفاره آن. — ژوبر

پیروزی حقیقی ظفریکه پشیمانی بدنبال ندارد، پیروزی بر نادانی است. شغلهائیکه شرافتمندانه است و بیش از همه بملل سود میرساند، شغل هائی است که بتوسعه فکر آدمی کمک میکند. — ناپلئون

تدبیر قبل از کار ترا از پشیمانی ایمن میکند. — حضرت امیر(ع)

چرا کسی از کاری پشیمان گردد که یکبار دیگر از آن پشیمان شده باشد. — ؟

خرده سنگ را به کوزه بزنی، یا کوزه را روی سنگ بیاندازی بازشکست از کوزه است — مثل یوگسلاوی

در پاره ای موارد فریب خوردن بهتر از بی اعتمادیست. — سرنگ

عشق هفت ثانیه دوام دارد و هوس هفت دقیقه و اندوه و بیچارگی یک عمر. — مثل عربی

غضب شعله ایست شیطانی و فرجامش موجب ملالت و پشیمانی — ؟

کسیکه پشیمان تواند شد، نومیدی بخود راه ندهد. — حضرت امیر(ع)

گناهان ما هیچ و توبه ماست است. — بودلر

مرغ ستمدیده برنخواهد گشت. — حجازی

هر قدر هم در یک جاده عوضی رفته باشی برگرد. — مثل ترکی

یادداشتهای روزانه هم مثل نامه های عاشقانه خطرناک است باید روز بروز آنرا سوزاند. — ؟

من نه آنم که بهنگام ره عشق تو پای — جرم بُد که این ره به خطا می‌پویم

سوی این اشک ندامت ز من گمشده پرس — که بدان دست دل از هر هوسی می‌شویم

مکش از ابر کرم رحمت بیهده که من — آن گیاهم که سر راه کسان می‌رویم

میدهم پند بجالت که ز می توبه کنند — سالکی را چه سخن با چه کسی می‌گویم؟

دیوان حالت

کمند مهر چنان پاره کن که گر روزی — شوی ز کرده پشیمان بهم توانی بست

محتشم کاشانی

گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست — رنگ رخسار خبر میدهد از سر ضمیر

عشق پیرانه سر از من عجبت می‌آید — چه جوانی تو که از دست ببردی دل پیر

سعدی

پول ـ مال ـ ثروت

آدمی که پول ندارد مانند کمانی است که تیر ندارد. — فوللر

آزمند هرگز از آنچه دارد راضی نیست. — سن دوبران

آزمند نیازمند است اگرچه همهٔ جهان او را باشد. — ؟

آنچه ریشهٔ همه بدیهاست نفس پول نیست بلکه عشق و علاقهٔ جنون‌آمیز پول است. — مولوک

آنرا که حساب پاکست از محاسبه چه باکست. — سعدی

آنکه ثروت خود را باخت زیاد باخته است ولی آنکه شهامت خود را باخت پاک باخته است. — سروانتس

آن تجارت روا است که بنفع مردم هم باشد. — حجازی

احمق و پولش را همه محترم میشمارند. — هلن رولاند

اختراع پول، قاتل خوشبختی بشر شد. — سنگا

اخلاق شرف اصلی است و مال شرافت موهومی. — سموئل اسمایلز

ارسطو را گفتند نگاه داشتن مال از حکما پسندیده نیست؟ گفت حکیمان مال را از برای آن دارند که —

محتاج لئیمان نگردند.

ارسطاطالیس

از اسکناس چیزی بهتر نیست. نه خوراک میخواهد، نه فاسد میشود راحت توی جیب میرود و جای وسیع هم نمیخواهد.

گوگون

ارزش هر چیز آن مقدار از عمر ماست که در مقابل آن اکنون یا بعدها تقدیم میکنیم.

هنری ترو

اشخاص کم تجربه پول را آخرین علاج مشکلات میدانند.

داز بلوی

اشخاصی هستند که همیشه در بیم از دست دادن ثروت خود زندگی میکنند و جز این بیم از مالشان بهره‌ای نمیگیرند.

ایوال

اگر پول را خدای خود نمائی مانند یک اهریمن آزارت خواهد داد.

فیلدینگ

اگر میخواهی واقعاً قدر پول را بدانی برو از رفقایت درخواست وام کن.

فرانکلین

اگر پول در جهان نبود، هیچوقت جنگ نمیشد.

ادنا

اگر بمال درویش گردی جهد کن تا بخرد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری مال بهتر بود. قابوس وشمگیر

اگر من هم مالک تگزاس و هم جهنم بودم، تگزاس را اجاره میدادم و در جهنم بسر میبردم

؟

انسان در موقعیکه تمام دارائی خود را از دست بدهد تمام دوستان از میان میروند.

دتوشن

انگلیسها یک ملت دکاندار هستند که قاره اروپا را دچار حریق کردند تا بازارهای دنیا را منحصر بخود سازند. ؟

چه بسا وجدانها، جوانیها و شادیها، آسایشها و لذتها و تمایلات شخصی و فامیلی را اسکناس این کاغذهای بظاهر دستمالی شده از انسانها گرفته است بجای آنکه پول را برای زندگانی بهتر بخواهند اغلب خود را برای او فدا میکنند.

غ - ذ

احمق و پولش بزودی از هم جدا میشوند.

مثل افریقائی

از کلمات مانند پول استفاده کن.

مثل آلمانی

اعم از اینکه برحق باشی یا نباشی اهمیتی ندارد. اگر پول نداشته باشی خطاکار بشمار خواهی رفت.

مثل چینی

اگر خواستی کسی را سعادتمند کنی ثروت او را زیاد نکن، بکوش تا خواسته های او را کم کنی.

مثل عربی

اگر پول در جیب نداری عسل در دهان داشته باش.

مثل یونانی

اگر پول نبود این همه بدبختی بدنیا روی نمی آورد.

مثل چینی

اگر خواستی بر ستوران بروی به بین جیبت چه میگوید، نه معده.

مثل فنلاندی

اول ضررها را حساب کن بعد منافع را.

؟

با ثروت نمیتوانید در قلوب مردم رخنه کنید، ولی با اخلاق میتوانید در قلوب آنان جای گیرید.

حضرت محمد (ص)

با افزایش کیسه های سیم و زر آزمندی هم افزایش پیدا میکند. — جوونال

بخیل برای ثروت خود نگهبان است و برای وارث انباردار. — بوذرجمهر

برای آدمی نزدیکترین دوست ثروتی است که در کیسه دارد. — ؟

بزرگترین سرمایهٔ من قدرتی است که در تولید هیجان در اشخاص دارم. — شواب

بسا ترقی ظاهر که مایهٔ پریشانی باطن میشود. — حجازی

بسا دولتمند که محتاج دلداری فقیر است. — حجازی

بهترین مردم کسی است که بیشتر از همه بمردم نفعش میرسد. — حضرت محمد(ص)

بهتر است ثروتمند زندگی کنیم تا اینکه ثروتمند بمیریم. — دکتر جانسون

بی پول صلح بدشواری بدست خواهد آمد. — چرچیل

با هم برادر باشید ولی در ضمن حسابهایتان را نگاه دارید. — مثل عربی

با ثروت میتوان بر شیاطین فرمانروائی کرد، بدون ثروت حتی نمیتوان برهای را احضار کرد. — مثل چینی

بدنبال شانس ثروت است و در تعقیب آن نکبت. — مثل فرانسوی

بهر قیمت بخری از هدیه ارزانتر تمام میشود. — مثل مراکشی

پاکدامنی و افتخار همیشه بر ثروت دنیا مقدم است زیرا با هزارها کاخ باشکوه و گنجهای سیم و زر ممکن نیست

آبروی ریخته شده را گرد آورد. — حضرت امیر (ع)

پستی عیبی است که با پول و مقام پوشیده نمیشود. — حجازی

پول حاضر و آماده چراغ علاءالدین است. — لرد بایرون

پول زاده پول است گاهی بدست آوردن اولین لیره مشکلتر از تحصیل میلیون لیره دوم است. — ژان ژاک روسو

پول ارباب وحشتناک نوکر وفادار است. — ؟

پول مادر صلح و پدر جنگ است. — ؟

پول برای شما غذا میآورد ولی اشتها نمیآورد.

پول برای شما دوا میآورد ولی سلامتی نمیآورد.

پول برای شما آشنا میآورد اما صفا و صمیمیت نمیآورد.

پول برای شما لذتهای زودگذر میآورد ولی شادی عمیق انسانی نمیآورد.

پول برای شما تجمل میآورد اما آسایش واقعی نمیآورد. — ؟

پول متاعی است که با آن میتوان همه جا وارد شد و همه چیز را بدست آورد جز شرافت و سعادت. — شکسپیر

پول کود درخت مدنیت است. — امیل زولا

پول مانند حس ششم است که بدون آن نمیتوان از پنج حس دیگر بطور کامل استفاده کرد. بدون درآمد کافی

نصف امکانات زندگی بروی ما مسدود خواهد شد .

سامرست مرآم

پول و تقوا دو کفه ترازو بیند یکی که بالا رفت حتماً دیگری پائین میآید .

افلاطون

پول علاج گرسنگی را میکند ولی درمان اندوه و درد نیست .

برنارد شاو

پول در حقیقت بزبانی صحبت میکند که همه ملل دنیا آنرا درک می کنند .

افرابن

پول با شادمانی کم داخل کیسه میشود ولی با غم زیاد از آن خارج میگردد .

مولیر

پول که به جیب راه یافت عقل از سر بیرون میرد .

مثل انگلیسی

پول توی جیب هر کس باشد سند فرمانروائی هم در جیب دیگرش پنهان است .

مثل نروژی

پول داشته باش همه جا جایت است .

مثل ایتالیائی

پول باید متعلق بانسان باشد نه آدم متعلق به پول .

مثل هندی

پول غلام مرد عاقل است و ارباب مرد احمق .

مثل آلمانی

پول ایمان خیلی ها را بر باد میدهد .

مثل فرانسوی

تا کار بزر میاید جان در خطر افکندن نشاید .

سعدی

تمول در داشتن خزائن و دفائن نیست در دانستن طرز استعمال آنست .

فرانکلین

تمام دنیای پهناور را اگر دیدید ، دری بروی آدم بی پول گشاده نخواهید یافت .

هانری استانتون

تمام مسائل در گرداگرد مادیات در گردش است و هر معنی که بشکافی از این قاعده مستثنی نیست. ؟

تنها کسیکه قرضهایش را میپردازد ثروتمند میشود. رافیت

توانگر واقعی کسی است که چشمش بدست دیگران نباشد. حضرت محمد (ص)

توانگری و مال داری، بحیله و تدبیر نیست چه اگر چنین بودی مرا امیدی که به ستاره های آسمان آویخته ام

ولی هر که را خردمندی بنواختند از قسمت توانگری محروم ساختند. ؟

تاجر شدن آسان است ولی تاجر ماندن هنر. مثل سوئیسی

تأسف جواب قرض را نمیدهد. مثل افریقائی

ثروت حقیقی دو شرط دارد، یکی آنکه دائم اسباب خوشی باشد. دیگر اینکه روزگار نتواند آنرا از ما پس بگیرد و آن

ثروت معنوی است. حجازی

ثروت را برای زندگی بخواهید نه زندگی را برای ثروت. لرد آویبوری

ثروت در دست کسانیکه صاحب عزم و اراده قوی و تملک نفس نیستند و یا نمیتوانند امیال و هواهای نفسانی

خویش را اداره کنند بمنزلهٔ دام و سرچشمهٔ بلا و مصیبت است، چه برای خودشان و چه برای دیگران. اسمایلز

ثروت در جنگ سلاح موفقیت و در عشق اسباب کامیابی. مولیر

ثروت مهم نیست لذت بردن از زندگی شرط است، شق اخیر است که فقدان آن ما را نا امید میسازد. ؟

ثروتمند واقعی کسی است که بخشش داشته باشد کسی که از این عمل امتناع کند مسکینی بیش نیست . سوچین

ثروت بمنزلهٔ پلی است که از روی آن عبور کرده بآرزوی خود میرسیم . لود آویبوری

ثروت اگر صرف نیکوکاری نشود باریست که باید برحمت برد و بحسرت گذاشت . حجازی

ثروت، صلح و آرامش را ضایع میکند . دیوژنس

ثروتمند واقعی کسی است که نه قرض کند و نه تملق کسی را بگوید . سیمون دوبرآر

ثروت چون شبنم در آفتاب است . مثل آفریقائی

جهان بزرگتر از آنست که تو بتوانی آنرا بخود مخصوص کنی . سعید نفیسی

جوانان رویای ثروت در سر دارند و پیران امید اینکه مفلس نشوند . مثل آفریقائی

حب مال سراسر وجود آدمیان را تسخیر میکند و هرگز به آنان مجال نمیدهد که حتی لحظه‌ای در بارهٔ چیزی جز اموال شخص خویش بیندیشند . افلاطون

حرص فوق العادهٔ انسان هیچوقت پایان پذیر نیست . سیرون

خرد گرانبهاتر از طلاست . زیرا کمیاب‌تر و مفیدتر است فوشه

خسارت و دزدزدگی و ظلم و خسرانیکه دیده‌ایم مهم نیست . بلکه فراموش نکردن آنهاست که ما را آزار میرساند؟ دارائی خود را محدود کنید نه از راه اسراف بلکه تبدیل آن به آثاری اجتماعی . ؟

در پس پردهٔ تمام جنایات انگیزهٔ مادی آن بچشم میخورد . — گاندی

در این زمان حصار عفتی نیست که اسلحه پول در آن رخنه نکند . — برنارد شاو

دشمن انسان اموال انسان است . — ؟

دنیا را پول اداره میکند . — ؟

دو دسته از جوانان قدر پول را نمیدانند آنهائیکه هیچ ندارند و آنهائیکه خیلی دارند — ؟

دیوانگی محض است که کسی برای آنکه ثروتمند بمیرد ، زندگی خود را چون فقرا و بیچارگان بسر آورد . — یورتن

درخت تجارت در باغ آشتی میوه میدهد . — ؟

دو تاجر همکار بندرت با یکدیگر موافقند . — ؟

رادمردان و احرار ، بواسطهٔ عدم اعتنا بتحصیل یا جمع مال غالباً فقیر و بی چیز زیند . — دهخدا

راه ثروتمندی راه بسیار همواری است به دو کلمه بستگی دارد : کوشش و صرفه جوئی ، بدین معنی که وقت و پول هیچکدام را نباید بیهوده تلف کنیم بلکه هر دو را باید با نیکوترین وجه بمصرف برسانیم بی کوشش و صرفه جوئی هیچ کار نمیشود کرد و با آن دو هر کار میسر است . — فرانکلین

روح با نشاط گنجینهٔ گرانبهای ثروت است ، خوی خوش میراث بزرگی است . — ؟

زر را دوست بسیار است و زردار را دشمن بیشمار . — ؟

زود خوابیدن و زود برخاستن، مرد را سلامت، ثروتمند و عاقل میکند.

فرانکلین

زر سفید برای روز سیاه.

مثل؟

زر و زور و زیور همه فانی است.

مثل انگلیسی

شرط اصلی موفقیّت در تمام مراحل زندگی سه چیز است اوّل پول دوّم پول سوّم پول

ناپلئون

شرافت و بزرگواری باید انتخابی باشد نه موروثی.

تیمرمان

شهوت مال و بساطگی و سنگدلی آخرین مرحله فساد مرد منحط است.

جانسون

صرف نظر کردن از پول بخاطر عشق چندان آسان نیست ... مردمان بر شهوت خود آسانتر پیروز میشوند، تا بطمع خویشتن.

مارسل

ضررهایی هست که نفع زیاد بما میرساند.

مثل هندی

علم تاج سر است و مال غل گردن.

؟

علم حافظ تست و تو باید مال را نگاهداری کنی.

؟

عوام ثروتمند را محترم میدارد و خواص دانشمندان را.

افلاطون

عشق بپول و عشق به تحصیل نمیتوانند باهم راه بروند.

مثل انگلیسی

غالباً از دنیا نعمتی میخواهیم که اگر بدستمان رسید دشمن جانمان میشود.

حجازی

قبل از پول قرض کردن از یک رفیق درست فکرهایتان را بکنید که بکدام بیشتر احتیاج دارید — پول یا رفیق . — ادیسون هالاک

قبل از آنکه دنبال هوی و هوس بروی بکیسهٔ پول خود نظر افکن . — فرانکلین

قبل از خریدن باید فکر فروش را هم کرد . — مثل چینی

قرض حلقهٔ اسارتی است که بدست خود برگردن خود میافکنیم . — مثل انگلیسی

کسیکه از زبان خود امساک کند و از مال خود انفاق کند سعادتمند است . — حضرت محمد (ص)

کسیکه ثروتمند است احتیاج ندارد در زندگی میانه رو باشد و کسیکه بتواند با اقتصاد زیست کند احتیاج بثروت ندارد . — مثل انگلیسی

کسیکه ثروتی ندارد خود را دارد . — فرانکلین

کسیکه آرزوهایش سودمند باشد ، ثروتمند است . — ولتر

کیسه ای که پر باشد چین صورت را از بین می برد . — فتحی الرملی

کلیدیکه صندوق پول را باز میکند قفل دلها را میگشاید . — لافونتن

کسیکه قادر به تبسم نیست نباید کاسب و مغازه دار باشد . — مثل چینی

کسیکه خرید و فروش میکند احساس نمیکند که چقدر خرج کرده است . — مثل اسپانیولی

کسیکه قرض خود را ادا میکند بر ثروت خویش میافزاید . — مثل انگلیسی

گودالهای بزرگ را میتوان پر کرد ولی دل آدمی را پر نتوان نمود . — مثل چینی

گاهی صدای پول ندای عدل را میکشد . — مثل یوگسلاوی

گرسنه خوابیدن بهتر است تا در قرض فرو رفتن . — ؟

ما مالک لوازم مادی نمیشویم مملوک آن میگردیم . — امرسون

مالیکه خود بدست آورده ایم از این جهت عزیز است که فرزند فکر و عمل ماست . — حجازی

مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال . — سعدی

مال ماده نالایقی است که بهیزان را وادار میکند بر هنرمندان برتری جویند . — ؟

مال زنبوری است که اگر از نگهداری آن آگاه باشید عسل میدهد و اگر نه نیشش میزند و پرواز میکند . — دکتر ماردن

مردم مال را مقید کنند اما در حقیقت مال آنها را مقید کرده است . — بطلمیوس

مردان قوی بهتر از سایرین میدانند که ثروت بزرگترین قدرتهاست . — ؟

مردم سه دسته اند یا نوکر پول یا رفیق پول و یا ارباب پول . — دیل کارنگی

مطمئن باشید که یگانه هدف من آنستکه هرچه بتوانم پول بدست آورم زیرا پس از تندرستی پول از همه چیز بهتر است . — هوزاد

ملت بی پول با استقلال خودش بازی میکند. — پوانکاره

من تصمیم گرفتم پول را بخدمت درآورم نه اینکه خود بخدمت پول درآیم. — جان راکفلر

با ایمان و اعتقاد کامل معتقدم که پول نمیتواند کاروان بشری را بسوی ترقی رهبری نماید حتی اگر در دست فداکارترین فرد بشر بخاطر این مقصود باشد. — انیشتین

مال خوب از دور داد میزند. — مثل آلمانی

مال کمتر و اضطراب کمتر. — مثل فرانسوی

مردم به سخنان مرد پولدار همیشه گوش میدهند. — مثل چینی

نفرین آزادگان بر تو باد ای پول که اساس دوستیها را بدشمنی، محبتها را بنفاق و آبادانیها را بویرانیها و خرابیها مبدل میسازی، چه جنایات فجیعی که بخاطر تو صورت گرفته است. — ؟

نمیتوان همه را با مال راضی کرد اما با حسن خلق میتوان. — حضرت محمد (ص)

نیکبختان در اصلاح مفاسد خود می کوشند زیرا تا مکنت و اقبال بر مفاسد آنها پرده پوشی میکند، حق را بجانب خود می بینند. — لاروشفوگولد

وقتی انسان آنقدر ثروتمند شد که بتواند هرچه دلش میخواهد بخورد، می بینید معده اش بیمار است و همه چیز را هضم نمیکند. — شاتوبریان

وقتیکه کیسه خالی شد دل پر میشود . هوگو

وقتیکه مسأله پول پیش میآید همه پیرو یک کیش و آئین میشوند . ولتر

وام بده و برای خود دشمن بتراش . ؟

هر که زر در ترازو ست زور در بازوست . سعدی

هرگز با پول نمیتوان یک سرباز خوب معلّم خوب . هنرمند خوب و یا یک کارگر خوب ساخت . روسکین

هرگز انسان نباید با پول خود برای خود دردسر درست کند . دیل کارنگی

هرچه میدرخشد طلا نیست . حتماً نصف مردم جهان کور هستند زیرا آنها نمی توانند چیزی را ببینند مگر اینکه بدرخشد . آئینه برای کور به چه درد میخورد ؟ اسکار وایلد

هر ثروت و تموّل افسانه ایست دارای دو فصل فصل اوّل تجارت . فصل دوّم حیله و فریب . ؟

هر روز مقداری از علم و ثروت خود را وقف دیگران کنید . مهاویرا

هرچه ثروت بیشتر شود تشویش و نگرانی و حرص و آرزو با فزایش میگذارد . هوراس

هر کس فقیر و قانع باشد ثروتمند است . شکسپیر

همهٔ ما در یک مذهب مشترک هستیم و آنهم ثروت است . ولتر

هر که پول خود را برای کسب علم خرج کند چند برابر آنرا پس انداز کرده است . مثل ژاپونی

هر که باشش بیش برفش بیشتر .　　　　مثل فارسی

همیشه دزدی وجود دارد که دزد دیگر را غارت کند .　　　　مثل چینی

هیچکس بسوی درخت بی ثمر نمیرود .　　　　مثل آفریقائی

یا زر یا زور یا زاری .　　　　؟

یک آدم ثروتمند کمتر خواب راحت و آسایش روحی دارد .　　　　غ - ذ

این ندانم که زر بلای وفاست — یا که این خوی مردمان گداست

که چو آز گوهری در چنگ — گوهر دوستی زنند به سنگ

جامی

تهی دست را کار وارون بود — دلش سال و مه تنگ و محزون بود

چو داری به دست اندرون خواسته — زر و سیم و اسبان آراسته

هزینه چنان کن که بایدت کرد — نباید فشاند و نباید فشرد

فردوسی

مرد آزاده در میان گروه — گرچه خوشخوی و عاقل و داناست

محترم آنگهی تواند بود — که از اینان به مالش استغناست

وانکه محتاج خلق شد خوار است — گرچه با علم بوعلی سیناست

ابن یمین

نبض تهی دست نگیرد طبیب — درد فقیر اینهمه زان بی دواست

پروین اعتصامی

مال گرد آر در نشیمن خاک
تا در این کهنه خاکدان باشی

گر بمیری و دشمنان بخورند
به که محتاج دوستان باشی

سعدی

بر زمین برد فرو خجلت محتاجانم
بی زری کرد همین آنچه به قارون زر کرد

صائب

مکن ز گردش گیتی شکایت ای درویش
که تیره بختی اگر هم بر این نسق مردی

توانگرا چو دل و دست کامرانت هست
بخور ببخش که دنیا و آخرت بردی

سعدی

پیروزی موفقیت

آنانکه اززندگی پیروز و کامیاب شده اند، اوّل ازنظر فکر و روح پیروز و کامیاب بوده اند. ادیسون

احترام و قدردانی دو چیز مختلفند: احترام را بموفقیت اشخاص میگذارند امّا قدردانی ازشخصیت اشخاص بعمل میآید. الکساندر دوما

ازمخالفت نهراسید فقط وقتی باد بادک میتواند بالا رود که با باد مخالف مواجه شود. چرچیل

از ویکتور هوگو پرسیدند، برای موفقیت در زندگی سه عامل پول، کار یا عقل کدام یک مؤثرترند؟ وی جواب داد:

فرض کنید روی سه چرخه ای سوار هستید، کدام چرخ برای شما اهمیتش بیشتر است؟ ؟

اگر بخواهیم بر طبیعت پیروز شویم باید آنرا بشناسیم. ؟

اگر بیک انسان فرصت پیشرفت ندهید لیاقت چندان تأثیری در پیشرفت او نخواهد داشت. ناپلئون

اگر در اوّلین قدم موفقیت نصیب ما میشد سعی و عمل دیگر معنی نداشت. مترلینگ

انسان هرگز نباید به پیروزی موقتی که بر نفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و بدون جنبش میماند و ناگهان باقتضای موقع یا در نتیجه وسوسه ای باز بهیجان میآید. بایگون

انسان هرگز از موفقیت سیر نمیشود. مثل یونانی

انسان موفق لاقید نیست و انسان لاقید موفق نیست . مثل چینی

بالاترین رمز کامیابی اینست که انسان چیزی بگوید و کاری بکند و چیزی را بخواهد که دیگران معمولاً آنرا نمیگویند و نمی کنند و نمیخواهند . یا در گفتن و کردن و خواستن آن تردید دارند . سعید نفیسی

بدست آوردن خوشبختی بزرگترین فتح زندگی است . آلبرت کامو

بدست آوردن آنچه را که ما آرزو داریم موفقیت است اما چیزی را که برای بدست آوردنش تلاش میکنیم - خوشبختی است . لوسیا

بدون خطر نمیتوان بر خطر غلبه کرد . ؟

بدست آوردن چیزی آسان باشد ولی نگهداری آن مشکل است . غ - ذ

برای پیروزی در زندگی دل بدریا میبایدزد اما آنکه دل بدریا میزند میبایدیقین داشته باشد لااقل در این بازی چیز چندانی از دست نمیدهد . هربار

بزرگترین پیروزی آنستکه نوعی رفتار کنیم که مبارزان قویتر از آن شوند که در شروع کار مبارزه بودند . گاندی

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند . امیل زولا

با موفقیت فتح کوچکی بخود مغرور مشو . ؟

بر شری که پرهیز از آن ممکن نیست با تحمل و بردباری میتوان پیروز شد . ؟

به نرمی توان رخنه در سنگ کرد . مثل فارسی

پیروزی نصیب کسانی میشود که بیش از همه استقامت دارند . ناپلئون

پیروزی فضائل شکست رذایل است . مثل هندی

جدیت مقصد را نزدیک میکند . شیللر

ویژگیهای مرد کامیاب اینستکه فکرش سریعتر کار میکند . نیروی اراده قوی دارد به تمرکز قوای دماغی قادر است حافظه اش قوی . معظم ، آماده و بیدار است ، نیروی بیان دارد . بنفس خود اعتماد دارد از تجارب خود و دیگران استفاده میکند ، نسبت بآنچه در محیطش میگذرد بیدار است . کلمه شکست در قاموس او معنی ندارد . نومیدی بخود راه نمیدهد و از همه بالاتر بآفریننده جهان ایمان دارد . ؟

در این دنیا از دو راه میتوان موفق شد یا از هوش خود یا از نادانی دیگران . لابروير

راز موفقیت در زندگی را فقط افرادی آموخته اند که در زندگی موفق شده اند . جان کولینز

روز پیروزی خستگی احساس نمیشود . مثل تازی

زندگی همواره ضابطه ها را در هم میشکند ، شکست میتواند با وجود زشتیهایش تنها راهی بسوی رستاخیز باشد ؟

سجایای هر شخصی سرنوشت اوست . ؟

شکست یتیم است ولی پیروزی هزار پدر دارد . ؟

قبل از هر چیز دیگر آماده شدن از موفقیت است . — هنری فورد

کار کنید تا به آسایش برسید بکوشید تا به موفقیت نایل شوید . — توماس

کسیکه دو روز او مساوی باشد ضرر کرده است — حضرت محمّد

کسیکه در هنگام پیروزی، خود را کنترل میکند به پیروزی مجدد نائل گردیده است . — ؟

کسیکه خون را ببیند و خونسرد باشد پیروز میشود . — مثل انگلیسی

کمی لیاقت . جوهر توانائی در موفقیت است . — مثل آلمانی

گاهی اوقات صلاح ما در اینست که بمقصود نرسیم . زیرا مقصود برای ما ضرر دارد . — هانری مود

لحظاتی فرا میرسد که تمام درهای موفقیت بروی شما باز میشود . خیلی ذوق زده نشوید زیرا زیاد طولانی نخواهد بود . ؟

ما از پیروزیهای نیاکان تمتع میگیریم بی آنکه بخونهائیکه در راه حصول این پیروزیها ریخته شده است بیندیشیم .

مردم موفق امروز کودکان جسور دیروز بوده اند . — دیسرائیلی

مردیکه از تمام مساعدتهای خارجی چشم بپوشد و آنرا دور اندازد و شخصاً وارد میدان شود و به نیروی خود برپا ایستد او همان مردی است که نیرومندی و موفقیت را برایش پیش بینی میکنم . — امرسون

ممکن است با مشاجره و مباحثه خصم خود را مجاب و سرگردان کنید . اما چنین غلبه ای بیهوده است زیرا که هرگز موافقت صمیمانه طرف را حاصل نتوانید کرد . — فرانکلین

من نمیدانم پدربزرگم که بود؟ امّا باین نکته بیشتر اهمیت میدهم که بدانم نواده او چه کسی خواهد شد. — لینکلن

موفقیّت از آن کسانی نیست که هرگز دچار ناکامی نمیشوند بلکه متعلق بکسانی که هرگز از تجدید مبارزه بیم و هراس ندارند. — هانری ف. کپ

موفقیّت اگر با لیاقت و شایستگی بدست نیامده باشد پیوسته موجب نگرانی و تشویش خاطر خواهد بود. — حجازی

موفقیّت نصیب افراد خواب آلود نمیگردد. — مثل دانمارکی

موفقیّت برای اشخاص کم ظرفیت مقدّمه گستاخی است. — مثل ایتالیائی

نخستین شرط پیروزی دلیری است. — کامپ بل

نفس خویش را باطاعت درآوردن از هر فتحی دشوارتر است. — آئین بودائی

وقتی که از پا در میافتی نزد همه منفور میشوی. — مثل شرقی

هر کس توانست خویشتن را مغلوب کند، مسلماً میتواند دیگران را مطیع خود سازد. — لرد آویبودی

همه خوشبختیها و موفقیّت که بمن روی آورده از درهائی وارد شده است که آنها را بدقت بسته بودم. — لرد بایرون

هیچکس را بی تکاپوی سعی بلیغ آفتاب مراد از مشرق امید طالع نشده است. — کلیله و دمنه

پروری من در ره عشق تو یقین است — چنین پرتو مهر تو بود راهبر من

جمشید

خوش آن حالت بیدار بخوابم آید — نرود هیچگه از خاطر من شادی خوش

شادی وصل ترا طعنه به ناهید زنم — بهر من چون مه نو گر بکشی آغوشش

صدارت

ما خاک‌نشین در میخانهٔ عشقیم — تاج سر خورشید بود خاک در ما

ما خسرو فقریم و نیاید به سر جمشید — گر سر کشد از خط سر تاجور ما

صفی اصفهانی

خوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند — وندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی — آن شب قدر که این تازه براتم دادند

حافظ شیرازی

پیمان ـ وفا

آنانکه بعهد خود وفا میکنند برگزیده ترین مردمانند. — حضرت علی (ع)

آیا خودت با وفا هستی که انتظار وفاداری. — مثل آفریقائی

پیمان شکن را با مردی و مردمی چکار؟

حیوان به پایش بسته میشود انسان بقولش. — مثل انگلیسی

سند پاره میشود، قول پاره نمیشود. — مثل آلمانی

شکست پیمان و نقض عهد از شریعت و آئین مردی و فرهنگها دور است. — بزرگمهر

طبیعت در مقابل عهد و پیمان بشری بی اعتناست. — جورج نیکولا

طوقی بر گردن خود نینداز که نتوانی باز کنی مگر با زحمات زیاد. — ؟

علامت جوانمردی سه چیز است یکی وفای بخلاف، دوم ستایش بی جود، سوم عطا و بخشش بی سؤال. — معروف کرخی

فرزانه هیچ وقت سخنی را که باور ندارد نمیگوید و بکاری که جلوگیری از آن شود اقدام نمیکند و وعده بکسی نمیدهد مگر آنکه به برآوردن آن امیدوار باشد و به هیچ کاری که در او فرو ماند و از عهده انجام بر نیاید دست نمی یازد. — ابن مقفع

قول مانند تیراست همین که پرتاب شد هیچ وقت بکمان بر نمیگردد. — مثل عربی

کسانیکه دیر قول میدهند خودشان قولترین مردمان دنیا هستند. — ژان ژاک روسو

میان انسان و شرافت رشته باریکی وجود دارد و اسم آن قول است. — ؟

وفاداری به حال است که وفاداری به آینده را آماده میسازد. — فنلون

وفای به عهد و نگاهداری پیمان به اندازه که در مردمی فزونی یابد آن جامعه شایسته برومندی گردد. — ؟

وعده که کردی معروض میشوی، مقروض که شدی وعده میکنی. — مثل فرانسوی

هرگاه با مردمان پیمان بستی تا جان در بدن داری بشکست آن اقدام مکن که اصل مروت آنست که آدمی از عهده عهد نیکو برآید و از خدعه و مکر حذر نماید. و حقیقت سخاوت آن شخصی دارد که چون وعده بکسی دهد و فا فرماید. — جواهرالاخلاق

هیچ قانونی نمیتواند نیکی و صحت عمل و معروفیت مرا مثل عهد و میثاق خودم نگهدارد. — توماس براس

پیر پیمانه‌کش ما که روانش خوش باد | گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان

حافظ شیرازی

اگرچه سست بود عهد نیکوان همه آه | بسست عهد بت ای سیمبر و شنیدم
دلم شکستی و عهد تو سنگدل نشکستم | ز من بریدی و مهر از تو بی‌وفا نبریدم

شیخ اصفهانی

چو عهدی با کسی کردی بجای آر | که ایمانست عهد از دست مگذار

ناصر خسرو

مرا بعلت بیگانگی ز خویش مران | که دوستان وفادار بهتر از خویشند

سعدی شیرازی

ندانی که مردان پیمان‌شکن | ستوده نباشند در انجمن
مبادا که باشی تو پیمان‌شکن | که خاک است پیمان‌شکن را کفن
بر دادگر نیز و بر انجمن | نباشد پسندیده پیمان‌شکن

فردوسی

هر آنکه جانب اهل وفا نگهدارد | خدای در همه جا از بلا نگهدارد

سر و زر و دل جانم فدای آن محبوب — که حق صحبت و مهر و وفا نگه دارد

حافظ شیرازی

یک ذره وفا را بدو عالم نفروشم — هر چند در این عهد خریدار ندارد

صائب تبریزی

عهد کردیم که بی دوست بصحرا نرویم — بی تماشاگه رویش به تماشا نرویم

بر سر کشتن و جفا روی مکن این از ما — که بکشتن برویم از نظرت یا نرویم

سعدیا شرط وفاداری لیلی آنست — که اگر مجنون گویند به شطط نرویم

سعدی

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم — که در طریقت ما کافریست رنجیدن

حافظ شیرازی

تاریخ

اخبار ملوک پیشین را بیشتر مطالعه فرما که از چند فایده خالی نباشد یکی بسیرت خوب ایشان اقتدا کند، دوم آنکه بتقلب روزگار پیش از عهد ایشان تأمل کند تا بجاه و جمال و ملک و نسب فریفته و مغرور نشود.

سعدی

برای نوشتن یک تاریخ، در وجود مورخ، باید بین همدردی، طرفداری، جدایی، بیطرفی تعادل وجود داشته باشد. ارنست رنان

باید دید چگونه تاریخ نگار در میان هزاران واقعه برخی را میگزیند و برخی را فرو میگذارد.

آناتول فرانس

برای آنکه تاریخ تا ابد دروغ باشد کافی است که یکنفر حقایق را کتمان کند.

میشله

تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که مردان هنرمند و حساس گلهای زیبای آن میباشند.

گوستاولوبون

تاریخ مشتشار راهبران است.

کارلایل

تاریخ سیر خود را از زندگی مردان بزرگ بنا نموده است.

کارلایل

تاریخ مفاخر گذشته با خاطره هائیکه از اعمال و شجاعتهای رجال ما در فکر افراد خطور میدهد روح ملیت را برانگیخته مردم را بطرف مجد و تعالی میکشاند.

؟

تاریخ یک ماشین خودکار و بی راننده نیست و بتنهائی استقلال ندارد. بلکه هر چه ما بخواهیم تاریخ همان خواهد شد. ژان پل سارتر

تاریخ تمدنهای جهان. تمدن در کشورهای جهان مراحل زیر را پیموده است:

از اسارت بطرف ایمان.

از ایمان به شجاعت.

از شجاعت به آزادی.

از آزادی به فراوانی.

از فراوانی به خودخواهی.

از خودخواهی به بله قربان گوئی.

از بله قربان گوئی به بی رگی.

از بی رگی به از کف رفتن استقلال.

ارنولد توین بی تاریخ نویس معاصر معتقد است که از بیست و یک تمدن بزرگ جهانی در حدود نوزده تمدن در اثر تهدید داخلی رو باضمحلال رفته اند و بی سر و صدا بخاموشی گرائیده اند. چنانکه ملاحظه میشود دوران تمدن از اسارت شروع میشود و باسارت ختم میگردد و این دوران در حدود دویست سال بطول میانجامد و سیر از سر گرفته میشود.

آرنولد توین بی

در نوشتن تاریخ یک قوم و یک ملت با آن ملت و قوم همدلی پیدا کنید و در عصری که مطالعه میکنید در وضع

جغرافیائی و کلیه تاریخ آن وارد شوید و احساس کنید که یکی از آنها هستید. کوهان هردر

جهان پیر ما، قهرمانیها، از خودگذشتگی ها، دلاوریها، صحنه های خونین بسیار بخود دیده است و تاریخ زندگی آدمی از آغاز تا بامروز پر است از این پیشامدها و سرگذشتها. بسیاری از مردان بزرگ در راه آرمان مقدس خویش و یا هدف بزرگ، هم میهنان خود بیدریغ جان بر کف نهاده و سرانجام با کمال سربلندی به شهادت رسیده اند. تاریخ نیز با ارزش و فداکاری و از جان گذشتگی هریک از این فداکاران بزرگ داستان و داستانهای جاویدان آفریده است. عباس پرویز

حوادث مشهور دوران گذشته جهان امروری بکنید، تا شما هم چون من این حقیقت را بپذیرید که بزرگترین جنایات همه با کوچکترین دستها انجام گرفته است. آگادادو

روزگاری بود که مار نبود کژدم نبود کفتار و گرگ و شیر و سگ وحشی نبود. ترس و وحشت نبود، مردم از آزار رقیب آسوده بودند روزگاری بود که... همه عالم در امان بود، مردم همه بیگانه بودند، بیک زبان خدا را ستایش میکردند. ؟

سیر تاریخ را با هیچ نوع مغالطه و امیال خصوصی نمیتوان منحرف نمود آنهائیکه میخواهند برخلاف نوامیس تاریخ اقدام نمایند و آنهائیکه میخواهند خورشید را بپوشانند سعی عبث میکنند. ؟

عبرتی را که از تحولات تاریخ برنگیریم، پندی گرانمایه باشد که چراغ صفت راه زندگی را از چاه باز نماید. حضرت امیر

کسیکه ثمرات روحی ملتی را انداخته‌اند. تاریخ آن ملت در نظرش یک مشت حوادث پریشان و وقایع بی ترتیب -

جلوه میکند . گوستاولوبون

کشوریکه تاریخ ندارد آن کشور بمنزله مرده است . سن لوئی

کشوریکه تهی از ویرانی هاست، تهی از خاطرات است و مملکتی که خاطرات ندارد، تاریخ ندارد . ابرام ژوزف ریان

گذشته چیزی است که هرچه فاصله ما از آن بیشتر شود زیباتر میشود . ؟

مورخ باید سیر فکر بشر را که در عالم نظم غیر قابل اجتناب بخود واگذار شده تعقیب کند . ولتر

مطالعه تاریخ مشاهیر و دقت در جزئیات زندگانی آنها ما را در راه پرخطر زندگی از لغزش و سقوط محافظت میکند. ؟

ما هنوز در زمان ماقبل تاریخ هستیم زیرا تاریخ بشریت آنروز آغاز میشود که بشر از همه رنجها و گرفتاریها نجات یابد. فتحی الرکی

مطبوعات، شالوده تاریخ معاصر است . پوانکاره

هرکه در سیرت و رفتار پیشینیان نظر کند، متذکر میشود تا چه اندازه از همت مردان واپس مانده است . بمدون قصاً

هرچه تمدن جلوتر میرود قدرت فزونی کمتر میشود . آرتل هاپس

چیست تاریخ؟ صحنه‌ای خونین — عرصهٔ ترکتاز خونخواران

قصه‌ای تلخ و داستانی شوم — از ستمکاری ستمکاران

آن ورق پاره‌ها که گشته سیاه — از سیه‌کاری سیه‌کاران

مدح پرداز رهزنان بزرگ — پرده‌پوش خطای جباران

صفحه‌ای کش نبود، باز نگر — به جز از رهزنان و عیاران

ایلغار مغول، هجوم عرب — قهر ترکان و کین تاتاران

نامه‌ای کاندر آن همی خوانی — شرح بیداد دیوکرداران

از ستم پیشه قصه چون طوفان — وز ستمدیده اشک چون باران

هست اینجا سیاست و تدبیر — مکر و تزویر و غدر غداران

شوکران بود بهرهٔ سقراط — امنیت پاداش نیک‌پنداران

همه کین است و کینه‌توزی‌ها — تیرگی‌ها و تیره‌روزی‌ها

دکتر علی صدارت

تاریخ قصه‌ایست که تکرار می‌شود — در حیرتم زمانهٔ من یا زمان تست

اخوان ثالث

چیست تاریخ؟

چیست تاریخ ای ز خود بیگانه‌ای — داستانی قصه‌ای افسانه‌ای

این ترا از خویشتن آگه کند — آشنای کار و مرد ره کند

روح را سرمایهٔ تاب است این — جسم ملت را چو اعصاب است این

همچو خنجر بر فسانت میزند — باز بر روی جهانت میزند

وه چه ساز جانفزا و دلپذیر — نغمه‌های رفته در تارش اسیر

شعلهٔ افسرده در سوزش نگر — دوش در آغوش امروزش نگر

شمع او بخت امم را کوکب است — روشن از وی امشب و هم دیشب است

بادهٔ صد ساله در مینای او — مستی پارینه در صهبای او

صید گیری کو بدام اندر کشید — طایری کز بوستان ما پرید

ضبط کن تاریخ را پاینده شو — از نفس‌های رمیده زنده شو

دوش را پیوند با امروز کن — زندگی را مرغ دست آموز کن

رشتهٔ ایام را آور بدست — ورنه گردی روزکور و شب پرست

سر زند از ماضی تو حال تو
خیزد از حال تو استقبال تو

مشکن ار خواهی حیات لازوال
رشته ماضی ز استقبال و حال

موج ادراک تسلسل زندگی است
می کشان را شور قلقل زندگی است

اقبال لاهوری

تجربه

آنکس که از روزگار تجربه آموخت هرگز فریب جهانیان را نخواهد خورد . — امام حسن (ع)

آنانکه گذشته را بخاطر نمی آورند محکوم بتکرار آنند . — سانتایانا

آموزش و پرورش بدون تجربه بیفایده است — پی یرژانه

آینده ها بنظر بزرگ جلوه میکنند ولی وقتیکه گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند . — مترلینگ

آزموده را آزمودن خطاست . — مثل ایرانی

التجربه فوق العلم . تجربه بالاتر از علم است — ابن سینا

از اشتباهات خود و دیگران عبرت بگیر . — بزرگمهر

اشتباه را تصحیح نکردن خود اشتباه دیگریست . — کنفوسیوس

اگر عینک عادت ندارید عینک تجربه را بچشم بزنید و اگر عینک عادت دارید روی آن باز هم عینک تجربه را بچشم بزنید . — ؟

اگر آنچه از گذشته تجربه گرفته ایم در آینده بکار ببریم مثل اینکه دوبار عمر کرده باشیم . — حجازی

انسانها نسبت به ظرفیتی که برای کسب تجربه دارند عاقلند نه نسبت بتجاربیکه اندوخته اند. — برنارد شاو

تجربه دریافته ام که جسم و جان آدمی همسر یکدیگر نیستند بلکه با هم یکی شده اند و چون یکی دچار رنجی شود دیگری همدردی مینماید. — چسترفیلد

بنظر من انسان در طول زمان هوشش اضافه نمیشود بلکه تجربه اش بیشتر میشود. بهمین دلیل هرچه عمرش زیاد شود فراموشی، کم صبری و بیقراریش افزون میگردد. — غ - ذ

بهر چیز باید نزدیک شد و از آن عبرت و تجربه ای گرفت. — سعید نفیسی

تجربه همیشه بنفع انسان نیست زیرا هیچ حادثه ای دوبار بیک شکل رخ نمیدهد. — چرچیل

تجربه مدرسه ایست که محصلین خود را با قیمتی گران بار میآورد. — فرانکلین

تجربه طبیبی حاذق است که فقط پس از بیماری بملاقات شخص میآید. — هانیه

تجربه را در روی رختخواب نرم معطر و متکای پر قو نمیتوان بدست آورد. — اوریپید

تجربه درسی است گرانبها که ارزش آن از کلیه دروس مهم اساتید عالیقدر بالاتر است. — سیسرون

تجربه میوه ایست که اثر نمی چینند مگر پس از گندیدن. — ارسطو

تجربه بهترین درس زندگی است ولی افسوس که برای آن بهای گرانی باید پرداخت. — کارلایل

تجربه معلم سختگیری است اول امتحان میکند و بعد درس میدهد. — ؟

تجربه بر من ثابت کرده است که کسی نیست که در ۲۴ ساعت دست کم پنج دقیقه گرفتار حماقت نشود و عاقل و خوشبخت کسی است که نگذارد این قدرت از این میزان فزونی یابد. فرانکلین

چه لازم است مدتی اوقات خود را برای آزمایش حوادثی تلف کنیم که نظائر آن هزار بار اتفاق افتاده و دیگران تجربیات خود را در باره آنها تکمیل کرده اند. آیا بهتر نیست که خلاصه تجربیات آنها را گرفته در راه زندگی به رهبری آن پیش برویم؟

چه بسا که با تعجب و تمسخر و وحشت به اشتباه دیروز خود نگاه میکنیم و باز فردا همان اشتباه را از سر میگیریم. حجازی

حقیقت تجربه به مراتب عالیتر از تمام تئوریها و فلسفه بافیهاست. ؟

خوشبخت آنکسی که از سرگذشت دیگران پند گیرد. محمد (ص)

خطا کردن یک کار انسانی است اما تکرار آن یک کار حیوانی. آناتول فرانس

در هیچ زمینه ای استادی پرمایه تر از استادی آموزنده تر از تجربه نیست. لیر

دنیا به همت جوانان و تجربه پیران اداره میشود. نظام وفا کاشانی

دنیا خیلی پیر است ما باید از تجربه استفاده کنیم تجربه بما یاد میدهد که عرف و عادت پیش بسی گرانبهاتر از تئوریهای تازه است. ناپلئون

در دنیا سه طبقه مردم وجود دارند. گروه اول از تجارب خود میآموزند اینها خردمندانند. گروه دوم از تجربه دیگران میآموزند و اینها سعادتمندانند و گروه سوم نه از تجربه خود و نه از تجارب دیگران چیزی نمیآموزند و اینها بی نوایانند. مثل تازی

رمز سعادت دو سه حرف بیش نیست. لیکن هیچکس آنرا نمی‌پذیرد مگر پس از یک عمر تجربه آنهم وقتیکه کار از کار گذشت. — ؟

زندگی آنقدر طولانی نیست که تمام تجربه‌های زندگی را عملاً به ثبوت برسانیم برای پیشرفت و آسایش بهتر تا میتوانیم باید از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم. — غ - د

سعادتمند کسی است که از هر خبط و خطائی که از او سر بزند، تجربه تازه بدست آورد. — سقراط

سن و عادت و شغل و تجربه، اخلاق بسیاری از مردم را اصلاح کرده است. — ناپلئون

شخص عاقل و هوشیار از تجربیات دیگران استفاده میکند ولی مردم مغرور میخواهند همه چیز را خودشان - تجربه کنند. — لود آویبوری

عمری چکش برداشتم و بر سر میخی بر روی سنگی کوبیدم اکنون میفهمم که هم چکش خودم بودم هم میخ و هم سنگ. — کافکا

عیب در این نیست که انسان اشتباه کند، بلکه عیب در این است که باشتباه خود پی نبرد. — مثل روسی

فقط یک چراغ هست که مرا هدایت میکند و آن چراغ تجربه است. — پاتریک هانری

کسیکه دو دفعه روی سنگی بلغزد مستحق آنست که هر دو پایش بشکند. — ؟

کسیکه یکبار مرا فریب میدهد برای او ننگ است ولی کسی دو بار فریبم میدهد ننگ برای من است. — مثل اسکاتلندی

گذشته برای آنکه انسان توشه‌ای از عبرت برای آینده خود بردارد. — سعید نفیسی

گذشته سرمایه‌ای است که اندوخته‌ایم میتوان آنرا بتأسف و اندوه صرف کرد و یا برای موفقیت آینده بکار برد. — حجازی

ما توسط اجداد خود هزارها سال عمر کرده و می کنیم زیرا که مشغول استفاده از تجربیات آنها هستیم. غ - ذ

ما کارهای احمقانه ای که در زندگی انجام داده ایم بنام تجربه برخ دیگران می کشیم. اسکار وایلد

ما همواره سعی می کنیم خود را از الم برهانیم اما تمام مساعی ما جز بیک نتیجه منجر نمیشود و آن اینستکه دردهای خود را تغییر نمیدهیم. شوپنهاور

مشاهده از نزدیک و دقیق چیزهای کوچک است که راز کامیابی در حرف و هنر و علم و هر رشته از زندگی بشمار میرود دانش بشری چیزی جز مجموعه روی هم انباشته ای از واقعیت های کوچک نیست که توسط نسلهای متوالی انسانها بوجود آمده است. نکته های کوچکی از معرفت و تجربه است که بدقت رویهم ریخته شده و با مرور زمان بصورت هرمی عظیم درآمده است. اسمایلز

معمولاً دلایلی که خود ما بآنها برمیخوریم بیش از آنچه دیگران میگویند مورد رغبت ما هستند. پاسکال

مردگان چشمهای زندگان را باز میکنند. مثل انگلیسی

معایب دیگران، معلمان خوبی هستند. مثل آلمانی

ناتوان ترین مردم کسی است که از پیش آمدها و جزر و مدهای روزگار تجربه نیاموزد. حضرت امیر(ع)

نوع انسان با اینهمه بزرگی خود، هنوز آنقدر انسان نشده است که بتواند فقط از عقل انسانی خود دستور بگیرد افسانه ای که از قول یک قورباغه یا سوسک بال دار هم نقل شده باشد بیش از کلمات حکما در مغز مردم نفوذ میکند، اینست که می بینید

تاکنون بزرگترین تجربه‌ها و معارف خود را انسان از حیوانات ناچیزتر از خود یاد گرفته است. لافونتن

وقتی جاده‌ای هموار و تمیز و نو در سر راه شما پیدا شد، از جادهٔ قدیم و سنگلاخ عبور کردن از کار دیوانگان و خودخواهان است. امیل زولا

وقتی انسان بطلان یک عقیده و نظریه پی برد و آنرا حفظ کرد دلیل بر حماقت اوست. مترلینگ

هر روزی که میگذرد، درسی و سرمشقی از خوبی و بدی بما میدهد و هر یک از اعمال ما هر چند هم که کوچک و ناقابل باشد آثار و نتایجی از خود ایجاد میکند زیرا مثل مو است که موی نازک هم سایه دارد. اسمایلز

یگانه ترجمان عالم طبیعت آزمایش است پس باید همیشه به تجربه پرداخت و هر کار را به هزار شکل آزمود. لئونارد دو داوینچی

مرد خردمند هنرپیشه را — عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن — در دگری تجربه بردن به کار

سعدی

هر آن کو که باشد مرد هوشیار — ز سوراخی دو بارش کی گزد مار

فخرالدین گرگانی

دیوانگیست قصهٔ تقدیر و بخت نیست — از بام سرنگون شدن و گفتن از قضاست

پروین اعتصامی

یک عمر آدمی به جهان رنج می‌کشد — تا نیک و بد شناسد و از هم جدا کند

بسیار دیر بایدش احوال روزگار — تا دیده را به وضع جهان آشنا کند

تا در رهٔ صواب به کاری قدم نهد — صد بار بایدش که در آن ره خطا کند

عمری که صرف تجربه گشتش دریغ — هرگز کجی به بهره گرفتن وفا کند

تا بهره‌مند گشت از آن رنجها که برد — مهلت چگونه باید و فرصت کجا کند

آوخ که دیده بایدش از روزگار بست — روزی که او به کار جهان چشم وا کند

حبیب‌الله نوید

تصمیم

آری: برای شنا کردن بسمت مخالف جریان رودخانه قدرت و جرأت لازم است والا هر ماهی مرده‌ای هم میتواند از طرف موافق جریان آن حرکت کند.

اسمایلز

آنگاه که سندانی پابرجا باش. روزیکه چکش گشتی محکمتر بکوب.

جان فلورلو

آنانکه نمیتوانند خود را اداره کنند، ناچار از اطاعت دیگرانند.

ویکتور هوگو

آنچه برای تو سودمند است در بدست آوردن آن اراده کن و پایداری و استقامت نما و از پروردگارت کمک بخواه.

؟

اراده‌های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خود نمائی میکند. لیکن اراده‌های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی‌یابد.

گوستاو لوبون

آنچه بمقصود میرساند، عزم و اراده است، نه تمنا و آرزو.

؟

اراده موجب آزادی است. زیرا خواستن آفریدن است. اینست تعلیم من و تنها کار شما آموختن فن آفریدن خواهد بود.

نیچه

اراده قدرت فوق العاده دارد. اگر تصمیم گرفته ای در دنیا یک کاره ای شوی سرانجام بجائی خواهی رسید؟

ارزش چه چیز بیشتر از طلاست. الماس. از الماس چه چیزی گرانبهاتر است؟ اراده! فرانکلین

اراده محکم و متین که بخواهد بهر کس آنچه سزاوار است بدهد، عدالت نام دارد و قوانین هنگامی عادلانه اند که از این اراده پشتیبانی کند. اولپین

اراده ما گنجهای بی پایانی در سینه خود دارد. هر کس معنی زندگی و سعادت حقیقی را میخواهد درک کند باید آن گنجها را بیرون بیاورد و بکار بندد. ژان فینو

اراده قوتیست که بهمه قوای دیگر حکمرانی میکند بشرطیکه ما آنرا با قوه عقل هموار سازیم. بوفون

اراده درخت باعظمتی است که تمدن، ترقی و تکامل شاخه های نیرومند آن هستند. نظام وفا کاشانی

اراده هر کس در برابر مقدرات او ایستاده و در حول محور تکامل وی میچرخد. پیتیاگور

اراده در زمره قوای بزرگ بشریت محسوب و رقیبی برای آن متصور نیست. دکتر نصر

اراده نیروی بزرگ و اسرارآمیزی است که بشر با کمک آن میتواند از ترقیات شگرف و بزرگی برخوردار گردد. بوعلی سینا

اراده خود بخود و طبیعی تکمیل میشود بشرط آنکه تعلیم و تربیت غلط سد راه آن نگردد. فیثاغورث

اراده هر کس چون دیواری است که خشتهای آن بدون ساروج وی هم گذاشته شده و برای اینکه استقامت دیوار باقی بماند نباید حتی یک خشت از آن بیرون کشید و فقط اگر یک خشت از زیر آن دیوار بیرون کشیده شود

استقامت آن از بین میرود و اگر دو خشت یا سه خشت را از زیر دیوار بکشند آن دیوار فرو میریزد. پول ایر

از خصوصیات زمان ما اینستکه متأسفانه فقط افراد پست و پلید صاحب اراده و پشتکار میباشند. الفرد کاپو

انسان نمیتواند اراده کند آنچه را که میخواهد ولی میتواند اراده کند که چه خواهد کرد. ؟

از تمام صفاتیکه برای پرورش جان و جسم شما سودمند است هیچیک بسودمندی تصمیم و اراده نیست. پوشه

از کوچکی میل داشتم بزرگ باشم. هوگو

استعداد بزرگ بدون وجود اراده بزرگ وجود ندارد. بالزاک

اگر آزادی اراده مرد از او سلب شود، همه اعمال او ارزش اخلاقی خود را گم میکند. روسو

اگر آنچه را که خواسته اید بدست بیاورید، تحصیل نکرده اید علامت آنستکه یا جداً آنرا نخواسته و یا اینکه سعی کرده اید سر قیمتش چانه بزنید. ر. کیپلینگ

اگر تصمیمی داشته باشی بزودی موفق خواهی شد، زیرا آدمی ساخته افکار خویش است و فردا همان خواهد شد که امروز میاندیشیده است. مترلینگ

اگر سخنان ترا اراده و عمل تعاقب نکند، پس از کجا میتوان ارج و بهای ترا شناخت؟ دوست عزیزم، همیشه اینطور بوده و باز هم اینطور خواهد ماند. بیقدرتی برای خود قانونی دارد، اما اراده جز کامیابی قانونی نمیشناسد. شیللر

اگر ما بکاری مشغول نشده و در گوشه ای نشسته سر بگریبان غم فرو بریم، حاصل این رفتار ما بقول داروین کرمهائی

خواهند بود که مغز ما را میخورند و قدرت اراده و عمل را از ما سلب میکنند . دیل کارنگی

انسان هر چه را میباید میتواند کرد . و هرگاه کسی گوید که نمیتواند کرد این خود دلیل است بر اینکه او از روی

جدیت اراده نمیکند . نیچه

افتادن در گل ولای ننگ نیست ، ننگ در این است که در همانجا بمانی . مثل آلمانی

اگر دل بخواهد هزار راه پیدا میشود و اگر نخواهد هزار عذر و بهانه میتراشد . مثل بوتسو

باید از دست برد زمانه نترسید و با اراده قوی کوشید و طلبید و هرگز تسلیم نشد تا شاهد مقصود بدست آید . تن سن

با داشتن اراده قوی مالک همه چیز هستید . گوته

بدترین غمها شک و تردید است . الکساندر دوما

برای روح انسان هیچ عذاب و هیچ شکنجه ای مولمتر از شک نیست حتی یاس و ناکامی با همه تاریکی و دردی

که دارد ، از زندگانی در شک و تردید بهتر است . ؟

برای اخذ تصمیم بدیگری متوسل شدن کاری بیفایده و نامعقول است . اسمایلز

برای مردیکه اراده دارد هیچ چیز امکان ناپذیر نیست . میرابو

بزرگترین اختلاف بین انسان و حیوان فهم و فکر نیست . بلکه اراده و اختیار است . روسو

بسر منزل مقصود کسی میرسد و شاهد مراد را کسی در آغوش میکشد که با عزمی راسخ و قدمی محکم نقشه کار خود را دنبال نماید

و اگر در عرصه تنازع جراحتی بر دارد، متزلزل و مایوس نشود و بر تمام موانع و مشکلات، راه خویش غلبه نماید. ؟

بسیاری از کوههای بلند و شامخ هست که پیش پای آدمی دیده میشود ولی چون از آنها گذشتیم زیر پای ما چون تپه - هموار بیش نیست. مونتالمرت

به نیروی اراده میتوان بهمه چیز دست یافت! اما این اراده محرک و تازیانه میخواهد اگر آنرا بکار نیاندازیم زنگ و دیگر ازنیروهای باطنی ما زنگ میزند. لابولایه

بوسیله عزم و اراده باسستی و بدبختی بجنگید. حضرت امیر(ع)

بهترین موقع برای تربیت اراده ایام جوانی است. لاک

بهر طرف که اراده متمایل گردد طبیعت نیز بدان سمت میگردد. اسمایلز

بی تفاوت بودن ضعف است. کوکرل

پیروزی یعنی اراده کردن. ناپلئون

تردید های ما خائنینی هستند که با نصایح خود ما را از حمله بدشمن باز میدارند، در حالیکه تصمیمی راسخ و حمله ای بموقع میتوانند فتح و پیروزی را نصیب ما سازد. شکسپیر

تمام چیزها برای کسیکه آنرا ممکن الحصول بداند ممکن الحصول است. شاینگ

تمایلات خود را در میان دو دیوار محکم اراده و عقل حبس کنید. ارسطو

تا زمانیکه امروز مبدل به فردا شود، انسانها از سعادتیکه در این دم نهفته است غافل خواهند بود. — مثل چینی

جوانیکه استعدادش کم ولی اصرار و عزم داشته باشد از کسیکه استعداد زیاد و اصرار و عزمش کم است به موفقیت نزدیکتر است. — دیزرائیلی

جدیت مقصود را نزدیک میکند — شیللر

جملهٔ: من میخواهم جمله ایست که از اراده قوی سرچشمه گرفته است. — اوژن

جوان میتواند بآنچه میخواهد برسد. بشرط آنکه دست از دامن تصمیم استوار رها نکند. — تماس

چرا اراده اینقدر مشکل و آرزو تا این اندازه آسان؟ برای اینکه در اراده قوت مدخلیت دارد ولی در آرزو — ضعف عامل است. — لیندنر

چیزی را مانند شک و دودلی مانع ترقی و پیشرفت شخصی نمی بینیم. — حضرت امیر(ع)

خواستن توانستن است. بخواه تا بتوانی. — کاظم‌زاده ایرانشهر

خوشبخت کسانی هستند که با زحمات مختلف با زندگی روبرو میشوند و بدبخت کسانیکه کورکورانه راه باریکی پیش میگیرند و آزار همی قضا و قدر از دست ایشان میگیرد. — روزولت

خشم و غضب را در گاه مردان با اراده راهی نیست. — سقراط

خطاها و گناه‌ها و لغزشها و ناکامیهای اغلب مردم از ندانستن قوهٔ توانائی اراده است. — کاظم‌زاده ایرانشهر

دانستن بدون خواستن هرگز توانستن بار نمیآورد.

گوستاولوبون

درموقعیکه عصبانی هستم تصمیم نمی گیرم.

چرچیل

دراغلب مواقع کامیابی بسته به شناختن وقتی است که برای نایل شدن بآن لازم است.

مونتسکیو

درطول حیات چه بسا دقایق حساسی پیش می آید و تصمیمی در این دقایق گرفته میشود که مسیر زندگانی انسان را بکلی تغییر میدهد.

؟

درمقابل عزم آهنین قوه ای یارای مقاومت نمی بینیم.

ناپلئون

درجهان تنها کسی موفق میشود که بانتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد.

شیللر

در هر کار شرط اساسی داشتن یک اراده قوی است با یک اراده قوی شرایط دیگر چندان اهمیت ندارد. گوته

دنیا امروز بکسی حق حیات میدهد که بتواند روی پای خودش بایستد و مردم در برابر اراده این و آن سر تعظیم فرود نیاورد.؟

دشوارترین قدم همان قدم اول است.

مثل بلژیکی

رمز کلیه پیروزیها اراده است.

روبرتسون

راهیکه هزار کیلومتر دراز باشد قدم به قدم پیموده میشود.

مثل ژاپونی

ساعت تصمیم فرارسیده است باید بین بقا، بین بردگی و سروری بین نام و ننگ و جلال و نکبت، یکی را انتخاب کنیم.

؟

سرور و خوشحالی یا حزن و ملالت شخص بسته بمیل و اراده خود او است . دکتر جانسن

غالب اوقات چنین بنظر میرسد که حتی مرگ نیز بستگی بقدرت اراده و نیروی خواستن در وجود ما دارد . مثل آلمانی

سند پاره میشود ولی قول پاره نمیشود . گوته

فقط سستی اراده است که سبب ضعف ما میشود و گرنه انسان همیشه برای اجرای چیزیکه بشدت آرزو میکند، قدرت کافی را دارا میباشد . روسو

قطعه سنگی درشت که مانع و حایل راه اشخاص ضعیف و درمانده است در راه اقویا و صاحبان اراده متین بمنزله پله ای میشود که آنها را بطرف ترقی و تعالی سوق میدهد . ه - لوبر

قویترین اهرمها اراده است . اسمایلز

قوت اراده اساس و پایه هر اخلاق بزرگ و عالیست و هرجا اراده قوی باشد آنجا نشاط زندگانی هست و هرجا اراده نباشد ضعف و بیچارگی و فلاکت حکمفرماست . اسمایلز

قوه اراده و تصمیم در انسان تصویب نمیشود مگر در نتیجه بکار انداختن دائمی آن . اسمایلز

کسیکه اراده آزاد ندارد مسئولیت اخلاقی ندارد . ارسطو

کسیکه مصائب عزمش را است نماید رستگار نمیشود و کسیکه خود را بغلبه بآنها وادار نماید رستگار میشود . مترلینگ

کسیکه دارای عزم راسخ باشد جهان را مطابق میل خود عوض میکند . گوته

کسیکه اراده قوی نداشته باشد نیرودی در مقابل مشکلاتی که اطراف هر کاری را احاطه کرده است مغلوب شود نمی تواند بموفقیت خود امیدوار باشد.
لرد اویبوری

کسانیکه بیش از اندازه فکر میکنند فاقد اراده و تصمیم میباشند.
ناپلئون

لغت غیر ممکن را، باید از قاموس ها محو کرد.
ناپلئون

مرد دودل در تمام رفتار خود ناپایدار است.
؟

مردانیکه همیشه مردد اند و نمیتوانند تصمیم بگیرند هرگز کامیاب نمیشوند.
ناپلئون

مردم فاقد نیرو نیستند. فقط فاقد اراده اند.
هوگو

مردم با اراده از مشکلات استقبال میکنند. چون مبارزه با مشکلات برای آنها شیرین است.
لاورنس

مردیکه از تمام مساعدتهای خارجی چشم بپوشد و آنرا دور اندازد و شخصاً وارد میدان شود و بنیروی خود برپا بایستد او همان مردی است که نیرومندی و موفقیت را برایش پیش بینی میکنیم.
امرسون

معنی حیات را در زیبائی و قدرت اراده باید جستجو کرد.
ماکسیم گورگی

مقام هر فرد در زندگی مربوط بدانچه که میداند نیست، بلکه مربوط است بآنچه که میخواهد و آنچه که میتواند. گوستاولوبون

من معتقدم که عزم راسخ، درستی اخلاق، وفاداری بخود باعث میشود شخص هر کاری را که بعهده بگیرد بانجام رساند و بزرگترین عاملی است که مغز او را آماده میسازد که بکارهای بزرگ دست یازد.
؟

من میخواهم گریبان سرنوشت را بگیرم و او نمیتواند سر مرا در برابر زندگی خم کند .　　بتهوون

مرد یکه کوه را از میان برداشت کسی بود که شروع به برداشتن سنگریزه‌ها کرد .　　مثل چینی

نتیجه اراده ضعیف حرف است و نتیجه اراده قوی عمل .　　گوستاولوبون

نه عطای مرد بلکه اراده او بزرگی او را نشان میدهد .　　لینیگ

نیروی علم و معرفت بدون اراده قوی مانند درخت بی بار است . قوه اراده محور چرخهای زندگی و آهنربای توانائی و کامیابی است .　　کاظم‌زاده ایرانشهر

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر میرسد .　　کارلایل

هر که میخواهد بماند باید تاب بیاورد .　　رومن رولان

همانطور که میخواهید دیگران شما را ببینند بخواهید که همانطور باشید .　　روسو

هنگامیکه مصمم به عمل شدید باید درهای تردید را کاملا مسدود سازید .　　نیچه

هنگام آن رسیده است که یا مرگ و یا سقوط را بپذیریم و یا موانعی که در جلو امیال ما وجود دارد از میان برداریم . دکتر کارل

هیچ چیز برای مردیکه اراده دارد امکان ناپذیر نیست .　　میرابو

هیچ چیز محال نیست و هر کاری راهی دارد ، اگر باندازه شایسته اراده داشته باشیم بقدر کافی وسایل پیدا میکنیم . لارشفوکولد

یک اراده قوی ، بر همه چیز حتی بر زمان غالب میآید .　　شاتوبریان

یکبار شکست خوردم، دوبار موفق نشدم، چیزیکه مرا وادار کرد که بکوشش ادامه دهم و تسلیم ناملایمات و مشکلات و موانع زندگی نشوم اراده بود.

غ - ذ

جوشن ببار و نیزه و برگستوان رزم — تا روی آفتاب معصفر کنم بگرد

گر به بار باشی و هشیار و نیکمرد — دشمن گمان مبر که بترسیدی از نبرد

سعدی

تصمیم

میر تیمور لنگ در جنگی — چون هزیمت گرفت از دشمن

شد بکنج خرابه‌ای پنهان — تا بیاساید از شر و فتن

سر بجیب تفکر اندر برد — شد خرابه ورا چو بیت حزن

بر پریشانی و مذلت خویش — داشت اندیشه آن یل پرفن

دید ناگه ضعیف موری را — دانه‌ای برگرفته خوش بدهن

ز نشیب زمین کشد بفراز — دانه را با هزار رنج و محن

چون رسد نیمه راه دانه فتد — باز گیرد پی آن مسکن

تا چهل نوبت اوفتاد و درآمد — عاقبت گشت مقصدش مأمن

گفت من کم نیم ز موری ضعیف — پیش چشمم بود همی روشن

همچو این مور استوار شوم — عزم خود را کنم چنان آهن

غالب آیم بدشمن خونخوار — رخت عزت کشم دربارهٔ تن

این بگفت و ز جای جست چو شیر — خصم را کوفت درهم آن برزن

آری آنکس که عزم و همت نمود — فائق آمد بکارهای کهن

حکمت عزم خویش کن ستوار — تا که از خوشه‌ها کنی خرمن

یحیی برقعی حکمت

تفکر - اندیشه

آدمی ساختهٔ افکار خویش است. فردا همان خواهد شد که امروز می اندیشیده است. — مترلینگ

آدم میتواند دو دقیقه بدون هوا و دو هفته بدون نوشیدن آب سه هفته بدون غذا و یک عمر بدون پول زندگی کند ولی نمی تواند یک لحظه بدون اندیشه و فکر زندگی نماید. — فرانکلین

آنکه دربارهٔ همه چیز می اندیشد دربارهٔ هیچ چیز تصمیم نمیگیرد. — مثل چینی

آنکه با خودش تنهاست هنوز کامل نیست. — تن

آنچه شما دربارهٔ خود فکر می کنید خیلی مهمتر از اندیشه هائی است که دیگران دربارهٔ شما دارند. — سنه کا

آنچه در اندیشه پنهان دارید خواه ناخواه از خطوط چهره و رنگ پیشانی و آهنگ سخنان خویش آشکار خواهید ساخت. — ؟

آنچه را که آینده به شما تحویل خواهد داد بسته بآنستکه شما خودتان امروز چه سرنوشتی برای فردای خودتان ذخیره میکنید. — کاندز

آنچنان خود را برای جهان آماده کن که قهرمانان خود را برای میدان مسابقه آماده میکنند. فکر و روش خود را چنان روغن بزن که نرمی و انعطاف پذیری لازم را پیدا کند. نیرومندی تنها به کار نمی آید. — فیلد

اختیار افکار ما نیز در دست خودمان نیست زیرا تقریباً همیشه بی اختیار فکر میکنیم. — ولتر

از خواص طبیعت آدمیت که عاقلانه و منطقی فکر میکند آیا پوچ و بی معنی رفتار می نماید . آناتول فرانس

از همان لحظه ای که به فکر کردن خوی میگیرید ، در راه ترقی گام برمیدارید . پستالوژی

از اصطکاک دو سیم مثبت و منفی برق میجهد تقابل در اندیشه نیز فروغ میبخشد . ؟

از هیچ اندیشه تازه بدون فهم طرفداری نکنید . بلکه خود با شک و انکار در آن وارد شده به حقیقت موضوع برسید. دکارت

از این اندیشه برخود میلرزم که اگر هر کس هر اندازه که میتوانست بد میکرد چه میشد؟ ؟

الماس را جز در قعر زمین نمیتوان پیدا کرد ، و حقایق را جز در اعماق فکر نمیتوان یافت . ویکتورهوگو

الوهیت دریائی بیکران از برکت و شکوه است ! اندیشه های آدمی جویبارهای باریکند که نخست از این دریا برمیخیزند و با این حال در میان همه سرگردانیهای خود آرزو دارند که بآن بازگردند و خویشتن را در بیکرانی کمال او گم کنند و چون راه را بر خود بسته ببینند ... در دشتهای پیرامون خود بیم و بلا می پراکنند . حمید عنایت

اندیشه کن آنگاه سخن گوی تا از لغزش بر کنار باشی . حضرت امیر (ع)

اندیشه نیک و مستقیم بهترین اندیشه بشر است . حضرت امیر (ع)

اندیشیدن آدمی را به نیکوئی و نیکوکاری وا دارد . حضرت صادق (ع)

اندیشه خویش نگهدار زیرا که فکر مقدمه همه کارهاست ؛ هر که را فکر صائب باشد در همه افکار رستگار بود . تذکرة الاولیا

اندیشه و تخیل مرد را به سوی کمال میبرد . حکمت هندو

اندیشه های خوب تراویدهٔ روح پاک است و بوی خوش تراویدهٔ گل خوشبو . — آناتول فرانس

اندیشه انسان را از ارتکاب کارهای پست و زشت دور میکند و عمل را باو میآموزد . — ؟

افکار هر انسانی دنیای اوست . — مثل آفریقائی

افکار بزرگ از دل برمیآید . — دوناک

افکار ما بسان درختان نارنج در گلدان نگاهداری میشوند به نسبت بزرگی گلدانی که ریشه های آنها را در خود زندانی دارد رشد میکند . — بولود

افکار خلاق بمنزلهٔ پلهٔ نردبان یک شغل است با تفکر خلاق میتوانیم به صعود بپردازیم هرچه پلهٔ نردبان بیشتر باشد، صعودمان هم بیشتر خواهد بود . — پستالوژی

افکار بلند الهاماتی است که از مغزهای زنده تراوش میکند . — وده تارک

افکار نیرومندتر از ارتشها هستند — ؟

اگر در رفتار و کردار خویش نخست به ژرفی اندیشه نمائی در هر کار، سرانجام نیک یابی . — حضرت امیر(ع)

اگر همین افکار و اندیشهٔ پریشان فلاسفه نبود امروز هم بشر مانند هزاران سال پیش بحال توحش در غارها میزیست. — آناتول فرانس

اگر بدانیم فکری و یا عملی برای رسیدن به مال و جاه ناشایست و نادرست است آن فکر و عمل به قدر ابرهای آسمان از من دور خواهد بود . — کنفوسیوس

اندیشه‌ها بزرگترین جنگنده‌های جهانند و جنگی که اندیشه‌ای در دنبال دارد چیزی جز وحشیگری نیست . گارفیلد

اندیشه‌ها بتدبیر می‌انجامد، تدبیر پیش میرود و بعمل میرسد عمل خود عادت آدمی را میسازد ، با خو و عادت شخصیت ساخته

میشود و شخصیت سرنوشت ما را تثبیت میکند . ؟

اندیشه دریائی است که مروارید آن فلسفه و فرزانگی است . یحیی برمکی

انسان هر وقتی از پیشامد آتیه درباره خود اندیشید و از آن بیم و هراس در خاطرش نشانید آن خطر زودتر

او را تعقیب میکند . ابو علی سینا

انسان سراپا ضعف و مسکنت است و نمیتواند به کنه هیچ چیزی پی ببرد اندیشه‌هایش او را به اشتباه میاندازد

و از خود بیزار میشود ، از طرف دیگر سراپای انسان عظمت است ، زیرا نیروی عقل و امید و محبت دارد بنابراین

انسان جمعی از اضداد است . پاسکال

اول در فکر رفیق آگاه باش پس از آن آماده راه . حضرت امیر[ع]

اول یاد بگیر و بعد مستقلاً ، به تفکر بپرداز . ؟

ای بشر ای در همه حال عاجز و ضعیف ای در پادشاهی و گدائی یکسان اگر هم خود بداد خویشتن نرسی کسی بفریاد تو نخواهد رسید

و اگر با تفکر و اندیشه خویش بیدار نشوی اندرزکسی بیدار و آگاهت نخواهد کرد . هم خود راهنمای خویش باش . حضرت امیر[ع]

ای فتنه و فساد تو چه زود در اندیشه مردان نومید رخنه میکنی . شکسپیر

با تأمل و اندیشه و خویشتن داری، خردمند برای خود جزیره ای میسازد که از دستبرد امواج در امان است. ؟

با خودت صحبت کن خیلی چیزها داری که بخودت بگوئی و خیلی سؤالها داری که باید از خودت بپرسی.
اپیکتیت

بتأنی فکر کن و بفوریت اجرا نما.
ناپلئون

برای زندگی فکر کنید ولی غصه نخورید.
دیل کارنگی

برای درست فکر کردن باید اول دل را از کینه و بدی پاک کرد.
محمد حجازی

برای افراد مشکل است که دو احساس را در یک زمان تشخیص دهند. احساس گرما، احساس درد را خفه میکند. لتوین

بزبانت اجازه مده که قبل از اندیشه ات براه افتد.
شیلون

بشریت آنقدر که از فکر حوادث ناراحت میشود از خود آن حوادث زحمت نمی بینند.
مونتنی

بشر اندیشه محض و هدف اصلی است ماشین نباید اعضاء بشر را از کار بیندازد و آنها را بی استفاده بسازد. گاندی

بعقیده من تنها فکری که شایسته است مغز انسان را گرفتار بدارد آینده فرزندان اوست و اندیشه این موضوع

که چکار کند تا فرزندان خوشبخت شوند؟
افلاطون

برای تلفظ کوتاهترین کلمه «بله» یا «نه» خیلی بیشتر از یک نطق باید فکر کرد.
پتیاگود

بگذارید مردمان تصور کنند که برحسب فکر خویش رفتار میکنند.
دیل کارنگی

بگذشته خود هرگز نمی اندیشم مگر آنکه بخواهم از آن نتیجه ای بگیرم.
نهرو

تفکر بزرگترین عبادتی است که برای آشکار شدن حقایق مخفی بجای میآوریم . — حضرت امیر (ع)

تفکر جوهر نبوغ است — ژان پل سارتر

تفکر در عاقبت هر کار باعث رستگاری است . — سقراط

تمام شأن و عظمت انسان در فکر است . — پاسکال

تو هر وقت بخواهی میتوانی بدرون خود پناه بری چه هیچ پناهگاهی برای آدمی آرامتر و امن تر از آنچه در قلبش میتوان یافت نیست . — مارک اورل

تو می پنداری که اندیشهٔ تو بهترین اندیشه هاست ، زهی بدبختی و گمراهی . — سعید نفیسی

توجه باین نکته از این حیث نهایت ضرورت را دارد که هرگز در روی زمین دو نفر یافت نمیشوند که از آنچه می بینند و می شنوند برداشتشان عیناً یکسان باشد . — ؟

جامهٔ کهنه را از خود دور میکنی چرا اندیشهٔ کهن را از خود دور نمیکنی . — سعید نفیسی

چه بسا افکار مدهشی که در پس چهرهٔ ملایم و متین مخفی شده است — محمد مسعود

حرف زدن بدون فکر مانند تیراندازی بدون هدف است — فیلسوف یونانی

حوادث را باید کوچکتر از آن تصور کنیم که قادر باشد خلل و لغزشی در اندیشهٔ ما ایجاد کند . — ناپلئون

خاموشی بدون اندیشه و تفکر گنگی است . — حضرت امیر (ع)

خواب و خوراک دیروز دیگر امروز تر اپسندیده نیست چه میشد اگر اندیشه و تصور دیروز هم امروز ترا پسنده نبود. سعید نفیسی

در تن نحیف میتواند اندیشه ای بزرگ مسکن گیرد.

بودا

در اندیشه آنچه کرده ای مباش، در اندیشه آنچه نکرده ای باش.

سعید نفیسی

در گرفتاری باید فکر را بجنب و جوش در آورد، نه اعصاب را.

محمّد حجازی

در محوطه افکار بشر یقین قطعی وجود ندارد.

آناتول فرانس

در خاطری که نظم نباشد پیوسته طوفان است

محمّد حجازی

در سرزمین فکر تان گنجهای بسیار نهفته است

مولفورد

درباره هر چه میگوئی فکر کن ولی هر چه را فکر میکنی مگو.

فیلسوف هندی

دوراندیشی سرمایه بزرگی است.

حضرت امیر(ع)

دوراندیشی فرزانه و خردمند است ولی کدار آب زن ابله و ناسودمند.

؟

دوراندیشی و پیش بینی وسیله ایست که با آن میتوان بدیها را در هسته خفه کرد و سوزاند.

کنفوسیوس

دوراندیشیدن و پایان نگریستن در شماره نخست از برنامه حیات است

؟

دو فکر بهتر از یک فکر است.

مثل امریکائی

ده نفر دیدی ده فکر شنیدی.

مثل ژاپونی

دیدن و حس کردن، وجود داشتن است، زندگی در اندیشه است.	شکسپیر
رایج ترین راه خودکشی در دنیای امروز انتحار بوسیله فکر و خیالهای واهی است.	ویلسون
روح زندگان از افکار مردگان سرشته است.	گوستاولوبون
زندگی ما زائیدهٔ اندیشهٔ ماست.	مارک اورل
زیاد فکر کن کم حرف بزن و کمتر بنویس.	مثل فرانسوی
ساعتی اندیشه کردن بهتر از مدتی عبادت کردن است.	حضرت امیر
ساعتی که به تخیل بی منظور بگذرد، عمریست که از دست داده و زحمتی است که بیهوده کشیده ایم.	محمد حجازی
سرنوشت خود را با افکار تعیین کنید.	کارلایل
سخنی گوئید که از اندیشهٔ پاک سرچشمه گرفته است و کاری کنید که با کوشش و پارسائی از دست و بازو برآمده باشد.	زرتشت
صاحب فکر نادرست پیش از آن گزندی ببیند که بدشمن روا میدارد.	از پندهای دهاماپادا
صبح ما در حرف ماست و شب ما در اندیشه ها.	مثل ایتالیائی
عقل در وجود ما قدرت حیرت آوری دارد پس چه بهتر که پیوسته اندیشهٔ را حاکم وجود خود سازیم.	گوته
عقل ناپخته از اندیشه ای باندیشهٔ دیگری میجهد. عقل پخته یک اندیشه را دنبال میکند.	هاری اووستریت
عقل بزرگترین اهرم برای بلند کردن همه چیزهاست. تفکر بشری عملی است که با آن بهدف هایش میرسد.	دانیل وبستر

فرصت بیمار را صرف تفکر و بهبودی روح کنیم طبیعت در کار مداوای جسم ما کار خود را خواهد کرد. گاندی

فقط بوسیله تفکر انسان مجهولات را کشف میکند. پورکاس

فقط وقتی باید از فکر کردن برای آینده غافل شد که اصلاً آینده ای وجود نداشته باشد. برنارد شاو

فکر انسان را بسوی عمر جاوید هدایت و بی فکری راه مرگ را می گشاید. بودا

فکر کن تا از اندیشه خلاصی یابی. ؟

فکر ساخته تعلیم و تربیتی است که تا امروز گرفته ایم. برای فکر بهتر باید از فردا تعلیم و تربیت بهتری بگیریم. محمد حجازی

فکرم را بکار انداختم در نتیجه راه برویم گشوده شد. بودلر

فکر خوب ثروتی است که هیچ دقت دستخوش این و آن نمیشود و دائماً ثمرات فرح انگیز آن را می چشیم. لرد اویبوری

فکر نماینده کافه جنس بشر است که بر ضد اغتشاش درهم و برهمی از خارج و بر ضد تاریکی از داخل مبارزه میکند. برتراند راسل

فکر کن، افکارت را منظم نما، یک رویه ثابت پیش گیر، بسوی هدف رو. دکتر پوشه

فکر ممکن است بر حسب نوع خود جسم را بیمار یا سالم و قوی یا ضعیف سازد. مولفورد

فکر زیباست که خانه را زینت میکند. روح سالم است که بزندگی آسایش میبخشد. خلق خوش است که روزگار را خوش و شیرین میسازد. حجازی

فکر یار دیرین و دوست وفادار و کهنه آشنای آدمی است و یگانه رفیق بی خوابی و تنهائی و رو بهمرفته مشکل گشا و آسان ساز

دشواریهاست، در پرتو نیک اندیشی میتوان بر آنچه مانده غلبه یافت. ؟

فکر کردن صحبت با خودمان است. مثل اسپانیالی

فکر و فلسفهٔ هر کس با تن و مزاج و بخصوص وضع و در جامعه عوض میشود. محمد حجازی

قوت و قدرتیکه از اندیشهٔ درست و حسن تدبیر آید از هیچ شجاع یگانه و دلیر فرزانه نیاید. جواهر الاخلاق

کدام فکر و عقیده است که جمعی آنرا باطل ندانند. محمد حجازی

کسیکه اندیشه اش کم باشد سخنش فراوان است. حضرت محمد (ص)

کسیکه کم فکر میکند زیاد حرف میزند. مثل فرانسوی

کسیکه بدون فکر حرف میزند صیادی را ماند که بدون نشانه گیری تیر خالی کند. منتسکیو

کسیکه بیش از اندازه فکر میکند کمتر نتیجه بدست میآورد. شیلر

کسیکه باندیشهٔ آینده نیست و پایان کار را نمی نگرد، بدرد یاری و دوستی نمیخورد. ؟

کسیکه دوراندیش نباشد گرفتار خطرهای نزدیک میشود، دوراندیشی کلید پیشگیری بسی از ناگواریهاست. کنفوسیوس

کسانیکه با افکار خوب و عالی دمسازند هرگز تنها و بی مونس نیستند. فیلیپ سیدنی

کسی در نظر من بزرگ است که میتواند بین احساسات و اندیشه های خود، سدی ایجاد کند. ناپلئون

کنجکاوی و اندیشه انسان را بسوی عمر جاوید میکشاند و بی فکری راه نیستی را می نمایاند. افرادیکه با فکر زندگی میکنند و افراد

بی فکر هم اکنون مرده اند.
بودا

گاهی اوقات اندیشه مفید است اما برای خوشبخت شدن نباید زیاد اندیشید.
گوستاو لوبون

گرانبهاترین اندیشه ها، اندیشه درباره زندگی است، نه مرگ.
اسپینوزا

گرگ ممکن است پوست خود را عوض کند ولی فکرش را هیچوقت تغییر نمیدهد.
مثل یوگسلاوی

ما بیش از آنچه که در فکر رفع دمل و ورم از بدن خویش هستیم باید بفکر راندن افکار بیهوده از مغز خود باشیم.
اپیکتوس

بین اندیشه و عمل فاصله ای نیست.
چرچیل

ما ندرتاً درباره آنچه که داریم فکر می کنیم، درحالیکه پیوسته در اندیشه چیزهائی هستیم که نداریم.
شوپنهاور

مانند مرد عمل فکر کن و مانند مرد فکر عمل نما.
هانری برکسن

مرد آفریده فکر خودش است، هرچه در این زندگی فکر کند بعدها همان خواهد شد.
از کتاب اوپانیشاد

مهمترین قسمت شغل شما اینستکه خود را بفکر کردن عادت بدهید، هیچ چیز غیر از تفکر صحیح نمیتواند شما را قادر کند که به هدفتان برسید.
پستالوژی

میاندیشم پس هستم، هستم چون فکر میکنم، فکر میکنم چون شک میکنم.
دکارت

ناموس و قانون طبیعت و اسرار حیات مبتنی بر خوب مطلق است. فقط اندیشه و پندارهای خطای ماست که تخیلی از بدیها در نظر ما ایجاد میکند.
؟

ناباوری و دیرباوری گاهی نشانهٔ فراست است و هوشیاری. ؟

نباید آنقدر دست بر زانو بنشینید و فکر کنید تا پاهای شما قدرت راه رفتن را از دست بدهند و نباید آنقدر در تفکر فرو رویم که قدرت همه چیز از ما سلب بشود و اگر منظور تحقیق صحت تفکرات ما باشد باید بدانیم که اغلب فکرهای یا صحیح و یا غلط در عمل جبران و اصلاح خواهد شد. متولینگ

نجات و سلامتی همواره همراه تفکر و اندیشه است. امام صادق(ع)

نیکوترین عادت تفکر است و حکمت زاده تفکر. حضرت امیر(ع)

بعضی‌ها از فکر کردن بیش از هر چیز دیگر رنج میبرند. بیچر

مردم خود شان را با هر چیز خسته میکنند مگر با فهم و اندیشه. تولستوی

مرد آزاده در اندیشه‌های خود از حدود مقام خود هرگز تجاوز نمیکند. کنفوسیوس

من با کسیکه فکر کردن را نیاموخته است و در هر کاری نیندیشیده و از خود نپرسد آیا من این کار را چگونه باید بجا آورم آری چگونه من این کار را باید انجام بدهم نمیخواهم سروکاری داشته باشم. کنفوسیوس

من اندیشهٔ خود را در معرض این فکر مسخرهٔ زندانه قرار نمیدهم که هر چه بر سر آدمی میآید، خیر و صلاح اوست، بلکه برآنم که هر کسی از پیشامد بهترین وجه استفاده کند، مانند انسان خوب و فرزانه‌ای عمل کرده است. کمبرلند

نیروی فکری بمراتب مؤثرتر از نیروی جسمی است. ؟

وضع و حال مردمان تنگ فکر بوضع و حال بطریهای تنگ دهن میماند هر چه کمتر در خود داشته باشند با سر و صدای بیشتری آن را بخارج میریزند.

پوپ

وقتی فکر می کنیم می بینیم که قسمت بزرگی از دانستنی های من اینطور بدستم آمد که در جادهٔ زندگی بدنبال چیزهائی بودم و در نتیجه چیزهای دیگری یافتم.

فرانکلین آدامز

هر قدر فکر ما بیشتر باشد تأسف ما بزندگی بیشتر خواهد شد.

انجیل

هر چه اکنون هستیم محصول افکاری است که سابقاً داشته ایم و حالا داریم.

پاستور

هر کس حیطهٔ دیدگاه خود را حدود عالم می انگارد.

شوپنهاور

هر اندیشهٔ شایسته ای بچهرهٔ انسان زیبائی میبخشد.

روسکین

هر قرنی مرض خاصی دارد بیماری قرن حاضر هم بیماری فکر و نگرانی است

دیل کارنگی

هر چه بیشتر فکر می کنیم بهتر می فهمیم که هیچ نمیدانیم.

ولتر

هر چیز را پیش از وقوع ملاحظه کردن و مآل اندیش بودن کار بسیار خوبی است اما برای مصائب احتمالی آتیه از امروز اندوهگین شدن شایسته نیست.

دیل کارنگی

همانطور که شب بعد از روز فرا میرسد افکار بد و ناراحت کننده هم همیشه بعد از یک فکر آرام مطابق قانون طبیعت یکی بعد از دیگری جانشین هم میشوند.

؟

همچنانکه باغبان هر روز علفهای هرزه را از اطراف میکنند، ما نیز باید دائماً افکار بیهوده و مزاحمی را که بدست و پای ما می پیچد و مانع پیشرفت و خوشی میشود از خاطر بیرون کنیم. محمد حجازی

هیچ چیز بد یا خوب نیست فقط نیروی اندیشه بدی و خوبی و سعادت و شقاوت را میآفریند. شکسپیر

هیچ تماشائی عبرت انگیزتر و مفیدتر از این نیست که افکار و اعمال خود را تماشا کنیم. محمد حجازی

هیچ چیز مانند اندیشه آدم را اپند نمیدهد و هیچکس مانند خود آدم دشمن او نیست. ؟

یک فکر بزرگ معمولاً نسبت به بیش از یک ملتنف اصالت دارد افکار بزرگ هنگامی آشکار میشود که جهان برآنها نیازمند است. جهالت جهانی را احاطه میکند و برای قبولاندن خود فشار میآورد. ا. فلپر

ای دل از پست و بلند روزگار اندیشه کن
در برومندی ز قحط برگ و بار اندیشه کن

از نسیمی دفتر ایام بر هم میخورد
از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن

ای که می‌خندی چو گل در بوستان اختیار
از گلاب گریهٔ بی اختیار اندیشه کن

بر لب بام خطر نتوان بخواب امن رفت
ایمنی خواهی ز اوج اعتبار اندیشه کن

زخم می‌باشد گران شمشیر لنگر دار را
زینهار از دشمن بردبار اندیشه کن

پنجه با شب زنده داری خصم مردم میکند
زینهار از شاهد شب زنده دار اندیشه کن

صائب تبریزی

سر در هوی و هوس کرده‌ای و ناز
در کار آخرت نکنی اندیشه سرسری

سعدی

گه گه خیال در سرم آید که این منم
ملک عجم گرفته به تیغ سخنوری

بازم نفس فرو رود از هول اهل فضل
با کف موسوی چه زند سحر سامری

سعدی

بباید عاقبت از خویش بودن
برون از خویش و پس با خویش بودن

ناصر خسرو

تا نکنی جای قدم استوار
پای منه در طلب هیچ کار

در همه کاری که گرایی نخست
رخنه بیرون شدنش کن درست

نظامی

چشم روشن ساز از اندیشه‌ها
کارها بین زابتدا تا انتها

عاقلی جز پیش‌بینی بیش نیست
وای آن کاو عاقبت‌اندیش نیست

مولوی

سر راستی دانش آمد نخست
خنک آنکه آغاز انجام جست

فردوسی

گر همی خواهی سلامت از ضرر
چشم از اول بند، به پایان نگر

مولوی

هر آنکو بهر کار بیند ز پیش
پشیمان نگردد ز کردار خویش

بسی چاره کار باید گزید
که آسان‌ترین چاره آید پدید

اسدی طوسی

تکبر غرور

آنکه برای خود مغرور است گمراه و آنکه بعقل خود ببالد خوار . — حضرت امیر(ع)

آنکه تکبر بر مردم نماید ذلیل و بی مقدار است . — حضرت امیر(ع)

آنکه نفس خود را بالاتر و برتر از آنچه هست داند هرگز بسر حد کمال نرسد . — فارابی

آنکس که نتواند در حلقهٔ شادی و نشاط دیگران بصورت یکی از افراد درآید یا مغرور است یا ریاکار و یا در قید تشریفات . — لاواتر

اعراض از صحبت کسیکه با تو رغبت کند از قصور همت است . — ارسطاطالیس

اگر هیچ گناهی نکنید من از گناه برتری میترسم که آن خودبینی است . — حضرت امیر(ع)

اگر افقی برای عقل باشد همانا خودپسندی است . — ابن مقفع

اگر ما بمعایب کوچک خود اعتراف میکنیم برای آنست که بطرف خود بفهمانیم که از معایب بزرگتری بری هستیم . — فلوتن

بدترین مردم کسی است که خود را بهترین مردم ببیند آنکس که خود را می ستاید خویشتن را خوار کرده است . — حضرت محمد

بعضی اشخاص چنان بخود مغرورند که اگر عاشق بشوند بخود بیشتر عشق میورزند تا بمعشوق . — لارشفوگولد

غرور روشنترین نشانه بلاهت است . ؟

مغرور بصدای عقل و دین گوش نمیدهد . ناپلئون

کبر گناهی است که قابل بخشش نیست . حضرت محمد (ص)

کسیکه پشت الاغ باد به غبغب بیندازد، چون اسب سوار شود پاک دیوانه خواهد شد . ؟

مغرور بودن بدانش خود، بدترین نوع جهالت است جرجی تایلر

هر کس بچشم خویش بزرگ و عظیم نماید، مردم او را کوچک و حقیر بنظر آورند . جواهرالاخلاق

هر کس بر نفس خویش عاشق شد کبر و حسد و خواری بر او عاشق شد . ابوبکر وراق

هر چه شخص نجیب تر باشد غرورش کمتر است . مثل دانمارکی

افسوس که ما عاقبت اندیش نه‌ایم داریم لباس فقر و درویش نه‌ایم

این کبر و تبر جمله از آنست که ما قانع به نصیب و قسمت خویش نه‌ایم

احمد غزالی

از کبر مدار هیچ در دل هوسی کز کبر بجائی نرسیده‌ست کسی

چون زلف بتان شکستگی عادت کن تا صید کنی هزار دل در نفسی

ابوالفضل کاشانی

بخاری منگر ای منعم ضعیفان و نحیفان را که صدر مجلس عشرت گدای ره‌نشین دارد

حافظ

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر بخاک اندر اندازدت

تواضع ز گردن فرازان نکوست گدا گر تواضع کند خوی اوست

سعدی

تکبّر مکن زینهار ای پسر که روزی ز دستش درآیی بسر

تکبّر بود عادت جاهلان تکبّر نیاید ز صاحبدلان

سعدی

عیب است بزرگ برکشیدن خود را
از جمله خلق برگزیدن خود را

از مردمک دیده بباید آموخت
دیدن همه کس را و ندیدن خود را

انصاری

کفر خود و رای خود در مذهب رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

حافظ

مغرور مشو بحسن که اصل من و تو
گاهی و شراری و نسیمی و دمی است

مهدی [illegible]

مباش غره و غافل چو میش سر در پیش
که در طبیعت این گرگ گله بانی نیست

سعدی

هرگز نبود کبر ثنا بر عملش خویش
هر کو آیتی نخست بخواند زبر اتی

با این همه که کبر نکوهیده عادتیست
آزاده را همی ز تواضع بود بلا

گر من بگوشه‌ای بتواضع نشینمی
از هر خسی مذلت و از هر کسی عنا

آنم که بهره ام علم عمل در جهان
بر گوشه ثریا از مرکز ثرا

سنائی

تملق . چاپلوسی

آنکه ستایش کند ترا بچیزیکه در تو نیست، استهزا کرده ترا. اگر حاجت او را روا کنی در استهزا و تمسخر تو تأکید کند. حضرت امیر(ع)

آن کسیکه فریب ستایشگران و چاپلوسان خورد که زشت او را زیبائی بیابند از جمله نادانان است. امام صادق(ع)

آنهائیکه در زبان بازی مهارت بخرج میدهند اغلب نیت ناپاکی را در قلب خود میپرورانند. ولتر

از پست‌ترین تشخصی است که فریفته بمداحی مردم شود. جواهر الاخلاق

اگر خواهی که رسته باشی از ناکسی که خسیس و چاپلوسی که توانگر شده باشد حذر کن. بوعلی سینا

القاب دروغ مردم را طاغی کند و هوس خام در دماغ آنان پزد تا بر دیگران جور و ستم روا دارند. ؟

انسان همانقدر که از تمجید و تحسین و احترام نرم و رام میشود همانقدر از تملق و چاپلوسی و تزویر میگریزد و متنفر میگردد. دیل کارنگی

بپرهیز از اینکه کسی را بآنچه در او نیست ستایش کنی زیرا کردار او حقیقت را آشکار میکند و دروغ تو پیدا میشود. حضرت امیر(ع)

بغیر از قوت نفس و عدالتخواهی چیز دیگری نمیتواند جلوی چاپلوسی و تملق را بگیرد. ؟

بسیاری از افراد بخاطر یک استخوان خود را به سگ تبدیل میکنند. مثل سوئدی

بیشتر کسانی موفق شده‌اند که کمتر تعریف شنیده‌اند. امیل زولا

بیان متملق عسلی است آلوده بزهر. — مثل لاتین

تملق خوراک ابلهان است — شکسپیر

تملق در زبان من راه ندارد و اگر فریفته تملق میگشتم بدین موقع نمیرسیدم. — ؟

تملق و مزاح گوئی سکه قلبی است که جاه طلبی ما آن را رواج داده است — لارشفوکولد

تملق با کرامت اخلاق بندرت در یکجا جمع میشود. — کنفوسیوس

تملق سم شیرین است. — مثل آلمانی

تملق کنیز رذائل است. — مثل لاتین

ثنای کمتر از استحقاق عجز و یا حسد است. ثنای زیاد از ارزش، چاپلوسی و نفاق میباشد. — حضرت امیر(ع)

چاپلوسی هم گوینده را فاسد میکند و هم شنونده را. — دیل کارنگی

خودسری تولید حسد و بیشرمی و تملق میکند. — مارکول

در برابر آنکس که عسل روی زبان دارد از کیف پولت محافظت کن. — مثل آلمانی

در بین حیوانات اهلی و رام شده از همه خطرناکتر مرد چاپلوس است. — مثل یونانی

رگ خواب ایرانی تملق است. — مثل ایرانی

فریب خوش سخنی و شیرین زبانی ستایشگران را نخورید که دشمن پنهانی شمایند. — حضرت امام صادق(ع)

فرق است میان مدح و ثنائیکه از قلب پاک برمیخیزد و یا چاپلوسی و تملق که سرمایهٔ فساد است. — دیل کارنگی

کسیکه به شما تملق میگوید، یا سر تان کلاه گذاشته و یا امیدوار است کلاه بگذارد. — مثل رومانی

کسیکه در ایام موافقت و خوشی ترا ثنا گوید بآنچه در تو نیست البته در روز ناسازی و افتراق هم از دروغ و بهتان در حق تو دریغ نخواهد داشت. — افلاطون

متملقین و مردان دانشمند با هم سازگار نتوانند بود. — ناپلئون

تملق یا نادانی است که خیال تحقیر مرا دارد یا شارلاتانی است که میخواهد فریبم دهد. — مثل چینی

مرد متملق یک دشمن مخفی است. — مثل مجارستانی

وقتی تملق میگوئی تا مقامی بدست آوری از مقام و مرتبهٔ بهتری تنزل کرده ای. — ؟

هر پس ارباب خود را تملق گوید در نهایت بد و خیانت میکند. — ماسیون

هر کس را بیشتر دوست داری کمتر با او تملق بگو. — مولیر

همیشه در زندگیم نه تملق گفته ام نه متملق را بنام دوست پذیرفته ام. — غ - ذ

از صحبت دوستی برنجم — کاخلاق بدم حسن نماید

جیبم هنر و کمال بینند — خارم گل و یاسمن نماید

کو دشمن شوخ چشم ناپاک — تا عیب مرا بمن نماید

سعدی

بعمر خویش مدح کس نگفتم — دری از بهر دنیایی نسفتم

عطار

ستایش سرایان نه یار تواند — نکوهش کنان دوستدار تواند

چنان دان که آن کس نکوخواه تست — که گوید فلان خار در راه تست

سعدی

الا تا نشنوی مدح سخنگوی — که اندک مایه نفعی از تو دارد

وگر روزی مرادش بر نیاری — دو صد چندان عیوبت برشمارد

عطار

تندرستی

آسایش دو پایه دارد: آرامش جسم و آرایش روان. — حجازی

آنچه میخورید باعث زخم معده نمیشود بلکه آنچه شما را میخورد موجب پیدایش این زخم میشود. — دکتر فونتاکو

آنکس که تنی سالم دارد گنجی دارد و خودش نمیداند. — ؟

اکثر اطبا معالجه بعضی از بیماریها بویژه قلب را بشرطی میپذیرند که بیمار سیگار را ترک کند. — ؟

آنکه تندرستی دارد امید دارد و آنکه امید دارد همه چیز دارد. — مثل عربی

با تندرستی لذت غذاها را میتوان درک کرد. — ارسطو

از دارو خودداری کن تا بدنت تحمل درد دارد و هرگاه تحمل نداشت پس دارو کن. — حضرت محمد (ص)

از گلادستون پرسیدند صحت شما چگونه است. در جواب گفت من ۳۲ دندان دارم و هر لقمه را سی و دو مرتبه میجوم. آیا میخواهید سالم نباشم.

اگر ما بخود زحمت تباه کردن طبیعت خود را ندهیم طبیعت ما هرگز ما را تباه نمی کشاند. — کلارندن

اگر آسایش روحی میجوئی هیچ جانداری را خود یا بدست دیگری بیجان مکن و یا کشتن او رضایت مده. — حکمت چینی هندو

این طایفه را طریقی است که تا اشتها غالب نشود نخورند و هنوز اشتها باقی باشد که دست از طعام کشند حکیم گفت

اینست موجب تندرستی .

گلستان سعدی

انسان جانوری است که خوراک خود را میپزد .

بیودک

اولاً معدهٔ خود را زیاد از اندازه بار نمیکنیم زیرا که این بسیار مضر است، ثانیاً بوسیلهٔ ورزش بعمل هضم کمک مینمایم و گمان

میکنم این ترتیب برای سلامتی مزاج و قوت بنیه لازم است .

؟

اولین اغفال سیگار اینستکه هنگام کشیدن آن در عین بیکاری تصور میکنیم کاری انجام میدهیم . امرسون

امساک بسیاری از ناخوشیها را از بین میبرد .

مثل تازی

با انسان تندرستی و ثروت بدهید و هر دو را در جستجوی سعادت از دست خواهد داد .

؟

بحفظ الصحه خود بیش از شغل اهمیت دهید .

پوشه

بمن بگوئید چه میخورید تا به شما بگویم چه هستید؟

؟

بطور کلی مرگ و میر میان سیگاریها در مقایسه با غیر سیگاریها ۵۱٪ بیشتر است، با تشویق دیگران بترک سیگار ضربه ای بر پیکر

این بلای بهداشت بزنید .

گزارش سازمان بهداشت جهانی

بهترین خدمتگزار صدیق برای سلامتی بدن فراغت خاطر و آسایش روح است .

فردریک کبیر

بتدریج که اطلاعات ما درباره تأثیر خوراکیها بر انسان افزایش پیدا میکند، احتمال بیشتر هست که آن کسانیکه بیشتر از رژیمهای

غذائی بهره‌مند می‌شوند، موانعی را که از بیماری تولید می‌شود کمتر کنند و بر طول عمر خود بیفزایند، و بدین ترتیب فرمانروایان

آینده شوند. ؟

بیماری و مرض یکی از عواقب وخیم عیش و عشرت می‌باشد. ؟

پا را از شکم راه می‌برد. ؟

تمام دردهای جسمانی از خواهشهای بیجای نفسانی تولید و بوجود می‌آید. غ - ذ

تندرستی در کم خوراکی و گرسنگی است. حضرت امیر(ع)

تندرستی اگر ناقص باشد لذت این جهان همچون نوشابه‌های گواراست که در دهان آلوده به سم نماید. شوپنهاور

تن درست ایوان مهمانخانه و برای تن ناسالم بیمارستان است. بیکن

تندرستی و زیبائی و نیرومندی و مالداری و همه چیزهای دیگری که خوب نامیده می‌شود، به همان اندازه که بر دست نابکاران

و اراذل به عنوان شر بکار می‌روند، بر دست مردمان نیک براه خیر مصرف می‌شوند. افلاطون

تحقیقات علمی نشان داده که بچه‌های مادران سیگاری دو برابر بیشتر از بچه‌های مادرانی که سیگار نمی‌کشند احتمال میرود سقط

شوند یا ناقص بدنیا بیایند و یا اندکی پس از تولد بمیرند. از گزارش سازمان بهداشت جهانی

جائیکه آفتاب نتابد طبیب بیاید. مثل بلژیکی

جمع مال، تحصیل کامیابی، کسب دانش و شهرت، هیچکدام با تندرستی برابری نمیکند برای حفظ تندرستی باید از هر چیز

که برای تندرستی مضر است پرهیز کرد، مخصوصاً از شهوت رانی.

شوپنهاور

چهار چیز قوه باصره را زیان رساند، طعام شور خوردن، آب سوزان بر سر ریختن و بچشمه آفتاب نگریستن و روی دشمن دیدن.

بقراط

حمام گرفتن باندازه چهار ساعت خواب در رفع خستگی مؤثر است.

ناپلئون

حیوان میچرد، آدم میخورد، تنها مرد عاقل و فرزانه میداند که چگونه بخورد.

ساوارن

خوشبختی و سعادت در اعصاب نیرومند نهفته است هر اندازه که تاب و توان بدن و مزاج کمتر شود پذیرفتن ناخوشیها آسان میگردد، و بدخوئی بدنبال آن رو به فزونی میگذارد.

؟

خوردن چیزهای دیرهضم معده را خسته و ناتوان میسازد.

؟

خوردن در حال نشسته آدم را چاق و فربه میکند. خوردن در حال ایستاده به نیرومندی میافزاید. خوردن در حال راه رفتن عمر را طولانی میکند. و خوردن در حال دویدن بیماری را رفع مینماید.

مثل برمانی

دانش پزشکی در عرض چند سال گذشته چنان پیشرفت حیرت انگیزی کرده است که امروز برای یک پزشک غیر ممکن است در بیمار خود عضو سالم پیدا کند.

ادیل ویلسون

در میان سرگرمیها، خوشگذرانیها و هوسها چیزی که ابداً کسی بفکر آن نیست و همیشه آماج غفلت و تاخیر است و همینکه دوری گرد قدر و قیمت آن معلوم میشود. میدانید چیست؟ تندرستی!

فردریک کبید

در دنیا سه طبیب حاذق هست آرامش، امساک، نشاط. همیشه با این سه طبیب رجوع نمائید. ؟

روزی یک سیب بخور به پزشک احتیاج نخواهی داشت. مثل انگلیسی

روزیکه بیمار بید تندرستی و عافیت را و هنگامیکه تندرستید ورزش و حرکت را گرامی بدارید. بایگون

زمان ناخوشی را بحساب عمر مشمرید. افلاطون

زیاد خوردن پدر دردها و کم خوردن پدر درمانها است. پروفسور کاپو

زیاد خوردن منجر به کم خوردن میگردد. مثل اسپانیولی

زهر خوردن باختیار عبارتست از استعمال دود. دکتر گرونیچ

سزاوار است مرد عاقل هنگام تناول لذائذ یاد آورد تلخی دوا را، و زیاد نخورد. افلاطون

سعی کن که معده حامل تو باشد نه تو حامل او. ؟

سری که درد نمیکند دستمال نمی بندند. مثل فارسی

سردرد زنگ اخبار مرض است. مثل فرانسوی

سیگار کشیدن یک عادت است و عادت را میشود ترک کرد. ترک عادتیکه برای سلامتی مخاطراتی ببار میآورد نشانه عقل سلیم و تصمیمی منطقی است. ؟

شب زود خوابیدن و صبح زود بیدار شدن باعث حصول صحت مزاج و ثروت و مکنت است. ؟

شکم انسان دشمن او است . — حضرت امیر (ع)

صبحانه را تنها بخور ناهار را با دوست خود بخور ، و شام را به دشمنت بده . — مثل انگلیسی

طبیعت بیماری را علاج میکند و دارو بیمار را مشغول میسازد . — ؟

طول کشیدن معالجه را دو سبب خواهد بود ، نادانی پزشک یا نافرمانی بیمار . — زکریای رازی

غذائی که مردم را سالم نگاه میدارد آن نیست که میخورند ، بلکه آن غذائی است که خوب هضم میکنند . — اینشتین

غذا را سبک کن تا از مرض ایمن شوی . — جالینوس حکیم

فقط یک چیز ننگ است و آن مریض بودن است . — ؟

فکر و قضاوت ما مستقیماً وابسته به فشار خون و قوت اعصاب و عضلاتمان میباشد . — دکتر الکسی کارل

قرص و دارو جزو جدا نشدنی زندگی آدم امروز شده ، شما کشوی هر میزی را که بکشید انواع و اقسام قرصهای سرخ ، آبی ، بنفش و شیشه های جور واجور دارو پیدا میکنید . عصبانی بشویم قرص میخوریم . دیر هضم میشود قرص میخوریم . بیحال هستیم قرص میخوریم و خلاصه ما ماشین تن را نمیگذاریم دفاع طبیعی خودش را بکند و بزور قرص و دارو برپا نگه میداریم تا حدیکه بعد مجبوریم عوارض همین قرص ها را با قرص درمان کنیم و عوارض قرص های بعدی را هم با قرص درمان کنیم و این سیر تسلسل همچنان ادامه دارد تا برسیم به آدم قرصی ..... — از کتاب قتل عام پزشکی دکتر ایوان ایلیچ

قدر دو چیز فقط موقعی دانسته میشود که از دست میدهیم . تندرستی و جوانی . — مثل تازی

کسیکه طالب نقاهت است باید صبح ها زود از خواب برخیزد . لباس سبک بپوشد . در اعمال تناسلی افراط نکند . تا گرسنه نباشد

بر سفره غذا ننشیند و از سفره برخیزد در حالیکه هنوز اشتها دارد . بخوردن آنچه را که میخورد خوب در دهن خرد کند و در وقت خواب

روده ها را خالی دارد . اگر این دستور را مراقبت کند از طبیب بی نیاز خواهد بود . — حضرت امیر (ع)

کسیکه به تمرینات بدنی میپردازد به هیچ درمانی نیاز ندارد . درمان او در جنبش و حرکت است . — ابن سینا

کم خوردن از غذای مضر بهتر از زیاد خوردن نافع آن . — بقراط

کسیکه در حال سیری غذا میخورد گور خود را با دندان حفر میکند . — مثل ترکی

ملاصدرا میگفت چون قسمتی از گناهان نتیجه پرخوری و شکم پروری است باید در صرف غذا امساک کرد و همواره این شعر سعدی

را میخواند : اندرون از طعام خالی دار — تا در آن نور معرفت بینی

مواد محرک موجب میشود میل شدید به سیگار زنده گردد بنابراین از صرف چاشنی و ادویه و چای و قهوه زیاد بپرهیزید . نظریکی از پزشکان

مردم اگر زیاد و بی ترتیب نخورند ، دخانیات و مشروبات الکلی استعمال نکنند . خود را بهوای آزاد و ورزش و تفریح روحی و

جسمی عادت دهند ، میتوانند از نعمت سلامتی بهره مند شوند . — لرد اوبیوری

معده خود را سه قسمت کن یکی برای طعام یکی برای آب و یکی برای نفس . — حضرت صادق

مرد باتقوی کم میخورد کم مینوشد و کم میخوابد . — مهاویرا

میپرسی چرا فیثاغورث از خوردن گوشت پرهیز میکرد ؟ من از تو میپرسم کدام انسان اول جرأت کرد گوشت مردار را بدهان

خود نزدیک کند ؟

پلوتارک

مصرف بیش از اندازه خوراک لذیذ به بیماری منتهی میشود و وقتیکه خوشگذرانی پایان یافت نوبت درد فرا میرسد. مثل چینی

موقعیکه دهانت میخورد بگذار با شکمت مشورت کند .

مثل چینی

ناچارم در سلامتی جسم خود بکوشم وگرنه روح من بیمار خواهد شد .

تولستوی

وقت خود را برای فکر کردن درباره مرضیکه ممکن است بگیرید تلف نکنید زیرا اگر واقعاً مرض نداشته باشید باین ترتیب

مرض برای خود خلق میکنید .

امیل اوژید

هیچ لباسی برازنده تر از تندرستی نیست .

حضرت امیر (ع)

هرگز لاشخورها را با نظر حقارت ننگرید و آنها را سرزنش نکنید که زندگی آنان با لاشه و اموات تأمین میشود ، زیرا یک توجه کوچک

به شما ثابت میکند که زندگی نوع بشر هم با لاشخوری ادامه دارد و هر روز میلیاردها لاشه بزرگ و کوچک برای ادامه حیات

ما مصرف میشود .

مترینگ

همیشه پیشگیری بهتر از معالجه است .

؟

هر عدد سیگاری که میکشید ۱۴ دقیقه و یک ثانیه از عمر خود میکاهید باین حساب با دود کردن هر پاکت سیگار بیست عددی قریب

پنج ساعت از عمرتان کم میکنید .

دکتر پولینگ برنده جایزه نوبل

هیچ چیز بر صحت انسان بیشتر از آن صدمه نمیزند که غذا بر روی غذا تناول نماید .

ابوعلی سینا

هر سلول بدن باکسیژن نیازمند است. اکسید کربن موجود در دود توتون مقدار اکسیژن را ۵ الی ۱۵ درصد کاهش میدهد. — ؟

هر چه بیشتر غذا بخورید کمتر مزه خواهد داشت و هر چه کمتر بخورید بیشتر مزه خواهد کرد. — مثل چینی

یکی از عادات عجیب، دست دادن و امراض را به یکدیگر سپردن است. — حجازی

یک آدم خوشخو و خنده رو با اشتهای بهتری غذا میخورد. — هرشل

یک تن ناتوان نمیتواند پناهگاه یک مغز توانا باشد. — ؟

ایمنی را و تندرستی را — آدمی شکر کی تواند

در جهان این دو نعمت است بزرگ — داند آن کس که نیک و بد داند

مسعود سعد

بزرگ آنکه او تندرستی بجست — نباشد فزون از خوشی تندرست

فردوسی

تا جوانی و تندرستی هست — آید اسباب هر مرادی به دست

سعدی

در تن سالم بود عقل متین و فکر خوب — کی توان از ناتوانی خواست اوصاف چنین

ناتوانی خیزد از ناتندرستی در جهان — هست آری تندرستی با توانایی قرین

افسر

ز نیرو بود مرد را راستی — ز سستی کژی آید و کاستی

فردوسی

سخن در تندرستی تندرست است | که در سستی همه تدبیر سست است

نشاید کرد جز با چاره کار | که بیمار است رای مرد بیمار

نظامی

ناتوانی بود طلایه مرگ | زندگی جز به تندرستی نیست

سعدی

هر آن کس که شد کامران در جهان | پرستش کنندش کهان و مهان

فردوسی

تنهائی

از دست دادن دوستان غربت و تنهائی است . — حضرت امیر

از مردم دور باش و تنها زندگی کن ، نه بکسی ظلم کن و نه بگذار کسی بتو ظلم کند — ابوالعلا معری

اگر مردم میدانستند هر یک در غیاب هم میگویند بطور قطع چهار نفر دوست در دنیا باقی نمی ماند . — پاسگال

اگر هم سفر از تو بهتر و یا با تو برابر نباشد و یار اگر نادان باشد تنهائی خوشتر باشد . — دهاما پادا

این یک حقیقت روشن و کهن است که اگر تنهائی مثبت وجود نداشت هیچ اثر هنری و علمی آفریده نمیشد . — مسعود فرزاد

براستی که ابلهان انسانهای خوشبختی هستند زیرا که هرگز پی به تنهائی خود نمی برند . — ژان - پل - تولـه

بیحوصلگی بانسان صفتی مانند گوشه گیری ، تنهائی و افسردگی و خودخواهی میدهد . — ادوارد شرر

تاکنون رفیقی پیدا نکرده ام که باندازه تنهائی قابل رفاقت باشد . — تورو

تنها ماندن سرنوشت تمام انسانهای بزرگ است . این سرنوشتی است که اغلب بر آن تاسف میخورند من باید بگویم که از سرنوشتهای دیگر اسف انگیزتر نیست . — شوپنهاور

تنهائی عبارتست از بیماری روح بشر . — هوکلی

چه بحث است زندگی هنگامیکه ما احساس کنیم در زیر آسمان کسی نیست که ما را دوست بدارد . لرد آویبوری

خط مشی معینی را برای خود رسم کن و آنگاه چه در موقع تنهائی و چه در میان جمعیت پیوسته این راه را طی کن . اپیکتت

دنیای بی دوست وحشت سرائی است . از پندهای جاتاکای

طلوع و غروب عشق، خود را بوسیله درد تنهائی و جدائی محسوس میسازد . لابرویر

کسیکه مردم را چنانچه شاید نشناسد، تنهائی گزیند . حضرت امیر (ع)

کسیکه در این جهان خود را از دوستی و آشنائی با دیگران بی نیاز میداند، کسی است که بخورشید بگوید غروب کن روشنائی و تاریکی برایم یکسان است . ؟

معتقدم که پس از گرسنگی و چه بسا پیش از آن تنهائی بزرگترین مسئله بشر است . مسعود فرزاد

وقتی همدردی پیدا شد درد سبکتر میشود . سعید نفیسی

هرکس در دنیا باید کسی را داشته باشد که حرفهای خودش را با و بزند آزادانه بدون رودربایستی بدون خجالت والا آدم از تنهائی دق میکند . همینگوی

هر جدائی یک نوع مرگ است و هر ملاقات یک نوع رستاخیز . شوپنهاور

بیاموزمت کیمیای سعادت ز همصحبت بد جدائی جدائی

حافظ شیرازی

مشو یار بر خواه و همکار بد که تنها بسی به که با یار بد

نباید که بدپیشه باشد حبیبت که هر کس چنانست شمارد که اوست

سعدی شیرازی

هست تنهایی به از یاران بد نیک چون با بد نشیند بد شود

مولوی

اگر صد سال باشی با کسی یار پشیمانی کشی در آخر کار

چو خواهم با کسی همدم نشینم بجز سایه همزانو نبینم

وحشی بافقی

جنگ و صلح

آرامش دنیا وقتی امکان پذیر خواهد بود که در عالم یک رژیم واحد حکومت کند. — محمد مسعود

آغاز و پایان جنگ توسط خون صورت میگیرد. — همر

آماده شدن برای جنگ یعنی نگاهداری صلح. — واشنگتن

آنقدر شکست خوردم تا راه شکست دادن را آموختم. — ناپلئون

آنکه از جنگ میگریزد، حقیر است. — کوگاسب

آنکه در طریق صلح و صفا میرود گرفتار ببر و گاومیش نمیشود. — از اشعار تائو ته کینگ

آیا زندگی آنقدر عزیز و صلح آنقدر شیرین است که بهای زنجیر و اسارت خریداری شود؟ — پاتریک هانری

ارکان اتحاد جهانی فقط میتواند بر اساس عدم خشونت استوار گردد بهمین جهت در روابط بین المللی جداً باید از خشونت پرهیز کرد. — گاندی

استعداد ضعیف تحمل پذیر است لیکن ضعف در میدان کارزار تحمل ناپذیر. — لوتر

اصل خرد در این حکم است که هیچ جانداری را بیجان نکنیم. — ؟

افتخار در خشک کردن قطره اشک است نه در جاری ساختن سیل خون . — بایرون

افتخاری که از طریق شمشیر بدست میآید از طریق شمشیر هم ممکن است از دست برود . — فیلیپ مقدونی

اگر میخواهیم صلح پایدار بماند باید علم روابط بین ملل بدانیم . — روزولت

اگر بجای اسلحه با علم به جنگ دنیا میرفتیم همهٔ دشمنان نابود میشدند . — بیسمارک

اگر کسی سخن نراند در آنچه نداند مباحثه و مجادله تمام شود . — سقراط حکیم

اگر از بیگانه نا ایمن شوی زود بمقدار نا ایمنی خویش را از وی ایمن گردان . — قابوس وشمگیر

اگر مردم با اینقدر پول که در راه جنگ خرج میکنند زمین بخرند از انتر از زمینهائیکه بوسیلهٔ جنگ و خونریزی بدست میآورند تمام میشود . — فرانکلین

اگر میتوانستیم جزئیات حوادث را بشناسیم شاید در حین موازنهٔ سود و زیان جنگ را کاری نافع نمی یافتیم زیرا فتوحات در قبال خسارات آتش ارزش ندارد . — بایرون

اگرچه جنگ برای اصلاح حال ملت و افزایش آسایش دائمی آغاز میگردد لیکن حقیقت این است که در طی جنگ در حیات اجتماعی و سیاسی بحرانی عظیم پدیدار میشود . — امرسون

انسان از این جهت از حیوان پست تر است که گاهی بدون ضرورت ظلم و درندگی میکند و از این جهت از حیوان برتر است که گاهی بخاطر رحم و انصاف از خود میگذرد . — حجازی

انسان با جنگ چشم از دنیا میپوشد . — اسمیت

اگر مار را میکشی بچه اش را هم بکش . — مثل فرانسوی

با صلح گفتن دنیا ایمن نمی شود . — ناپلئون

برای بقای صلح جهانی باید ملتها به هم نزدیک شوند نه دولتها . — ایدن

برای صلح شایستگی نخواهیم داشت مگر روزیکه ارباب قدرت حرص و طمع بس کنند و مستضعفان نیز دلیری و گستاخی بیاموزند. تاگور

بقدر و قوهٔ خود با جمیع خلق به صلح بکوشند . — رومیان

بعضی احساسات را جز با احساسات نظیر خود آنها نمیتوان مغلوب ساخت، هرگز ملتی نمی تواند وحشیگری، خشونت و بی پروائی را با نجابت، آرامش و احتیاط پاسخ دهد . — گوستاولوبون

بعقیدهٔ من اطبا، باندازهٔ ژنرالها آدم میکشند، موقعیکه آنها در نتیجه جهل و اشتباه، یا عدم معاینه دقیق عده ای را آن دنیا روانه میکنند باندازهٔ یک ژنرال خونسرد و بی قید هستند. ژنرالی را می شناسم که در حمله به تپه ای هزار نفر را بکشتن داد و همین که پس از چند حمله آنرا تصرف کرد با نهایت خونسردی گفت این نبود تپه ای دیگر بود این تپه بدرد نمیخورد و آنگاه وی وضع و حال سابق را از سر گرفت. ناپلئون

بله در هر چهار یا پانصد سال یکبار، وحشیگری برای جامعهٔ بشری از جملهٔ واجبات است، در غیر اینصورت دنیا از فرط تمدن خواهد ترکید . — کنکور

بمب اتم وسیلهٔ صلح شد اما بشر میتواند نگهبان صلح باشد از این پس صلح را باید از خطری که نه تنها تمدن، بلکه بشریت را

تهدید میکند حفظ کرد . — چرچیل

بهترین طرز مسلح بودن این است که خود را از هراس بر کنار داریم . — لرد بیکن

بهوش باش که با مردم تند خو مدارا قویترین حربهٔ پیکار است و سیلاب خروشان در آغوش اقیانوس آرام گیرد . — حضرت امیر

برای کشتن پشه شمشیر لازم نیست . — مثل افریقائی

تاریخ فقط تصویر جنایات و تیره بختی های بشر است . — ولتر

تسلیم شدن در جنگ بقدری خواری میآورد که والرین امپراطور روم مجبور شد بر کاب شاپور بوسه زند . — از کتاب تاریخ ایران

تنها در فاصلهٔ ای از صلح است که جنگهای حقیقی ملل آغاز میگردد . این جنگها که بصورت جنگهای اقتصادی، صنعتی و اجتماعی خودنمائی میکند، در تعیین سرنوشت ملل خیلی مؤثرتر از جنگهای نظامی است . — گوستاولوبون

جنگ کشتارگاه کسانی است که همدیگر را نمی شناسند بنفع کسانی است که یکدیگر را میشناسند ولی همدیگر را نمیکشند .

جنگ قوانین را خاموش میکند . — سیسرون

جنگ دوم جهانی نشان داد، سد و مانع و مرز در بین کشورها معنی نداشته و سرنوشت ملل جهان بهم بستگی دارد ؟

جنگ روی جنگ تغذیه میکند . — ناپلئون

جنگ قانون ابدی زندگی است و صلح راحت باش میان دو جنگ است . — نیچه

جنگ خونین متضمن هیچگونه سودی نیست جز اینکه به تعداد گورهای سیاه رنگ میافزاید . — لامارتین

حیات جنگ بین تمایلات و وظایف است به فرزندان خود این جنگ را بیاموزید.

؟

خود را اسیر کردن و جنبش خود را از یاد نمودن و همدیگر را نابود ساختن از نخستین روز تاریخ اشتغال عمدهٔ اقوام بوده است
هنوز هیچ چیز نشان نمیدهد که این صفات مجرای خود را عوض کرده باشد.

گوستاو لوبون

خانه ات را برای ترساندن موش آتش مزن.

مثل فرانسوی

در تمام شرایط در تمام اوقات در پهلوی دوست نزدیک دشمن. در جمع خانواده. اگر بخواهیم بکارهای دیگران
ایراد بگیریم و خود را ناراحت کنیم همیشه بهانه موجود است.

غ - ذ

در جنگی که به مغلوبیت خاتمه یافته است تلفات نفوس چندان اهمیت ندارد. بزرگترین مصیبت عبارت از سستی و
نومیدی افرادی است که باقی مانده اند.

فردریک کبیر

در جنگ با دشمن از کمی لشکر خود نباید اندیشید که همیشه بسیار را آتش اندک تواند سوخت.

؟

در میان دو کس دشمنی مفکن که ایشان چون صلح کنند تو در میانه شرمسار باشی.

سعدی

در عشق و جنگ همه کاری رواست.

مثل اروپائی

در باغ صلح درخت تجارت میوه میدهد.

؟

راه گریز را پیش از ستیز باید جست.

ناپلئون

روزگاری فرا خواهد آمد که در آن روزگار فتوحات بدون توپ و سرنیزه تحصیل خواهد شد.

ناپلئون

ریشهٔ نزاعها، شوخی های جدی است همچنانکه ریشهٔ بیماری سرفه است. — ؟

ریشهٔ تمام نزاعها سه چیزند، زر - زن - زمین. — مثل هندی

سرمایهٔ جنگ کردن عزم درست و نیرو و نشاط است. — بوذرجمهر

سنگر و مواضع مستحکم را لیاقت و غیرت و شجاعت فرماندهٔ آن دفاع میکند، نه استواری و متانت بنا. — فردریک کبیر

سه ربع عملیات ارتش را نیروی روحی و یک ربع آنرا قوای جسمانی و مادّی تشکیل میدهد. — ناپلئون

شاید اخلاقیون این اندیشه را مالیخولیائی بپندارند که امروز صلح تکیه گاهی جز ترس متقابل ندارد. — چرچیل

طلا فلز گنهکاریست زیرا در طی تاریخ آنهمه خون بر سر آن ریخته شده است. — ؟

عصر کنونی ما از حیث ظلم و جنگیری با عصر اقوام ابتدائی چندان فرق ندارد و هر فرقی که هست فقط در شکل است نه در اساس. — کاظم زادهٔ ایرانشهر

عقیدهٔ من بر اینست که دانش و صلح بالاخره بنادانی و جنگ ظفر میابد و این دو بلیهٔ بزرگ را از سر بشر بینوا کوتاه میکند. — پستور

فرماندهٔ خوب کسی است که بدون تلفات و حتّی بدون گرفتن تلفات از دشمن در جنگ پیروز شود. — یک ارتشبد چینی

فقط در موقع صلح است که اهالی کشوری میتوانند بار سنگین جنگ را احساس کنند. — بایرون

قحط و بیماری در مقام مقایسه با جنگ چیزی نیست، زیرا خود این دو نیز زائیدهٔ عواقب وخیم و ناهنجار جنگ هستند. — هوگو

کسیکه بمیدان جنگ میرود فرض نمایم که جنگ را فقط بر ضد فقر و بینوائی باشد باز مهارت و قدرت او بیش از کسی خواهد بود

که از میدان نبرد میگریزد و از فرط جبن و ضعف در پس ارابه های حامل آذوقه پنهان میشود . (کارلایل)

کسیکه در جنگ بطالع بستگی نیست از همه لایقتر است . (فردریک کبیر)

کسیکه در برابر مورچه عاجز است بیهوده بجنگ فیل میرود . (مثل افریقائی)

ما برای صلح شایستگی نخواهیم داشت مگر روزیکه ارباب قدرت حرص و طمع بس کنند و ضعیفان دلیری و گستاخی بیاموزند . (تاگور)

ما با مشکلات می جنگیم تا آسایش یابیم . ولی وقتیکه آسایش یافتیم آن را غیر قابل تحمّل مییابیم . (هانری بروکس آدامز)

ماشین اقتصادیات عالم هرچند زمانی احتیاج بروغن کاری دارد . خون کشته شدگان و اشک چشم حسرت دیدگان روغن این ماشین است . (؟)

مرد جنگی برای دولت بهترین و مناسبترین سفیر و سیاستمدار بشمار میرود . (کرامول)

مردم دنیا همچون دیوانگان کور و کر بجان هم می افتند و یکدیگر را ندیده و نشناخته میدرند و براین دیوانگی نام جنگ افتخار میگذارند . (تن)

مطمئناً افراد بشر حاضر نیستند که همگی بطور تساوی از گرسنگی بمیرند و یقیناً برای آخرین تکه نانی که میماند و باید تقسیم شود نزاع شدیدی درخواهد گرفت . (چرچیل)

میدان جنگ فرصت مطالعه بکسی نمیدهد . هرکس هرچه میداند باید بکار برد . (جواهر لعل نهرو)

مرد شکست خورده طالب جنگ بیشتر است . مثل فوانسوی

نابود شدن نفوس بشری هنگام جنگ موجب آن میگردد که یکی از طرفین جشنهائی بزرگ برپا کند . بایرون

نگاهداری صلح . وظیفه اش مهمتر از فرماندهٔ جنگ است . ؟

وقتی تسخیر عملی شد تسخیر کننده دیگر حق کشتن ندارد چه آنکه دیگر حریف در حال دفاع طبیعی و حفظ جان خود نمیباشد . مونتسکیو

وقتی انسان ببری را بکشد ، اسمش را ورزش مردانگی میگذارند ولی وقتی ببری انسان را بدرد اسم این کار را توحش و آدمخواری می نهند اختلاف جنایت و عدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست . بونارد شاو

وقتی یک قطره خون بزمین بریخت قطرات بیشتری را بطرف خود میکشد . مثل یونانی

هرکه با دشمنان دوستان صلح کند . سر آزار دوستان دارد . ؟

هر اندازه فداکاری ما در جنگ زیادتر و دشوارتر باشد تاج افتخار که از آن حاصل میشود باشکوه‌تر خواهد بود . دوزولت

هرکه با مردم منازعه بسیار کند انسانیت و مروتش زائل شود . بوعلی سینا

همکاری در جنگ آسانتر از اتفاق در صلح است . ؟

همیشه مهمترین عامل جنگ ترس از جنگ و تصور وقوع آن بوده است . ؟

هنگامیکه یکی از سرداران فرمان حمله داده بود یکی از سرکردگان گفت اگر برویم مرگ در پیش است . سردار گفت راست است مرگ در پیش است اما اگر برگردیم ننگ در عقب است . مترلینگ

یک وزیر جنگ خائن بیش از صد لشکر دشمن به انحطاط و ضعف کشور کمک میکند و یک رئیس فرهنگ گیج بهتر از صد دستگاه
تبلیغاتی خصم به نادانی و جهل جامعه خدمت می نماید .

محمد مسعود

یا زندگی با سربلندی و استقلال و آزادگی و یا تیره روزی در سایه دشمن ستیزه جوی و بی انصاف اگر میخواهی
آینده فرزندانت دوستانت و هم میهنانت در سعادت و رفاه باشد سینه ات را در برابر دشمن آب و خاکت سپر کن
اگر تو کشته نشوی اگر او کشته نشود و اگر من کشته نشوم چه کسی میتواند استقلال مملکت را تضمین کند ؟

غ.ذ

گهر چون بیابی اگر بی‌جنگ | بسختی چه باید تراشید سنگ

مرادی که در صلح گردد تمام | چه باید سوی جنگ دادن لگام

فردوسی

فغان ز جغد جنگ و مرغوای او | که تا ابد بریده باد نای او

کجاست روزگار صلح و ایمنی | شکفته مرز و باغ دلگشای او

کجاست عهد راستی و مردمی | فروغ عشق و تابش صفای او

کجاست دوره یاری و برابری | حیات جاودانی و صفای او

زهی کبوتر سپید آشتی | که دل برد سرود جانفزای او

رسید وقت آنکه جغد جنگ را | جدا کنند سر به پیش پای او

ملک الشعرای بهار

نه دانش بباشد آنکس را نه فرهنگ | که روز آشتی پیش آورد جنگ

خردمندی که در جنگی نهد پای | بجا نیز آشتی را در میان جای

؟

همه به صلح گرای و همه مدارا کن | که از مدارا کردن ستوده گردد مرد

گدا چه قوت داری و عدت سپاه یکی صلح در آری و گر جنگ ملک

نه هر که دارد شمشیر حرب باید جست نه هر که دارد پا در نبرد باید خون

ابوالفتح بستی

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری است

حافظ شیرازی

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

حافظ شیرازی

جوانی

از آغاز جوانی بوسیله ورزشها، زورمندی و تندرستی را برای روزگار پیری انبار کنید تا در
پایان عمر دست و پای دست کار و فرسوده نشوید .

از سولون فیلسوف آتن پرسیدند که راز نیرومندی و جوان ماندن تو چیست؟ جواب داد راز جوانی من در
این است که هر روز چیز تازه ای یاد میگیرم .   سولون

استعداد چیزیست که در جوانی پیدا میشود . اگر آنرا تربیت کردید و در صدد تقویت آن برآمدید مانند بذری
که در مزرعهٔ خوب کاشته شده باشد محصول خواهد داد و اگر آنرا بحال خود گذاشتید و آنرا تربیت
نکردید مانند تخمی که در زمین شوره زار افتاده باشد از بین میرود و محصول نمیدهد .   دکارت

افسوس که جوان نمیداند و پیر نمی تواند .   حجازی

افراطهائیکه در جوانی کرده و میکنیم ، وامی است که باید ، در روزگار پیری آنرا ادا کرده و آنچه از بدن
در روزگار جوانی تلف کرده اید در دوران کهولت آرزومند نباشید .   فرانسیس باکون

اگر دنیا از وجود جوانان خالی شود ماتمکدهٔ تاریکی بیش نیست ، اما این را هم باید گفت که جهان

بوجود پیران جز حیرت و سرگردانی حاصلی ندارد. — کولریج

اگر جوان را از عشق منع کنید، چنان است که مریض را از کسالتش سرزنش دهید. — دوکلوس

اگر نسل جوان نمیداند که بکجا میرود، نشانه اینست که با پدران خود فرقی نکرده است. — ؟

ای پسر هرچند تو جوانی، پیر و عقل باش. نگویم جوانی مکن لیکن جوانی خویشتن دار باش و از جوانان پژمرده مباش چنانچه ارسطالیس میگوید جوانی نوعی از جنون است. — قابوسنامه

اگر میخواهی زیاد عمر کنی در جوانی پیر شو. — مثل اسپانیولی

اگر مردی خیلی شکسته و پیر است تقصیر از زنش میباشد. — مثل روسی

اگر جوانان دانش و پیران قوت داشتند همه چیز روبراه میشد. — مثل ایتالیائی

با گذشت زمان مردمان حکیم نمیشوند، تنها مردمان سالخورده از آنها پدید میآید. — مثل فرانسوی

با پدر و مادر خویش چنان باش که از فرزندان خویش طمع داری که با تو باشند زیرا که آن کز تو زاید، همان دارد که تو از او. — قابوس وشمگیر

با زر خیلی کارها را میتوان انجام داد ولی جوانی را نمیتوان خرید. — دایموند

بجوانان از ته دل احترام باید گذاشت که میداند که نژاد آینده ما نژاد کنونی خواهد بود یا نه؟ لیکن اگر کسی چهل یا پنجاه ساله شد و از خود نشانهٔ آزادگی و شرافت بیادگار نگذاشته است دیگر هیچکس نسبت باو نباید احساس حرمت

و تعظیم داشته باشد .

کنفوسیوس

بدبختی و خوشبختی ایام پیری، عصارهٔ اعمال گذشته است .

بنت بود

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد .

بلوتارک

برای افراد سالمند عوامل و بهانه هائی در وجودشان همیشه موجود است، تا آنها را خوار و سبک کند، نباید خودشان باین عوامل کمک کنند .

غ - ذ

برای یاد گرفتن آنچه که میخواستم بدانم احتیاج به پیری داشتم اکنون برای خوب بکار بردن آنچه که میدانم ، احتیاج بجوانی دارم .

ژوبرت

بسیاری از مردم سعادت و شوکت روزگار پیری خود را به سختیها و مشقات روزگار جوانی، مدیون هستند.

ناپلئون

بهترین جوانان شما جوانی است که در جامهٔ پیران باشد و بدترین پیران شما پیری است که در جامهٔ جوانان در آید .

حضرت محمد(ص)

بهر طریقی که بخواهند آنرا تفسیر کنند، این برخلاف طبیعت است که یک بچه یک پیر را رهبری کند و یک مرد دانائی را هدایت نماید .

روسو

بهره یابی از نعمت های معنوی، محدود به هیچ سن و هیچ سرشت و نهادی نیست .

سعید نفیسی

بهترین کارها اینستکه در جوانی دانش اندوزی و در پیری بکار بری .

بوذرجمهر

بهترین دوره های زندگانی روزگار پیری است، در آن هنگام که انسان آخرین مراحل حیات را طی میکند میتواند بر صفحات عمر مرور کرده نتیجه اعمال گذشته و یادگارهای فرح بخش را که در ادوار مختلف زندگی در روح خود ذخیره کرده از نظر بگذراند.

لرد آویبوری

با چوبهائی که در جوانی گردآوری در پیری گرم خواهی شد.

مثل آفریقائی

بروی شانه های جوان نمیتوان سر پیر گذاشت.

مثل آفریقائی

پیران خود را پاس بدارید تا کوچکها پاس شما را نگهدارند.

حضرت محمد

پیر هر چیز را باور میکند مرد به هر چیز بدگمان است و جوان همه چیز میداند.

حضرت امیر

پند واندرز همچو نور خورشید است که بمیوهٔ نارسی بتابد جوانرا زودتر برشد میرساند لیکن تا زمان براو نگذرد از آفتاب هیچ حکمتی پخته نخواهد شد.

حجازی

پیری بیمارستانی است که تمام امراض را درون خود جای میدهد.

مثل آلمانی

تخیلات آدمی در دوران کودکی و در ایام پیری درست و سالم است ولی در فاصلهٔ بین این دوران روح باضطراب و هیجان دچار میگردد شخصیت پی در پی تغییر میکند وجب جاه و مقام با آخرین حد خود میرسد.

جان کیتس

تنها در ایام شباب است که انسان بنیاد اخلاق و عادات خود را استوار میسازد هیچ ساعت آن خالی از فرصت نیست، اما یکدقیقه آنهم همین که رفت بر نمیگردد.

دوسکن

جوانی با غرور میگذرد، کهولت با رنج و محنت و پیری با غم و حسرت فلاکت ایام پیری نتیجه غرور جوانی است. بیکیفیلد

جوانی مخلوطی است از غرور و نشاط، ولی پیری خوابی است از الهام و خاطرات. شیللر

جوانی موج میزند، اقیانوس زندگانی بجوش میآید ای جوانان بر خیزید و بکوشید پیش از آنکه روح شما تاریک شود. شیللر

جوانی نیز مانند پاکترین و بهترین عشقها سرانجامی ندارد. گوته

جوانی بهار آرزوهاست. دیکنز

جوانی دنبالهٔ بچگی است. شاو

جوانی سلیقه و ذوق خود را با گرمی خویش عوض میکند، پیری آنرا با عادت نگاه میدارد. لاروشفوکو

جوانی اشتباه است، کهولت مبارزه و پیری پشیمانی. دیسرائیلی

جوانی و پیری با یکدیگر قابل مقایسه نیست، جوانی مایه نشاط و سعادت است و پیری موجب فلاکت و حسرت

جوانی نیمروز زندگانیست و پیری شبانگاه ظلمانی. جوانی دورهٔ خودنمائی و شجاعت است و پیری روزگار ترس و مذلت جوانی چون آهوی وحشی با نشاط و غرور در وادی زندگانی میدود، و پیر چون مردگان آهسته با هزار زحمت قدمی بر میدارد. شکسپیر

جوانی صندوق دربسته ای است که فقط پیران میدانند درون آن چیست . ؟

جوانی دورهٔ دیوانگی و عشق و جرأت دلرباترین، جلوهٔ روح بشر است . کاظم زاده ایرانشهر

جوانی منزلیست که مابین مسافت کودکی و پیری واقع شده است ایام سعادت و کامیابی زندگی در آنجا میگذرد . گوته

جوانی گره ایست که رشتهٔ طفولیت را بکهولت می بندد . دوکلوس

جوانی ستاره ایست که فقط یکبار در آسمان عمر طلوع میکند . ژوبرت

جوانی فصل خطرناک زندگی است . بایرون

جوانی مستی دائم است و تب عقل . لاروشفوکو

جوانی ترکیبی است که از امتزاج بی تجربگی، شادمانی، غفلت بوجود میآید . رایموند

جوانی فرصتی است از کتاب ترجمهٔ حال انسان که مهمترین قسمت آنرا نشان میدهد . رایموند

جوانی جرعه ایست فرح انگیز ولی حیف که به پیری آمیخته میشود . شکسپیر

جوانی آفتابی است که با غروب خود جز حسرت و افسوس چیزی باقی نمیگذارد . رایموند

چشمان مردان سالخورده بحافظه های ایشان شباهت دارد چیزهای دور را خوبتر می بیند . جورج الیوت

چون جوانیم بنده وار میکوشیم تا چیزی بدست آوریم و با آن در زمان پیری خوشتر زندگی کنیم و چون بچیزی میرسیم

آنگاه در می‌یابیم که برای زیستن مطابق نقشه‌ای که کشیده بودیم وقت گذشته است. — پوپ

خوشبختی بالاتر از این چیست که در روزگار پیری یادگارهای شیرین ایام جوانی و کهولت را از خاطر گذرانیده، بیاد بیاوریم که در راه سعادت ابناء نوع خود قدمی برداشته آنها را از ظلمات جهل و بیخبری رهائی داده‌ایم. — لرد آویبوری

در بیست سالگی خوشی را می‌بلعیم در چهل سالگی مزهٔ آن را می‌چشیم در شصت سالگی با آن می‌سازیم و در هفتاد سالگی در جستجوی آن هستیم و در نود سالگی تأسف آنرا میخوریم. — ؟

در پیری انحطاط روحی و جسمانی آن نیست بلکه بار خاطرات آن است. — سامرست موام

در جوانی دوست نداشتن علامت بدی است روح سالم همیشه یکنفر دوست را که لایق باشد ملاقات خواهد کرد. — ل - کارو

در جوانی عاطفه بر عقل غلبه دارد، و در دورهٔ سالخوردگی عقل بر عاطفه غلبه میکند. — از کتاب خداوند الموت

دو چیز در سینهٔ آدمی با پیشرفت سن نیرومندتر میشود یکی عشق میهن است و دیگر عشق دین. اگر در جوانی چندان فراموش نشوند، دیر یا زود آراسته با همه لطف و صفای خود در برابر ما جلوه گر میشوند و در زوایای قلب ما مهر و محبتی را که سزاوار زیبائی آنهاست بر میانگیزاند. — شاتوبریان

در حضور پیرمرد روا نباشد که با جوان مشورت کنی — مثل آفریقائی

راستی که پیران جوان و جوانان پیر در دنیا بسیارند. — اسمایلز

سالخوردگی فرمانروای جباری است که خوشیهای جوانی را از ترس مرگ بر آدمی حرام میکند. لارشفوکولد

سالخوردگی باندازهٔ کافی زشتی دارد، نباید رذیلت هم بر آن افزوده شود. کاتو

سزاوار نیست مرد پیر با شکم پر شب را بگذراند. حضرت محمد

طفولیت و پیری بهترین ادوار حیات است برای اینکه طفولیت دورهٔ عصمت و طهارت و پیری روزگار عقل و حکمت است معذلک پیری بهتر از طفولیت است، زیرا سعادت اطفال مربوط باراده دیگران است ولی در روزگار پیری مفتاح سعادت ما بدست خود ماست بشرطی که در روزگار جوانی از افراط کاری خودداری کرده باشیم. روبرت

فرزندان شما در پیری موجبات آسایشتان را فراهم میسازند، همان پیری که خود آنها، آنرا بوجود میآورند. کوفمان

فرزند بزرگترین دلخوشی ایام پیری است، اما خیلی زود سبب پیر شدن میگردد. کوفمان

قاتل پیرمردان آشپز خوب و زن خوشگل است. مثل فرانسوی

کسیکه در جوانی چیزهائی میخرد که لازم ندارد، در پیری ناچار میشود چیزهائی را که لازم دارد بفروشد. لرد آویبوری

گناهان روزگار جوانی را میتوان در سیمای پیری خواند. مثل آفریقائی

مردان مسن اعتراض فراوان میکنند مشورت را بدرازا میکشانند کمتر بدنبال ماجرا میروند، زود پشیمان میشوند و بندرت کار را در موقع مناسب به نتیجه میرسانند، بلکه بموفقیت متوسطی قانع میشوند. بیکن

من همه چیز خود را بگرسنگی ها و مشقات ایام جوانی مدیونم . ناپلئون

من از استعداد جوانانی که پیکرشان بزیور حکمت پیران آراسته شده و پیرانی که نشاط جوانی را دارا هستند در شگفتم. کسانیکه بتوانند در همه حال نشاط خود را حفظ کنند. پیری با آنها چکار دارد . سیسرون

میگویند اسباب فراغت خاطر سه چیز میباشد. و از چهار مین که بهترین همه است غافل مانده اند. گفته اند اول مال ، دوم امنی . سوم صحت . ندانسته اند که مدار این هر سه جوانی است . ؟

میگویند. پیرمردها عاقلترند به نظر من اینطور نیست . مردها با فرا رسیدن پیری محتاط تر میشوند نه عاقلتر. ارنست همینگوی

محبوبه یک پیرمرد بودن بهتر است تا کنیز یک مرد جوان بودن . مثل انگلیسی

وقتی جوان بودم متوجه شدم که از ده عملی که انجام میدهم نه تایش معیوب است ، من نمیخواستم که آدم معیوبی باشم ، بنابراین ده مرتبه بیشتر کار میکردم . برنارد شاو

هر کس آرزو دارد که عمر درازی پیدا کند ولی هیچکس دوست ندارد که پیر شود . سویفت

هر کس باندازه دلش پیر است . ؟

هیچ مرد فرزانه ای آرزوی آن نمیکند که جوانتر باشد . سویفت

یک تفاوت بین جنس مذکر و مؤنث اینستکه یکنفر مرد در هر سنی که باشد از اینکه او را یک مرد پیر خطاب کنند خوشحال میشود . ویلسون میتزر

روزگار جوانی درود باد درود | که دورهٔ خوش من دوره جوانی بود

نبود از نه بود و نبود خوش بودم | خوش است هر که نباشد بفکر بود و نبود

امید داشتم و عشق داشتم، آری | قبای هستی از این هر دو تار دارد و پود

هزارها بدلم بود آرزو، لیکن | فرشته ایست بر این بام لاجورد اندود

فلک بعمر برافزود و از نشاط کاست | زمانه کاست ز شادی و بر غمم افزود

تبه کردم جوانی تا کنم خوش زندگانی را | چه سود از زندگانی؟ چون تبه کردم جوانی را

یغمائی

جوانی گفت پیری را چه تدبیر | که یار از من گریزد چون شوم پیر

جوابش داد پیر نغز گفتار | که در پیری تو هم بگریزی از یار

نظامی

خوشا عاشقی خاصه وقت جوانی | خوشا با پریچهرگان زندگانی

بوقت جوانی بکن عیش زیرا | که هنگام پیری بود ناتوانی

جوانی و از عشق پرهیز کردن | چه باشد نه دانی بجز جان گرانی

جوانی که پیوسته عاشق نباشد | دریغ است از روزگار جوانی

فرخی

خمیده پشت از آن دارند پیران جهاندیده
که اندر خاک میجویند ایام جوانی را

نظامی

دریغ فر جوانی، دریغ عمر لطیف
دریغ صورت نیکو دریغ حسن جمال

کجا شد آنهمه خوبی؟ کجا شد آنهمه عشق
کجا شد آنهمه نیرو؟ کجا شد آنهمه حال

کسائی مروزی

شکست جام طرب چون می شباب نماند
که ماه نیز نماند، چو آنکه آفتاب نماند

فغان که تا زسرم نشأه جوانی رفت
به غیر دردسری از خُم شراب نماند

امیری فیروزکوهی

صد حیف که ما پیر جهاندیده نبودیم
روزی که رسیدیم به ایام جوانی

واعظ قزوینی

عهد جوانی گذشت در غم بود و نبود
نوبت پیری رسید صد غم دیگر فزود

شیخ بهائی

نازنینا ما بناز تو جوانی داده ایم
دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا

شهریار

حافظه

آنچه را که با خوشی و لذت آموخته ایم هرگز فراموش نمیکنیم . ؟

اندیشه های ما در غرفه های بیشمار دماغ با زنجیر ناپیدایی به یکدیگر پیوسته اند چون یکی از آنها بیدار شود هزار تای دیگر نیز سر بر میدارد . پوپ

به ما بیاموزند که بخاطر بسپاریم چرا نمیآموزند که فراموش کنیم هیچکس نیست که زمانی در زندگی خود باین معتقد نشده باشد که حافظه همانگونه که نعمت است بلا و لعنت نیز هست . ف.ا. دوودیویچ

حافظه پرونده تخیل و گنجینه عقل و دفتر ثبت وجدان و مخزن اندیشه است . بازیل

حافظه گنجینه ای است که باید در آن سرمایه گذاری کنیم تا بتوانیم کلی را که بآن نیاز داریم از آن دریافت کنیم . دوو

حافظه در آن هنگام که وظیفه اش نشان دادن گورهای آرزوهای بخاک سپرده شده ما است هرگز در انجام این وظیفه قصور نمیکند . ؟

حافظه آفریده ای هوسباز و مستبد است هرگز نمیتوانید بگوئید که از کرانه دریای زندگی چه سنگریزه ای را برمیگیرد و در گنجینه خود نگاه میدارد یا کدام گل ناشناخته ای را از مزرعه میچیند و به عنوان رمز اندیشه هایی که در اعماق قرار گرفته اند

و روزی اشک بچشم بیاورند حفظ میکند. و با این همه در این شک ندارم که مهمترین چیزها آنهائی هستند که بهتر بیاد می آیند.

هنری وان دایک

حافظه گنجینه ذهنی است که یادگارهای آنرا در خود نگاه میدارد.

فنولر

در میان ملکات ذهنی حافظه بیش از همه می شکفد و پیش از همه می میرد.

کولتون

دروغگو حافظه ندارد.

؟

هرچه بیشتر بر بار حافظه بیفزائید حافظه تان قویتر میگردد و هرچه بیشتر بآن اعتماد کنید قابل اعتمادتر میگردد.

توماس دوکوینسی

من گنجینه حافظه ام را که پر از خاطره های تلخ و رنج آور و دیرپای زندگی است بدنیا و آخرت نمیدهم در لحظاتی که تنها نشسته ام و با آنها سرگرمم و اینها بودند که مرا از سختیها و مذلت ها نجات دادند. هر خاطره ای چون مروارید و ستاره ای درخشان در افق زندگیم درخشندگی خاص دارد. آه خاطراتم. آه خاطراتم.....

غ - ذ

ای مرغ سحر چو این شب تار
بگذاشت ز سر سیاهکاری

وز نغمهٔ روح‌بخش اسحار
رفت از سر خفتگان خماری

بگشود گره ز زلف زرتار
محبوبهٔ نیلگون عماری

یزدان به کمال شد پدیدار
و اهریمن زشتخو حصاری

یاد آر ز شمع مرده یاد آر

از خلد برین یاد کنیم روی تو ببینیم
ور فتنهٔ دین یاد کنیم موی تو ببینیم

چشمم همه دل گردد چون از تو کنم یاد
دل را چشم کنم تا همه جا روی تو ببینیم

سنائی

نشسته در دل خاکم بسا حسرت هنوز
دل گداخته را آرزوی اوست هنوز

ز عشق آینه رویی نه حرف ماست سخن
عجب که طوطی ما گرم گفتگوست هنوز

امیری فیروزکوهی

یاد باد آنکه خراباتنشین بودم و مست
وآنچه در مسجدم امروز کم است آنجا بود

یاد باد آنکه رخت شمع طرب می‌افروخت
وین دل سوخته پروانهٔ ناپروا بود

حافظ

حرص و طمع

آزمند همیشه در بستر بیماری است . — حضرت امیر (ع)

آنقدر بر مال دنیا حریص مباش که از مفقود شدنش اندوهناک نشوی — سقراط

از ذوالنون مصری پرسیدند توکل چیست گفت آنکه به هیچگونه طمع نورزی . — ؟

اشخاص حریص هیچوقت راضی نمیشوند و کاسهٔ چشم آنها جز بوسیلهٔ خاک گور پر نمیگردد . — لرد آویبوری

اشخاصیکه دارای عقلند از هر عیبی بخصوص از حرص احتراز جویند این شهوت انسان را برای جلب منافع بظلم تحریک کرده علت بدبختی مردم میشود چون حرص سرچشمهٔ تمام جنایات است . — ؟

ای فرزند اگر عزت خواهی قطع طمع کن از آنچه در دست مردم است و بدانچه خدایت داده راضی باش . — لقمان

برده فقط یک آقا دارد اما شخص طماع نسبت بهر کس که او را یاری میکند برده است . — امرسون

بعضی ها گمان میکنند که فکر آنها وسیع است در صورتیکه این دامنهٔ حرص و آز آنهاست که وسعت دارد . — ؟

تا میتوانی از درخواست خودداری کن . — حضرت محمد (ص)

ثروتمندی آن نیست که مال فراوان داشته باشد بلکه ثروتمند کسی است که در بند آز نباشد . — حضرت امیر (ع)

حریص محتاج است اگرچه مالک دنیا شود . حضرت امیر (ع)

حریص به دنیا چون کرم ابریشم است که هرچه بیشتر به دور خود می پیچد راه خلاصیش بسته تر میشود تا از غصه بمیرد . (امام باقر ع)

سه قدرت عظیم بر جهان حکومت میکند حماقت ، ترس ، حرص . اینشتین

طمع سرسیاه کاریها ، بیکر بیشتر شور بختیها بوده و خواهد بود ، خوشبخت کسی است که طمع نورزد زیرا که طمع کاردانی و هنرمانی کسان را نابود ساخته عزت نفس و بزرگ منشی و پیشرفت را یکسره ناچیز میسازد . ؟

طمع از کار بیرون باید کرد اگر خواهی که عمل بر تو سبک گردد در عمل بی طمع باید بود . اسرار التوحید

عزت ، سروری و بزرگواری در قناعت است و دریوزگی و فقر و ذلت و خواری در طمع . ؟

عداوت از سه چیز ناشی میشود طمع در جمع مال طمع در اینکه همه او را گرامی دارند طمع در آنچه میگوید همه قبول کنند . ؟

فرو نشاندن نخستین خواهش آسانتر از ترضیه خواهشهائی است که به دنبال آن می آید . دوشفوکو

گرسنه چشم از تنگنای گیتی نرهد تا جان نهد . سید علی اکبر برقعی قمی

هر کس که خواهشهایش بی پایان است ناگزیر است به تلاش و زحمت پایان ناپذیری تن در دهد خواهشها او را به تلاش برمیانگیزند ، در حالیکه سرانجام نه رضایت خاطری را که می طلبد بدست می آید نه سعادتی را که میجوید فراچنگ می آورد . هال گری

هیچ چیز مانند دامنه حرص انسان لایتناهی نیست . سعید نفیسی

هیچ آزمندی نیست که آزاد باشد . قباد شهریار

ای سر گشته بدام آز پابند | پندی دهدت خرد بشنو پند

بر جستن تو بار آز تا کی | در دل غم این نیاز تا چند

تا خود برسی بدانچه خواهی | صد رنگ برآوری به ترفند

گیرم که رسی بدانچه خواهی | بر گنج جهان شوی خداوند

دارم ز تو پرسشی چنان گوی | پاسخ که پسند دانش خردمند

بنهاده به خود گرانی بسیار | چون مرگ شود ترا گلوبند

بپسند رهی که اندر آن راه | صد خار ملامت است مپسند

مهدی زرین قلم

ای دل تو ز خلق هیچ یاری مطلب | وز شاخ برهنه سایه داری مطلب

عزت ز قناعت است خواری مطلب | با عزت خود بساز و خواری مطلب

خواجه عبدالله انصاری

پرستنده آز و جویای کین | بگیتی ز کس نشنود آفرین

تو از آز باشی همیشه برنج | که همواره سیری نیابی ز گنج

فردوسی

حسادت

آتشی سوزانتر از هوس، بخت تر از کینه و سعادتی بالاتر از آرامش نیست. — آئین بودائی

آنکه از شنیدن توصیف نیک همسایه اش رنج میبرد از شنیدن عکس آن شاد میشود و آنان که از رسیدن فضائل دیگران مأیوسند از این شاد میشوند که دیگران چندان خرد افتند که با ایشان برابر شوند. — فرانکلین

از بخل دوری کنید که خوبیها را میبرد و زشتیها را آشکار میسازد و خشم را زیاد میکند. — حضرت امیر (ع)

از بدترین آلام معنوی حسد است و کسیکه حسد می ورزد هرگز رنگ سعادت بلکه رنگ آرامش را هم نخواهد دید و وضع او شبیه بکسی است که ویرا روی آتش گذاشته باشند و آتش را باد بزنند. — روسو

اگر حسادت خاصیت سوختن را داشت احتیاج به هیچ سوخت دیگری نبود. — مثل یوگوسلاوی

اشخاصی وجود دارند که کوشا و جدی و لایق و درست که متأسفانه اوضاع و احوال مساعد حالشان نیست در نتیجه دچار بدبختی حسادت یا دشمنی میشوند. — هانری باروک

اگر فقط این را امید داشتم که بعضی از نعمتهای بزرگی که دارند چه کم بهره میشوند آنوقت بسیاری از حسدها از این جهان برمیافتاد؟

از حسادت فقط نتیجه ای عاید حسود میشود و آن از بین رفتن تدریجی خود اوست. — مثل انگلیسی

با بخیل رفاقت مکن چه آنچه را که بدان بسیار نیازمند باشی تو نخواهد داد .

علی ابن الحسین (ع)

با مردم نا آزموده گفت و شنید ندارید و از مردمان کینه ورز و حسود تا میتوانید دوری جوئید .

بهتر است آدمی طرف حسادت مردم واقع شود تا طرف ترحم آنها .

مثل فرانسوی

بدگوئی حسود دلیل برتری شماست .

تن

بدانکه فرق باشد بین غبطه و حسد چه غبطه شوق بود بحصول یا مطلوبی که از غیری احساس کرده باشی و حسد با تمنای زوال بود از او .

خواجه نصیر طوسی

بر دوستی که حسود باشد ایمن نمیتوان بود .

بوذرجمهر

بهرهٔ حسود در دنیا غم و اندوه است و چون مردم را خوشحال ببیند آن بهرهٔ غم و اندوه دو برابر میشود .

ارسطاطالیس

چه بسا که مال و مقام و دانش و سایر مزایا را برای خوشبخت کردن خود مان نمی خواهیم برای آن میخواهیم که دیگران را حسود و بدبخت کنیم .

حجازی

حسد میخورد کارهای نیک را چنانکه آتش هیزم را میخورد و نابود میکند .

حضرت محمد (ص)

حسد درد بیدرمانی است که جز بمرگ حاسد یا محسود زایل نگردد .

حضرت امیر (ع)

حسد بردن بخوشبختی دوستان نشانهٔ کوتاهی همت است .

حضرت امیر (ع)

حسود ظالمی است که بسی مظلوم ماند زیرا همواره گرفته دل و اندوهگین باشد و هر ساعت خشمناک است بچیزی که گناه ندارد .

حضرت امیر (ع)

حسود شرافتمند نمیشود و کینه توز به غصه میمیرد . — امام سجاد(ع)

حسود به نفس خود ضرر میرساند پیش از آنکه ضرری به محسود رساند . — امام صادق(ع)

حسادت ممکن است با عشق بوجود آید ولی همیشه با عشق نمی میرد . — لارشفوکوله

حسود قبل از اینکه چاقی دیگران را بگیرد، خودش از لاغری خواهد مرد . — امیرقلی امین

حسد همچون مگس است که همه جای بدن سالم را رها میکند و بروی زخمهای آن می نشیند . — چاپمن

حسود نه خوشبخت است نه خوشوقت . — پوشه

حسد مرکبی است سرکش و نافرمان که هرگز راکب خود را بسلامت بمنزل مراد نرساند . — جواهرالاخلاق

حسود هرگز عید ندارد . — هیگون

حسد از زهر مار خطرناکتر است زهر مار فقط برای دیگران ضرر دارد ولی شخص حسود بیش از هر کس از دست خود رنج میبرد . — دکتر داودی

حسد عمرش از سعادت محسود درازتر است . — لارشفوکوله

حسد زندان روح است . — حضرت علی علیه السلام

حسادت احمقانه ترین رذائل است زیرا بکسی منفعتی نمیرساند . — بالزاک

حسد ورزیدن علامت بارز بی لیاقتی است . — لارشفوکوله

حسد سوهان روح است . — جان درایدن

حسود را آزار مده که خود در آتش بی پایان میسوزد هر چیز که مطابق میل و آرزوی ماست حقیقت محض بنظرمان میرسد و تمام آن چیزهائی که برخلاف میلمان است خشمناکمان میکند . اندره موروا

حسد خاصیتی ندارد جز اینکه از فضیلت آدمی بکاهد . حضرت امیر(ع)

حسد بطرف دیگران تیر میافکند و خود زخمی میبازد . مثل سوئدی

حسود هرگز آقا نمیشود مثل عربی

حسود با چشم شاخ میبیند و از هنر عیب میسازد . مثل آلمانی

حسد عمیقتر از گرگ میگزد . مثل اسپانیائی

حسود تصور میکند چنانچه پای همسایه اش بشکند او بهتر راه تواند رفت . مثل دانمارکی

حسود کور است . مثل دانمارکی

در حسادت خودخواهی بیش از عشق حکومت میکند . لاروشفوکولد

رشک چنان میخواهد که لیاقت دنبال آن بیاید ولی این لیاقت همچون سایه ایست که سایه انداز را نشان میدهد . پوپ

رشک نمودار خودخواهی و خودپسندی است و هیچ دلیل بر عشق و علاقه نسبت بدیگران نیست . لاروشفوکولد

روزگار حسود از همه سیاهتر است . حضرت امیر(ع)

رنگ آهنگر را میخورد و حسادت قلب را . مثل فرانسوی

عشق همیشه با حسادت و احساس مالکیت توأم است و مانند همه مبارزات نیز قربانیان بی شمار دارد . فرانسوا ساگان

عشقی که توأم با حسادت نباشد دروغی است . مثل آلمانی

غرض داشتن مثل موریانه فکر انسان را میخورد و بسا کارهای زشت که از آن سرچشمه میگیرد . ؟

کسیکه بجنس دیگر حسد ورزد دلیل بر آن است که اعتراف به برتری او کرده است . هراس وال پول

کینه را نه با کینه بلکه با عشق و جوانمردی باید مغلوب ساخت . دکارت

کینه و حسد از قدر و منزلت مرد بکاهد و در انظار خوار میکرداند . حضرت امیر(ع)

کسیکه در برابر حسود طاقت بیاورد و خونسرد باشد یا خیلی خوش قلب است و یا از آهن ساخته شده است . مثل انگلیسی

من از کسانیکه نام خود را روی شهرت فرد دیگر بنا میکنند متنفرم . ؟

وقتی بخوشبختی دیگران حسد بردیم بدست خود عقوبتی برای خویش فراهم کرده ایم . پترن

هر دشمنی بدوستی گراید مگر دشمنی که از حسد برخیزد . حضرت امیر(ع)

هر وقت به حسودی برمیخوریم لذتی می بریم که او را تحریک کنیم باین ترتیب که شروع بتعریف از کسانی میکنیم که بوجب حسد او شده اند . منتسکیو

هیچ ستمگری را شبیه ستمدیده ندیدم مگر حسود را . امام حسن(ع)

هنگامیکه واگونهای اقبال خوب راه میافتد حسد روی چرخهایش او نخته میگردد . مثل چینی

نتوانستند برای از بین بردن موریانهٔ حسد دارویی تهیه کنند چون جای این موریانهٔ خطرناک در روح حاسدان است.

غ - ذ

اگر ز درد بترسی حسد مکن که حکیم
مثل زند که حسد هست درد بی درمان

عنصری

برو بهر چه بداری بخور دریغ مخور
که بی دریغ زند روزگار تیغ هلاک

چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
بمذهب همه کفر طریقت است امساک

حافظ

بگوش هوش بشنو نکته ای خوش
دگر داری خبر از دوستی حق ساز

همیشه تا توانی ای برادر
مشو با هفت کس دمساز و همراز

حسود و بیوفا نادان و ظالم
بخیل و کاذب و نااهل و غماز

؟

در این زندان جسمی چند با توست
کز آن هر یک از آن خصم خدائی با بریت جست

یکی بخل و دوم خشم و سوم آز
چهارم کبر و پنجم شهوت و ناز

ششم کبر و حسد هر هفت یارت
کز این هر یک از این ضدی بپر رفت کار

از اینها بگذر و یار دگر جو
رفیقان زرنگ و نامور جو

جبه خسرو

ز من بشنو اگر خواهی ز روی فهم و آگاهی — همه کارت بدل خواهی بمقطع آید از مبدا

بخیلی را مکن پیشه ز خاطر کن این اندیشه — به تیغ آز بزن تیشه بر سیم و درم دارا

سنائی

هر آن کس که در رشک زنادان بود — همیشه بر او بخت گریان بود

حسد مرد را دل به درد آورد — همه محنت و آه سرد آورد

فردوسی

حسد را سوی جان و دل مده بار — که حاسد را نباشد هیچ مقدار

امیر خسرو

الا تا نخواهی بلا بر حسود — که آن بخت برگشته خود در بلاست

چه حاجت که با وی کنی دشمنی — که او را چنین دشمنی در قفاست

سعدی

حقیقت

آدمی قوانین فیزیک و شیمی و مکانیک را بخوبی می شناسد ولی خود را نمی شناسد و از نیازمندیهای حقیقی جسم و جانش آگاه نیست. — الکسیس کارل

آنانکه میخواهند خوب زندگی کنند باید بحقیقت نزدیک شوند زیرا پس از نیل بمقام حقیقت یابی است که دست از غم و اندوه دنیا برمیدارند. — افلاطون

آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است. — سقراط

آنکه همواره بحقیقت توجه دارد با همنوع خود بمهربانی رفتار میکند. — مهاویرا

آنچه هستی باش. — نیچه

آنچه را داریم و از آن لذت میبریم چندان که باید ارزشش نمی نهیم و قدرش را نمی شناسیم و چون از دست برود بارزش آن پی میبریم در این هنگام است که باین حقیقت متوجه میشویم تا مالک چیزی هستیم از مالکیت خود بی خبریم. — شکسپیر

آنچه هستید شما را بهتر معرفی میکند تا آنچه میگوئید. — امرسون

آیا ممکن است برای من چیزی خارق العاده تر از حقیقت باشد. — داستایوسکی

آدم خشمناک نمی تواند حقیقت را بگوید . مثل چینی

اختلاف نظر وقتی خوشایند میگردد که دو نفر بمنظور کشف حقیقت، دوستانه به جرّ و بحث پردازند. مناظره وقتی شکنجه آور است که یک طرف سعی کند بزور حرف خود را به کرسی بنشاند. ف. و. رابرتسن

از ستایش و عیب جوئی مردمان هیچکدام را نباید محک حقیقت شمرد ولی از هر دوی آنها میتوان به عنوان محک برای شخص خود استفاده کرد. واتلی

از آنچه شنیده و دیده و خوانده اید هیچ چیز را قبول نکنید مگر آنکه درستی و صحت آن به خودتان آشکار شده باشد. دکارت

از راه حقیقت رو گردان مباش. ؟

اگر باین حقیقت روشن اعتراف کردیم که در جام روزگار شهد و شرنگ بهم آمیخته و نیش و نوش با یکدیگر همراه است در آن صورت برای مواجهه با پیش آمدهای زندگی مهیا شده در مقابل کامیابی و ناکامی؛ موفقیت و مغلوبیت بیم و امید، صحت و مرض، غم و شادی، مسرت و الم و عوامل مختلف دیگر که هر کدام یک ناحیه از حیات ما را تحت نفوذ میگیرد؛ ثابت و استوار خواهیم بود. لرد آویبوری

اگر بزرگی و عظمت را آرزو میکنی آنرا فراموش کن و دنبال حقیقت برو آنگاه به هر دو خواهی رسید هم حقیقت و هم عظمت .... سنکا

انسان موظف است که عاشق حقیقت باشد و اظهار آنرا بخاطر عشقی که نسبت بآن دارد از تکالیف حتمی خود بداند. اسمایلز

انسانیّت نیازمند حقیقت است . — پایگون

انسان نباید هیچ امری را بعنوان حقیقت قبول کند مگر آنکه واقعاً در نظر او حقیقت باشد . — دکارت

انسان هیچوقت بیشتر از آن موقع خود را گول نمیزند که خیال میکند دیگران از فریب داده است . — لادوشفوکو

اول مطمئن باش ذیحق هستی ، بعد جلو برو . — ؟

اشتباه میتواند حتی از یک شکاف بگذرد . ولی حقیقت در یک دروازه گیر میکند . — ؟

باید بدانیم که حقیقت مافوق عقل است و عقل با کوشش بسیار شاید بتواند چیزی از حقیقت را درک کند ، بنابراین در جستجوی حقیقت و برای وصول بدان لازم است از مرگ نیز هراس نداشته باشیم حقیقت را بشناس تا حق را بشناسی این خلاصه وظایف انسان است . — از کتاب در جستجوی خوشبختی

باید حقوق شخصی خود را با ملایمت و ادب طلب کنیم و ضمناً حقوق دیگران را نیز رعایت نمائیم . — جان کایزل

باور کردن دروغیکه انسان صد بار شنیده آسان تر است از حقیقتی که انسان حتی یکدفعه هم آنرا نشنیده است . — ؟

ما حقیقت را با استعانت عقل نمی شناسیم بواسطهٔ قلب با آن آشنائی پیدا میکنیم . — پاسکال

مبادا که ترس از مردم شما را از گفتن حقیقت باز دارد . — حضرت محمد (ص)

مشعل نبوغ فروغ نیابد مگر آن زمان که نور حقیقت بر آن بتابد . — کنت دوسکور

نه بوسیلهٔ تملک حقیقت بلکه بوسیله جستجوی آن قوای ما وسعت پیدا میکند و تکامل تدریجی ما در همین جستجو است . — لسینک

نفس شریف را بحسن قبول حق و نفس خبیث را بسرعت میل به باطل توان تمییز داد .

سقراط حکیم

وقت گرانبهاست اما حقیقت گرانبهاتر از آنست .

دیزرائیلی

وقتی ارسطو از فلسفه افلاطون انتقاد میکرد باو گفتند چرا احترام آموزگار را رعایت نکردی جواب داد من آموزگار خویش را دوست دارم ولی حقیقت را بیشتر از او دوست دارم .

ارسطو

برای بهر احقاق حقی ولو هر قدر مشکل بنظر آید فقط اندکی تهور کافی است .

میرابو

بزرگترین خطریکه در فریب دادن دیگران وجود دارد اینستکه سرانجام شخص خود را فریب خواهد داد .

؟

بشر هرگز باندازهٔ زمانیکه در حق داشتن خود تردید دارد نمیترسد .

؟

بوسیله احساسات بعالی ترین و پاکترین حقایق میرسیم نه بوسیلهٔ عقل و تفکر .

آناتول فرانس

بهترین راه برای اثبات صفای ذهنی ما نشان دادن خطاهای آن است نهر آبیکه ناپاکیهای بستر خود را نمایش میدهد به ما میفهماند آب پاک و صاف است .

پوپ

بهترین سیاست صداقت است .

سروانتس

پای افراد بشر غالب اوقات بسنگ حقیقت میخورد ولی غالب آنان زود برمیخیزند و چنان راه خود را میگیرند که گوئی هرگز پایشان به سنگ نخورده است .

چرچیل

پرهیزکارترین مردم کسی است که بگوید حق را در سود و در زیان خود .

حضرت محمد (ص)

ترحم غالباً احساس درد خود ماست در دردهای دیگران و این پیش بینی ماهرانه ایست از بدبختی هایکه ممکنست ما خود دچارشان شویم همراهی ما با دیگران برای آنست که آنها را وادار کنیم در وضعی مشابه بیاری مان بیایند. درحقیقت خدمتی که بایشان میکنیم ابراز احساساتی است که از پیش درحق خود می نمائیم.

لاروشفوکو

تمام موجودات خواه باجان و خواه بیجان در جستجوی حقیقت اند.

؟

تنها فضیلتی که من خواهان آنم حقیقت و عدم توسل بزور است

گاندی

جز حقیقت چیزی را جستجو نمیکنیم در هر جا با حقیقت مصادف شوم پیروی آنرا بر خود امری ضروری میدانم.

فردریک کبیر

جستجوی حقیقت یعنی درخواست آن و شناختن حقیقت یعنی ازدواج با آن و یقین داشتن بحقیقت یعنی مالک شدن آنرا، شریفترین نعمتهای بشری است.

فرانسیس بایکن

جستجوی حقیقت دیوانگی مطلق است چه موقعیکه بحقیقت رسیدید ممکن نیست بکسی بگوئید و دشمن شما نشود.

برناردوسن پی یر

جوینده حقیقت باید اول آرامش درونی خود را تامین کند و روح او چون سطح آب دریاچه ای ساکن و آرام باشد.

دکتر کارل

چون حق با من است از تهدیدها نمیترسم.

سوفوکل

چون حقیقت را شناختی از آن پیروی کن.

حکمت چین هندو

چه لذتی بالاتر از این است که انسان مجالت را بدرد و خورشید حقیقت را پس پرده ببیند و در خلوتکده اسرار به راز و نیاز مشغول شود.

بایگون

چراغ حقیقت خاموش نشده است و هر کس پف کند با صطلاح ریشش بسوزد . غ - ذ

حجب وحیا نور درخشنده ای است . جان را برای پذیرفتن حقیقت آماده میکند . گیزو

حق کلمه ای گرانبها و وزین است و هر قدر که زننده و تلخ باشد به نتیجه شیرین و دلپذیرش میارزد . حضرت امیر (ع)

حقگو باشید و با صریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید . حضرت امیر (ع)

حقیقت را دوست بدار ولی اشتباه را عفو کن . ولتر

حقیقت میتواند مدتی در حجاب تعویق و تأخیر بماند ولی همیشه جوان بوده و خود را معرفی خواهد نمود . گوئیو

حقایق را بگوئید و مردم را آگاه سازید و مطمئن باشید که کشته خواهید شد . ولتر

حقیقت را با بیطرفی مطلق و با روحی آزاد از هر گونه تعصب جستجو کنید . دکارت

حقیقت الماس است که شراره های آن تنها بیک طرف اشعه نمیفرستد بلکه تمام اطراف را مستغرق شعاع نافذ خود میسازد . شاتوبریان

حقیقت مافوق عقل است و عقل با کوشش بسیار شاید بتواند چیزی از حقیقت را درک کند بنابراین در جستجوی حقیقت و برای وصول بدان لازم است از مرگ نیز هراس نداشته باشیم . لرد آویبوری

حقیقت سرچشمه ایست که علی الدوام جاریست و سرزمین افکار را سیراب میکند و هیچوقت بر نمیگردد زیرا اگر آب چشمه به عقب برگردد مردابی کثیف میشود . میلتون

حقیقت چون روغن بادام است، همیشه بخورد دیگران میدهیم بدون اینکه بخواهیم خود قطره‌ای بخوریم. — مثل نروژی

حقیقت تلخ بهتر از یک دروغ شیرین است. — مثل آفریقائی

حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند. — مثل اسپانیائی

حقیقت سنگین است لذا عدهٔ معدودی حاضرند آنرا تحمل کنند. — ؟

خورشید صفت با همه کس یک رو باش. — بایزید

خوب باید حقیقت از تمام مسموعات و مشهودات ما بهتر است. — ؟

داروهای تلخ را با روکش شیرین میپوشانیم چرا حقیقت و اخلاق را نیز با لباسهای زیبا نپوشانیم. — شامفورت

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوائی حقیقی خودخواهی. — ونید

در تمام اخلاق رذیله و کارهای زشت هیچ گناهی باندازهٔ تهمت بزرگ نیست. — وحید دستگردی

در میان مردمیکه حتی یک آدم بیدار وجود داشته باشد حقیقت هرگز نمی‌میرد. — ؟

در بطن هر اشتباهی حقیقتی نهفته است. — ؟

دعوی مکن چیزی را که نه از تست و انکار مکن حق را که بر تو هست. — لقمان

دقت در حقیقت امر، بخودی خود تجدد تحمل ناپذیری ملالت بار است. — بو تراند رواسل

زور حق را پایمال میکند. — مثل ایرانی

سادگی و صفائی که در برابر ابراز احساسات حقیقی و بی شائبه وجود دارد سبب انگیزه شک و تردید نمیگردد. واشنگتن ایروینگ

ستیزه مکن هر چند حق با تو باشد. حضرت محمد

سرم را بشکن ولی حقیقت را بگو. مثل یونانی

شخص آزاد آنکس است که حقیقت او را آزاد کرده باشد از او که بگذریم همه بنده و اسیرند. کاویر

ضایعترین اوقات زندگی وقتی است که در غیر طلب حق و بیهوده صرف شود. ارسطو

ضرب المثلی نیست که در آن یک جو حقیقت وجود نداشته باشد. مثل اسکاتلندی

طبیعت درباره همه حیوانات که بدست پرورش او سپرده شده اند با یک امتیاز و ترجیح رفتار میکند گوئی میخواهد نشان بدهد چگونه او غیرت این حق را در خود دارد. روسو

عجیب است ولی حقیقت دارد: حقیقت همیشه عجیب تر از تخیل است. لرد بایرون

عدالت عبارتست از اراده و تصمیم ثابت انسان باینکه حق هر فردی را ادا کنید. جان کایزل

*

عفاف گفت: مرا با برگ درخت زیتون مستور دارید.

وقاحت گفت: مرا با نشانها و امتیازات بیارائید.

شرارت گفت: مرا با لباس نیکی و صلاح بپوشانید.

رذیلت گفت: مرا با خلعت فضیلت افتخار دهید.

خدعه گفت : مرا بجامه اخلاص و صمیمیت ملبّس نمائید .

خیانت گفت : تاج امانت بر سر من بگذارید .

تزویر گفت : بالاپوش صدق و محبت را بدوش من اندازید .

ظلم و جور گفت : گوی و چوگان مسامحه را بمن بخشید .

استبداد گفت : صورت آزادی را بر چهره من نقش کنید .

اختلاف گفت : مرا بزینت وظیفه مزیّن فرمائید .

تکبّر گفت : مرا بزیور تواضع مباهی نمائید .

حقیقت گفت : مرا برهنه بگذارید و پیرایه بر من مبندید زیرا من هیچ گاه از برهنگی خود شرمسار نیستم .

اعتصام الملک

علت اینکه بچه در طفولیت اینقدر شاد و خوشحال است چه میباشد؟ غیر از اینست که گوشش آکنده نگردیده که نسبت غیر از آن خودش را معرفی کند .

؟

فحش دلیل آن کسانیست که حق ندارند .

روسو

فلسفه دوست داشتن حقیقت است نه محبتی که برای یک نوع علم یا یک مسلک احساس شود . بایگون

کسانیکه حقیقت را ادراک کرده اند با افرادیکه حقیقت را دوست میدارند برابر نیستند . کنفوسیوس

کسانیرا میشناسیم که برای آرایش ظاهری و داشتن لباس فاخر شکم خود را گرسنه نگاه داشته و خانواده خود را در تنگدستی میگذارند. برای فریب دادن چشم دیگران خود را دچار رنج و محنت میکنند. — فرانکلین

کسیکه بکار خیر مألوف است تابع امر کسی نمیشود و عدالت و حقانیت را پیشوای خود قرار میدهد. — پاسکال

کشنده تر از نیش مار بچه حق ناشناس است. — شکسپیر

کلمات را همه کس میتواند استعمال کند و معنی آنها هم در همه جا یکیست آنچه که نوشته را برجسته میکند یافتن کلمه ایست که عمق داشته باشد که نوشته با یک حقیقت عمومی همبستگی پیدا کند. یا از مبدأ نامعلومی که چشمه زندگی از آنجا فوران میکند سخن بگوید. — د ج تورو بر

کسیکه فقط حقیقت را بگوید. یک اسب تندرو هم لازم دارد. — مثل ایرانی

گناهکاران از چهره شان شناخته میشوند — قرآن مجید

مادامیکه در قلبت احساس میکنی حق بجانب تست بحرف مردم اهمیتی نده. — مادام تئودور روزولت

وقتی که صفات خوب دیگران را التعریف میکنیم در حقیقت احساسات عالی خود را احترام میگذاریم نه ارزش مردم را. — لاروشفوکو

هر کس طاقت شنیدن حقیقت را ندارد. — توفیق الحکم

هر یک از اعضای بدن ما حقی دارند و حق زبان بر ما آنستکه با گفتار زشت آنرا آلوده نکنیم. — حضرت سجاد (ع)

هرگاه در گوشه ای از زمین خونی بناحق ریخته شود همه مردم جهان دستشان به آن آلوده است. — داستایوسکی

همیشه حق را بدون بیم بیان کن و شیطان را خجل ساز. — شکسپیر

همواره زور موجد حق بوده است این دو کلمه بقدری بهم متصل و مربوطند که درک یکی بی دیگری محال است ؟

همچنانکه ابلهان خوش پوش وجود دارند ایده ها و افکار ابلهانه ای هم وجود دارند که با لباس شیک و زیبا آراسته شده اند.

هیچ چیز زیبا نیست مگر حقیقت .

بوالو

هیچکس نیست که حق داشته باشد کسی دیگر را حقیر بشمارد .

الفونس دودیل

هیچ حقی در دنیا بدون قوت وجود ندارد .

ناپلئون

همیشه حق با کسی نیست که بهتر سخن میگوید .

مثل افریقائی

یا چنان نمای که هستی یا چنان باش که مینمائی .

بایزید بسطامی

یکی از بزرگترین علل زندانی شدن فلاسفه، شعرا، نویسندگان در دنیا در گذشته یا در سالهای اواخر قرن بیستم اینستکه حقایقی که آنان بزبان میآوردند، مینوشتند و بشعر میسرودند مورد تائید حکام و سردمداران مملکت واقع نمیگردید حق را نمیتوان با شمشیر زندانی کرد .

غ - ذ

عمری به جستجوی حقیقت شتافتیم | با من نگفت کس که حقیقت کجا و چیست؟
آنکس که بهره بویی از این بوستان گرفت | وآنکس که بار یافت در این بارگاه کیست؟
تا آشکار گشت بما حقیقتی | آنسان حقیقتی که به پیران آگهیست
اینست آنکه نیست حقیقت در این جهان | وین هست جز فسانه و وهم و خیال نیست
بگو کسی ز حقیقت نبرده پی | گر بیست سال عمر تلف کرد یا دویست

محسن حبیب‌اللهی

* در جهان گمشده‌ای دارم من | که از او هیچ نشان پیدا نیست
همه گویند که او همره ماست | در بر هیچکسی جز ما نیست
پی او زانکه به کیهان رفتم | دیدم افسوس که با آنها نیست
ای حقیقت تو کجا پنهانی | لفظ تو هست ولی معنی نیست
یا مرا چشم بصیرت نبود | یا اثر از تو در این دنیا نیست
هیچ چیزی بجهان در نظرم | بی فروغ رخ تو زیبا نیست
زندگی بی تو نیرزد بجوی | غیر زندانی جان فرسا نیست

غلامحسین وصفی

از آن جمله دامن بیفشاند و گفت | حق از جمله باطل نشاید نهفت

سعدی

حیات

آن چیزیکه بیش از همه بدنیا روشنی بخشیده است رنگ سیاه است . مرکب چاپ .

؟

از پنجاه درصد خاک قابل کشت سطح زمین تنها درصدی از آن مورد استفاده قرار گرفته است .

خوزه او کاترو

انسان کامل آن است که در برابر مشکلات چند روزهٔ حیات ایستادگی و مقاومت بخرج داده از هیچ تند بادی نهراسد و در مقابل ناملایمات مثل کوهی بایستد که هیچ قدرتی نتواند او را تکان دهد .

؟

این هم یکی از بیچارگیهای آدمی است که خود چند روزی بیش نمیماند ولی آثار او بحیات جاوید میتواند رسید .

نصر الله فلسفی

با گریه بدنیا میآئی اما چنان زندگی کن که با خنده از دنیا بروی .

؟

بضرورت آمدم در این جهان و بحیرت زیستیم و به کراهت میروم .

افلاطون

در صفحهٔ زمین هیچ قلبی نیست که راضی باشد .

مثل ایتالیائی

چهار نوع انسان در دنیا زندگی میکنند عشاق جاه طلبان خیال پردازان و دیوانگان .

تن

حیات بستگی بمقدرات و تصادفات دارد که انسان متصل با آن روبرو است و خودش هم خبر ندارد .

؟

حیات عبارتست از اوج دائمی آمال و مرگ سکوت آن امواج اتفاقات است .

کاظم زاده ایرانشهر

حیات عبارت از جنبش و فعالیت است. — محمد تقی بهار

حیات چه شیرین و دلکش است. — سرفنگ

حیات آدمی در دنیا، همچون حبابی است در سطح دریا. — ؟

حیات اخلاقی عبارت از آنست که شخص به بهای نفس خود معایبی که اطراف خود می‌بینید رفع نماید. — ؟

حیات خوابی است، محبت رؤیای آن. — الفرد دوموسه

خوشی ما و راحتی دیگران در این دنیا بوجود ما ختم نمیشود که هر کاری دلمان خواست بکنیم و هیچکس هم حق اعتراضی نداشته باشد. — اگنا دوفوزیه

در حیرتم که وجود ناچیز خود را در مقابل عظمت کائنات و این دنیای بزرگی که در آن زندگی میکنیم تشبیه کنیم. — نیوتن

در اعماق روح خود نغمه‌ای که گاهی نشاط آور و غالباً غم انگیز است می‌شنویم. این نغمه مدام ندای حیات درونی ماست. — هانری برگسن

در این دنیا فقط دو تراژدی وجود دارد یکی آنست که آنچه میخواهیم بدست نیاوریم و دیگری آنست که آنچه نمیخواهیم بدست آوریم. — ؟

در دنیای سست و ضعیف سه نوع ریاضت کش وجود داشته است ریاضت مذهبی که بخاطر مذهب، لذت و دانش را پایمال میکند و این نوع ریاضت در قرون وسطی وجود داشته است، ریاضت نظامی که لذت و دانش را قربانی قدرت میکند این نوع ریاضت در دوران اولیه اسپارت و روم دیده شده است، ریاضت پولی که لذت و دانش را قربانی پول میکند و این نوع ریاضت هم اکنون در لندن و منچستر دیده میشود. — جان راسکن

دنیا خانهٔ گرفتار یهاست. — حضرت محمد (ص)

دنیا آنقدر وسیع است که برای همه مخلوقات جائی هست بجای آنکه جای کسی را بگیرید. تلاش کنید جای - واقعی خود را بیابید. — چارلی چاپلین

دنیا، بدون بچه ها دنیای کثیف و وحشتناکی است. — ؟

دنیا مانند یک تماشاخانه است، هرکس رل خود را بازی میکند و سپس مخفی میشود. — شکسپیر

دنیا از آن کسانی است که برای تصاحب آن با خوش خلقی و ثبات قدم گام بر میدارند. — چارلز دیکنز

دنیا، آزادی و زندگی لازم دارد نه تصورات و ظاهرسازی، دنیا محبت لازم دارد نه قدرت نمائی. — ؟

دنیا آنقدر ارزش ندارد که بخاطر مال و منال آن دل مردم را بیازاری. — ؟

دنیا زیبا و دل انگیز است آنرا با نگرانی و وسواس زشت مساز. — ؟

دنیا یکسره صحنه بازی است و همه بازیگران آن بنوبت میآیند و میروند و نقش خود را بدیگری میسپارند. — شکسپیر

دنیا را آزمودم هر کس که تسلیم شود بدون منطق، جایگاهش دربچه تیره بختی و یأس و ناامیدی است اما آنکس که آمده است مشکلاتش را به جنگ تدبیر بسوئی افکند، حیات چهره ملکوتی باو نشان خواهد داد. — غ - ذ

دنیا را آتش انگار چنانکه برای انجام معاش قدری با آتش کفایت کند، شما نیز با مقداری از نعمت دنیا اکتفا کنید. — افلاطون

طولانی شدن حیات مهم نیست بلکه بکار بستن آن در خور توجه است. — هولارد

عشق حیات عاشق را تشکیل میدهد و الا معشوق بهانه است. — آلفونس کار

کسانیکه دنیا را از دست میدهند آنرا با فکر و وسواس میخرند . — شکسپیر

کسانیکه مردم را زیاد تشویق میکنند و کمتر انتقاد میکنند دنیا را بسوی جلو میرانند . — هاردیون

گریهٔ ما وقت تولد از آن است که بصحنهٔ بزرگ جنون و حماقت وارد شده ایم . — شکسپیر

لازم است حد خود را بشناسیم بله ما در این دنیا چیزی هستیم ولی نه همه چیز . — پاسکال

در آسمان و زمین بیش از آن چیزهاست که در فلسفهٔ خود در رؤیای آنرا می بینید . — شکسپیر

زمین در مقابل عظمت کائنات چون محرابی است حقیر که در معبدی بزرگ ساخته میشود . — لرد اویبوری

کوچکترین ستاره ها هم عالمی دارند بشر چقدر در برابر دستگاه جهان کوچک و ناچیز است ، هر ذره از ماده دریایی است

هر برگ جهانی و هر حشره مجموعهٔ غیر قابل بیانی . — چخوف

من دنیای پر از شیر و عسل را دوست نمیدارم من دنیای کوچک و گرمی را دوست دارم که خودم با دست خود ،

آن را ساخته باشم . — شوپنهاور

من معتقدم که همهٔ ما باید عشق به حیات را دریابیم و زندگی را دوست بداریم . — داستایوسکی

میگوئیم ، دنیا . ولی حقیقت اینست که ما در دنیا های مختلف بسر میبریم و هر کس برای خود دنیائی دیگر خلق میکند . — لرد آویبوری

هر چه از زمین دورتر شویم ناامنی ما بیشتر میشود . — هنری فورد

همیشه بخاطر داشته باشید که دنیا هرگز مدیون شما نیست زیرا قبل از شما نیز وجود داشته است . — جان استیل

گویی همه آنچه درد و بلا آفریده اند	تنها به خاطر دل ما آفریده اند

صاحبدل اختیار دل خود نداشته است	تا دلبران ماه لقا آفریده اند

رخسار دلکش و لب شیرین و چشم مست	بهر فریب خلق چها آفریده اند

در هیچ گوشه بهر نکوکار جای نیست	اهل صواب را به خطا آفریده اند

کس غیر ما به درد دل ما نمی رسد	ما را درین زمانه چه آفریده اند

ای دلبران به خویش بنازید کز نخست	ما را نیازمند شما آفریده اند

چندانکه می کنید طلب آن چشم دلربا	جان و دل ای عزیز کجا آفریده اند

در حق ما همه آنچه جفا می کنی مکن	ما را همان ز بهر وفا آفریده اند

تا کی نظر به حالت مسکین نمی کنی	چشم تو پر ز شرم و حیا آفریده اند

از دیوان حالت

ای آنکه همین جهان نیرزد	آن را که غمش نهند بر دل

شادان گذران که اهل تحقیق	این نکته کنند از حیات حاصل

دارد هنری جهان که در وی	باشد حرج و فرح متقابل

آسان گذر و لگد تو او را	بر خود مکن ز جهل مشکل

ابن یمین

دم فرو بند ز هر شکوه به دوران حیات / بطرب کوش زمانی که حیات است دمی

غم مخور گر ز لطف همت والای حکیم / گر همه ملک جهان است نیرزد به غمی

باید آخر بسر شیب عدم تنها رفت / خواه باشد خدمی خواه نباشد حشمی

نکته سنجان که ببینند از آن فلک طعنه زنند / دل اسا ز نه زیر پریشان ز غم بیش و کمی

ادیب برومند

پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت / ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت

طبعی به هم رسان که بسازی به عالمی / یا همتی که از سر عالم توان گذشت

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش / آن هم کلیم با تو بگویم چسان گذشت

وضع زمانه قابل دیدن دوباره نیست / رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن / روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

کلیم کاشانی

ز رنج و راحت گیتی مرنجان دل مشو خرم / که آئین جهان گاهی چنین گاهی چنان دارد

سعدی شیرازی

خشم

آن کس که ریشه خشم را از سرزمین دلش برکند و بنفس خود چیره شود از بزرگان بنی آدم است. — حضرت محمد (ص)

از خشم و غضب بپرهیز، زیرا غضب شخص را بمذلت پوزش طلبیدن وادار میسازد. — امام صادق (ع)

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. — ولتر

ارباب خشم خود شو. — مثل یونانی

برحذر باش مبادا خشم ترا بتعدی ببرد. — از کتاب عهد عتیق

بردباری در زمان خشم و خوشروئی هنگام عسرت مشکلترین کارهاست. — بقراط

بزرگترین داروی خشم صبر و درنگ است. — سنگا

تماشا کردن ستمکاران گوش دادن بسخنان آنان آغاز ستمکاری است. — کنفوسیوس

تنبیه در هنگام خشم اصلاح نیست بلکه انتقام است. — مونت ینن

چیزی که جبران ناپذیر است خشم است. — استاهل

حکیم باید که تیزی آتش خشم را با آب حلم بنشاند و شیطان هوس را با فسون خرد در شیشه کند و بنای کارها را بلطف نهد. — بوذرجمهر

خشم از آتش است با آب آنرا فرو بنشانید . — حضرت محمد (ص)

خشم و غضب خرد را تباه کند و انسان را از درستی دور میسازد . — حضرت امیر (ع)

خورشید به غیظ شما غروب نکند . — حضرت عیسی (ع)

خشم معتدل شایسته مرد حلیم است . — فیلون

خشم با دیوانگی آغاز میشود و با پشیمانی پایان می پذیرد . — فیثاغورث

خشمگین شدن انتقام خطاهای دیگران را از خود گرفتن است . — والتر پوپ

خشم یک کینه مکشوف و موقتی است ولی کینه یک خشم دائم و محفوظ . — لابرویر

خشم و اندوه نه تنها انسان را کوچک و ضعیف میکند بلکه او را میکشد . — ؟

خشم را اول دیوانگی و آخر پشیمانی است . — ؟

خشم و کینه دو حالت مرض روحی را بیان میکند و تمام خطاهای بشر از این دو حالت ناشی میگردد . خشمگین بیشتر به حیوان شبیه است تا با انسان . — ؟

دقیق ترین ارواح بشر به محض اینکه در قلمرو تعصب قدم گذاشت قدرت باریک بینی و تعقل را از دست میدهد . — گوستاولوبون

دنیا بر کینه توزان تنگ آید . — حضرت امیر (ع)

در قلب هر کسی شیری خفته است . — مثل ارمنی

دشنام جراحتی است درمان ناپذیر. — مثل تازی

زمان دوای خشم است. — مثل آلمانی

سخنان آرام و ملایم خشم را فرو می نشاند. — مثل یوگسلاوی

سگ هم از آدم مغرور فراری است. — مثل فرانسوی

سه طبقه افرادهستند که نباید به خشمشان درآورد: مأمورین دولت، مشتریان و بیوه زنان. — مثل چینی

شجاعت از آن کسی است که آتش خشم خود را با آب حلم فرونشاند. — حضرت امیر(ع)

طبیعت تند و عصبانی و ناراضی همیشه از نیمه راه به استقبال غصه و تشویش میرود. — اسمایلز

غرور و خشم بسیار به هم شبیه اند. — آمیل

غریبان شکسته دل می باشند با آنها بملایمت صحبت کنید. — ؟

غضب و خشم کلید همه شری است. — امام صادق

غضب، نابیناترین، شدیدترین و زشت ترین ناصحان است. — دسه گود

کسیکه خشم خود را دنبال کند خود را ضایع کرده است. — ابوالفضل بستی

کسیکه بر اعصاب خود حکومت ندارد شایسته نیست که بر کوچکترین پله نردبان سیاست قدم نهد. — گوستاو لوبون

کسان زیادی را میشناسیم که در جامعه بنام خشمگینان مشهورند. پرونده های زیادی درباره نزاع، چاقوکشی و تیراندازی

وقتل وجرح در کلانتری ها تشکیل شده که موجبات آن ها، عصبانیت های زود گذر بوده است چه بسیار از افرادی که مرتکب جنایتها شده اند، هنگامیکه بخود آمده اند بر آنچه گذشت افسوس میخورند و میگویند ای کاش عصبانی نمیشدیم. وغ.ذ

کسی که عصبانی میشود باید دو کار انجام دهد یک بار عصبانی شود و یک بار عصبانیت را ترک گوید. — مثل شیلی

کسی که به خیال خود میخواهد فقط ضربه ای بزند ممکن است مرتکب قتلی شود. — مثل فرانسوی

مرد نه این است که حمله آورد بلکه مردی آن است که در وقت خشم خود را بر جای دارد و پای از حد انصاف بیرون ننهد. — سعدی

مردمان غالباً نقص دلیل خویش را با خشم می پوشانند. — آلجر

نفرت همان خشم و غضب است که روی هم انباشته شده است. — سیسرون

نیرومندی بزور بازو نیست. نیرومند کسی است که بخشم خود غالب آید. — حضرت محمد (ص)

وقتی که عاقل خشمگین میشود دیگر عاقل نیست. — ؟

هرجاکه عشق بزرگی خانه کرده است خشم بزرگی نیز مسکن دارد. — آلن

هر چیزی تخمی دارد و تخم عداوت شوخی است. — ؟

هنگامیکه خشم حرف میزند عقل چهره خود را میپوشاند. — مثل چینی

یک مرد عصبانی همیشه مملو از زهر است. — کنفوسیوس

بکبری چه خوش گفت بوذرجمهر — که تا میخرامد بکامت سپهر

مبادا کسی کینه ورزد دلت — ملرزان دلی تا نلرزد دلت

اسیری اصفهانی

تندی مکن که رشته صدساله دوستی — در حال بگسلد چو شود تند آدمی

همواره نرم باش که شیر درنده را — زیر قلاده برد توان با نرمی

بهار

خشم را در دل مدار زیرا که خشم — زیر دامن در بلا دارد زمین

چون پشیمانی چنین از تخم خشم — خود مکار این تخم و زو این بر مچین

ناصرخسرو

نه مرد است آن بنزدیک خردمند — که با پیل دمان پیکار جوید

بلی مرد آن کس است از روی تحقیق — که چون خشم آیدش باطل نگوید

سعدی

فرو خور خشم اندر گاه گرمی — ز مومن خوش بود گرمی و نرمی

حلیمی کن که دانا در گه ننگ — گرت بر سر همی آید سنگ

ناصرخسرو

خودپسندی

آدمهای نادان همیشه بخود اعتماد دارند اما تمام وجود اشخاص فهمیده را شک و تردید فرا گرفته است . بوتواندراسل

آگاه باشید هیچ گونه افتخاری عرب بر عجم ندارد و عجم بر عرب . نه سرخ پوست بر سیاه پوست و نه سیاه پوست بر سرخ پوست مگر بر تقوی و پرهیزگاری . حضرت محمّد

آنچه بر خود نمی پسندی بدیگران مپسند . ؟

آنکه گمان میکند بتواند در خود چیزی بیابد که وی را از همه کس بی نیاز کند سخت در اشتباه است اما آنکه گمان میکند که دیگران نتوانند از او بی نیاز گردند در اشتباهی بزرگتر است . لارشفوکو

آنهائی که در طول حیات خود قدمی بخاطر رفاه جامعه برنمیدارند ،

آنهائی که نه به دوستیشان میتوان اعتماد کرد و نه بدشمنیشان ،

آنهائی که هر روز عقیده خود را تغییر داده و به هیچ چیز ایمان ندارند .

آنهائی که خوشبختی را در بدبختی دیگران میجویند ،

آنهائی که بخیال خود برفراز سکوئی ایستاده اند و دیگران را در زیر پاهای خود می بینند ،

آنهائیکه بی جهت خود را طلبکار مردم میدانند
اینها مردمی بی ارزش میباشند . ؟

ادراکات بشر بمنزله شیشه های رنگارنگ است ، هر کسی از پشت شیشه ای جهان و موجودات محقق و مخیل را برنگ
و گونه ای می بینند و دیدار دیگران را ناصواب می انگارد . استاد جلال همائی

از برفی که برپشت بام همسایه است شکایت مکن در صورتی که جلوی خانه خودت کثیف و پر برف است . کنفوسیوس

اکثر مردم به اعمالی می بالند که وجود آن را در دیگران نکوهش میکنند . تن

اگر ما خویشتن بین نمی بودیم از خویشتن بینی دیگران نمی نالیدیم . لارشفوکو

اگر می بینی کسی بروی تو لبخند نمیزند علت را در لبان فروبسته خود جستجو کن . ؟

اگر ما خود را بهمان حال و قیافه اصلی خویش معرفی کنیم بیشتر سود میبریم از اینکه خود را در لباس ساختگی جلوه بدهیم . لارشفوکو

اگر اشخاص خودخواهی سعی دارند شما را بفریبند ، نامشان را از صورت اسامی معاشرین خود خط بزنید ولی هرگز در صدد
انتقامجوئی برنیائید ، زیرا اگر چنین کاری کنید خود را بیشتر از آن اشخاص آزار داده اید . دیل کارنگی

از خود گریختن بهتر از گریختن از بشر است . مثل عربی

با شجاعان عالم و درندگان بیابان روبرو شدم ولی هیچکس مانند همنشین بد بر من غالب نشد . بوذرجمهر

با هر مقیاسی که تو دیگران را اندازه میگیری ، با همان مقیاس اندازه گرفته خواهی شد . ؟

بدیگران همان را بدهیم که توقع داریم بما بدهند کی؟ کجا؟ چگونه؟ همه وقت، همه جا، همه قسم. — دیل کارنگی

برخودپسندان سلام مدهید. — عبید زاکانی

بشر همیشه می پندارد که موجودی فرشته خصال میباشد که در مرکز کائنات جای دارد در حالیکه وی در سیاره حقیری ساکن است و حیوانی است که کمی تحول پذیرفته و ضمیر پنهان او مملو از انواع تمایلات خشن است. — فروید

بعضی از جوانها گمان میکنند که طبیعی رفتار میکنند در صورتی که به انواع خشونت ها و بی ادبیها ارتکاب میورزند. — لاروشفوکو

بنظر ما خیرخواهی دیگران حماقت جلوه میکند و حماقت های ما خیرخواهی، نیکی دیگران ضعف و ضعف ما همیشه نیکی است. — ناپلئون

بهترین شناسائی ها خودشناسی است. — حضرت امیر (ع)

به همان اندازه که آسان است خود را فریب دادن و توجه بدان نکردن به همان اندازه دشوار است دیگران را فریفتن، چنانکه متوجه آن نگردند. — لاروشفوکو

پایه نیک فرجامی و رستگاری بر خودشناسی استوار است. — ؟

پس از زندگی کردن و تولید نسل بشر میخواهد یادبودی از خود بجای گذارد شاید باین دلیل که او حقیقتاً وجود داشته است — او یادگاری روی چوب روی سنگ یا روی زندگی های دیگر افراد میکند. این آرزوی عمیق در هر کسی وجود دارد از بچه ای که کلمات رکیک در یک مستراح عمومی مینویسد تا بودا که تصویرش را در مغز یک نژاد نقش میکند. — جان اشتاین بک

تمام چیزها و وقایع مضحک است ولی تا زمانیکه بر سر دیگران میآید. — ویل راجرز

تمام مصیبت هائی که بر ما وارد میشود مربوط به یک نفر است آن هم خود ما هستیم . ؟

تو که نمی پسندی از من بنالی چرا می پسندی من از تو بنالم بجای اینکه تو خود را خوب بدانی و دیگران بد بدانند بهتر

این است که تو خود را بد بدانی و دیگران خوبت بدانند . سعید نفیسی

جاه طلبی شهوتی است که هرگز فرو نمی نشیند بلکه با لذتی که از آن فراهم میشود پیوسته مشتعل تر و جنون آمیزتر میشود . اتومی

جائی بنشین که برنخیزانندت . مثل عربی

چرا انتظار داریم که دیگران بنفع ما رفتار کنند مگر ما همیشه بمنفعت خود رفتار میکنیم ؟ حجازی

چگونه میتوان در خانه ای که هزار و یک نفر ادعای کدبانوئی دارند آرامش و سعادت و مهارت بوجود آورد . ؟

حس تکبر در تمام مردم مساوی است اختلافش فقط در طرز ظهور آن است . دیل کارنگی

خودپسندی همان ابلهی است . حضرت امیر ع

خودخواهی اساس حیات زندگی است اگر غریزه خودخواهی نباشد حیات وجود نخواهد داشت . منتهی خودخواهی وقتی

بد است که باعث تعدی بحقوق دیگران باشد . ؟

خودپسند خانه ای را آتش میزند تا در شعله آن تخم مرغی برای سد جوع خویش بپزد . بایکون

خودپسندی زنان بزرگترین علت بدبختی ایشان و زوال خانواده هاست هیچ چیز باندازه خودپسندی زنها بنای

خانواده ها را ویران نکرده است . چارلی چاپلین

خودشناسی را سرمایه بزرگ دان . — خواجه عبدالله انصاری

خود را بشناس و بروح خویش فرمانروائی کن در این صورت میتوانی امیدوار باشی که روزی مقتدر و سعادتمند خواهی شد؟

خوشبختی از جائی شروع میشود که جاه طلبی پایان می پذیرد . — مثل مجارستانی

خودپسندها در اجتماع فراوانند مردم آنها را احمق میدانند؟ — ؟

دشمنی و کینه جوئی نتیجه حماقت است مخصوصاً هرگاه علتی هم نداشته باشد خیلی اوقات میتوانیم مطالب را دوستانه حل کنیم و خودپرستی نمیگذارد . — ارسطو

درخشانترین تاجی که مردم بر سر می نهند در آتش کوره ها ساخته شده است — چارلی چاپلین

در آدمیزادگان هنوز اشتباه احمقانه وجود دارد که هر گروه کوچکی خود را نوع بشر تصور میکند . — هنری مور

دیدار افرادی که مورد لطف ما واقع شده اند بیش از برخورد با اشخاصیکه بما خوبی کرده اند مورد پسند ما است . — لاروشفوکو

روان شناسان بر آنند که نخستین مرحله انسانیت خودشناسی و پی بردن به رازهای نهفته در زندگانی و مافی الضمیر خویشتن است . — ؟

زیانبارتر از تمام عیبها عیبی است که نزد صاحبش پوشیده باشد . — جالینوس

سه چیز خیلی سختند : فولاد ، الماس و خویشتن شناسی . — فرانکلین

شرافت به خرد و ادب است نه به ثروت و مال . — حضرت امیر(ع)

شخصی سقراط حکیم را بواسطه پستی سرزنش داده و از شرافت و ریاست نسب خویش بنای تعریف گذاشت سقراط در جواب او گفت صحیح است ولی فخر و شرافت قوم تو به شخص تو منتهی میگردد ولی از طرف من شرافت قوم شروع میشود پس در این صورت من برای قوم خود موجب فخرم و تو باعث ننگ.

شیخ بهائی

شکسته نفسی میکنند تا خود را بیش از آنچه هستند نشان دهند.

وی وید

شکسپیر گفته است که ما مخلوقاتی هستیم که به پیش و پس نگاه میکنیم مایه تعجب است که اندکی به پیرامون خود نظر نمی کنیم تا ببینیم در زیر چشم ما چه چیزها میگذرد.

هومبولت

شتر کوهان خودش را نمی بیند اما کوهان همسایه اش را بخوبی مشاهده میکند.

مثل مراکشی

غرور که یافتی لقب حماقت را از آشنایان انتظار داشته باش.

مثل انگلیسی

غرور روشنترین نشانه بلاهت است.

؟

قلب مغرور و خودخواه هرگز نمیتواند از سرگیجه و بیحوصلگی بگریزد.

گوته

کسیکه از خود راضی گشت دشمنان او فراوان خواهند بود.

امام هادی (ع)

کسیکه بر دیگران حکومت میکند باید نخست حاکم بر خود باشد.

فیلیپ ماسینجر

کسیکه نتواند جلو تمایلات و شهواتش را بگیرد به سهولت بنده و غلام کسانی میشود که برآورده شدن این احساسات را به او وعده میدهد.

گوستاو لوبون

کسیکه غرور دارد حاضر است گم شود و راه را از دیگران نپرسد . — مثل عربی

ما هیچکس را صاحب عقل و رأی رزین نمیدانیم مگر آنهائی که با ما هم عقیده باشند. — لاروشفوگو

ما دوست نداریم دیگران ما را فریب دهند ولی از فریب دیگران عبرت نمیگیریم . — پاسکال

مردمان دژم درباره زندگی و جهان نظر خودخواهانه دارند یا بخوشبختی دیگران رشک میبرند و یا چنان گمان دارند که اصلاً سعادت و خوشبختی وجود ندارد . — سیمونز

مرغان دیگری هم هستند که بالاتر میپرند . — نیچه

میدانیم که چیستیم و نمی‌دانیم که چه میشویم . — شکسپیر

می بینی که دیگران هم می بینند پس چرا درنمی یابی که دیگران هم درمی یابند . — سعید نفیسی

میروند در قبرستان فریاد میکنند تمام این ها نوکران پدر من بودند کیست که بلند شود و تکذیب کند . — مثل عربی

نفرین باد بر کسی که بار خود را بر دوش دیگران بگذارد . — حضرت رسول (ص)

نخستین گام مرحله تکامل خودشناسی است . — حضرت امیر (ع)

نخست خواهند پرسید هنرت چیست و نگویند پدرت کیست . — سعدی

نوع پرستی خودپرستی بزرگتری است . — هاری هورتون

هرچه شخص نجیب تر باشد غرورش کمتر است . — مثل دانمارکی

هرگز روا نیست بگوئیم «من» میگوئیم . — مادام نکار

هرکس حدود میدان دید خود را حدود دنیا می انگارد این اشتباه فکری باندازهٔ اشتباه بصری که ما را وادار میکند خیال کنیم آسمان و زمین در افق بهم می پیوندد چاره ناپذیر است . این امر بسیاری از حقایق را توضیح میدهد از جمله اینکه هرکس دیگران را با معیاری که خود در اختیار دارد و این معیار غالباً بطول تر خیال است می سنجد و ما ناچاریم با این موضوع حق بدهیم و همچنین این حقیقت را آشکار میسازد که هیچکس حاضر نیست ما بلندتر از او باشیم و این فرضی است که مسلم تلقی میشود . — شوپنهاور

همه میخواهند بشریت را عوض کنند ولی دریغا که هیچکس در این اندیشه نیست که خود را عوض کند . — تولستوی

هنگامی از دیگران ناراضی میشویم که از خود ناراضی هستیم . — ؟

هنگامیکه از خوبیهای مردم سخن میگوئیم درباره خود حرف میزنیم و هنگامیکه از بدیهای مردم سخن میگوئیم درباره دیگران . — والتر

هیچکس نیست که همیشه مطابق میل شما رفتار کند . اول خود شما . — حجازی

هیچ چیزی مانند خواست ما چیزها را طبیعی جلوه گر نمیسازد . — لاروشفوکو

هیچ چیز باندازهٔ آنکه بخواهیم خود را طبیعی نشان دهیم از طبیعی بودن ما جلوگیری نمیکند . — لاروشفوکو

هیچ کس آنقدر مهارت ندارد که بمقام بدیهائی که میکند پی ببرد . — لاروشفوکو

هرچه آدم بالاتر رود سقوطش شدیدتر است . — مثل لاتینی

هرکس از صدای کفش خودش خوشحال میشود ولی صدای کفش دیگران او را ناراحت میکند . — غ - د

آنکه خود را شناخت نتواند / آفریننده را کجا داند

امیر خسرو دهلوی

آئینه جسمی و تو جان همه را / یعنی خود را بدان که دانی همه را

راز دو جهان و مهر و ذره آن / از خود بشنو که ترجمان همه را

سحابی

ای سالک معنی پر اخلاص و بار / که شد ثروتت مدام زیار

زچه از ما سلام میخواهی / کرنش و احترام میخواهی

مگر از این تمول سرشار / بکنی سیدی تو ناک و نیار

جمشید

گر بشناختی خود را به تحقیق / هم از عرفان حق یابی تو توفیق

نماند بر تو پنهان هیچ حالی / ببینی از جهان درد و ملالی

بصیر خسرو

ساعتی در خود نگر تا کیستی / از کجائی و زچه جائی چیستی

بهر چه عمری در اینجا زیستی / جمع هستی را بزن بر نیستی

خوشبختی - بدبختی

آدم بدبخت همه لوازم خوشبخت بودن را در اختیار دارد بجز اراده خوشبختی. ؟

آدمی آنقدر که از فکر حوادث آینده ناراحت میشود از خود آن حوادث ناراحت نمیشود و بدبختانه فکر اینکه چه حوادثی فردا روی میدهد همیشه بر ما غلبه دارد. مونتن، فیلسوف فرانسه

آلام و ناراحتی ها فکر انسان را قوی مینماید. ناپلئون

آدم عاقل برای هر پیش آمد ناگواری مهیاست. محمد حجازی

آنچه را که ما بنام خوشبختی مینامیم نبودن بدبختی است ولی خوشبختی حقیقی چیزیست که هیچیک از افراد بشر تاکنون ندیده اند. تر لینگ

آنکه گردار به سخاوت بیاراید و گفتار به راستی در این جهان نیک بخت است. بوذرجمهر

آنچه برای خوشبختی مورد احتیاج است یک آب باریک است و آنچه ما برای گرفتاری و رنج خود بآن محتاجیم یک دریا. حجازی

آنچه جهان بما میدهد و آنچه خوشبختی نام دارد بازیچه ای بیش نیست فقط آنچه در ماست از ماست. لاوات

آنکه نیکبختی خود را بدست دیگری میداند بسی ناکامی خواهد کشید. حجازی

آنچه انسان را در زندگی محزون میکند فقر و بیماری و رنج نیست بلکه غرور و جاه طلبی و خودخواهی و گناه است. ابوالعلا

ارزش زندگانی فقط از روی میزان نشاط و خرمی انسان است و بس و اگر تمام ثروت روی زمین و کلیه وسایل ممکنه آسایش را در دسترس کسی قرار دهند ولی قوهٔ نشاط در او نباشد بدبخت ترین اشخاص همان او است . محمد مسعود

از سعادت واقعی، سعادت میزاید این دور تسلسل تا ابدیت باقی است . ؟

اسباب خوشبختی خود را از دیگران میخواهیم و مدام از بی گذشتی و نامهربانی آنان شکایت داریم در حال آنکه اسباب خوشبختی همه در دست خود ما است . تنها از ما بی گذشت تر و نامهربان تر نسبت بخود مان هیچکس نیست . حجازی

اشخاص زیرک از بدبختی و گرفتاری های دیگران متنبه میشوند ولی اشخاص ابله از بلاهای خود عبرت میگیرند . فرانکلین

اشکهای دیگران را مبدل به نگاههای پر از شادی نمودن بهترین خوشبختی ها است . بودا

اعتقاد به بخت و قسمت بدترین نوع بردگی است . اپیکتت

اغلب مردم نیمی از عمر را صرف بدبخت نمودن نیم دیگر مینمایند . شان فور

اکثر خلایق بهمان قدر که مصمم هستند نیکبخت باشند به نیکبختی میرسند لینکلن

اگر فقط طالب سعادت باشیم سهل الحصول است ولی میخواهیم سعید تر از دیگران باشیم و این مشکل است . مونتسکیو

اگر میخواهی خوشبخت باشی برای خوشبختی دیگران بکوش زیرا آن شادی که ما بدیگران میدهیم بدل خود ما برمیگردد . بتهوون

انسان خوشبخت نمی شود اگر برای خوشبختی دیگران نکوشد . دوسن پیر

انسان خود را نمی شناسد مگر هنگام فقر و بدبختی . آلفرد دوموسه

انسان هر وقتی از پیش آمد آتیه درباره خود اندیشید و از آن بیم و هراس در خاطرش نشانید آن خطر زودتر او را تعقیب میکند ابن سینا

انسان خوشبخت آن کسی است که حوادث را با تبسم و اندکی دقت بعلت وقوع آن متلقی و قبول نماید . مترلینگ

ایکه در بند آسایش و خوشبختی هستی چرا آسایش را از دیگران دریغ میداری . سعید نفیسی

این درست است که بدبختی از خارج بانسان وارد میآید اما طرز عمل او در داخل زندگی یعنی در باطن وجود ما بسته بدستوری است که از ما دریافت میدارد یعنی بر طبق استعدادیکه در وجود ما می بیند خرابکاری یا آبادانی مینماید . مترلینگ

این خوشبختی ماست که هیچ چیز کامل در جهان وجود ندارد مثل سوئدی

ای مردم چرا سعادت را در خارج میجوئید؟ سعادت در درون شماست . ؟

باید اعتراف کنیم که خوشبختی ما در اختیار خودمان است . وقتی در آفتاب ایستاده ایم اگر پشت بخورشید کنیم سایه را جلوی خود می بینیم و اگر روی خود را بطرف خورشید برگردانیم جز نور صفا چیزی نمی بینیم . لود آویبوری

با آب ساده و نان خشک و بازو زیر سر همچنان میشود خوشبخت بود . کنفوسیوس

با مشکلات میجنگیم که بآسایش برسیم وقتی به آسایش رسیدیم آسایش را غیر قابل تحمل می یابیم . بروکس آدامز

بخاطر بسپاریم که تنها راه تأمین خوشبختی این نیست که متوقع حق شناسی از دیگران باشیم . بلکه خوبیهائیکه بآنها میکنیم باید فقط بمنظور تأمین مسرت باطن خودمان باشد . دیل کارنگی

بدبختی منحصر بجانوران و انسانها نیست بلکه روئیدنیها هم خوشبخت و بدبخت دارند و با اینکه درخت بیگناه است و از جای

خودلکان بسوزد و صدایش در نیاید باز از بدبختی مصون نیست .
مترلینگ

بدبختی مربی استعداد است .
هوگو

بدبختی ها را فراموش کنید تا خوشبخت شوید و اگر خوشبختی ها را از یاد ببرید آدم بیچاره و بدبختی خواهید بود . مترلینگ

بدبختی همیشه محصول غلط اندیشی است . ریشه حوادث و اتفاقات در خودمان نهفته شده است -

حوادث محصول بذرهائی است که ما پاشیده ایم .
؟

بدبختی را نباید از روی ماهیت شری که حادث شده اندازه گرفت بلکه وسیله اندازه گیری آن حالت و مزاج شخصی است که آن را تحمل میکند .
ادیسون

بدبختی و بیچارگی ذره بین بسیار بزرگی است که خطایا نقایص انسان را صد برابر و هزار مقابل بزرگ میکند .
؟

هیچ بدبختی بزرگتر از ناراضی بودن نیست .
لائوتسه

برای خوشبخت زیستن شرایط مهمی لازم نیست بلکه این قدرت روحی ماست که سبب خوشبختی ما میگردد .
بالزاک

برای رسیدن بخوشبختی قواعدی وجود دارد در نظر هوشمندان هر امری اتفاقی نیست .
گراسیان

برای وصول بخوشبختی فقط یک راه موجود است و آن کاستن نگرانی درباره چیزهائی است که مافوق قدرت ما هستند . اپیکتت

بزرگتر از آرامش فکر خوشبختی نیست .
بودا

بزرگترین بدبختی آنست که طاقت کشیدن بار بدبختی را نداشته باشیم
باس

بسا خوشبختی ها یکه در اثر عدم استفاده صحیح از آنها بیشتر از بدبختی باعث خانه خرابی افراد شده است . — ابوالعلاء

بشر بخوشبختی خیلی زود عادت میکند و چون خیلی زود عادت میکند خیلی زود هم فراموش میکند که خوشبخت است . — اندره موروا

بعقب نگاه نکنید ممکن است خوشبختی را که روبروی شما دارد از دست بدهید . — ؟

بعضی خنده ها از گریه بالاتر است . — دیل کارنگی

بنا کردن عمارت خوشبختی انسانی بسیار دشوار و خراب کردن آن سخت آسان است . — ؟

بهترین درمان برای قلوب شکسته اینست که دوباره بشکنند . — سام منتز

بجهت بامینو و آنسو مندوید و راههای دور و دراز نپیمائید . باعث سرنوشت شوم خود را در خودتان جستجو کنید و راز نیکبختی را نیز در وجود خویشتن بیابید . چرخ را کج مدار خواندن و گناه را بگردن مریخ و زحل انداختن کار مردان خردمند نیست . — راشد

بیشتر بدبختی های ما قابل تحمل تر از تفسیرهائی است که دوستانمان درباره آنها میکنند . — کولتون

بیشتر اوقات بدبختی ما ناشی از اینست که مانند بچه های بی تربیت نعمتهای بیکران خود را فراموش کرده و برای داشتن چیزی گریه میکنیم که از دسترس ما بیرون است . — م. ز. ساواڈ

بیشتر مصائب و مشکلات ما آنهائیست که بقوه خیال برای خودمان ایجاد کرده ایم و در عالم خارج وجود ندارد و اگر هم داشته باشد آنقدرها مهم نیست . — لرد آویبوری

بدبختی آن نیست که میتوان از آن برحذر بود بلکه آن است که گریزی از آن نیست . — مثل چینی

بدبختی در کنار خوشبختی ایستاده است . — مثل یوگسلاوی

بدبختی همیشه از دری وارد میشود که برای او باز گذاشته اند . — مثل چکسلواکی

پس از همه حرفها بدترین بدبختی ما هرگز حادث نمیشود و بیشتر بدبختی ها در آن است که از پیش بفکر آنها افتاده ایم . — بالزاک

تا زمانیکه ننگ و جنایت دوام دارد... هیچ ندیدن و نشنیدن برای من منتهای خوشبختی است . — میکلانژ

تا بدبختی را نشناسیم هیچوقت راه بدست آوردن و نگهداشتن خوشبختی را یاد نمیگیریم . — داوید وایت

تا کی غصه بخوریم تا کی از مردم کناره گیریم مگر جوانی ما بازگشتنی است مگر بما عمر دوباره خواهند بخشید تا خانواده ای بوجود آوریم . — جواد فاضل

تکبر، تشخص، خودپرستی، عشق بخود، خودخواهی و تعصب به عقاید و شخصیت خود بزرگترین سد راه حصول خوشبختی است . — ؟

تو از بدبختی خود ناله میکنی اگر ملاحظه کنی که دیگران چقدر رنج میکشند آهسته تر ناله خواهی کرد . — شیلون

جامعهٔ نیکبختان جهان، خوشبختی را از دو چیز یافته اند تارش از خوشی و نیکوکاری و پودش از سازگاری و مردمداری ؟

چون مردم کمتر متوجه سعادت هستند، بدبختی ها بیشتر نمایان است ظلم و ستمگری را عادی می پندارند و سعادت و عدالت را جزو اتفاقات فرض میکنند . — مترلینگ

چیزیکه موجب غصهٔ دیگران نمیشود چرا باعث غصهٔ ما باشد . — حجازی

حقیر شمردن مرگ یکی از مهمترین راههای خوشبختی است . — مونتسن

خوشبختی اقلاً برای آسایش خیال خویش اینقدر نسبت بدیگران بدبین و خرده گیر نباشیم و اشتباهات آنها را ندیده حلم و متانت بگیریم اعمال و اقوال‌شان را از نظر دور داشته در عین حال موقعیت آنها را بخاطر بیاوریم تا گناهان کوچک و ناچیز و خوبی‌هایشان بزرگ و قابل توجه شود . لرد آویبوری

خوشبختی توپی است که وقتی می غلطد بدنبالش میرویم و وقتی توقف میکند بآن لگد میزنیم . شاتوبریان

خوشبختی یعنی هماهنگی آمال ما با حوادث روزگار . گوستاو فلوبر

خوشبختی کالائی است که طبیعت آنرا به قیمت بسیار گران بما میفروشد . ولتر

خوشبختی در اینستکه حدود همه چیز را بشناسیم و بآن احترام بگذاریم . رومن رولان

خوشبختی بر سه ستون استوار است . فراموش کردن گذشته . غنیمت شمردن حال و امیدوار بودن به آینده . مترلینگ

خوشبختی جستن خوشبختی است نه یافتن آن . ؟

خوشبختی ، نشانه سلامت روح است . ویلیام جیمز

خوشبخت ترین موجود کسی است که خوشبختی را در خانه خود جستجو میکند . گوته

خوشبختی وجود ندارد و ما خوشبخت نیستیم اما میتوانیم این حق را بخود بدهیم که در آرزوی آن باشیم . چخوف

خوشبخت ترین فرد کسی است که بیش از همه سعی کند دیگران را خوشبخت سازد . لادوشفوکو

خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته است . سنت بود

خوشبخت کسی است که حاکم بر وجود خویشتن باشد .   ؟

خوشبختی و وسائل آن در سازش و هم آهنگی با دیگران بدست میآید .   ؟

خوشبختی یگانه چیزیست که میتوانیم بی اینکه خود داشته باشیم دیگران را از آن برخوردار سازیم .   کارمن سیلوا

خوشبخت کسی است که امروز را از خود دانسته با فراغ خاطر فریاد زند که ای فردا هر چه از دستت بر میآید کوتاهی مکن

زیرا امروز را گذرانده ام .   هوراس

خوشبخت کسی است که ضرب المثل افتخار ملت باشد .   ؟

خوشبخت کسی است که راه قدردانی خدمت دیگران را میداند و شادی دیگران را بقدر شادی خود حس میکند .   گوته

خوشبخت نبودن گناهیست عظیم .   ابوالعلا

خوشیهای کوچک خوشبختی بزرگ میسازد .   الفونس کار

خوشبختی همچون وفا عشق نیکی محبت انصاف ، زندگی جاوید و این قبیل خواستنی ها ، آرزوئی است که طبیعت در نهاد

ما گذاشته و بهانهٔ زنده بودن ما قرار داده وگرنه این آرزوها در دنیا شدنی نیست .   حجازی

خوشبختی مال آن کسانی است که افکار خود شان را بطرف چیزی غیر از خوشبختی خود شان معطوف میسازند . استوارت میل

خوشبختی مانند پروانه ایست اگر او را دنبال کنید از شما فرار میکند ولی اگر آرام بنشینید روی سر شما خواهد نشست . داویدهیوم

خوشبختی هر روز یکبار در منزل را میزند ولی بدبختانه صاحب خانه در آن موقع در منزل همسایه است و صدای را نمیشنود . برنارد شاو

خوشبخت کسیکه بتواند از بدبختی‌ها و نومیدیهای زندگی که دیگران از آن مینالند برای خود خوشی تولید کند و از آن برخوردار شود.

مترلینگ

خوشبختی و نشاط و شادی مُسری است بنابراین همواره کوشش کن که خود را در میان افراد خانواده و دوستان و آشنایان گشاده‌رو و دلشاد و خوش بین جلوه‌گر سازی.

ویکتور پوشه

خوشبختی در دنیا وجود ندارد زندگی ما عبارت است از محاکمه و یا تنبیه کردن و یا پاداش گرفتن و یا انجام اعمال احتیاطی.

ولتر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند.

کودنی

خود را بخاطر خوشگذرانی بدبخت مکن.

؟

خوشبخت کسی است که قرض ندارد.

؟

خوشبخت کسی است که دم را غنیمت بشمارد و بخود میگوید من امروز خوشم تا فردا چه پیش آید.

ودایدن

خوشبختی هر کس با دیگری فرق دارد آنکه فرزند ندارد معتقد است که پدران و مادرانی که به تربیت اولاد خود مشغولند سعادتمندترین افراد روی زمین هستند آنکه نابیناست و آنکه فلج است یکجفت چشم و یکجفت پا را سعادت و خوشبختی میدانند عدهٔ زیادی از مردم روی زمین آرامش روحی را بزرگترین سعادت و پیروزی خود برای گذران پنجروزه عمر میدانند. غ. ذ.

خوشبختی را یکبار دیدم آنهم موقعی بود که احساس میکردم بار نخبا یکه در دورهٔ عمر متحمل شدم و به جنگ کار خلاقه توانستم

از پله های عروج و پیروزی بالا روم . غ - ذ

خیلی ها از من میپرسند که چگونه توانستی بر فلاکت و ادبار و بدبختی غالب شوی انگشتان و کف دستها و شیارهای که ایام بر چهره ام باقی گذاشته بود با نهانشان دادم اراده کردم رنج کشیدم و نخواستم برابر هر قدرتی سر تعظیم فرود آورم بکار پرداختم و نتیجه گرفتم . غ - ذ

در میان امواج در جاده های پر فراز و نشیب و در دریا ها بدنبال خوشبختی میدویم در حالیکه خوشبختی در اینجاست . هوراس

دریغا که زیبائی در راه خوشبختی ما چه غول راهزنی است . حجازی

در دنیا هیچ چیز باندازه بدبختی کامل نیست . بالزاک

در دنیا کسی بدبخت تر از آن آدمی نیست که پیوسته میکوشد خود را بصورتی درآورد که جسماً و روحاً هرگز آنطور نیست . آنژلو پاتری

در روز سیاه و بدبختی تنها یار مشفق است که با همدردی و دلجوئی بار محنت را بر ما آسان میکند . سیسرون

در منتهای فلاکت و بدبختی باندک چیزی میتوان دلخوش و بی نیاز شد . ژان ژاک روسو

دست توانای بدبختی و مصیبت بهتر از انگشتان نیکبختی و اقبال به خطاها و اشتباهات را بانسان نشان میدهد زیرا سعادت و اقبال هرگز حقایق اشیاء را به چشم انسان ظاهر نمیسازد و او را بر باطن امور این عالم واقف نمی نماید . دانیال

دوری از مردم شریر دریچه سعادت و نیکبختی است . بتهوون

دیوار بین خود و خوشبختی را بدست خودمان بنا میکنیم . ؟

در هر بدبختی یک جنبهٔ خوبی هم وجود دارد .

مثل فرانسه

دل دانا در ایام خوشبختی مانند گل نیلوفر نرم است و در هنگام بدبختی مانند صخرهٔ کوه قرص و محکم .

؟

ذخایری که انسان در وجود خود همراه دارد اساس و شالودهٔ خوشی و نیکبختی است

شوپنهاور

سعادت در این نیست که چقدر توانگریم . بلکه در آن است که چقدر از آنچه در اختیار مان هست استفاده میکنیم

؟

زندگی پارچه ایست که از تار و پود مسرت و نکبت بافته شده در مقابل نیش نوشی نهاده و با هر شهدی شرنگی

آمیخته اند ، هر کس از غم و رنج بهره ای دارد چیزیکه هست بعضی اشخاص برکات و مواهب حیات را منکر شده اند و

در جهان جز رنج و بدبختی و فلاکت و نکبت چیزی نمی بینند .

لرد آویبوری

سعادت گلی است که میتواند از وزش یک نسیم ضعیف افسرده و پژمرده گردد .

؟

سعادت و یا بدبختی بشر با ثروت ارتباطی ندارد بلکه مربوط و منوط بخلق و خوی اوست .

لاردو سفوکو

سعادت واقعی دستیابی به تمام چیزهانیست که طرف آرزو و تمایل انسان است و تا انسان مقهور طبیعت

و بازیچه پیش آمدهاست هرگز سعادتمند نخواهد گردید .

نظام وفا

سه راه خوشبختی عبارت است از بدی ندیدن و بدی نشنیدن و بدی نکردن .

مثل چینی

شاید خوشبختی زائیدهٔ تخیلات ما باشد .

؟

شخص عاقل و هوشیار هر جا قدم گذارد سعادت و فراغت بال همراه اوست زیرا در جهان بجز خوبی و زیبائی -

چیزی نمی بیند . شکسپیر

طبیعت عصبانی و تند و ناراضی همیشه از نیمه راه باستقبال غصه و تشویش میرود . اسمایلز

علت بدبختی و بیچارگی ما داشتن فرصتهای زیاد است که صرف تفکر درباره خوشبختی و بدبختی میگردد . شاو

غالباً مردم بدون جهت از بدبختی مینالند گویا نمیدانند که تصور بدبختی مولد بدبختی است . لود آویبوری

غالباً باین نتیجه میرسیم که آنان که پیوسته از بخت بد خود مینالند تنها حاصل غفلت ها و نادانی کاریها و بی تدبیریهای خود را درو میکنند . اسمایلز

غالباً بساط عیش را می چینند و به غصه خوری می نشینند . حجازی

غنچه خوشبختی در جای تاریک و بیصدا و گودی پنهان است که بسیار نزدیک ماست ولی کمتر از آنجا میگذریم و آن دل خود ماست . مترلینگ

فراموشی سرپوش تمام غصه هاست . نظام وفا

کسیکه از چیز کمی خوشبخت نشود از هیچ چیز خوشبخت نخواهد شد . اپیکور

کسیکه بدبختی را با عزت تحمل میکند خوشبختی را نیز با همان عزت تحمل خواهد کرد زیرا کسیکه اولی را تحمل نمود در مقابل دومی از جا در نخواهد رفت . فیلدینگ

کلید سعادت و خوشبختی ما در اختیار پندار و گفتار و کردار ماست . مثل چینی

کسیکه در جستجوی خوشبختی از خانه بیرون میرود دنبال سایه میرود.

مثل چینی

کسیکه انتظار آسایش دارد باید کر، کور و لال باشد.

مثل ترکی

گاهی اوقات اندیشه مفید است اما برای خوشبخت شدن نباید زیاد اندیشید.

گوستاولوبون

گاه لازم است که انسان دیدگان خود را ببندد زیرا اغلب خود را به نابینائی زدن نیز نوعی خوشبختی است.

نیوتن

ما دیگران را بیش از آنچه حقیقتاً نیکبخت هستند تصور میکنیم.

مونتسکیو

ما باید برای خوشبخت زیستن موقعیت های مناسب ایجاد کنیم نه اینکه در انتظار آن باشیم.

فرانسیس بیکن

مرگ مهم نیست خوشبخت نبودن مهمترین چیز هاست.

ویکتور هوگو

هرگاه تمام بلایا و مصائب بشر را در یکجا جمع نمایند و در میان مردم تقسیم کنند، بدبخت ترین مردم چون سهم خود را ببینند از سهم نخستین خویش راضی شده لب از شکایت می بندند.

سقراط

هزاران راه به خوشبختی منتهی میشود اگر یکی از آنها مسدود شد راه دیگری انتخاب کنید

یورسن

همه بدبختی ها از درون ما بر میخیزد و سبب آنها خود ما هستیم. ما بهوا می پنداریم که آنها از بیرون میآیند در صورتیکه خود ما آنها را در توی خودمان و با سرنوشت خودمان میسازیم.

اناتول فرانس

هنگامیکه بخوشبختی فکر نکنید خوشبخت هستید.

شارژوردن

هیچ کس نمیتواند تا وقتیکه زنده است دم از نیکبختی زند پس از مرگ میتوان در بدبختی یا نیک بختی او قضاوت کرد.

اوید

هیچ موجودی بدبخت تر و ناکام تر از کسی نیست که از روزگار خود عقب باشد . — سعید نفیسی

هیچ درد و غصه ای نیست که دوا نداشته باشد اما چه بسا که دوا نمیخواهیم و با درد و غصه میسازیم . — حجازی

هیچکس تا ساعت آخر عمرش نمیتواند خود را خوشبخت یا بدبخت بداند زیرا سعادت و نکبت در پس پرده هزاران حوادث مخفی است و هر ساعت ممکن است صفحهٔ حیات انسان با با دحوادث بصورت معکوس برگردد . — محمد مسعود

هیچکس تا آن اندازه که تصور میکند بدبخت و یا خوشبخت نیست . — لاروشفوکو

مردم هرگز خوشبختی خود را نمی شناسند اما خوشبختی دیگران همیشه در جلو دیدگانشان مجسم است . — ؟

مشکلات نشان میدهد هرکس چند مرده حلاج است . — اپیکتیتوس

مصائب خودتان را مانند لباسهای خودتان باکمال بی اعتنائی تحمل کنید . — شکسپیر

مقصود از زندگانی فقط خوشبختی نیست بلکه تکامل آن است . — مادام داستاهل

موقع روی آوردن مصیبتی از خود بپرسید : بدتر از بدش چه خواهد بود ؟ خود را از قبول آن در صورت لزوم آماده کنید ، آنوقت با آرامش خیال در رفع و اصلاح آن بدتر از بد بکوشید . — دیل کارنگی

مردان در اوقات خوشبختی نسبت به سایر افراد همدردی نشان میدهند و زنان در اوقات بدبختی . — مثل چینی

نصف بدبختی های این دنیا از فقدان صراحت و کتمان حقیقت ناشی میشود . — سرآرثور هیس

نعمتهای خود را بشمار نه محنه و مشتها را : — دیل کارنگی

نگذارید موریانهٔ نگرانی بنای زندگانیتان را واژگون کند. — دیل کارنگی

نیکبختی و سعادت جز یک ستاره و یک وقفه میان دو بدبختی دو مصیبت و دو ناکامی و دو بیماری چیز دیگری نیست. — مترلینگ

نیکبختی من کامیابی من قبول عام من سود و نفع من بیشتر وابستهٔ مهارتی است که در معاشرت با ابناء نوع خود توانم بکار ببرم. — دیل کارنگی

نیکبخت آنکه خورد و کشت و بدبخت آنکه مرد و هشت. — سعدی

نیکبخت کسی است که نه از مردن کسی شاد شود و نه کسی از مردن او شاد گردد. — سعید نفیسی

نیکبخت آن کسی است که آموزگارش روزگار بوده باشد. — سعید نفیسی

لذتهای ما سطحی و دردهای ما عمیق است. — مثل چینی

وجود انسان ترکیبی است که خوشبختی را بخود نمی پذیرد. سعادت آب است و ما غربال و یا بحقیقت شعله ایست که یک لحظه جان ما را میسوزد و میگذرد و ما را در سوز و گداز میگذارد. — حجازی

وقتی خوشبخت هستیم همیشه خوب جلوه میکنیم امّا وقتی خوب باشیم همیشه خوشبخت نخواهیم بود. — اسکار وایلد

وقتی کسی خوشبخت بود میترسد زیرا خوشبختی اسباب ترس را فراهم میآورد. — مترلینگ

وقتی انسان آرامش را در خود نیابد جستجوی آن در جای دیگر کار بیهوده ای است. — لاردشفوگو

هر کس زنجیر طمع را دور بیندازد، بدبختی از او دور میشود مانند قطرهٔ آب که روی برگ گل میلغزد و میریزد. — بودا!

هر کس آن چیزی را که ندارد، رسیدن به آن را خوشبختی میداند. سعید نفیسی

هر چه انسان از سرمایهٔ نشاط و خوشبختی خود به دیگران سهم میرساند بر میزان اصلی آن میافزاید. زیرا مهربانی مولد مهربانی است.

هر کس لفظ خوشبختی را بنا بر خواهش طبع خود بنا بر احتیاجهای خویش از روی منافع و اغراض شخصی و موافق احساسات خویش تعبیر میکند. سعید نفیسی

هر چه ما را محدود میکند ما اسمش را میگذاریم بخت و اقبال. امرسون

هر بدبختی که بمن رسیده از اطمینان و اعتماد به دوستانم بوده. ژان ژاک روسو

هرگز نگوئید سرنوشت من بد است و سرنوشت خود را مورد توبیخ قرار ندهید حتی در موقعیکه شخصی گرفتار آلام جسمانی بزرگ شده اگر فکرش کوچک و روحش محدود و همتش کم نباشد میتواند به سرنوشت خود غلبه کند. متولینگ

یکی از بهترین طرق خوشبخت شدن اینست که انسان معتقد باشد که واقعاً خوشبخت است و یا روزی خواهد شد. گوستاولوبون

یک راه بیشتر برای خوشبختی وجود ندارد آنهم کاستن نگرانی درباره چیزهائی است که مافوق قدرت ما قرار گرفته‌اند. اپیکتتوس

یگانه راه برای افزودن خوشبختی بر روی زمین آنست که تقسیمش کنید. پول شرد

یک بدبختی بد. بدبختی دیگر را پشت خود حمل میکند. مثل دانمارکی

یک نیمه روز خوشبختی ارزنده‌تر از یک سال بدبختی است. مثل آفریقائی

یک لحظه شادی غمها را نابود میکند و خوشبختی را بارمغان میاورد. خوشبختی فقط داشتن ویلای قشنگ اتومبیل گران قیمت

و پول زیاد نیست بلکه خوشبختی داشتن تنی سالم و اعصابی آرام است.

غ - ذ

بکوشید تا رنجها کم کنید — دل غمگنان شاد و خرم کنید

چو روزی بشادی همی بگذرد — خردمند مردم چرا غم خورد

فردوسی

جهان غم نیرزد بشادی گرای — نه از بهر غم کرد ایزد سرای

جهان از پی شادی و دلخوشی است — نه از بهر بیداد و محنت کشی است

نباید بخیره بر ستم داشتن — نباید بخیره درد و غم داشتن

بیا تا نشینیم و شادی کنیم — دمی در جهان کیقبادی کنیم

دلی شاد که سرمایه زندگی است — به تلخی سپردن نه فرخندگی است

نظامی

همان بهتر که دایم شاد باشیم — ز هر درد و غمی آزاد باشیم

بخوشروئی و خوشخوئی در ایام — همی رو تا شوی خوشدل در انجام

اگر خوشدل شوی در شادمانی — بمانی شادمانی جاودانی

ناصر خسرو

خود را شگفته دار بهر حال که هست — خونابه که میخوری بدل روزگار کن

صائب

خیانت

آنکه در قلیل خائن بود در کثیر هم خائن بود .　　حضرت عیسی (ع)

آدمی هرگز بدکار و خبیث بدنیا نمی آید بدکاری و خباثت نیز بیماری عارضی است　　ولتر

از گناه تنفر داشته باش نه از گناهکار .　　گاندی

استفاده از حاصل زندگی دیگران را نباید بحساب زندگی خود بدانیم .　　غ - ذ

اعتقاد مردمانی که از دیگران سیگریزند براین پایه نادرست بنا شده است که بدی معدوی را دلیل بدبی همگان میدانند　　؟

ایمن مباش از شر کسی که برای خود ارزش قائل نیست .　　امام هادی (ع)

با هر که بدی کردی تا دم مرگ از او بیندیش .　　؟

با تخم مرغ روی سنگلاخ بازی مکن .　　مثل نروژی

بشر بی رحم ترین حیوانات نسبت به خود است .　　نیچه

بجائی که کوزه خودت را گذاشته ای سنگ پرتاب مکن .　　مثل آفریقائی

پای دیوار کندن و ساکت نشستن کار خردمندان نیست .　　؟

پادشه را بر خیانت کسی واقف مگردان مگر آنکه بر قبول کلّی واثق باشی وگرنه در هلاک خویش همی کوشی . گلستان سعدی

تقصیر اوّل نیمکت را برای تقصیر دوم آماده میکند . مثل چکسلواکی

جائی که نمک خوری نمکدان مشکن . ضرب المثل ایرانی

جنایتکار وقتی مرتکب یک گناه شد ارتکاب دیگری برایش آسان است . ؟

چرب زبانان اغلب نیتی ناپاک در قلب میپرورانند . ولتر

حیله و خیانت اغلب از اشخاص ناتوان سر میزند . لاروشفوکو

حتی بهترین چوب ممکن است گرفتار موریانه گردد . مثل افریقائی

خائن همواره خائف است . عربی

خطا اگر ندانسته انجام شود اشتباه است و اگر دانسته تبهکاری است . برتوله برشت

خطاهای بشری اوّل رهگذر و بعد میهمان و چندی نمیگذرد که صاحب خانه میشوند . ولتر

خطائی کردن و آن را اصلاح نمودن خود بمنزله ارتکاب خطای دیگری است . کنفوسیوس

خطاهای مرد آزاده مانند تاریک شدن آفتاب یا ماه است اگر او خطائی بکند همه آن را می بینند و اگر خطای خود را اصلاح کند، هم همه مردم درمییابند . کنفوسیوس

در خائن بودن کافی است که مرد امین از خیانت کاران باشد . امام جواد

دزد آن کسی است که گیر نیافتد .
مثل آفریقائی

فساد درۀ عمیقی است که هر که به قلۀ آن برشود بقعرش اندر افتد .
منفلوطی

ضعیف ترها از راه های مخفی همواره بداخل حصن حصین و زوایای قلب اشخاص قویتر خزیده و در آنجا برای خود با دزدی کسب قدرت میکنند .
نیچه

کسیکه یکبار سیم دزد همیشه خواهد دزدید .
مثل اسپانیولی

کشتن گنجشکها کرکس ها را ادب نمیکند .
؟

ننگ بر آنکه سود و جاه خود را در ویرانی دیگران بجوید .
؟

هر که خیانت ورزد دستش در حساب بلرزد .
؟

هیچکس نمیتواند فرد ضعیف را با تضعیف فرد قوی تقویت کند .
لینکلن

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
ای برادر سیرت زیبا بیار

سعدی

کسی کز امانت ندارد نصیب
چو بر پیشش آید نماند غریب

خیانت ز هر فعل بد بدتر است
تمام بدیها در او مضمر است

*

؟

چون امانت کسی نکو دارد
کیمیای سعادت او دارد

وانکه او دست بر خیانت برد
گر بزرگست زود گردد خرد

جواهر الاخلاق

مکن در امانت خیانت بکس
گر عاقلی بهرت این پند بس

*

هر که با مردمان خیانت کرد
نرسد هرگز او به نعمت و ناز

مؤتمن آن کسی بود که برو
چون امانت دهی دهد بتو باز

سعدی

دانائی و نادانی

آدم دانا هر قدمی که برمیدارد، جای قدم دیگرش نمایان و روشن خواهد شد . حجازی

آدم احمق در همه جا هست حتی در تیمارستان . بونارد شاو

آدم باهوش در دسرهای بزرگ را بدردسر کوچک تبدیل میکند و دردسرهای کوچک را از بین میبرد . مثل چینی

ابله همیشه دنبال ابله بزرگتر میگردد که او را تحسین کند . بوالو

از نادانان بیش از متقلبان باید ترسید . کویستین

استهزاء فرزند نادانیست ما چیزهائی را باد تمسخر میگیریم که کاملاً درباره چگونگی آنها بی اطلاعیم . بالزاک

اشخاص ضعیف النفس نمی توانند صمیمی باشند گاهی هوش و ذکاوت بسیار ما را وامیدارند که کارهای بسیار احمقانه بکنیم . لاردشفوگو

اعتراف بنادانی از چیزیکه نمیدانیم مرا شرمگین نمیدارد . سیسرون

افراد دانا کوشش دارند خود را همرنگ محیط سازند ولی اشخاص دیوانه سعی میکنند محیط را برنگ خود درآورند

بهمین جهت تحولات ترقیات اجتماع بدست دیوانگان بوده است . — اندره مورا

اعتراف بنادانی، دانایی و اقرار بناتوانی، توانایی است . — ؟

اگر کمی چیزهای غیرلازم را بدانی بهتر از این است که هیچ ندانی . — سندکا

اگر خواهی بزرگ باشی روی خویش را در آئینهٔ کسان بین . — ؟

اگر چیزی را میدانی باید بدانی که آن را میدانی و اگر چیزی را نمیدانی باید بدانی که آنها را نمیدانی دانستن حقیقی همین است و بس . — کنفوسیوس

انسان هر قدر بیشتر بداند بهمان اندازه نقطه های استتار بدست میآورد . — ل. فوئرباخ

ای فرزند هرگز نادان را رسالت نفرمای و اگر دانائی نیابی خود رسول خویش باش . — لقمان حکیم

ابله را از شش چیز میتوان باز شناخت خشم بی سبب سخن بیحاصل تغییر بی ترقی تجسس بدلیل اعتماد کردن به بیگانه و دشمن را بجای دوست گرفتن . — مثل عربی

احمق پناهگاه احمق است . — ؟

از کوه قدم بقدم بالا میروند ثروت اندک اندک بدست میآید و دانائی کم کم حاصل میگردد . — مثل افریقائی

از باران فرار کرده بزیر ناودان پناهنده میشود . — مثل عربی

ای پسر موعظه بر نادانان گرانست چنانکه برای پیرمردان بالا رفتن . — لقمان حکیم

؟ بپرهیز از نادانی که خود را دانا شمرد .

بودا باران همیشه از سقف های سست بداخل اطاق میچکد و شهوت از مغز پوک .

سقراط با نادان تواضع کردن همچنان است که حنظل را آب دادن چندانکه آب بیشتر یابد بار تلختر دهد .

بخت و سرنوشت و طالع و اینگونه چیزها جز خیال نیست فیروزی یا نافیروزی آدمی در زندگی جز نتیجهٔ

؟ کاردانی و کارندانی او نمیباشد .

افلاطون بدنیا نیامدن بهتر از تعلیم نیافتن و نادان ماندن است زیرا جهالت ریشهٔ همهٔ بدبختی هاست .

حضرت امیر(ع) بریدن از نادان مساویست با پیوند با عاقل دانا .

؟ برتری مرد دانا از نادان اندیشهٔ نیکوی اوست .

دکتر ماردن بزهکاری جز نمایاندن یک شخصیت فاقد توازن چیز دیگری نیست .

؟ بعضی از سفغت و صحت خود چشم میپوشند اما از عقیدهٔ غلط خود دست برنمیدارند .

حضرت محمد(ص) بی میل ترین مردم نسبت بدانا همسایهٔ اوست .

مثل آفریقائی بر الاغ اگر پالان زرین هم بنهی باز هم الاغ است .

مثل آلمانی بهتر است دوباره سئوال کنی تا اینکه یکبار راه اشتباه بروی .

الکوت بی اطلاعی از نادانی خود دردی است که نادانها بآن گرفتارند .

پرخوری آفت هوش است .

?

تعلیم با حمق‌ها همانقدر بی ثمر است که بخواهیم با صابون ذغال را سفید کنیم .

کیتز

حماقت گیاهی است هرزه خود بخود رشد میکند و لازم نیست که کاشته شود .

مثل چکسلواکی

خودت ، خودت را بشناس یعنی از جهالت خود آگاه شو .

?

داناترین مردم کسی است که از مردم نادان فرار کند .

حضرت محمد (ص)

دانستن خوب است و توانستن بهتر است .

کابیل

دانا زنده است اگر چه بمیرد و نادان مرده است هرچند زنده باشد .

حضرت علی (ع)

دانا انتظار ندارد کارهای او مورد تمجید و تحسین قرار گیرد .

لائوتسه

دانایی عمدهٔ انسان در این نهفته است که بحماقت های خود پی ببرد .

لاروشفوکو

دانایی مرد را از سنگ رها یی میدهد فضیلت اخلاقی او را از رنج و دردمیرهاند و همت عزم استوار او را از ترس نجات میبخشد . سنگ و درد و ترس بدترین دشمنان نیکبختی آدمی و دانایی و فضیلت و همت برای او فرشتگان نجات . کنفوسیوس

دنیا پر از ابلهان است و آن کسیکه دوست ندارد یکی از آنان را ببیند ، نباید تنها در بروی خود ببندد ، بلکه باید آینهٔ خود را نیز بشکند .

بوالو

دانا ستیزه نمیکند .

مهاویرا

دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید.

دانا از دشمنان بیشتر استفاده میکند تا نادان از دوستانش. مثل اسپانیولی

دو عاقل ممکن است بر یک چیز اتفاق کنند اما دو جاهل بیک کار ساز گار نشوند. بقراط حکیم

روزیکه بشر کاملا بنادانی خود پی برد موفقیت عظیمی را دریافته است زیرا علم در این دنیا جز پی بردن بنادانی ها چیز دیگر نیست. مترلینگ

راه کج به راههای کج منتهی میشود. مثل استونی

شماره بیخردان بیش از خردمندان است و حتی در خردمندان نیز ابلهی بیش از خردمندی است. جا معنورت

سگها و بچه ها از ابلهان خوششان میآید. مثل روسی

شعور منحصر به یک خانه نیست. مثل افریقائی

عاقل هر روز برای خود وسیله تفریحی میسازد. حجازی

غالباً از نادانی وحشتی نداریم از اینکه ما را نادان بدانند میترسیم. حجازی

غاز باید خیلی احمق باشد که روباه را از دور نشناسد. مثل اسکاتلندی

فضائل کوچک در نزد عوام جلب تحسین میکند و فضائل متوسط باعث تحیر ایشان میشود و فضائل عالیه را اصلاً درک نتوانند کرد. فرانکلین

فقری سخت تر از نادانی نیست .

حضرت محمد (ص)

فقط کسی داناست که میداند که هیچ نمیداند .

؟

کدام یک از بزرگان عالم در مدرسه خوب تحصیل کرده اند؟ همیشه قرایح و نبوغ های سرشار بعد از مدرسه ظاهر میشود . سید نفیسی

کمی خودخواهی و قدری سبعیت را با مقداری خیره سری و کم عقلی مخلوط کنید چیزی ساخته خواهد شد که اسمش دلیری است؟

کسیکه از احمق تعریف کند احمق تر از اوست .

مثل فرانسوی

گرفتاری این دنیا در اینست که نادان از کار خود اطمینان دارد و دانا از کار خود مطمئن نیست .

برتراند راسل

ما بواقعیت عادت کرده ایم که بشر هر آنچه را که نمی فهمد و درک نمیکند استهزاء نموده و به تمسخر میگیرد .

ادیک فون

ما که هنوز خود را نشناخته ایم چرا ادعا میکنیم که دیگران را میشناسیم .

حجازی

ما نادان هستیم و شاید تا ابد این نادانی باقی بماند ولی متدرجاً چیزهائی میآموزیم که بما نشان میدهد که حقیقتاً نادانیم . برنارد شاو

من میگویم که بزرگترین درد ما نادانی است .

کارلایل

ما ها مرتباً از عوامل طبیعی و شرایط سخت زندگی تحت فشار هستیم و دائماً اتفاقات غیر مترقبه برایمان بوجود میاید دانا کسی میباشد که تا میتواند خودش با این سختی ها و گرفتاریها جنگ بکند .

غ - د

مرد تیزهوش آنکس است که امروزش از دیروز ستوده تر باشد .

حضرت امیر (ع)

مرد آزاده درباره سه چیز پیوسته میاندیشد : در دیدن چیزی با اینکه آنرا بخوبی و درستی بشناسد : در شنیدن چیزی با اینکه

آن ابلهند در رخسار خود بملایمت و محبت در رفتار خود بشرافت ، در سخنان خود بحقیقت در کارهای زندگی بدرستکاری

در شبهه‌های خود بپرسیدن رأی دیگران در موقع خشم به نتایج آن ، و در پذیرائی دیگران بوظیفهٔ مهربانی و ادب . کنفوسیوس

مقصر کسی نیست که مرتکب گناه گردیده بلکه کسی است که او را در ظلمت جهل باقی گذارد . لاروشفوگوله

ممکن است قبای ابلهی زردوزی باشد ولی باز هم قبای احمقی است . دیواد ول

من جز یک چیز، چیزی نمیدانم و آن اینست که هیچ نمیدانم . سقراط

نادان دشمنی است بس ناهنجار . حضرت امیر(ع)

نادان با معاشران ستم کند و با زیردستان تعدی کند و به بزرگان تکبر فروشد و بدون تمیز سخن گوید . حضرت امیر(ع)

نادان آنقدر شرمندگی ندارد که عدم تمایل بآموختن . فرانکلین

نادان خطرناکترین امراض و مولد سایر بیماریهاست . بوسوله

ناچیزترین مردم آن کسانی هستند که بزرگی را در جامه‌های فاخر و کوشکهای سرافراشته میجویند . سعید نفیسی

نادانان پیوسته از گذشته لاف میزنند و خردمندان در اندیشهٔ حالند و دیوانگان سخن آینده را بر زبان میآورند . ناپلئون

ندانی و ندانی که ندانی ، و نخواهی که بدانی که ندانی . شیخ ابی سعید

نفهمی و نادانی سه نوع است یکی آنکه انسان هیچ نداند دوم آنکه آنچه را که لازمست نداند ، سوم آنکه آنچه را نباید بداند . بداند . دوکلوس

نادان کسیکه با فقر زندگی کند و با ثروت بمیرد. — مثل عربی

وقتیکه ما به سن ۴۰ سالگی رسیدیم تصور میکنیم که مردی تجربه آموخته و آزموده هستیم. غافل از اینکه آزمایش های ما که مربوط با دوار گذشته است بدرد سن ۴۰ سالگی و سالهای ما بعد نمیخورد، همچنین در سن ۵۰ سالگی خود را تجربه آموخته میدانیم غافل از اینکه وقتی با ستانه ۵۰ سالگی رسیدیم بر آن سن و سالهای ما بعد آن بی تجربه و ناآزموده هستیم. آری ما انسانها در تمام مراحل ناآزموده و نپخته و نادان میباشیم. — مترلینگ

وقتی نه تن احمق را برای کاری نزد تو میفرستند مراقب باش که تو احمق دهمین نگردی. — مثل آفریقائی

هرگز جاهل را بالقوه منطق نمیتوان متقاعد کرد. — ویلیام ماک آدو

هر که با نادان در آویزد، آبروی خود ریزد. — سعدی

هر کس عادت کند بدون دلیل هر حرفی را باور کند از صورت انسانی خارج است. — ابوعلی سینا

همانطور که از صد مرد احمق نمیتوان یک مرد عاقل ساخت همچنان صد مرد بزدل قادر نیستند تصمیمی که احتیاج به شجاعت دارد بگیرند. — ؟

هنگامی رستگاری که دانائی را دوست خود و نادانی را دشمن خود بشماری. — سعید نفیسی

هنگامیکه عیوب ما را ترک میکنند بخود فخر میکنیم که ما آنها را ترک کرده ایم. — لاروشفوکو

هوشمند آن است که مراتب کلیه منافع خود را مرتب و ملحوظ دارد و هر یک را در جای خویش بکار برد... — لاروشفوکو

هیچ گناه و معصیتی عظیم‌تر از جهل نیست . — سهل بن عبدالله شوشتری

هیچ چیز تحمل ناپذیرتر از ابله کامران نیست و چنین است که مردانی را می‌بینیم که زمانی دوست داشتنی و مطبوع بوده‌اند و چون به دولت رسیده‌اند یاران قدیم را از یاد برده و به یاران تازه‌ای پیوسته‌اند . — چیچرو

هیچ وقت بیش از زمانیکه سر و کارمان با احمق است احتیاج به هوش زیاد نداریم . — مثل چینی

یار اگر نادان باشد تنهائی خوشتر است . — بودا

یک ابله تحصیل کرده از یک ابله بی سواد ابله‌تر است . — مولیر

یک فرق بزرگ بین دانا و نادان آنست که دانا فقط طالب چیزی است که حصولش امکان پذیر میباشد ولی نادان هوس داشتن چیزهائی میکند که حصولش امکان ناپذیر است . — دموکریت

یک دیوانه سنگی بچاه میاندازد که صد عاقل نمیتوانند بیرون بیاورند . — مثل فارسی

اگر عاقل بود خصم تو بهتر   که با نادان شوی یار و برابر

نظامی

از جهالت تو را رهاند عشق   بسعادت تو را رساند عشق

صاحب عشق را در این بنیاد   کار محکم است و خاطر شاد

سنائی

جز بخردمند مفرما عمل   گرچه عمل کار خردمند نیست

سعدی

خرد شد کاشف سرّ نهانی   بنور آن شود روشن معانی

چه گوهرهاست در سودای تعقل   چه لؤلؤهاست در دریای تفکر

سنائی

دلی کز خرد گشت آراسته   چو گنجی بود پر زر و خواسته

جوانی خردمند و برترمنش   بگیتی ز کس نشنود سرزنش

فردوسی

آنکسی کو بملک عقل رسید   در جهان را چنانکه هست بدید   سنائی

دانش آموز

آدمی برای شک کردن آفریده نشده برای پرسیدن آفریده شده .
یانگ

آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد و هیچکس بدون احساس این معلم قادر به شناسائی خود نیست .
آلفرد دوموسه

آموزگار و دانش آموز باید زندگی خود را نمونه و نشانه درخشان از آنچه میآموزند قرار دهند وگرنه مانند کسانی اند که راهی را شناخته اند ولی از آن راه نمیروند و یا مانند بیمارانی میباشند که داروی شفابخش را از طبیب گرفته اند ولی آنرا نمیخورند .
کنفوسیوس

آموزگار واقعی کسی است که آنچه در یک روز یاد میگیرد بیش از آن بدیگران میآموزد .
تن

از هر ابلهی میتوان چیزی آموخت .
محمد حجازی

از محقق تا مقلد فرقها ست .
؟

اساس آموزش و پرورش ساختن ماشین نیست ، بلکه ساختن انسان است .
پل ژانه

اگر امروز حتی یک کلمه از دیروز بیشتر بدانید مسلماً شخص دیگری هستید .
چاحیت

انسان همیشه محتاج به قویتر از خود میباشد که او را رهبری و حمایت کند .
محمد حجازی

با اندیشه آشفته دانش آموختن در گرد باد آتش افروختن است .
رومارس

با نیکان مصاحبت کن تا از نیکان تقلید کنی . — مثل چینی

بپرس تا دانا شوی و عدالت پیشه کن تا حاکم گردی . — حضرت امیر (ع)

برای وصول بدانش باید هر روز چیزی بر خود افزود و برای وصول بطریقت باید هر روز چیزی از خود فروگذاشت . — ؟

بعضی بگواهی نامه قناعت میکنند و از کسب دانش دست میکشند غافل از آنکه دانش بیک پایه نمی ماند و اگر هر روز بر آن نیفزایند پیوسته از آن میکاهند . — حجازی

بهترین معلومات ما آنهائی هستند که خود شخصاً فرا گرفته ایم . — رومارسدس

بیاموزید تا آنکه شما را آموزنده بدانند . — دیل کارنگی

پرورش دهید فرزندانتان را مطابق اخلاق آن دوره و زمانیکه در آن زیست میکنند . — حضرت امیر (ع)

پرده ننگ را با سئوالات از بین ببرید . — مثل تازی

تا فرمان نبری فرمانروائی نتوانی . — کاظم زاده ایرانشهر

تمرین انسان را استاد میکند . — مثل آلمانی

دانستن همه چیز امکان ندارد نمیتوان همه چیز را خواند و همه چیز را دید و همه چیز را فهمید . — دروژسیون

در راه ترقی فرهنگ باید کوشید و نخستین قدم ترک کهنه پرستی است — خانلری

در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و انحرافی نیست که با تعلیم مناسب اصلاح نشود . — ؟

دو گرسنه هرگز سیر نشوند. گرسنه علم و گرسنه مال. — حضرت محمد

شتاب در یادگرفتن مثل این است که از کسی بدوی و به او نرسی و بترسی که او را از منظر خشمت گم کنی. — کنفوسیوس

شاگردان را در عمیق ترین نقطه یاد بگیر. — مثل آفریقائی

فهمیدن همیشه بهتر از آموختن است. — گوستاولوبون

گران واقعی کسانی هستند که نمیخواهند بشوند. — مثل افریقائی

کسب فضیلت وظیفه اساسی هر آدمی است در این وظیفه دانشجو می تواند حق دارد که از آموزگار خود هم جلوتر برود و زودتر بمقصد برسد. — کنفوسیوس

کسیکه در کودکی دانش نیاموخت در بزرگی جلو نمی افتد. — امام صادق(ع)

کسیکه اندر زارزان را در کند طولی نمیکشد که پشیمانی را با قیمت گرانی خریداری خواهد کرد. — مثل فرانسوی

کسی بهتر از درسش استفاده میکند که آنرا تکرار میکند نه آنکه آنرا حفظ میکند. — مونتن

مایلم نسیم فرهنگ تمام کشورها آزادانه در اطراف خانه ام بوزد. ولی اجازه نمیدهم که بر اثر وزش چنین نسیمی از پای کنده شود. — گاندی

مرد دانشمندی مانند ابن سینا در هیچ دانشگاهی درس نخوانده بود پیش پدر و چند معلم گمنام تحصیل کرده بود ولی با ذوق و شوق و همتی که داشت در ۱۸ سالگی همه علوم روزگارش را نیک میدانست. — از کتاب معجزه ایرانی بودن

معلوماتیکه در کودکی فرا گرفته میشود مانند نقش در سنگ پایدار باقی میماند . — مثل تازی

من همیشه میل دارم از اشخاص نجیب پیروی کرده و از آنان چیز بیاموزم . — شکسپیر

من یکبار در تمام روز چیزی نخوردم و در تمام شب نخوابیدم تا بتوانم مسئله ای را خود حل کنم اما نتیجه نبخشید از این رو فهمیدم که بهتر این است که آنچه را نمیدانم بپرسم . — کنفوسیوس

من شخصاً دوست دارم بیاموزم اگرچه همیشه نفرت دارم از اینکه بمن بیاموزند . — چرچیل

ممکن است مردیکه دائم سؤال میکند ابله بنظر برسد . ولی کسیکه هرگز سؤال نمی کند در تمام عمر ابله باقی میماند . — لوئی پاولو

موضوع تحصیل را همیشه بی پایان بدان و از کوشش مایست . — کنفوسیوس

هدف نهائی آموزش و پرورش آموختن طریقه صحیح استفاده اوقات فراغت است . — ارسطو

هر که مرا حرفی بیاموزد مرا بنده خود قرار داده . — حضرت امیر(ع)

هرگز مردی ولو بسیار نادان ندیده ام که از وی چیزی نتوانسته ام بیاموزم . — گالیله

هرچه ندانی از پرسیدن آن ننگ مدار . — ؟

هر که جور آموزگار نه بیند جفای روزگار گرفتار آید . — ؟

هر کس را می بینم از یک حیث بر من برتری دارد . از این جهت است که من از هر کس پندی میگیرم و چیزی میآموزم . — امرسون

یکی از دوستان ابوریحان بیرونی بخدمت او رسید و آن روزها ابوریحان سخت بیمار بود و بحالت نزع افتاده. با این حال از یار دانشمند خود پرسید: آن روز حساب جدات فاسده را برای من چگونه گفتی؟ گفت: در این حال کو جای این سؤال؟ بیرونی گفت: ای دوست دنیا را ترک کنم که من آنرا شناخته‌ام. بهتر نیست این مسئله را بدانم؟ زیرا آنرا نمیدانم. من آن جواب مسئله را گفتم و بیرون آمدم. هماندم صدای گریهٔ اهل بیت او بگوشم رسید او مرده بود.

از کتاب معجزهٔ ایرانی بودن

ای پسر کوردل که از تعلیم
گشت اقضی القضات هفت اقلیم

هر که ز آموختن ندارد ننگ
گل برآرد ز خار و لعل از سنگ

نظامی

زمانی میاسای ز آموختن
اگر جان همی خواهی افروختن

نگهدار تن باش و آن خرد
چو خواهی که روزت بد نگذرد

فردوسی

ای کودک دانش طلب عاقبت اندیش
این پند بیاموز که گوید حکیمان

مقدار معلم ز پدر بیش بود بیش
کاین پرورش تن دهد آن پرورش جان

[illegible]

ز لطف آنچه به من یاد داد استادم
به غیر عشق برفت آنچه بود از یادم

عارف قزوینی

عیبم مکن از عشق که در مکتب ایام
آموخته بودم به از این گر هنری بود

عبرت نایینی

گفت استاد مبر درس از یاد / یاد باد آنچه به من گفت استاد

یاد باد آنکه مرا یاد آموخت / آدمی نان خورد از دولت یاد

هیچ یادم نرود این معنی / که مرا مادر من نادان زاد

پدرم نیز چو استادم دید / گشت از تربیت من آزاد

پس مرا منت از استاد بود / که به تعلیم من استاد استاد

هر چه دانست بیاموخت مرا / غیر یک اصل که ناگفته نهاد

قدر استاد نکو دانستن / حیف استاد به من یاد نداد

گر بمرده است روانش پرنور / ور بود زنده خدا یارش باد

ایرج میرزا

چه گویی که کام خرد توختم / همه هرچه بایست آموختم

یکی نغز بازی کند روزگار / که بنشاندت پیش آموزگار

فردوسی

هنر آموز کز هنرمندی / در گشایی کنی نه دربندی

ای بسا تیزطبع کاهل هوش / که شد از کاهلی ذغال فروش

دروغ

آمیختن سخن راست با دروغ مانند عیاری است که بسکه های نقره و طلا نهند هر چند مایه استحکام مسکوک است
اما از بهای آن میکاهد.

بایگون

آن عیب که از یک دروغ گفتن بنشیند بهتر از راستی است که برنجی زاید.

مرزبان نامه

آنکه میتواند نسبت به نیکی دیگران ناسپاس باشد از دروغ گفتن باک ندارد.

شیلر

اساساً دروغ خود شر است و اگر شری با دروغ رفع شد دفع فاسد به افسد شده است و چندان حسنی ندارد.

؟

اگر میخواهی که مردمان ترا دوست دارند در معامله ستم مکن و دروغ مگو و بزبان خود کسی را مرنجان.

بوعلی سینا

اگر میدانی پایداری کن و اگر نمیدانی بگو نمیدانم. نشان دانش اینست.

کنفوسیوس

انسان هیچ وقت باندازهٔ آنوقت خود را گول نمیزند که خیال میکند دیگران را فریب داده است.

لاشفوگوله

انسان در دو چیز یکی زشت و دیگری نیکو با حیوان تفاوت فاحش دارد قدرت بیان و دروغگوئی.

آناتول فرانس

انسان نباید آنچه در وجود و زندگی خود ندارد کوشش بداشتن آن کرده و خود را در ناراحتی های بزرگ وارد کند و وقت
و ارزش خود را بیهوده از دست ندهیم و همان باشیم که هستیم. بخودمان دروغ نگوئیم تا بتوانیم بدیگران راست بگوئیم.

ع.د.

با راستی است که گفتار زینت پیدا میکند . — حضرت محمد (ص)

به دبیر خود گفتم چه کنم تا مردمان مرا دوست بدارند؟ گفت دروغ مگو و بزبان کسی را مرنجان . — بوذرجمهر

بزرگترین خطری که در فریب دادن دیگران وجود دارد اینستکه سرانجام شخص خود را هم فریب خواهد داد . — ؟

بزرگترین مایه گناهان، زبان دروغگوست . — حضرت محمد (ص)

بزرگترین خیانتها اینستکه بدوست خود که ترا راستگو میپندارد دروغ بگوئی . — حضرت محمد (ص)

بزبان دیگر مگو . و بدل دیگر مدار تا گندم نمای جوفروش نباشی . — قابوس وشمگیر

بشود که در این دوران راستی بر دروغ چیره گردد . — زردشت

بیشتر جنایات و مفاسد اخلاقی ناشی از بدبختی است و یگانه منبع و سرچشمه بدبختی بشر دروغ و دروغ خود یکی از فرزندان فقر و تنگدستی است .

راستی بدل آرامش میبخشد و از دروغ شک و پریشانی میزاید . — حضرت محمد (ص)

پیمان شکنی یکی از شاخه های دروغ است . — ؟

تهمت و دروغ را دشمن سفارش میدهد و منافق میسازد و عوامفریب آنرا پخش میکند و عامی آنرا میپذیرد . — دکتر علی شریعتی

تمام مصلحین بزرگ و دلیران راه ترقی دشمن واقعی دروغ و بدکرداری بوده اند . — ؟

تمام خباثت در اطاقی است که کلید آن اطاق دروغ است . — امام هادی (ع)

چیزیکه دانش بیار آید راستی است . — بوعلی سینا

چون گناهی لذت‌بخش‌تر از دروغ نیست روی این اصل گروهی از زنها از آن برخوردارند . مثل چکسواکی

دروغ گفتن بضربت شمشیر ماند اگر بر جراحت درشود نشان همچنان بماند . سعدی

در بین مردمان کوچک دروغگوئی فراوان است . نیچه

در سیاست همواره راست گوئید زیرا دوستان شما چون به شما معتقدند، حرف شما را باور کرده و بآن عمل میکنند و دشمنانتان چون بشما عقیده ندارند دروغ پنداشته و بعکس رفتار خواهند نمود . بیسمارک

دروغ مثل برف است که هرچه آنرا بغلطانند بزرگتر میشود . لوتر

در جهان حیات هیچ عیبی آدمی را شرمگین‌تر از آن نمیسازد که دیگران دروغ وی را کشف کنند . فرانسیس بایکون

دروغگو همیشه در قسم خوردن افراط میکند . کودین

دروغ مظهری از شیطان است زیرا شیطان دو نام دارد یکی شیطان و دیگری دروغ . ویکتور هوگو

دروغ سنگ است و نمیتواند بدون تکیه بر دروغ دیگر سرپا بایستد یک بار دروغ گفتن کار بس آسانی است ولی بسیار دشوار است که کسی فقط یکبار دروغ بگوید . فوللر

دروغگو از دروغگوی دیگر در حذر است . افلاطون

دروغ هرچه بزرگتر باشد احمقها زودتر باور میکنند . ؟

دروغ به سه نوع است اوّل ساده دوّم دروغ با سوگند . سوّم دروغ آنهائیکه میگویند هرگز در زندگی دروغ نگفته‌اند . ؟

دوستی اختیار کن که رضای تو را بر رضای خود برتری دهد . ؟

در مرداب دروغ غیر از ماهیهای مرده چیز دیگری شنا ور نیست . مثل روسی

دروغ شکوفه میآورد اما میوه ندارد . مثل افریقائی

دروغ میدود تا بدست حقیقت گرفتار نشود . مثل شیلی

دست سیاه را غالباً با دستکش سفید پنهان میدارند . مثل اسپانیولی

راستی آرامش است و دروغ اضطراب . حضرت محمّد (ص)

راستی یگانه سکه ای است که همه جا قیمت دارد . مثل چینی

راستگو بکاخ رستگاری و بزرگ منشی قرار گرفته و دروغگو لب پرتگاه خواری و ذلت . حضرت محمّد (ص)

راه در جهان یکی است و آن راه راستی است پس تو همواره در راه راستی باش و هرگز از این شاهراه منحرف مشو

خواه در هنگام سختی و خواه در هنگام راحت . ارداویرافنامه

راستی ریشه و اساس تمام فضائل است و مزایای انسانی وقتی رفتار و کردار شخصی با آن آمیخته باشد از هر کلمه و از

هر حرکت انسانی نوری درخشان میتابد . اسمایلز

راستی نخستین چیزی است که انسان باید بجستجوی آن بپردازد و سائل شناختن راستی همانقدر ساده است که

سخت مینماید . گاندی

راست و درست گوی اگرچه تلخ باشد . ؟

راستی و سقراط هر دو دوستان من باشند لیکن آنگاه که این دو بستیزه یکدیگر برخیزند، پیروی کردن راستی سزاوارتر است. افلاطون

سفیر کبیر در غرب مرد درستکاری است که بخارج اعزام میگردد تا بنفع کشور خود دروغ بگوید . هانری کلی ورک

شادمانی از آن کسی است که همیشه راستگو و درست کردار باشد . ؟

شخصیکه از کلیهٔ عیوب اجتماعی، یعنی از خودپرستی تعصب خطاکاری و دروغگوئی مبرا باشد بطوری با اجتماع ناسازگار خواهد بود که جز انزوای مطلق هیچ چیز وسیلهٔ آرامش او بشمار نخواهد رفت . گوستاولوبون

شاید از دروغ مشکلی حل شود اما صد مشکل از آن میزاید . حجازی

صلح خواه دروغگو نیست . حضرت صادق (ع)

طبیبی که لاف میزند هرگز داروی خوب در اختیار ندارد . مثل چینی

ظالمانه ترین دروغها در خاموشی اظهار میشود . استیونسن

عقل درختی است که میوهٔ آن راستی است . ابوالعلاء

کسیکه دروغ گوید برای نفع غیر دنی تر از کذاب است . افلاطون

کسانیکه راستی را از زندگانی برمیدارند، مانند آنستکه آفتاب را از کیهان برداشته اند . سیسرون

کسیکه بخودش دروغ میگوید و بدروغ خودش گوش میدهد کارش بجائی خواهد رسید که هیچ حقیقتی را نه از خودش نه از

دیگران تشخیص نخواهد داد . — داستایوفسکی

گاهی دروغ همان کار را میکند که یک چوب کبریت با انبار باروت میکند . — مثل آلمانی

من از کسانی نفرت دارم که ، حیله گری را حکمت ، نافرمانی را شجاعت و یاوه گوئی را حقیقت میپندارند . — کنفوسیوس

مجازات دروغگو اینست که حتی موقعیکه حرف راست را هم میزند کسی باور نمیکند . — ؟

نزدیکترین راهها برای رسیدن بمقصد راه راست است در زندگانی نیز هر کس طریق راستی و درستی را بپیماید

زودتر بمقصود خویش میرسد . — تولستوی

نیرومندترین دروغها و آلوده‌ترین دروغها بهر نوع باشد در مقابل کوچکترین حقایق بی فایده است و دیر و یا زود بی رنگ و

بو خواهد شد و خاصیت اولیه خود را از دست خواهد داد . — مترلینگ

هر کس گفتارش راست باشد بزرگیش افزونی یابد . — حضرت امیر ع

هر کس میخواهد بنای استقلال مملکت و سعادت ملتش را بر اساس نیکی قائم سازد باید دروغ را از آن مرز و بوم

رانده و راستی را در آن سرزمین استوار نماید . — ؟

هر کس مال و جاه برای خود آرزو میکند لیکن اگر این آرزو با فدا کردن راستی برآورده میشود او باید بعهد

که از آن آرزو باید صرفنظر کند . — کنفوسیوس

هیچ میراثی گرانبهاتر از راستی و درستی نیست . — شکسپیر

هیچ کس از قلب شما بشما نزدیکتر و راستگوتر نیست بنابراین از کسانیکه قلب پاک شما ایشان را بخود نمی پذیرد اجتناب نمائید .

سقراط

هیچ نوع دروغی ولو بخیر و صلاح مملکت باشد نباید بکار برده شود .

گاندی

یکی از رسول الله پرسید که مؤمن زنا میکند؟ گفت باشد که بکند . گفت شراب میخورد؟ فرمود باشد که بخورد گفت دزدی میکند؟ گفت باشد که بکند . گفت دروغ گوید گفت نه .

کیمیای سعادت

یک دروغ را اگر در چگونه بخواهد بخورد مردم دهد، مستلزم گفتن هزار دروغ دیگر است .

مثل انگلیسی

دروغ آدمی را کند شرمسار / دروغ آدمی را کند بی وقار

ز کذاب گیرد خردمند عار / که او را نیارد کسی در شمار

دروغ ای برادر مگو زینهار / که کاذب بود خوار و بی اعتبار

سعدی

زبان پاک را حیف است بسیار / که از لوث دروغ آلوده سازی

اگر پا بر نداری از ره صدق / سر از گردون گردان بر فرازی

از خسروی مخفی

کسی را که عادت بود راستی / خطا گر کند درگذارند ازاو

وگر نامور شد به ناراستی / دگر راست باور ندارند ازاو

سعدی

می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب / بهتر ز طاعتی که ز روی ریا کنند

حافظ

نیست در این شرع و مذهب عقل / خصلتی ناستوده‌تر ز دروغ

نشود جمع با نفاق وفاق / ندهد چهرهٔ دروغ فروغ

زیان بود کار شاعران بی‌نور | که نیارد چراغ کذب فروغ

سوزنی

رخ مهر را تیره دارد دروغ | بلندیش هرگز نگیرد فروغ

بگرد دروغ هیچگونه مگرد | چو گردی شود بخت را روی زرد

فردوسی

هر که گفتارش دروغ است ای پسر | کج رواست و بی‌فروغ و بی‌بصر

ذوق مستی را نیابد خورده دوغ | جمله سرتاپاش لاف است و دروغ

مولوی

گر راست سخن گویی و در بند بمانی | به زانکه دروغت دهد از بند رهایی

سعدی

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست | ای برادر سیرت زیبا بیار

سعدی

آن شنیدم که رادمرد بزرگ | پاسخ مردمی چنین بنهاد

که نه از کس فریب باید خورد | نه کسی را فریب باید داد

انوری

دشمن

آتش چنان سوزد فتیله را که عداوت قبیله را. — شیخ ابی سعید

آن اندازه که ما خود را فریب میدهیم و گمراه میکنیم هیچ دشمنی نمیتواند. — محمد حجازی

آنکس که دوست و دشمن ندارد مبتذل است و این دلیل آن است که هیچ هنر و قدرت و نیرو ندارد. — لاواتر

آنکس که تو را برای چیزی دوست گیرد، چون آن از توانائی برآورد، دشمن دارد. — حضرت محمد (ص)

آنکه از دشمن داشتن میترسد، هرگز دوست واقعی نخواهد داشت. — هزلت

آنکه گرگ می پرورد، در حقیقت دشمن را تقویت میکند. — مثل دانمارکی

آنکه در دوستی تو ستایش کند بر چیزیکه در تو نباشد. در دشمنی نیز بدگوئی کند در چیزی که در تو نیست. — داراب شهریار

آنکه نمیتواند با خودش دوست و همصحبت باشد در این دنیا غریب است. — محمد حجازی

از کسیکه دولت او را دشمن دارد بر حذر باش. — سقراط

اشتباهاتیکه دشمنان ما مرتکب میشوند، خیلی بیش از قابلیتهایشان به آنها سود میرسانند و باعث میشود که ما اشتباهاتی خیلی بزرگتر

از اشتباهات آنان مرتکب بشویم .

ناپلئون

اگر بعیوب افراد توجه کنی هرگز دوست پیدا نخواهی کرد .

مثل عبری

اگر تو را دشمنی باشد دلتنگ مشو که هر که را دشمنی نباشد بیقدر و بها باشد .

قابوسنامه

اگر میخواهی رازی را از دشمنان پنهان بداری آنرا هرگز بدوستانت فاش مکن .

فرانکلین

اگر میخواهید برای خود دشمنی بتراشید، خود را از دوستان برتر نشان بدهید و اگر میخواهید دوستان شما زیاد شوند بگذارید از شما برتر باشند .

؟

اگر نتوانی دوست پیدا کنی، دشمن برای خود متراش .

مثل یونانی

با آتش دشمنی دیگران دامن مزن .

مثل چینی

با دوست چنان رفتار کن که هیچوقت بحاکم محتاج نشوی و با دشمن طوری معامله نما که اگر بمحاکمه کشید ظفر تو را باشد .

افلاطون

با همه کس دوستی مکن زیرا مجبور میشوی صداقت نداشته باشی .

بیتاگوای

با دیگران زیاد خودمانی نشویم تا موجب کدورت نگردیم .

کنفوسیوس

بدوستان خود خوبی کن محبتشان نسبت به تو بیشتر میشود و بدشمنان خوبی کن تا دوست شوند .

تولستوی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را ظاهر مکن زیرا هر وقت اندک تغییری مشاهده کرد ترا دشمن میدارد . سقراط

برای ثروتمند تشخیص دوست از دشمن سخت است زیرا همه محض ثروتش خود را دوست او شمار میآورند. مادردو

پیش تمام دشمنان نزدیک ترین دشمن خود که زبان است، توجه داشته باش. سقراط

پنجاه دوست دارید؟ این کافی نیست، یک دشمن دارید؟ بسیار زیاد است. مثل ایتالیائی

تازه رسیده ای که ابراز صمیمیت کند، بعید نیست دشمن باشد. ؟

جائیکه شرافت و فتوت دشمن را به چشم ما محبوب و عزیز میکند نزدیکان و دوستان اگر با انصاف و نیک و دادگر

باشند در دل ما چه مقامی خواهند داشت. سیسرون

جهد کن دوست پیدا کنی، دشمن دم دست است. مثل ترکی

چه خیانتی بالاتر از اینکه با دوست خویش سخن گوئی و او ترا راستگو پندارد، در حالیکه دروغگو باشی. حضرت محمد ص

چرا دشمن نخوانی کسی را که جوانمردی خویش در آزار مردمان داند. ؟

خطرناکترین دوست ما عزیزترین دوست ماست، زیرا رازهای ما با اوست. ؟

خویشتن را به دشمن بزرگ نمای، چه افتاده باشی. قابوسنامه

در دنیا هیچ چیز ناخوشتر نیست از دوستیکه دوستی او برای عوضی و یا غرضی باشد. ابوالحسن نوشجی

در دشمنی دورنگی نیست، اینکه دوستان نیز در موقع خود چون دشمنان بی ریا بودند بدون تردید دوستان منافق

از دشمنان خونی بدترند. لرد آویبوری

در انتخاب دوست میتوان دقت کرد ولی دشمن را بخوبی نمیتوان تشخیص داد. — اسکاروایلد

دست یکدیگر را بدوستی بفشارید که کینه را از دل میبرد. — حضرت محمد (ص)

دشمنان بسیار دارید که نمیدانند چرا دشمن شما هستند ولی همچون سگهای ولگرد هنگامیکه رفقایشان بانگ برداراند، آنان نیز بانگ برمیدارند. — شکسپیر

دشمنی کسی را در دل راه مده که ترا همیشه غمگین دارد. — ارسطو

دشمنان را دوست بدارید زیرا آنها بسانی عیبهای شما را یک بیک میشمارند. — فرانکلین

دشمن چون از همه حیلتی فرو ماند سلسله دوستی بجنباند پس آنگه بدوستی کارها کند که هیچ دشمنی نتواند. — سعدی

دشمن اگرچه خرد باشد، خوار مدارید. — ؟

دشمنی که حتی کمترین سوء ظنی هم درباره او نداریم، بدترین دشمن است. — روخاص

دشمن ضعیف که در طاعت آید و دوستی نماید مقصود وی جز آن نیست که دشمنی قوی گردد. — سعدی

دشمن دانا از دوست نادان بهتر است. — مثل فارسی

دشمن همیشه بدنبال است و دوست در صد فرسنگ فاصله. — مثل عربی

دشمن امروز فردا نیش میزند. — مثل چینی

دشمن با دشمن متحد میشود. — مثل اسکاتلندی

دل دوستان آزردن، مراد دشمنان برآوردن است . — سعدی

دوستی با دوستان خود چنان کن که اگر روزی دشمن تو شوند ترا زیان نرسانند و دشمنی با دشمنان چنان کن که اگر روزی دوست تو شوند از تو کینه نداشته باشند . — حضرت امیر (ع)

دوست را زود دشمن توان کرد، اما دشمن را دوست گردانیدن دشوار بود . — قابوسنامه

دوست تو کسی است که هرگاه کلمهٔ حق از تو بشنود خشمناک نشود . — فیثاغورث

دوستی هنگامیکه بمرحلهٔ کمال رسید با کوچکترین رنجشی داستان گله آغاز میگردد . — دیل کارنگی

دوستی و دشمنی اشخاص احساساتی قابل دوام نیست . — محمد مسعود

دوستی که از او بتو سودی نمیرسد، از دشمنی او نیز ترا زیانی نخواهد رسید . — کیقباد

دوستان را چنان تقویت مکن که دشمنی توانند کرد . — سعدی

زیاد عیب رفیق خود را جستجو مکن وگرنه همیشه بی رفیق خواهی ماند زیرا احدی خالی از عیب نیست . — حضرت صادق (ع)

سوراخ سوزن برای دو دوست باندازه کافی گشاد است و سراسر دنیا برای دو دشمن تنگ . — مثل ایرانی

شربت شهادت نوشیدن بهتر از آنست که انسان تسلیم دشمن شود . — ؟

ضررهای دشمن بسیار و عداوت مطلقاً از همه کس، با همه کس نامبارک است . — خواجه نظام الملک

عالیترین نشئه‌ها و ظالمترین دشمنان عشق است . — بامی لی

عالیترین سلاح برای مغلوب کردن دشمن خونسردی است. — مثل انگلیسی

عاقل از دشمن عبرت میگیرد. — مثل یونانی

عادت، اول دوست انسان است، بعد دشمن او. — مثل اسکاتلندی

عیب خود را از دوست مپرس که ببینند و نگویند و از دشمنان تفحص کن تا بگویند. — ؟

عیب دشمن زودتر از محاسن دوست آشکار میشود. — مثل سوئدی

غریب در دنیا کسی است که دوست ندارد. — بوذرجمهر

فایده ای که عاقل از دشمنانش میبرد بیش از سودی است که نادان از دوستانش میبرد. — ابومسلم خراسانی

قرض مخرب خانواده ها و مقراض دوستی است. — حضرت امیر (ع)

قلبی که دوست ندارد، خاطره ای نیز ندارد. — مثوفل کوینه

کسی را که بدوستی گرفتی نه با او مزاح کن و نه جدل. — حضرت صادق (ع)

کسی را که همساز و همطراز تو نیست بدوستی مپذیر. — کنفوسیوس

کینه پنهان نمی ماند. — شکسپیر

کینه و تنفر را بجائی واگذار کنید که نمیتوانند دوست بدارند. — هوگو

لجوج و مفسد و شدید العداوت نباشید و سینه را زندان کینه مسازید. — ؟

مردم با شخص ما دوست نیستند با سعادت ما دوستی دارند . ناپلئون

نایاب‌ترین چیزها صمیمیت و یگانگی است . ناپلئون

وحشت تنهائی وقتی است که کسی را دوست نداشته باشیم . محمد حجازی

وقتی با کسی دوست شدی ، با او مجادله و رقابت مکن و بر او برتری مجوی ، و از هیچکس درباره او مپرس ، چه ممکن است یکی از دشمنان او برخوری و سخنی درباره وی بخطا گوید و میان شما را تفرقه اندازد . حضرت محمد[ص]

وقتیکه کینه ما بسیار شدید باشد ما را پست‌تر از اشخاصی میکند که طرف کینه و تحقیر ما قرار گرفته باشند . لاروشفوکو

هرکه به گفتار سخن چین گوش کند ، دوستان خویش را از دست میدهد . حضرت امیر[ع]

هرگاه بنام قرض بدوست خود پول دهی بگمان یا دوست را از دست خواهی داد یا پول را . ؟

هرکه با بدان نشیند ، اگر طبیعت ایشان را هم نگیرد ، بطریقت ایشان متهم گردد . سعدی

هرکه با دشمنان صلح میکند سر آزار دوستان دارد . سعدی

هر ملتی دو نوع دشمن خونی دارد ، دسته ای که بقانون پشت پا میزنند و دسته دیگر کسانیکه با دقت بیش از حد آن را اجرا میکنند . الفرکاپو

همانقدر که دشمنان زیادند ، دوستان کم و انگشت شمارند ، پیدا کردن یک دوست از مشکلترین کارهاست اگر پیدا کردید قدر آنرا بدانید . لرد آویبوری

از مروت نیست گل دادن به دست دشمنان
تا توان خاری ز راه دشمنان برداشتن

میرزا اسعد قمشه

ز دوستان دو رنگم همیشه دل تنگ است
فدای همت آن دشمنی که یکرنگ است

محجوب بیغوری

با دشمن و جمعت گر شدی نرم چو موم
چون نقش نگین شوی مکن شرم چو موم
با خصم همیشه باش سرسخت چو سنگ
با جمعت همیشه باش دل نرم چو موم

فرخی یزدی

دوستی با مردم دانا نکوست
دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت میکند
بر زمینت میزند نادان دوست

؟

ز بس نامردمی از چشم نرم مردمان دیدم
اگر بر گل گذارم پا ز زخم خار میترسم

صائب تبریزی

دوستی

آدمی باید همه را برادر خود بداند. — کنفوسیوس

آدم پاکدل با مردم دنیا چنان رفتار میکند که گوئی با همه دوست و آشناست. — محمد حجازی

آنانکه سفها و نادانان را به دوستی گیرند خوار و بیمقدار شوند. — امام صادق (ع)

آنچه مردم دوستی میخوانند چیزی غیر از نفع شخصی نیست. دوستی خودپرستی انسان است که میخواهد از دیگران بعنوان دوستی متمتع گردد. — لارشفوگو

آنکس که در هر جا دوستانی دارد، همه جا را دوست داشتنی مییابد. — مثل چینی

آنکه با تو در دوستی میزند با وی ره دوستی گیر که اینگونه دوستی پایدارتر است. — حضرت محمد (ص)

از دوست نباید بیش از آن خواست که از نسیم صبح و بوی گل توقّع داریم. — محمّد حجازی

از سلامتی خود مواظبت میکنیم. برای روز مبادا پول ذخیره میکنیم. سقف خانه را تعمیر میکنیم و لباس کافی میپوشیم ولی کیست که در بند آن باشد که بهترین دارائی یعنی دوست را بصورتی عاقلانه برای خود فراهم کند؟ — امرسون

اگر دوست را با دشمن بینی، خاطر گران مدار چرا که اگر با تو دوست است بگذار دو دشمن تو اندیشه بد نماید و آزار رساند و اگر دوست

نباشد چنین کسی را بدشمن ارزانی دار .

؟

اگر هر کس همه کس را دوست میداشت همه کس صاحب دنیا میشد .

شیللر

اگر در بارهٔ دوست خواستی قضاوت کنی احمقی بیش نیستی زیرا اگر غلط گفته باشی گناهیست نابخشودنی و اگر راست گفته باشی چرا او را بدوستی خود برگزیده ای .

مثل عربی

اگر دوست تو مرتکب خطائی شد از دوستی او صرف نظر مکن زیرا که انسان در معرض خطا است تا میتوانی دوست برای خودت آماده کن نه از برای مالت .

فیثاغورث

اگر بدوستی علاقمندی از خواهش و اصرار او آزار نرسان که از چشم او میافتی .

؟

اگر میخواهید شما را دوست بدارند اشتباهات خود را پیش از محسنات خود نمایان سازید .

بارون لیتون

اگر مردم یکدیگر را دوست میداشتند تمام مسائل انسانیت حل میشد .

ل دوپره

انسان بهمان نسبت که میتواند دوست داشته باشد وجود دارد .

کوریتین

انسان برای اینکه بتواند با روح عالمگیر حقیقت مواجه گردد بایستی بتواند پست ترین مخلوقات را چون خود دوست بدارد گاندی

انسان قبل از اینکه بتواند دیگران را دوست بدارد باید قدری بخودش علاقه داشته باشد .

غ - د

انسان باید دیگران را از بلندترین ارتفاع که ممکن است دوست داشته و با علو همت در بارهٔ آنان رفتار نماید تا وقتی میتواند از راه عشق دیگران را دوست داشته باشد . نباید در سایهٔ ترحم و شفقت آنها را دوست بدارد تا وقتی میتواند از راه عدالت

بدیگران ببخشاید، از راه احسان نباید ببخشد، تا وقتی میتواند بدیگران احترام بگذارد نباید در صدد دلجوئی و تسلی آنان باشد. بالزاک

ای فرزندان، رشته های دوستی را هر کجا پاره شد پیوند زنید و هر جا سست شد محکم کنید. ؟

با دوستان بخوبی ایشان زیست کن و چون آنمقدار مال نداشته باشی که بدوستان بذل کنی در خوشروئی و خوشخوئی با ایشان تقصیر مکن که هم بدان صفت ترا دوست خواهند داشت. لقمان حکیم

با چه کسانی دوست و رفیق میباشی تا بگویم چگونه آدمی هستی. امرسون

بدوست خود دروغ بگو اگر آنرا افشا نکرد میتوانی حقیقت را بعداً با او بگوئی. ؟

بدوستی که بعد از عشق بین دو نفر حکمفرما میشود باید عقیده داشت. الکساندر دوما

برادر کسی است که در سختی برادری کند. حضرت امیر (ع)

بررسی حال مردم بکن و الا بی دوست مانی. حضرت صادق (ع)

برادران و رفقای صمیمی سه نوع میباشند ۱- کسیکه مانند غذا بآن نیاز هست و آن رفیق عاقل است ۲- کسیکه وجود او برای انسان بمنزله بیماری مزاحم است و آن رفیق احمق است ۳- کسیکه وجودش بمنزله داروی شفابخش است و آن رفیق روشنفکر است. امام صادق (ع)

برای اینکه دوست پیدا کنی باید خود را لایق و آماده دوستی بار بیاوری. مودا

برای برقراری روابط دوستانه طرح و حل اختلافات مفید تر از سرپوش گذاردن بر روی آنهاست. سولون

بزیارت دوستان خود کمتر رو تا دوستی میانه تو و ایشان فزونی گیرد . حضرت محمد (ص)

بگذار که دوستی کم کم باوج خود برسد اگر این رسیدن برق آسا باشد ناگهان از نفس میافتد و متوقف میشود . ولتر

بهترین برادران شما کسی است که عیوبتان را تذکر دهد . حضرت محمد (ص)

بهترین دوست تو آنکس است که عیوب ترا نزد تو هدیه فرستد . حضرت صادق (ع)

بهترین دوستان من کسانی هستند که پیشانی و ابروهای آنها باز است . هوگو

بهترین و حقیقی ترین دوستانم از تهی دستانند . توانگران از دوستی چیزی نمیدانند . موزارت

پای خود را دوست خود گردان . مثل اسکاتلندی

پرسیدم دوست بهتر است یا برادر ؟ گفت ، دوست برادری است که انسان مطابق میل خود انتخاب میکند . این گو

تا انسان دوست نداشته باشد نمی فهمد . لامارتین

ترس بیش از یک ثانیه کارگر نیست ، دوستی یک عمر پایدار است . سعید نفیسی

جان را فدای یاران موافق کنید . افلاطون

چشم بمال مردم نداشته باش تا در دوستی تو نکوشند . حضرت محمد (ص)

چنانچه شفای تن با دواها باشد . نشاط و بقای نفس نیز با دوستان بود پس زیاد گردانید دوستان خود را . ؟

چون دوستی اختیار کنی در حال غضب وی را امتحان کن اگر با انصاف باشد دوستی را شاید و اگر نه از وی بر حذر باش . لقمان

چهارمین دوست کسی باشد که سه دوست خود را از دست داده است . — لاواتر

داشتن یک دوست حقیقی از همه چیز گرانبهاتر است و کمتر کسی هم در صدد بدست آوردنش میباشد . — لارشفوکو

در موقع انتخاب رفیق همواره بکوشید تا کسانی را که بهتر و بزرگتر و فاضل‌تر ند رفیق خود سازید تا در زیر کیمیای مصاحبت و اخلاق و فضیلت آنها مس وجود شما زر گردد . — کاظم زاده ایرانشهر

در انتخاب دوست شتاب مورز و به تعجیل از آنان روی بگردان . — سولون

دوستی حقیقی مانند نهالیست که در کوهستان بروید بمجرد اینکه ریشه های خود را بسنگهای صخرهٔ کوه متصل کرد . دیگر طوفانهای سخت و بادهای تند قادر بکندن آن نخواهند بود . — اندره توریه

دوست بدارید در حیات بشر زیباتر از این چیزی نیست . — ژرژ ساند

دوست داشتن بدون امید باز هم یک خوشبختی است . — بالزاک

دوست کسی است که من با او میتوانم صمیمی باشم و جلو او با صدای بلند فکر کنم . — امرسون

دوستان حقیقی اگر از دیده بروند از دل نخواهند رفت . — سیسرون

روشنی دوستی بروشنی فسفر میماند که چون همه جا در اطراف ما تاریک شود روشنی آن آشکار میشود . — کوول

دوستان در زندان بکار آیند که بر سر سفره همه دشمنان دوست نمایند . — سعدی

زینت منزل دوستانی هستند که بآنجا رفت و آمد دارند . — امرسون

سه نوع دوستی هست که در همه جا باارزش و سودبخش است و سه نوع دوستی دیگر است که زیان و پشیمانی میدهد.
دوستی باکسانیکه در دوستی خود پایدار و باوفا هستند. و باکسانیکه در سکار و راستگویند و با آنانکه تجربه های بسیار دارند
سودبخش است لیکن دوستی با مردمان چاپلوس و دورو یاوه گو بدبختی و رسوائی بار آورد . کنفوسیوس

دل دوستان آزردن مراد دشمنان برآوردن است . سعدی

دوست کسی است که قدر مرا میداند و برای من ارزش قائل است . آلبوت هوبارد

دوستی با افراد بد مانند سایهٔ بامدادی است که در هر ساعت بر وبکاهش میگذارد. دوستی با افراد نیک مانند سایهٔ
عصر است که تا غروب آفتاب بر وبافزایش میگذارد . هردر

دوستی چه موهبت گرانبهائی است که هیچ چیز با آن لاف برابری نمیتواند زد . هوراس

دوستان عبارت از خانواده ای هستند که انسان اعضای آن را باختیار خود انتخاب کرده است . آلفونس کار

دوست بجای چتر نیست که باید روزهای بارانی همراه شما باشد . پل نزولا

دوست بدارید تا شما را دوست بدارند . سنت اگوستن

دوستان دو گونه اند یکی آنانکه همیشه شما را میخندانند از ایشان خیری نخواهید دید دیگر آنانکه عیب شما را میگویند و شما
را بتفکر وامیدارند قدر ایشان را بدانید . ابوالعلاء مصری

دوست صادق آنست که در غم و شادی ما شریک باشد خوشبختی ما را دو برابر کند و یک نیمه از رنجهای ما را بدوش کشد . بایکن

دوستی را بعمری فراچنگ آرند نشاید که بیکدم بیازارند . سعدی

دوستانیکه داری و آنان را آزموده‌ای با قلابهای فولادین بجان و دل خود پیوسته نگاه دار . شکسپیر

دوست من کسی است که من میتوانم او را با اندیشه های برگزیده خویشتن شریک سازم . تورو

دوست واقعی ضعف شما را ستایش نمیکند بلکه میکوشد قدرت و نیروی شما را بیدار سازد . آرنولو کلاسکو

دوستی های ما نیز مانند خانه های ما لباسهای ما ماشین های ما گاهی احتیاج به تعمیر دارند . دکتر جانسن

دوستی کسانیکه در هنگام برگشت روزگار با انسان همراهی کرده اند فراموش شدنی نیست . ؟

دوست دزد زمان است . مثل اسپانیائی

دوست را در ایام فلاکت و بدبختی قهرمان را در عرصه کارزار . مرد درستکار را با اعطای وام زن را در ایام بینوائی

و قوم خویش را در هنگام دچار شدن بزحمت و گرفتاری توان شناخت . ؟

دوستان را در خلوت توبیخ کنید و در ملاء عام تحسین . لاتین

دوست مثل درشکه در روز بارانی کمیاب است . ولتر

دوستی اگر بخاطر جلب نفع باشد دوستی نیست بلکه تجارت است . ؟

دوستی مثل اسناد کهنه است قدمت تاریخ آنرا قیمتی میکند . گوته

دوست همه کس دوست هیچکس نیست . یوردالو

دوستی نعمت گرانبهائی است، خوشبختی را دو برابر میکند و بدبختی تخفیف میدهد.　شکسپیر

دوست من فقط آنکس را دوست میدارم که در همهٔ اوقات روز و شب فقط بخیر و صلاح دوست خود بیندیشد و برای خوشبخت کردن او همهٔ کوشش خود را بکار برد.　موزا

دوستان را بهمیشه ثنا گوی که دوستی از ثنا خیزد چنانکه عداوت از قدح و هجا.　سقراط

دوست برادر است که انسان مطابق میل خود انتخاب میکند. انسان بواسطه خوبی یا بدی ضعف یا قدرت نمیتواند تنها زندگی کند، برای خود باید دوست انتخاب کند.　امیل ناگه

دوست کیفیتی است روحی که دو جسم را بهم می پیوندد و برای بقای دوستی دوستان باید فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و بدیدهٔ احترام بنگرند.　ارسطو

دوستی ازدواج دو روح است و در آن طلاق و جدائی جایز نیست.　ولتر

دوست از دوست حق گله گزاری دارد. گله گزاری دلیل دوستی و علاقه بدوام حسن مناسبات است.　فرانسیس بایکون

دوستان واقعی در خدمتگزاری و فداکاری رقیب و حریفند و هیچ پاداشی نمیخواهند.　سیسرون

دوستان خود را از بین طبقهٔ فقیر برگزینید چه صمیمیت در قلوب آنها بیشتر حکمفرما است.　لاردشفوگوله

دوست را دوست بدار ولی مراقب خود باش.　مثل اسکاتلندی

دوستانت باید مثل کتابهائی که میخوانی کم باشند و برگزیده.　مثل انگلیسی

دوست آنست که در مصیبت از کنار ما نرود . ؟

دوستی با اشخاصیکه درستکار، وفادار و دانا هستند سودمند است . دوستی با اشخاصیکه خوش ظاهر و متملق و چرب زبانند زیان آور است . کنفوسیوس

دوستی بر اساس تقوی پایدار است و همینکه این پایه بلغزد بنای دوستی واژگون میشود . سیسرون

دوستان مهربان از برادران نامهربان بهترند . مثل چینی

دوستی گیاهی است که باید هر چند وقت آنرا آبیاری کرد . ؟

در ترحم هزار بار بیش از لذت غرور است دوست داشتن پاداش دوست داشتن است و دوست داشتن تسکین دوست داشتن . وینه

دو دوست مثل دو دستند که آلایش یکدیگر را میشویند . حضرت محمد (ص)

دوست حقیقی آنست که پشت سر دوست هم صدیق باشد . حضرت امیر (ع)

دوستان یک نفسند فقط جسمهای ایشان از هم جداست . حضرت امیر (ع)

دوست حقیقی آنست که در سه حال دوست خود را حفظ کند یکی در هنگام سختی که برای او پیش آید . دوم در غیاب او . سوم ، بعد از وفاتش . حضرت امیر (ع)

دوستانت را از نظر خود ارزان میندیش و خود را نیز در نظر ایشان چنین مکن .

صداقت و دوستی حدودی چند دارد اوّل آنکه آشکار او نهانش با تو یکی باشد دوّم آنکه زینت ترا زینت خود و عیب ترا عیب خود بداند. سوّم آنکه اگر مالی یا حکومتی بدست آورد رفتار خود را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه هرچه که از دستش برآید از تو دریغ ندارد. پنجم آنکه در موقع بلا و سختی ترک یاری تو نکند و ترا بخود وا نگذارد . امام صادق (ع)

صفات هرکس مربوط به محسنات و نقایص اخلاقی دوستان اوست . کارلایل

عاجزترین مردم کسی است که از بدست آوردن برادران عاجز است و عاجزتر از این کسیکه دوست و برادری را که بدست آورده از دست بدهد . حضرت امیر (ع)

کدام دوست استوارتر و کدام یار مهربانتر کدام تدبیر بهتر . دوست گوهری استوارتر ، یار کهن مهربانتر و تدبیر بخردان بهتر . ارسطاطالیس

کسانیکه دوستی را از زندگی برمیدارند مثل آنست که آفتاب را از عالم برداشته اند . سیسرون

کسیکه دوست میدارد همیشه در هاله ای نورانی زندگی میکند . آلفرد دوموسه

کسیکه دوستان خود را برای لغزشی رها کند بی یار میماند . حضرت امیر (ع)

کسیکه رفیق خوبی دارد احتیاج به آئینه ندارد . ؟

کسیکه صدقه میدهد دوستی و رفاقت درو میماید . مثل تازی

گشادن عقده های درون در پیش دوستان دو تأثیر دارد: یکی آنکه شادی را دو برابر میکند و دیگر آنکه غم را بدو نیم میزند

زیرا آنکس که دوستان را در شادی خویش انباز میکند سرور خاطرش بیشتر میشود و آنکه غم دل بیاری موافق میگوید بار اندوه خویش را سبکتر خواهد یافت .
فرانسیس بایگون

ما بدیگران علاقه پیدا میکنیم وقتی که آنها بما علاقه بیابند .
پوبلی لیوس

مانند ما در یکه فیله زندگانه خود را دوست دارد مرد نیز باید پرتو محبت خود را باطراف خویش بنفشاند. خواه ایستاده و خواه نشسته و یا خوابیده باشد .
بودا

ما همیشه افرادی را دوست میداریم که با نظر اعجاب و تحسین بما مینگرند ولی همیشه افرادی را که با نظر تحسین بآنها نگاه میکنیم دوست نمیداریم .
لاروشفوکوله

مرا اندکی دوست بدار ولی طولانی .
کریستوفرمارلو

مردیکه خصلت نیک دارد هرگز تنها نمی ماند. زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند .
کنفوسیوس

مردم هر کدام آرزوئی دارند یکی مال میخواهد. دیگری جمال. دیگری افتخار ولی بعقیده من دوست خوب از تمام اینها بهتر است .
سقراط

مردم گمان میکنند تنها دوستی اشخاص بزرگ و معروف برایشان مفید است در صورتیکه اشخاص حقیر هم بنوبه خود میتوانند برای ما مفید باشند و افق حیاتمان را با نور محبت روشن کنند .
لردآویبوری

سنگی که با دوست در میان بگذارند آسان میشود .
محمدحجازی

من در جهان یکدوست داشته ام و آنهم خودم بوده ام . — ناپلئون

نشان دوست نیکو آنست که خطای تو بپوشد و ترا پند دهد و رازت را آشکار نکند . — بوعلی سینا

نهال دوستی واقعی آهسته رشد میکند . — ژرژواشنگون

نوع دوستی بهترین و عالیترین احساس انسانی است . — هوم

وقتی دو دوست باهم صمیمی شوند مرگ یکی فقط تألم خاطر دیگری را فراهم میآورد ولی فراق هر دو را متأثر میسازد . — لاروشفوکو

هدیه دوستی را میپروراند و تجدید میکند برادری را و میبرد کینه را . — حضرت محمّد

هدف نهائی مبارزه ما دوستی با تمام مردم دنیاست . — گاندی

هرکس را بقدریکه احترامت میکند دیدن کن . — حضرت امیرؑ

هرقدر بیشتر کسیرا دوست داشته باشید کمتر مغرورش میکنید . — مولیر

هرچه دوستان یکرنگی بیشتر باشند امیدواری بزندگی فزونتر است . — اخلاق روحی

هرکه بیشتر دوست دارد بیشتر محروم است و رنج خواهد برد . — توماس مان

هرکس باید با تمام قوت مردم را دوست بدارد . — کنفوسیوس

هرگاه میخواهی با کسی دوستی کنی بیشتر از همه ببین که فهم او چه اندازه است . نیک و بد را در چه میداند افتخار و اهانت را چه میشمارد . نیکبختی و بدبختی او در چه چیز است ؟ . — مارک اورل

هرچه از دوست میرسد نیکوست . ؟

هرچه دوستانتان کمتر باشند بقدر قیمت دوستی بیشتر پی خواهید برد . ؟

هرکس برای خود نقصی دارد و آن کسیکه خواستار دوست بدون عیبی باشد هرگز بآنچه میجوید نخواهد رسید . ما خود را با همه عیوبی که داریم دوست میداریم و دوستانمان را نیز باید بهمین شکل دوست داشته باشیم . سایرس

همنشین نیک غنیمتی است . حضرت امیر

همه را دوست بدارید و خوبیهای دیگران را ببینید و بزبان بیاورید تا طرف توجه و محبوب همه باشید . هیلین شاختر

همسایه ات را مثل خودت دوست بدار . انجیل

همانطورکه عشقهای حقیقی کمیاب است دوستیهای حقیقی نیز کمیاب است . دارشفوگو

همه چیز میگذرد حتی صحبت ها و بوسه ها و در بر گرفتن ها و سایر تظاهرات عشق جسمانی اما رشته دوستی دو روح که یکبار همدیگر را در آغوش کشیده و بحقیقت یکدیگر را شناخته اند هرگز گسیخته نمیشود . رومن رولاند

یقین داشته باش که آن کسیکه در خلوت عیبهای ترا باز گو میکند دوست تو است چه خود را با خشم و کینه تو روبرو میسازد و از این کار هیچ باک ندارد . کمند کسانیکه بتوانند چنین وضعی را تحمل کنند و بیشترین مردمان طالب شنیدن ستایشند . و این ستایش دوستی یکی از بلاهائی است که بیش از هر چیز نوع بشر را می فریبد و جادو میکند . لرو . دالی

یکی از سخت ترین آزمایش های دوستی آنست که بدوستان معایبشان را بگوئید . دوستی آنستکه شما کسی را چنان دوست

بدارید که میل نداشته باشید در او عیبی ببینید و با او با لطف و مهربانی حقیقت دردناک را بگوئید. بیچر

یک دوست خوب باندازهٔ صد قوم و خویش ارزش دارد. مثل فرانسوی

یکی از بزرگترین مسرات دنیا این است که گروهی از دوستان در یکجا جمع شوند و ساعات فراغت را به سخنان شیرین و دلپذیر بگذرانند. لرد آویبوری

یگانه راه دوست پیدا کردن اینست اوّل خودمان اظهار دوستی کنیم. امرسون

از بس که مهر دوست بدل جا گرفته است
جائی برای کینهٔ دشمن نمانده است

ظهوری ترشیزی

از عشق روی دوست حدیثی بدست ماست
صیدیست بس شگرف نه درخورد شست ماست

میدان مهر او نه بکام سمند ماست
درع وفای او نه ببالای پست ماست

سنائی

ای باد عاشقان گذری کن ببام دوست
برگرد بنده وار بگرد مقام دوست

گرد سرای دوست طوافی کن و ببین
آن بار و بارنامه و آن احتشام دوست

خواهی که کاروان سلامت بود ترا
همراه خویش کن بسوی سلام دوست

بینا مباد چشم من ار سوی چشم من
بهتر ز توتیا نبود گرد گام دوست

سنائی

بروزگار جوانی بیازمای کسان
ببین فرشته خصالند یا که دیو و دد نیز

برای خویش رفیق شفیق گلچین کن
ز مردمی که هنرپیشه اند و باخرد نیز

ملامتت نکنند ار بر خویشتنت
باختیار رکابی تو منتخب نشد نیز

ولی به سنگ و بر همنشین تو مسئولی
به همنشینی مردم باختیار خود نیز

معاشران تو گر چند تن زرنگ‌اند — غمت مباد که ابنای روزگار بدند

شیخ الرئیس افسر

تقدیم حضرت کنم تصویر خویشتن را — تا روی من ببوسد آن روی چون نسیم را

ادیب الممالک فراهانی

دنیا خوش است و مال عزیز است و تن شریف — لیکن رفیق بر همه چیزی مقدم است

سعدی

شعله‌ها خیزد ز جانم در طواف کوی حضرت — نالان ز رفیعم گر ارادت حلقه بر این در زنم

عبدالرفیع حقیقت

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست — تا کرد مرا تهی و پر کرد ز حضرت

اجزای وجودم همه حضرت گرفت — نامیست ز من بر من و باقی همه اوست

نجم الدین رازی

کم کن ملامتم که مرا اختیار نیست — کاین دل ز حضرت بفرمان نمی‌رود

گر بی تو در بهشت مرا دعوتی کنند — گویم که این ضعیف بزندان نمی‌رود

همام تبریزی

من چه گویم یک رگم هشیار نیست — شرح آن یاری که او را یار نیست

مولانا

میروم و میروم سوی دوست — تا کشدم در خم گیسوی دوست

عقل کجا عشق و جنون از کجا؟ — عشق کجا صبر و سکون از کجا؟

شرط وفا نیست شکایت ز دوست — کانچه نکو میکند آن هم نکوست

حسین فروغی

وگر بر رفیقان نباشی شفیق — بفرسنگ بگریزد از تو رفیق

کم گفتار چه بر صحبت ای رفیق — نیاساید به سر تخت عشق غریق

سعدی

هر که بی باکی کند در راه دوست — ره زن مردان شد و نامرد اوست

مولانا

یارب مباد شکوه کنم پشت سر ز دوست — آن تند خوی گرچه دلم روبرو شکست

ادیب بیضائی

رازداری

آنکه راز خود را پنهان میکند کلید موفقیت را در دست دارد. — حضرت امیر(ع)

آنچه را که یکنفر میداند هیچکس نمیداند ولی اگر دو نفر بدانند همه کس میداند. — مثل سوئدی

از بدترین کارها آلودن دست بخیری است که با امانت به شما سپرده باشند — حضرت امیر(ع)

از نزدیکی بکسی که قادر بحفظ اسرار و رموز زندگی خود نیست پرهیز نما. — افلاطون

اسرار خود را بدیگری مگوی زیرا سینه آنکه در حفظ راز خود بستوه آید نباید از حوصله بیگانگان انتظار امانت داشته باشد — حضرت امیر(ع)

اسرار شخص حال زندانیان را دارند که چون رها شوند تسلط بر آنها غیر ممکن است. — شوپنهاور

اگر خواهی سرت بجای خود ماند سر نگهدار باش. — ؟

اگر کسی خواست سر خود را به شما بسپارد فرار کنید میخواهد بار سنگینی را که خود نمیتواند ببرد بدوش شما بگذارد. — حجازی

اگر خواهی راز تو را دشمن نداند با دوست مگوی. — ؟

اگر میخواهی از اسرار مردی واقف شوی فقط از همسایگانش سؤال کن. — مثل چینی

بدوست خود راز دل مگو که او نیز بدوست خود گوید. — ؟

بسیاری از مردم رازهای دیگران را به شما میگویند تا به شما ثابت کنند که میتوانید به صمیمیت ایشان اعتماد کنید و آنان رازدار خود سازید . اسکار وایلد

بالاترین زرنگیها پنهان کردن زرنگی است . مثل انگلیسی

به زن لال هم اگر اسرار خود را بسپاری فاش میشود . مثل انگلیسی

برای اینکه بتوانید بدون دغدغه و ناراحتی خیال زندگی کنید راز خود را بکسی نگوئید . فلوریان

پرده اسرار کسی را ندرید . حضرت محمد

پیروزی در پایان نگری است و پایان نگری در پایداری تدبیر و پایداری تدبیر در نگاه داری راز . حضرت امیر

پرگو فقط رازی را که نمیداند حفظ خواهد کرد . مثل آفریقائی

چه بسیار کسانیکه پزشک به بالین خود میخوانند در صورتیکه محتاج به یکنفر رازدار و ندیم هستند که درد دل آنها را بشنود . دیل کارنگی

چگونه باور کنیم که دیگری از ما رازنگهداری خواهد کرد در صورتیکه خودمان از نگهداریش عاجز بوده ایم . لاروشفوکولد

راز موقع دوستی را در زمان دشمنی ابراز نمودن و راز شهامت و اخلاق جوانمردی است . حضرت صادق

رازی که پنهان خواهی با کسی در میان منه اگرچه دوست مخلص باشد که مران دوست را نیز دوستان مخلص باشد . سعدی

راز با مرد ساده دل و بسیارگو و میخواره و پراکنده صحبت مگوی که این طایفه از مردم بر حفظ و کتمان آن قادر نباشند . مرزبان نامه

راز چیزیست که درباره آن فقط این را میدانم که هست ولی از اینکه چیست آگاهی ندارم . جوزف کوک

زبانی که از اظهار حقی متوجه من گردد بمراتب مرا گوارا و مطبوع‌تر است تا آنکه با اخفای مطلبی ضرری بحق برسانم. بتهوون

رازچیزی است که بلای آن در محافظت است و هلاک آن در افشا. مرزبان نامه

رنگ رخساره خبر میدهد از سرّ ضمیر. ؟

راز، برده تست ولی وقتیکه آنرا فاش کردی تو برده اش میگردی. ؟

صاحبدلی را گفتند: چگونه راز نگاه میداری؟ گفت نخست ویرا در زندان سینه جای داده و پس بگور دل میسپارمش. ؟

فقط اموات‌اند که میتوانند در نگهداری اسرار بکوشند، بزنده‌ها نباید اعتماد کرد. کاترین رومدیس

فاش نکردن اسرار مردم دلیل کرامت و بلندی همت است. سقراط

قوی‌ترین رکن بنای مودّت کتمان اسرار دوستان است. بزرگمهر

کسیکه نتواند راز خود را بپوشاند از نهفتن راز دیگران ناتوانتر است. حضرت امیر ع

کسیکه کوچکترین قسمت رازی را فاش کند، بقیه‌اش نیز در اختیار او نخواهد ماند. ریشتر

کسیکه راز خود را بپوشاند اختیار در دست اوست. ؟

گناه افشا شدن یک راز بگردن کسی است که اولین بار آنرا بدیگری سپرده است. کنگور

نگذار دست چپ بفهمد که دست راست چه میکند. مثل یونانی

هر سخن که از زندان دهان بجست و هر تیری که از قبضهٔ کمان پرید پوشانیدن آن سخن و باز آوردن آن تیر دست ندهد. کلیله و دمنه

هر چیز را که نگهبان بیشتر بود استوارتر گردد. مگر راز که نگهدار آن هر چند زیاد باشد آشکارتر گردد. افلاطون

هر کس که براز دیگران آگاه گشت اگر آن از را بگشاید بمانند آنست که بخیانت و نابکاری آلوده شده باشد. ؟

هر آن سری که داری با دوست در میان منه چه دانی وقتی دشمن تو گردد و هرگز بدی که توانی بدشمن مرسان که باشد وقتی دوست گردد. سعدی

هیچ چیز از اسراریکه نباید فاش شود سنگین تر نیست. مثل فرانسه

یکبار پشیمان نشدم که چرا نگفتم ولی بارها ندامت بردم بر آنچه گفتم. ؟

اگر کام خواهی در این آب و گل — مگو تا توانی به کس راز دل

مگو راز دل هیچ کس را نشنوی — از آن گفتن آخر پشیمان شوی

به دوست گر چه عزیز است راز دل مگشای — که دوست نیز بگوید به دوستان عزیز

سعدی

پرده دراست آنچه در این عالم است — راز تو را هم دل تو محرم است

مصلحت توست زبان زیر کام — تیغ پسندیده بود در نیام

چون دل تو بند ندارد بر آن — بند چه جوئی ز دل دیگران

نظامی

منه در میان راز با هر کسی — که جاسوس همکاسه دیدم بسی

از این آشنایان بیگانه خوی — دورویی نگر یک زبانی مجوی

مگر جز تو داند که عزم تو چیست؟ — بر آن رای و دانش بباید گریست

سعدی

نگهبان سرت گشته است اسرار — اگر سر بایدت رو سر نگهدار

زبان در بسته بهتر سر نهفته — نماند سر چو شد اسرار گفته ناصرخسرو

خامشی به که ضمیر دل خویش | با کسی گفتن و گفتن که مگوی
ای سلیم آب ز سرچشمه به بند | که چو پر شد نتوان بستن جوی

سعدی

آن شنیدم که گفت دستاری | با رفیقی از آن خود رازی
گفت این راز را مگوئی باز | گفت من کی شنیده ام ز تو راز
شرری بود در هوا افسرد | در تو زاد این زمان و در من مرد

جامی

غلامی با طبق میرفت خاموش | طبق را سر بپوشیده بسرپوش
یکی گفت چه داری بر طبق تو؟ | مکن گرشی بگو با من بحق تو
غلامش گفت ای سرگشته خاموش | چرا پوشیده ام این را بسرپوش
ز روی عقل اگر بایستی این راز | که تو دانسته بودی مشتری باز

عطار نیشابوری

چنین شنیدی راز کسی با کسی مگوی | ور کنند از تو بدار به جستجوی
گوش آنکس نوشد اسرار جلال | کو چو سوسن صد زبان افتاد لال جلال الدین مولوی

راستکاری - درستکاری

آنچه را میزبان، خرج خودنمائی میکند، حق ندارد بحساب مهمان نوازی بگذارد. — حجازی

از مردم طماع راستی مجوی و از بی اصل وفا مخواه. — محمد غزالی

افراد نادرست معایب خویش را از خود و دیگران پنهان میدارند ولی درستکاران به معایب خود واقف و بدان معترف هستند. — لاد شفوگو

اگر میخواهی مرا العنبر بی یقین بدان که خویشتن را فریفته ای. — سعید نفیسی

اگر میبایست من از میان سیصد شعر حماسی یک جمله را برگزینم که تمام تعلیماتم را دربرداشته باشد این جمله را برمیگزینم هیچ اندیشهٔ بدی را در سر یا در دل خود جای مده. — کنفوسیوس

اگر دروغ سیرها ند راست همیشه رهاننده است. — ؟

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطن آراسته باشد. — چخوف

ای راستی شکوه منش پاک را از آن من ساز. — زرتشت

بحث کنید و اندیشه ها را با یکدیگر بسنجید تا از آن میانه راستی زاید. — حضرت علی (ع)

پرهیزگاری جان و تن را آسایش میبخشد .　　حضرت محمد (ص)

پرهیزگار باش که هرگز هیچ پرهیزگار از درستی نمیرد .　　غزالی طوسی

چنان نمای که هستی یا چنان باش که مینمائی .　　بایزید بسطامی

خانه دزد و تقلب بالاخره روزی زیر و زبر خواهد شد ولی سرای درستی و کاخ امانت محکم و پابرجاست .　　حضرت محمد (ص)

خوشا بحال نادرستی که در اولین نیرنگ بدام بیفتد .　　حجازی

در گفتار خود راست و در رفتار و کردار خویش پاک و بی آلایش باشید .　　حضرت امیر (ع)

در زیر آسمان کبود همه چیز ممکن است حتی غلبه راستی بر دروغ .　　آناتول فرانس

راستی داروئی است که رستگار کند .　　حضرت علی (ع)

راستی نخستین چیزی است که انسان باید بجستجویش بپردازد .　　گاندی

راستی مثل گنج است هر قدر ظاهر شود طرفدارانش بیشتر میشود و دروغ مثل شعله پنهان آتش است که وقتی ظاهر شد سوزش و تباهی بیشتری همراه دارد .　　ارسطو

راستی مانند گوهری است که در روز روشن قدر و قیمتش بیشتر معلوم میشود .　　بایگون

راستی یگانه فضیلت است ، راستی شادمانی است شادمانی از آن کسی که همیشه راستگو و درست کردار است .　　زرتشت

میتوانم قول بدهم که صاف و صریح باشم در عین آنکه ممکن است بیطرف هم نبوده باشم .　　گوته

مرد آزاده شرم دارد از اینکه سخنانش از حد و اعمال او تجاوز کند. یعنی گفتار او با کردار او راست نیاید. — کنفوسیوس

معنی زیستن رنج بردن است. مرد درستکار پیوسته با نفس خود میجنگد تا بر خود فرمانروا گردد. — ناپلئون

ممکن است دروغ یکسال بدود ولی راستی در یک روز از او جلو میافتد. — مثل آفریقا

ناتوانان نمیتوانند راستگو باشند. — لاروشفوکو

نیمی از بدبختی های جهان از آنجا میآید که ما شجاعت آنرا نداریم که آشکارا و با روح محبت راست بگوئیم و راست بشنویم. — ؟

وای بر کسیکه آثار خوبان دارد ولی خوب نیست. — ؟

وسائل شناختن راستی همانقدر ساده است که سخت مینماید. — گاندی

وقتی نفس تو را به راه خطا میخواند بگو: نه آنوقت ببین چه آسوده خواهی زیست. — ؟

هر کجا که زندگی تظاهر کند هر چه تلخ باشد حقیقت در همانجاست یگانه آرزویم اینست که هوشمند و راستگو باشم ولی بیم آن دارم که این صفات در من وجود نداشته باشد. — موسورسکی

هرگز نمیتوانم صفت خوبی را در دیگران بشناسم مگر اینکه از آن بوئی برده باشم. — چینگ

هیچکس مجبور و موظف نیست که در دنیا بزرگ و متمول و یا عالم و عاقل بشود ولی بر همه کس فرض و واجب است که درستکار باشد. — اسمایلز

هیچ چیز آسانتر از فریب دادن یک فرد درستکار نیست. — مثل اسپانیولی

یک دروغ نمیتواند هزار راستی را بکشد. — مثل آفریقا

بشنو تا بدانی که این راز چیست — که گر نشنوی بر تو باید گریست

مگوی آنچه داری به دل راست را — که هر راست را باز گفتن خطاست

بسا راست کآشوب‌ها راست کرد — وز آن گفته خصم آنچه می‌خواست کرد

نه هر راست را بایدت گفت تیز — مگر تا نگویی بجز راست چیز

کجا فتنه خیزد ز گفتار راست — خموشی گزیدن در آنجا رواست

گروهی دروغی روا داشتند — بیک جای و آن خیر پنداشتند

دروغی کجا صلح آید از آن — به از راست کآشوب زاید از آن

منت راست گویم که چونین دروغ — وگرچه بپخته ندارد فروغ

ز خوبی زبان خواستن بود با راست — ولی در بری هیچ کس سود نیست

بهار

مایه هر نیکی و اصل نکوئی راستی است — راستی پیشه که باشد نیکوئی پیدا کند

راستی کن تا بر اهل حق چشم سر بینا کنی — راستی در دل ترا چشم دگر بینا کند

ناصر خسرو

طریق صدق بیاموز ز آب صاف دل — به راستی طلب آزادگی ز سرو چمن

حافظ شیرازی

بگیتی کیمیایی جز راستی نیست
که عزّ راستی را کاستی نیست

فخرالدین گرگانی

سخن راست گر خوش نیست که زهرآلود است
جگر شیر کجا بود که بجز راست شنود

صائب

زنهار مگو سخن بجز راست
هر چند ترا در آن ضررهاست

گفتار دروغ را اثر نیست
چیزی ز دروغ زشت‌تر نیست

تا پیشهٔ تو هست راستگوئی
هرگز نبری سیاه روئی

ایرج میرزا

همه راستی کن که از راستی
نیاید بکار اندرون کاستی

چو با راستی باشی و مردمی
نبینی جز از خوبی و خرمی

رخ مرد را تیره دارد دروغ
بلندیش هرگز نگیرد فروغ

فردوسی

دلت را راست کن از راستکاری
که هست از راستکاری رستگاری

ناصرخسرو

روزنامه

از همهٔ سرگرمی ها که موجود میباشد روزنامه میتواند مشغول کننده تر باشد، خانه را از افسردگی و شکل دایمی آن بیرون میآورد و آدمی را به صحنه های شادتر و جاندار منتقل میکند. در روزگار دیگر با او همراه است و اگر چیزهائی بیشتر از امور پیش پا افتاده، در روزنامه باشد مرد کار را در کنار کارهای ماشینی روزنامه تفکر بر میانگیزد. سرجهوشد

خوانندهٔ دقیق میتواند در یک سال از روزنامه ها بیش از آن چیزهای مفید بخواند و بیاموزد که دانشمندان از کتابخانه های بزرگ خود میآموزند. ف.ب.سبزن

در یک روزنامه باید خبر و اطلاع به حد اعلی باشد و تفسیر به حد اقل. کایدن

در این روزگار ما بخاطر اندیشه ها میجنگیم و روزنامه ها سنگرهای ما هستند. هاینه

روزنامه باید خبرگزار باشد نه خبرساز، حقیقت و مایهٔ سرگرمی واقعی چندان زیاد است که نیازی به خیال پردازی و دروغسازی نیست و نشر خبر دروغ خیانت به حقیقت است. سایمونز

روزنامه بزرگترین مربی قرن نوزدهم است هیچ نیروئی با آن قابل مقایسه نیست هم کتاب است و هم کرسی خطابه و هم سکوی سخنرانی در میدان عمومی شهر. تالیج

روزنامه شگفت انگیزترین عجائب جهان نوین است خانواده ای که لااقل یک روزنامه را نخواند و در آن دقیق نشود در قرن نوزدهم زندگی نمیکند .

برودوس

روزنامه : اینها خلاصه و عصاره وقایع زمان است که فضیلت و رذیلت را بصورت واقعی آنها نمایش میدهد، و روزگار را چنانکه هست مجسّم میسازد .

شکسپیر

روزنامه ها آموزگاران مردم متعارفی هستند و برای آنان حکم ثروتی بیش از میلیونها سکّه طلا دارند. بیچر

روزنامه ها دایرة المعارف های زندگی جهانند همه چیز را از چهارگوشه جهان برای ما نقل میکنند . ترابین واداردز

شرح دیوانگی ها و رذایل و بدبختیهای حاصل از آنها که در روزنامه ها درج میشود، آژیرها و چراغ های خطری است که پیوسته میسوزد تا مردمان را از محلهای خطر دور نگاه دارند. میخواهید با مردم درباره اخلاق سخن بشنوید، توسل به عمرو زید لازم نیست فقط یک روزنامه را بدست بگیرید و آنرا با دقت بخوانید تا آنچه میخواهید دستگیر شما شود. جرج بورن

مطبوعات روزنامه ای دانشگاه تودهٔ مردم است .

ح. سیرتن

یک روزنامه، تاریخ یک روز از جهان است که در آن زندگی میکنیم و با آن بیش از روزهائی که گذشته و تنها در خاطرهٔ ما باقی مانده است سروکار داریم .

جورج هورن

زن

آنقدر که احساسات و اوهام در زنان اثر دارد امور معقوله مؤثر نیست . — لاردشفوگو

آزادی برای یک زن نجیب خطر بزرگیست . — مثل روسی

اشک در زن سبب تسکین آلام درونی میشود ولی در مرد مردانگی را تباه میسازد . — ناپلئون

اگر زن نباشد و تبسم او بر ظلمات زندگی پرتوی نیفکند، تمام خوشیها بیروح و همه زیبائیها سرد میشود . — ؟

اگر زن نبود نوابغ جهان را که پرورش میداد . — ناپلئون

اگر زن با تقوا و خوش خلق کدبانوئی در خانه محقر و فقیری باشد آن خانه محل آسایش و فضیلت و خوشبختی میشود . — اسمایلز

اگر میخواهی اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید . بزنان آن ملت بنگرید . — ناپلئون

اگر تربیت زن و مرد یکسان بود نیروی فراست آنان نیز برابر میشد . — منتسکیو

اگر رسوم و قوانین جامعه را زیر پا میگذارند چندانهم گناهکار نیستند زیرا که این قوانین را مردان نوشته اند . — مونتنی

از خاندان متمول اسب بخر و از خاندان فقیر زن بگیر . — مثل استونی

اسب بی لگام و زن بی ادب انسان را نابودی میکشد . — مثل چینی

ای زن اگر طلاق میخواهی بما در شوهرت سلام مکن . — مثل فرانسوی

بزرگترین دشمن زن بیحوصلگی اوست . — پدژانه

بزنان خود باحترام بنگرید. آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامهٔ دلپذیر و زیبای عشق را میبافند و در پردهٔ عفاف احساسات لطیف را میپرورانند . — شیللر

بهراندازه که زن آرام و مطیع و با عصمت و با عفت است به همان اندازه قدرت فرمانروائی او شدیدتر و استوارتر است . — میشله

تاریخ زن تاریخ بدترین حکومتهای ظالمانه یعنی تسلط و اقتدار ضعیف بر قوی است و از آن بدتر اینکه تنها حکومت جابرانه ای است که دوام مییابد . — اسکار وایلد

تا وقتیکه زنان نیز در زمینه علم و دانش سخن خویش را نگفته اند نمیتوان از دانش واقعی حرف زد . میشله

تقوی و پرهیزکاری برای یک دختر برازنده تر از هر جواهری است . — آناتول فرانس

تمدن نتیجهٔ نفوذ زنان پارساست . — امرسون

تنها وجود زنان است که باین زندگانی سراسر ملال قدر و منزلتی میدهد اگر زن در جهان وجود نداشت زندگی تحمل ناپذیر بود . — آناتول فرانس

تواضع زینت زن است . — مثل هندی

جای تأسف است که کسی غیر از مرد عزب بلد نیست چگونه زن را اداره کند. — جورج کولمن

چیزیکه در زن قلب مرا تسخیر میکند مهربانی اوست نه روی زیبایش من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربانتر باشد. — شکسپیر

چهره یک زن نماینده شوهر اوست و پیراهن یک مرد معرف زن او — مثل یوگسلاوی

حساسیت عشق، تحمل و فداکاری زندگی زن را تشکیل میدهد. — بالزاک

خانم، زیبائی شما فقط چشم را لذت میبخشد اما زیبائی اخلاق و فهم شما روح را نوازش میکند. — ولتر

خوشبخت ترین زن کسی است که مرد را بعد از ازدواج بهترین مرد جهان بکند. — نیوتن

خوشگلی زن زینتی است زوال پذیر ولی حسن اخلاق او نعمتی است لایزال. — جرجی زیدان

خیلی ظالمانه است که مردان زنان را بواسطه خطاهایشان مجازات کنند در حالیکه خود شان مسبب این خطاها بوده اند.

در بعضی جامعه ها که فعالیت زن و مرد مشترک و مثل هم میشود و زنها در ردیف مرد شده و دولت از تمام احتیاجات آنها

حمایت میکند خود بخود لطافت زنانگی آنها از دست میرود. — اسلامی ندوشن

در دنیا تنها دو چیز زیباست، زن و گل. — مالرب

در آغاز هر کار مهم زن وجود دارد. — لامارتین

در زنان هوش و در مردان قریحه و استعداد بیشتر است آنچه را زن با چشم دقت و بررسی می بیند، مرد با دیده

تعقل و اندیشه مینگرد. — روسو

در دنیا هیچ منظره ای جالبتر از زنی که مشغول پختن غذا برای مرد محبوب خویش است وجود ندارد. — توماس ولف

در انتخاب زن، پائین تر از خودت را در نظر بگیر و در انتخاب رفیق یک پله بالاتر. — مثل چینی

رقابت و اختلاف بین زن و مرد همیشه وجود خواهد داشت این مسئله مهمی نیست فاجعه فقط وقتی بوجود میآید که یکی از این دو بر دیگری پیروز و حاکم شود. — آرتور میلر

زن را محترم نمیدارد مگر مرد کریم و او را خوار نمی شمارد مگر شخص لئیم. — حضرت محمد (ص)

زنان شمع و چراغ خانه اند. — حضرت محمد (ص)

زن گردن بند مرد است. دقت کن چه چیز را در گردن می بندی. — حضرت صادق (ع)

زن نیک آسایش مرد و آبادانی خانه و یاری دهنده بر نیکو کاری است. — هوشنگ شهریار

زن زیباترین و عزیزترین موجودات جهان است. — کنفوسیوس

زن همیشه سن خود را از تاریخ ازدواج حساب میکند نه تاریخ تولد. — ارهارد

زن پهلوانی است که دلیرترین مردان را در سخت ترین اوقات خشم آرام میکند. — هرود

زنها علاقه زیادی به ریاضیات دارند زیرا آنها سن خود را تقسیم بر دو و قیمت لباسهایشان را ضرب در دو و حقوق شوهرانشان را ضرب در سه میکنند و پنجاه سال هم بر سن بهترین دوستان خود میافزایند. — مارسل آشار

زن بی رحم مجموعه تمام بدیهاست. — لاتین

زن خود یکی از شاهکارهای طبیعت است و وقتی بمزایای اخلاق و ادب و بدایع صنعت و هنر و اشراقات عشق و تقوی آراسته گردید، مانند کوکب فروزان اقبال است که بالای سر هر کس طلوع کند او را از روشنائی سعادت برخوردار خواهد گردانید. نظام وفا کاشانی

زن فرشته ایست که در ایام طفولیت پرستار ما در دوران جوانی کامبخش ما و در روزگار پیری تسلیت دهندهٔ ما. زنیکه از غذای او تمجید کنند حاضر است که در کنار اجاق مطبخ خود را قربانی کند. دیل کارنگی

زن عاقل خانه خود را آباد میکند و زن نادان آنرا بر باد میدهد. ترلیستان برنارد

زنان بخوبی مردان میتوانند اسرار را حفظ کنند. ولی بیکدیگر میگویند تا در حفظ آن شریک باشند. داستایوسکی

زنانی که میخواهند مرد باشند زنانی هستند که نمیدانند زن هستند. الکساندر دوما

زن بهتر از مرد روحیهٔ اطفال را می فهمد ولی مرد از زن به بچه شبیه تر است در مرد حقیقی روح طفل نهفته است و برای بازی روحش پرواز میکند. نیچه

زن بهترین مربی و آموزگار انسانی است زیرا تعالیم و تربیت های وی بیش از تمام مربیان دیگر به جنبهٔ محبت و انسانیت نزدیک میباشد. استیل

زنان مرد صفت را دوست نمیدارم و همچنین از مردان زن صفت بیزارم هر کس باید در دنیا فقط نقش خود را بازی کند. ناپلئون

زن کودکی است که با اندک تبسم خندان و با کمترین بی مهری گریان میشود . هرود

زن فرشته ایست که بزندگانی انسان روح و بحیات بشری قیمت میدهد . محمد مسعود

زن آئینه ایست که چهره های گرفته را خندان و صورتهای پیر را جوان نشان میدهد . هرود

زن حکم آب را دارد که از شدت لطافت در هر محیطی که قرار گیرد شکل مظروف را بخود میگیرد هر شوئی که از زن خود
ناراضی است علت را در خود جستجو کند . هرود

زن برای آن آفریده نشده که وجودی عاطل و باطل باشد و فقط بدرد زینت و تفریح مرد بخورد . اسمایلز

زن مخلوقی است که عمیق تر می بیند و مرد دورتر می بیند و تنها کتابیست که جز بوسیله مهر و محبت خوانده نمیشود بکوابد

زن قبل از حدوث درد و غم از آن میترسد ولی پس از حدوث با کمال تحمل و بردباری مقاومت میکند و بهمین جهت
است که زنها برای پرستاری مریضها از مردان بمراتب بهتر و بردبارترند . بالزاک

زن در کلیه اعمال انسان سهیم است . ارنست ناویل

زن چه بسا کارهای بزرگ و درخشانی را بما الهام میدهد که اگر او نبود از انجام آن سرباز میزدیم . الکساندر دوما پدر

زن وقتیکه دوست بدارد غیر از محبوب خود چیزی را نمی بیند و هرچه عاطفه مهربانی و نوازش و فداکاری دارد
تنها برای او بکار میبرد . آلفونس دوده

زن مانند شیشه ظریف و شکستنی است هرگز توانائی مقاومت او را نباید آزمائید زیرا ممکن است شیشه ناگهان بشکند . سروانتس

زن مخلوقی است که در او لطیف ترین و صمیمی ترین فضائل را میتوان پیدا کرد . جولسون

زن مخزن اسرار خلقت است . کارل کونزوکو

زن شریک زندگی و یار ساعات درماندگی است . کوته

زن یگانه وجودیست که حقیقت عشق پاک را میشناسد . شیللر

زنان پاک دامن حربهٔ بزرگی در دستهای ظریف خود دارند که بر نیرومندترین مردان غالب میشود . میرابو

زن خوش زبان و باتقوی تاجی است بر تارک شوهر خویش . ؟

زیبائی در زن بدون وقار مانند تور ماهیگیری فرسوده و سوراخ سوراخ است . امرسون

زن و پرنده بدون آنکه به عقب برگردند میتوانند ببینند . مثل فرانسوی

زن خوب از سه کس اطاعت میکند، شوهر، پدر، فرزند . مثل ژاپنی

زن کلید خانه است مواظب باش آنرا گم نکنی . مثل ژاپنی

زن عاقل با شوهر بی پول خوب میسازد . مثل روسی

سوزانترین آرزوی زن اینستکه او را الجباب آورند و بخواهند . والترونیچل

شرح زندگی خوشبخت ترین زنان مانند تاریخ خوشبخت ترین ملل خالی از وقایع و حوادث است . ژرژ الیوت

شیرین ترین چیز در زندگی عشق زن پاکدل بشوهرش بود . ولتر

شیرین کلامی توأم با حیا زیباترین زینت زنان است. — اوریپید

شیرین ترین سخنان در زندگی خوش آمدگوئی بی غل و غش زن بشوهر خویش است. — جرج ولز

قلب زن پرتگاهی است که عمقش را نمیتوان تخمین زد. — لافونتن

کسیکه زن خوب بدست آورد بزرگترین سرمایه را بدست آورده است. — مثل چینی

گلهای قشنگی وجود دارند که معطر نیست و زنان زیبائی هم وجود دارند که دوست داشتنی نیستند. — هوئد

گرانبهاترین زینت برای زن که هیچ زنی از آن برخوردار نیست سکوت است. — مثل یونانی

مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورندهٔ مردان. — رومن رولان

مردان قانون وضع میکنند زنان اخلاق بوجود میآورند. — کوندورسه

من به هیچ زنی برنخورده ام که چیزی از بزرگی در او نباشد. — مترلینگ

نخستین کسیکه میتواند زن را فریب دهد خود او است. — لافونتن

وقتی زنی واقعاً مردی را دوست میدارد که مرد بتواند هر کاری را که او بخواهد برایش انجام دهد. — ؟

همسر خوب بهترین یاور در یک صحرای سنگلاخ و پرمخاطره زندگی است. — اسمایلز

هیچ فضیلتی نمیتواند در زن کمبود مهربانی او را جبران سازد. — میس اوژه وادت

هیچوقت نمیتوانستم تصور کنم که تمام سرور زندگانی و همه سعادت حیات در واژه «زن» نهفته است. — سنکویچ

هیچ جا دیده نشده است که زنی صد درصد زیبا باشد و مسلماً هیچ جا هم زنی نیست که صد در صد زشت باشد. شاد

یک زن چیزی جز شوهر نمیخواهد ولی وقتی که باو رسید همه چیز میخواهد. شکسپیر

یک زن کامل کسی است که بداند چگونه فرمانروائی کند. هوگو

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا

سعدی

زندگی

آموزش و پرورش البته مهم است ولی زندگی کردن خیلی از آن مهمتر است. بنابراین هدف آموزش و پرورش صحیح باید در مرحله اول بهبودی وضع زندگی باشد.

جان دیوش

آنان که زندگانی را بستری از گلهای سرخ میدانند همیشه از خارهای آن شکایت دارند.

ویلیام آلن وایت

آرزوهای ما امیدهای ما، عشقها و هوسها و حتی وفای ما هم موجی بیش نیستند که برمیخیزند و رشد میکنند و بالا میروند و بالاخره نقش زمین میشوند و در کرانه های زندگی لای شنها و ریگها فرو میروند.

جواد فاضل

آنکه در خانه صلح و آرامش دارد، در جنگ زندگی فتح کرده.

حجازی

آنکه بچرخ بزرگ این جهان مددی نمیرساند بیهوده زندگی میکند.

؟

آنهائیکه بتصور ناروا خود را از جهان و زمان و مکان جدا میدانند و میخواهند سرنوشت خود را از دیگران و یا از زمان و مکان و یا از جهان و جهانیان و جامعه ای که در آن زندگی میکنند، جدا سازند مردگان متحرک و چراغهای خاموش بیش نیستند.

؟

آنکس که بر کشتی زندگی سوار است، پیوسته چنان میخواهد که با فشار باد به پیش رود، نه با پاروئی که با زور بازوی خویش آب را میشکافد و بسیار کسانند که در نیمه راه توقف میکنند و به انتظار باد مساعد می نشینند.

جانسون

آنکس که جرات مبارزه در زندگی ندارد، بالاجبار طناب دار را بگردن میاندازد. — مثل چینی

آنکس که اسیر عادت است لایق زندگانی نیست. — مثل تازی

از عجایب زندگی انسان اینستکه همواره سعی دارد بوسیله کار کردن و یا تفریح و گردش نمودن و یا بررسی کتب و روزنامه‌ها و یا جهانگردی و غیره، خود را فراموش کند و این موضوع ناشی از آنست که خود را بدبخت می بیند ولی هرچه بکند و هرجا که برود باز هم خود را فارغ البال نمی بیند و علت آنرا هم نمیداند. — مترلینگ

از موفقیت، کینه میزاید. آنکه از فتح و شکست هر دو چشم پوشیده از کینه ها در امانست و خوش و آسوده زندگی میکند. ؟

از نیکی طبیعت است که ما زندگی میکنیم ولی از حکمت است که بزندگی بهتر برسیم و این حکمت غنیمتی است بزرگتر از خود زندگی. — سنکا

اغلب مردم بطرز معجزه آمیزی زندگی میکنند از ترس اینکه مبادا مورد تمسخر قرار گیرند. — پروفسور مایک هاول

اکنون با اینکه ما در عصر طلائی زندگی نمی کنیم از تصور مردمان دوره سنگ و مفرغ موبر اندام‌مان راست میشود آنها چه گناهی داشتند که باید آن زندگی را تحمل نمایند. — مترلینگ

اگر زندگی را آسان بگیری، عمرت بخوشی خواهد گذشت. — عزیز نسین

اگر از سفر حکایتی بیاورید که راه زندگی را آسانتر کند بهتر و پاینده‌تر از هر ارمغانی است. — حجازی

انسان نمیتواند مستقیماً حوادث زندگی خود را انتخاب کند ولی میتواند افکار خود را انتخاب کند و با این عمل بطور غیرمستقیم شکل حوادث زندگی خود را تعیین نماید. — جیمز آلن

انسان در کشف اسرار طبیعت باهوشترین حیوانات است و در روش زندگی بیهوش ترین آنها . حجازی

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد ، بلکه همانطور یکه هست راضی شوید تا زندگی شما با آسایش بگذرد ؟

اهل جهان در سفر زندگانی بر سر هزار راه حیرانند و همینکه یکی را در راه استوار ببینند نعمتی میشمرند و به عقبش میروند

از این جهت همه وقت مردم استوار ، مورد اطاعت و احترام بوده و حتی هوشمندان و علما بدامن ایشان آویخته و به - دنبالشان رفته اند . حجازی

ای بسا کسانیکه در تفسیر و شرح و تحشیه متون قدیم ، مدتطولانی دارند ولی از نعمت قرائت و فهم کتاب زندگانی بکلّی محرومند آناتول فرانس

ایکاش دانسته بودم چگونه زندگی کنم و یا کسی را یافته بودم که طریقه زندگی و مطالعه و ورزش را بمن - تعلیم دهد . تئودور پارکر

اقامتگاه خود را دائم تغییر بده زیرا لذت زندگی در تنوع است مثل تازی

با آنکه از کوتاهی عمر غمگین هستیم هر دوره از زندگی را تا پایان آن میخواهیم خردسال مشتاق بزرگ شدن است پس مرد کار شدن ، پس صاحب ملکی شدن و آنگاه بمقامی رسیدن و بازنشسته شدن . ادیسون

بار زندگی که بردوش میکشی بار مقدسی است بآن بنگر آنرا بردار با شکوه آنرا حمل کن با غم و رنج از جا در مرو ، پیوسته به پیش و ببالا برو تا بهدف برسی . فرانس آن کمپیل

بدون تردید زندگی سخت است : فوق العاده سخت ، مشکلات ما در این راه پر خوف و خطر یکی دو تا نیست ، تمایلات

باطنی و حوادث خارجی هر یک بنوبه خود مشکلاتی برای ما ایجاد میکند این دو را با هم جفت کنید، رشته پر پیچ و تابی پدید میآید بنام زندگی . لرد آویبوری

بدبخت کسیکه از روزگار باج زیبائی بخواهد، عاقبت روزگار از او صد چندان خراج و جریمه خواهد گرفت . حجازی

بدترین روزگار روزگاریست که نادانان یاوه ببافند و دانایان خاموش بنشینند . ؟

بدون تعقیب هدف معینی، زندگی لذتی ندارد . کولانی

برای تحمل شدائد زندگی باید عاشق چیزی بود . کاری، زنی، آرمانی . مارکوس آنا

برای اینکه بدانید تقصیر از بدبخت نبوده ببینید چند بار در زندگی شما روی آورده و شما او را ندیده گرفته اید . حجازی

برخیزید و دامن همت به کمر زنید . بکوشید و بجوشید . غوغای زندگی برپا دارید تا زنده اید . زندگی کنید و مانند زنده بگوران خود را در کنج عزلت دفن نکنید . حضرت امیر[ع]

برای بهتر بهره مند شدن از زندگی باید شخص در جوانی تجربه پیران و در پیری نیرومندی جوانان را داشته باشد . ستانیلاوسکی

برای اینکه بتوانید با دیگران در کمال آرامش زندگی کنید از آنها جز آنچه میتوانند در راهتان نثار کنند چیز دیگری توقع نداشته باشید . حجازی

برای سرگرمی باید در بازی زندگی وارد بود اما اگر روزگار اسباب بازی را از دست ما گرفت، باید مثل آدم بزرگی که در بازی کودکان شرکت داشته لبخندزنان از جرگه اطفال بیرون آمد . حجازی

برای زندگی فکر کنید. ولی غصه نخورید. دیل کارنگی

برای اینکه خوب زندگی کنی باید خودت را بالای زندگی نگاه داری پس بیاموز که همیشه بالا روی. بیاموز که همیشه بپایین نگاه کنی. نیچه

بزرگترین بیم بشر بیم از تغییر است مردم از افکار جدید عادتهای جدید محیط جدید و روش جدید میترسند. ولی تنها راه زندگی بهتر آمادگی شما برای قبول تغییر و عملی کردن تحولهای بزرگ است پس خودتان را عوض کنید. السلن ابیون

بزرگترین فن زندگی استفاده از فرصتهای بی نظیری است که بر ما میگذرد. سالوسیلی

بکوش برای دنیای خود بقدریکه گوئی همیشه زنده خواهی ماند و بکوش برای آخرت خود بطوریکه گوئی فردا خواهی مرد. حضرت امیر(ع)

به چیزیکه بدون آنهم زندگی میسر است ارزش مده. اریستیپوس

بهترین دقایق سفر و گردش آنوقتی میباشد که انسان بخانه و زندگیش مراجعت میکند. ؟

بهترین واقعه زندگی شخص آنستکه بتواند خود را بشناسد. و بخودپی برد و نتیجهٔ این واقعه ممکن است موجب مسرت و آرامش و یا تولید اندوه و نگرانی کند. لئوتولستوی

بیشتر اشخاص عظمت خود را در زندگی مدیون مشکلات عظیمی هستند که در زندگی با آنها دست بگریبان بوده و بر آنها چیره شده اند. اسپووژون

بیشتر تلخیهای زندگی از اینست که میکوشیم از حقیقت آن بگریزیم. غ - ذ

برای خوردن زندگی مکن . بلکه بخور برای زندگی کردن . — مثل آمریکائی

پرهیزکاری و بطمعی و بردباری چیزهائی است که زندگانی با آنها آسان توان کرد . — بوذرجمهر

پشیمانی از ناچاری و درماندگی آسمان را آنها هکار میدانستند امادر زندگی ما بجایگاه تر از این گنبد لاجوردی هیچ چیز نیست . — سعید نفیسی

تحمل زندگی سخت است ولی نباید چنین وضعی را اقرار کرد . — نیچه

تحمل حق ناشناس برای انسان سخت تر از تحمل ناملایمات روزگار است . — ناپلئون

تربیت علم زندگیست . هنر خوب زیستن است . — لابولایه

تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر . بهترین توشه سفر زندگیست . — شوپنهاور

تصور میکنم که اگر کسی روزی یک ربع ساعت فقط در فکر زندگی خود باشد و ببیند که آنرا اصلاح کند هر ماه از زندگی او بهتر از ماه قبل خواهد بود . — ولتر

تفریح و خوشی ما موقعی تکمیل میگردد که مشکلات زندگی یعنی زندگی کردن را فراموش کنیم . این موضوع خیلی باعث عبرت است که شخصی از زندگی خود استفاده ننماید مگر وقتیکه فراموش کند او زنده است . — مترلینگ

تو نان میخوری و زنده هستی و من نان میدهم و زندگی میکنم . — مثل فرانسوی

رهبانی و گوشه گیری و انزوا حکم مرض آبله را برای انسان دارد . — سن پیر

چنان انسان باش و چنان زندگی کن که اگر هر کس انسانی چون تو باشد و همچون تو زندگی کند این زمین بصورت بهشت خدای درآید. فیلیپس بروکز

چنان می‌نماید که زندگی از لحاظ اخلاقی دارای دو بخش است در بخش اول تسلیم هوای نفس می‌شویم و در بخش دوم به موعظه کردن می‌پردازیم. ویل دورانت

چون نیک بنگری دنیا و مافیها را چون ترازوئی خواهی یافت که سنگش گرسنگی و پارسنگش شهوت است، پر کردن معده و خالی کردن کیسهٔ شهوت جذر و مد این قلزم بی نام و ننگ هزار رنگی است که نامش زندگی است. ا. جمالزاده

حساسیت، عشق، تحمل و فداکاری، زندگی زن را تشکیل میدهد. بالزاک

خوابیدم و بخواب دیدم که زندگی زیبائیست از خواب برخاستم و زندگی را وظیفه یافتم. آلن هوپو

خزان زندگی من فرا رسیده میخواهم مثل درختان باروری باشم که با یک تکان میوه های لذیذ چون باران از آن میریزد. بتهوون

خنده بهترین اسلحه جنگ با زندگی است. آناتول فرانس

خنده مصائب و مشکلات زندگی را کوچک و آلام روحی را محو مینماید. ژول سیمون

خوشبخت کسی است که از زندگی دیگران درس عبرت بیاموزد. جواد فاضل

خوشا بحال کسی که به آن راضی است که از اقیانوس زندگی بگذرد و به بهشت آرامش برسد بی آنکه خود را گرفتار

گردابهای خیالبافیهای خویش سازد. البته دراین گونه جاها عمق هست. ولی کار رسیدگی به اعماق به خدا اختصاص دارد.
اوالتر

دارائی بسیار مثل فقر و پریشانی زندگی را تلخ و ناگوار میکند.
حجازی

در بازی زندگی انسان در آغاز گول خوراست و در پایان گول زن بعبارت دیگر او بره بدنیا میآید و روباه از دنیا میرود.
ولتر

در زندگی روزانه در پی آن باش که خوشیها و لذاتی برای دیگران فراهم کنی و چنان نما که بهنگام خوشی یا بدبختی با آنان نیندیشی بهمین اظهار محبت رشتهٔ علاقه و مودت را محکمتر میکند.
ویکتور دپوشه

در زندگی فقط دو چیز هدف انسانست اول تأمین آنچه که میخواهد دوم تمتع از آن. فقط عاقلترین افراد بشر بانجام دومی موفق میشوند.
پیوسال اسمیت

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوائی حقیقی خودخواهی.
وینه

در زندگی هیچ چیز باندازه هیجانهای شدید خوش آیند نیست.
آناتول فرانس

در زندگی ثروت عبارت از همه چیز نیست و سعادت واقعی در جمع مال نمیباشد. ولی بسیاری از جوانان دچار این اشتباه میشوند و معتقد هستند که مهمترین چیزها مال است بهمین جهت گرانبهاترین ایام عمر را در راه آن صرف میکنند و از هر چیز دیگری محروم می مانند.
دکتر ماردن

درست‌ترین نظر دربارهٔ زندگی پیوسته باعتقاد من آن است که بر ما معلوم دارد که در این جهان نه برای خوشی بودن، بلکه برای آموختن آمده‌ایم.

رابرتسون

در این دنیا آن اندازه خوشی در زندگی است که ما را مشتاق زیستن کنند و آن اندازه رنج هست که آن هنگام که دیگر زیستن ممکن نیست آرزومند مرگ سازد. مهمترین چیزی که میتوانیم از زندگی بدست آوریم برای خودمان انضباط است و برای دیگران سودمندی.

ترایون ادوردز

در سفرهٔ قمار زندگی برد و باخت دائمی جریان خواهد داشت آنهائیکه یا از این قمار خسته شده یا از باخت پی در پی خود عصبانی هستند هر لحظه میتوانند پای خود را کنار کشیده، میدان بحریفهای پر استقامت و خسته نشدنی واگذار کنند؟

دشواری زندگی آدمیزادگان اینست که تا جوانند گرفتار تعصبهای جوانی هستند و چون پیر میشوند دچار تعصبهای پیری میگردند.

سعید نفیسی

دلبستگی انسان بزندگی آن نیست بخوبی آنست.

سقراط

دلم میخواهد چنان زندگی کنم که وجود خدا را تنها در سودی که بدیگران میرسانم احساس نمایم.

سنکا

دلم میخواست در دهات زندگی میکردم و امور مربوط به کشت و زرع را تماشا مینمودم، زندگی روستائی شیرین است یک گوساله مریض برای تمام عصر موضوع شیرین برای گفتگو تواند بود.

ناپلئون

دنیا امروز بکسی حق حیات میدهد که بتواند روی پای خودش بایستد و هر دم در برابر ارادهٔ این و آن سر تعظیم فرود نیاورد.

امرسون

دوستان از زندگی بیم نداشته باشید زیرا از راه مشقت و بردباریست که بزندگی علاقه پیدا میکنیم . داستایوسکی

دیرگاهی است که دریافته ام هرکس بخواهد زندگی آرامی داشته باشد ناچار است که تنها زندگی کند و پنجره های اطاقش را سخت و محکم ببندد تا هوای اجتماعات به آن داخل نشود . فلوبر

رلهائیکه در صحنه زندگی بعهده ما واگذار شده است به انتخاب و اختیار ما نبوده و تنها وظیفه ما اینست که آنها را بخوبی بازی کنیم . اپیکتت

رمان نوع عالی رمانی است که بیشتر از حیات درونی حکایت میکند و کمتر بزندگی خارجی توجه مینماید . شوپنهاور

روزگار هرگز آرام نمیگیرد حتی در خواب هم بسوی ابدیت رهسپاریم . سنت اوگوستن

روزگاری بشر در فکر تصاحب زوایای کلبه ای بود در یک دهکده آرام اما امروز خواب داشتن یک گاراژ را در شهر می بیند . ادل ویلسون

روزگار آئینه را محتاج خاکستر کند . ؟

روزگار در پای هر نعمتی که بما میدهد صد رنج نوشته است . حجازی

روزگار غالباً بهترین تصمیمها را درهم میشکند . وونارگ

زمین پر از اشخاص زاید و بیفایده است که سد راه واقعی میباشند کاش میشد آنها را با امید عمر جاودانی از این جهان دور کرد . نیچه

زندگی و طول عمر بمنزله سرمایه ایستکه ما با میتوانیم از سود آن استفاده کنیم نه از خود آن چون ومدتش در اختیار ما نیست .
؟

زندگی آنقدر دلاویز و مطبوع است که خاطرات آن چه تلخ و شیرین گوارا و خواستنی است . حضرت امیر (ع)

زندگی شما وقتی زیبا و شیرین خواهد شد که پندارتان کردارتان و گفتارتان نیک باشد . زرتشت

زندگی مانند کودکی است که اگر میخواهید بخواب برود پیوسته باید او را سرگرم داشت . ولتر

زندگی جسمانی عبارت از یک سلسله خرابی و تعمیر است ، تو میتوانی از این تغییرات متوالی برای اصلاح و بهبود تمام اعضای بدن و بویژه مغز خود استفاده کنی . ویکتورپوشه

زندگی معمائی است که هرکس باندازه حس تشخیص و وسعت محیط و روشنائی فکر خود آنرا حل کرده است . نظام وفا کاشانی

زندگی بازیست اما باید قواعد بازی را رعایت کرد . حجازی

زندگی برای مردم حساس غم انگیز و برای اشخاص فکور خنده زا است . سونیت

زندگانی تا زمانی به مرگ ترجیح دارد که حقیقتاً زندگی باشد و ترس و وحشت نداشته باشد ، فقر و گرسنگی آن را مسموم ننماید ، ظلم و تعدی آنرا تیره و تار نسازد .
؟

زندگی دریای متلاطمی است که قطب نمای آن محبت است . نظام وفا کاشانی

زندگی درس طولانی است که با تواضع داده میشود . جیمز . باری

زندگی از تار و پود خوب و بد هر دو بافته شده است فضیلت ما وقتی میتواند بر خود ببالد که از خطاهای ما شلاق نخورد و

جنایتهای ما وقتی نومید میشود که مورد ستایش فضیلتهای ما قرار نگیرد . — شکسپیر

زندگی خودش باندازه کافی خسته کننده است آدم چرا باید با کارهای بیهوده مشکلترش کند . — ؟

زندگی مانند نقش و نگارهای قالی ایرانی است که زیبا است ولی درک معنای آن مشکل است — آلدوس هاکلی

زندگی از سه جزء تشکیل شده است آنچه بوده و آنچه هست و آنچه خواهد بود . باید تا از گذشته برای حال استفاده کنیم و از حال

چنان کنیم که زندگی آینده بهتر باشد . شکل دادن بزندگی ما وظیفه خودمان است بصورتی که آنرا ابسازیم ، این-

بازسازی یا مایه زیبائی و یا مایه شرمساری ما میشود . — ویر

زندگی همچون جرقه ای از زمان میان دو ابدیت است و ما هرگز طالع دو بار دیدن آنرا نداریم . — کارلایل

زندگی بازیچه دست اقبال نیست بلکه فرصت عظیمی است که باید از آن استفاده کرد و مغتنمش شمرد . — دکتر ماردن

زندگی برای همه کس عزیز است ولی برای مرد بزرگ شرف از آن برتر است — تولستوی

زندگی شما از مجموعه عادات شما تشکیل یافته است هرچه عادات شما بهتر و نیکوتر باشد زندگی شما هم عالیتر و زیباتر

خواهد بود بکوشید بعاداتی معتاد شوید که مایلید بر زندگی شما حکمفرما باشد . — هاکلی

زندگی چیست ؟ یک مزبله کثیف ، یک قتلگاه فجیع ، یک دارالمجانین بزرگ که تاکنون تحت هیچ قانون منظمی -

اداره نشده است . — ؟

زندگی فقط در صورتی ممکن است حفظ و نگهداری شود که انسان بخاطر زندگی حاضر باشد بمیرد . سعید نفیسی

زندگی یعنی سعی و عمل. کسی که از وجودش کار نگیرد وجودش هیچ است . بانوگیزو

زندگی را به هر طور نگاه کنی زیباست . گوته

زندگی سراسر آموزش است زیرا زندگی همواره در پیشرفت است . لابولاید

زندگی بوجود آوردن اثری جاودان است . وینه

زندگی انسان یعنی اندیشهٔ روزانه او . امرسون

زندگی بدون داشتن همسر زندگی نیست . اگوست گمت

زندگی بمعنای حقیقی بسیار مشکل است و بیشتر مردم فقط در مرحلهٔ وجود بسر میبرند . اسکارواید

زندگی یعنی جستجوی دائم . لامارتین

زندگی کردن و کمک بزندگی دیگران کردن. انسان واقعی بودن و جاودان ماندن اینست وظیفه. کوکرد

زندگی خواب است و عشق رؤیای آن . موسه

زندگی موهبتی است بی نظیر و گرانبها. اما حیف که خیلی زود و بکمترین علتی از بین میرود . لرد آویبوری

زندگی حتی با عشق گمشده نیز شیرین تر از زندگی بی عشق است . تاگور

زیستن تنها برای خود زیستن نیست، بهتر آنکه به کمک یکدیگر برخیزیم.	منانه دوس

سرانجام زندگی قمار است، ماجرا است. انسان یا میبرد و یا میبازد، زندگی معرکه ایست که تمامی ندارد و هنگامیکه

صدای یکنفر کم کم ضعیف و خاموش شد، صدای دیگری جوانتر و قویتر رشته داستان را در دست میگیرد

و ادامه میدهد.	ماتیس

سرور زندگی در سحرگاهان عمر. موجودات را از خواب بر میانگیزد جز دلهای سیاه که برای همیشه خفته اند. پوشکین

شب در وقت خواب قدری فکر کنیم که امروز چه کرده ایم که لیاقت زنده ماندن فردا را داشته باشیم؟

شجاعت حقیقی در غلبه بر شدائد زندگی است.	ناپلئون

شما اعمال روزانه و وضع زندگی خود و شرائط محیط زندگیتان را بمن معلوم سازید، من افکار و عقایدی را که شما

میپرورید، برای شما نشان میدهم.	کاظم زاده ایرانشهر

شوق زندگی تنها گذرنامه زندگی است.	پیتو دو دپادکو

صاحب همت در پیچ و خمهای زندگی هیچگاه با یأس و استیصال روبرو نخواهد شد، طب علمی مثبت و دقیق نیست

بلکه یک علم متکی بر حدسیات و مشاهدات است. من به پزشکی که علم طبیعی را نخوانده بیشتر اعتماد دارم

تا به طبیبی که آنرا خوانده است.	ناپلئون

صدها هزار سال از زندگی انسان میگذرد و ما هنوز نتوانسته ایم خود را از چنگ این معده که ما را مبدل بستر متحرک

کرده نجات بدهیم، درصورتیکه عقرب هزارها سال است که این موضوع راحل کرده و مدت چندین ماه - بدون غذا زندگی مینماید و احتیاجات خود را از هوا آفتاب و قوای دیگر طبیعت کسب میکند. متر لینگ

طول عمر انسان از روی اعمال و افکار او سنجیده میشود نه از عدهٔ سالهائیکه زندگی مینماید. اسمایلز

ظاهراً برای دراز زیستن بیش از خوب زیستن آرزومندیم، چون زمان را با آرزوها اندازه گیری کنیم آدمی نمیتواند به اندازه زندگی کند و چون با کارهای خوب اندازه بگیریم، خواهیم دید که چندان زیسته است. اگر با کارهای بدش اندازه بگیریم معلوم میشود که عمر درازی کرده است. تیمومان

عاقل تحت رهنمائی تقدیر زندگی خود را میگذراند ولی جاهل را تقدیر بزور دنبال خویش میکشاند ؟

علل خارجی ما را بجهات مختلف پرتاب میکند و بادهای مخالف ما را چون امواج بهر سو میرانند پس ما همیشه متزلزل و از واقعه و سرنوشت خود بیخبریم. اسپینوزا

غالب اشخاص بدون اینکه مقصد معیّنی را تعقیب کنند، زندگی مینمایند و مثل پرکاهی که در روی آب حرکت کند، عمر خود را با خزعبلات سپری ساخته، جلو نمیروند، جریان آب آنها را میبرد. سه نک

ادارهٔ زندگی همچون اداره و حرکت و کنترل یک ماشین سواری است رانندهٔ با تجربه هنگام رانندگی گاهی پشت سر خود را نگاه میکند و اگر این کار را انجام ندهد هر لحظه با خطرات مهیب و مهلکی روبرو خواهد شد بویژه وقتی که این نگاهها همراه با یادآوریهای تصادفات و خسارات رانندگی در گذشته باشد پس هرچه ممکن و مقدور

است از یا دها و شکستهای گذشته کمتر یاد کنیم تا شیرینی و حلاوت روزگار آینده را از دست ندهیم . غ - ذ

فقط کسانی پیروز میشوند که عقیده دارند پیروز میشوند کسیکه هر روز بر یک ترس غلبه نیابد ، درس زندگی را نیاموخته است . امرسون

کسیکه رحم و دلسوزی میآفریند زندگی خلق میکند . وان گوک

کسیکه به ابناء نوع خود علاقه پیدا نمیکند در جریان زندگی بیش از همه کس دچار مشکلات میگردد چنین شخصی مضرترین افراد جامعه است بیشتر مردمان بیکاره و وامانده در زمرهٔ این اشخاص هستند . آلفرد آدلر

کلید سرنوشت ما در هر جا زندگی کنیم در پای گهواره قرار گرفته است . دیشتر

کیمیاگری ، احتیاج بترکیب اجزاء ندارد ، چند صفت خوب را اگر با هم بیامیزیم کیمیائی بدست میآید که زندگی را طلا میکند . حجازی

گاهی در زندگانی روزهائی میرسد که باید فرصت را غنیمت بدانید و از آن فایدهٔ زیاد ببرید ، نه اینکه کوتاه بین باشید و از فرصت استفاده نکنید . بالزاک

گاهی مقدرات و آتیهٔ شما روی یک کلام ، روی یک حرف ، روی یک دیدن و یک ندیدن تکیه میکند و سرنوشت شما روی همان تصادف کوچک که ابداً مورد توجه شما نیست معیّن میگردد . محمّد مسعود

گرفتاریها همه را یکجا رو از سر باز نکنید و گرنه گرفتار فکر جانکاه پوچی زندگی خواهید شد . حجازی

ما چقدر دیر متوجه میشویم که زندگانی و حیات یعنی همان دقایق و ساعاتیکه با کمال شتابزدگی و بیرحمی انتظار گذشتن آنرا داشته ایم .

دیل کارنگی

ما در ابتدا ساده لوحانه با زندگی برخورد میکنیم ولی در برخورد با واقعیات در طول زندگی میفهمیم که چه ترفندی چه مشکلی چه مسئله غامضی و چه دشواریهای غیرقابل تحمل در زندگی وجود دارد که ما از آنها بیخبر بوده ایم .

؟

ما غالباً فقط پیشرفت و ترقیات اشخاص را در زندگانی بنظر میآوریم و دیگر فراموش میکنیم که این اشخاص برای بدست آوردن خوشبختی و مقصود چه رنجها و صدماتی کشیده و از چه مراحل پرآفت و خطری گذشته اند .

اسمایلز

مردم اشتباهات زندگی خود را روی هم میریزند و از آنها غولی بوجود میاورند که نامش تقدیر است .

جان اولیودهابنز

مرد نیکبخت کسی است که جریان زندگانی را بدون برخورد با تألمات روحی و جسمانی شدید طی کند .

ولتر

مردانی را در زنجیر گران بنظر آورید که همه محکوم به مرگ باشند و همه روزه عده‌ای از ایشان در برابر چشم بقیه به هلاکت رسند، آنها که زنده مانده اند در حال و روزگار یاران، سرنوشت خویش را می بینند و با یأس و اندوه به یکدیگر مینگرند و هر یک در انتظار فرارسیدن نوبت خود ماتمزده میمانند . وضع آدمی بر صحنهٔ زندگی بدین منوال است .

پاسکال

مطالعهٔ تاریخ مشاهیر و دقت در جزئیات زندگانی آنها ما را در راه پرخطر زندگی از لغزش و سقوط محافظت میکنند . رادوبرب

من میخواهم گریبان سرنوشت را بگیریم . او نمیتواند سر مرا در برابر زندگی خم کند .

بتهوون

من در بین مردم وارد نمیشوم مگر وقتی که احتیاج شدیدی آنرا ایجاد کند از این پس همچو تبعید شدگان زندگی

میکنم. — بتهوون

من از راه رنج و تن آسائی به این مقام نرسیده ام. شعار من در زندگی همیشه این بوده است که با موانع

و مشکلات بجنگم و بر آنها غلبه نمایم. — بودک

من یک کتاب و یک معلّم داشته ام. کتاب من زندگانی و معلّم من تجارب زندگانی من بوده است. — ؟

نباید زندگی را برای بدست آوردن تمنیّات فرسوده کنیم. عادت دادن خود بزندگی ساده و طرق

سهل تقریباً راه مسلّم سلامتی است. — اپیکور

وقایع خوش زندگی مثل درختان سبز و خرّمی است که وقتیکه از دور نظاره شان میکنیم خیلی زیبا بنظر میرسند

ولی بمجرّد اینکه نزدیکشان شده و در داخلشان میرویم زیبائیشان هم از بین میرود، شما در این موقع نمیتوانید

بفهمید زیبائیش به کجا رفته، آنچه می بینید چند درخت خواهد بود و بس. — شوپنهاور

وقتی در زندگی به داشتنی های خود فکر میکنیم خود را خوشبخت و زمانی که به نداشته می اندیشیم خود را

بدبخت حس میکنیم پس خوشبختی ما در تصوّر خود ماست. — تناجیو

وقتی انسان فراموش کند که وجودش برای پیشرفت در زندگانی حال و آینده است، دیگر آنچه باید-

باشد، نیست. — کوکرد

وقتی مشکل زندگی حل میشود که خود به تنهائی از عهده حل آن برآئیم . — حجازی

وقتی زندگی چیز زیادی به شما نمیدهد، دلیل آنست که شما هم چیز زیادی از او نخواسته اید . — مادرسل پیوه‌وو

هدف هنر امروز زندگی است نه زیبائی . — ویکتور هوگو

هدف بهترین مبارزه در زندگی، نابود کردن بدی است . — اونت تاویل

هر روز برای مرد عاقل آغاز زندگی تازه ایست و باید اشتباهات گذشته را جبران کند . — ؟

هر قدر میتوانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده بمغز راه نده چون سلامتیت بخطر میافتد . — دیکنز

هر قدر فهم انسان عمیقتر و قوه ادراک وی قویتر و همت وی بلندتر و سلیقه اش زیادتر باشد کمتر قانع بوده و از زندگی ناراضی تر است ، زبری و خشونت ، ناهمواری و نقص را که در طبیعت هست بیشتر و بهتر احساس میکند . — ؟

هرگز اجازه ندهید ، چیزهای کوچکی که ممکن است فراموششان کرده و حقیرشان میشمارید زندگی شما را واژگون نمایند . بیاد داشته باشید که زندگی کوچکتر از آنستکه کوچک و بی اهمیت شمرده شود . — دیل کارنگی

هر کس باید راه زندگی خودش را پیدا کند و از راه زندگی خودش برود نه از راه زندگی دیگری . — آندره ژید

هرگز درباره حقایق عمده زندگی نمی اندیشیم مگر آنگاه که پشیمانی حاصل در پایان یک کار بد ، ما را باین فکر بیندازد . — لسترنج

همه افراد روی زمین با شطرنج روزگار در نبرد هستند. ؟

همسر خوب بهترین یاور در یک صحرای سنگلاخ و پرمخاطرهٔ زندگی است. اسمایلز

همان چیزهای پیش پا افتادهٔ زندگی است که راز ابدی آن را میسازد. گوتوو داشولون

همیشه کسانی از زندگی شکایت میکنند که چیزهای غیرممکن خواسته اند. دنان

همه جا میشود زندگی کرد، خوب هم زندگی کرد. مادک اورل

هیچکس نمیتواند من و شما را خفیف کرده و آرامش زندگیمان را برهم زند مگر اینکه خودمان بگذاریم. دیل کارنگی

هیچ فسق و عیش آلوده بگناه نیست که آرامش خاطر را برهم نزند و تمام و یا قسمتی از زندگی را تباه نکند. حجازی

هرکس میتواند خودکشی کند، اما هر فردی لیاقت ندارد زندگی کند. مثل یونانی

یک آمارگر با صبر و حوصله فرانسوی پس از سالها تحقیق بالاخره آماری تهیه کرد که نشان میدهد یک مرد هشتاد ساله در طول مدت عمر خود چه کرده است. اعداد و ارقامیکه وی درباره نحوه‌ی گذراندن هشتاد سال عمر یک انسان بدست آورده حقیقتاً قابل توجه است، در طول این مدت فقط پنج سال تحصیل کرده است یک سال از عمرش را صرف آرایش هفت سال صرف راه رفتن، شش ماه سربازی، پنج سال وقتگذرانی در انتظار، سیزده سال کار، ده سال استراحت، چهار سال عشقبازی، بیست و هشت سال و ششماه خواب، و شش سال را نیز صرف غذا خوردن نموده است.

یک روز زندگی بروشن بینی ، بهتر از صد سال عمر در تاریکی است .

بودا

یک عمر طولانی ممکن است باندازهٔ کافی خوب نباشد ولی یک زندگی مفید حتماً باندازهٔ کافی طولانی است .

ب. فرانکلین

شخص در زندگی دوستی بهتر از خود و دشمنی بدتر از خود ندارد .

ابوالعلا

نیمهٔ اوّل زندگی تلاش است وکوشش برای یافتن خوشبختی و نیمهٔ دوّم احساس دردناکی آلوده با-

بیم و ترس .

شوپنهاور

یک روز زندگی روشن است و روز دیگر تاریک ، از روزهای روشن آنقدر نور بگیریم که در روزهای

تاریک روشن باشیم .

حجازی

یکلحظه بیشتر زندگی کردن ارزنده تر از هزار سکّهٔ طلا است .

مثل آفریقائی

جهان بر آب نهادست و زندگی بر باد | غلام همت آنم که دل بر او ننهاد

جهان نماند و خرم روان آزادی | که باز ماند ازو در جهان به نیکی یاد

سرای دولت باقی نعیم آخرت است | زمین سخت نگه کن چو می‌نهی بنیاد

کدام عیش در این بوستان که باد اجل | همی برآورد از بیخ قامت شمشاد

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم | ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

همین نصیحت من پیش گیر و نیکی کن | که دانم از پس مرگم کنی به نیکی یاد

نداشت چشم بصیرت که گرد کرد و نخورد | ببرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد

سعدی

زرنج و راحت گیتی مرنجان دل مشو خرم | که آیین جهان گاهی چنین گاهی چنان دارد

شاهی سبزواری

به امید زنده دل شو، که بر ور زندگانی | دل زنده گر نداری، ره زندگی ندانی

بتو چنین ز نا امیدی شود این جهان چو زندان | چه بری ز کنج زندان ثمری ز زندگانی

ابوالقاسم حالت

زیبائی

آن نعمت نصیب ماست که قدرش را میدانیم وگرنه از صورت زیبا برای کور چه حاصل؟ — تن

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطنی زیبا و آراسته باشد. — چخوف

اگر مرا مخیر کنند زیبائی یا حقیقت را انتخاب کنم، من بدون درنگ زیبائی را انتخاب خواهم کرد زیرا اطمینان دارم که در زیبائی حقیقتی نهفته است که بالاتر از خود حقیقت است و قدمی فراتر گذارده میگویم هیچ چیز دنیا حقیقت ندارد مگر زیبائی. — آناتول فرانس

با اینکه میدانیم زیبائی و خوبی دشمن هم هستند چرا این آب و آتش را در یک وجود طالبیم؟. — تن

به نظر من، ما روزی خواهیم مرد که نخواهیم و نتوانیم از زیبائی لذت ببریم و در صدد نباشیم آن را دوست بداریم. — آندره ژید

جمال اگرچه مایهٔ شرافت است ولی مقرون به هزاران شر و آفت است. — شوپنهاور

جمال دامی است که طبیعت در راه عقل میگسترانند. — ارشمیدس

چشمان زیبای اشکبار از لبخند زیباتر است. — کامپ پل

در مرد نیک روی اگر فضیلتی باشد، فضیلت بیشتر از زیبائی او جلب توجه میکند . — دیرژید

در حقیقت زیبا آنست که بانسان برتری بخشد . — بانواستاهل

دلداده زیبائی تنها مباش، دلداده کمال باش . — ؟

در جوانی همه چیز زیباست . — مثل آفریقائی

در زیباترین ها، تنها چیزی که ممکنست کرم باشد . — مثل آفریقائی

زیبائی ظلم کم دوامی است برای صاحبش ولی ثروتی است برای سایرین . — سقراط

زیبائی قضیه منطقی است که صغرای آن چشم و کبرای آن قلب و نتیجه اش شوق و شور است . — سقراط

زیبائی جاذب زیبائی است . — هانت

زیبائی بدون عفت و فضیلت چون گلی خوشرنگ ولی بی عطر است . — سقراط

زیبائی بهر جا که وارد میشود مهمان عزیزی است و پذیرائی خواهد شد . — گوته

زیبائی سکه طبیعت است که نباید احتکار شود . — میلتون

زیبائی ناپایدار است و فضیلت جاودانی . — گوته

زیبائی چنان پرشکوه و مقدس است که هر جا بوجود آید هر قدر در طول قرون و اعصار دستهای ملل وحشی بانهدام آن بکوشند باز آثار آن پابرجا میماند . — آناتول فرانس

زیبائی در چشم بیننده است .　　　　مثل انگلیسی

گلها را تقسیم میکردند . گل سرخ نصیب خار شد .　　　　مثل ترکی

هیچ چیز زیباتر از یک قفل بسته نیست . البته تا زمانیکه کسی نداند چگونه آن را میتوان باز کرد .　　　　مترلینگ

تو از هر در که باز آئی بدین خوبی و زیبائی　　　　دری باشد که از رحمت بروی خلق بگشائی

ملامت گوی بیحاصل ترنج از دست نشناسد　　　　در آن معرض که چون یوسف جمال خویش بنمائی

سعدی

سخنوری

آنکه غالب بر زبان است در امان است. — حضرت امیر(ع)

آرامترین کلماتند که طوفانی را با خود بهمراه میآورند. افکاری که با پای کبوتران پیش میآیند جهان را مسخر میسازند. — نیچه

آنچه را که بد می فهمیم نمیتوانیم خوب بیان کنیم. — بوالو

آنکه درون آرامی دارد همچنان پندار و گفتار و کردار آرام دارد. — بودا

آنچه انسان را از حیوان تمیز میدهد صفت دروغ و حس بیان است. — آناتول فرانس

آنکه نپرسیده سخن میگوید و نخوانده سر میرسد و بانتظار احسان است دچار طعن و سرزنش خواهد بود. — ؟

آفت سخن دروغگوئی است. — حضرت محمد(ص)

آهنگ صدا هرچه ملایم و مطبوع باشد سخن مؤثر و دلنشین تر خواهد بود. — جان کایزل

آهستگی و آرامی در سخن گفتن کار آسانی نیست در این جهان که اغلب مردم بر ضد یکدیگر میخروشند خودداری از هیجان و کینه و پرخاش کاری بسیار دشوار است برای نجات یافتن از این دشواریها جز آرام و نرم سخن گفتن نیست. — کنفوسیوس

آیا میخواهید حرف شما را باور کنند از خود سخن نگوئید. — پاسکال

آنکه سخن میگوید میکارد و آنکه می شنود درو میکند .

مثل واتو یا

از ارسطو پرسیدند بهترین سخن کدام است؟ در پاسخ گفت: آنچه موافق عقل باشد گفتند پس از آن چیست؟ گفت سخن که شنونده بپذیرد. گفتند بعد از آن چیست؟ گفت سخنی که از عاقبت آن اطمینان داشته باشیم که ضرری متوجه ما نخواهد ساخت. گفتند بعد از آن چیست گفت اگر سخن یکی از این شرایط را نداشته باشد از صدای چهارپایان پست تر است [illegible]

از مباحثه چنان بگریزید که از مار زنگی یا زلزلهٔ هولناک میگریزید .

دیل کارنگی

از این قیمت برخود ببالید که رابطهٔ دوستی به شما اجازه میدهد، حرفهای ناپسند بدوستان صمیمی خود بگوئید، هر چه روابط شما با کسی نزدیکتر و صمیمانه تر باشد متانت، احترام و مهربانی بیشتری ضرورت پیدا میکند .

هولمس

استماع دقیق را بیاموزید طرف را تشویق کنید که از خود سخن بگوید .

دیل کارنگی

اگر مردم زبان و نیات یکدیگر را می فهمیدند اختلافات از میان برداشته میشد .

گوته

اگر انسان نتواند مانند توده و عامه فکر کند لااقل باید مثل توده و عامه حرف بزند .

آناتول فرانس

اگر میل دارید شما را هم صحبت مطبوعی بدانند گوش کردن را تمرین کنید .

دیل کارنگی

اگر خواهی که بر دلت جراحت نرسد که هیچ مرهم نپذیرد با هیچ نادان مناظره مکن .

؟

اگر واقعاً پی ببریم هر کلمه ای که از دهان ما خارج میشود بمنزلهٔ سنگی است که در بنای دوستی و دشمنی بکار میرود آنوقت ما سعی خواهیم کرد که سخن بیهوده و بی ارزش از دهانمان خارج نشود .

دکتر ماردن

اگر میخواهید طرف را با رأی و عقیده خود همراه کنید، بگذارید در کمال آزادی حرفش را بزند. — دیل کارنگی

البته بعضی از بیانها سحر است. — حضرت محمد (ص)

اندیشه کن آنگاه سخن گو تا از لغزش بر کنار باشی. — حضرت محمد (ص)

انسان وقتی برشد فکر و بلوغ عقل میرسد که زبانش کاملاً مقهور اراده صحیح و اندیشه روشن او باشد. — حضرت امیر (ع)

اندیشه بلند تنها بدارنده آن زیان میرساند ولی سخنان ناهنجار به همه شنوندگان آسیب میزند. — مونتسکیو

اندیشه کردن که چگویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. — سعدی

انسان وقتی که بلند حرف بزند، صدایش را میشنوند اما وقتی که یواش حرف بزند به گفته اش گوش میدهند. — پل رینو

ایده ها سرمایه ای هستند که فقط وقتی در دست افراد باقریحه و نبوغ میافتند مفید واقع میشوند. — بالزاک

ارزش یک سخن صمیمانه بهتر از دو سوگند است. — مثل آفریقائی

انسان پشت زبانش مخفی است. — مثل تازی

ایکاش زبانم میتوانست از فکرم پیروی کند. — مثل یونانی

با خودت صحبت کن خیلی چیزها داری که بخودت بگوئی و خیلی سئوالها داری که باید از خودت بپرسی. — اپیکتت

با کمی فکر و توجه مسلم میشود که بیشتر گفتار و کردار و اعمال ما از روی عادت است. — ؟

با حلیم تیزی مکن. با لجوج مباحثه منمای. با اهل تهمت مصاحبت مجوی. — خواجه نصیر طوسی

باید تمرین کنم که صدی هشتاد از حرف زدنهایم را کسر کنم تا لازم و واجب نباشد حرف نزنم . گاندی

با هر کس از خود او صحبت بمیان بیاورید، خواهید دید که چندین ساعت طرف حرفهای شما را گوش میکند. دیزرائیلی

بر پرهیز از سخن گفتن در چیزیکه نمی شناسی طریقت آنرا ونمیدانی حقیقت آنرا زیرا سخن تو دلالت میکند بر عقل تو وعبارات تو خبر میدهد از دانش تو لاجرم زبان باز دار از سخن که صحت وسقم آنرا ندانی ومختصر کن کلام خود را بر کلامیکه نیکوتر وبهتر باشد. حضرت امیر (ع)

بدرشتی با کسی سخن مگو تا سخن درشت از او نشنوی . ؟

بد بدین کسیکه با تو سرسنگین است بزو با کسیکه سخت را تکذیب کند گفتگو مکن . برای کسیکه گوش ندهد حرف مزن . افلاطون

برای راه یافتن در دل هر کسی باید از چیزی صحبت کرد که نزد او عزیز تر است . دیل کارنگی

بزبان اجازه مده قبل از اندیشه ات براه افتد . شیلون

بسیار اتفاق افتاده که فقط شنیدن یک کلمه قاتل را از ارتکاب قتل باز داشته وفاتح را نادم وظالم را از نوف وغضبناک را چون موم نرم نموده است . کاظم زاده ایرانشهر

بسیار چیزهائی است که میخواهیم برای هم شرح دهیم ولی مثل اینست که زبانمان با قوه مرموزی بسته شده وبادای یک کلمه قادر نیست . محمد مسعود

بعضی از سخنوران نمیدانند با دستهایشان هنگام صحبت چکار بکنند بهتر است آنها جلو دهانشان را بگیرند . تودمن کوئن

بگذار مخاطب خیال کند فکری که تو باو تلقین کرده ای از خود او بست . دیل کارنگی

بهترین وسیله غلبه در مشاجره و مباحثه، احتراز از ورود در مشاجره و مباحثه است . — دیل کارنگی

بهترین طرز خوش آمدگوئی این است که درباره هر کس حرفی از زبان بیاورید که او درباره خودش فکر میکند . — دیل کارنگی

بیاد بیاورید که طرف شما صد مرتبه بیشتر به فکر خیالات و آرزوهای خود میباشد تا در اندیشه خیالات شما . — دیل کارنگی

بیاد بیاورید که نام هر کس برای او مطبوعترین و مهمترین کلمات قاموس بشری است — دیل کارنگی

با اینکه روبروی هم سخن میگویند قلوبشان فرسنگها از هم دور است . — مثل چینی

با دهان، کوره گداخته میشود . — مثل قدیمی

پرحرفی و پرگوئی مجال تفکر و تعقل را از انسان میگیرد . — دیل کارنگی

پیش از شروع مطلب طرف مقابل از روی صدق و صفا بعضی از امور مربوطه به او را که واقعاً قابل تمجید باشد بستائید و از تحسین مضایقه نکنید . — دیل کارنگی

پیوسته باید مواظب سه چیز باشیم وقتی تنها هستیم مواظب افکار خود وقتی با خانواده هستیم مراقب اخلاق خود و وقتی که در جامعه میباشیم مواظب زبان خود . — مادام داستال

پیوسته اهمیت مخاطب خود را برایش محسوس کنید . — دیل کارنگی

پیش از لب بسخن گشادن حرفت را بسنج، چنانکه پیش از کاشتن تخم میزنی . — روسو

تا میتوانید افزون از دانش خویش سخن مگوئید و نسنجیده بگفتار دم بر نیاورید . — حضرت امیر (ع)

جلوی زبان دیگران را نمیتوان گرفت ولی اگر خوب زندگی کنیم این خود مایه شکست و تحقیر آنان میشود . کاتو

جمال مرد فصاحت زبان اوست . حضرت محمد(ص)

چه آسان حرف سرد میزنیم و میرنجانیم اما حرف مهربان چه خوشگل بزبان میآید . حجازی

چه بسا اثرهای زبان که بالاتر از نتایج شمشیرند . دکتر خلیل ثقفی

چیزی بگو که ارزش آن بیش از خاموشی باشد . دیل کارنگی

حرف حق در شما موثر خواهد بود، حتی اگر آنرا قبول نداشته باشید . فرانکلین

حرف زدن و فصاحت یکی نیست سخن گفتن و خوب سخن گفتن دو چیز است دیوانه ای میتواند حرف بزند ولی هوشمند سخن بگوید . بن جانسون

حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان . بطلمیوس

حرف خوش در آهنین را باز میکند . مثل یوگسلاوی

خصم را بخسانید بجائیکه از ابتدای مکالمه ، بلی . بگوید و برای همراه شدن متوسل بعواطف عالیه آنان شوید . دیل کارنگی

خوشا بحال کسانیکه چیزی ندارند بگویند . بهمین را هم نگویند . ژان گهنو

در بحث کردن سخن شما با یک وجود منطقی نیست بلکه سر و کار شما با وجودی حساس است ، در برابر شما آفریده ای ایستاده است که یکپارچه عقاید بی دلیل است و محرک او غرور و خودپسندی اوست . دیل کارنگی

در نظر مردم سخن سنج قدر سخن بیش از گنج است .	بزرگمهر

در دوره حیاتم از بسیاری جهات لغزیدم ولی هیچ لغزشی خطرناکتر از لغزش زبانم نبود .	دیکاردو

در مصاحبت با مردا آزاده سه خطا روی میدهد ۱ـ سخن گفتن بدون اراده و بدون ضرورت یعنی در میان گفتگوی دیگران سخن گفتن ۲ـ خاموش ماندن در موقعیکه سخن گفتن ضرور است این کار خود را دانا و خردمند جلوه دادن است ۳ـ سخن گفتن بدون دقت کردن در حرکت و چهره خود و این را کوری مینامند .	کنفوسیوس

در خوردن حرف هیچکس سوء هاضمه نمیگیرد .	چرچیل

در بکار بردن کلمات دقت کنیم چون ممکن است یک کلمه ما را فرزانه و کلمه دیگر ما را کم خرد معرفی کند. کنفوسیوس

دو کلمه آری و نه که تلفظشان آسان است کلماتی هستند که برای ادای آنها اندیشه و مطالعه فراوان لازم است. ا.پیتاگور

دهان که لق شد همه جای آدم لق میشود .	مثل انگلیسی

دشمنیکه کلام شیرین برلب دارد شمشیرش تیزتر است .	مثل آلمانی

راز اینکه سخنان کمتر کسی بر دل می نشیند آن است که هر کس آنچه خود میخواهد بگوید بیشتر میاندیشد تا به آنچه که دیگران میگویند .	لا روشفوکو

روشن سخن گفتن همان اندازه اهمیت دارد که خود موضوع مهم است چه مردم بیش از آنکه قوه قضاوت داشته باشند گوش شنوا دارند .	چسترفیلد

زبان شیوا خود سرمایه باشد .	حضرت محمّد[ص]
زبان بمراتب بیشتر از قلب انسان را گول میزند .	دیسرائیلی
زبان یگانه آلت تیزی است که با استعمال زیاد تیزتر میگردد .	واشنگتن ایرونیگ
زبان بهترین و بدترین چیزهای دنیاست .	ازوپ
زبان آئینه روحیات انسانی است .	لایب نیتس
زیبائی سخن بکوتاهی و اختصار است .	حضرت محمّد[ص]
زیبائی شخص در گفتار اوست .	حضرت محمّد[ص]
زبان یک حیوان وحشی است ، یکبار که آزادش کردی از مقید کردنش عاجز خواهی گشت .	مثل لاتین
زبان استخوان ندارد ولی بآسانی استخوان میشکند .	مثل ترکی
زبان درنده است ، اگر او را رها کنی ترا بخورد .	مثل تازی
زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد .	مثل ایرانی
سخن حکمت آمیز چه خوش هدیه ای است	حضرت محمّد[ص]
سخن نیکو بگوی تا به نیکی ترا یاد کنند .	حضرت محمّد[ص]
سخن آنگاه بر دل نشیند که گوینده نیت خود را بیان کند و اگر برخلاف گوینده باشد ثمری نمی بخشد .	حضرت امیر[ع]

سخن دانشمند همه اش حکمت است و امثال و کلام نادان تمامش کسالت است و ملال . ؟

سخن شیرین بزور بازو نیاز ندارد . سیسرون

سخن گفتن آن را سزا که از گفته اش بتوان پندی آموخت یا تجربتی فراگرفت . ؟

سخن گفتن یک نوع احتیاج است ولی گوش دادن هنر است . گوته

سخن اگر از دل خارج شود بدل هم وارد میشود و اگر با نیت متکلم مطابق نباشد توقع مدار که آن تأثیر کند . افلاطون

سخن را چون بسیار آرایش کنند مقصود فراموش میشود . فیه ما فیه از مولانا

سخنان سودمند را باید نشر کرد مانند افشاندن تخم گندم . هرچند آب و هوا و زمین بروییدن و بارآوردن دانه ها یاری نکند

باز در گوشه و کنار خرمن سنبلها و خوشه های معدود سر دهد و میروید . لقمان

سخنوری هنری است که همه کس بآن نیازمند است و کسانیکه با مردم سروکار دارند تقریباً همه محتاج به سخنوری میشوند

مخصوصاً در باب علوم و فنون. سخنور اگر درست بشرایط سخنوری عمل کند برای عامه بهترین مربی تهذیب کننده -

نفوس است . فروغی

سخنان شیرین زحمتی ندارد ولی فواید بسیاری به شما میرساند . ژرژ هربرت

سخنگوی ماهر کسی است که از آراء و مطالعه و تفکر و استماع ثروتی اندوخته باشد که در هر گفتاری او را مقتدر سازد . ؟

سنگ هرگز در آب نمی پوسد و حرف خوب اثرش از بین نمیرود . مثل هندی

سخن تلخ از دل تلخ بیرون میآید . — مثل سوسیی

شاید ثمره کلام دلنشین را که امروز بر زبان میآورید فردا بچشید . — گاندی

شخصی که لباس فاخر داشت و سخنهای بیهوده میگفت باو گفتند یا لباس خود را مطابق سخنانت کن ، یا سخنان خود را مطابق لباست . — فیثاغورث

صمیمانه بگوئید و مسائل را از دریچه نظر طرف بنگرید . — دیل کارنگی

عقاید طرف خود را محترم شمارید . هرگز باو مگوئید که خطا میرود . — دیل کارنگی

علت اینکه زنبورها این قدر وزوز میکنند این است که بلد نیستند حرف بزنند . — ؟

عموماً اشخاصی که زیاد میدانند کم حرف میزنند و کسانیکه کم میدانند پرحرف هستند . — ژان ژاک روسو

فرومایگی شخص از دو چیز روشن میشود بیهوده سخن گفتن نپرسیده جواب دادن . — بقراط

فراوانی گفتار بیهوده نشانه قطعی از ضعف شخصیت گوینده است . — گوستاو لوبون

فضیلت انسان زیر زبانش نهفته است . — حضرت امیر(ع)

قبل از صحبت ، زبان را باید هفت بار در دهان گرداند . — مثل فرانسوی

کسیکه از زبان خود امساک و از مال خود انفاق کند سعادتمند است . — حضرت محمد(ص)

کسیکه هرچه به بیند و بشنود و باور نخورد و متغیر نشود من اصلاً با او کاری نخواهم داشت . — ؟

کسیکه تملق گفتن بلد است تهمت زدن هم برای او بسیار آسان است . — ناپلئون

کم دانستن و پرگفتن مثل نداشتن و زیاد خرج کردن است . — ناپلئون

کلمات پندآمیز وقتی که از احساسات پاک و از سوی قلب پاک تراوش کند و به نیروی نطق آتشین و سخنرانی گرم مجهز گردد از شمشیر برنده تر و از تیر نافذتر خواهد بود . — حضرت امیر(ع)

کلمه ای که خوب فهمیده شود ده بار بیش از بارانی از کلمات تو خالی اثر دارد . — ژدژسیون

کلمات باید مانند شیر دلیر، مانند خرگوش ملایم مانند مار جذاب مانند تیر تیز و مانند عصای فرمانروا که از وسط در دست گرفته شده موزون باشد . — مثل شرقی

کسیکه نمی تواند حرف بزند نمی تواند ساکت بنشیند . — مثل لاتین

کسیکه قادر است گوش افراد را تبدیل بچشم کند، ناطق زبردستی است — مثل تازی

گاهی یک حرکت، یک حرف، یک نگاه باندازه یک غزل لطف و معنی دارد . — حجازی

گناه اصلی بگردن کسانی است که بجای پند نیکو دادن کوشش میکنند سخنی بگویند که شما را خوش آید . — مونتن

مانند عده کمی از مردم فکر کن و مانند اکثر مردم سخن بگو . — ؟

مرد آزاده پیوسته بکوشد که در گفتار خود آهسته و در کردار خود تند و سریع باشد . — کنفوسیوس

مردی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراف کند خاموش بنشیند . — ابراهام لینکلن

مرد آزاده بخود اجازه نمیدهد و تحمل نمیکند که در سخنانش بی‌نظمی روی دهد آنچه در همه جا همه کارها بسته بدان است ـ همین است و بس . کنفوسیوس

مقید باشیم که هرگز گرد چاپلوسی و تملق نگردیم . دیل کارنگی

من چه لذت میبرم که گفته‌ام را تصدیق کنی و قتی لذت میبرم که دنباله آنرا بگیری و چیزی بر آن بیفزایی . سعید نفیسی

منطق عقلی هر قدر هم محکم باشد تا با احساسات توأم نشود کوچکترین نفوذی در دل انسان نمیکند . دیبو

موضوع مذاکره هر چه باشد باید در نظر داشت که روی سخن با کیست . پاسکال

میخواهی زبانت دراز باشد کوتاه دست باش . ؟

مگذار زبانت گلویت را قطع کند .

نادانی هر کس به دو چیز دانسته میشود ، اول خبر دهد و بگوید چیزی که از او نپرسیده‌اند دوم سخن گفتن زیاد از حد ضرورت . افلاطون

نادان را به از خاموشی نیست . اگر این مصلحت بدانستی نادان نبودی . سعدی

نبوغ عبارت است از یک چهارم شجاعت یک چهارم تمرکز قوای دماغی ، یک چهارم ثبات قدم و یک چهارم صبر و حوصله یک نابغه همیشه راه خود را پیدا میکند و چراغ خود را همراه خویش دارد . بوفون

نطق نوعی مسافرت است که باید همراه رسیدن بمقصد توأم باشد و لذا باید قبل از سفر دارای نقشه بود شخصی که بدون داشتن نقشه و هدف با این مسافرت آغاز میکند در پایانش هم به هیچ جا نمیرسد . دیل کارنگی

نگذارید زبان شما از افکارتان جلوتر افتد . — شیدون

نیکو سئوال کردن نصف علم است — حضرت محمدؐ

نیکوترین سخن سخنی است که از نظر ادبی منظم باشد و مقصود و معنی را خواص و عوام از او دریابند . — حضرت علیؑ

وقت سخن گفتن مبارزه مکن و در آب تند و ژرف شناوری مکن . — ؟

هر کس نرم زبان باشد دوستیش بر مردم واجب و هر که خوش زبان باشد دوستان او زیاد خواهند بود . — حضرت محمدؐ

هر کس کلامش زیاد باشد خطایش زیاد . — حضرت امیرؑ

هرگز قبل از فکر کردن حرف نزن و کاری انجام مده . — فیثاغورث

هر سخن که از دل برآید بدل نشیند و اگر از زبان برآید از گوش تجاوز ننماید . — ؟

هر حرفی زده میشود دیگران از آن نتیجه مختلف میگیرند ، لیوانیکه آلوده برنگی باشد در موقع ریختن آب در آن با رنگ ممزوج و مخلوط میشود . — ؟

هر کلمه که از دهان بیرون میآید ، مرهمی است که بزخمی میرسد یا خنجریست که دلی را میشکافد یا نسیمی است که دریای احساسات را بتلاطم میآورد پیش از گفتن تأمل کنیم . — حجازی

هر کس طاقت شنیدن حقیقت را ندارد . — توفیق الحکم

هرچه در وعظ هست باید نخست در واعظ وجود داشته باشد وضوح منطق ، سرزندگی ، شور و حرارت ، باید پیش از اینکه

در فکر و زبان او جلوه کند صفات شخص ناطق باشد .

فیلیپس بروکس

هر که زیاد حرف بیزند خود را آسانی در منازعه و مشاجره گم میکند و هر که آن حرفها را میشنود دچار کج فهمی و سوء تفاهم

میگردد ، و هر که این خطر را میشناسد راه راست میانه روی را از دست نمیدهد .

کنفوسیوس

همیشه صراحت بیان داشته باش ، و با قدرت حرف بزن .

فلمز

هنگام گفتن و شنیدن سر را بزیر نیفدازید و در چشم طرف نگاه کنید زیرا سر بزیر انداختن و از نگاه دیگران گریختن

دلیل بر عجب و عدم اعتماد بخود و یا سوء نیت و یا تقصیر و یا تکبر است .

جان کایزل

هر کس آنچه را که دلش خواست بگوید ، آنچه را که دلش نمیخواهد خواهد شنید .

مثل ترکی

هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد .

مثل فارسی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن .

ژرژ هوبرت

یاد بگیرید بیان و سخنرانی را که برتری انسان به چهارپایان از این راه است ! اگر بخواهید سزاوار باشید بانسانیت

در گفتار خود حاذق باشید .

؟

یکبار پشیمان نشدم برانیکه چرا گفتم ولی بارها ندامت بردم با آنچه گفتم .

؟

یک سخنران خوب باید با نیرو و جذابیت تمام درباره همان مطالبی که دیگران با بی لطفی و بیمزگی بحث میکنند

سخن بگوید .

سیسرون

یک نطق مفصل موجب پیشرفت کار نمیشود همانطور که یک لباس بلند براه رفتن کمک نخواهد کرد «الکساندر دوما»

یک کلمه توجه داشته باشید که فقط یک کلمه !!

یک کلمه بدون رعایت نزاکت و ادب ممکن است سرنوشت شخص را تباه سازد .

یک کلمه موهن ممکن است جنایتی ببار آورد .

یک کلمه بموقع ممکن است کلید موفقیتی باشد .

یک کلمه شفقت آمیز ممکن است انسان دلشکسته و مایوس را نوید حیات دهد .

یک کلمه محبت آمیز ممکن است موجد خوشبختی بزرگی باشد .

یک کلمه سنجیده ممکن است درس عبرت بزرگی باشد .

یک کلمه نسنجیده و خشن ممکن است حیاتی را بباد فنا دهد .

یک کلمه لطیف ممکن است دوست ارزنده ای بوجود آورد .

یک کلمه خشن ممکن است دشمن نابکاری را برانگیزد .

یک کلمه جلف و سبک ممکن است مایه فنا و نابودی باشد .

یک کلمه وزین و سنجیده ممکن است سرمایه امتیاز و شخصیت گردد .

و بالاخره یک کلمه ممکن است کلید سعادت یا بدبختی باشد .

اگر چه پیش خردمند خامشی ادب است — بوقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

دو چیز طیرهٔ عقل است دم فرو بستن — بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

سعدی

بگوینده گیتی پر از نیزه است — که گیتی بگوینده گان زنده است

ادیب

تا نپرسند دم مزن بسخن — وآنچه گوئی جز از صواب مگوی

ابن یمین

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش — نگوید سخن تا نبیند خموش

مجال سخن تا نیابی مگوی — چو میدان نبینی نگهدار گوی

فردوسی

در مقام حرف بر لب مهر خاموشی زدن — تیغ را زیر سپر در جنگ پنهان کردن است

صائب تبریزی

دامن آلوده اگر خود همه حکمت گوید — بسخن گفتن زیباش بران به نشنوند

آنکه پاکیزه رود گر بنشیند خاموش — همه از سیرت زیباش نصیحت شنوند

سعدی

سخن بپرورکنید کز من و تو همی کیست   که بی سخن من و تو همه نقش دیواریم

بهمه خسرو

هر آنگو نکورای و دانا بود   نه زیبا بود گر نه گویا بود

نکو مرد از گفت خوب است و خوی   چو شاخ از گل و میوه باشد نکوی

بگفتار شیرین فریبنده مرد   کند آنچه نتوان به شمشیر کرد

اسدی طوسی

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست   سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا اینجاست

حافظ شیرازی

سعادت

آه ای اسم بی مسمای سعادت آه ای سعادت موهوم نه گدا بر تو دست یافت نه امیر پس تو در کجائی؟

از آن در شگفتم که در سینه دلی دارند و می پندارند که آسایش و سعادت بشر جز مهر و صفا راه دیگری دارد. هوگو

بسا میشود در جستجوی سعادت موهوم هزار نکبت و بدبختی را تحمل کنیم. روسو

افسوس: یگانه سئوالیکه هیچکس نمیتواند پاسخی بآن بدهد اینست: سعادت چیست؟ برادلی

اگر ما دنبال سعادت و خوشبختی هستیم باید از فکر کردن درباره حق شناسی یا حق ناشناسی خودداری کنیم و محبت و خوبی را فقط بخاطر مسرت باطنی انجام دهیم. دیل کارنگی

اول صحت، دوم جمال، سوم مال، چهارم رفیق اینها پله های نردبان سعادت است. ساموئید

ای مردم چرا سعادت را در خارج میجوئید. سعادت درون خود شماست. بیونیوس

بایستی با روح خود آشنا شده و سعادت را در اعماق روح و قلب خود جستجو کنیم. فیثاغورث

بزرگترین سعادت فرار از فلاکت است. الیوت

بشر منصف نیست و سعادت را هرگز با سرنوشت توأم نمیکند ولی مترصد است هر دم حوادث شوم را بگردن سرنوشت بگذارد. زرنگ

بشر خلق نشده است که سعادتمند باشد . — دکتر جانسن

تربیت یگانه هادی بشر بسوی رستگاری است و تنها موجد سعادت است . — پلوتارک

تمام افراد بشر طالب سعادتند ولی هیچیک از آنها رموز سعادت و راه آنها را نیافته اند . — شاتوبریان

تنها آدمی است که با اندیشه و نگرانی مانع سعادت خویش میشود و با فکر درباره آنچه ممکن است پس از این پیش آید، آنچه را که اکنون هست تباه میکند . — ؟

چه سعادت بیاید و چه نیاید. آدمی باید سعی کند خود را از سعادت بی نیاز گرداند . — دوژالیوت

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست . — شیلر

خواستار سعادت دیگران بودن، بزرگترین خوشبختی هاست . — ؟

خود را بشناس و بر روح خویش فرمانروائی کن در این صورت میتوانی امیدوار باشی که روزی مقتدر و سعادتمند خواهی شد . — تنسون

خوشبختی خانوادگی طولانی ترین و محکمترین و شیرین ترین سعادتهاست . — ولتر

خوشبختی هرگز هدف من نبوده است من هم مانند انشتین احساس سعادتمندی نمیکنم و نمیخواهم سعادتمند و شادکام باشم . — ؟

در روزگار ما هستند کسانیکه انتظار دارند درهای سعادت و موفقیت را یک چشم الکتریکی در برابرشان بگشاید کسیکه دندانش درد میکند خیال میکند سعادت مطلق را کسی دارد که دندانش سالم است . — ؟

درخانواده سعادت باید بوجود بیاورد و مادر آنرا حفظ میکند .　　　؟

دست طبیعت در هر دل پاک این احساس شریف را گذاشته است که او به تنهایی نمیتواند خوشبخت شود

واو باید سعادت خود را در خوشبختی دیگران بجوید .　　　گوته

دنیا اطاق انتظار سعادت است. همه در این اطاق جمع میشوند ولی بکمتر کسی اجازه ملاقات داده نمیشود . نظام وفا

دنبال سعادت برو سعادت از تو خواهد گریخت با دل و جان بکار خودت بپرداز. وقتت را برای مقصود بکار بر

از جادهٔ خودبینی و شهوت نفس بیرون بیا و دنبال چیزی برو که از نفس بالاتر است آنگاه هنگامیکه بگذشته ات

فکر میکنی خواهی دید که تو خوشبخت بوده ای .　　　؟

راز سعادت در اینستکه کاری که بتو واگذار شده دوست بداری .　　　الدوس هاکسلی

رمز سعادت دو سه حرف بیش نیست لیکن از هیچکس آنرا نمی پذیریم مگر از یک عمر تجربه. وقتیکه کار از کار گذشت حجازی

سعادت را باید در بین راه پیدا کرد نه انتهای جاده چون در آنجا سفر بپایان رسیده و دیگر دیر شده است، وقت

برای سعادتمند بودن امروز است نه فردا .　　　جیمز بادید

سعادت جز رؤیا چیز دیگری نیست فقط اسم حقیقت دارد چه وقتی انسان میخواهد مقدار زندگی را حساب کند نباید

اندازهٔ لذات را بسنجد بلکه باید تا ملاتی را که از آنها رهائی یافته است در نظر بگیرد .　　　ولتر

سعادت آنستکه انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند .　　　کودنور

سعادتمند کسی است که بمشکلات و مصائب زندگی لبخند زند . — شکسپیر

سعادت مثل هر فضیلتی از دو چیز بوجود میآید صرفه جوئی و کوشش . — ولتر

سعادتمند کسی است که در هجوم و مقابله مصائب خود را نبازد . — پاسکال

سعادت در فراغت خاطر بی قیدی و خوشگذرانی و کناره گیری از اجتماعات و هیاهو ست . — اپیکور

سعادت بسته بکار و جسارت است — بالزاک

سعادت انسان در کار و تفکر و سعی در حفظ شرافت و تقوی است . — سیسرون

سعادتهای زندگی تماماً خوشی های خوب و زیبا و یکسان خود را بما نشان میدهند بر خلاف بدبختی ها که هر کدام با یک قیافه مخصوص مدهش ما را تهدید میکنند . — تولستوی

سعادت بچه دوستان شومی همراه دارد . — جان اشتنبک

سعادت در این دوره فقط دانستن مقصود زندگی است . — تولستوی

سعادتمند مردی است که از هر خبط و خطائی که از او سر بزند تجربه ای جدید بدست آورد . — سقراط

سعادت مثل پروانه ایست که روی برگهای گل بخواب رفته باشد بمجرد اینکه نزدیکش بروی بالهای خود را باز کرده و در فضا پرواز میکند . — اندره ژید

سعادت عادت است آنرا پرورش بدهید . — البرت هوبار

سعادت دیگران قسمت مهمی از خوشبختی ما میباشد . — کلبر

سعادت نتیجه یک زندگانی عقلانی است . — اسپی نوزا

سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد میباشد . — افلاطون

سعادت آن نیست که انسان خود بخود دوست داشته باشد ، بلکه عبارت از این است که غرور آمیخته با نفرتی اقناع شود سعادت رسیدن بلحظاتیست که انسان دوست میدارد در کنار کسی دوست میدارد بسر برد . — زوهرسان

سعادتمند و عاقل کسی است که صبح هنگامیکه از خواب برمیخیزد بخود بگوید من امروز سعی خواهم کرد بهتر از دیروز باشم . — فنلون

سعادت یک ملت آنقدر که به سجایای اخلاقی و قوای روحی وابستگی دارد . بسیار عوامل مادی مربوط نیست . — دیل کارنگی

سعادت در سلامت نفس و بی آزاری است و محل آن سینه در افکار و گفتار و رفتار خودمان است . — ؟

سعادت در این نیست که چقدر توانگریم بلکه در آن است که چقدر از آنچه در اختیارمان هست استفاده میکنیم . — ؟

سعادتی بالاتر از این نیست که آدمی بتواند حق و باطل را از یکدیگر تمیز بدهد و دل و جان را بنور معرفت روشن سازد . — بوعلی سینا

ظالم از سعادت حقیقی دور و بشقاوت ابدی نزدیک است . — ؟

عروس زندگانی کار نام دارد اگر شما داماد این عروس شوید فرزند شما سعادت نام خواهد داشت . — فرانکلین

فرق بین سعادت و خردمندی اینست آنکه خود را خوشبخت می انگارد واقعا خوشبخت است ولی آنکه خود را از همه خردمندتر میانگارد از همه نادانتر است . — کولتون

کسیکه از زبان خود امساک و از مال خود انفاق نماید سعادتمند است . حضرت محمد (ص)

کسانیکه سعادتمند نیستند گناهکارند . ؟

کسیکه انتظار دارد باره سعادت بطور تصادف در آسمان زندگانی او جلوه کند . بحال انتظار میماند تا موقعیکه برقی سوزنده و خطرناک او را در میان گرفته بورطه هلاک بکشاند . لود آویبوری

گل بی آب شکوفان نمیشود و سعادت بدون محبت بوجود نمیآید . ماکسیم گورگی

لذات جسمانی نه تنها مایه سعادت نیست ممکن است موجب بدبختی هم بشود زیرا بدن را ضعیف و عقل را مشوش میسازد . ارسطو

مغز انسان سالم صاحب وجدان پاک این احساس را دارد که خوشبختی و سعادت خود را در خوشبختی و رفاه دیگران بجوید . غ - ذ

من دیده ام که درجه سعادت اشخاص مربوط باراده و میل خود آنهاست . لینکلن

هدف هر حکومت و دولت فقط بهتر کردن وسایل زندگی مادی و راحتی مردم نیست بلکه حکومت وظیفه دارد که سعادت مردم را نیز تأمین نماید . کنفوسیوس

هر کس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد . بالاخره سعادت خودش را هم بدست خواهد آورد . افلاطون

همانطوریکه نور زیاد مانع دیدن میشود . فراوانی نعمت مانع لذت و برخورداریست . تن

هنگام نیکبختی است که باید بیمناک بود . هیچ چیز تهدید آمیز تر از سعادت نیست . مترلینگ

گزین کسی بعالم پیشه کردی
زهی همت که رهبری اندیشه کردی

شدی همصحبت یاران یکرنگ
نگشتی هیچ با دونان هم آهنگ

نمودی خوی لطف و مهربانی
نکردی با خلایق بدزبانی

می از جام سعادت میکنی نوش
سعادت با تو می‌گیرد هم آغوش

جمشید

سعادت بجز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلق نیست

سعدی

هر آنکو خاطر مجموع و یار نازنین دارد
سعادت همدم او گشت و دولت هم قرین دارد

حافظ شیرازی

سکوت

آسایش آدمی در زندانی کردن زبان است. — حضرت محمد (ص)

از پرگوئی بپرهیز که لغزشش فراوان بار آورد و آزردگی تولید کند. — حضرت امیر (ع)

از سرکشی زبان برحذر باش و آنرا باختیار درآور و از سرکشی فکر نیز بترس و بر آن مستولی باش. — دهاماپادا

از حرفها و کارهای بیهوده بپرهیز، سکوت گاهی زینت انسان است. — مهاویر

از مباحثه و مجادلهٔ غیرواجب و بدون هدف بپرهیزید. — جان کایزل

از مکالمه و پرگوئی بیجا نجات پیدا خواهید کرد اگر بخاطر بیاورید که مردم هرگز نصایح شما را قبول نخواهند کرد مگر اینکه وکیل مدافع و یا دکتر باشید و آنها برای شنیدن صحبت های شما پول خرج کرده باشند. — برنارد شاو

از او پرسیدند بلاغت چیست گفت کم گفتن که به معنی خللی نرسد. — ارسطالس

چه بسا یک جملهٔ کوچک دوستی های دیرینه را مبدل بدشمنی کرده و حتی مملکت هائی را دگرگون ساخته است. — بنتام

اگر خاموش باشی تا دیگران بسخنت آرند بهتر که سخن گوئی و خاموشت کنند. — سقراط

اگر سخن چون نقره است خاموشی چون زر پربهاست. — لقمان

اگر واقعاً پی ببریم هر کلمه ای که از دهان ما خارج میشود به منزله گنگی است که در بنای دوستی و دشمنی بکار میرود آنوقت ما میتوانیم سعی کنیم که سخن بیهوده و بی ارزش از دهانمان خارج نشود .
دکتر ماردن

اندیشه کردن از چه گویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم .
بوذرجمهر

انسان کم سخن بهتر از پرگویان متظاهر، بسامان رسد .
لائوتزه

ای پسر من مراقب باش که به خاموشی عادت کنی من از سکوت هیچگونه نادم نشدم لیکن بسیار وقت سخن گفتم و پشیمانی بردم .
لقمان

از درخت سکوت میوهٔ آرامش آویزان است .
مثل عربی

اگر پشیمان باشی از نگفتن به که پشیمان باشی از گفتن .
از جامع التمثیل

اگر میخواهی عاقل شوی بنشین و گوش کن .
مثل آفریقائی

انسان باید با دیگران کم و با خودش زیاد حرف بزند .
مثل دانمارکی

برای افزودن کلمه ای همیشه فرصت باقی است ولی پس گرفتن آن هرگز امکان ندارد .
؟

برای سخن سنج بودن باید سکوت کرد .
کولیستن

برای من گواراتر و بهتر میشد اگر من احتیاج سخن گفتن نمیداشتم .
کنفوسیوس

بسیار باشد که پریشانی گفتن سخت تر بود از پریشانی نهفتن .
؟

بسا میشود که سکوت بهتر از صحبت میتواند مقاصد ما را بفهماند . لرد آویبوری

بعد از حرف سکوت بزرگترین قوه در دنیا است . ؟

بهترین آداب در محافل اینست که اگر عالم باشد دهان گشاید تا مایه علمش مجهول نماند و اگر جاهل باشد زبان به بندد تا پایه جهلش معلوم نگردد . جالینوس

بهترین اشخاص کسانی هستند که اگر آنها را تعریف کردید خجل شوند و اگر بد گفتید سکوت کنند . جوان خیل جوا؟

پرحرفی و پرگوئی مجال تفکر را از انسان میگیرد . پاسکال

تا تو سخن نگفته ای اختیار آن را در دست داری ولی وقتی که گفتی تو در اختیار آن هستی . حضرت امیرع

تنها سکوت است که میتواند ما را به معرفت برساند . راماکریشنا

تنها خاموشی بزرگ است و جز آن همه نشانه ناتوانی است . ؟

تو ارباب سخنانی هستی که هنوز نگفته ای ولی حرفهائی که زده ای ارباب تو هستند . مثل عربی

جواب ندادن هم جوابی است . مثل دانمارکی

چون عقل زیادی گیرد کلام اندک شود . حضرت امیرع

چیزی بگو که ارزش آن بیش از خاموشی باشد . ؟

حقیقت برای عده معدودی است . خاموشی پناهگاه عاقلان است و هنگامیکه لب بسخن میگشایند باید در حفظ

عده‌ای معدود و عاقل باشند. — گرامیان

حقیقت واقعی در سکوت نهفته است. — پابلو پیکاسو

خاموشی آرایش دانا و پوشش نادان است. — حضرت محمد (ص)

خاموشی در تو جامه وقار، میپوشاند و ترا از اعتذار گفتار ناشایسته دور میدارد. — حضرت امیر (ع)

خاموشی بوستان تفکر و اندیشه است. — حضرت امیر (ع)

خموشی عبادتی است بی رنج و زینتی است بی پیرایه و هیبتی است بی سلطنت قدرت و حصاری است بی دیوار، و بی نیازی است از خلق و موجب راحت و سرپوش همه عیبهاست. — لقمان حکیم

خوشا بحال کسی که بیش از اندازه زبان را نگهدارد و بیش از اندازه مال را بمصرف رساند. — حضرت محمد (ص)

داروی خشم خاموشی است — سقراط

در مجالس بیشتر سکوت اختیار کنید و زاید بر حاجت سخن نرانید تا از حسد و غضب دیگران آسوده بمانید. — اسکولاپ

دهان زشت گو را با خموشی و وقار باید بست. — لادشفوگود

دهان پاها را چل میکند. — مثل ایتالیائی

روشن‌تر از خاموشی چراغی ندیدم و سخنی به از بی سخنی نشنیدم تا ساکن سرای سکوت شدم. — بایزید بسطامی

زبان درنده ایست اگر رها کنی گوینده و شنونده را بدرد. — حضرت امیر (ع)

زبان خردمند قلبش است و قلب احمق پشت زبانش . — حضرت امیر(ع)

زبان را نگهدار از کلامیکه ترا در آن چاره هست خصوصاً وقتیکه شنونده قابل شنیدن سخن صواب نبوده و با تو همرای نکند . — امام صادق(ع)

زبان انسان ماری است که جثهٔ خودش را میگزد . — گوگول

زمانی فرا میرسد که سکوت بیش از همهٔ گفته ها مقصود را میرساند . — منتسکیو

زن لال هرگز از دست شوهرش کتک نخورده است . — مثل فرانسوی

سخن داروئی را ماند که اندک آن سود دهد و بسیارش کشنده باشد . — حضرت امیر(ع)

سخن گفتن بموقع و سکوت نمودن بموقع نشانهٔ عقل است . — سقراط

سعی کن درست صحبت کنی وگرنه عاقلانه اینست که سکوت کنی . — جرج هوبرت

سکوت چنان موضوع جالبی است که ساعتها میتوان درباره اش حرف زد . — ژول ورسن

سکوت گاه هزاران معنی در بر دارد که از گفتن بدست نمیآید . — منتسکیو

سکوت وقتی جایز است که نابینائی در کنار چاه نباشد . — ؟

سکوت و خاموشی بهتر از آنست که انسان حقیقت را با عباراتی خشن و ناپسندیده بیان کند و یک ظرف طعام لذیذ را با چاشنی بدمزه خراب و فاسد نماید . — دوسالز

سکوت کلامی است بدون صرف انرژی . — مثل هندی

سکوت حصاری است که دور حکمت کشیده اند — ؟

سکوت هرگز اشتباه نمیکند . — مثل هندی

سکوت هم نوعی نطق و بیان است . — ؟

قفل بر زبان نهادن سخت ترین و مهمترین وظایف است . — وینه

کسیکه زبانش را نگهدارد یارانش افزون شود . — حضرت امیر(ع)

کسیکه گفتارش فراوان است ملامت زده است . — حضرت امیر(ع)

کلمات بال و پر دارند همین که قفسشان یعنی دهن باز میشود از آن بیرون میپرند و از دسترس ما خارج میشوند . — دو ر...

کوچکترین شکافها راه می یابند و بعضی اوقات در ضخیم ترین دیوارها نفوذ میکنند . — نوبل

کسیکه سکوت میکند از خطر بر حذر است . — مثل آفریقائی

گفته های بیهوده را فرو گذار و بیش از آنچه نیازمندی سخن مگو . — حضرت محمد(ص)

مردان بزرگ کم میگویند و بسیار میکوشند . — کنفوسیوس

من بارزش سکوت کاملاً پی برده ام و حاضرم روزانه چندین ساعت درباره فواید آن صحبت کنم . — برنارد شاو

نادان را بهتر از خاموشی نیست و اگر این بدانستی نادان نبودی . — سعدی

نیکو سخن باید تا از خاموشی به باشد . — ابوسعید ابوالخیر

نابودی انسان در زبانش نهفته است. از خودت مواظبت کن که دچار چنین زیانی نشوی . — ؟

وقتی یک ملت ناراحتی فریاد میزند، من میتوانم جلوی او را بگیرم ولی وقتی که ملت ناراضی سکوت کرد و سر بجیب تفکر فرو برد آن وقت است که من متوحش میشوم زیرا من نمیتوانم به نقشه های او پی ببرم . — امپراطور روم

وقتی زنی ساکت میشود مطمئن باشید مشغول تهیه مقدمات برای گفتن مطلب دیگری است . — ؟

وقتی دشنام میشنوی سکوت کن سکوت تو بدترین دشنامهائی است که به خصم میدهی . — ؟

وقتیکه عقل زیاد میشود نطق و بیان کم میگردد . — مثل عربی

هر وقت در مجلسی هستید که اشخاص مختلف از آشنا و ناشناس حضور دارند گوش کنید و کم حرف بزنید، گوینده ماهر همان شنونده ماهر است . — کتاب آئین کامیابی

همه کس اگر قادر بگفتن سخنان دلنشین نباشد اقلاً از حفظ سکوت عاجز نخواهد بود . — بوذرجمهر

هیچ چیز بیش از زبان شایسته زندان رفتن نیست . — حضرت محمد (ص)

هزار بار گوش بده و بیش از یکبار سخن مگو . — مثل چینی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن . — ژرژ هربرت

در فتنه بستن زبان بستن راست | گر گیتی به نیک و بد آراستن است
پشیمان ز گفتار دیدم بسی | پشیمان نگشت از خموشی کسی

خسرو دهلوی

چنین گل بر لب افروخته می‌باید بود | چنین غنچه لب دوخته می‌باید بود
چنین مست و بی‌ما سخن گفتن ما | چنین شمع زبان سوخته می‌باید بود

عطار نیشابوری

کم گوی و بجز مصلحت خویش مگوی | چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی
دادند دو گوش و یک زبان از آغاز | یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگوی

بابا افضل

کم گوی و مگوی هر چه دانی | لب دوخته دار تا توانی
بس سر که فتاده زبان است | با یک نقطه زبان زیان است
آنقدر رواست گفتن آن | کاید ضرر از نگفتن آن
نادان ببر زبان نهد دل | در قلب بود زبان عاقل

ایرج میرزا

قدم برون مگذار از دیار خاموشی
که خواب امن بود در دیار خاموشی

ز خامشی دهن غنچه مشکبو گردید
خوش آن کسی که بود مهردار خاموشی

سفینه‌ایست که از دست داده لنگر را
سبک‌سری که گذارد وقار خاموشی

صائب تبریزی

دو چیز طیرهٔ عقل است دم فروبستن
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

سعدی

مگو اندهٔ خویش با دشمنان
که لاحول گویند شادی‌کنان

سعدی

سخن گرچه دلبند و شیرین بود
سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یکبار گفتی مگو باز پس
که حلوا چو یکبار خوردند بس

سعدی

سیاست

آلبرت اینشتین در مورد اظهارنامه مالیاتی میگفت برای نوشتن اظهارنامه مالیاتی ریاضیدان بودن کافی نیست بلکه انسان باید دیپلمات زبردستی باشد.

؟

آنکس تواند از دانش خود استفاده برد که اندرز دهد و خود این اندرزها را بکار بندد.

تولستوی

آنهائیکه زرنگترند راهی آسانتر می گزینند.

خانلری

آدمی نباید با دست برهنه مار بگیرد.

مثل یوگسلاوی

اگر نمیتوان با مار درآویخت میتوان او را بنوای نی مسحور کرد و برقص درآورد.

خانلری

انسان وقتی در کار سیاست آسان فریب میخورد که تصور میکند دیگران را فریب داده است.

ژول کامبون

اولین فصل سیاست چیست؟ تعلیم و تربیت. دومین بار هم تعلیم و تربیت و بالاخره سومین فصل آنهم تعلیم و تربیت است.

؟

اگر نمیخواهی سگ ترا گاز بگیرد با دمش بازی مکن.

مثل آفریقائی

اگر عیوب خودمان را بخاطر داشته باشیم، عیوب دیگران را از یاد میبریم.

مثل عربی

انگلستان در هر پایتخت دو سفیر دارد سفیر حکومت و خبرنگار تایمز، بسا که نظر خبرنگار قبل از سفیر حکومت پذیرفته شود.

مثل انگلیسی

برای فرار از دود در دام آتش مشو . — مثل آذربایجانی

تدبیر نصف معاش است . — حضرت محمد

تدبیر همیشه بر شمشیر غالب است . — ناپلئون

تدبیر از بذله تر از زور است . — مثل آفریقائی

ترس بما یاد میدهد که چطور برویم . — مثل تازی

تمام بناها وقتی تمام شد چوب بستها را از میان برمیدارند . — مثل عربی

چاپلوسان شناگو را از خود دور دار زیرا آن ناکسان همیشه طالب نعمت و آسایش اند و در روز سختی چه آسان ترا به چنگ بلا سپرده و خود بگرد دیگری حلقه زنند . — حضرت امیر

در نفوس ، نفوذ نمیتوان کرد مگر با راحتی . — لوکوره

در دنیا دو نیرو هست ، شمشیر و تدبیر بیشتر اوقات شمشیر مغلوب تدبیر شده است . — افلاطون

دختر را که پدر تربیت کند مرد از آب درمیآید و پسری را که مادر تربیت کند زن صفت میشود . — مثل آذربایجانی

درستکاری بهترین سیاست است . — مثل انگلیسی

راز موفقیت در اینست که بدانیم چگونه میتوان افکار مردم را عوض کرد همین قدرت است که وکیل ، بقال ، سیاستمدار و واعظ را موفق میگرداند . — دکتر فرانک کرین

سلامت ذوق و اخلاق نیک برای سیاستمدار، سودمندتر از هوشمندی است. — گوستاو لوبون

سیاستمدار کسی است که حوادث فردا و یکماه و یکسال بعد را پیش بینی کند و بعداً بتواند دلایلی بیاورد که چرا اتفاق نیفتاد. — چرچیل

سیاست فاقد قلب است و فقط مغز دارد. — ناپلئون

شخصیکه بحکومت بر اعصاب خویش قادر نیست. شایسته نیست که حتی بر کوچکترین پله نردبان سیاست جای گیرد.

عنان اختیار بطور مطلق در دست انسان نیست کم اتفاق میافتد که تقدیر با تدبیر موافق آید. — ناپلئون

کسیکه سدهای دیرین را بیهوده شمارد و ویران کند بی گمان گرفتار فاجعه طغیان آب خواهد شد. — از کتاب تاریخ تمدن

گره کارهای دشوار را با سر انگشت تدبیر گشودن بهتر از ستیزه کردن با مردم است. — هوشنگ شهریار

مدبر باشید تا آسانتر بمراد خود برسید. — ؟

مواظب اموال خودت باش در این صورت بسیاری از افراد از ارتکاب گناه دزدی باز خواهی داشت. — ؟

مادامیکه از رودخانه بیرون نیامده ای سربسر تمساح مگذار. — مثل آفریقائی

نیکبختی من کامیابی من قبول عام من سود و نفع من بیشتر وابسته بمهارتیست که در معاشرت با ابناء نوع خود -
بتوانم بکار ببرم. — ؟

هرگز حرف جاسوس را باور مکنید، با استخدام آنها شما بیشتر زیان می بینید. — ناپلئون

سیاست

حکیم هند سوی شهر چین شد — به قصر شاه ترکستان زمین شد

شهی را دید طوطی همنشینش — قفس کرده ز سختی آهنینش

چو طوطی دید هندو را برابر — زبان بگشاد طوطی همچو شکر

که از بهر خدا این کار پرداز — اگر روزی به هندستان رسی باز

سلام من به یارانم رسانی — جوابی بازآری گر توانی

بریشان گوی آن مهجور مانده — ز چشم همنشینان دور مانده

بزندان و قفس چون سوگواری — نه همدردی مرا نه غمگساری

چه سازد تا رسد نزد شما باز — چه تدبیر است گفتم با شما راز

حکیم آخر چو با هندوستان شد — بر آن طوطیان دلستان شد

هزاران طوطی دل زنده می دید — به گرد شاخها پرنده می دید

گرفته هر یکی شکر به منقار — همه در کار فارغ از همه کار

حکیم هند آن اسرار برگفت — غم آن طوطی غمخوار برگفت

چو بشنودند پاسخ نیکبختان — درافتادند یکی از درختان

چنان از شاخ افتاد او بر خاک — که گفتی جان برآمد جمله بر پاک

ز حال مرگ ایشان مرد هشیار — عجب ماند و پریشان شد ز گفتار

بر آخر سوی چین چون بار افتاد — سوی آن طوطی آمد راز بگشاد

که یاران از غم تو جان سپردند — همه بر خاک افتادند و مردند

چو طوطی آن سخن بشنید در حال — بزد او بر در قفس بخت پر و بال

چو بادی آتشی در خویشتن زد — تو گفتی جان برآورد و نفس تن زد

یکی آمد فریب او نشناخت — گرفتش پای و اندر گلخن انداخت

چو در گلخن فتاد آن طوطی خوش — ز گلخن بر پرید و شد چو آتش

نشست او بر سر قصر خداوند — حکیم هند را گفت ای هنرمند

مرا تعلیم داد آن عزیزان — که همچون یاران شو بر خاک ریزان

بمیر از خویشتن تا یابی رهائی — که با مرغ یگانه آشنائی

چو مردی زنده جاوید گشتی — خدا را بنده جاوید گشتی

از داستان منظومه عطار نیشابوری

شادی

آنهائیکه غم کمتری دارند، با خود نمائی بیشتری میگریند. تاسیت

آنکه برای خوش بودن بدنبال اسباب و وسایل میگردد هنوز معنی خوشی را نمیداند، از بی رحمیهای طبیعت یکی این است که وسایل خوشی را در خارج از وجود ما جلوه گر میسازد در صورتیکه پس از یک حسرت و سرگردانی می فهمیم که این وسایل در خود ما خلق شده اند. حجازی

از لحظات زندگی لذت ببریم و از ساعتها استفاده کنیم بدون آنکه در انتظار لحظات و ساعات بهتر و نیکوتر باشیم. فرانکلین

اشخاصیکه بدبختانه بلذات شدید و حاد خو گرفته اند، دیگر از لذات معتدل حظ نمیبرند و همواره با اضطراب دنبال شادی و نشاط میگردند. فنلون

افتادید بسیار خوب. چه خواهد شد؟ با چهره بشاش برخیزید در افتادن ضرری متصور نیست. بدبختی در عجز و درماندگیست کارلایل

اگر بدن از بیماریهائیکه مانع نوشتن و خواندن و آموختن است سالم باشد و عقل بی عیب و رزق کافی باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگر بیجاست. جالینوس

اگر بخواهی برای تمام شادمانیهائی که داری تشکر کنی، دیگر وقتی برای گله گزاری نخواهی داشت. دود

اگر آدمی را شادی در دل نیاید جز آن که کسی را شاد کرده است و اگر غمگین میشود کسی را غمگین کرده است. مولوی

اگر انسان به غصه امروز خود رنج دیروز و غم فردا را نیفزاید مقدار آن هرچه باشد به آسانی میتوان تحمل کرد. هامرلینگ

اگر روح انسان چون آئینه از زنگ غم پاک باشد چه اهمیت دارد اگر چهره او پرچین شود. لوداویبوری

اگر مایلید حوائج مادی و معنوی شما برآورده شود باید در رفع حوائج دیگران کوشش کنید و اگر میخواهید همیشه خوش و خرم و سعادتمند باشید باید پیوسته خوشی و خرمی و سعادت دیگران را فراهم کنید. اگر طالبید همه شما را عزیز داشته و محترم بشمارند باید عزت و احترام دیگران را مراعات نمائید و خلاصه اگر میخواهید تمام مردم شما را دوست داشته باشند باید همه مردم را دوست بدارید راه نیکوکاری در مقابل همه باز است. ؟

انسان پیشرو کسی است که در گفتارش عجله نشان ندهد و در کارش نشاط داشته باشد. کنفوسیوس

انسان شادترین همه آفریدگان است. هرچه از آن برتر و فروتر است خشک و سخت است. ادیسن

انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمیتواند به نشاط و شادمانی برسد بلکه در صورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد که پای بر سر این تمایلات بگذارد. اندره گید

این کرانه های کبود این ستاره های درخشان این ابرهای سفید این شفق طلائی این اشعه الوان این زمین سبز این گلهای سرخ این قلبهای مشتعل این درختان بارور این مرغان خوش الحان این جمال طبیعت و این بهار جوانی آیا کافی نیست که روح شما را باهتزاز درآورده و لبانتان را به تبسم بگشایند. نظام وفا کاشانی

با دیگران بخندید نه بر دیگران .
دیل کارنگی

باید تا آخرین حد ممکن خوشبخت باشیم و شادمانی کنیم .
جون توپک

با یک لبخند هر دری بسوی انسان گشوده خواهد شد .
فرانکلین بتگر

بخند اما نه هیچ خنده برق که گریه ای را با خود میآورد، خنده ای که مایه گریه دیگران است، خنده نیست، بخند و شاد باش و دیگران را بخندان و شادمان نگاهدار .
نظام وفا کاشانی

برای اینکه بزرگ و پرارزش شوید باید هنگامیکه اشک های شما میخواهد بریزد تبسم کنید .
برنالو

برکت عمر در روشنائی چشم و فرح دل در مشاهده نیکوان است .
عبید زاکانی

بهار را زمان طراوت و سرسبزی طبیعت میدانند اگر میخواهی روحت و قلبت در تمام فصول سال شادابیش را حفظ کند مستمندان را دریاب خنده یک کودک یتیم و آرامش پیرمرد و پیرزنی که بعد از خداوند متعال ترا میشناسد و بتو متکی است چین و چروک و شیار عمر را از چهره ات دور میکند .
غ - ذ

زندگی با اندکی شادی و راحتی و بیشترش با مشکلات و سختی هاست مرد زندگی کسی است که با تلقین بخود سختیها را فراموش کند و از لحظات شادی یادآوری نماید .
غ - ذ

بزرگترین سرمایه آدمی توانگری نیست، بلکه خوی خوش است .
پوشه

بطور دائم امواج شادی و اندوه از دو طرف ما میگذرد . استفاده از آنها بسته به اراده ماست .
ابوالعلاء

بگوشش و دل خود، بخوانید که همیشه از شادی دیگران شاد میشوید .   پوشه

بهترین افراد کسانی هستند که از نیکی و سعادت دیگران شاد شوند .   ؟

بیائید تا شاد باشیم و بخاطر بسپاریم که بدبختی های غیر قابل تحمل آنهاست که هرگز پیش نمیآید .   ج - ز - لاول

تبسم حرفی ندارد ولی سود بسیار میدهد لحظه ای بیش پایدار نیست ولی یاد آن در سراسر عمر باقی میماند .   دیل کارنگی

تبسم دشمن را دوست میکند .   جرج نیکولا

تو باید چراغ خود را روشن کنی اگر چه گرد تو کوران نشسته باشند .   نظام وفا کاشانی

جهان آئینه ایست که شما را آنگونه که هستید جلوه دهد اگر بخندید خندان نماید و اگر با چهرهٔ ناخوش بدان بنگرید او نیز چهرهٔ دژم نشان دهد .   پوشه

چهرهٔ شادان همان اندازه برای آدم علیل خوب است که هوای سالم و لذت بخش .   فرانکلین

چون دمی نیست که با گذشته و آینده مخلوط نباشد برای غنیمت شمردن دمها باید به تدبیر یاد گذشته را شیرین و منظر آینده را روشن کرد .   حجازی

چیزیکه با تهدید تحصیل میکنید با خنده سریعتر بآن خواهید رسید .   ؟

خنده فکر را قوی و بدن را توانا میسازد .   رول سیمون

خندهٔ طبیعی فریاد موتور نیرومند بدن است .   آناتول فرانس

خوشخوئی وگشاده روئی دام دوستی است و بردباری گور عیبها . حضرت امیر(ع)

خوشخوئی همیشه خوش معاش است . جامع التمثیل

خوشی ونشاط بی زیان بهترین مایه تقویت روح در برابر سختیهای زندگی است بهمین جهت است که شوخی ومزاح چون از حیث کمیت وکیفیت وملاحظه موقع ازحد تجاوز نکند مباح است . فولر

خوشروئی دام دلهاست وخوشخوئی آرام جانها . سیّد علی اکبر برقعی

خوشی وراحت دائمی در تمام مدت زندگی چیزیست که هیچ آدمی نمیتواند آنرا تحمل کند مثل اینست که انسان در همین دنیا به عذاب جهنم معذب شده باشد . برنارد شاو

خوشی وشادمانی انسان در این است که نیروی خالقه ومبدعه خود را از قوه به فعل درآورد . برگسون

خوشترین دم که برای من شادی آوراست همین دم است که حس میکنم، پرده بروی آخرین آلت این کمدی که آنرا زندگی مینامند بسته میشود . بتهوون

خوشی زیاد پیشاهنگ غم فراوان است . مثل چینی

در قلب خود بنویسید هر روز بهترین روز سال است امرسون

درهای آهنین را بروی گذشته وآینده محکم ببندید ودیروز وفردا را در کار امروز مداخله ندهید . دیل کارنگی

در موقع شادمانی مانند بدبختی باید قوی دل باشید . ژان دوپلا

در درون خویش زمستانی مساز و خود از سوز سرما و بی برگی آن منال در خزان عمر هم که هستی بگذار وجود تو سرشت

بهاران داشته باشد. درخت طبیعت جوانه بزند و نسیم ذوقت خوشه های آرزو را به جنبش در آورد. دنیای بیرون تصویری

از درون تست بگذار در دنیای درون تو همیشه بهار باشد. ؟

دلتنگ مباش. چه دلتنگی تو را از دنیا و آخرت باز میدارد. حضرت محمد (ص)

دل شادمان و سرور خاصیت نوشداروو دارد. حضرت سلیمان (ع)

دنیا متعلق به کسانیست که از آن استفاده میبرند و مردم مسرور و شادمان صاحبان و مالکان حقیقی آن بشمار میروند. اسمایلز

دو نفر از پنجره زندان بخارج مینگریستند یکی گل و لای امید و دیگری ستاره های درخشنده را. دیل کارنگی

دل شاد مانند دارو اثر میکند ولی یک روح شکسته استخوان ها را خشک میکند تقاضا مکن تا بتو داده شود جستجو کن تا بدست

آوری در بزن تا برویت گشوده شود. ؟

رام کردن قلب بشر چقدر آسان بچه چیزهای مختصر خشنود میشود. معذالک صدای شکستن دل فضای دنیا را پر کرده است. ؟

روزیکه عمر زمین به پایان برسد من و اسکندر مقدونی چه فرقی با هم خواهیم داشت او عمری را برای کسب نام بناکامی و خونخواری

گذرانیده و من برای لذت بردن زندگی دوره حیات خود را به شادکامی گذرانیده ام. مترلینگ

زنبور هر قدر باشد گل از آن بیشتر است و دلهای ماتم زده هر اندازه باشند قلوب شاد زیادترند. شکسپیر

زندگی با شادمانی و غم همراه است و نباید از آن بیم داشت. لاد شفوگو

سخت بگیرید بر غمها و نگرانیهای ابلهانه خود بخندید تا ببینید چگونه دور میشوند و بهوا میروند . دیل کارنگی

سرور و خوشحالی یا حزن و ملالت شخص بسته به میل و اراده خود اوست . دکتر جانسن

سعادت واقعی غیر از آسایش خاطر و صفای باطنی و روان تابناک چیز دیگر نیست . ؟

سعادتمند کسیکه به مشکلات و مصائب زندگی لبخند زند . شکسپیر

سه گونه شادی مایه خوشبختی و سه گونه شادی دیگر مایه بدبختی است شادی از تسلط بر نفس بوسیله تربیت و هنر، شادی از گفتگو کردن درباره فضایل دیگران و شادی از داشتن دوستان لایق و نیک سیرت ، سودبخش است لیکن شادی از مال و جاه و شادی از تنبلی و شادی از شکم پرستی زیان بار میآورد . کنفوسیوس

سیل خوشیها از زیر نظر و از دسترس ما میگذرد اما هر کس باندازه و استعداد خود از آن نصیب میبرد . حجازی

شادمانی برای من عبارت از آنست که نیرو و استعدادهای درونی خود را بحد کمال نشو و نما دهم و کامل کنم . ناپلئون

شادمانی و انبساط بیشتر مولود مسرت نیست بلکه زائیده پیروزیست . امرسون

شادمانی و نیکبختی ما غالباً بسته به مهر و صفائی است که با دیگران داریم . جان کایزل

شادی بسیار سرشت را خودپسند کند و کامرانی بشمار دل را میمیراند . ؟

شادمانی عبارت است از پروراندن و نشو و نما دادن عالیترین صفات و خصائص . ارسطو

شادمانی در خانه ایست که مهر و محبت در آن مسکن دارد . شکسپیر

شما وقتی تبسم می کنید جامهٔ انسانیت میپوشید . — ویلیام اشتین

شخص ایامی را که به او بد گذشته بهتر از ایامی که با وخوش گذشته بخاطر میسپارد . — مثل آلمانی

عجبا ما در میان مسرات بسر میبریم و معذالک یکدقیقه خوش نیستیم . — مادام دوساوینین

عده ای دائم غرغر میکنند که گل سرخ خار دارد ما باید شاد باشیم که خارها گل دارند . — الفونس کار

عقل و هوش خود را با خوشی و نشاط دمساز کن تا هزاران آسیب از میان برود و عمرت دراز شود . — شکسپیر

فقط آنهائیکه زیاد گریه کرده اند میتوانند ارزش زیبائیهای زندگی را درک کنند و از ته دل بخندند . — اوریانا فالاچی

کسیکه شاد و خندان است همیشه وسیلهٔ شاد و خندان را پیدا میکند . — شوپنهاور

کسیکه از چیزهای کوچک خشنود نیست از هیچ چیز خشنود نخواهد شد . — ژون سیمون

کوشش کنید آنچه شما را راضی میکند بدست آورید و گرنه زمانی خواهد رسید که ناچارید با آنچه بدست آورده اید راضی باشید . — برنارد شاو

کوتاهترین لذتها شیرین ترین لذتها هستند . — فرقهار

کسیکه بلند میخندد حماقت خود را نشان میدهد . — مثل ایرانی

گریه کردن هم دل خوش میخواهد . — مثل فارسی

لبخند زدن تو بروی برادرانت برای تو صدقه است . — حضرت محمد(ص)

لبخند خورشید روح هر انسان است بدون آن نه چیزی زنده میماند و نه چیزی میتواند بروید . — ؟

لبخند و شادی زمانی سزاست که گره از کار فرو بسته مستمندی بگشائی . غ - ذ

مردمان دل زنده و با نشاط هر سختی و دشواری را از پیش رانده و یک تنه گره گشای هر مشکلند . اخلاق روحی

مردیکه در نبرد زندگی میخندد قابل ستایش است . برنارد شاو

مؤمن مزاح کننده و خوش حالت است . حضرت محمد

من هر روز صبح خوشحال پای به دنیا میگذارم . ؟

من از مردیکه از شوق سراز پا نمی شناسد خوشم میآید بهتر است انسان مانند چشمه آب گرم باشد تا اینکه مانند مرداب راکد

بی حرکت بماند . جان - ج - شه

من از فردای خود نمیترسم ، دیروز سپری شده ، امروز را هم دوست دارم . ویلیام الن هوایت

مردیکه تبسم کردن نمیتواند نباید وارد هیچ دکانی شود . مثل چینی

ناداری بلاست از آن بدتر بیماری واز بیماری تن دشوارتر بیماری دل . حضرت محمد

نشاط نیکبختی افراد انسان در سر دار دیگران متصل بوجود خود آنها و سر دیگران متصل به اجتماع است . دکتر شفق

نشاط و شادمانی در اینست که طبیعت رایگان برای ما او در اختیار مان گذارده است . ؟

نعمت های خود را بشمار محبه و مشتهارا . دیل کارنگی

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد ، همینقدر باید سرخوش بود . چخوف

وقتی مریضی به یکی از اطبا مراجعه کرد طبیب پس از معاینه کامل بوی گفت معالجه تو فقط خنده و خوشحالی است. — ویلیام اشتین

هر روز خود را تازه کن باز هم دو باره خود را تازه کن همیشه خود را نو و تازه نگاه بدار. — کنفوسیوس

هر کس عادت داشته باشد به جنبه خوب وقایع و حوادث نگاه کند این عادت او از سالی هزار لیره عایدی بهتر و گرانبهاتر است. — دکر جانسن

هر قدر میتوانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده به مغز راه نده چون سلامتیت تباه میشود. — دیکنز

هرگز اشکی را که از شادی میریزد پاک مکن. — سنگ

همه جا شادمانی قشر نازکی است که روی رنج و بیچارگی کشیده اند. — ویکتور هوگو

هیچ حسب و نسبی چون خوی خوش نیست. — حضرت محمد

هیچ چیز در دنیا بد یا خوب نیست قوه اندیشه ماست که بدی و خوبی، سعادت و شقاوت میآفریند. — شیللر

هر چه انسان تهی مغزتر باشد خوشحالتر خواهد بود. — مثل چینی

هر وقت که شادی تو ناراحتی دیگران را بوجود آورد منتظر انتقام باش. — مثل فرانسوی

یک خنده بهتر از هزار ناله است. — ابو العلا

یکی از حالات بد در انسان این است که بخطاهای دوستانش که مایه آزار او میشود بیش از آن توجه داشته باشد که بکمالات ایشان که سبب خوشحالی او را فراهم میآورد. — کرویل

یکساعت که آفتاب بتابد خاطره یک هفته بارندگی پیگیر را از خاطر میرود. — آبد بدریو

بکوشید تا رنجها کم کنید — دل غمگنان شاد و خرم کنید

چو روزی به شادی همی بگذرد — خردمند مردم چرا غم خورد؟

فردوسی

تا کی دلت از چرخ حزین خواهد بود — با محنت و درد همنشین خواهد بود

خوش باش که روزگار پیش از من و تو — تا بود چنین بود و چنین خواهد بود

هلالی جغتائی

چو شادی بکاهد بکاهد روان — خرد گردد اندر میان ناتوان

فردوسی

خود را شکفته دار به هر حالتی که هست — خمیازه صبوحی گل روزگار کن

صائب

همان بهتر که دایم شاد باشیم — ز هر درد و غمی آزاد باشیم

بخوشرویی و خوشخویی در ایام — همی رو تا شوی خوشدل در انجام

اگر خوشدل شوی در شادمانی — بمانی شادمان جاودانی

شجاعت

آنکس که دل با جرأت را راهنمای خود کرد در پیش او هر تاریکی روشن باشد . — سید رضی

آدم ترسو اگر مجبور به شجاعت شد تهور و دیوانگی میکند . — حجازی

اشخاص شجاع و با جرأت بیش از همه کس میتوانند جوانمردی و فتوت داشته و بلکه اصلاً طبیعت آنها اینطور سرشته شده است — اسمایلز

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی . — ولتر

اندیشیدن یعنی اینکه آدمی گاهی هم با شجاعت بگوید : نه . — ؟

انسان با استعانت قدرت و نفوذ تعقل و استدلال میتواند حتی بر وبا و طاعون غلبه کند . — ناپلئون

اولین شرط توفیق شهامت است و بی باکی . — ناپلئون

اگر کسی را تحقیر کردی معنایش اینست که خودت بی شخصیت هستی . — مثل هندی

باید که هیچکس جز از گناه خود نترسد . — حضرت امیر

برای یک قلب قوی و جسور همه چیز ممکن است . — ؟

برای شنا کردن بسمت مخالف جریان رودخانه قدرت و جرأت لازم است و الا آب ماهی مرده هم میتواند از طرف

جوهر شجاعت در این نیست که شما نترسید. بلکه در آن است که کسی نفهمد که ترسیده اید. — نسبون

چنانکه حکمت آغاز همه فضیلتهاست، شجاعت نیز درجهٔ کمال آنهاست زیرا که از حکمت آنچه را که باید کرد یاد میگیریم. بوسیلهٔ شهامت آنرا انجام میآوریم. — دموستن

چه هنرها و استعدادها که براثر احتیاج باندکی شجاعت بکلی از میان رفته است. هر روز صدها مردم گمنام براثر یأس و ناکامی در قعر گورهای سرد فرو میروند تنها برای اینکه حجب آنان مانع گردیده بود که نخستین همت را در راه نیل بمقصود بردارند. — همت

خون شهدای یک قرن چشمه ایست که نسل های قرون دیگر را سیراب میکند. — مثل آلمانی

دلیری جز به استقبال خطر رفتن نیست. — پی یروبر

دلاورترین مردم آنست که بر هوای نفس غالب آید. — حضرت محمد (ص)

دلیر حقیقی و دلاور واقعی کیست که در حال غضب خشم خود را فرو خورد و از آزار بیچارگان حتی گاه انتقام، خودداری ورزد. — حضرت محمد

دلیری و شجاعت مرد باندازهٔ همتش و غیرت بقدر حمیت و ناموس پرستیش میباشد. — حضرت امیر

دلیری و شجاعت را با دروغ نمیتوان برخود بست. دلیری صفتی است که مکر و فریب نمی پذیرد. — ناپلئون

دلیر کسی را گویند که همگی کار و کردار وی برخاسته از خرد و دانائی و برابر با عقل باشد. — ؟

شجاعت ملاح در موقع طوفان و شجاعت سرباز در میدان جنگ ظاهر میگردد. باطن و سیرت مردم را در حین بدبختی و مصیبت آنها میتوان شناخت. — دانیال پیغمبر

فاتح‌ترین اشخاص جسورترین اشخاصند. — محمد مسعود

قلب دلیر در سینه مرد باشرف گوهری است در صندوق مقفل. — ؟

قهرمان واقعی کسی است که سبب شادی دیگران میگردد. — مونترلان

کسیکه شجاعت ندارد دراو حقیقت نیز موجود نیست. — والتر اسکات

مرد بی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراض کند خاموش بنشیند. — ابراهام لینکلن

مرد قوی دل، آتیه را حقیر میشمارد. — ناپلئون

مردان متهور و شجاع، بیشتر از تنهائی و انزوای اجباری که دچار آن شده‌اند استفاده کرده و آنرا مصرف ایجاد آثار و تألیفات بزرگ و گرانبها رسانده‌اند، در گوشه انزوا و عزلت عشق و تمایل انسانی به تکمیل نفس شدت میابد و در حین تنهائی و گوشه‌گیری روح چنان بخود مشغول میشود و به تکمیل و توسعه خویش میپردازد که قوای آن غالباً بسرحد کمال میرسد و مستعد ایجاد انواع شگفتیها و شاهکارها میگردد. — اسمایلز

معنی حقیقی شجاعت، حریت. قوت قلب است در مخاطرات نباید اضطراب و هیجان به شجاع دست دهد و همچنین از جوش و هیجان سینه برکنار باشد و هرچه قوت روح و لطافت قلب زیادت شود بر شجاعت میافزاید. — سردار اسعد

مردان شجاع و بی پروا بر جهان آقائی میکنند. — مثل ایتالیائی

نامداران جهان، دلیرترین افراداند. — سترن

دلیری ز هشیار بودن بود / دلاور سزای ستودن بود

آدمی را قوت دست از دل است / هر که او را دل قوی بازو قوی

*

در نام جستن دلیری بود / زمانه ز بد دل بسیری بود

هر آنکس که در بیم و اندوه زیست / بدان زندگانی بباید گریست

فردوسی

با آنکه ترا گرم کند سرد مباش / با آنکه شفا دهد ترا درد مباش

چیزی بجهان به از جوانمردی نیست / رسوای زمانه باش و نامرد مباش

ابراهیم صهبا

بکارهای گران مرد کاردیده فرست / که شیر شرزه درآرد بزیر خم کمند

یک شاعر حساس از دیدن زشتی های حیات از دیدن آلام و بدبختی های بشری رنج میبرد و این رنجی است که

یک نفر کاسب . یک شخص عادی از درک و تحمل آن مصون است ولی در عوض شخص عادی از درک زیبائی های حیات هم

عاجز است در صورتیکه شخص اول از جمال طبیعت از تارهای طلائی آفتاب هنگام صبح و از نور سفید و رنگ پریده ماه

هنگام شب لذت برده و محظوظ میشود .

محمد مسعود

اگر شعر را بنگاه فهم از ذرات آن اضطراب روح و هیجان خاطر . اشک چشم و خون دل بدست نیاید زیرا شعر سخن دل است

باید دل آنرا بگوید و دل آنرا بفهمد و کسیکه گفته خود را نمیتواند از این مواد حساس ظریف ترکیب کند شاعر نیست .

نظام وفا

اندیشه های شاعرانه تنها خواب و خیال نیست بلکه نتیجه مطالعه تجربه ، حافظه و شناخت جهان است .

هگل

این جهان برای تماشا کردن دلنشین است اما جهان شاعر دلنشین تر و جاذب تر است .

گوته

برخی از بیانها سحر آسا و قسمتی از اشعار حکمت است .

حضرت محمد (ص)

بر بال شعر با خاطری مطمئن میتوان سوار شد و بافق خیال پرواز کرد چون شعر مانند موسیقی بیم پرت شدن

و سقوط ندارد .

لرد آویبوری

تنها شاعران میتوانند در زندگی یک عصر وحدتی ایجاد کنند . اهل علم برای اینکار ناتوانند باین علت که آنها فقط

سطح زندگانی را تا آنجا که فکر میتواند دریابد مطالعه میکنند و ایشان را باعماق زندگی و بر بسته درونی آن راه نیست . الدوس هکسلی

جهان هنر جهان دردها ، یادها . ناکامیها و امیدواریهاست هر رنجی زخمی است که تارهای دل شاعر را بلرزه و ناله

شعرای نغز گفتار از دلیران و قهرمانان در عالم جاودانی ترند و بیش از آنها رایحه خلود ابدیت را استشمام کرده اند . هازیت

شعر روحهای خفته را بیدار میکند و فکر را برای درک حقایق آماده میسازد . شلی

شعر خوب و حقیقی آن آن ملت های نوزاد است ملل دنیا وقتی دل زنده و شاد دارند شعر خوب میگویند . وقتی پیر شدند هم و غم زندگانی فرصت سرودن شعرهای حساس به آنها نمیدهد . ؟

در لحظات شور و سرور و در دقایق اضطراب و دلهره بسوی دیوانهای شعرا روی آورید . غ - ذ

شعرا قانونگزاران شناخته نشدهٔ دنیا هستند . شلی

شعر وقتیکه از آهنگها دور میگردد میخشکد . ازدا پاوند

شعر قسمتی از دانش بشری است . بیکن

شعر ظواهر اشیاء را با خواستهای روح منطبق میسازد مایهٔ گشایش خاطر و صفای ذهن میگردد . کانت

شعر از کستر پر هیجانی است که آواز طبیعت و بشر و حوادث را به هم آمیخته است هوگو

طبیعتی که شعر درباره اش سخن گوید . طبیعتی است که با عشق سوزان در آرزوی رسیدن بآن هستیم . بندتو

فرزندان خود را شعر بیاموزید : زیرا شعر ذهن آنها را باز میکند و بآنان شجاعت میبخشد . حضرت محمد (ص)

کسیکه معلومات جامع دربارهٔ ادبیات دارد و بر وفق قواعد فضیلت اخلاقی رفتار میکند میتواند بجائی برسد که از خطا و لغزش آزاد بماند . کنفوسیوس

فطرت شاعر سراسر جستجوست — خالق و پروردگار آرزوست

شعر را مقصود اگر آدمگری است — شاعری پس وارث پیغمبری است

اقبال لاهوری

زان بود کار شاعران بی نور — که ندارد چراغ کذب فروغ

راستی سخت زشت و بی‌معنی است — اجرتی خواستن بهای دروغ

ابن یمین

شعر دانی چیست مرواریدی از دریای عقل — هست شاعر آنکسی کاین طرفه مروارید سفت

صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر — ای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب — باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شنفت

ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت — وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

بهار

شعر ناگفتن به از شعری که باشد نادرست — بچه نازادن به از شش ماهه افکندن جنین

منوچهری

شکست ـ ناامیدی

آفتاب بزیر سقف نمی‌آید تو بر سر خود سقفی از نومیدی ایجاد مکن تا بتوانی از انوار آفتاب لذت بری . ؟

آنکه میخواهد زنده بماند باید با دشواریها درآویزد . دشواری برای زندگان مایهٔ نومیدی نیست ، نومید مردگانند . دکتر پرویز خانلری

اخلاق روزگار را شناختم مصیبت نقد است و خیرش وعده و نسیه . ابوالعلا

از پیروزی تا سقوط ، فقط یک گام فاصله است . ناپلئون

از ابتدای پیدایش جهان بزرگترین شرط بقا ، آمادگی برای دفاع بوده است . هر موجودی که مسلح نباشد محکوم به فناست . لکونت دونوئی

اسب تیزرو چه بسا که بسر درغلطد . حضرت امیر(ع)

اگر تاکنون چندین بار در کارتان شکست خورده اید نگوئید که شکست خوردم فقط بگوئید تنبلی کردم زیرا شخص اگر تنبل نباشد هیچگاه شکست نخواهد خورد . ؟

اگر در وجود خود جستجو کنیم می بینیم که هزار قدرت در اختیار داریم و نمیدانستیم . حجازی

اگر هر روز راه را عوض کنی هرگز به مقصد نخواهی رسید . بالانش

از آنچه باسانی بدست آمده بدنگاهداری میشود . مثل آلمانی

اگر بقدر دائره باشی امروز شکست میخوری . — مثل یونانی

بالاترین نومیدیها موقعی است که انسان بنا امیدی روزگار بگذراند . — حضرت امیر (ع)

بخاطر داشته باش که آنچه به وجود توقف ما نزوائی میکند ، چنانچه بخود آید شکست ناپذیر خواهد گشت . — مارک اورل

بزرگترین مشکلات در جائی نهفته است که ما هرگز انتظارش را نداریم . — گوته

بین پیروزی و شکست یکقدم بیشتر فاصله نیست و مردم از ترس شکست ، شکست میخورند . — ناپلئون

تأسف بر گذشته خوردن ناپسند است ، کسیکه نتواند خود را با زندگی حال منطبق سازد شکست خورده محسوب میشود . — آلفرد کاپر

دنیا محل مسابقهٔ بزرگی برای شرکت کنندگان میباشد هر کس سعی دارد که از راهی مطمئن و کوتاه به هدف برسد و شخصیتی بدست آورد بعضی ها که استقامت و پشتکار ندارند از قافله عقب افتاده و شکست میخورند و برای جبران عقب افتادگیها دست بکارهای مضحک میزنند . — غ - ذ

سوار لایق محکمتر از دیگران بزمین میخورد . — مثل ایرلندی

شکست خوردگان دیروز فاتحان امروز را بوجود آورده اند . — ریلبر سیرون

شکستهائی است که خیلی بیش از فتح ظفربخش است . — مونتن

شکست باید انرژی خفتهٔ ما را بیدار کند . — رومن رولان

شکستها پله های نردبان موفقیت است کسیکه از اولین شکست مأیوس شود لیاقت توفیق ندارد . — ؟

ضرر کم را بوسیده بچشم بگذاریم . — مثل فارسی

طناب در ضعیف ترین نقطه پاره میشود . — مثل آفریقائی

فقط کسانی شکست میخورند که تلاش و مبارزه نکرده اند . — تامربیلی الدریچ

فقط سقوط بزرگ است ... بقیه چیزی جز ضعف و کوچکی نیست . — وین . لی

کسیکه هرگز متوقع و امیدوار نیست هرگز روی نومیدی نخواهد دید . — برنارد شاو

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من . — مثل فارسی

مردم همه از آدم بدبخت میگریزند ولی من از یاس و ناامیدی که منشاء تمام بدبختی هاست فرار میکنم . — مونتسکیو

موفقیت بهترین مبلغ انسان است . — مثل انگلیسی

ناامیدی یعنی دوست نداشتن خود ، دیگر هیچ . — ژیلبر نوبرون

ناامیدی و یاس زیاد ترس و بیم را از بین میبرد . — ؟

نومیدی اشخاص شجاع را بحمله وامیدارد چنانکه گربهٔ مأیوس به سگ حمله میکند . — ؟

نیمهٔ اوّل عمر در انتظار نیمهٔ دوّم آن میگذرد و نیمهٔ دوم آن بحسرت نیمهٔ اول سپری میشود . — ؟

وقتی نومید میشوی ، همه چیز را از کف میدهی . — ؟

هر شکست لااقل این فایده را دارد که انسان یکی از راههائی را که به شکست منتهی میشود ، میشناسد . — لاوودنس

هر پیروزی، پیروزی نیست و هر شکست، شکست نه.

ناپلئون

هرگز نومید نشوید، هرگاه هم شدید، بدانید که در نومیدی بسی امید است.

بایزید بسطامی

هرکس به دنبال محال برود از ممکن هم محروم خواهد شد.

دکتر خلیل خان ثقفی

هیچ گاه تسلیم ناامیدی نشوید.

دتشیله

روزی اگر غمی رسدت تنگدل مباش — رو شکر کن مبادا که از بد بتر شود

ای دل صبور باش و مخور غم که عاقبت — این شام صبح گردد و این شب سحر شود

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند — بر اثر صبر نوبت ظفر آید

نه هر درخت تحمل کند جفای خزان — غلام همت سروم که این قدم دارد

حافظ شیرازی

آنچه بر من کار را سخت میدارد مدام — بی‌ثباتیهای صبر سست بنیاد من است

نظامی

پافشاری و استقامت میخ — سزد ار عبرت بشر گردد

بر سرش هر چه بیشتر کوبی — پافشاریش بیشتر گردد

بهار

چو دانا نماید به کاری درنگ — به پیروزی آرد جهان را به چنگ

همه کارها در فروبستگی — گشاید و لیکن به آهستگی

فردوسی

زیر شمشیر حوادث مژه بر هم نزنیم — برخ سیلی‌کشاهراست در خانه ما

صائب

شهرت

اگر به شهرت خود علاقمندی با مصاحبان خوب بیامیز چه تنهائی بهتر از مصاحبت با بدان است. — جرج واشنگتن

این شغل نیست که باعث افتخار میگردد، بلکه شخص است که با شخصیت خود بشغل خویش ارزش بیشتری میدهد. — ماکیاول

اگر بحسن شهرت خود علاقه نداشته باشی میتوانی بهر عملی که دلت بخواهد دست بزنی. — مثل چینی

بجرأت میتوان ادعا کرد که زندگانی حقیقی عده‌ای از مشاهیر رجال بعد از مرگشان شروع شده است. — اسمایلز

بخت دو فرزند دارد یکی اعتماد و دیگری شهرت وقتی این مولود بوجود آمد بخت سزاوار احترام و ستایش میشود زیرا اعتماد نمایندهٔ آسایش شخص خوشبخت است و شهرت مظهر توجه دیگران باو. — بایگون

به کار و پیشه‌ای بپرداز که نامت، سبک و ننگین نشود. — بزرگمهر

جوانمرد برای نام خود میمیرد و ناجوانمرد برای نان. — مثل ایرانی

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست. — شیللر

در دنیا کاری مشکلتر از ساختن و پرداختن یک نام پر افتخار نیست. — لا برویر

دهان خود را با احتیاط باز کن و ببند تا میزان ثروت و اعتبارت لااقل از طریق شهرت بیشتر شود. — تسیرمان

شرافت نام ما باید نگاه داشت امانتی است که به ما سپرده شده و آنرا باید با احترام بخشنده آن که پس میخواهد -

بدیگران ارزانی دارد بخوبی حفظ کنیم . شدلی

شهرت و افتخار تنها به کسانی داده میشود که خواهان آن بوده و در جستجویش باشند . آناتول فرانس

شهرتیکه از راه فریب دادن مردم و پنهان داشتن حقایق از انظار عامه و گفتن و نوشتن مطابق ذوق و سلیقه طبقات

پست و بدتر از همه بوسیله استفاده از مناقشات طبقاتی اجتماع بدست آید این شهرت در نظر هر شخص صالح و با وجدان

پست و منفور است و صاحب آن دارای ارج و مقامی نیست . اسمایلز

شهرت نیرومندترین اهنرهای این جهان است . خانم دوزولت

شهرت کاذب مثل اسفنج است با آب غرور پر میشود و با حرارت آزمایش خشک میگردد . کارفیلد

شهرت یک سوگواری با شکوه برای سعادت است . ابوالعلا

شهرت و احترام را از خشونت و قساوت نباید بدست آورد . مهاویرا

شهرت آن چیزی است که تا کسی آنرا بدست نیاورده بدنبالش میرود اما وقتی که آنرا یافت با استعمال عینک دودی

سعی میکند از آن دوری نماید . ؟

کسیکه یقین دارد اثری که بوجود آورده ماندنی و جاودانیست احتیاطی به تقریظ ندارد و ما فوق افتخار و شهرت است

زیرا سرور و نشاطی که او حس میکند بالاتر از تمام لذات و دارای جنبه الهی است . برکسون

عشق به شهرت و افتخارات از هوسهائی است که عرفا بآن اعتنا ندارند . ناسیست

نام شخص ردائی نیست که تنها بر گرد او پیچیده شده باشد و کسی تواند آنرا بآسانی از او برباید بلکه لباس کاملاً پیوسته به اندام اوست که همچون پوست بتن او بالیده و ریشه کرده است و کسی نمیتواند بدون صدمه زدن به او آنرا از تن وی بیرون آورد . گوته

وقتی شهرت بدست آوردی دوستان بدون دعوت بدورت جمع میشوند . اگر شهرت را برای انبوه دوستان بی وفا طلب کردی چه بهتر تا پشیمان نشده در گمنامی بسر بری . غ - ذ

نیک نامی از کمربند زرین بهتر است . مثل فرانسوی

هر کس نگهبان شرافت خویش است . مثل فرانسوی

دلا تا بزرگی نیاری به دست
بجای بزرگان نشاید نشست

جامی

فاضلی در نهایت معنی
داشت با خواجه زاده‌ای دعوی

گفت این علم بهتر است و ادب
گفت آن اصل بهتر است و نسب

ماجراشان بدان کشید از قهر
که مسافر شوند هر دو ز شهر

تا از آن راهشان چه پیش آید
که نکوتر به شهر خویش آید؟

عالم پس چند روز پس از یک ماه
به یکی مملکت رسید از راه

رفت در شهر علم خویش نمود
کس بعلمش در آن دیار نبود

تا بر آن عاشقی برآمد نام
کارش از میر و پادشه بسلام

بود روزی میان شهر سوار
در رکابش پیاده‌ای دیدار

دید کو اصیلی بدعویان
از غریبی و بیکسی گریان

فاضلش خوان و جامه داد و درم
گفتش از روی مردمی و کرم

فضل باید برای آوازه
اصل باید برون ز دروازه

فخر مردم بدانش اولیتر
که بود مفتخر باصل و به زر کمی

ظلم ـ ستم ـ اندوه

آخرین درجه فساد بکار بردن قوانین برای ظلم است . ولتر

آدم تبهکار میمیرد ولی شرش بعد از او میماند . شکسپیر

آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد و هیچکس بدون احساس این معلم قادر بشناسائی خود نیست . آلفرد دوموسه

آنکه بفکر فردا نیست ، بغم فردا گرفتار خواهد شد . از منتخبات کنفوسیوس

آهن در آتش استحکام و قدرت مییابد و پولاد میگردد . بشر نیز در درد و رنج نیروی اخلاقی خود را بدست میآورد . هنری کیناس

اذیت کشیدن بهتر از اذیت رسانیدن است اذیتی که از دیگران بما میرسد هر قدر هم سخت باشد زود میگذرد ولی وقتی دیگران را اذیت کنیم ، آنها نیز در صدد تلافی برآمده مدتهای دراز زندگانی ما را دچار اضطراب و پریشانی میکنند . لرد اویبوری

از نفس بد جز فعل بد نیاید و از طینت ناپاک جز فساد و بی باکی نزاید . ؟

از همه اندوهگین تر شخصی است که از همه بیشتر میخندد . ژان پل سارتر

اشخاص شریف و درد کشیده ای وجود دارند که با حداقل مهربانی قادرند رنج و درد خود را با شکیبائی تحمل کنند . بودلر

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهواره رنج پرورش یافته آنها میتوانند در برابر طوفانهای مصائب مقاومت نمایند

ولی کسانیکه در مهد عزت و نعمت پرورش یافته اند با یک نسیم سرد پژمرده میشوند و با یک باد شدید از جای کنده میگردند. ؟

اگر دلت پر از غم است در حضور مهمان گشاده رو باش و با دل خونین لب خندان بیاور. ؟

اگر ما دیگران را در مشقتها و گرفتاریها دلداری دهیم خود نیز تسکین مییابیم. ابراهام لینکلن

اگر در این جهان از دست و زبان مردم آسوده باشیم برگ اشجار و زمزمهٔ آبشار و جریان جویبار هریک بزبانی دیگر

با ما سخن خواهند گفت. شکسپیر

اندوه، مرگ روح است و شادی زندگی آن. ونیه

انسان نمیتواند بدون رنج و عذاب خود را بسازد. زیرا او هم سنگ است و هم سنگتراش. الکسیس کارل

اندوه نخست مغز را از بین میبرد و پس جسم را. مثل هندی

این واقعیتی است که روح ترجیح میدهد بسوی بیماران رود و همچنان فرود آید. نیچه

اینکه می بینیم بدبختی و فلاکت دنیا را گرفته و نظام آن از هم گسیخته و جمال آن لکه دار شده بواسطهٔ معاصی و رذائل ماست

ظلم و تهمت و حسد، عیاشی و طمع و حرص و شهوت مانند خارهای جانگزا دنیا را پر کرده و موجب فلاکت و نکبت و شکایت

و جنگ و جدال گردیده است. لرد آویبوری

اشکی که در نتیجهٔ غم ریخته شود پاکترین آبهاست. مثل عربی

اشکهای کسانیکه گریان به نزدت میآیند با نوازش پاک کن . ؟

اشک و عرق و خون هرگز بی نتیجه نمی ماند . مثل انگلیسی

بدترین مردم کسی است که مردم او را اکرام کنند برای محافظت از شر او . حضرت محمد

باران هم روی ظالم میبارد و هم مظلوم ولی بیشتر روی مظلوم میبارد زیرا ظالم چتر مظلوم را ربوده است . کونیتو فربن

با دردمندان نباید هم داستان شد بلکه باید آنان را دلداری داد و از تزلزل و انحطاط روح آنان که مستغرق دریای اندوه و رنجند جلوگیری نمود . مترلینگ

بدترین افراد کسی است که دائم سعی میکند وسائل خجلت و شرمساری دیگران را فراهم سازد . ؟

بدخواه اندوهش از همه افزونتر است . ذوالنون

بدترین غمها شک و تردید است . الکساندر دوما

برای فریب دادن چشم دیگران خود را دچار رنج و محنت مکن . فرانکلن

بسیاری از آنهائی که به ظاهر خوشبختند در پنهانی رنج میبرند . ماسیلون

بهترین گوهری که به سر انگشت لرزان باید فرو گرفت اشک یتیم است . محمد حجازی

بیشتر مردم «عدالت» را از آن جهت دوست دارند که میترسند روزی به آنها ظلم شود . لاروشفوکو

پیش آمدهای بد از سبب های بد حاصل میشود و آنچه مایه رنج ماست عموماً نتیجه کاری است که خودمان کرده ایم . ادیسون طالبی

تا موقعی که در این دنیا هستید از مواهب و برکات آن استفاده کنید دنیا برای همین خلق شده در مقابل رنج ها و سختی ها دلگیر و افسرده نشوید خود را بالاتر از آن بدانید که رنج و سختی بتواند به شما دسترسی پیدا کند کسانی که قدر و منزلت زندگی را نمیدانند سزاوار زندگی نیستند و حق ندارند خوشبخت باشند. — لرد آویبوری

تنها یک گرگ کافی است که هزار بره را زخمی و پاره نماید پس باید بره ها را گرگ شناس کرد. — ؟

چیست که باعث رشد و توسعه عمیق ترین افکار نوع بشری میگردد؟ علم و دانش نیست، لیاقت و کاردانی نیست هیجان عواطف و احساسات نیست فقط رنج و محنت است که میتواند اعماق فکر انسان را بشکافد و شاید بهمین جهت است که این همه رنج و اندوه در این دنیا فراوان میباشد. — هیز

حسن خلق آن است که خلق را از نجانی و رنج خلق بکشی، بی کینه و مکافات. — تذکرة الاولیاء

خاطرهٔ یک خوشبختی هرگز خوشبختی نخواهد بود اما خاطرهٔ درد و رنج همیشه درد و رنج است. — لرد بایرون

خونی بدتر از ستم بر مردم نمی شناسم. — حضرت امیر (ع)

خون ناحق نمیخسبد. — مثل فارسی

در حقیقت هیچ چیز باندازه رنج و بدبختی روح انسان را بزرگ نمیکند. — لرد آویبوری

در نمایشگاه قیصر روم ده هزار گلادیاتور بودند در این نمایش سولا، صد شیر و قیصر چهارصد و پمپی ششصد شیر در نمایش بجان آدمیان بنام بردگان و گلادیاتورها انداختند که عدهٔ زیادی جان خود را از دست دادند تا تماشاگران لذت ببرند. — جلد ۷ تاریخ تمدن ص ۲۶۵

در نظر داشته باش که زندگی فناپذیر، همچون بادی است آهی است و ناله‌ای و هق هقی و تلاشی . ادوین آرنولد

دشواریها و مصائب معلمی است سختگیر، ولی میوه‌های شیرینی دارد . ؟

دنیای وحشتناکی است، چیزی جز رنج و فلاکت در آن نمیتوان یافت . بودا

دوستی که به تنهائی رنج میبرد به دیگری ناسزا میگوید . ژان دودنو

دیدن لبخند آنهائی که رنج میکشند از دیدن اشک آنها دردناکتر است . مادام دولیو

رادمردان در مقابل ظلم و ستم خاموش نمی‌نشینند و سیرت نابکاران را هم با دست و هم زبان مخالفت کنند . حضرت امیر(ع)

راضی هستم که مرا با زنجیر آهنین سخت ببندند در میان کوه و دشت بر سنگ و خاشاک بکشانند ولی هرگز راضی نیستم که دلی از کردار من آزرده و خاطری پریشان گردد . حضرت امیر(ع)

راحت دنیا چون روشنائی برق بی ثبات است و نعمتش چون باریکی ابر بی‌بقا نه به فوائدش الفت باید گرفت و نه از شدائدش اندوه باید کشید . سید معصوم علی

رستگار کسی است که چنگالش بخون مظلوم و زبانش بمال و آبروی مردم آلوده نباشد . حضرت امیر(ع)

رقت بر سه کس واجب است ۱- عاقلی که حکم جاهلی بر او روان باشد ۲- قوی‌ای که گرفتار ضعیفی گردد ۳- کریمی که محتاج لئیمی باشد . افلاطون

رنجی که واقعاً شجاعانه تحمل شود حتی دل سنگ را از هم میبازد . گاندی

رنج بردن بیشتر از مردن جرات و جسارت میخواهد . ناپلئون

رنج اقلیمی است که روح بشر در آن تنفس میکند . — کی یرکگور

رنج و درد و زحمت و مصیبت از بزرگترین معلمان و مربیان بشرند و من گاهی فکر میکنم که اگر سختی و محنت آفریده نشده بود نوع بشر چگونه میتوانست مدارج ترقی را بپیماید و در شاهراه تکامل قدمی جلوتر برود . — کاظم زاده ایرانشهر

زمانی که مرا میآزارند، سعی میکنم روح خود را بقدری بالا ببرم که آن اذیت و آزار بمن نرسد . — دکارت

زندگانی سراپا غم و اندوه است و در جام دنیا یک قطره شیرین وجود ندارد چنانکه میگوید تولد غم انگیز، بزرگ شدن غم انگیز، مریض بودن غم انگیز، معاشرت با بیگانگان غم انگیز و فراق دوستان غم انگیز است بطور کلی تمام روابط ما با موجودات این دنیا غم انگیز و ملال آور است . — بودا

زیانکارترین شما ستمکارترین شماست . — حضرت امیر(ع)

ستودن ستمکاران مروت را خراب میکند . — بوعلی سینا

ستمکارترین مردم کسی است که ستم را پایه گذاری کند و طومار عدل را در هم بپیچد . — حضرت امیر(ع)

ستمکارترین مردم کسی است که ستم خود را عدل تصور کند . — حضرت امیر(ع)

ستم آفت زندگانی است . مردمی که ستمکش باشند ستمگران میان ایشان کم نخواهند شد . — ؟

ستم مانند سایر رذائل احتیاج به انگیزه ای در خارج از خود ندارد بلکه فقط نیاز به فرصت بروز دارد . — ژرژ الیوت

سختی و مشقت استادی است که بزرگترین رجال عالم کمر شاگردی و خدمت او را بسته اند . — اسمایلز

سوز دل مسکینان آسان نگیرد که چراغی شهری را بسوزاند . سعدی

شب هر قدر سیاه و ظلمانی باشد اگر تحمل داشته باشید روز روشن بدنبال آن فرا میرسد . کوبر

شریف ترین دلها دلی است که اندیشهٔ آزار کسان در آن نباشد . زردشت

شوخی نابگاه همیشه به غم و اندوه مبدل میشود . سروانتس

ظلم به حیوانات زبان بسته یکی از علائم بازپستی و دنائت است . هر کجا یک چنین ظلمی بچشم بخورد بدانید که آنجا بطور مسلم جهالت و پستی حکمفرمائی میکند . جونز فیلیز

ظالمی نیست که به ظالمی دیگر گرفتار نشود . ؟

ظلم امروز باعث ظلم فرداست . ؟

ظلم ظالم بنیاد خود میکند . ؟

علامت خوشی رنج خود از خلق برداشتن و رنج خلق کشیدن است . شاه شجاع کرمانی

غافل مشو از هر که دلش آزردی . ؟

غالب رنجها و محنت ها نشانه ای است که ما را از خطرات زندگی آگاهی میدهد اگر رنج و محنت نبود هر روز هزار بار با خطر مرگ روبرو میشدیم . لرد آویبوری

فرصت بد کردن در هر روز صدها بار بدست میآید و فرصت خوبی کردن در هر سال یکبار . ولتر

حق نداریم فشار و ناراحتی های زندگی خود را در افکار و وجود دیگران یا خانواده خود انتقال دهیم . غ - ذ

فقط آنها که رنج میبرند میتوانند عشق بورزند، و فقط آنها که عشق میورزند میتوانند زنده بمانند . ویتودبوزدسیکا

فواره چون بلند شود سرنگون شود . ؟

قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید . سعدی

کسی که به فکر انتقام باشد همیشه زخم های خود را تازه میکند . باکون

کسی که بر اسب ستم سوار شود مرکبش او را بزمین میافکند . حضرت امیر(ع)

کسی که به دیگری اهانت میکند باطن خود را نشان میدهد . مثل آفریقائی

کسی که نفس میکشد باید رنج ببرد و کسی که فکر میکند باید اندوه بخورد خوشبخت فقط کسی است که بدنیا نیامده است . پویر

گاه و بیگاه به آن لحظه‌ای بیندیشید که لذت ها به سر رسند و ذلتها فرا آیند . ؟

گاهی یک نگاه یک قطره اشک یک آه سرد مطلبی را بیان میکند که در چند کتاب نمیتوان از عهده آن برآمد . سعید نفیسی

گاهی ترحم ظلم است و ظلم ترحم . مثل ایتالیائی

گریه مرد نشانه ضعف و گریه زن نشانه مکر است . مثل ایتالیائی

گریه عقده دل را میگشاید . مثل ترکی

مرد آزاده از هر گونه اندوه و سوگواری و ترس آزاد است. بی اندوه و ترس زیستن نشان طینت و سرشت مرد آزاده است . کنفوسیوس

ما هنوز در زمان ماقبل تاریخ به سر میبریم. زیرا تاریخ بشریت آن روز آغاز میشود که بشر از همهٔ رنجها و گرفتاریها نجات یابد. فحی الرحی

مشکلات برای تهییج روح است نه فتور آن. روح انسانی باید برای مبارزه نیرومند شود. — شانینگ

مصیبت و محنت فکر را قوی و دوستان را با انسان مینمایاند. — حضرت امیر(ع)

مصائب خودتان را مانند لباسهای خودتان با کمال بی اعتنائی تحمل کنید. — شکسپیر

مصیبت سنگ محک حقیقی آدمیزاد است. — ؟

مصائب و نوائب حتی در تیره ترین شبها راه خود را پیدا میکند. — ؟

مگذار خنده تو باعث گریهٔ دیگری شود. — ؟

من عظمت رنجهای بشر را دوست میدارم و باین دلیل است که هرگز فریاد عاشقانهٔ مرا نخواهید شنید. — الفرد دو ویتی

منشأ غمهای گران را بیشتر در وجود خود جستجو کنید تا در وجود دیگران. — پل بوژه

من از این اندوهگین نمیشوم که مردم مرا چنانکه هستم نمی شناسند. بلکه از آن غمگینم که من مردم را چنانکه باید و شاید نمیشناسم. — کنفوسیوس

مؤمن کسی است که مردم از او امان داشته باشند بر جانها و دارائی خودشان. — حضرت محمد(ص)

مادام که هنوز میتوانی عشق بورزی، مگذار هیچ چیز دیگر ترا اندوهگین سازد. — مثل مجارستانی

موقعیکه تولد یافتم گریستم و هر روز نشان میدهد که چرا گریستم. — مثل اسپانیولی

وقتی ناراحتی بزرگی پیش آید، رنج و غمهای پیش از یاد میرود. — شکسپیر

وقتی میتوانی بخندانی مگریان . وهنگامیکه قادری مهربورزی قهر پیشه مساز . ؟

وقتی بدی میکنی زود از یاد میبری اما کسیکه باو بدی کرده ای هیچگاه فراموش نخواهد کرد . مثل افریقائی

وقتی متاثری در خواب است او را بیدار مکن . مثل انگلیسی

وقتی دهکده ای میسوزد ، همه دودش را می بینند اما وقتی قلبی میسوزد کسی شعله آتش را نمی بیند . مثل آفریقائی

هرکه دنیا را بشناسد نه بموفقیت و رفاه خرسند گردد و نه از بلا و گرفتاری غمگین شود . حضرت امیر (ع)

هر قدر تفنن بشر وسعت یافته بر درد و رنج او افزوده شده است آناتول فرانس

هر قدر علل و موجبات اندوه آدمی کم باشد نیک بخت تر است و هرچه میزان خواسته ها و تمایلات کمتر باشد ، زندگانیش

آرامتر و به سعادت نزدیکتر خواهد بود . گوته

هرکه زندگانی و عمر دراز خواهد ، باید برای تحمل شدائد آماده باشد ، چراکه با اینکه تمام قوای او ضعیف میشود . محنت و

اندوه و مصائب او زیادتر میشود . بطلمیوس

هرگونه مخلوق در این جهان لابد پله و جائی لازم دارد تا بر آن گام نهاده بالا رود و این پله همان درد و الم است . آناتول فرانس

هرکس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر میتواند کار کند . میلتون

هرگناه افزونتر شود قبح آن در نظر گناهکار کمتر آید . شیللر

هر اندازه گناه بزرگ کهنه شود و بحال اختفا باقی بماند باز چون مرگ یا خطر یا فرصت کشف آن برسد بصورت موحش

زهر خود را بر جان آدمی میریزد . شکسپیر

همانطور که شهابها غالباً در موقع کسوف نمایان میگردند همچنان نیز سیرت و اخلاق حقیقی قهرمانان در حین مصیبت و بدبختی ناگهانی آنها به عرصه ظهور میرسد . اسمایلز

همچنان که بعضی از نباتات را باید سائید تا بوی خوش آنها استشمام شود همانطور برخی از طبایع باید گرفتار مشقت و سختی گردند تا ملکات و فضائل ذاتی ایشان ظاهر و متجلّی شود . اسمایلز

هنگامیکه قادر نیستیم حوادث را از بین ببریم آنها را به حال خود میگذاریم تا بخودی خود حل شوند . ؟

هیچ کس بدبخت تر از کسی نیست که هرگز به بلا و مصیبتی گرفتار نشده باشد . جرمی تیلور

هیچ چیز بدتر از این نیست که مردمی هرگز در زندگیشان رنجی نبرده باشند . ژوزف دومتر

همیشه یک قطره خون که بزمین میریزد، قطرات بیشتری به طرف خود میکشد . مثل یونانی

هیچ چیز از اشک زودتر خشک نمیشود . مثل ایرانی

هیچ غمی نیست که اشک از دیده جاری نکند مگر آنکه آن غم حقیقی نباشد . مثل اسپانیائی

بنای عمر ظالم از نهاد خود خلل دارد — که آهن در گداز از خویش آتش در بغل دارد

صائب

چنین است رسم سرای جهان — همی راز خویش از تو دارد نهان

نسازد تو ناچار با او بساز — که روزی نشیب است و روزی فراز

فردوسی

خبر داری از خسروان عجم — که کردند بر زیردستان ستم

نه آن شوکت و پادشاهی بماند — نه آن ظلم بر روستائی بماند

جهان ای پسر ملک جاوید نیست — ز دنیا وفاداری امید نیست

سعدی

سنگین نمیشد اینهمه خواب ستمگران — میشد گر از شکستن دلها صدا بلند

صائب تبریزی

ستمگر چو برف و ستمکش چو کوه — بسی رفت برف و بجا ماند کوه

فرخی

ظالمی را خفته دیدم نیم روز گفتم این فتنه است خوابش برده به

آنکه خوابش بهتر از بیداری است آنچنان بد زندگانی مرده به

سعدی

مباش در پی آزار و هرچه خواهی باش که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

حافظ

هرگز غبار خاطر موری نبوده‌ام این سلطنت به ملک سلیمان برابر است

اهلی شیرازی

اظهار عجز نزد ستمگر ز ابلهیست اشک کباب موجب طغیان آتش است

صائب تبریزی

عدل

اگر عدالت محو شود دیگر زندگی مردم بر روی زمین ارزشی نمیارزد. — امانوئل کانت

اگر دارای قلب مهربان نباشیم هرگز نمیتوانیم عادل باشیم. — دوفارکد

انسان از اعمال عادل شمرده میشود نه از ایمان تنها. — حضرت عیسیٰ

انصاف و عدل راهنمای سعادت و راهبر رستگاری است کسیکه به عدل و انصاف گرایش نمود، هیچگاه گرفتار کینه ورزی و زیان بمردم نمیگردد. — ؟

انسان اگر بخواهد واجبات خود را بشمارد پیش از همه باید عدل را تعیین نماید. — پول دومیو

بالاترین جهادها سخن عدلست که در نزد پیشوای ستمکار گفته شود. — حضرت محمد

با نیکان بدی نکن چه آنان را از نیکی باز میداری. — حضرت امیر

برای اجرای عدالت اگر فحش و صدمه خوردید بخاطر خدا نرنجید، بخندید و شاد باشید. — دکتر ماردن

بزرگترین درد اجتماع بشریت بی عدالتی است. — از کتاب سردار جنگل

بهترین دستوریکه حاوی معنای عدالت باشد همان مثل قدیم فارسی است، چیزیکه برای خود نمی پسندی بدیگران مپسند. — ؟

بی عدالتی تواناترین افراد روی زمین را بسوی تباهی میکشاند .
سالیسبوری

بکن هر آنچه بشاید نه هرچه بتوانی .
مثل ایرانی

در مخاصمه صفت عدل پیشه خود کن .
؟

در فضائل هیچ فضیلتی کاملتر از فضیلت عدالت نیست .
خواجه نصیر طوسی

در اجرای عدالت منتظر مکافات شدن منتهی درجه بی عدالتی است .
سیسرون

دو چیز است که ثواب آن دو را نتوان سنجید، یکی گذشت از گناه دیگری عدل و داد .
حضرت امیر(ع)

زرنگی آنست که شما یک کیک را طوری تقسیم کنید که همه فکر کنند بزرگترین تکه به آنها رسیده است .
پروفسور ادهارد

زکوة توانائی، دادگستری است .
حضرت امیر(ع)

عادلترین مردم کسی است که آنچه را بر خود نمی پسندد بر دیگران نپسندد .
حضرت محمد(ص)

عادل معمار وجود است و ظالم مخرب آن بلوغ معنوی وقتی است که ملکه عدالت در انسان راسخ باشد زیرا عدالت مقدم بر سایر فضائل است .
؟

عدالت از عسل شیرین تر و از روغن نرمتر و از مشک خوشبوتر است .
حضرت صادق(ع)

عدالت متساوی و عمومی، بهترین آرزوی هیئت اجتماعیه است .
گیزو

عدالت انتظار پاداش ندارد بلکه خود عمل دارای مسرت و بهجت است .
مترلینگ

عدالت حکم میکند که زندگی دیگران را مورد تعرض قرار ندهیم. — جان کایزل

عدالت را باید بجا آورد بدون آنکه منتظر مکافات شد. — سرنگت

عدالت بدون تعقل غیر ممکن است. — مثل آلمانی

فقط عدالت است که میتواند موجد خوشبختی شود. — افلاطون

قلب انسان طبیعتاً عادل است. — مثل چینی

کاملترین نوع بیعدالتی آنست که عادل بنظر برسیم در حالیکه عادل نیستیم. — افلاطون

کسیکه مغلوب هوی و مقهور خودپسندی نباشد روزی چند دفعه در کارهای خود ندای عدالت را میشنود. — ؟

کسیکه انصاف بکار بندد اگر بی سرمایه و بیچیز هم باشد همیشه محترم و معزز است. — ابن مقنع

لفظ عدالت از روی دلالت مبنی است از معنی مساوات. — خواجه نصیر طوسی

وقتی بخطای دیگری خرده میگیریم در دلمان فغان است که تو از این بدتر کرده‌ای. — حجازی

وقتی رشوه از در وارد میشود عدالت از پنجره فرار میکند. — مثل ترکی

به هر کار فرمان مکن جز به داد — که از داد باشد روان تو شاد

جز از داد و خوبی مکن در جهان — چه در آشکار و چه اندر نهان

فردوسی

گردن عقل از هنر آزاد نیست — هیچ هنر خوبتر از داد نیست

داد کن از همت مردم بترس — نیمشب از تیر تظلم بترس

دادگری شرط جهانداری است — شرط جهان بین که ستمکاری است

هر که در این خانه شبی داد کرد — خانهٔ فردای خود آباد کرد

نظامی

گفتم به رفیق نکته‌دانی — نیکوسیری و خوش‌زبانی

افسانهٔ عدل چیست کاین سان — پرکرده ز های و هو جهانی

بنمود تبسمی و گفت: — از نیست نزاده کس نشانی

حمید

عشق

آنجاکه ازدواجی بدون عشق صورت بگیرد حتماً عشقی بدون ازدواج در آن رخنه خواهد کرد. بنیامین فرانکلین

آه. ممکن است درحین ترک عالم، در چندین روح صلح و صفا کاشته در چندین روح فروغی گذارده و در چندین روح عشق را دمیده باشید. گواتری

اگر در دل شوق و عشق داری از زندگی خویش بهره بسیار بدست آری چه عشق همواره آدمی را بسوی کمال راهنماید. پوشه

اندیشه ها، رؤیاها، آهها، آرزوها و اشکها از ملازمان جدائی ناپذیر عشق میباشند. شکسپیر

با عشق زمان فراموش میشود و با زمان هم عشق فراموش میشود. اخوان صفا

پیوند عشق حقیقی حتی به مرگ گسیخته نمیشود چه رسد به دوری. ولتر

چه بسا دردهای درمان ناپذیر را که عشق درمان کرده است. فریدون سنجری

چون منصور حلاج را بردند تا بر دار کشند، یکی از یارانش گریان و مویان پرسید، عشق چیست؟ منصور لبخندی زد و گفت: امروز بین، فردا بین و باز پسین فردا بین. پس در آن روزش بکشتند و دیگر روز تنش بسوختند و روز سوم خاکسترش بر باد دادند. تذکرة الاولیاء

حقیقی‌ترین حقیقتها عشق است . — بارلبی

دنیا از عاشق خود فرار میکند . — مثل ایتالیائی

در عشق پیروز کسی است که پای به فرار می نهد . — ناپلئون

در یک عشق هزار مصیبت نهفته است . — مثل عربی

در عشق سکوت بهتر از نطق و بیان ادای مقصود میکند . — مثل ژاپونی

دنیا تأثر عشق است . — مثل عبری

شور عشق و عاشقی آفت آسایش و آرامش خیال است ولی اگر عشق در عالم نبود هنر و صنعت و زیبائی هم نبود عشق است
که بشر را از خاکسترنشینی رهائی بخشیده و زیبائی ابزندگانی ما راه داده . — آناتول فرانس

شجاعت مانند عشق از امید تغذیه میکند . — ناپلئون

طبیعت معشوق بی آزار و مهربان کسانی است که از معشوقان دیگر سر خورده اند . — حجازی

عشق راهنمای زندگی و تعیین کننده پیشرفت است . — غ - ذ

عشق وقتی بحرف عقل گوش میدهد که رفته باشد . — فرانسوازماگان

عشق بزرگ در پی نفر بزرگ بوجود میآید . — گرجستانی

عشق تنها مرضی است که بیمار از آن لذت میبرد . — افلاطون

عشق و بدبختی بهترین وسیلهٔ آزمایش زندگی زناشوئی است . — اسمایلز

عشق غالباً یکنوع عذاب است اما محروم بودن از آن مرگ است . — شکسپیر

عشق اصل همه چیز، دلیل همه چیز، خاتمه همه چیز است . — لاکوردر

عشق وقتیکه بمطلوب خود نرسد روح را تحریک میکند و بر میانگیزد . اگر «بئاتریس» زوجه دانته شده بود شاید دیگر اثر بزرگ شاعر، «کمدی الهی» بوجود نمی آمد . — دکتر کاول

عشق آتش است . اگر نباشد خانه سرد و تاریک است ! اما اگر بیجا افتاد خانه و خانمان را میسوزاند . — متن

عشق باید شادی بخش باشد نه رنج آور . — ناپلئون

عشق عطشی است که وقتی سیراب شد بر دلت میماند و باعث سوء هاضمه میشود . — اوریانا فالاچی

عشق آتش روانسوزی است که هر قدر شعله آن بیشتر شود زودتر خاموش میگردد . — ارسکارد

عشق مانند جنگ است که آغاز کردن آن آسان و پایان دادن آن دشوار است . — هـ. ل. مکن

عشق از بزرگترین و قویترین مردان دیوانگان و از دیوانگان عاقلان و راندیش بوجود میآورد . — گومستاو لوبون

عشق قویترین سپاه است زیرا در یک لحظه بر قلب و بر مغز و جسم حمله میکند . — ولتر

عشق حقیقی آتش مخربی است که شعلهٔ خود را بسایر احساسات نیز سرایت میدهد و آنها را با یک قوت جدید زنده میسازد و از اینجاست که گفته اند عشق قهرمانها خلق میکند . — روسو

عشق قانون ازلی و ابدی هستی است. وفا ناموس و قاعده قطعی عشقست. عشق یک هدف بزرگ دارد و آن وفاست. عشق حقیقی آنست که در خلال زناشوئی و پس از آن تا هنگامیکه زن و شوهر زنده هستند برقرار باشد با گذشت زمان بیشتر شود و کمتر نگردد

عشق خساراتی را جبران میکند که بدوستی ممکن نیست. — مونتس

عشق وسیله ایست که تمام دردسرهای کوچک را بیک دردسر بزرگ تبدیل میکند. — ولتر

عشق لذتی است که در نتیجه خوشبختی دیگری برای ما دست میدهد. — لایبنیتز

عشق وقتی که بسر وقت پیران میرسد آنها را جوان میکند. — برنارد شاو

عشق حواس را از دیدن عیوب منع میکند. — ارسطو

عشق بلائیست که همه خواستارش هستند. — افلاطون

عشق گوهری است گرانبها اگر با عفت توأم باشد. — تولستوی

عشق معمار عالم است. — هربه

عشق روح را توانا تر میسازد و انسان را از نه دل نگهمیدارد. — توماس مان

عشق قویترین نیروها را در روح انسان بیدار میکند. — سعید نفیسی

عشق ما هم آینده ای مانند آینده موج دریا خواهد داشت بالاخره محو و ناپدید و نیست و نابود خواهد شد. — جواد فاضل

عشق به فضیلت اخلاقی بدون عشق به آموختن آدمی را به سفاهت تنزل میدهد. عشق بدانائی بدون عشق به فرا گرفتن آدمی را

به سرگردانی میکشاند. عشق به درستکاری، بدون عشق به عمل کردن آن آدمی را بزیانکاری میکشاند. عشق براستگوئی

بدون فرا گرفتن آن آدمی را بخشونت میکشاند. عشق بدلیری بدون آموختن آن آدمی را به هرج و مرج میکشاند، عشق به

پایداری بدون عشق به فرا گرفتن آن مرد را به سرکشی میرساند. — کنفوسیوس

عشق انسان را عاقل و باتجربه میکند. — براونینگ

عشق عبارتست از عکس العمل تمایلات ما که دیگر متعلق بشخص خود و مالک نفس خود نباشیم. — تولستوی

عقل همیشه در دروازه های بزرگ شهر عشق ابروی ما گشوده در آستان آن شهر می نشیند و پاسبانی میکند واز ورود دزدان و

غارتگران که بدبیها و اهریمنان عالم هستی را اند دکارند جلوگیری مینماید. — متولینگ

عشق ترس را از بین میبرد. — مثل چکسلواکی

غرور آدمی فقط در برابر گرسنگی و عشق تسلیم اختیار میکند. — مثل دانمارکی

غیبت و دوری کم، عشق را استوار میکند و غیبت زیاد عشق را میکشد. — مرابو

کسیکه عاشق درم و دینار و یا عاشق مکنت و مال و یا دوستدار لذات و پیرو اهواء امیال نفس و یا عاشق شأن و شوکت

و جلال باشد نمیتواند دوستدار بشر نیز باشد. — اپیکتت

کسانیکه در عشق تظاهر میکنند زودتر از عشاق حقیقی بمقصد میرسند. — لانکلوس

کسیکه عشق میکارد اشک درو میکند. — پلین

کوچکترین شراره امید برای زاییدن عشق کافی است . — استاندال

کینه را کینه بپایان نمیرساند عشق قاطع کینه است . — بودا

کسیکه در راه عشق رنجی میبرد دردی احساس نمیکند . — مثل ایتالیائی

ما همه تشنه احساس و گدای عشق و محبت هستیم . — ؟

مرده بدم ، زنده شدم ، گریه بدم ، خنده شدم ، دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم . — مولوی

مردی را در نظر بگیرید که در غربت و دور از خویشاوندان و دور از خانواده خود زندگی میکند و یک چنین مرد مطمئناً احتیاج به یک نوع دلبستگی دارد تا جای علاقه برادر و پدر را بگیرد در این موقع است که عشق میآید و این نوع مزایا را باو تقدیم میکند . — ناپلئون

مردیکه ادعا میکند دیگر اعتقادی به عشق ندارد کسی است که دیگر عشق با و اعتمادی ندارد . — مارسل کرانشه

ممکن است که طفل وقتی زائیده میشود زیبا باشد لیکن دلربائی آغاز نمیشود مگر هنگامیکه دل گرفتار عشق و محبت شود . — لامبوویو

من از خوشبختیهای جهان بهره مند گردیده ام زیرا در زندگی عاشق شده ام . — شکسپیر

من عشق میورزم زیرا میخواهم زندگی کنم . — ژرژ ساند

من تا با عشق زندگی میکنم جوان هستم و هر موقع که دلم شکفته و خرم باشد فصل بهار عمر و ایام نوروز زندگانی من است . — نظامی خاقانی

مهد پرورش خرد آغوش عقل نیست بلکه دامان عشق است . نهال خرد باید در کوزه عشق کاشته شود و با آب احساسات آبیاری گردد . — مترلینگ

مردان در موقع گرفتاری عشقی بفکر هیچ چیز نیستند. — مثل ایرلندی

نه آب فراوان قادر به خاموش کردن شعله های عشق است و نه رودخانه ها میتوانند آنرا غرق کنند. — از یک سرود مذهبی

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد همین قدر باید سرخوش بود. — چخوف

نهالی شاداب تر از عشق در دل نمیروید. — مترلینگ

وقتی شیرخواره ایم به یک پستانک آرام میگیریم. وقتی کودکیم بیک جغجغه، به یک عروسک و به یک تاب دل خوش میکنیم وقتی به مدرسه میرویم از یک آفرین معلم سرمست میشویم. در حد بلوغ نگاهمان در جستجوی نگاهی است و باخیالی حالی داریم در بزرگی پول، زن، مقام،... فرزند، شهرت سراب حیات است و چون پیر میشویم، بهر رشته ای که ما را بزندگی پیوند میدهد چنگ میزنیم. از گهواره تا گور در جستجو و تلاشیم. هر دم به چیزی دل میبندیم و بعد در مییابیم که آن چیز تا پایان راه با ما نمیتواند ماند. — اسمعیل پوروالی

وقتی که موضوع عشق در کار است پای عقل می لنگد. — مترلینگ

وقتی عشق میآید کسی نمی بیند اما وقتی میرود همه می بینند. — دولسیون

وقتی بخواهیم درباره عشق منطقی فکر کنیم، عشق واقعیت خود را از دست میدهد. — اسپی نوزا

هر جا که عشق خیمه زند، جای عقل نیست. — سعدی

هر کس عشق را در دیگران جنون میداند و حال آنکه خود همیشه بچیزی عاشق است. — حجازی

هنگامیکه فقر از در وارد شود عشق از پنجره فرار خواهد کرد. — شکسپیر

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است، حیات انسان نیز نیازمند روشنائی عشق و محبت است. — آلفونس دوده

هیچ موجودی در دنیا وجود ندارد که در اثر عشق ورزیدن به یک موجود دیگر حتی اگر یک عشق مبتذل و پست هم باشد یک اصلاح در روح خود بعمل نیاورد. — مترلینگ

هیچ چیز کامل نیست همه چیز دارای نقص است هر انسان بار زحمتی برای دیگران دارد و تنها عشق این بار را سبک میکند اگر شما نمیتوانید بار زحمت همنوع خود را تحمل کنید. دیگران چگونه میتوانند بار زحمت شما را تحمل کنند. — لامنه

هیچ شکنجه مولم تر از این نیست که انسان نه عشق بورزد و نه عشق نثار او شود. — کامل موکلییر

هیچ چیز بر عشق نمیتواند حکومت کند بلکه این عشق است که حاکم بر همه چیز است. — لافونتن

هر جا که عشق قدم بگذارد آنجا را نشاط سعادت و اقبال فرا میگیرد. — مثل

یکی از علل بزرگ گرفتاری و بدبختی نوع بشر عشق است و اگر از جامعه عشق از بین رفت بطور تو ما یک پنجاه درصد از بدبختی ها و ناکامیها نیز محو میشد شما اگر یک آدم منصفی باشید در حین خواندن این سطور اعتراف خواهید کرد که عشق خیلی بزندگی شما لطمه زده و اگر اهواء و امیال عاشقانه نبود بطور حتم شما امروز غیر از این بودید که هستید، در زمان جوانی عشق نظیر یک تندباد شدید ما را بهر طرف میکشاند و قوای جوانی و اوقات ما صرف عشق بازی میشود و در نتیجه از ترقی و تعالی باز میمانیم. — مترلینگ

یک عاقل میتواند هزار سال فکر خود را بکار ببرد لیکن بقدر آنچه عشق در یکروز یاد میدهد کسب نتواند کرد. — امرسون

برو ای عقل و مگو عشق چنان کن و چنین
پادشاه است و بر او چون و چرا کی رسد

شاه نعمت الله

بر در میخانهٔ عشق ای ملک تسبیح گوی
کاندر آنجا طینت آدم مخمّر میکنند

حافظ

تن خسته، دل شکسته، نظر بسته، لب خموش
ای عشق کارها همه بر مدّعای تست

نشاط اصفهانی

چندین که برشمردم از ماجرای عشقت
اندوه دل نگفتم الّا یک از هزاران

سعدی

سعدی از عشق نبازد چه کند ملک وجود
حیف باشد که همه عمر بباطل برود

سعدی

صبوری از طریق عشق دور است
نباشد عاشق آنکس کو صبور است

نظامی

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد
سوزنی باید کز پای برآرد خاری

سعدی

فاش میگویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

حافظ

گدای عشقیم و سلطان وقت خویشتنیم
نیاز و مسکنت و عجز و غم سپاه منست

قاآنی

ده که بیهده به تحصیل هنر عمر گذشت
عشق میورزم از این پس که به از هر هنر است

توحید شیرازی

هر کس را دیدم به راز عشق محرم ساختم
خویش را در عاشقی رسوای عالم ساختم

شریف تبریزی

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب
کز هر زبان که میشنوم نامکرر است

حافظ

ای شعله عشق خانمان سوز
ای جان ده و جان ستان و جان سوز
هر چند که حاصل تو غم بود
قربان غمت شوم که کم بود

عفو ـ بخشایش

آنکه توانا تر است آسانتر میبخشد . — حضرت امیر (ع)

آنکه انتقام میکشد یکدم در خوشحال است و آنکه میبخشد یک عمر . — حضرت امیر (ع)

از یک حرف گذشتن گاهی بهمان اندازه فداکاریست که سینه پیش گلوله سپر کردن . — حجازی

از صاحبدلی پرسیدند که سخاوت بهتر است یا شجاعت گفت آنرا که سخاوت است حاجت بشجاعت نیست . — سعدی

از بقراط پرسیدند انسانیّت چیست ؟ گفت تواضع در وقت رفعت عفو هنگام قدرت سخاوت در تنگدستی بخشش بدون منّت

از افلاطون پرسیدند بچه وسیله میتوان از دشمن انتقام گرفت گفت بفضل و کرم . — افلاطون

از دو چیز کیف برده و خوشوقتم بخشش خطایای زیردستان و سپاسگزاری کسانی که بگردنم حق دارند . — کلاد ستون

از واجبات کرم پذیرفتن و بخشودن عذر گناهکاران است . — قابوس وشمگیر

اشخاصیکه نمیتوانند دیگران را ببخشند پلهائیرا که باید از آن عبور کنند خراب مینمایند . — هربرت اسپنسر

اغماض نشانهٔ بلندی فکر و انتقام نمایندهٔ رذالت و معرف کوچکی فکر مردان است . — سقراط

اگر کسی در گوش راست شما بدی بگوید و در گوش چپ عذر بخواهد عذرش را بپذیر و از او درگذر . — امام کاظم

اگر دوستانی نتوانند گناهان کوچک یکدیگر را اغماض کنند نخواهند توانست دوستی خود را بجایی برسانند . — لابرویر

اگر بحقیقت حال و درد کسی برسیم و علت رفتار او را درک کنیم خطایای او را خواهیم بخشید . — جان کایزل

اگر میخواهی بهترین خلق باشی چیزی از خلق دریغ مدار . — ؟

انتقام از جنایت قبیح تر است زیرا آن بدون مقدمه صورت میگیرد و این با تفکر و تعقل . — تن

انتقام عدالت وحشیان است و برای یک نابکرداری نبایستی چندین ناروائی روا داشت . — ؟

ارمغان مور چه پای ملخ است . — مثل فارسی

اقرار بخطا نیمی از بخشودگی است . — مثل فرانسوی

اگر خوب بدرد کسی برسیم هرچه کرده برا و ببخشیم . — مثل فرانسوی

بالاترین بخششها رسانیدن حق است به صاحبش . — حضرت امیر

باظهار نیاز حاجتمند منتظر مباش بلکه شایسته است که پیش از سؤال کار او را انجام دهی و با همت خود نیازمندی او را رفع کنی . — افلاطون

باید همه کس را معذور بداریم اطفال را برای اینکه کوچک هستند، زنان را برای اینکه ضعیف هستند، نیکان را برای اینکه قصد بدی ندارند و بدان را برای اینکه بدبخت و بیچاره اند . — سنگا

بخششی که پیش از درخواست و سؤال باشد سخاوت است و اگر پس از سؤال بخشش کردی از حیا و فرار از مذلت است. — حضرت امیر(ع)

بخشش هر چند ناچیز باشد آتش خشم بنشاند. — از امثال و حکم علی اکبر دهخدا

بخشایش بعد از پیروزی از مکارم اخلاق است. — ؟

بدترین مردم کسی است که گناه را نبخشد و از لغزش چشم نپوشد و بدتر از او کسی است که مردم از گزند او در امان و به نیکی او امیدوار نباشند. — حضرت محمد(ص)

برای دشمنانت کوره را آنقدر داغ مکن که حرارتش خودت را هم بسوزاند. — شکسپیر

بزرگواری است که در کیفر بدی نیکی کنید. — حضرت امیر(ع)

بهترین چیزها سه چیز است. عفو در حالت غضب. بخشش در تنگدستی. عمل در حین قدرت. — ادریس پیغمبر

بهترین بذل آنکه سائل بذلت سؤال بحاجت خود برسد. — جالینوس

بهترین انتقامها فراموشی و بخشش است. — جونس

بیش از سه روز قهر جایز نیست. — حضرت محمد(ص)

بیدادی که بر تو وارد میشود در عفو آن مختار هستی اما بیدادی که بدیگران وارد میشود ابداً نتوانی آنرا ببخشی و تا شرف آدمیت در وجود تو باقی است باید در رفع ظلم با تمام توانائی خود بکوشی. — حضرت امیر(ع)

بگمان کینه را بمهر و دوستی میتوان زدود نه با کینه و دشمنی. — آئین بودائی

پیش از آنکه کسی از تو چیزی بخواهد، خواهشش را برآور، زیرا چون او را از خود نیازمند کنی بیش از آنچه بدو بخشی از آبرویش خواهی گرفت. — حضرت محمد(ص)

پوزش و عذرخواهی دلیل خردمندی است. — حضرت امیر(ع)

ترحم، احساسی که شاید تحملش از هر احساس دیگری برایم دشوارتر بوده است. — بولیبور

جوانمردی چهار نوع است، فروتنی با دوست، گذشت با قدرت، نصیحت با دشمن، بخشش بی منت. — حضرت امیر(ع)

چون بر دشمن ظفر یافتی و توانستی او را کیفر کنی شکرانهٔ توانائی از او درگذر. — حضرت امیر(ع)

چون به گناهی از تو عفو خواهند، عفو کردن را بر خویشتن، واجب دان اگرچه سخت گناه بود و چون عفو کردی دیگر او را سرزنش مکن و از گناه او یاد میاور که آنگاه همچنان بود که عفو ناکرده‌ای — قابوس‌نامه

خشم را با مهربانی فرونشانیم. بدی را با خوبی، آزار را با بخشش، دروغ را با راستی. — آیین بودائی

دانش تمام مستلزم بخشایش تمام است. — دیل کارنگی

در پیشگاه جوانمردان هر کس از کردهٔ خویش پوزش خواهد از وی درمیگذرند. اگر هم دست بخون آلوده باشد. — ؟

دیده‌ها را ندیده انگارید گفته‌ها را ناشنیده تا خودتان از زبان دیگران و دیگران از زبان شما در امان باشند. — حضرت محمد(ص)

زنهار کسی با کسی بسزای بدی، بدی نکند. — حضرت عیسی(ع)

زن نه فقط سخاوت را در مرد بیشتر از فداکاری دوست میدارد بلکه بیشتر از هر صفتی می پسندد. — ؟

سخی عزیز است اگرچه فقیر باشد. — ارسطو

سخاوت در زیاد دادن نیست بموقع دادن است. — لابرویر

سعادت حقیقی آن است که یا از آنچه دارید بدیگران بهره دهید و یا در رنج بردن با آنان انباز شوید. — پوشه

سه چیز از حقایق ایمان است بخشش با تنگدستی و رعایت انصاف دربارهٔ مردم بر ضرر خویش و بذل علم بر دانش آموز. — حضرت محمد (ص)

شر را با شر از زمین نتوان برد. — مثل لاتین

عفو در قدرت نشانهٔ دلیری است. — بوعلی سینا

عفو کردن خطا، انتقام ملایمی است. — دیل کارنگی

عفو از کسانی نیکوست که توانائی انتقام دارند. — بوذرجمهر

عفو که فضیلتی دانسته شده است، گاه از خودبینی و گاه از کاهلی سرچشمه میگیرد و اغلب علتش از ترس است و تقریباً همیشه هر سه عامل مشترکاً در ایجاد آن دخالت دارند. — لاروشفوکو

قلبی داشته باش که هرگز سختی سنگ را بخود نگیرد و احساسی داشته باش که هرگز آزار دهنده نباشد. — چارلز دیکنز

کرم بخشش قبل از سؤال است. — امام حسن (ع)

کینهٔ کسی را در دل خود جای مده که راحت دل و تن ترا برهم زند. — ؟

گذشت داشته باشید برای یکبار هم که شده گذشت کنید تا بدانید که چه مزهٔ خوشی دارد و چگونه دشوارها را آسان میسازد. — [illegible]

ما باید از بدی کردن بیشتر بترسیم تا بدی دیدن . ابوالعلا

مردمان بزرگ نام بدان گرفتند که چون بر دشمن دست یافتند نیکوئی میکردند و از او درمیگذشتند . ابوالفضل بیهقی

مردم گاهی کین را میتوانند عفو کنند اما تحقیر را هرگز . نووال

مهربانیهای کوچک را فراموش مکن و تقصیرات کوچک را بیاد نداشته باش . مثل چینی

نیکبخت ترین مردم کسی است که کردار بسخاوت بیاراید و گفتار براستی . بوعلی سینا

هر که را قدرت مجازات بیشتر است عفو از او پسندیده تر است . حضرت امیر (ع)

هر که بر زیردستان نبخشاید به جور زبردستان گرفتار آید . سعدی

هر گز بغض و عداوت کسی را در دل نگاه ندارید چه بار بیست آنقدر سنگین که شما تصور آنرا نمیتوانید بکنید . مادام سه وینه

هر جا زشتی و پلیدی می بینیم چون میدانیم که از آن زشت تر هم وجود دارد خود داریم سختگیری نمی کنیم و می بخشیم . حجازی

هر که در زندگی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند . سعدی

هر که در نعمت او محتاجان را مشارکت نتوان بود در زمرهٔ توانگران محسوب نگردد و آنکه حیات در بدنامی و دشمنی گامی

گذارد در جملهٔ زندگان بدنیاید . کلیله و دمنه

هر کس گذشتش بیشتر است غنی تر است . ژرژ سیون

یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود . بالزاک

گر بخشش و دانش و رسم داد | خردمند گرد آورد با نژاد

چو این چار گوهر بجا آورد | جهان را به مردی به پای آورد

فردوسی

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق | آیتی در وفا و از بخشش

هر که بخراشدت جگر بجفا | همچو کان کریم زر بخشش

کم مباش از درخت سایه فکن | هر که سنگت زند ثمر بخشش

از صدف یادگیر نکتهٔ حلم | هر که بُرّد سرت گهر بخشش

ابن یمین

چو چیره شوی خون دشمن مریز | مکن خیره با زیردستان ستیز

ببخشای بر زیردستان بمهر | براندیش از بهر خشم مغرور چهر

اسدی طوسی

خطای بندگان باید بهر حال | که تا پیدا شود عفو بزرگان

جوهری هروی

شیشه گر زین پیش ساغر خم کند دانی چرا
آری از بخشنده بر گیرنده جای منّت است

صائب تبریزی

گشته‌ایم سالها به بیابان و کوه و دشت
چیزی نیافتیم که باشد به از گذشت
وز انتقام نیز ندیدیم لذّتی
ما را به سر خویش همین بود سرگذشت

فصیح الملک

کرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کرده است و او شرمسار

سعدی

در عفو لذّتی است که در انتقام نیست

عقل

آدم عاقل افعی را که کشت، بچه اش را نمی پرورد. — تن

آنگاه که خرد مغلوب غضب تو است خود را از افراد انسان حساب مکن. — ذیمقراطیس

آنکس مشاهده کننده تیزبین است که بتواند دقیقاً همه چیز را مشاهده کند بی آنکه خود مشاهده شود. — لاواتر

آیا در دنیا کسی آنقدر عاقل است که از تجارب دیگران عبرت گیرد. — ولتر

از استادم پرسیدم از مردمان که عاقل ترند؟ گفت آنکس که کم گوید و بیش شنود و بسیار داند. — بوذرجمهر

اشخاص عاقل روح جامعه هستند. — دانیال

اشخاص عاقل میکوشند خود را همرنگ محیط بسازند اشخاص دیوانه سعی میکنند محیط را برنگ خود درآورند بهمین جهت تحولات و ترقیات اجتماع بدست اشخاص دیوانه بوده است. — اندره مورا

اگر عقل و دانش در وجود انسان جمع باشد من دیگر جنسیت او را نمیپرسم و فقط تحسینش میکنم. — لابرویر

اگر بخواهی بر عالم فرمانروا باشی باید عقل بر تو حاکم باشد. — سرندک

اگر بمال درویش گردی جهد کن تا بخرد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری مال بهتر است. — قابوس وشمگیر

انسان عاقل همیشه از بدگوئی هائی که از او میشود استفاده میکند. ژرژ بانه

از کسیکه نمیداند که نمیداند بر حذر باش. بکسیکه نمیداند و میداند که نمیداند تعلیم بده. کسیکه میداند و نمیداند که میداند روشنش کن

از کسیکه میداند و میداند که میداند پیروی کن. مثل عربی

بزرگترین دردها حمق. بالاترین داروها مرگ و گرانبهاترین متاع ها عقل است. حضرت محمد (ص)

بوسیله عقل علل و مقدمات اشیاء را ادراک کرده روابط آنرا با یکدیگر تشخیص میدهیم. عقل چراغی است نورافشان که

انسان را در ظلمات جهل و بیخبری راهنمائی میکند. لود آویبوری

پروردگارا هر که را عقل دادی چه ندادی و هر که را عقل ندادی چه دادی. خواجه عبدالله انصاری

توانگران همه عاقل نیستند ولی عقلا همیشه توانگرند. خرد گرانبهاتر از طلاست زیرا کمیاب تر و مفیدتر است. فوشه

توانگری بهنر است نه بمال و بزرگی به عقل است نه بسال. سعدی

ثروت اگر بدست عقل نباشد مایه ادبار و سیه روزی خواهد بود. حجازی

جمعی در انتظارند که پیشوائی ظهور کند تا آنان را براه راست هدایت نماید. حال آنکه پیشوائی مهمتر از عقل و خرد نیست،

خوبست همه او را فرمانبری کنیم. ابوالعلاء

چرخ زندگی دو دسته دارد. یکی را هوس بدست میگیرد و دیگری را امید. عقل را بما داده اند که یکدست از آن بگیریم و

به یکی از این ببندیم. حسنعلی ستغان

چهل جور حماقت وجود دارد اما فقط یک عقل سلیم را میشناسیم . — مثل آفریقائی

حیف است انسانی که از حیث شعور اشرف مخلوقات است ماشین کثافت سازی باشد . — مترلینگ

خرد و عقل دو دریای عظیم هستند مروارید شان حکمت و فرزانگی است . — حضرت امیر

خردمند کسی است که گفتارش را کردارش تصدیق کند . — نصیحة الملوک

خردمند آن نیست که چون در کاری بیافتد بکوشد تا از آن کار بیرون آید خردمند آنست که بکوشد تا در کاری نیفتد .

خردمند آنستکه چون کاری پیش آید همه رأی ها جمع کند و به بصیرت دل در آن بنگرد تا آنچه صوابست از آن برگزیند و دیگران را باطل کند چنانکه کسی را که دیناری اندر میان خاک گم شود اگر زیرک بود همه خاکهای آن حوالی جمع کند و به غربالی تنک فرو گذارد تا دینارش از آن میان پدید آید . — ابوسعید ابوالخیر

خردمند باشید تا توانگر باشید . — قابوسنامه

خردمند آنچه را میداند نمیگوید و آنچه را که بگوید میداند . — ارسطو

خصومت مرد عاقل بهتر از رفاقت انسان نادان است . — مثل تازی

در درون ما دوزخی بزرگ وجود دارد که نام آن شهوت و معمولاً خود را در قالب عقل و هوش و فلسفه جلوه گر میسازد . — شوپنهاور

دل دلائلی دارد که عقل بکلی از آن بیخبر است . — پاسکال

دیوانه خودش را عاقل می پندارد و عاقل هم میداند که دیوانه ای بیش نیست . — شکسپیر

دادن به دیوانگی. گرفتن به عاقلی. — مثل ایرانی

روزی اگر عقل را بخرند و بفروشند. ما همه تصور اینکه زیادی داریم فروشنده خواهیم بود. — حجازی

سر آدم عاقل هرگز درد نمیکند. — مثل ایتالیائی

شخص عاقل تنها برای خودش زندگی نمیکند بلکه برای خیر و صلاح دیگران نیز بایستی گام بردارد. — اسمایلز

سعی کنید شما هم فقط عاقل و با ارادهٔ قوی بار آورید و آنها را از جام هستی بخش این دو کوثر لاهوتی سیراب کنید آنوقت آنها خود راه سعادت را پیدا و آفاق و انفس را تسخیر مینمایند. — کاظم زاده ایرانشهر

عاقل کسیکه این جهان را همچون دوزخی پندارد و بکوشد خویشتن را در آغوش این دوزخ مصون دارد. — ابوطالب ایزدی

عقل از تندرستی بالاتر است زیرا با عقل غالباً میتوان تندرستی را بدست آورد اما بدون عقل تندرستی از دست میرود. — حجازی

عقل آدمی بیش از هفت دیده بان که در برج مراقبت باشند به او خبر میدهد. — رودیارکیپلینگ

عقل است که بزرگترین مخترعین توسط آن به کرات راه یافته اند. — برنارد شاو

عقلا شک و تردید را دالان‌گاه حقیقت خوانده اند. — ؟

عقل نیروئی است که دنیا را اداره میکند. — امرسون

عقل را از انسان بگیرید دیگر، هیچ چیز، بها دار برای او نمیماند. — هامیلتون

عقل چراغیست که در ظلمات دنیا ما را رهبری کرده، از راه تاریک زندگی که در مراحل آن هزاران خطر نهفته است

عبور داده به سر منزل شرافت و افتخار میرساند . لرد آویبوری

عقل چیزی است که کسی به نهایت آن نتواند رسید و لباس تازه و نیکوئیست که هرگز کهنه نشود و راهنمای عادل است که هیچوقت خطا نکند . ؟

عقل تنها این نیست که انسان در موارد عاجل بداند چه میکند بلکه مهم این است که بداند بعد آنچه باید بکند . هربرت هوور

عقل بی عاطفه خطرناک است و عاطفه بدون عقل قابل اعتماد نیست آدم کامل آنست که هم عقل دارد و هم عاطفه . تن

عقل از دست نفس چنان گرفتار است که مرد در دست زن گریز پای . سعدی

عاقل در اول انجام میدهد همان کاری را که نادان در آخر انجام میدهد . مثل هندی

عاقل آنچه را نمیداند نمیگوید . نادان نمیداند که چه میگوید . مثل ترکی

غالباً عقل و دل را اشتباه میکنیم و آنچه را دل میخواهد بکردن عقل میگذاریم . حجازی

فکر پایه عقل است . دهخدا

فقط مرد عاقل ثروتمند واقعی است . مثل لاتین

کسیکه عقل را بر احساساتش غلبه دهد قوی ترین مرد روی زمین است . حضرت امیر (ع)

کسانیکه با چشم عقل بحقایق حیات مینگرند هرگز فریب نخواهند خورد . حضرت امیر (ع)

کوچکترین بی توجهی ممکن است سبب شود که ما کلیه پیشرفتهائی را که در سایه بکار بردن عقل بدست آورده ایم از دست

بدهیم. بنابراین باید کاملاً مواظب باشیم. — اپیکتت

کسیکه نمیتواند احمق شود نمیتواند عاقل باشد. — مثل آلمانی

کسیکه در خارج از محیط خانه خود را عاقلتر از محیط داخلی خانه نشان دهد احمقی بیش نیست. — مثل آلمانی

کسیکه فقط در فکر سیر کردن شکم است عقل را گرسنه گذاشته است. — مثل چینی

گرانبهاترین متاع ها عقل است بزرگترین فقرها احمقی موحشترین وحشت ها عجب و گرامی ترین پیشه ها حسن خلق. حضرت علی (ع)

مردیکه نتواند عصبانی شود احمق و مردیکه نخواهد عصبانی شود عاقل است. — ؟

مرد نابغه که بخواهد در کاری کامیاب شود در صد قسمت یک قسمت الهام غیبی و نود و نه در صد محتاج جان کندن و عرق ریختن است. — ادیسون

ناچارم ورزش کنم وگرنه عقل من فاسد خواهد شد. — تولستوی

نفوس انسان که در این عالم اند چون با بدان مختلف تعلق گرفته اند دارای هیئت ها و تعینات گوناگون گردیده اند ولی از آنجا که ذاتاً عقلانیند فساد ناپذیر و باقی هستند و باید طریق دوری از ماده را بیاموزند و بسوی عالم علوی صعود کرده خود را بعقل فعال و سایر عقول مفارق برسانند و از زندگی جاویدان بهره مند گردند. — ابوعلی سینا

نه ما مطلقاً عاقلیم و نه دیگران مطلقاً دیوانه. — ؟

هر گفتار و کرداری را با ترازوی عقل بسنجید و آنگاه اگر نیک آمد به پیروی از آن پردازید. — زردتشت

هر قدر عقل ما بیشتر باشد تأسفمان بر زندگی بیشتر خواهد بود .　　حضرت علیؑ

هر کس چیزی را می بیند که آن را در قلب خود حمل میکند .　　گوته

هر وقت عقل و احساس و ادراک با هم دست بگریبان شوند همیشه احساس غالب میشود نه عقل .　　گوته

هیچ ثروتی نیرومندتر از عقل نیست .　　حضرت محمدؐ

هیچ زیبائی از خرد نیکوتر نیست .　　امام باقرؑ

هیچ مبارزه و فتحی پر افتخارتر و پر سودتر از این نیست که مغلوب و محکوم عقل باشیم .　　حجازی

هیچ جز نرمش از عقل بشری خاصیت ارتجاعی ندارد . بمانند بخار آبی که زیر فشار قرار گرفته باشد و هر چه بیشتر فشرده تر شود بیشتر با عامل فشار مقاومت میکند هر چه بیشتر بانجام کاری مجبور باشیم بیشتر قابلیت اجرای آن را پیدا میکنیم . ترابن ادوگار

همه شما می بینید که بیشتر مردم نزد دانایان و فرزانگان از مشکلات زندگی سؤال نموده و از آنها یاری میجویند

آری خردمندان هستند که پناهگاه مردمند .　　ابن مقفع

یک روز عاقل بیک عمر احمق میارزد .　　مثل نازی

ببر از جاهل ار چه خویش باشد
که رنج وی ز راحت بیش باشد

ز نادان و ز ناجنس و ز ناکس
بشب بگریز منگر هیچ بر کس

مکن دل خوش بسود بدکنش
که صد سودش نیرزد یک زیانش

ناصر خسرو

اگر عاقل بود خصم تو بهتر
که با نادان شوی یار و برادر

دشمن دانا که غم جان بود
بهتر از آن دوست که نادان بود

نظامی

داروی تربیت از پیر طریقت بستان
کادمی را بتر از علت نادانی نیست

سعدی

چه خوش گفت آن خردمند سخندان
که روی از صحبت نادان بگردان

درخت انس نادان بر نیارد
حضورش جز که درد سر نیارد

زیان پیدا اگند گر بهبود خواهد
برادر در داو بهبود خواهد

کسی چنین عمر با نادان بسر برد
برو نادان بماند همچنین مرد

ناصر خسرو

علم حکمت

آفت دانش بکار نبستن آن و آفت کار دلبستگی نداشتن بآن است . حضرت امیر(ع)

آنچه بر روح آرامش میبخشد همانا علم است و بس . بودا

آنچه مغز و قلب را از آلایش پاک میکند فقط دانش است ما بقی بی دانشی است و بس . راماکوشنا

آنقدر دانش آدمی را کفایت است که راه راست از کج و سعادت را از شقاوت شناسد . جالینوس

از اخلاق من چاپلوسی و تملق نیست مگر در جستن دانش . حضرت محمد(ص)

از انوشیروان پرسیدند کهنسالترین مردم کیست؟ گفت آنکه علمش بسیار است و بازماندگانش از او فرهنگ آموزند و از کار پسندیده اش سرمشق گرفته و به بزرگی رسند . ؟

اثر حکمت آنگاه در شخص حکیم ظاهر شود که خویشتن را حقیر و ناچیز شمارد . سقراط

اگر بحقیقت طبیعت دسترسی پیدا کنی خواهی فهمید که تمام هستی و کائنات به یکدیگر مربوط بوده و عضوی از یکدیگرند . ؟

اگر شما آدمی نادان و بی اطلاع باشید و به این امر پی ببرید این خود یکنوع اطلاع و علم است . کنفوسیوس

اگر تمام دوره عمر زمین را یکسال فرض کنیم که در نیمه شب روز آخر اسفند پایان یابد هشت ماه از عمر زمین در حالتی گذشته که هیچ

نوع موجود زنده و جانداری در روی آن نبوده است در ماههای نهم و دهم نخستین موجودات زنده و جانوران یک سلولی

و ستاره های دریائی بوجود آمده اند، در هفته دوم ماه اسفند آخرین ماه سال حیوانات پستاندار پیدا شده در ساعت

یازده و چهل و پنج دقیقه روز آخر سال یعنی یکربع ساعت آخر سال انسان بوجود آمده است و دوره تاریخی زندگی انسان فقط شصت ثانیه

آخر سال بوده است. از این مثال کوتاهی عمر تاریخ چند هزار ساله و عمر انسان نسبت به عمر زمین خوب معلوم میشود. از کتاب نامه های پدری به دخترش - نهرو

اگر هر روز کلمه ای بر دانش خود بیفزائی پس از سالی صدها کلمه خواهی داشت. ؟

اگر از گذشت روزها و سیر زمان اندوخته ای از کار و دانش نداشته باشیم دیگر چه خواهیم داشت و زندگی ما چه ثمری داشته است؟ آی. آی. آن

اگر دانش را بخاطر کسب درآمد فرا میگیرید بحق آنهائیکه بخاطر خود علم و دانش اندوخته اند تجاوز کرده اید. اندره ژید

ای مرد علم نعمت بزرگی است که در زندگانی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود. حضرت امیر (ع)

باید دانست که چیزی وجود دارد که با استعدادها و حواس محدود ممکن نیست به کنه آن پی برد. ؟

بجوئید دانش را هر چند در چین باشد. حضرت محمد (ص)

بدبختی دیوی است که از روشنی میگریزد آنها که چراغی از معرفت و حکمت بدست دارند هیچوقت این دیو مهیب را در راه خود

نمی بینند. ا. س. ماردن

برای اینکه دانش ملکه شود تعلیم کافی نیست عمل لازم است. برنارد شاو

بسیار افتد که ابهت و شجاعت سود ندارد و هر دانش که بدانی روزی بکار آید. قابوس وشمگیر

بعضی چنان سرگرم میراث علمی گذشتگانند که فرصت مراجعه بعقل خود ندارند و اگر فرصتی هم بدست بیاورند حاضر نیستند که اشتباهات و لغزشهای آنان را اصلاح و جبران نمایند. ابن سینا

بهترین شما کسی است که گفتارش بر دانش شما بیفزاید. حضرت محمد

بهتر است که انسان چیزی ندانَد تا بسیاری چیزها را نیمه تمام بداند بهتر است که با عقاید خود مان یک ابله سفیه باشیم تا آنکه با عقاید دیگران یک مرد دانشمند بحساب آئیم. نیچه

بهترین کارها این است که در جوانی دانش آموزی و در پیری بکار بری. بوذرجمهر

بین دانشمند و عابد فرق بسیار است دانشمند صد پایه از عابد فزونی دارد. حضرت محمد

بگذار کسیکه سردش هست آتش را خاموش کند. مثل اسکاتلندی

تعصب در علم و فلسفه مانند هر تعصب دیگر نشانه خامی و بیمایگی است و همیشه بزیان حقیقت تمام میشود. ابوعلی سینا

تمام سرمایه فکری و دانش باید تسلیم یک عظمت اخلاقی و روحی گردد و گرنه دانش مانند رودی خواهد بود که نتوانسته خط سیر خود را بپیماید و در بیابان بریزد و با وضعی اسف آور در صحرا توی ریگزارها فرو رفته باشد. مترلینگ

تمام ذرات جهان دارای نیروی مرموزی بنام جاذبه هستند که توسط آن یکدیگر را جذب مینمایند و معمولاً ذرات هر توده مجذوب مرکز آن و توده مزبور خود مجذوب توده دیگری است. نیوتون

تنها چیزیکه ممکن است مرا مشغول کند و شکنجه های روحی مرا تخفیف دهد صنعت است. شهرزاد

تنها کسانیکه دلداده دانشند بزرگند نه آنان که سوداگر دانشند. — سعید نفیسی

ثروت در دارا بودن خزاین و دفاین نیست در دانستن علم و طرز استعمال آن است. — ؟

جهان باید در فرمان مردم باشد تا کی باید مردم در فرمان جهان باشند. — سعید نفیسی

جهالت از علم ناقص بهتر است. — مثل لاتین

چگونه انتظار دارید که به اسرار جهان پی ببریم و چیزی بفهمیم در صورتیکه هنوز نتوانسته ایم دریابیم که فهمیدن یعنی چه؟ — مترلینگ

چهار چیز بر صاحبان خرد از امت من لازم است شنیدن دانش و حفظ آن و انتشار دادن و بکار بستن آن. — حضرت محمد (ص)

حرکت کهکشانها در ثانیه بیست هزار کیلومتر یعنی سرعت سیر آنها دو هزار برابر سرعت انفجار بمب های اتمی میباشد. — مترلینگ

حکمت درختی است در دل روئیده و میوه از زبان دهد. — بطلمیوس

خرافه و موهوم زائیده جهل است و تا زمانیکه علم مطلق نصیب بشر نگشته پیوسته گرفتار باطل و موهوم خواهیم بود. — حجازی

دانش اندک بهتر است از عبادت بسیار. — حضرت محمد (ص)

داناترین مردم است که دانش مردم را بدانش خود جمع کند. — حضرت محمد (ص)

دانشی که ترا اصلاح نکند گمراهی است. — امام صادق (ع)

دانشمندان دو نوعند دسته ای متخصصین هستند که تمام چیزهائی را که وجود خارجی دارد میدانند و دسته ای دیگر فلاسفه هستند که از آنچه موجود هست هیچ نمیدانند. — برنارد شاو

دانشمند کسی است که بکوشد در دو رنج خود را بکاهد . — هوگو

دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش بلا . — حکمت هندو

دانشی که با پرهیزگاری توأم نباشد پشیزی نمی ارزد . — ؟

دانش کم خطرناک است یا با آب چشمه را تا ته بنوشید یا اصلا لب نزنید . — الکساندر پوپ

دانش چون چراغ روشن است اگر چه بسیار چراغها که از او برفروزند هیچ نور او کم نشود . — هدیة الملوک

دانش انسان را فروتن میسازد و نادانی موجب ادعا و خودستائی میگردد . — جان کایزل

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق بهر قومی که باشد از آن همه جهانیان است . — پوشکین

دانش کلی مانند خلیجی است که من و همکارانم فقط چند دانه ریگ جالب از این پهنای وسیع برداشته ایم . — نیوتون

دانش و حکمت بی نیازی نفس است و مال بی نیازی بدن بدست آوردن بی نیازی نفس بالاتر است از بدست آوردن بی نیازی بدن زیرا بی نیازی نفس عیش دائمی است و بی نیازی بدن عیش محدود . — ؟

دانش و دارائی راهبر کسی است که همیشه وی را از رخوت و سستی باز داشته و تنها علم است که انسان را از سختی ها رهائی بخشد. — ابن مقفع

دادن اطلاعات وسیع ریاضی به افرادیکه توانگر نیستند خطرناک است . — ناپلئون

در طلب علم برآئید هر چند به فرو رفتن در دریاها و شکافتن دلها باشد . — امام صادق (ع)

در حدود صد تریلیون سلول در بدن آدم با شگفت آورترین نظامها لاینقطع دست در کارند ۲۵ تریلیون گلبول قرمز دوش بدوش.

با ۴ میلیارد گلبول سفید دائماً وبسرعت در عروق ما در حرکت و تکاپو هستند در صد سال عمر یک آدم سالم این

موجودات در این ازدحام و جنب و جوش حتی تنه هم بهم نمی‌زنند چه رسد باینکه یکدیگر را بدرند و بخورند. از کتاب آدمها

در این دنیا هیچ کس نمیداند که در پشت پردهٔ ظاهری حوادث چه ها میگذرد. بر من امروز بخوبی ثابت شد که درباره هیچ چیز

باستناد ظواهر نباید قضاوت کرد. ولتر

در روزگار گذشته مردم تحصیل علم میکردند برای اینکه خود را بدرجهٔ کمال برسانند امروز علم را برای این فرا میگیرند که دیگران را

مجذوب و مسخر کنند. کنفوسیوس

در بین تمام نظریات علمی و فلسفی و عقلانی و در بین تمام افکار و عقاید مختلف آنچه در نظر من محقق و مسلم میباشد این است که با بوجود

آوردن نوع انسان و خصوصاً با این معدهٔ کثیف که ماشین زباله سازی است ما را بدبخت و مظلوم و ستمکش و بیچاره کرد و ...

در جهان کهکشانهائی هست که با سرعت ثانیه‌ای بیست هزار کیلومتر در فضا فرار میکنند و بسوی نقطه‌ای که معلوم نیست کجا

میباشد میروند این کهکشانها از صدها میلیون و بلکه صدها میلیارد خورشید یعنی ستارهٔ ثابت ساخته شده است. مترلینگ

دستگاه بی سیم ما فقط میتواند یک نوع موج دریافت نماید و قادر بدریافت امواج چیزهای دیگر نیست ولی هزاران صدا و تصویر

و هیجان و فکر و حوادث و دستورها و تغییرات در این جهان بی پایان وجود دارد که دستگاه بی سیم ما قادر بدریافت آنها نیست ...

دنیای خورشیدی ما که مرکز آن خورشید میباشد هر سیصد میلیون سال یکمرتبه یک دایره ادر فضا طی مینماید و بعد از سیصد میلیون

سال مجدداً همین دایره را بهمان شکل اول در پیش گرفته و بپایان میرساند. مترلینگ

دوست ندارم جوانی را مگر اینکه یا دانشمند باشد یا دانش آموز . امام صادق(ع)

دانش اینستکه بدانید ، و بدانید که میدانید ، و بدانید که نمیدانید . مثل چینی

دانشمند فاسد جهانی را فاسد کند . مثل تازی

روزی خواهد شد که بتوان هر فکر و نگاهی را ضبط و ترجمه کرد چه رسوائیها که ببار خواهد آمد . حجازی

زگهواره تا گور دانش بجوی . حضرت محمد(ص)

زیباترین مانورها در مقابل گردش سیارات چه جلوه‌ای تواند داشت . ناپلئون

شاید مانند کودکی باشیم که در کنار دریا با سنگ ریزه و صدفهای زیبا بازی میکند اما غافل از اینیم که دریائی بس بزرگ و اقیانوسی بیکران در مقابل دیدگانمان وجود دارد که در اعماق آن اسرار عظیم و شگفت انگیز نهفته است . نیوتن

شما اگر زیتونی را تحت فشار قرار بدهید و روغن آنرا بیرون بیاورید باز در ذرات و اتم های زیتون مقدار زیادی فضای خالی باقی میماند و الکترون ذرات یعنی اتمهای آن همچنان با سرعت ثانیه‌ای چهل و هشت هزار کیلومتر در اطراف هسته مرکزی حرکت میکنند . مترلینگ

علم گنج و کلید آن سئوال است پس سؤال کنید . حضرت محمد(ص)

علم نعمت بزرگی است که در زندگی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود . حضرت امیر

عالم افضل است از هزار عابد و هزار زاهد و هزار مجتهد . امام صادق(ع)

علم بر سر تاج است و مال بر گردن غل . — خواجه عبدالله انصاری

علم مخوفترین بلای جان آدمیست ..... مصیبت آن از طاعون و قحطی و جنگ بیشتر است . — داستایوسکی

علم و دانش کلیدی است که تمام دربها با آن باز میشود . — آناتول فرانس

علم از خطا مبرا است ولی علما همواره خطا می کنند . — آناتول فرانس

علما در صدد ثابت نمودن هیچ امری بر نمی آیند . — استفنسن

علوم پاک در دلهای ناپاک قرار نگیرد . — سقراط

فردا هرگز دیر نخواهد بود اگر بدانید که در جستجوی دانش هستید . — ژان ژوند

فصاحت فرزند دانش است . دماغی که پر است مانند دخانه ای صاف و شفاف است . — دیزرائیلی

فکر و عقل دو دریای عظیمند مروارید شان حکمت و فرزانگی است . — حضرت امیر (ع)

فلسفه بآسانی بر بدبیهای گذشته و مصائب آینده پیروز میشود ولی بدبختیهای حال همیشه بر فلسفه ظفر مییابد . — لاردشفوگو

فلسفه غولی است دارای سرهای متعدد و هر یک از این سرها بزبانی دیگر تکلم میکند . — شوپنهاور

قرون تاریک باز خواهد گشت عصر حجر بر بالهای درخشان دانش باز خواهد گشت ، چه بسا امروز برکات بیقیاس بشر ارزانی میدارد یک روز مایه نابودی او شود . زنهار فرصت از دست نرود . — چرچیل

قلب دانشمند ترین فلاسفه و دانایان است کسیکه صاحب قلب پاک باشد به نصیحت حکما ، احتیاجی ندارد . — روسو

کسانیکه صاحب کرامت طبع و علو همت هستند هر چه بر میزان دانش و معرفت آنها افزوده شود بهمان اندازه حس گذشت و اغماضشان نسبت بنقایص و خطاهای دیگران بیشتر میشود چه میدانند که غالب مردم بواسطه ضعف نفس نمیتوانند در مقابل فریب نفس مقاومت نمایند . اسمایلز

کشوریکه افراد آن از علم و دانش بهره‌مند باشند دیگر طعم گرسنگی را نچشیده زندگی راحت و آسوده‌ای خواهند داشت . کنفوسیوس

کوشش برای کسب دانش نخستین و یگانه پایه فضیلت است . اسپینوزا

گاه از یک کلمه یک شعر یک آهنگ موسیقی یک گنجینه حکمت بیاموزیم . حجازی

گویندگان قدیم ایران بوسه را با آب دریا تشبیه کرده‌اند که هر کس برای رفع عطش آنرا بنوشد تشنه‌تر میشود در نظر من علم هم همین حال را دارد . سعید نفیسی

لذتی که از علم حاصل میشود بی‌آلایش است . افلاطون

لزومی ندارد حقیقت همیشه ساده و برای ما قابل فهم باشد ممکن است حقیقتی هم در جهان یافت شود که ما آنرا ندانسته و یا دانستن آن برای ما دشوار باشد . دکتر الکسی کارل

لذتیکه از علم و دانش حاصل میشود بالاترین لذتها میباشد . اسمایلز

مزیت باسوادان بر بی‌سوادان همانند برتری زندگان بر مردگان است . ارسطو

مغز ابلهان علم را باوهام و فلسفه را با بلهی و هنر را به فضل فروشی مبدل میکند . برنارد شاو

مرد خردمند رفته میداند. نگاه نکرده می بیند و عمل نکرده کار را به پایان میرساند. مثل تائو ته کینگ

ملتی که رو بانقراض میرود نخست دانش و فضیلت بی اعتنا میشود. دکتر پرویز خانلری

مؤمن همواره در جستجوی حکمت است. حضرت محمد

مؤمن تملق نمیگوید و حسد نمیبرد مگر در طلب علم. امام باقر

مهربانی حکمت است هیچ کس نیست که در زندگانی به آن نیاز نداشته باشد و باید آنرا بیاموزد. گ . بایلی

وزن مواد یکه بعضی ستاره ها از آن ساخته شده اند از حیث سنگینی هفت هزار برابر طلای سفید است در صورتی که ما میدانیم که طلای سفید سنگین ترین جسمی است که در روی زمین وجود دارد. مترلینگ

وقتی به شعلهٔ شمع میدمید و شمع خاموش میشود آن شعله کجا میرود؟ خواهید گفت نیست میشود ولی چنین چیزی محال است در دنیا یعنی در هستی هیچ چیزی نیست نخواهد شد. مترلینگ

وقتیکه یک برگ حرکت میکند تمام شاخه ها تکان میخورند. مثل چینی

هر چه جزیره دانش انسانی وسیعتر باشد حاصل شگفتی های او طولانی تر خواهد بود. ردلف ساکمن

هر متاعی ممکن است دزدی داشته باشد جز متاع دانش و خرد که از همه آفات مصون بوده و دارندهٔ آن محبوب و عزیز است. بهمن پور اسفندیار

هر چه زیادتر مطالعه کنیم زیادتر به عظمت عالم و کوچکی خود پی میبریم و از فهم اسرار هستی نا امید تر میشویم. حسینعلی دانشد

هر چه تمدن جلو میرود قدرت فردی کمتر میشود . ارتل هلیس

همهٔ اندیشه و گفتار و کردار نیک نتیجهٔ علم و معرفت است و همهٔ اندیشه و گفتار و کردار زشت ثمرهٔ نادانی . ویب بوستو

همینکه یقین قطعی دربارهٔ واقعیت حقیقی یکرای حاصل شد آن رأی مبدل به علم میشود . وو ند

هیچ هدیه‌ای مسلمان به برادر خود نداده که بهتر باشد از کلمهٔ حکمتی که هدایت او را افزون کند و یا از هلاکت او را برهاند . حضرت محمد(ص)

هیچ چیز چون خوی خوش نیست و هیچ دانش چون پیش اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری چون بی آزاری نیست . بزرگمهر

هرکس بر دانش خود میافزاید بر اندوه خود میافزاید . مثل عبری

همهٔ چیز چون بسیار شود خوار و ارزان گردد مگر علم و دانش که هرچه بیشتر شود عزیزتر باشد . مثل چینی

در عهد شباب چند سالی | کسب هنری کن و کمالی
تا آنکه بروزگار پیری | در ذلت و مسکنت نمیری

ایرج میرزا

ز دانش زنده مانی جاودانی | ز نادانی نیابی زندگانی
بود پیدا بر اهل علم اسرار | ولی پوشیده گشت از چشم اغیار
نه بهر خورد و خوابی همچو حیوان | برای حکمت و علمی چو انسان

ناصر خسرو

زمانی میاسای ز آموختن | اگر جان همی خواهی افروختن
نگهدار تن باش و آن خرد | چو خواهی که روزت به بد نگذرد

فردوسی

چه پرسند پرسندگان از هنر | نشاید که پاسخ دهی از گهر
گهر بی هنر ناپسند است و خوار | بر این داستان زد یکی هوشیار
توانا بود هر که دانا بود | ز دانش دل پیر برنا بود فردوسی

چشم دل باز کن که جان بینی — آنچه نادیدنی است آن بینی

گر به اقلیم عشق روی آری — همه آفاق گلستان بینی

دل هر ذره‌ای که بشکافی — آفتابیش در میان بینی

هاتف اصفهانی

صاحبدلی به مدرسه آمد ز خانقاه — بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عابد و عارف چه فرق بود؟ — تا اختیار کردی از آن این طریق را

گفت آن گلیم خویش برون می‌برد ز موج — وین سعی می‌کند که بگیرد غریق را

سعدی

طلب کردن علم از آن است فرض — که بی‌علم کس را به حق راه نیست

کسی ننگ دارد ز آموختن — که از ننگ نادانش آگاه نیست

رفیع قزوینی

علم چندانکه بیشتر خوانی — چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند — چارپایی بر او کتابی چند

سعدی

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره سری را

چو تو خود کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک اختری را

بسوزند چوب درختان بی بر
سزا خود همین است مر بی بری را

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

ناصر خسرو

هر علم را که کار نبندند چه فایده؟
چشم از برای آن بود آخر که بنگری

ترک هوی است کشتی ارباب معرفت
عارف بذات شو نه به دلق قلندری

؟

من به تو جز علم نگویم سخن
علم چو آمد به تو گوید چه کن

نصیحت نظامی به فرزند خود

توان شناخت به یک روز در شمایل مرد
که تا کجاش رسیده است پایگاه علوم

ولی ز باطنش ایمن مباش و غره مشو
که خبث نفس نگردد به سالها معلوم

سعدی

علوّ همت

ارزش هر کس به قدر همت اوست . حضرت امیر(ع)

از خارج در معرض هجوم بلایا و حوادث و اتفاقات و امراض و ناخوشیها و انواع مصائب و آلام فردی و اجتماعی هستیم و از داخل نیز دشمنانی قهار و بنیان کن چون کبر ، غرور ، ترس ، کینه ، غضب ، تشویش ، اضطراب ، حرص ، شهوات بر ما حمله و کمر با ایذاء و اذیت ما بسته اند . بنا بر این آیا جای آن نیست که با این همه دشمن قامت شجاعت راست کرده و در قلع و قمع آنها بذل همت و مجاهدت کنیم ؟

اشخاص بزرگ و با همت بکوه مانند هر چه با ایشان نزدیک شوی بیشتر عظمت و ابهت آنان بر تو معلوم میگردد و مردم پست و دون همت سراب را مانند که چون کمی با آنان نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند . گوته

افتخار مرد به همت بلند اوست نه با استخوان پوسیده گذشتگان . حضرت امیر(ع)

اگر چیزی بالاتر از زندگی وجود داشته باشد صحت است و اگر چیزی مانند آن یافت شود بی نیازی و علو همت میباشد . بوذرجمهر

اگر چیز بدشمنان بدهی به که از دوستان خواهی . ؟

بکوش که پست همت نباشی من چیزی ندیده ام که قدر انسان را بیشتر کوچک نماید از پست همتی . حضرت امیر(ع)

بلندی همت آنست که از هرچه در دست مردم است نظر برگیری . — حضرت امیر(ع)

چیزی را که ما در باطن خود نداریم آنرا در خارج نمیتوانیم ببینیم اگر در نفس شما بزرگی هست آنرا در فرد عامی هم پیدا خواهید کرد. — امرسن

در آب مردن به که از غوک زینهار خواستن . — ؟

صاحب همت در پیچ وخمهای زندگی هیچگاه با یأس و استیصال روبرو نخواهد شد . — ناپلئون

صاحب همت ثابت قدم بهر ناکامی ومشقت در مقام اندوه واضطراب نیفتد . — کلیله ودمنه

عده‌ای خیلی کم از مردم سرزنشهای مفید را به تعریفهای خائنانه که از ایشان بعمل بیاید ترجیح میدهند . — دیل کارنگی

علامت ونشان حقیقی اصالت وعلو شان . نوازش و ترحم آمیخته با بشاشت و خوشروئی است . — شکسپیر

مردمان بی همت وترسو از خوف ذلت وسختی همیشه در خواری وذلت زندگی کنند . — حضرت امیر(ع)

مرد بلند همت تا پایه بلند بدست نیاورد از پای طلب ننشیند . — کلیله ودمنه

ممکن است جسم ما دستخوش آفات شود از این بابت گناهی متوجه ما نمیشود ، ولی باید روح خود را از هجوم آفات ومصائب حیات حفظ کنیم . — سیسرون

همت مردان کوههار ا متلاشی کند . — حضرت امیر(ع)

همت آنست که هیچ حادثه و عارضه‌ای مانع آن نگردد . — ابن عطا

هنگامی که کسی به من اهانت میکند میکوشم تا نفس خود را چندان ارتقاء دهم که آن توهین وتحقیر نتواند بآن برسد . — ؟

درویشم و گدا و برابر نمی‌کنم — پشمین کلاه خویش به صد تاج خسروی

حافظ

همت بلند دار که مردان روزگار — از همت بلند به جایی رسیده‌اند

سعدی

گر فلک یک صبحدم با من گران باشد به سر — شام بیرون می‌روم چون آفتاب از کشورش

لاادری

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود — ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

حافظ

زیر بارند درختان که تعلق دارند — ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

حافظ شیرازی

تا میتوان ز آبله دست خورد نان — بهر چه خوشه چین بر پای شوی کسی

صائب تبریزی

گلی باید ایدل که تا آبروی — میان بزرگانت باقی بود

مجو نان اگر حاتمت نان دهد　　　مخور آب اگر خضر سقا بود

ابن یمین

ما آبروی خویش بگوهر نمی‌دهیم　　　بخل بجا بهمت حاتم برابر است

میتوان پوشید چشم از هر چه میباید بچشم　　　آنچه نتوان چشم از آن پوشید بی‌آبی بود

هر سری را در خور همت کلاهی داده‌اند　　　افسر دیوانگان باشد بجای خویشتن

همت آنست که از آوازه احسان گذرد　　　هر که این بار بنیرو طی نکند حاتم نیست

صائب تبریزی

دست حاجت ز در ناکس و کس کوته کن　　　آخر این دست ببر تو هنرها دارد

غیبت - عیبجوئی

آنکس که بینای عیب خویش باشد و چشمان خویش را برای عیب دیگران بکار نبندد از خردمندترین مردم است. حضرت امیر(ع)

آنکس که به غیبت گوش دهد در شمار یکی از غیبت کنندگان است. حضرت امیر(ع)

آنکس که سعی کند پرده از عیب دیگران بردارد ناگهان پرده از عیب خویش برداشته بیند و خود را رسوای عام و خاص یابد. امام صادق(ع)

آنکس که بآسانی و زود باوری افترائی را گوش داده و قبول میکند اخلاق پستی دارد یا اینکه عقل و فهم او از یک کودک بیشتر نیست. سنائی

آن سخنگوئی که در حضور تو نام دیگری را به زشتی بزبان آورد بدانکه تو نیز دومی آن شخص خواهی بود. شیخ بهاءالدین

از عیوب مردم چشم بپوشید و در عوض دیده به عیبهای خود باز کنید. فرصتی را که در راه عیبجوئی اشخاص دیگر صرف میکنید کافی است که در آن فرصت نقایص خود را رفع کنید. حضرت امیر(ع)

از مردم نمام بترس که هرچه وی بساعتی بشکافد به عمری نتوان دوخت. قابوسنامه

اشرار از کسانی هستند که عیوب مردم را جستجو کنند و بآن بچسبند و نیکوئی آنها را نادیده و فراموش گذارند مانند پشه که در جاهای کثیف و زخم بدن می‌نشیند و از جاهای تمیز دوری میکند. افلاطون

افترا جز سر و صدای مردم دیوانه چیزی نیست. دیوگنس

اگر محاسن دشمنان خود را بر زبان برانیم بهتر از آنست که معایب دوستان را بگوئیم. — لرد آویبوری

انتقاد توانائی مردم ناتوان است — لامارتین

بپرهیز از امیر نشستن با کسانیکه در جستجوی عیبهای دیگرانند چه هر گز همنشین آنها هم از عیبجوئی آنان آسوده نماند. — حضرت امیر(ع)

برادران خود را هر گاه غایب باشند بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه یاد نمایند یاد کنید. — امام صادق(ع)

به عیب خویش بینا باش. — خواجه عبدالله انصاری

به غیبت کنندگان بگوئید شما به قول خود بی گناه و معصومید آیا باین نکته توجه دارید که غیبت در حد خود گناهی بزرگ و غیر قابل بخشایش است. — حضرت امیر(ع)

چنانکه عیب دوستی و یا عیب شخص محتشمی بر تو معلوم شود زنهار مگوئی. — قابوسنامه

چون عیب دیگران جوئی و هنر خویش بیش از جستن عیب خویش از هنر دیگران غافل مباش که هر که بر عیب خویش و هنر دیگران واقف نشود هرگز از عیب پاک نگردد. — ؟

خبرهای دیگران باین سو و آن سو بردن همان اندازه بد است که برای دیگران خبر و داستان ساختن. — شریدان

خبرچینی سوداگری است. خرده فروشش کالا را به نسیه از دیگران میخرد و با بهائی بسیار ارزان بدیگران میفروشد متاع وی مانند سبزی و میوه زود گندیده میشود و باید بیدرنگ آنرا به فروش رساند زیرا اگر جنس وی تازه نباشد خریدار پیدا نمیکند. — ؟

خردمند آنکسکه چون بر معایب خویش مطلع شود باصلاح آن کوشد و هرگاه بر عیبهای مردم واقف گردد ستار گردد کند

وبرآن پرده عیب بپوشد . — جواهر الاخلاق

خرده سنگ را به کوزه بزنی و یا کوزه را روی سنگ بیندازی بار شکست با کوزه است . — مثل یوگسلاوی

در وظیفه خود استقامت جستن و خاموش ماندن بهترین پاسخ به تهمت است . — واشنگتن

دقایقی را که به عیبجوئی دیگران میگذرانیم اگر به تأمل در معایب خویش صرف کنیم هزار فایده میبریم که کوچکترین آن خودشناسی است . — ؟

در غیاب دشمن هم نباید حرف زد . — مثل یونانی

زیانکارترین عیبها عیب خود ندیدن است . — لقمان

سخن‌چینان که چشمان نجس و قلب ناپاک دارند از صمیمیت دیگران رنج میبرند . — حضرت امیر (ع)

سخن در میان دو دشمن چنان گوی که چون دوست گردند شرمزده نگردی . — سعدی

شخصیکه غیبت مردم میکند همانند زنبوری است که نیش میزند ولی عسل نمیدهد . — ؟

شخص غایب همیشه مورد سرزنش است . — مثل لهستانی

غیبت یعنی یاد کردن تو برادر خود را بچیزیکه خوشش نیاید اگر آنچه گفتنی در او باشد وی را غیبت کرده‌ای و الا براو بهتان زده‌ای . — حضرت محمد (ص)

غیبت نماینده ناتوانی است . — حضرت امیر (ع)

غیبت گناهی است که باسانی انجام میگیرد اما چون در جامعه رایج شود آبروی مردم را بباد میدهد اعتماد مردم را از یکدیگر سلب میکند و جامعه را از فوائد وجود افراد محروم میسازد — حسینعلی راشد

غیبت کسان مجوی و نان ممسک را مخور و آنچه را که خود ننهاده ای بر مگیر . — خواجه عبدالله انصاری

کاشکی میدانستم که مرا غیبت میکند؟ که مرا دشمن میدارد؟ و که بد میگوید؟ تا او را سیم و زر فرستادمی که چون کار من میکند - از مال من نیز خرج کند . — تذکرة الاولیاء

کسیکه نظر عیبجوئی بمردم کند کور عیب خودش است و کسیکه نظر بعیب خود کند کور عیب دیگران . — ذوالنون

مردم بزهکار دوست دارند غیبت دیگران را آشکار سازند تا برای تباهکاریهای خود عذر و بهانه ای جویند . — حضرت ایزد

مردمان را عیب نهانی آشکار مکن که ایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد . — سعدی

مردم حتی وقتی هم که از شما میخواهند معایبشان را آشکار آبانها بگوئید انتظار مدیحه سرائی دارند . — ساموست موام

مردم را در غیب همان گوی که در روی توانی گفت . — خواجه عبدالله انصاری

مشکلترین چیزها اینستکه انسان خود را بشناسد و آسانترین کارها اینست که از دیگران عیبجوئی کند . — لود آویبوری

وقتی مردم از کسی تعریف میکنند کمتر کسی هست که باور کند . ولی وقتیکه از کسی بدگوئی کنند همه باورش مینمایند . — ؟

هر که تفحص و تفتیش معایب دوستان کند دشمن مانند تر است . — معین الدین جوینی

هرگاه بخواهی عیب برادرت را باز گوئی نخست عیب خودت را بیاد آر . — ابن عباس

یکی به سوی حکیمی رفت و گفت ، فلانکس در حق تو چیزی گفت است گفت از این گفتنی سه خیانت کردی ، برادری را در دل من ناخوش کردی و دل فارغ مرا مشغول نمودی و خود را نزد من فاسق و متهم گردانیدی . — کیمیای سعادت

آنان که دل به غیبت من شاد میکنند / باری بر آن خوشم که مرا یاد میکنند

حاجی تهرانی

از عیب کسان زبان فرو بند / عیبش به زبان خویش مپسند

ایرج میرزا

به عیب خویش بپرداز تا شوی بی عیب / مباش آینهٔ عیب دیگران زنهار

صائب تبریزی

پاک کن از غیبت مردم دهان خویش را / ای که از مسواک هر دم میکنی دندان سفید

صائب تبریزی

چنین خود همه عیبی چه کنی عیب کسان فاش / بر غیر چه خندی چو تو خود برتر از آنی

قاآنی

زبان کرد شخصی به غیبت دراز / بدو گفت داننده‌ای سرفراز

مکن غیبت هیچکس را عیان / که فرضه داشو بر تو غیبت عیان

سعدی

سخن چینی و نمّامی در یک نفس / خلاف افکند در میان دو کس

نیز بُرم ز تمام سیه گشته تر ، گون طالع و بخت برگشته تر

سعدی

عیب خود در پس آئینه نگه داشته‌ای ، تو که آئینه به عیب دگران داشته‌ای

میرزا حسین اصفهانی

کار مردان روشنی و گرمی است ، کار دونان حیلت و بی‌شرمی است

مولوی

همه حمال عیب خویشتنیم ، طعنه بر عیب دیگران چه زنیم

سعدی

تو عیب کسان هیچگونه مجوی ، که عیب آورد بر تو بر عیب‌جوی

چو عیب تن خویش داند کسی ، ز عیب کسان برنگوید بسی

بگویش که عیب کسان کم بجوی ، جز آنکه که بر تابی از عیب روی

سخن‌چین و بی‌دانش و چاره‌گر * نباید که یابند پیشت گذر

سخن‌چین و دوروی و پیکارمرد ، دل هوشیاران کند پر ز درد

فردوسی

فداکاری

آباد کردن کشور، مبارزه با فقر و جهالت، تعمیم فرهنگ و بهداشت، بی تردید از هدفهای مقدس و عالی میباشد اما اجرای آنها تنها با حرف امکان پذیر نیست باید کار کرد کار مداوم و طولانی باید هزاران مطلب را در نظر گرفت و هزاران کار را انجام داد.

آن کس که از اول میداند به کجا میرود خیلی دور نخواهد رفت. — ناپلئون

آنکس که در راه پسند خاطر خود دست از جان بشوید بزرگ نیست بلکه آنکس بزرگ است که در راه دیگران از خود میگذرد بعقیده من اسارت و بندگی مردم بخود ایشان و به اندازه تحمل رنج و قبول فداکاری ایشان بستگی دارد. — گاندی

اقتدار عالی و بی تجدید انسان فقط در فداکاری است فداکاری شرط اساسی هر بزرگی است. — ویکتور هوگو

برای فداکاری وسایل و اسباب لزومی ندارد هیچ جمعیت از خودگذشته را نمیتوان مضمحل نمود. — ناپلئون

برای تحقق آرزوی تو خواه امیر باشی خواه گدا در برابر طبیعت فرق نمیکند و برای همه یک بها معین شده است و آن فداکاری و از خودگذشتگی است. — دکتر ماردن

بهترین مردم سودمندترین آنان بحال دیگران هستند. — حضرت محمد(ص)

تو میکوشی که آسوده تر باشی. من میکوشم که دیگران آسوده تر از من باشند. — سعید نفیسی

حسن معاشرت مرکب از فداکاری ها و گذشتهای کوچک است. — امرسون

خود را قربانی کنیم بهتر است که دیگران را. — گاندی

دانشمند شیمی که با مواد خطرناک به آزمایش میپردازد و پزشکی که در معرض ابتلا به امراض مسری است همه بموجب وظیفه شغلی و برای احسان بنوع خود فداکاری میکنند. — جان کاینرل

دست یاری دادن بیش از دیدن ما را گرم میکند. — جولیا وارد هود

سربازی یعنی فداکاری و بس معنی دیگری ندارد. — ؟

فداکردن جان در دو مورد خوب است اول اینکه چاره منحصر به فرد باشد و هیچ وسیله دیگری غیر از ایثار جان نتوان مقصود را انجام داد. دوم آنکه بدانیم از آن فداکاری دیگران خوشبخت خواهند شد. — مترلینگ

فداکاری بدون امیدواری منتهی درجه فضیلت انسانی است. — لوفری

هرچه به فداکاری و مهرورزی خو بگیریم کاملتر و خوشبخت تر خواهیم شد چرا که هیچ حالی باندازه جوانمردی و مهربانی بسلامتی روح ما کمک نمیکند. — جان کاینرل

هر کجا میروی با تمام قلب برو. — ؟

دلیری ز هشیار بودن بود — دلاور سزاوار ستودن بود

فردوسی

گر بر سر نفس خود امیری مردی — ور بر دگری نکته نگیری مردی

مردی نبود فتاده را پای زدن — گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

پوریای ولی

مردی و مردانگی آن است برادر به گوش — تا توانی دستگیری و مددکاری کنی

بینی ار افتاده‌ای از دستگیری دم زنی — ور گران باری ببینی بار برداری کنی

کینه و بغض و حسد هر چند بینی از کسان — سینه را از کینه و بغض و حسد عاری کنی

خوی خوش با زشت خویان راستی با کج‌روان — با بدان نیکی و با نایارها یاری کنی

شیخ تقی جبروتی

همیشه جوان و جوانمرد باش — ز دونی و بی‌حاصلی فرد باش

که نام جوانمرد ماند در جهان — بود زنده نزد کهان و مهان

جوانمردی از کارها بهتر است — جوانمردی از خوی پیغمبر است

بدایعی بلخی

فروتنی

آفت زیبائی خودپسندی و کبر است . — حضرت محمد

آنکه پرنده غیبت نباید بر پرلگاهها آشیان سازد . — نیچه

آنانکه ترک دنیا میکنند بهترین راه استفاده از دنیا را یافته اند . — حجازی

آیا بخاطر دارید که در دورهٔ حیات از دست شخصیت خودتان و آنچه را که بنام من میخوانید چقدر صدمه کشیده اید تمام اوقات تلخیها و مصائب و صدمات و بدبختی ها و ناکامیهای شما در طول مدت حیات از دست همین من بوده است . — ترلکینگ

آتش را نمیتوان با آتش خاموش کرد . — مثل یونانی

آسانترین راه برای از بین بردن افتخارات خودستائی است . — مثل ایرانی

ارزش واقعی هستی بشر در ابتدا به مقیاس احساسی بستگی دارد که بوسیله آن از دام خود پرستی رسته است و به چه پایه ای از آن از قید مادی آزاد شده باشد . — اینشتین

از خودخواهی خود را دچار بلا نکن — ؟

اگر چیزی بالاتر از زندگی وجود داشته باشد صحت است و اگر چیزی مانند آن یافت شود بی نیازی و علو طبع است . — بزرگمهر

اگر انسان یکروز از خودخواهی بگذرد همه او را نیک خواهند گفت . کنفوسیوس

اگر بدانیم که در این زمان و مکان بی پایان چه دوام و بقا و اهمیتی داریم شرمنده بجای خود می نشینیم . حجازی

اگر متکبر نباشیم از کبر دیگران شکایت نخواهیم کرد . لاردشفوگو

اگر میدانید خطاکار هستید بیدرنگ و از صمیم قلب بخطای خود اعتراف نمائید . دیل کارنگی

اگر متواضع باشید کمتر مورد حسد واقع میشوید . ابن مقفع

انسان مانند دودخانه است هرچه عمیق تر باشد آرامتر است . منتسکیو

اولین پاداش شخص بردبار این است که مردم او را در مقابل جاهل یاری میکنند . حضرت امیر

ای حیوانات دوپای موجودات مسکین که بواسطهٔ داشتن زبان خود را اشرف مخلوقات میدانند اگر گرگهای بیابان زبان میداشتند به شما میگفتند که شریرترین موجودات گیتی هستید ، دفتر زندگی شما از لکه های جرم و جنایت تاریک است . ؟

اینشتین دانشمند و ریاضیدان معروف در جواب زنش که از لباس نامرتب او ایراد میگرفت . گفت تأسف آور است که تو میخواهی کیسه ای از محتویاتش عالی تر باشد .

بدترین خلق کسی است که مردم از او بترسند . ؟

بردباری بهترین وسیلهٔ رفع هر نوع ناراحتی است . پلوتوس

بشر موجودی است که باید بر خود غلبه کند . نیچه

بکوش تا آنچه را که علاجی ندارد با مدارا تحمل کنی . پند زنده ابنان بسقراط

با پیران همچنان سلوک کن که با پدرت سلوک میکنی . مثل ژاپونی

بجای خودت بنشین کسی بلندت نخواهد کرد . مثل امریکائی

پرده عفو و درا از پیش خود بر دارید زیرا این پرده نمیگذارد که دیدنیها را ببینید و شنیدنیها را بشنوید . حضرت امیر

پنهان داشتن سختیها از جوانمردی است . حضرت امیر

تا به پل نرسیده ای از آن عبور مکن و برای شیر ریخته شیون راه نینداز . دیل کارنگی

تحمل و بردباری بالاترین جرئت و جسارت است . پاستور

تعصب در علم و فلسفه مانند هر تعصب دیگر نشانه خامی و بیمایگی است و همیشه بزیان حقیقت تمام میشود و در شان خردمندان نیست . بوعلی سینا

تکبر در همه مردم بطور یکسان وجود دارد . تفاوتی که هست در طرز بروز آنست . لارشفوکو

تکبر ، تشخص ، خودپرستی ، عشق بخود ناشی از منبع فقی است . ؟

تکبر و خست هزاران صفت خوب را میپوشاند . کنفوسیوس

تنها راه سعادت همانا سادگی و شبیه شدن بمردم ساده است و باقی همه فریب و دردسر است . جمالزاده

تنبل ترین و ضعیف النفس ترین اعضای جامعه بیش از همه شکوه و شکایت دارند. بدترین اقسام چرخ‌ها چرخی است که صدا و هیاهوی آن زیادتر است. — اسمایلز

تو شخص بزرگی هستی، مقتدری، کاری بکن که من قدر تو را بدانم و حرمت بشمارم. — لابرویر

تواضع بیجا آخرین حد تکبر است. — لابرویر

تواضع با همه کس بکار دار و هیچ متواضع را حقیر مشمار. — اخلاق ناصری

جمال و کمال، مال و جلال عوامل موفقیت هستند و مردم را بطرف خود جلب میکنند ولی جاذبه هیچکدام باندازه سادگی نیست. — ؟

خطائی که تو را پشیمان و فروتن کند بهتر از ثوابی است که تو را سرکش و خودبین سازد. — حضرت امیر(ع)

خود را از پایه‌ای که داری فروتر آر تا مردم ترا از پایه‌ات فراتر برند. — حضرت امیر(ع)

خیلی دشوار است که انسان قائل شود که جهان را برای او نیافریده‌اند. — مترلینگ

خیال آسوده از دامان مادر امن‌تر و آسایش خاطر از گنج قارون گرانبهاتر است. — ؟

خودستائی جان من برهان نادانی بود. — مثل ایرانی

دانائی عمده انسان در این نهفته است که به حماقت خود پی ببرد. — لاروشفوکو

دانی که اثر حکمت در مرد حکیم کی ظاهر شود آنوقت که خویشتن را ناچیز و حقیر میشمارد. — سقراط

در مقابل فروتنان تواضع کنید و مقابل متکبران تکبر نمائید. — حضرت محمد(ص)

درختان بارور خم میشوند و مردان بزرگ متواضع میباشند فقط شاخه های خشک و مردان نادان هستند که میشکنند اما خم نمیشوند . — مثل سانسکریت

سعی مکن بر ضد جریان با آب دهن اندازی . — نیچه

سعادتمند کسی است که هر چه مسن تر شود مشفق تر گردد . — گوته

سلوک و رفتار آئینه ای است که در آن آدمی تصویر خویشتن را نشان میدهد . — گوته

سه عادت از عادت نااهلان است یکی خود را بی عیب پنداشتن دوم دیگران را در مرتبهٔ دانش از خود فروتر نهادن سوم بعلم خویش خرم بودن و خود را به قدم انتها دانستن و در غایت کمال پنداشتن . — مرزبان نامه

سنگین ترین خوشه آنست که بیشتر سرش بطرف زمین خم شده است . — مثل ایرلندی

سوار اسب که شدی پیاده ها را از یاد مبر . — مثل تازی

شبلی گفت از یوسف انبساط پرسیدند که غایت تواضع چیست؟ گفت: آنکه از خانه بیرون آئی هر که را بینی چنان دانی که از تو بهتر است . — تذکرة الاولیاء

صرف نظر کردن از حاجت بهتر از خواهش از نااهلان است . — ؟

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردمان کوچک آشکار میشود . — دیل کارنگی

فروتنی زیور علم و کمالست و زینت جاه و جلال اهل هنر اگر فروتن باشند هنر آنان بهتر جلوه کند همچنانکه سایه عکس

عکس را برجسته نمودار میکند. فروتنی هنر را نمایان میکند. ؟

فروتنی آن نیست که انسان ذوق و استعداد خود را پنهان سازد و تصور کند که کوچکتر و بدتر از آنچه هست میباشد بلکه

عبارت است از شناختن کامل نقایص و کمبودهای خویش. لاکوردر

فقط با اطاعت از طبیعت میتوان به آن چیره گردید. ؟

کسیکه هیچ چیز را تحمّل نمیکند، خود او نیز تحمل ناپذیر است. پی یو ژانه

گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست. لائوتسه

ما باید خیلی خودپسند باشیم اگر تصور کنیم که ما برجسته ترین موجودات دنیا هستیم در این دنیا نزدیک بصد میلیارد کهکشان

وجود دارد که هر یک از آنها چندین میلیون خورشید دارند که شبیه بما یا عالی تر میباشند و هر روز عده‌ای باهم تصادم

میکنند و در هیچ جای دنیا کسی برآنها غصه نمیخورد و مجلس ترحیم و تذکر برپا نمی نماید. مترلینگ

متانت قلعه ایست که شخص را در پناه خود از صدمات روزگار حفظ میکند متانت سپری است در مقابل تیرهای حوادث

و زحمات و بلایا و موانع که در طریق حیات از هر طرف بسوی انسان پرتاب میشود. ایرانشهر

مرد بزرگ بخود سخت میگیرد، مرد کوچک بدیگران. کنفوسیوس

من نمیدانم که جهان مرا چه میپندارد؟ اما من خودم را همچون کودکی می بینم که در کنار ساحل به بازی سرگرم است و گاه و

بیگاه خودم را با یافتن سنگریزه ها و یا گوش ماهی های زیباتر و صافتر از معمول دلخوش میکنم حال آنکه اقیانوس بزرگ

حقیقت که هنوز کشف نشده پیش رویم گسترده شده است .

نیوتن

هر صاحب نعمتی مورد حسد دیگران است جز متواضع که از شر حاسد در امان است .

حضرت محمد (ص)

هرگز از خودتان نگوئید و تعریف نکنید. بگذارید اگر صفاتی دارید از دهان دیگران شنیده شود .

جان کاپیزل

هر که بیشتر خود را بخواهد بیشتر رنج میبرد .

تاوته کینگ

هرگاه غضب شما را از جاده اعتدال خارج ساخت فوراً با آئینه نگاه کنید بی اختیار بخود میخندید .

دوموسو

هر قدر هم در قلمرو خودپرستی اکتشافات تازه ای بعمل آید باز مناطقی در آن وجود خواهد داشت که ناشناس باقی مانده اند؟

هر چه غرور بیشتر باشد سقوطش در دره ها عمیقتر و بیشتر است .

؟

همیشه از من بیاد داشته باشید که در طوفان و تلاطم دریای زندگی به کشتی نجات اندر شوید. سیلاب خروشان کوه افکن همین که در آغوش آرام و بحر بیکرانه اقیانوس قرار گیرد یکباره جنب و جوش و غوغای خود را فراموش میکند. حضرت امیر (ع)

هیچ عیب ندارد که شما فهیم و فیلسوف باشید ولی اگر هستید طوری رفتار کنید که کسانیکه با شما حرف میزنند شما را بسادگی خودشان تصور کنند .

آناتول فرانس

هر انسان جاه طلب اسیری است و هر آزمند گدائی .

مثل تازی

هرگز منشین در جای مردیکه میتواند به تو بگوید برخیز .

مثل تازی

انسان یکی بهتر شود از فتادگی هر دانه‌ای که خاک‌نشین گشت خرمن است

کاتبی ترشیزی

تواضع مر ترا دارد گرامی ز کبر آیی بری در نیکنامی

ناصر خسرو

چو نخل بی‌بر اگر فیض من به کس نرسد برای سوختن آخر به کار آییم

راهب گیلانی

خواهی عزیز دهر شوی خاک راه باش در دیده‌ها ز سرمه شدن جاست سنگ را

شفیع

خواهی بلند مرتبه گردی میان خلق میکن به هر مقام که هستی فروتنی

حمیدی شیرازی

خود را شکفته دار به هر حالتی که هست خونی که می‌خوری به دل روزگار کن

صائب تبریزی

فروتنی است دلیل رسیدن به کمال که چون سوار به منزل رسید پیاده شود

صائب تبریزی

قطره بودیم و به همچشمی بحر دم میزد
نظر از خویش چو بستیم ره دریا دیدیم

ملا رضا عشقی گنجه

گر مقام خاک راه آن ستمگر نیستی
چون زمین از آفرینش بار غم باید کشید

[illegible] یغمائی

راه صفا گزین و طریق فروتنی
کاین در پناه عفو توان یافت ایمنی

فرماندهان که فر حکومت نیافتند
آن عزتی که یافته‌ام از فروتنی

تعظیم راستان کنم اما تن مباد
آن سر که پیش خودسران برافکنی

گیتی پر از عدو کنی از آنکه خویشتن
چون کرم پیله تار عداوت فرو تنی

من دشمنی ندارم و دانم عجب که خورد
سنگی بجام عشرتم از راه دشمنی

بازت بگویم ارچه صد ستم گفتنیست
این دولت دو روزه نیرزد به دشمنی

پژمان بختیاری

فضیلت

برای بقای دوستی باید فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و به همدیگر به دیده احترام بنگرند. — ارسطو

برخی از خطاهاست که اگر درست بکار گرفته شود از فضیلت هم ثمربخش تر است. — لادر شفوگو

بسیاری از مردم فضیلت را در پشیمان شدن از خطا میدانند بجای احتراز کردن از آنها. — لینجستنبرک

بنظر من فضیلت یعنی محبت داشتن به آدمیان. — کنفوسیوس

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان خود میگذارند فضائل آثار خوب است. — سیسرون

بهترین آثار روحانیت آن چیزیست که نتوان شرح داد. — ؟

بیش از هنرم به فضیلت مدیونم که نگذاشت با خودکشی بزندگی خود خاتمه دهم. — بتهوون

پاکدامنی شهوت را فرو نشاند. — حضرت امیر (ع)

تکمیل فضائل اخلاقی اگر یگانه هدف تعلیم و تربیت نباشد لااقل بزرگترین هدف آن است. — ؟

تمام طلاهای روی زمین و زیر زمین به قدر یک فضیلت ارزش ندارد. — افلاطون

جائیکه کوشش و مجاهده وجود ندارد فضیلت و تقوی معدوم است . — برناردن

جائی برو که ترا بخوانند . نه جائیکه از درت برانند . — ؟

جهان بزرگ است و آدمیزاده کوچک است اما آدمیزاده میتواند چنان بزرگ شود که جهان در برابرش کوچک گردد . سعید نفیسی

چون خرد به فزونی رسید . خواهش و شهوت کاستی گیرد . — حضرت امیر(ع)

حاصل من از فضل فقط این شد که بر جهل خود دانا شدم . — بقراط

حجب و حیا تنها آرایش است بلکه نگهبان فضیلت است . — ادیسن

حدودی وجود دارد که وقتی فضیلت از آن بگذرد شایستگی به ناشایستگی و لذت بزحمت مبدل شود . — ژذدسیون

حقیر شمردن مرگ یکی از عمده ترین فضایل اخلاقی است . — مونتن

خدایان در راه فضیلت سدهائی از رنج و درد برپا کرده اند اما از طرف دیگر وقتی آدمی بر این مشکلات فائق آمد و از سدها گذشت فضیلت بدست آمده کار آسانیست . — افلاطون

خوشبخت ترین افراد کسی است که فضیلت دیگران را قدر بداند و از خوشبختی دیگران نیز احساس مسرت کند . گوته

خویشتن را نگاه دار از کرداری که اگر از تو بپرسند شرمگین شوی و انکار کنی . — حضرت امیر(ع)

به چشمان برادرت نگاه کن و ببین که نور نیکی از آنها میدرخشد و یا آتش غضب بیرون میجهد و تاثیری را که این دو برق در روح تو دارد احساس کن و از آنجا پی ببر که فضیلت نیز بطور معجزه آمیز از انسانی دیگر منتقل میشود . — کارلایل

در انسان نعمتی از این بهتر نیست که به مقدرات خود سر تسلیم فرود آورد، و مزه عظمت آن را بچشد . — داستایوسکی

در زندگی چنان رفتار کن که گوئی بر سر خوانی نشسته ای. اگر غذائی به تو تعارف شد با ملایمت آن را بگیر. اگر بناست آن را از پیش تو ببرند آن را نگاه مدار. اگر بطرف تو نیامد چنان مکن که از آرزوی تو باخبر شوند بلکه چندان صبر کن تا نوبت بتو رسد . — اپیکتتوس

سادگی در رفتار آخرین کمال است. بسیاری از مردم از ترس آنکه مبادا آنان را معمولی فرض کنند از طبیعی بودن هراسانند . — جفری

سودی که یکی میرساند هم هر اندازه خود بخود عالی باشد باز هم با رزش تقدیم آن میتواند بی اندازه شیرین تر و بهتر شود. فضیلت در نیت است، سود در بکار بردن صحیح آنست ولی زیبائی و آرایش انجام وظیفه در روش آن است . — سنکا

شجاعت قهرمانانه ملتی را در هنگام سختی میتواند نجات دهد، اما فقط تراکم روزانه فضیلت های کوچک است که عظمت او را محکم میسازد. — گوستاو لوبون

شما فضیلت خود تان را آنقدر دوست میدارید که یک مادر بچه خود را. اما هرگز شنیده اید که مادری از محبت خود به فرزند خویش پاداش بخواهد . — نیچه

ضروری ترین فضیلتها دو چیز است اعتدال و فطانت. بدون آنها هر اقدام بی نتیجه میماند و ثمر سخت ترین کوششها ضایع میشود . — شیللر

فضائل ما اغلب همان رذائل ما هستند منتهی در لباس مبدل . — لاروشفوکو

فضائل را نه از راه بیم و امید بلکه برای خاطر خود آنها باید کسب نمود زیرا صحت و جمال روح بسته با نهاست فضیلت سرچشمه آسایش و رفاه روح است . افلاطون

فضائل کوچک در نزد عوام جلب تحسین میکند و فضایل متوسط باعث تحیر ایشان میشود و فضائل عالیه را اصلا نمی فهمند فرانسیس بیکن

فضیلت اخلاقی در تکمیل جامعهٔ بشری درجه و مقام نخستین را پیدا میکند . کنفوسیوس

فضیلت هر قدر هم در خوشبختی ما تأثیری به بخشد باز شایسته این است که ما بدنبال آن برویم و در بدست آوردنش زحمت بکشیم . ارسطو

فضیلت پرهیز از رذیلت نیست بلکه بی میلی نسبت بآنست . شاو

فضیلت را با کردار نه با گفتار پرورش میتوان داد . لومینوس

فضیلت چون با آداب ناپسند توأم شود مایه دردسر است . کوئینوز میدلتون

فضیلت نمیتواند تنهائی بسر برد . خواه ناخواه همسایگانی پیدا خواهد کرد . مثل چینی

فضیلتی که خریده شده باشد همواره گران است . مثل چینی

کسی که بکرامت نفس و شرف آدمی علاقه دارد ، حتماً باید از گناه بپرهیزد . حضرت امیر (ع)

کسانیکه دارای یک فضیلت هستند همدیگر را دوست میدارند . مثل چینی

گناه از سه راه میسر است خود گناه کردن اجازهٔ گناه دادن گناه دیگری را پسندیدن . حکمت چین هند

مرد بسیرت مرد آید نه بصورت . عطار

مردیکه دارای عزم نیرومند و اخلاقی متین است هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوسهای زندگی نمیکند آری

مردانی در این جهان زندگی کرده اند که برای تکمیل و حفظ فضایل اخلاقی جسم و جان خود را فدا ساخته اند . کنفوسیوس

موظفم هر روز از خویشتن بخواهم تا پاسخ دهد ؛ امروز کدامیک از عیوب شفا یافت . کدام غریزه ناپاک مغلوب

شد و از چه نظر بهتر از دیروز گشتی . سنکا

وقتیکه مرد در معنوی و اخلاقی خود را کشف کرد باید روح خود را پرستاری کند چنانکه بازو و پای خود را پرستاری مینماید . پلوتن

هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست با آنچه سزاوار است میرسد . بوذرجمهر

هر یک از ثمرات فضیلتهای شما مانند ستاره ای است خاموش میشود ولی پرتو آن هنوز در جاده نجومی خود طی مراحل

میکند ؛ همچنین پرتو اعمال حسنه شما راه می پیماید حتّی در صورتیکه خود عمل مدتهاست بانجام رسیده باشد پس هر قدر اعمال

شما فراموش شود اشعه آنها همیشه فروزان خواهد ماند . نیچه

هر که به فضیلت ایمان نداشته باشد خود نیز فضیلتی ندارد انسان گاهی از فضائلی صحبت میکند که خود دارد ولی غالباً

از فضائلی که خودش از آنها محروم است حرف نمیزند . لینک

همانطور باش که تلاش میکنی دیگران بشوند ، وجودت موعظت باشد نه سخنانت . آی ال

بلطف و رحمت دلها نگهدار — کس از دست و زبان خود میازار

چو مرهم خسته را راحت رسان باش — بسختی چاره بیچارگان باش

بجو دلشان بخلق و خوبروئی — که این است ای برادر جان نکوئی

ناصر خسرو

بزرگی و افزونی و راستی — همه گیرد از خوی بر کاستی

ز خوی بر آید همه بد رگی — نگر تا بوی خوی بر بنگری

چو نیکو منش باشی و بردبار — نگری بچشم خردمند خوار

از آن پاکدین ترکسی را مجوی — که خوانند خلقش پسندیده خوی

فردوسی

طبع دلجو خوشتر از گنج زر و کان گهر — خوی نیکو بهتر از شاهی و ملک بیکران

فرخی

بکن خلق را از سر فضل و فن — بخود رام با خلق و خوی حسن

با صدق با همه که بینی بساز — اگر زیر دست است اگر سرفراز

حرره الاحقر

فقر ـ تنگدستی

آنکس که نخواهد بهره ای از آسایش و ثروت خویش برای خیر دیگران ببخشد خسیس، احمق و فقیر افسرده ای است. جوآنا بایلی

این قاعده کلی است که هرکس هرچه ندارد بیشتر از آن دم میزند. محمد مسعود

احتیاج همه چیز را تغییر میدهد. مثل بلغارستانی

بخت و اقبال اصطلاحی است که ضعفا بکار میبرند و عذر و بهانه ای برای ارتکاب هر نوع اشتباه است، افراد توانا و فاضل بوجود سرنوشت عقیده ندارند. راسفود

بدترین حالت برای انسان موقعی است که تنگدست و زیردست باشد. روسو

بزرگترین حسن فقر بعد از دولت شناختن و تمیز دوست از دشمنان. علی علیه السلام

بیشتر جنایات و مفاسد اخلاقی ناشی از بدبختی است، ‌تنگانه منبع و سرچشمه بدبختی بشر دروغ و دروغ یکی از فرزندان فقر و تنگدستی است. حضرت محمد (ص)

بمیر اما گدا مباش. مثل فرانسوی

تنگدستی نه تنها برای اندیشه بلکه هنر نیز آموزگار خوبی است.

رومن رولاند

تهی دستان که نیاز و حسد را بدل راه نداده‌اند پرچمداران غرور و سربلندی تبار انسانند.

آرمنهایم

خواب گنج مرد فقیر است.

مثل لاتویا

سرنوشت چیزی است که انسان فقط وقتی اوضاعش بخوبی میگذرد به آن اعتقاد دارد و وقتی مشکلات از بین رفت سرنوشت هم فراموشش میشود.

؟

عادل باش گرچه گدا باشی.

مثل فرانسوی

فرق دزد و پولدار آنست که دزد مال اغنیا را میدزدد و مالدار پول فقرا را.

برنارد شاو

فقری سخت‌تر از نادانی و ثروتی بالاتر از خردمندی و عبادتی والاتر از تفکر نیست.

حضرت محمد(ص)

فقر که از در آمد عشق از پنجره فرار میکند.

حضرت امیر(ع)

فقیر برای سیر کردن شکمش در عذاب است و غنی برای معالجهٔ ناراحتی.

فرانکلین

فقر و مسکنت مردان را به جنایت و زنان را به فحشاء سوق میدهد.

هوگو

فقیر آن نیست که کم دارد بلکه آن است که بیشتر می‌طلبد.

سنکا

فقیر از بعضی نعمتهای دنیا ولی خسیس از همهٔ نعمتها محروم است.

لابرویر

فقر بدترین نگهبان عفت است.

مثل ایتالیائی

فقر هر فضیلتی را از بین میبرد .　　　مثل عبری

فقر راه فضیلت و تقوی را مسدود میسازد .　　　مثل لاتین

قرض فقری است توام با مصیبت .　　　مثل ایتالیائی

قرض خوره عمر است .　　　مثل ایتالیائی

قرض عفریتی است که اگر سایه اش بر تو افتاد عقب رفتنی نیست .　　　مثل روسی

کم روئی برای نیازمندان سودمند نیست .　　　افلاطون

کسیکه پا دارد و گدائی میکند، پاهای او زیادی است .　　　مثل عربی

گاهی کار فقر و بیچارگی بجائی میرسد که رشته‌ها و پیوندها را میگسلد این مرحله ایست که تیره بختان و سیاهکاران چون بدانجا رسند در هم آمیخته و در یک کلمه که کلمهٔ شومی است شریک میشوند این کلمه بینوایان است .　　　هوگو

گسیختن رشتهٔ علایق فرزندی عزیزه بعضی خانوادگان بینواست .　　　هوگو

گداهر قدر گردنش راکج‌تر نگاه دارد بیشتر دروغ میگوید .　　　مثل اسکاتلندی

مادر هر عیبی فقر و پریشانی است .　　　روسو

مدیون همیشه برده دائم است از این خجلت و اسارت احتراز کن ، و مآل اندیش باش تا آزادی تو همیشه مأمون باشد.

معمولاً به گدایان و بینوایان که ریزه خوار خوان دیگرانند چندشاهی میدهیم و گمان میکنیم با آنها مساعدت کرده‌ایم

نمیدانیم که با این کار آنها را بیچاره تر و رشته دریوزگی را بگردنشان محکمتر میسازیم، چه خوب بود اگر حس اعتماد و استقلال

را که در آنها بخواب رفته بیدار میکردیم و راه زندگی را جلو پایشان میگذاشتیم. لرد آویبوری

و هنگامیکه خود را برای بدترین وضع آماده کنیم نگرانی در ما اثر ندارد. دیل کارنگی

هرچه ما را محدود میکند آن را بخت و اقبال میخوانیم. امرسن

در مکتب فقر و تنگدستی چه بسا بخاطر عواطف و احساسات و فعالیتها نویسندگان و شعرا و مخترعان نامدار پرورش

یافته است. بیشتر بزرگان علم فرزندان فقر و تنگدستی بوده اند. غ - ذ

یک قطعه نان چیز مهمی نیست اما برای ولگردی که از گرسنگی میمیرد همه چیز است. ژرژ سوویت

تنگدستی مرگ را در کام شیرین میکند
بید از بیحاصلی بر خویشتن خنجر کشید

ز ما تلخی نه ما نغمهٔ عشرت کجی خیزد
سپند از آتش ما تنگدستان بینوا خیزد

همطالع بیدیم در این باغ که باشد
سر پیش فکندن ثمر زودرس ماست

دل دشمن به تهیدستی من میسوزد
برق از این مزرعه با دیدهٔ تر میگذرد

تهیدستی سخن را از زبان دیگر میدهد نصیب
نیارد نالهٔ جانسوز نی چون پر شکر باشد

تا آتش از دلم نکشد شعله چون چنار
باور نمیکنند تهیدستی مرا

صائب تبریزی

قانون

آدمی نمیتواند به طبیعت فرمان بدهد مگر آنکه قوانین لایزال آنرا بپذیرد در صورت این شناسائی است که طبیعت رام آدمی میگردد .

فرانسیس بیکن

آنکه به گله وحدت میبخشد گوسفندی نیست که بع بع میکند . بلکه سگی است که گاز میگیرد .

موریس بارس

آنچنان رفتار کن که رفتار تو بتواند قانون کلی شود .

کانت فیلسوف آلمانی

ارزش معنوی یک رئیس بیشتر از هر چیز مربوط به اطرافیان اوست لیکن صنعت انتخاب افراد لایق از فن حکومت بر آنها مشکلتر است .

گوستاو لوبون

ارزش یکدولت وابسته بارزش افراد است که آنرا تشکیل میدهند .

جان استوارت میل

از خردمندان هفتگانهٔ یونان پرسیدند کاملترین حکومت کدام است سولون مقنن آتن گفت آنکه دشنام یکفرد در همه تأثیر کند . و باز «بیاس» گفت آنکه قانون بجای حاکم کار کند سالیس ملیوس فیلسوف گفت : حکومتی که برابری اموال در آن باشد پیتاگوس گفت آنکه درستکاران حکومت کنند نه شران . گلئوبوس گفت آنکه قانون بجای خطیب .

نطق کند. از این سخنان نتیجه گرفته میشود که باید دانشمندان پارسا حکومت کنند. مونتسکیو

اعتماد و اطمینان بعدم مجازات و نبودن مسئولیت تمام افراد مملکت را خودسر و متمرد بار میآورد. محمّد مسعود

افراط عموماً سبب پیدا شدن عکس العمل است و تغییری در جهت مخالف پدید میآورد خواه در فصول سال باشد خواه

در افراد و خواه در حکومت. افلاطون

اگر با نظر قدری بالاتر از سطح قوانین موضوعه بقضایا نگاه کنیم خیلی بصراط مستقیم حقیقت نزدیکتر میشویم. ؟

اگر در تمام جهان یکذرّه بی مقدار که خود جهان دیگری است از قوانین گیتی متابعت نمیکرد مدتهای مدیدی بود که جهان ما

دیگر این جهان نبود. مترلینگ

اگر عموم افراد یک بیک آنچه مرتکب شده اند اعتراف کنند بیگناهی باقی نمیماند که گناهکاران را مجازات نماید؟

اگر بردگی عیب نیست پس هیچ چیز عیب نیست. لینکلن

اگر روزگاری مقام تو پائین آمد ناامید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین میرود و بامداد روز دیگر بالا میآید. افلاطون

اگر فرمانروا خود دراست و صدیق باشد کارها حتی بی راهنمائی او بنظام خواهد رسید. کنفوسیوس

اگر حکمرانی فقط بوسیلهٔ قوانین و مجازاتها حکومت کند و نظم را در کشور مستقر سازد مردم در جستجوی راهی برای گریختن از قانون

و مجازات بر میآیند و وجدان خود را در کارها بکار نمیبرند. لیکن اگر حکمرانی بوسیلهٔ قدرت شخصیت نیک سرشت خود

فرمانروائی کند و بوسیلهٔ فضائل اخلاقی کارهای کشور را سامان دهد ملت دارای وجدان میشود و راه راست را خود -

بپاید و خود نپیماید — کنفوسیوس

اگر حکمران کشور، درستکاری را راستی دوست میدارد باید در فرمان خود برای درستکاران پاداش قرار دهد و آن را اجری دارد. آنوقت دیگر هیچ کس احتیاج به دزدی و راهزنی نخواهد داشت. — کنفوسیوس

این هم بدبختی بزرگی است که در بعضی از کشورها به قوانین بیش از انسانها اهمیت میدهند. — ؟

باید قوانین مالیات را طوری برقرار سازند تا طرز وصول مالیات از خود مالیات سنگین تر نباشد. — مونتسکیو

بدون وجود یک حکومت خودمختار هرگز ممکن نیست جامعه تکامل پیدا کند. — هربرت اسپنسر

برعیت ضعیف رحم کن تا از دشمن صدمه نبینی. — سعدی

برای چه توقع دارید که خیالات و تصورات و احساسات و اقدامات و بطور خلاصه زندگی ما آزاد باشد و حال آنکه به چشم خود می بینیم کهکشانهای بزرگ که منظومه خورشیدی ما در قبال آنها هیچ است در حرکات خود آزاد نیستند و مجبور شده اند که خط سیر ویژه ای را بپیمایند و از قوانین ویژه اطاعت کنند. — مترلینگ

برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر جام شوکران بوسه زد. — ؟

برای تأثیر در قلوب دیگران ۱۲ قاعده زیر را عمل کنید.

۱- بهترین وسیلهٔ غلبه در مشاجره و مباحثه احتراز از ورود در مشاجره و مباحثه است.

۲- عقاید طرف خود را محترم شمارید و هرگز باو نگوئید که بخطا میرود.

۳- اگر خود را خطا کار میدانید صمیمانه و بیدرنگ بخطای خود معترف شوید .

۴- به ملایمت سخن آغاز کنید .

۵- خصم را بکشانید بجائیکه از ابتدای مکالمه جوابهای مثبت دهد .

۶- بگذارید طرف مطلب خود را آزادانه بیان کند .

۷- فرصت دهید طرف فکر تلقین کرده شما را از ابتکارات خویش تصور نماید .

۸- صمیمانه بکوشید که مسائل را از دریچه نظر طرف بنگرید .

۹- دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید .

۱۰- متوسل بعواطف عالیه مخاطب شوید .

۱۱- در چشم و خیال طرف تصرف کنید .

۱۲- طرف را بر سر غیرت آورید . دیل کارنگی

بزرگترین مشکل امروز برای حکومتها اینستکه مردم را وادار باطاعت کنند بدون آنکه مجبور به فرمان دادن باشند . ویلسون

بشر تا زمانیکه از ناامنی میترسد یا آنرا انتظار دارد ، حیوان رقابت کننده ای بیش نیست . ویل دورانت

بشر چون صالح و پاک بود بقانون نیازمند نیست و چون متخلف و بدکاره شد قانون نمیتواند جلویش را بگیرد . دیزرائیلی

بعد از آنکه اسکندر افلاطون را برای وزارت خواست و قبول نکرد باو گفت یاد دار خدا را . نگاه دار و فرا سخت دار دین را

گردکن علم را. بخور خشم را. بپوش شر را. ببر همنشین بد را. بردار خود را. بده داد مظلوم را. بستان بهشت را. افلاطون

به کسی رأی بد بدهید که کمتر از همه وعده میدهد زیرا کمتر از دیگران خود و شما را مأیوس خواهد کرد. بوناردپاروخ

بهترین طرز حکمرانی سلطنت بر قلوب است. ناپلئون

بهترین خدمتی را که بتوانید برای ملت انجام دهید اینست که علم و ادب حقیقی را با فراد آن ملت بیاموزید نه اینکه ایوان خانه های آنها را بنقش و نگار زینت دهید زیرا ارواح عالیه که در کلبه های محقر ساکنند بر اشخاص سفله که در کاخهای رفیع اقامت دارند مرجح و مقدم است. اپیکتت

بیگناه باش تا بی بیم باشی. آذرمارسپندان

برای اینکه پیش روی قاضی نایستی پشت سر قانون راه برو. مثل انگلیسی

پادشاهی که با سهو و شراب از مصالح مملکت غافل نشینند و مهمات امور ملک بنویسندگان بازگذارد ایشان هم بجذب منافع خویش از مهمات رعیت فارغ نشینند بی بر نیاید که ملک خراب شود. سعدی

تسلط بر نفس از فرمانروائی بر نفوس مشکلتر است. حضرت امیر

تمدن حقیقی عبارت است از سعادتمند ساختن افراد از طریق فراهم ساختن اسباب رفاه و رفع حوائج آنها بارعایت توازن و تناسب معقول و متین بین مادیات و معنویات. جمالزاده

تنها نزد کسی شکایت کن که بتواند مشکل ترا حل کند. حضرت امیر

تنها قانونیکه میتواند حاکم بر سعادت ما باشد قانون اخلاق و اصول و موازین انسانیت است . ؟

جائیکه قانون ختم میشود ظلم و ستم آغاز میگردد . ویلیام پیت

جامعه ایکه در آن ترس از توبیخ و ملامت جای خود را به ترس از قانون بدهد بدبخت است و از آن بدبختتر ملتی که از قانون نترسد . ؟

جادهٔ قانون و دستور دراز و جادهٔ سرمشق کوتاه است . سه نکت

چگونه میشود بر ملتی که دویست و چهل و شش نوع پنیر دارد حکومت کرد . ژنرال دوگل

حداکثر قوانین در فاسدترین و بدترین حکومت ها دیده میشود . تاسیتوس

حکومت جمهوری بهترین نوع حکومت است ولی بهمان دلیل که بهترین نوع حکومت است احتیاج به عالیترین نوع افراد دارد و نوع افرادیکه فعلاً در هیچ کجای دنیا دیده نمیشود . هربرت اسپنسر

حکومت کشوری که در آن تعدی بصورت حرفه درآید، بد و فاسد است . ولتر

حکومت استبدادی انتهای تشکیل میدهند و حکومت دموکراسی ابتدای پرستان . برنارد شاو

حکومت مردم بر مردم و برای مردم هرگز محکوم بزوال نخواهد بود . ابراهام لینکلن

حکام نخستین از زور و زبردستی بوجود آورده و حکام بعدی از قوانین بر مردم مسلط ساخته است . ولتر

حکومتها فقط وقتی پای بند قول و قرارهای خود میشوند که به اتخاذ چنین روشی مجبور باشند و یا این رویه را بحال خود سودمند بیابند . ناپلئون

خونسردی بزرگترین صفتی است که برای فرمانفرمائی برگزیده شده . — ناپلئون

در روزهای حکمرانی از مقام خود انتفاع مادی و انتقام جوئی را نصیب خود مگردان بلکه بکوش تا باطل را میرانی وحق را زنده کنی . — حضرت امیر (ع)

در میان کشورهای استبدادی بینواتر از همه آن کشور است که پادشاهش بازرگان باشد . — مونتسکیو

دزدان دست کوتاه نکنند تا دستشان کوتاه نکنند . — سعدی

ده هزار و پانصد سال پیش کج کاری از فیلسوف و قانونگزار شهیر یونان سلن . پرسید بهترین طرز حکومت های عالم کدام است ، خردمند دقیق و متفکر یونانی جواب داد بهترین طرز حکومت ها آن است که اهانت بکوچکترین افراد جامعه بمنزله اهانت بجمیع مؤسسات اجتماعی تلقی شود . — گوستاولوبون

دیپلوماسی یعنی اینکه در را ببندند و از پنجره رفت و آمد کنند . — ؟

ریاست باده ای است که هر کس نوشید نتواند از مستی آن مصون باشد . — تن

ریاست و مقام مثل کوه است بالا رفتن از آن دشوار ولی پائین آمدن بسیار سهل است . — دیوار دل

سزاوار است حاکم برفق و مدارا حد و دزجر مجرم بر پا نموده خشونت نکند چه اگر مردمان مجرم نبودند حاکم بر مسندی ننشست . — افلاطون

سیاستمدار اینکه فعالیت دائمی او را فرا گرفته سعی میکند که ضعف انفرادی خود را با ضعف اجتماعی شرکت دهند تا کمتر معلوم باشد .

طلا که حکمران شد عموم احمق ها فرمانبردار میشوند . — مثل چینی

عرف و عادت قوی‌تر از قانون است. ؟

عمل پادشاه ای برادر دو طرف دارد. امید نان و بیم جان و خلاف رأی خردمند است بدان امید در این بیم افتادن. سعدی

عیب بزرگ دیکتاتوری اینست که همیشه قدرت را با ترور باید نگهداری کرد. لودریک

فرق بین حکومت دمکراسی و دیکتاتوری آن است که در حکومت دیکتاتوری، وکلا بساز دولت میرقصند و در حکومت دموکراسی

دولت به ساز وکلا و در هر حال ملت بساز هر دو باید برقصد. بوژده

فردیکه در شغل دولتی خدمت میکند باید خود را متعلق بمردم بداند. توماس جفرسن

فقر علت اصلی همه جنایات است لیکن با وجود این می‌بینیم که دولتها بجای اینکه با فقر و تنگدستی مبارزه کنند با جنایت

و جانی در میافتند. فتح‌الومی

قانونگزار باید بداند چگونه حتی از ضعف های افرادیکه بر آنها حکومت میکند استفاده نماید. ناپلئون

قانون باید بیشتر به جبران خسارت توجه نماید نه اینکه خسارت تازه برای جبران خسارت وارده ایجاد نماید مثلاً شهر آبادی را

در قبال ویرانی شهر دیگری منهدم نماید. مونتسکیو

قانون مثل شمشیر است که قبضه آن در دست مافوق و تیغه اش روی سینه مادون است، در هر حال برنده معلوم است. ؟

قانون ملت نمیسازد، ملت قانون میسازد. مثل انگلیسی

قانون در مقابل زور خود را جمع و جور میکند. مثل لاتین

قانون غالباً دندان خود را نشان میدهد ولی گاز نمیگیرد . مثل انگلیسی

قرار دادی که با خون امضا شود فقط با خون لغو میشود . مثل لاتین

کارمندان ادارات مانند کتابهای یک کتابخانه هستند آنهائیکه بی مصرف هستند در محل بالاتری قرار دارند . ؟

کسیکه بر خویشتن فرمانروا نیست نمیتواند فرمانده هیچکس باشد . اشتال

کسیکه بر دیگران حکومت میکند باید نخست حاکم بر خود باشد . فیلیپ سینجر

کسانیکه از هر حکومتی پشتیبانی میکنند و با هر دولتی همکاری مینمایند جزء افراد یک ملت حساب نمیشوند . ؟

کسیکه خود درستکار است احتیاج بامر کردن ندارد و کارش بدون فرمان هم از پیش میرود ، لیکن کسی که خود درستکار نیست اگر هم فرمان بدهد کسی فرمانش را انجام نخواهد شد . کنفوسیوس

کسیکه تنها بوسیلهٔ نیروی شخصیت خود حکمرانی میکند شبیه به ستارهٔ قطب شمالی میباشد که در جای خود حرکت کنان برقرار میماند و ستارگان دیگر به دور او میگردند . کنفوسیوس

کسیکه در حضورت از تو میترسد در غیاب از تو متنفر است . مثل ایتالیائی

مردم مانند اولاد دارند و دارندش بستگی به موقعیت آنان دارد انگیزهٔ افراد بشر همیشه یا ترس یا نفع شخصی است برای رهبری مردم باید از این دو انگیزه استفاده کرد . ناپلئون

مرد یکه واقعاً کشورش را دوست دارد باید در عین حال بداند که چگونه بشریت را دوست بدارد این عشق و علاقه باید به عنوان

نیروی پایدار در جستجوی نظم جهانی بکار رود . آدلای استونسن

ملت‌ها با دو دشمن وحشتناک روبرو هستند اول کسانیکه قانون را زیر پا میگذارند. دوم کسانیکه این قانون شکنی را می بینند ولی سکوت میکنند . مونو ویل

محبت بزرگتر از قانون است . مثل چینی

نخستین وظیفه یک حاکم اجرای عدالت است . ناپلئون

نظم اولین قانون طبیعت است . دیل کارنگی

نقص مهم امپراطوریهای بزرگ دنیا این بود که قوانین را که‌ها قوی برای مردان قوی مینوشتند وضعف بشر را در نظر نمی گرفتند . آناتول فرانس

وای اگر انسان معتقد به آئینی نبوده و تابع وجدان و قانون و عاطفه نباشد در اینصورت چه کارهای زشتی که انجام نمیدهد ؟ حتی قانون شکنی . غ - ذ

وقتی جامعه ای دارای فضیلت اخلاقی است که قانون همه افراد جامعه را با یک چوب براند . مولیر

وقتی که یک ملت ناراضی فریاد میزند من میتوانم جلو او را بگیرم ولی وقتی که ملت ناراضی سکوت کرد و سر بگریبان تفکر فرو برد آنوقت است که متوحش میشوم زیرا نمیتوانم به نقشه های او پی ببرم . امپراطور دوم

وقتی رئیس قبیله میگوئی سر پائی خود را فراموش کرده ای بایستی آنرا فوری برایش بیاوری . مثل آفریقائی

وقتی متهم قاضی شود، فاتحهٔ قانون خوانده شده. مثل چینی

هدف یک دولت خوب در هنگام صلح و جنگ جلب عظمت و افتخار برای فرمانروایان و نژادها نیست
بلکه فراهم کردن خوشبختی و آسایش عوام الناس است. سر ویلیام بوریج

هر قوم حکومتی را دارا است که شایستهٔ آنست. حضرت امیر

همیشه دم از صلح بزن ولی آماده جنگ باش. ناپلئون

هیچ قانون و مذهب و مرامی بد نیست. بسته باینکه بدست چه کسانی بیفتد. تن

هر کس هر چند ناتوان باشد باز میتواند لااقل بر شخص خودش حکومت کند. مثل یونانی

هر کس سوار پلنگ شد مشکل میتواند از پشتش پیاده شود. مثل چینی

هنگامیکه فساد باوج میرسد قدرت به خودنمائی میپردازد. مثل چینی

یک حکومت بد همیشه تا آنجا برای ماندن خود پافشاری میکند که بنظر میآید تعویض آن آسانتر از ترمیم آن است. والتود

یک کمیسیون معمولاً از یک عده آدم ناتوان تشکیل میشود که از یک عده اشخاص بی خاصیت تقاضا میکند که یک کار
غیر ضروری را انجام دهند. ژنرال دوگل

قانون روزگار بود هیچوقت بار
جز خاک و خس زمانه ببالا نمی برد

صائب تبریزی

قدرت

آنکس که زورمند و قوی است میتواند با مشت توانای خود دهان ضعیفی را درهم بشکند باید بداند که مشت درشتری هم در آستین قویتری پنهان است .
زیاد بن عبید

آری برای شنا کردن به سمت مخالف جریان رودخانه قدرت و جرئت لازم است و الا هر ماهی مرده ای میتواند از طرف جریان آن حرکت کند .
اسمایلز

آنجا که قدرت پا میگذارد قانون ضعیف خواهد شد .
ناپلئون

از ابتدای پیدایش جهان شرط بقاء آمادگی برای دفاع بوده است هر موجودی که مسلح نباشد محکوم به فنا است . گوستاولوبون

از این حقیقت دلپذیرتر نمیتوان تصور کرد که آدمی دارای چنان قدرت انکارناپذیری است که میتواند با یک کوشش همت آمیز زندگی خود را بهبود و ترقی بخشد .
تورو

اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است .
اوژن به اتان

اعتماد بخود کاربرد آنچه قدرت و توانائی در شماست نه دهم مبنای موفقیت شما را تشکیل میدهد .
تماس ویلس

اگر من به نقاط ضعف و قدرت خود پی ببرم برای مبارزه آماده شده ام .

پادکر

چشم گریان دیگران را به نگاههای مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست .

بودا

اگر خود را با آنچه که باید باشیم مقایسه کنیم می بینیم که نیمی از وجود ما بر زمین افتاده است ما فقط قسمت کوچکی از قوای بدنی و دماغی خود را مورد استفاده قرار میدهیم روشن تر بگوئیم بشر خود را میان محوطه کوچکی محدود کرده است او صاحب قدرتهای گوناگونی است که برحسب عادت استفاده از آنها را متروک گذاشته است .

ویلیام جیمس

اگر با ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی .

ولتر

ای بشر بیچاره بیدار شو و باین حقیقت واقف شو تو قدرت باجرای مقاصد را توانائی اما توانائی حقیقی آنست که بخواهشهای خود مسلط گردی .

بوئه

از سر راه مرد مقتدر دور شو .

مثل آفریقائی

اگر نمیتوانی گاز بگیری دندانت را نشان نده .

مثل انگلیسی

برای یک قلب قوی و جسور همه چیز ممکن است .

دیرونوک

توجه نسبت به آینده باعث میشود که انسان همیشه به قوت خویش بیفزاید و برای فردای خود بیش از آنچه امروز بکار برده است توانائی حاصل کند .

سعید نفیسی

تو فقط پوست گرگ را به پشت من بگذار من خود میدانم چه کنم

مثل آفریقائی

در عهد ما به روحهای قوی احتیاج است تا ارواح ضعیف و خوار را شلاق بزنند . بتهوون

در هر ضعفی قدرتی هست و در هر توانائی ضعفی . حجازی

در کوهستان کوتاهترین راه ، از قله‌ای به قله دیگر است اما برای گذشتن باید پاهای دراز داشت . نیچه

زندگی عبارت از تنفس نیست مقدر شدن به اجرای آمال و نظریات است . روسو

سریع‌الانتقال بودن باعث پیشرفت نیست مگر در صورت صحت چون پاندول ساعت که سرعت دلیل صحتش نیست . داوود نادوک

سکوت بزرگترین قدرتهاست . مثل آفریقائی

شادمانی و نشاط بیشتر مولود لذت نیست بلکه زائیده نیرومندی است . امرسون

شما امروز غنی‌تر از دیروزید ،

اگر به کسی صمیمانه مهر ورزیده باشید .

اگر غم دردمندی قلبتان را افشرده و در خلوت گریسته باشید .

اگر خطای دوستی را نادیده گرفته باشید .

اگر بگناه خویش اعتراف کرده باشید .

شما امروز غنی‌تر از دیروزید .

اگر با یک شاخه گلی دلی را شاد کرده باشید .

اگر قطره‌ی اشکی را از گونه‌ای سترده باشید.

اگر سنگی را از پیش پای عابری دور کرده باشید.

شما امروز قوی‌تر از دیروزید.

اگر بسیار خندیده باشید.

اگر دست دوستی را که به سوی تان دراز شده صمیمانه فشرده باشید.

اگر با دیدن زیبائی‌های طبیعت پی به قدرت پروردگار برده باشید.

شما امروز غنی‌تر از دیروزید.

اگر بدی را با خوبی پاسخ گفته باشید.

اگر به سگ بی پناهی پناه داده باشید.

اگر برای بدست آوردن صفات بهتر کوشیده باشید.

شما غنی‌تر از دیروزید.

اگر خواهش آشنائی را برآورده کرده باشید.

و شما امروز براستی غنی هستید.

غنی‌تر از همه افراد جهان:

و شما امروز روحی دارید بزرگ به عظمت آسمان و دریا و قلبی دارید پر مهر و روشن چون آفتاب گرم بهاران و اشکی دارید به صفای شبنم و لطافت گلهای سرخ و درونی دارید بپاکی برف و زیبائی دمیدن شفق در صبح و شما امروز براستی غنی هستید . ?

شخص قوی و آبشار هر دو راه خود را باز میکنند . مثل انگلیسی

ضعف و بیچارگی هر قاعده‌ای وضع کند عبث است اخذ نتیجه منحصراً بداشتن قوه و قدرت میباشد . شیلر

غالباً آسایش و سلامتی و حتی عشق را فدای قدرت میکنیم . محمد حجازی

قدرت هر دستی را که با آن میخورد مسموم میکند . شیلر

قدرت در حمله نهفته است نه در دفاع . ?

کسی که قدرت را با پول بخرد عدالت را هم به پول می فروشد . مثل انگلیسی

کاری که گرگ بزور میکند روباه به حیله انجام میدهد . مثل انگلیسی

مبارزه است که قدرت بوجود میآورد نه استراحت . استاهل

معنی حیات را در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگانی ما باید هدف عالیتری داشته باشد . گودکی

من در خود قوه و قدرتی برای از بین بردن کوههای عظیم سراغ دارم در حالیکه سرنوشت اجازه بلند کردن پر کاهی را به من نداده است . مادتین

وظیفهٔ اصلی و اساسی کلمهٔ قدرت این است که در خوشبختی بشر بکوشد. — هانری دو دلنان

هرگز احساس ضعف ما نباید ما را از پا در آورد. — دووده تادک

همه صاحبان قدرت این اندرز را داشته باشند که مخالفان خود را با زور از میدان به در نبرند. — تودگو

همه کس میتواند بدبختی را تحمل کند اگر میخواهید اخلاق کسی را امتحان کنید به او قدرت بدهید. — ابراهام لینکلن

هیزم شکن قبل از آنکه نیرو و قدرت بخواهد مهارت لازم دارد. — هومر

هر کسی دیوار پوسیده و شکسته را هل میدهد. — مثل چینی

نظر کن در این موی باریک سر — که باریک بینند اهل نظر

چو تنهاست از رشته‌ای کمتر است — چو پر شد ز زنجیر محکم‌تر است

سعدی

عزیز اندر بر هر کس از آنی — که در رنجی و راحت میرسانی

کسی در پیش مردم سربلند است — که هر کس از وجودش بهره‌مند است

دیوان حالت

قضاوت

آنکه بینای عیوب خود شد از دیدن عیوب مردم کور میگردد . — حضرت امیرؑ

آدم خشمناک نمیتواند حقیقت را بگوید . — مثل چینی

آدم باید کلاه خودش را پیش خودش قاضی کند . — مثل ایرانی

آن داوری که با اظهار یکطرف گوش دهد به هیچ چیز صمیمی گوش نداده . — مثل انگلیسی

آنچه یکی را می گریاند ممکن است دیگری را به خنده اندازد . — مثل افریقائی

احساس دل بالاتر از منطق است . — ژان ژاک روسو

از روی رنگ خاکستری مو نمیتوان عمر قلب را شناخت . — بودا

از بهترین اختیاری که در دست داری و میتوانی اظهار کنی این است که در قضاوت عدالت پیشه کنی و بین خاصه و عامه بالسویه حکم نمائی . — از عقد النفیس

از خطاهای کوچک بپرهیز که قوهٔ قضاوت و معرفت را ضعیف میسازد . — کار و تقوا از کتاب هند

از روی سئوالهای فرد، بهتر از جوابهای او میتوانید درباره اش قضاوت کنید . ولتر

اعتراف به نادانی از چیزیکه نمیتوانم مرا شرمگین نمیدارد . میسون

افتخارات و پیروزیهای اشخاص باید موقعی مورد قدردانی قرار گیرد که معلوم شود از چه طریقی بدست آمده است. لاشفوکو

اگر به ناچار با مطلبی مخالف باشید چنان به نرمی و مهربانی آنرا ارد کنید که گوینده را نیازارید . جان کایول

اگر وجود خار در گل مایه اندوه ماست وجود گل در کنار خار باید مایهٔ شادی ما باشد . گوته

اگر میخواهید احساسات واقعی شنونده خود را دریابید درست در صورت او بنگرید، چه وی میتواند کلمات را

در فرمان خود داشته باشد ولی قیافه و چهره به این آسانی در فرمان او قرار نمیگیرد . جسترفیلد

اگر سر به زیر باشی میگویند احمق است اگر غمگین باشی میگویند عاشق است اگر مالت را با حساب خرج کنی میگویند

خسیس است اگر دست و دل باز باشی میگویند ولخرج است اگر خوش لباس باشی میگویند ژیگولو است اگر

بدلباس بپوشی میگویند شلخته است: اگر دیر زن بگیری میگویند مرد نیست ؛ اگر زود زن بگیری میگویند آتشش

تند است اگر فقیر و بی پول باشی میگویند بیعرضه است اگر پولدار باشی میگویند اهل زد و بند است اگر بی قید باشی

میگویند لات آسمان جل است اگر بخندی میگویند همیشه نیشش باز است اگر اخم کنی میگویند عبوس و بداخلاق

است اگر خوش سروزبان باشی میگویند چاخان است ! اگر ......

حالا شما به من بگوئید لطفاً آخر با کدام ساز این مردم باید رقصید که خوششان بیاید . مجید شیخ الاسلامی - سبزوار

ای ستایش همگانی کدام قلب است که بر ضد شیرین، فریبندگی و جادوهای تو گواهی دهد. — کوپر

اختلاف زن و شوهر نباید در بازار عرضه شود. — مثل افریقائی

اختلاف نظر دوستان را بهتر است روز دیگری بررسی کرد. — مثل آفریقائی

اگر یک مقصر تبرئه شود بهتر است تا یک بیگناه محکوم گردد. — مثل فرانسوی

باید مواظب باشیم که احکام مستقیم و صریح ندهیم بلکه پند و دستور را بصورت پرسش ادا نمائیم. — دیل کارنگی

با هر فردی روبرو میشویم در واقع با ۳ نفر روبرو هستیم یکی آنکه مردم درباره او قضاوت میکنند یکی آنکه خودش قبول دارد یکی آنکه واقعیت است. — دیل کارنگی

برای آنکه درباره اهمیت وجود شخصی قضاوت کنیم باید در آن بیندیشیم که بر مرگ او چه اثری مترتب میشود. — لوییس

برای درک زیبائی یکبار دیدن کافی است اما برای شناسائی حقیقت و قضاوت عادلانه دوبار. — امیل دوزولا

بگذارید هر کس بوفق رأی و فکر و آرزو، و مطالعات و معلومات خود قضاوت کند نه طوطی صفت بازگوی گفته دیگران شود. — دیل کارنگی

به من بگوئید چه اشخاصی را می‌پسندید تا بگویم تو خود کیستی و از هوش و ذوق چه مایه‌ای داری. — سن بوو

بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است و این مسافت کوتاه را همیشه در قضاوت خود رعایت نمائید. — حضرت امیر ع

بار کسی که نمی‌کشی نمیدانی چقدر سنگین است. — مثل آفریقائی

باید حرف هردو طرف را شنید . — مثل آلمانی

به خودت سرزنش کن همچنان که دیگران را دوست میداری . — مثل چینی

برای کسیکه غرق شده است دنیا هم غرق شده . — مثل عبری

بظاهر نباید قضاوت کنید . — مثل آلمانی

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن عیوب است . — دیل کارنگی

چندان خوب در میان بدان ما و چندان بد در میان خوبان ما وجود دارد که همه ما را از آن باز میدارد که درباره دیگران سخن بگوئیم . — دابرت لوئین ستیفنس

چون همه علت ها را درک کنید همه چیز را میبخشید . — ؟

چون اعمال انسان غالباً در اثر اتفاقات و حوادث است بنابراین همیشه نباید اشخاص را از کارهایشان قضاوت کرد بلکه باید از معتقداتشان به چگونگی شخصیتشان پی برد . — آناتول فرانس

چهره و سیمای همه مردمان راست و درست است . دستهایشان هرچه خواهد باشد . — شکسپیر

چهره ها مانند کتابها قابل خواندن است با این تفاوت در جانب سود آنها که چهره را در زمان کمتری میتوان خواند و آدمی در خواندن آن کمتر دچار سوء فهم میشود . — ف . سوندرز

خوشا بحال کسی که توجه به عیوب خود او را از توجه به عیوب دیگران باز دارد . — حضرت محمد (ص)

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها . . . . . مثل آلمانی

دادگاه به ظواهر امر و مدارک موجود نگاه میکند و چه بسا اشخاصی که هزاران جنایت مرتکب میشوند و مدرکی باقی نمیگذارند . ؟

در قضاوت اعمال بشری قوانین نور، شناخت معکوس میشود؛ اشیائیرا که به ما نزدیکترند مبهم‌تر و نامشخص‌تر می‌بینیم . اتلی

در کار ایده آل نمیتوان جانب انصاف را نگاه داشت . لامارتین

در قضاوت عجله مکن و دامن پاک پاکان را با تصورات بی جای خود آلوده مدان . ؟

دو چیز آسان است یکی شمردن معایب مغلوب و دیگری شمردن محاسن غالب . تن

رئیس سرخ پوستان خدای خودش را اینطور قسم میدهد که ای خدای بزرگ به من کمک کن که هر وقت خواستم درباره راه رفتن دیگری قضاوت کنم قدری با کفشهای آن راه بروم . ؟

روزی بر مردی گذشت که دست او را بریده بودند. گفت چیزی گرفته که از او نبوده از او چیزی که از او بوده گرفتند . اوسطاطالیس

روباه نباید موقع محاکمه مرغ، قاضی دادگاه باشد . مثل چینی

زمان درباره همه چیز قضاوت میکند . مثل یونانی

زنیکه مردها را مسخره میکند محکوم به اینست که تا آخر عمر دختر بماند . مثل یونانی

سرنوشت هرکس با اولین برخورد او معین میشود اگر مطبوع باشد دیگران یکباره بشایستگی او حکم میکنند ولی اگر خالی

از لطف باشد برضد او تصمیم میگیرند . چسترفیلد

شخصیت اشخاص را میتوان بانفوذی که آنها بروی دوستان خود دارند سنجید . اسکاروایلد

شک حالت مطبوعی نیست ولی ادعای یقین مسخره آمیز است . ولتر

صورت شما کتابی است که مردمان میتوانند از آن چیزهای عجیب بخوانند . شکسپیر

طبیعت انسانی است ، هر مجرمی را بنگرید همه کس را ملامت میکند جز خودش را . دیل کارنگی

عوام ثروتمندان را محترم میشمارند . خواص دانشمندان را . افلاطون

عیوب دیگران را نباید با انگشت کثیف نشان داد . مثل ایتالیائی

فرزند در طفولیت پدر را فهمیده ترین افراد در سنین جوانی احمق ترین افراد میداند ولی چون پا از سن سی سالگی

به بالاتر میگذارد ، تازه بارزش حقیقی او پی میبرد . دانشمند یونانی

فردیکه بتواند خود را در جای دیگران فرض کند و کیفیت حرکات فکری آنان را تشخیص دهد هرگز نباید از حوادث -

آینده بیمناک باشد . ؟

فکر و قضاوت ما بطور مستقیم وابسته به فشار خون و نیروی اعصاب و عضله های مان میباشد . دکتر الکسیس کارل

قضاوت فوری در چیزهائیکه جنبه های مختلف دارند دلیل سفاهت و دیوانگی است . مونتین

قلب انسان گردابیست که هر نوع محاسبه اغلب از کار درمیآورد و نافذترین چشمها قادر نیستند از آن اندازه گیری کنند . ناپلئون

قاضی که بیگناهی را محکوم سازد وجدان خود را محکوم ساخته است . مثل سوئدی

قاضی رشوه گیر قبل از مرگ دیوانه میشود . مثل ژاپونی

کسیکه عنان خود را بدست بگیرد و سرانجام کار بدست بدبختی دچار شود حق ندارد از کسی شکایت کند، هیچکس جز خود او مسئول بدبختی او نیست . لودآویسودی

کسیکه به دادخواهی به دادگاه میرود باید سه کیسه بزرگ داشته باشد یکی برای نگاهداری کاغذ دیگری برای پرداخت پول و سومی برای تحمل صبر . مثل انگلیسی

کسیکه راجع بدیگران قضاوت میکند خویشتن را محکوم کرده است . مثل ایتالیائی

کسیکه بدادگاه میرود گربه خود را بدست خواهد آورد ولی مسلماً گاوش را از دست میدهد . مثل چینی

کسیرا که امروز تحقیر میکنی بعید نیست فردا لازم باشد از او تعریف کنی . مثل پرتقالی

گاهی انسان می بیند خودش عفریتی است و نمیدانسته . ؟

گمان را املاک قضاوت و عدالت قرار ندهید . حضرت امیر ؑ

گاو ممکن است سیاه باشد ولی شیرش سفید است.

مثل روسی

لازمهٔ قضاوت شکیبائی به هنگام شنیدن تأمل به هنگام گفتن و بصیرت به هنگام رسیدگی و بی طرفی به هنگام قضاوت است.

سقراط

ما غالباً دیگران را از دور می بینیم و موقعیت آنها را با زیور خیال آراسته در نظر خود چنان بزرگ و فریبنده جلوه می دهیم که گمان میکنیم آنها به سعادت رسیده و گمشدهٔ جهانیان را یافته اند اگر بهتر دقیق میشدیم و رنج و محنتهای آنها را می دیدیم مسلماً طور دیگر فکر میکردیم جان خویش را به آتش تحسر نمی سوختیم.

لرد آویبوری

ما همیشه دیگران را پیش از آن حدی که خوشبختند خوشبخت تصور میکنیم.

منتسکیو

ما از طبیعت صحبت میداریم و فراموش میکنیم که ما خود هستیم طبیعت بنابراین طبیعت چیزی است کاملاً غیر از آنچه ما در تلفظ نام او احساس میکنیم.

نیچه

مرد بزرگ یکطرفه قضاوت نمیکند.

کنفوسیوس

مشکلی که خوب تشریح و حلاجی شده باشد نصفش حل شده است.

دیل کارنگی

مغلوب شدن بحق گواراتر از پیروزی به باطل میباشد.

مونتسکیو

منگر گوینده کیست. بنگر که گفتارش چیست.

حضرت امیر (ع)

من به قضاوت کسیکه پای منافع خود وی در میان است اعتماد ندارم.

ولنگیتون

محک طلا آتش است و محک انسانها طلا . — مثل چینی

من از آنچه از دهانت خارج شود راجع به تو قضاوت خواهم کرد . — مثل چینی

میمون هرگز بمیمون دیگری را مسخره نمیکند . — مثل آفریقائی

ناراحتی هائی که بعلت سوء تفاهم در این دنیا بوجود میآید، حتی با وبا و گرسنگی قابل مقایسه نیست . — مولیر

نتیجه گیری با شتاب کار ابلهان است مرد فرزانه شک میکند! ابله اعتماد میکند، آدم ناشی میگوید یقیناً، چنین است آنکه داناتر است جواب میدهد که شاید چنین باشد ولی خواهش میکنم بیشتر تحقیق کنید . — جومی تیدو

وحشی ترین اشخاص آسانتر از همه متهمین را محکوم میکنند . — ؟

هرچه شنیدی مادام که دلیلی برخلاف آن نداری ممکن بدان . — ابوعلی سینا

هر مجرمی را بنگرید همه کس را ملامت میکند جز خودش را . — دیل کارنگی

هستند کسانی که امروز غفلت میکنند و فردا نکبت و بدبختی را از حرکت کواکب و ظهور ستاره دنباله دار یا از تحت الشعاع و قمر در عقرب میپندارند . — ؟

همه کس عیبهای خود را با دوربین و نقص دیگران را با ذره بین نگاه میکند . — امیل اوژید

همه از حافظه خود شکایت دارند ولی کسی نیست که از نحوه قضاوت خود اظهار نارضایتی کند . — لاروشفوکو

هیچ کوچک را حقیر مشمارید باشد که از شما فزونی یابد . — افلاطون

هیچ کس نمیتواند از پنجره راه رفتن خودش را در پیاده رو ببیند . ؟

هیچ کس نباید اتهامی یا کنایه ای علیه همنوع خود بزند مگر آنکه قادر شود از طرفی آنرا به ثبوت برساند و از طرف دیگر آنرا بطور روشن برابر متهم عنوان کند تا اینکه متهم بتواند از موضوع اتهام مطلع شده و در مقام دفاع برآید . هاری بارنز

هر اشتباهی را علتی است . مثل افریقائی

هر درختی ریشه ای دارد و هر اختلافی علتی . مثل افریقائی

هرگز درباره هیچکس قضاوت نکنید مگر آنکه خود را بجای او بگذارید . مثل یونانی

هیچ کس نمیتواند قاضی عادلی برای کردار خود باشد . مثل انگلیسی

نه مردی است آن نزد بیک خردمند | که با شیر زیان پیکار جوید
بلی مرد آنکس است از راه تحقیق | که چون خشم آیدش باطل نگوید

سعدی

قمار

آنکه جز به قمار نمیتواند خود را سرگرم کند شایستهٔ کار اجباریست. — حجازی

از قمار بپرهیز زیرا قمار بازی کار شیطان و کودک حرص و آز و برادر بی عدالتی و بالاخره پدر رذالت است. — جرج واشینگتن

پنبه را از آتش و جوانی را از قمار دور نگهدارید. — فرانکلین

حاضر است تا یکشاهی آخر را به بازد «حماقت بحد اعلی». — مثل انگلیسی

خوشبختی از قمار باز فرار میکند. — مثل فرانسوی

در هیچ شورای و ولتی یا دیوان داوری چنان سختی و خشکی دیده نمیشود که در مجلس قمار بازان دیده میشود. بر چشمان ایشان نگرانی یا مالیخولیائی سایه افکنده است رشک و کینه جان ایشان را میخورد و در عین آنکه همه در کنار یکدیگر نشسته اند هیچ نگاهی که دلالت بر برادری و یگانگی و شرافت باشد دیده نمیشود. — لابرویر

قمار باز به ترتیب چهار چیز خود را از دست میدهد پول، وقت، وجدان، زندگی. — پنیاکوو

قمار باز عاشقی است که نه هرگز به وصال میرسد و نه از تحمل رنج خسته و مأیوس میشود. — حجازی

قمار فرزند حرص است و برادر نگرانی و پدر بدکاری . — واشنگتون

قمار در همه کشورها رذیلت اشرافی است. جوانان می بینند که این کار در محافل عالی رواج دارد و چون فریب رفتار دیگران را میخورند خودشان نیز بآن مبتلا میشوند و کارشان به تباهی میکشد . — بولور

قمارباز ایام را با دشمنی با دوستان میگذراند . — حجازی

قمارباز شریک دزد است . — مثل روسی

قمار و مشروب و زن بد، خنده را از لبهای مرد دور میکند . — مثل انگلیسی

قمارباز که شدی قاتل هم خواهی شد . — مثل عربی

قمارباز کور است ولی کسیکه پهلوی دست او نشسته خوب می بیند . — مثل چینی

هر عیبی چند عیب دیگر بوجود میآورد اما قمار مادر همه عیبهاست . — حجازی

هیچ چیز بیشتر از شب زنده داری پای میز قمار و هوسهای جانکاهی که با آن همراه است زیبائی چهره را از بین نمیبرد، چشمان گود رفته، نگاه مات و مبهوت و سیمای رنگ پریده نشانه های طبیعی قمارباز است . — ستیل

هر وقت از سر میز قمار بلند شدی بموقع بلند شده ای . — مثل اسکاتلندی

یاران کج آهنگ ز راهم بردند | از مدرسه زی قمارگاهم بردند
رفتم که کلاه دیگران بردارم | افسوس که دیگران کلاهم بردند

یغمای جندقی

قمار

شنودم از یکی صاحب کرامات | که شد روزی جهودی در خرابات
درون مسکن ویرانه‌ای بود | که رندان را مقام خانه‌ای بود
گرفته هر دو تن راه قماری | ببرده سیم و زر هر یک قناری
جهود اندر قمار آمد به یکبار | که تا در باخت آنچش بود دینار
سرایی داشت و باغی هر دو در باخت | نماندش هیچ با افلاس در ساخت
چو شد دستش ز زر و سیم خالی | بشد یک دیده را در باخت حالی
چنان از هر چه بودش عور شد او | که چشمی را بباخت و کور شد او
بدو گفتند ای مانده چنین باز | مسلمان گرد و دین خویش در باز
چو بشنید این سخن بد دین برخشم | مسلمان را بزد دستی بر چشم
که هر چیزی که میخواهی بکن تو | مگوی از دین من با من سخن تو
جهودی در جهودی این چنین است | ندانم چونت او گاهی ز دین است

هر آنچش بود تا یک دیده در باخت ... ولیکن دل ز دین خود بپرداخت

الا ای در مقام خانهٔ خاک ... همه چیزی چنین در باخته پاک

گهی روی چو مه در باختی تو ... گهی زلف سیه در باختی تو

جوانی را و آن بالای چون تیر ... در این ره باختی و آمدی پیر

دل پر نور خود با چشم روشن ... بغفلت باختی در کنج گلخن

بیالودی به شهوت خویشتن را ... بیالودی بغفلت جان و تن را

اگر وقت آمد ای مرد خرابات ... سری بیرون کن از کوی خرابات

دریغا دیده‌ای ره بین نداری ... بغفلت عمر شیرین می‌گذاری

بسر بردی بغفلت روزگاری ... مگر در گور خواهی کرد کاری

الا ای حرص در کارت کشیده ... چو شد قد الف وارت خمیده

اگر طاعت کنی اکنون نه زانست ... که می‌ترسی که مرگت ناگهانست

بسی شادی بکردی کام راندی ... کنون چون پیر گشتی باز ماندی

کنون زشتست حرص از مرد پیر ... که نه خود چون بود با موی چون شیر

چه می‌شوئی به آب تلخ تن را — بشوی از اشک شور خود کفن را

نمی‌ترسی که از کوی جهانت — تو غافل در ربایند از میانت

از اسرارنامه عطار نیشابوری

قناعت

آدم و بخرج امروز گدای فرداست.

ابوالعلا

آنانکه توازن زندگی را رعایت میدارند به تنگدستی نیفتند.

حضرت امیر(ع)

آنکس که بحد خویش قناعت کند همیشه غنی و توانگر است. آنانکه چشم طمع بمال غیر دوزند هرچه غنی باشند فقیرند.

امام صادق(ع)

آموخته ام که در هر حالیکه باشم قناعت کنم.

حضرت علی(ع)

آنکس که آنچه را نمیخواهد میخرد، بزودی مجبور خواهد شد لوازمش را بفروشد.

مثل یوگسلاوی

از سقراط پرسیدند که سبب نشاط و قلت حزن تو چیست؟ گفت آنکه من دل برچیزی ننهم که چون مفقود شود اندوهگین شوم.

خواجه نصیرالدین طوسی

از هزینه های کوچک غیرضروری برحذر باش زیرا یک سوراخ کوچک موجب غرق شدن یک کشتی بزرگ میشود.

فرانکلین

اعتدال آن طبیبی است که طبیعت با دست خود او را تقدیس مینماید و از همه طبیبان کمتر اشتباه میکند و

کمتر گول میخورد . ؟

اعتدال و کوشش و طبیب حقیقی انسانند، کار کردن اشتها را تحریک مینماید و اعتدال از افراط در راضی کردن اشتها مانع میشود . دوسو

ای خداوندان نعمت! اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت رسم سئوال از جهان برخاستی . سعدی

اگر صرفه جوئی زراعت کنیم آزادی درو خواهیم کرد و این محصول طلائی است . اکیلادوس

اگر میخواهی بندهٔ کسی نباشی بنده هیچ چیز نشو . ژاک دوال

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد بلکه همانطوریکه هست راضی شوید تا زندگی شما با آسایش بگذرد . ؟

ای فرزند نه چندان احسان کن که خود معیشت نتوانی کرد و نه امساک نمائی . بدان اندیشه که اندوخته خواهی کرد ؟

اگرچه در کنار جنگل زندگی میکنی قدر چوب را بدان . مثل چینی

اگر از قرض میترسی در خانه ات را باز نکن . مثل انگلیسی

انسان حریص است به چیزیکه از آن منع شده است . مثل عربی

با قناعت امور بگذران تا پادشاه خود باشی . حضرت امیر

برای ثروتمند شدن تنها ، دانستن راه درآمد کافی نیست باید راه خرج کردن را هم بخوبی دانست . فرانکلین

برای کسیکه هیچ ندارد قرض هم یک نوع دزدیست . روسو

برای اینکه بشر بتواند در دنیا خوشبخت زندگی کند باید از قسمتی از توقعات خود بکاهد . — شامفور

بسیاری از اشیاء، لوکس و چیزهائیکه وسایل آسایش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند بلکه موانع بزرگی فرا راه ترقی و تعالی انسانند» — تورو

بشر باید بعوض اینکه توجه و عنایت خویش را بلذائذ حیات متوجه سازد باید بکوشد حتی المقدور از تألمات بیشمار زندگانی که روح آدمی را کسل میسازد و دچار امراض گوناگونی خواهد شد بکاهد . — ارسطو

بین صرفه جوئی و خست فرق بگذارید اولی انسان را امیدوار دکه از ولخرجی بپرهیزد و آینده اش را تأمین سازد در حالیکه دومی موجب میشود که انسان بخود نپردازد و ثروتی جمع کند که فقط وارثان از آنها استفاده کنند . ؟

برای قانع حتی فقر و گمنامی خوشی آور است برای ناراضی حتی ثروت و افتخار محنت زا است . — مثل چینی

تا بتوانی از خواهش و تمنا خودداری کن . — حضرت محمدؐ

توانگری به قناعت است نه به بضاعت . — سعدی

چشم دیگران چشمی است که ما را ورشکست میکند، اگر همه بغیر از خودم کور بودند من نه بخانه باشکوه احتیاج داشتم نه به مبل عالی . — فرانکلین

چنان شیرین مباش که ترا فرو برند و چنان تلخ مشو که از دهان بدور افکنندت . — ذیمقراطیس

ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند . — سعدی

دیوانگی است که برای خریداری اشیاء بی مصرف و کالای تجملی انسان خود را گرفتار قرض کند . فرانکلین

راحتی در قناعت است . حضرت محمد[ص]

زیاده روی در خرج منشاء بینوائی است . حضرت امیر[ع]

شعلهٔ اسراف نمیتواند پایدار بماند آتشهای تند زود خاموش میشود باران آهسته دائمی است ، طوفان ناگهانی امتداد زمان ندارد . شکسپیر

صرفه جوئی فضیلت است و تقوی کسیکه این صفت را ندارد ، برای جامعه وجودش خطرناک است زیرا هر لحظه ممکن است بار زندگی خود را بدوش دیگران بیندازد . جان . بی . کایزل

صرفه جوئی فقیر را متمول و متمول را عاقل گرداند . الکساندر دوما

طلب کن استغنا و بی نیازی را از دنیا بقناعت زیرا آنچه که مستغنی میسازد انسان را قناعت است نه مال . کنفوسیوس

طمع ریشهٔ همهٔ بدیهاست . حضرت عیسیٰ[ع]

قانع را غم نیاید . غنی ترین شما قانع ترین شماست . حضرت امیر[ع]

قانون تعادل و توازن یکی از مهمترین قوانین خلقت است . کاظم زادهٔ ایرانشهر

قانع باش و میانه روی پیشه کن که اصل همهٔ پندها اینست . کیکاووس

قناعت کیمیائی است که هرچه را لمس کند طلا میشود . فرانکلین

کسیکه همیشه زیادتر از لازم خرید میکند روزی مجبور میشود که لازم را بفروشد . فرانکلین

کسیکه از آنچه که دارد راضی نیست اگر صاحب تمام دنیا هم بشود باز ناراضی و بینواست . سینکا

کسانیکه از درآمد کم نمیتوانند پس انداز کنند از درآمد زیاد نیز قادر به پس انداز نیستند . دکتر ماردن

کلید ثروت قناعت در مصارف است نه در نابت در خرج . ؟

من خود را محتاج نمیدانم زیرا طریقه قناعت را یاد گرفته ام . بوس

من وقت خود را اسراف کردم و حالا او بنوبت خود مرا اسراف میکند . شکسپیر

میانه روی و اندازه نگاه داشتن کمال طبیعت آدمی است . کنفوسیوس

نه چندان درشتی کن که از تو سیر شوند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر گردند . سعدی

نسخه برای نادان ماندن تا ابد این است که شخص با عقایدی که دارد راضی و با معلوماتش قناعت کند . البرت هوبارت

وقتی دستمان بآنچه که دوست میداریم نمیرسد باید آنچه را که در دست داریم دوست بداریم . بوس دابوتن

هر کس فقیر و قانع باشد ثروتمند است . شکسپیر

هر چه کمتر آرزو داشته باشید محرومیتهای شما کمتر است . پلوتارک

هرگاه کسی هوش و حواس خود را به مادیات معطوف دارد سبب ایجاد توجه نسبت به آن در خود خواهد شد، از توجه اشتیاق و اشتیاق به شعله های سوزان هوی و هوس مبدل و هوی و هوس بیتابی ایجاد میکند . گاندی

ای قناعت توانگرم گردان | که ورای تو هیچ نعمت نیست

سعدی

بنده پیر خراباتم که درویشان او | گنج را از بی‌نیازی خاک بر سر می‌کنند

ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان | می‌دهند آبی و دلها را توانگر می‌کنند

خواجه شیراز

بخور چیزی از مال و چیزی بده | هم از بهر پیریت چیزی بنه

فردوسی

برو گنج قناعت جوی و کنج عافیت بنشین | که یکدم تنگدل بودن به بحر و بر نمی‌ارزد

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر | که یک جو منت دونان به صد من زر نمی‌ارزد

حافظ

چنان دان که بیدار آنکس بود | که از گیتیش اندکی بس بود

توانگر شد آنکس که خرسند شد | ز شهد قناعت شکرقند شد

فردوسی

سر قرار با همه به اندازه خورد و نوشش باد | ورنه اندیشه این کار فراموشش باد حافظ

کیمیائی ترا کنم تعلیم | که در اکسیر و در صناعت نیست

رو قناعت گزین که در عالم | کیمیائی به از قناعت نیست

اوحدی

هر که قانع گشت از ذلت برست | در مقام امن و آزادی نشست

رو قناعت کن مرنجان پا و دست | رزق تو بر تو ز تو عاشق‌تر است

مولوی

بنان خشک قناعت کنیم و جامه دلق | که بار محنت خود به که بار محنت خلق

سعدی

کار - کاهلی

آب که قطره قطره میچکد با پایداری و سماجت سنگ بزرگ را سوراخ میکند با پشتکار و استقامت موش به پاره کردن رشته محکم سیم موفق میشود و ضربات پی در پی تبر کوچک درخت کهن را از پای درمیآورد . فرانکلین

آدمی را امتحان به کردار باید کرد نه به گفتار چه اکثر مردم زشت کردار و نیکو گفتارند . فیثاغورث حکیم

آدم تنبل و بیکاره نه تنها وقت گرانبهای خود را هدر میدهد بلکه اساس تمدن و زندگی دیگران را هم به هم میزند . کوموسون

آسان نیست مگر آنچه را که تو آسان گیری . حضرت محمد(ص)

آفت کار دلبستگی نداشتن به آن است . امام هشتم(ع)

آنانکه بعلم خود عمل نکنند مریض را مانند که دوا دارد و بکار نبرد . ذیمقراطیس

آن عمل خوبست که حداکثر خوشی را برای حداکثر افراد فراهم مینماید . فرانسیس هنچسون

آن عملی که عاری از فساد و با نیتی پاک توام باشد بهترین عمل است . بوعلی سینا

آنجا که کوشش نیست آنجا زندگی راه ندارد برای کسیکه در سستی و بیکاری بسر میبرد حقیقت یک برات مرگ میباشد. بوخز

آنچه ما بکاریم درو میکنیم و سرنوشت ما را بجز اعمال ما بدمان خواهد رسانید . اپیکوس فیلسوف

آنکه روزگارش به تنبلی گذشت دچار عسرت و پریشانی گشت . ؟

آدم بیکاره و تنبل اهل رمل و اسطرلاب میشود . مثل عربی

آنهائی که میدانند چگونه باید کاری را انجام داد آنرا دشوار نمی یابند فقط کسانی یک کار را دشوار مییابند که بلد نیستند انجامش دهند . مثل چینی

ابلهانرا به کثرت کار و زحمت میتوان تربیت کرد . بوزرگمهر

احمقان گاه کارهای عجیب میکنند ، خاصه وقتی که موهوم پرستی نیز با بلاهت توأم شود و حماقت با حس انتقام جوئی در آمیزد . ولتر

اراده های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خودنمائی میکند . لیکن اراده قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمییابد . گوستاو لوبون

از دو صفت بپرهیز ، بیحوصلگی و تنبلی زیرا اگر بی حوصله باشی بر هیچ حقی صبر نخواهی کرد ، و اگر تنبل باشی هیچ حقی را ادا نخواهی نمود . امام صادق(ع)

از جمله فوائد کار اینست که روزها را کوتاه و عمر را دراز میکند . دیدرو

از امروز به بعد علم و عمل بر دنیا سیادت میکند . ؟

از هرگره که با بردنیرنیم ، صدگره بکارمان میخورد . حجازی

اشتغال ، بهر کاری بهتر از تنبلی و بیکاری است . اسمایلز

اشخاص جدی و فعال طوری بکار عادت میکنند که بیکاری باعث صدمه و عذاب آنان میگردد و اگر برحسب اتفاق از شغل و رشته مخصوص بخود باز بمانند بحکم اجبار شغله ای دیگر برای خویش تدارک میکنند . اسمایلز

اشخاصیکه حل ناملایمات زندگی خود را بعهده دیگران میگذارند مانند کسانی هستند که برای عبور از رودخانه منتظر میشوند تا آب آن خشک شود . هوراس، شاعر یونانی

اشخاصیکه هرگز وقت ندارند آنهائی هستند که کمتر کار میکنند . شوپنهاور

اعمال بلندتر از اقوال حرف میزنند اعمال جوهر افکار یک شخص را بیان میکند برای پرهیز از اعمال بد از افکار بد اجتناب کنید . ویوس نانتدا

اگر خواهی بگفته تو کار کنند به گفته خود کار کن . ؟

اگر هدفتان معلوم مقصودتان با ارزش نقشه کارتان عاقلانه و خودتان در انجام آن ثابت قدم هستید مطمئن باشید که جاه طلبی خود را میتوانید تسکین دهید . دکارسون

اگر هر روز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی . بالانش

اگر مایل تا آسایش و راحت نفس خود هستی و به سلامت فکر و بدن خود علاقه داری و میخواهی از بار غم و اندوه بیرون بیائی باین یک دستور مختصر رفتار کن هیچ وقت تنها و بیکار منشین . پورتن

اگر کار را به قسمت های کوچک قسمت کنیم و جزء بجزء انجام دهیم هیچ کار دشوار نیست . هانری فورد

اگر مرد تا هفتاد سالگی هر روز خود را از کار ناتوان دید بهتر است همان روز بمیرد . ادیسن

اگر کمتر به غیر ممکن عقیده مند باشیم خیلی کارها خواهیم کرد . حال اشریو

اگر این همه وقت و فکر و حرف بیهوده را صرف کار مفیدی بکنیم البته بجائی خواهیم رسید . حجازی

اگر میخواهید قدرت مقاومت و تشخیص واقعی مردی را اندازه بگیرید در موقع کوشش های بزرگ کارهای او را مطالعه کنید .

اگر راستی از خطر میترسیم بر خیزیم و کاری بکنیم وگرنه ترس بی عملی ما را کوچک و خطر را بزرگ میکند . حجازی

اگر وقتی را که تنبلها صرف پائین آوردن مردم میکنند صرف بالا بردن خود میکردند زودتر بمقصود میرسیدند . تن

انسانیکه روزگار را به کاهلی و بطالت میگذراند بزرگترین دزد است . ؟

انسان بر احساسات خود حاکم نیست ولی بر اعمال خویش حکومت دارد . لوگووه

انسان فرزند کار و زحمت خویش است . داروین

انسان در کار دیگران عاقل تر است تا در کار خویش . لاروشفوکولد

اینکه ما گمان میکنیم بعضی چیزها محال است بیشتر برای آنست که برای خود عذری آورده باشیم . لاروشفوکو

ابر پر صدا باران ندارد . مثل ایرانی

احمق در کار همه دخالت میکند بجز به کار خود . مثل آلمانی

اگر از فردا مطلع باشی امروز کار میکنی . مثل چینی

اگر نمیتوانی گاز بگیری ، دندان نشان بده . مثل ایرانی

اگر توانائی انجام کاری را در خود داری بدنبال آن برو وگرنه چرا آبروی خود را میریزی . مثل یونانی

ای تنبل برو نزد مورچه و راه و روش او را بیاموز و عاقل باش . ؟

با شک و تردید کاری از پیش نمیرود . ناپلئون

باید هوش و مهارت خود را بکار بریم . چیزیکه دیروز غیر ممکن بود و امروز دشوار است فردا با خوشی و رضایت قبول خواهد شد . ژول کامبون

با استعمال فرسودن و تمام شدن بهتر از باقی ماندن و زنگار گرفتن است . مونتسکیو

با شدت کار کن و با شدت ببازی بپرداز . روزولت

با نشان دادن همدردی و علاقمندی بدیگران خود را فراموش کن ، هر روز کار خوبی که لبخند مسرتی بر چهره دیگران گذارد انجام بده . دیل کارنگی

باید لب فروبست و بازو گشود و کار کرد و دم نزد و یقین نمود که کلید طلائی کامیابی کار و کوشش است . بوزرگمهر

به چهار طریق میتوان وقت را تلف کرد. با هیچ کار نکردن. به چیزی از آنچه باید انجام گیرد عمل نکردن. بد انجام دادن و بموقع انجام دادن. آبه دولاروش

بچیزهای کوچک خود را گرفتار کردن از کارهای بزرگ باز ماندن است. کنفوسیوس

بدون کار هر نوع زندگی فاسد میشود. کاموس

بدبختی آدم از جهل نیست از تنبلی است. دیل کارنگی

برای قلب ما آرامشی بهتر از آنچه در محیط کار هست میسر نیست. دوک دولوی

برای آنچه هستم مدیون قدرت اراده و اخلاق و پشتکار و جرأت خود میباشم. ناپلئون

برای من زیباترین روزها روزی است که از نتیجه کار خود در آن روز خرسند باشم. ؟

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد. پلوتارک

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیازمندگی حاصله از کار هستیم. والتراسکات

برای اشخاصیکه فقط در فکر کار هستند فرصت تظاهر باقی نمیماند. روزولت

برای تمام موفقیت هائیکه در زندگی بدست آورده ام خود را مدیون آن میدانم که همیشه ربع ساعت قبل از وقت سر کارم حاضر بوده ام. نلسون

برای پیشرفت و پیروزی سه چیز لازم است اول پشتکار. دوم پشتکار. سوم پشتکار. لرد آبیری

بسی گنج که از رنج فراز آید و از کاهلی از دست برود .　　قابوس وشمگیر

بکوش در آبادانی دنیای خود چنانچه میخواهی دائم در او زندگی کنی .　　حضرت امیر (ع)

بگذارید آن ملتی که در ضمن کار و کندن سنگهای بزرگ از کوه آواز میخواند ، آواز خود را بخواند و کارهای جدی را با شوخی و مزاح انجام دهند .　　مونتسکیو

بهترین کار خیر اصلاح بین مردم است .　　حضرت محمد (ص)

بهر کس کاری واگذار کنید که برای آن ساخته شده باشد در این صورت یک چنین شخصی از کارش لذت خواهد برد و مانند گل شکفته خواهد شد .　　جون روسکین

بهترین دیتامین که افراد بدان احتیاج دارند عبارت است از کار .　　؟

بهترین یار و پشتیبان هر کس بازوان توانای اوست .　　کتاب کار و زندگی

بی نظمی در کار بدتر از بی اطلاعی از آن است در کارهای زندگی باید بخود اعتماد داشت و بس .　　فرانکلین

بیکاری نه تنها موجب پریشانی فکر و ناراحتی خیال است بلکه یک کدورت و پشیمانی همیشگی باطنی پدید میآورد بشیلد

بیچاره کسی که از ترس شکست دست بکار نمیبرد .　　؟

بیچارگی و تیره روزگاری را بوسیله سعی و عمل از دامان زندگی دور سازید و از فلک کج مدار شکایت را واندارید و خود و مردمان را افسرده نسازید و برآن باشید که هر مشکلی را سعی و عمل آسان میسازد .　　؟

پدرم بمن کار کردن را آموخت نه عشق و علاقه بکار را . — لینکلن

پیش از اقدام بکار توانائی خود را بسنج و موجبات و وسایل آنرا در نظر بگیر . — سه رنگ

پیروزی با کسانیست که بیش از دیگران پشتکار دارند . — ناپلئون

تا سرانجام کار کسی را نه بینید به عملش خوشدل نباشید . — حضرت محمد (ص)

تا جوانید کار کنید زیرا فقط یک بهار در زندگی هست و بهار است که ثروت تابستان و حاصلخیزی پائیز را فراهم میسازد . — بوتن

تا مقداری از کار باقی است شخص باید خیال کند که هیچ نکرده است . — ؟

تا آنجا که ممکن است کارت را امروز خوب انجام بده و باشد که فردا بازقدمی جلوبر داری و کارت را بهتر انجام دهی . — بوتن

تا زنده ام لحظه ای آرام نخواهم گرفت ، راحتی کردن و مردن نزد من یکی است . — ناپلئون

ترقی مولود فعالیت دائمی است زیرا استراحت چیزی بجز انحطاط در بر ندارد . — گوستاولوبون

تصور ما ، دانائی ما ، خیال ما از نقطه نظر حصول نتیجه اهمیت ندارد . تمام اهمیت در کارهای ماست . — راسکین

تقسیم کار سبب میشود که برای رفع نیازمندی یک نفر همه کار کنند و این اساس ترقی و رفاه است . — آدام اسمیت

تمام کارهای شریف افتخار انگیزند . — ؟

تنبلی آدم را خیالپرست بار میآورد . — پوسه‌نه

تنها مدرسه ای که علم و معرفت حقیقی را در آن آموختیم مدرسه دنیا است که در آن دو معلم زحمت و کوشش با انسان

درس گرانبهائی تلقین میکنند . هیوملر

تنبلی آنقدر بکندی حرکت میکند که فقر و تنگدستی به سهولت او را میگیرد کارهای خود را دنبال کن و رنه آنها تو را دنبال خواهند کرد . فرانکلین

تنبلی بلا و آفت بشریت است و همانطور که زنگ آهن را میخورد و آنرا فاسد میسازد بطالت نیز قلب افراد و ملل را خورده آنها را از صفحه وجود محو میسازد . اسمایلز

تنبل ترین و ضعیف النفس ترین افراد جامعه بیش از همه شکوه و شکایت دارند بدترین اقسام چرخهای چرخی است که صدا و سر و صدای آن زیادتر است . سموئل اسمایلز

تأثرات اولیه بر وجود ما حاکمند . مثل چینی

ثروت و سرمایه اساسی واقعی هر ملت معادن و نفت و ذغال و طلای او نیست بلکه استعداد و هوش و کار افراد اوست . ؟

جوانی زندگانی رهبانی و گوشه گیری و انزوا حکم مرض آبله را دارد برای مغز . اسقف سن پیتر

جوانها همه در انتخاب کار باید آزاد باشند چه اگر رضایت خاطری نباشد هیچ کار خوب انجام نمیگیرد . ؟

جواهر بدون تراش و مرد بدون زحمت کار ارزش پیدا نمیکند . مثل چینی

چه بسا اشخاصیکه فقط به صدای طنین کلنگ گورکن از خواب بیدار میشوند . ناپلئون

چون تمام اشیاء جهت گیری شدید تنبلی و عجز با هم جفت گشتند نتیجه ای که از این دو بوجود آمد فقر و بینوائی بود . حضرت امیر

چه بسا فعالیت هائی که در اثر فقدان کمی فعالیت بیشتر آثارش از بین رفته و تبدیل به هیچ شده است . ای . هـ . تارین

چه بسا که یک قدم بانجام مانده کار را بر هم میزنیم . از اشعار تائو ته کینگ

چراغ کوچکی درون شب تاریکی را میکافد و باطراف نور میدهد کار خوب اگرچه کوچک و ناچیز باشد در نظر من کوچک و ناچیز نیست . شکسپیر

چاه را با شبنم نمیتوان پر کرد . مثل عربی

حتی در مواقعیکه هیچ کار نداشته ام پیش خود فکر میکرده ام نباید وقت را بیهوده تلف کرد . ناپلئون

خوشی و شادی زودتر از کار و کوشش انسان را خسته میکند . ؟

خیلی از ما وقتی برودخانه ای میرسیم تمام عمر در انتظار می نشینیم تا مگر کس دیگر بیاید و روی آن پلی برای ما بسازد بیسل رس

داشتن یک حرفه بمنزله تملک یک ده است . فرانکلین

در این جهان هر کس باید کسب و کاری داشته باشد آدم بیکار سربار و عضو بیفایده و بی ثمر جامعه میباشد . ویکتور هوگو

در دنیا کسی نیست که وجودش برای کاری بدرد نخورد . خواجه نظام الملک

در شغلی که بتو محول نیست اندیشه و تدبیر مکن . کنفوسیوس

در سال ۱۸۱۴ ناپلئون طی گفتگوئی چنین گفت کار عنصر ذاتی منست من برای کار بدنیا آمده ام و ساخته شدم من محدودیت

قوه پاهایم و محدودیت قوه چشمانم پی برده‌ام ولی هرگز نتوانستم به محدودیت قوه کار کردن خود پی ببرم. ؟

در این عالم فکر من و رأی من و شأن و آبروی من در کار نیست همه امور به ما یعنی گروهی که در منفعت شریک و سهیم هستند -
نسبت و تعلق دارد. دکتر پرویز خانلری

در راهی قدم زدن که پایانی ندارد و در دریائی سیاحت کردن که کرانه‌هایش پدید نیست از طریق خرد دور می‌نماید مرد باید در
کاری که وارد می‌شود مدخل و مخرجش را دانسته و ضرر و نفعش را با میزان عقل بسنجد تا رنج بیهوده نکشیده باشد. کلیله و دمنه

دنیا از آن کسانی است که حرارت و انرژی دارند. ناپلئون

دو اهرم برای برانگیختن مردم به سعی و کوشش وجود دارد یکی نفع و دیگری ترس. ناپلئون

دیروز را فراموش کنید امروز را کار کنید به فردا امیدوار باشید. کتاب کار و زندگی

در یک فن استاد بودن بهتر از آنکه شخص در صد کار دخالت کند و هیچیک را خوب نداند. مثل ژاپونی

راز بدبختی شما در اینست که فرصت فکر کردن درباره خوشبختی و یا بدبختی خود را داشته باشید. برنارد شاو

روزگار به من گفت عمرت را بفروش گفتم آنرا با تمام دنیا نمیدهم ولی افسوس که بتدریج آنرا از کفم ربود بی آنکه بهای آنرا به من بدهد

رختخواب نرم خواب سنگین نمی‌آورد. مثل روسی

زندگی بدون کار مردن پیش از وقت است. گوته

گرانبهاترین مردم کسی است که گنجینه گرانبهای عمر را رایگان از دست ندهد و وقت گرانبها را تلف نکند. اسمایلز

سحرگاهان خروس بانگ زده میگوید ای مردم برخیزید و بهترین راستی و درستی را بستائید و دیو کاهلی را از خود دور سازید و بویژه آن دیوی که میخواهد شما را بخواب ببرد. ؟

سخت ترین و تاریک ترین روز برای من روزیست که نتوانم کار کنم. ایرانشهر

سرچشمه همه فسادها بیکاری است شیطان برای دستهای بیکار کار تهیه میکند. پاسکال

سرعت در عمل نخواهید بلکه نیکوئی عمل را بخواهید که بعد از فراغ از نیکوئی عمل پرسند نه از سرعت وقوع آن. افلاطون

سگ بیکار گرفتار گری و خوره میشود. پورتن

سگ عوعو میکند ولی کاروان اعتنا نکرده بدان میگذرد. ؟

شکل اجتماع فردای ما را کوشش امروز تعیین میکند اگر اهمال و یا اشتباه کردیم نتیجه آن فردا بصورت نکبت و بدبختی گریبان ما را خواهد گرفت. ؟

شکستن عادات بد کار مشکلی نیست عیب کار در اینجاست که شما ممکن است عادات بدتری را بجای آن بپذیرید. توآلوپن

صاحبان بزرگترین کارخانه های عالم مردمان فقیری بودند سعی و عمل آنها را بدین مقام رسانیده است. ست لود

علت اصلی هر ملالت و اندوه تنبلی است. پورتن

عمر صندوقچه ای است که هم میتوان آنرا با افکار و اعمال زیبا پر کرد و هم با افکار و اعمال زشت. اوسطو

عجله کار را که احتیاط قدغن کرده انجام میدهد. مثل چینی

فقط امروز در اختیار تو است برخیز و برای کار آماده باش و از هیچ چیز بیم نداشته باش. آیا مهیای کاری یا در انتظار فردا؟

فقر و تنگدستی بدرِ کارخانهٔ مردِ زحمتکش نزدیک میشود ولی هرگز جرأت ورود بدرون کارخانه را ندارد. فرانکلین

فقط از یک درخت سالم، میوهٔ سالم بدست میآید. مثل چینی

کار گنج است و دنیا معدن است پس بشتابید بکار تا مهلت دارید. حضرت محمّد

کار کن و مطمئن باش کامیاب هستی. حضرت امیر

کاریکه تنها سود شخصی در آن منظور شده باشد شرافتمندانه نیست. لئو تولستوی

کار هرچه سخت و مشکل باشد صدمه اذیتی بشخص نمیرساند لیکن وقتی بکنواخت و خسته کننده و خالی از امیدواری بود آنوقت بمنزلهٔ

بدترین شکنجهٔ روح و جسم میشود. اسمایلز

کار بدون تفریح انسان را اکبر میکند و تفریح بدون کار آدم را تنبل بار میآورد جائیکه کوشش و مجاهده وجود ندارد فضیلت

و تقوی معدوم است. برناردن

کار پزشک طبیعت است و برای خوشبختی آدمی ضرورت دارد. جالینوس

کار جسمانی رنج روحی را از بین میبرد باین سبب است که بینوایان همواره خوشحالند. لاد رشفوکو

کارهائیکه در گذشته کرده ایم مارا مانند سایه تعقیب میکند و سرنوشت بخش آنها مارا به بدی و یا بخوبی میکشد. کارلایل

کار کوچک را بپذیرید ولی برای کار بزرگ آمادگی پیدا کنید. ؟

کار کن اگرچه تنها باشی و چنان انگار که همیشه ده چشم از هر سو ترا نگاه میکند . — کنفوسیوس

کار و کوشش ما را از سه عیب دور میدارد : افسردگی ، دزدی و نیازمندی . — ولتر

کار قانون زندگی است ، قانون کلیهٔ اکتشافات و تمام پیشرفتها . — ؟

کار خودت را جوئی بفهم و آنرا بجا آور و مانند یک قهرمان خود را با آن کار مشغول کن . — کارلایل

کار کن پیش از آنکه نیازمندی بکار وادارت کند . — فرانکلین

کار و کوشش ما را از سه شر بزرگ بیبهره میسازد : ملالت و دلسردی ، رذیلت و تباهی و فقر و نیازمندی و در هر جامعه که کارها بر اساس استعدادها تقسیم نشود در واقع همه بیکاره‌اند . — ولتر

کاهلی اگر از بسیاری از جنایات جلوگیری کرده است موجب از بین رفتن بسیاری از فضائل نیز گشته است . — کولتون

کاهلی فساد تن بود و زنهار کاهلی مکن اگر تن ترا فرمان نبرداری نکند بستم تن خویش را فرمانروا کن و به قهر آنرا بطاعت در آور . — کیکاوس

کار داس وقت است . — ناپلئون

کار نه فقط هزینه زندگی را تأمین میکند بلکه زندگی کردن را هم بانسان میآموزد . — هانری فورد

کردار بلندتر از گفتار حرف میزند . — کارولین ولتر

کسانیکه از کار مینالند باید مجبور به بیکاری گردند تا بارزش کار پی ببرند . — پاسگال

کسیکه در انتخاب کار اشتباه کند عمری اشتباه کرده است . — کتاب کار و زندگی

کسی با قریحه است که کاری را که دیگران نمیتوانند با سهولت انجام دهند براحتی انجام میدهد و کسی نابغه است که کاری را که قریحه از انجامش عاجز است بخوبی بانجام رساند. — هانری فردریک امیل

کسانیکه عمر خود را ببطالت و تنبلی میگذرانند حق ندارند از روزگار شکایت کرده بخت و اقبال را مورد عتاب قرار دهند — لرد اوبوری

کوشش نخستین تجلی قدرت، نخستین قانون خلقت و نخستین چرخ گردونه سعادت است. — ایوانشهو

کره زمین مال مردم باپشتکار است. — مثل آلمانی

کار کردن خوب است اما زندگی کردن را فراموش مکن. — مثل آفریقائی

کسیکه در آفتاب زحمت کشیده حق دارد که در سایه استراحت کند. — مثل افریقائی

کسیکه در کارش نادرست است در همه چیز نادرست خواهد بود. — ؟

کسیکه در آغاز کار فکر و تامل نکند در پایان کار آه خواهد کشید. — مثل ایتالیائی

کسیکه به پشتکار خود اعتماد دارد ارزش برای شانس قائل نیست. — مثل ژاپونی

کفش گشاد که پوشیدی حاضر بزمین خوردن باش. — مثل چینی

گرفتاری در این دنیا از اینستکه نادان از کار خود اطمینان دارد و دانا از کار خود مطمئن نیست. — برتراند راسل

گناهکارترین مردم کسی است که خدا را مسئول کارهای زشت خود بداند. — حضرت محمد

گاوآهنی که همیشه کار میکند بسیار براق است. — مثل یونانی

گفتار شیرین و کردار تلخ خیلی ها را فریب داده است . — مثل فرانسوی

ما همه از کارهائی خسته میشویم که انجام نمیدهیم وگرنه انجام کار هرگز ما را خسته نمیکند . — ؟

مجبورم کار کنم وگرنه اخلاق من فاسد خواهد شد . — تولستوی

مردمان عاجز کارهای منفی میکنند تا دیگران نام ایشان را ببرند و بدانند که هنوز در این جهان هستند . — سعید نفیسی

مردم همه از یک نسل هستند امتیاز آنها به سعی و عمل است . — اسمایلز

مردم سالها می فهمند شما چکاره اید مگر وقتی که بیکار شوید . — ؟

مشغول نبودن با زنده نبودن یکی است . — ولتر

مصدر تمام مفاسد بیکاریست هر حکومت و دولتی که بخواهد این عیب را رفع کند باید بقدر امکان مردم را بکار وادارد . — پاسکال

مغز تنبل کارگاه شیطان است . — فرانکلین

من باید خود را در کار فراموش کنم وگرنه ، کمرم زیر بار یأس و ناامیدی درهم خواهد شکست . — تیدنون

من همیشه با دیو تنبلی ستیزه خواهم نمود زیرا بیکاری و کاهلی مارا رنجور میسازد . — میوخود

من هرگز خود را از فعالیت کنار نخواهم کشید چه در این صورت از فرط بیکاری مجبور خواهم شد به پیری و مرگ فکر کنم . — دوزولت

من در زندگیم حتی یکروز کار نکرده ام ، آنچه انجام داده ام تفریح بوده است . — ادیسون

من مشهور نشدم مگر بواسطهٔ کار و کوشش و اگر از عملی خسته میشوم تفریح و رفع خستگی را در اشتغال بکار دیگر جستجو میکردم — نیوتن

موفقیت های پی در پی گاهی بیش از مغلوبیت ضرر میرساند. کسیکه موفق شده و کاری از پیش برده است براحتی مغرور میشود ؟

موفقیت مانند شن در لای انگشتان و آب از یک بشکه لبریز میشود و فرار میکند و با فعالیت و کار باید جلو فرار آن را گرفت ؟

مواظب خودت باش وقتی خورشید بزمین نگاه میکند میتواند بگوید این بیکاره ایست که خوابیده . — فرانکلین

ملاح ورزیده را در دریای طوفانی میتوان شناخت . — مثل یوگسلاوی

نگرانی و تشویش در موقع کار بشما روی نمیآورد بلکه پس از انجام آن ظاهر میشود پس باید همیشه مغز اشتغال داشته باشد . — جیمز ل. مودسل

نیرویی که برای انداختن کار امروز به فردا مصرف میشود غالباً برای انجام وظیفه همان روز کافی است . — ؟

وقتی شخصی گمان کرد دیگر نیازی به پیشرفت ندارد باید تابوتش را آماده کند . — دکتر ماردن

وقتی بکاری مصمم شدی دیگر درهای شک و تردید را از هر سو ببند . — نیچه

وقتیکه عرق خشک شد زحمات کار نیز فراموش میشود . — مثل بلژیکی

هرجا وسایل تنبلی و تن آسانی کمتر فراهم است آنجا بهتر کار میشود . — دورویل

هر وقت احساس میکنم که درد و رنج و بیماری میخواهد مرا رنجه کند و آزار دهد بکار پناه میبرم کار بهترین درمان دردهای منست . — ولتر

هرکس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر میتواند کار کند . — میلتون

هرگز نباید از قدر هیچکس بکاهیم کارگر دوست ندارد که در حضورش کار او را تحقیر کنند . — دوسال

هرکس داند در خور چه کار است و پی آن شود حکیمی بزرگ باشد . — سقراط حکیم

هرگز نمیتوان با آدمهای کوچک کارهای بزرگ انجام داد . سید رون

هرکاری که تصمیم آنرا بگیرید نصفش را انجام داده اید . ابراهام لینکلن

هرکار بزرگ در آغاز محال بنظر میرسد . کارلایل

هنگام شروع کار باندازه کافی غور و دقت کنید تا در میان کار تردیدی به شما دست ندهد . نوسلن

همیشه در همه جائی که هستی بکاری مشغول باش . هانری فورد

همیشه خود را سرگرم سازید زیرا اشخاص غمگین و مضطرب باید خود را در کار فراموش کنند وگرنه در یاس و ناامیدی غرق میشوند دیل کارنگی

همیشه کار کنید و بکوشید تا جامه افتخار و عظمت بپوشید، همیشه در نظر داشته باشید که افتخارات تازه‌ای بدست آورید، زیرا افتخارات گذشته همچون شمشیریست که زنگ زده و از رونق افتاده است . شکسپیر

هیچ یک از تمایلات نفس انسانی مضرتر و خطرناکتر از تمایل به تنبلی نیست . اسمایلز

هیچ چیز جز یک هدف مشخص و معلوم نمیتواند روح انسان را آرام سازد . اوچ ولز

هیچ چیز بدتر از بیکاری نیست زیرا انسان در موقع بیکاری مغز خودش را میخورد و این از بدترین آفات و امراض انسانی است چارلز لمب

هیچکس آنقدر ابله نیست که برای هیچ نوع کاری لیاقت نداشته باشد . ناپلئون

هر سفر هزار فرسنگی هم با یک گام آغاز میشود . مثل چینی

هرچه تعداد کارکنان کمتر باشد نوع خدمت بهتر خواهد بود . مثل چینی

هر قدر بیشتر ماهی بخواهی باید به دریا بیشتر نزدیک شوی . مثل انگلیسی

همه خوبند اما نه برای همه کار . مثل اسپانیائی

هنگامیکه برادران باهم کار کنند، کوه مبدل به طلا میشود . مثل چینی

یک کار نیکو گاهی یک شخص و یک ده و یک شهر و گاهی یک ملت را رستگار میکند و ترقی میدهد . گوته

یک روز بیکاری چون یک شب بیخوابی خسته کننده است . پتی سن

یک کار خوب بهتر از هزار اندیشه خوبست و کسانیکه کار خوب میکنند بسیار بهتر از کسانی هستند که خوب میاندیشند . ودا

یک وجب کار بیش از یک جریب وعده میارزد . مثل یونانی

یک نفر نمیتواند در عین حال در دو قایق پارو بزند . مثل آفریقائی

تن آسانی و کاهلی دور کن — بکوش و ز رنج تنت سور کن

که اندر جهان گنج بی رنج نیست — کسی را که کاهل بود گنج نیست

فردوسی

مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد — به همین آواز تیشه ز سنگ آبی برون آید

صائب

هر که دانه نفشاند به زمستان در خاک — ناامیدی بود از دخل به تابستانش

سعدی

ز کوشش به هر چیز خواهی رسید — به هر چیز خواهی کماهی رسید

برو کارگر باش و امیدوار — که از یأس جز مرگ ناید به بار

گرت پایداری است در کارها — شود سهل پیش تو دشوارها

بهار

مکن ز غصه شکایت که در طریق ادب — به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید

حافظ

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود — مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

آن کو عمل نکرد و عنایت امید داشت — دانه نکشت ابله و دخل انتظار کرد

سعدی

هر که نان از عمل خویش خورد — منت از حاتم طائی نبرد

سعدی

برو کار می‌کن مگو چیست کار — که سرمایه جاودانیست کار

سعدی

کتاب ـ مُطالعه

آدم تنها اگر در بهشت هم باشد با و خوش نمیگذرد اما کسیکه بکتاب یا بتحقیق علاقمند است هنگامیکه بمطالعه یا بتفکر دربارهٔ محتوای آن کتاب مشغول است جهنم تنهائی برای او بهترین بهشت هاست .

متر لینگ

آنچه راهیستوان بعد از بیست سال تجربه آموخت مطالعه صحیح در یکسال بما بیاموزد .

؟

از میان آثار فکری بشر آنها که با روح و دل و احساسات آدمی سروکار دارند از دستبرد فراموشی و فرسودگی در امانند استراحتی که توام با مطالعه نباشد یکنوع مرگی است که آدمی را زنده بگور میکند .

سنگ

اسکندر کتابهای کتابخانهٔ ایران را تمام غارت و همه را به یونان برد .

پلوتارک

اصولاً در دنیا دو نوع کتاب وجود دارد کتابهائیکه هیچکس مطالعه اش نمیکند و کتابهائیکه نباید آنها را کسی مطالعه کند .

بکن

اطاق بدون کتاب مانند جسم بدون روح است .

سیسرون

اگر کسی طالب مجهول نباشد از مطالعه هر کتابی معلومی بر معلومات خود خواهد افزود . بالاخره هر مغزی دارای افکاریست که مخصوص خود اوست .

حضرت محمّد (ص)

اگر کتاب بعقل تو حمله نکند و آنرا تصرف ننماید و اگر ادراک ترا برای فهم مطالب آماده ننماید و همچنین بلند پروازی معقول ترا تقویت نکند نسزاوار خواندن و مطالعه نیست .

دکتر ماردن

کرسی فلسفه را در دانشگاه هایدلبرگ به فیلسوف بزرگ وحدت وجودی بلند « اسپینوزا » پیشنهاد کردند و او نپذیرفت و گفت نخست اینکه مرا از مطالعات خودم باز میدارد ، دیگر اینکه آزادی فکر را از من سلب میکنند و مجبور میشوم تعلیمات خود را تابع عقاید مردم زمانه کنم .

؟

اگر یکی از مشتاقان کتاب هستید بزرگترین خوشبختی جهان را دارا هستید .

ژول کارادلی

اگر یکروز کتاب نداشته باشم عشق من بجنون مبدل خواهد شد .

فودریک کبیر

اگر در کشور ما به خانواده ای میتوانست کتابخانه ای از کتابهای نفیس داشته باشد بطور قطع زندگی اجتماعی ما منقلب میگردید و هدفها و آرزوهای ما به پایه غیرقابل تصوری میرسید .

دکتر ماردن

اگر مادر نباشد جسم انسان ساخته نمیشود و اگر کتاب نباشد روح بشر پرورش نمی یابد .

پلوتارک

انسان در کتاب از چیزهائی باخبر میشود که دیدن خود آنها امکان پذیر نیست زیرا عین آنها فرسنگها و یا قرنها و سالها فاصله دارد .

آناتول فرانس

اگر کسی بخواهد از حال و گذشته باخبر باشد باید پنج قفسه کتاب بخواند .

مثل چینی

اگر کتاب دارید خوش خواهید بود ولی خوشتر خواهید بود زمانیکه دیگر احتیاجی به کتاب ندارید .

مثل چینی

باید زیاد مطالعه کنیم تا بدانیم که هیچ نمیدانیم . مونتسکیو

باید درهای علم بروی همه باز باشد. هر جا مزرعه هست هر جا آدم هست آنجا کتاب هم باید باشد . ویکتور هوگو

بجای آنکه چندین کتاب بخوانی کتابهای خوب را چندین بار بخوان . ؟

بدون حکومت میتوان زندگی کرد ولی بدون کتاب و مطبوعات نمیشود . ابراهام لینکلن

برگهای کتاب بمنزلهٔ بالهائی هستند که روح ما را بعالم روشنائی پرواز میدهند . ولتر

برای پیدا کردن راهی از آشفتگیهای پرآشوب و رنگارنگ ایده ها، احساسات و حوادث کتاب خدمت دوستانه ای بشما ارزانی میدارد . ماکسیم گورکی

برای یافتن حقیقتی که گاه از یک نظر بیشتر نیست سالها باید رنج کشید و کتابها خواند و گفته های مختلف را با هم سنجید سعید نفیسی

برای شناخت اخلاق و روحیات یک ملت و سنجیدن ذوق و پایهٔ تفکر آن باید کلیهٔ کتب و رسائلی که در میان آن ملت بیشتر رواج و انتشار دارد مورد توجه و مطالعه قرار داد . اسمایلز

برخی کتب را باید چشید بعضی دیگر را باید بلعید و قلیلی را هم باید جوید و هضم کرد . فرانسیس بایکون

بسیاری اشخاص اگر چیزی را از زبان دیگران بشنوند بهتر و روشنتر در خاطرشان میماند تا اینکه در کتاب بخوانند یا در پیش خود فکر کنند. لرد آویوری

بعد از کتب آسمانی شریف ترین و مفیدترین کتابها بیوگرافی و شرح حال است . آندره موروا

بگذار روح خود را در آن فضائیکه دوست دارم پرواز دهم زیرا من در کتابخانهٔ خود بسان شهنشاه با نزوائی واهی میمانم که در

قصر خود نشسته گاهی با فلاسفه و زمانی با سفرای شیرین سخن صحبت میدارد . نیچه

بهترین آبروی اطاق پذیرائی کتاب است آری یک قفسه کتاب از هر تجملی آبرومندتر است موسدن

بهترین کتاب آن کتابی است که انسان را بتفکر وادارد و الا بدرد پاره کردن هم نمیخورد . الف بس

بدترین دزدها کتاب بد است . مثل ایتالیائی

پرورش روحی بشر به کتاب مربوط میشود . پلوتارک

تو در یکشب این کتاب را مطالعه میکنی و من موی سر خود را در نگارش آن سفید کرده ام . سوئه

جامعه وقتی قرین فرزانگی و سعادت میابد که خواندن کار روزانه اش باشد . سقراط

جهان کتابی بسیار عالی است ولی کسیکه خواندن نمیداند فایده ای از محتوای آن نتواند گرفت . مثل ایتالیائی

چند دقیقه یا چند ساعت از وقت را با مطالعه گذرانیدن یکی از بزرگترین لذائذ روحی انسان است . ؟

چون ما نمی توانیم کتاب را از بین ببریم عاقبت این کتاب است که ما را از بین خواهد برد . برنارد شاو

چون زندگی کوتاه است و اوقات فراغت محدود نباید وقت خود را در خواندن کتابهای بی ارزش و مبتذل تلف کرد . جان راسکین

چیزهائیکه من مایل به دانستن آنها میباشم در کتاب است و بهترین رفیق من آنکس است که کتابی بمن بدهد که نخوانده باشم . لینکلن

خواندن انسان را کامل میکند و سخنرانی و گفتگو او را حضور ذهن و سرعت انتقال میدهد . بایگون

خواندن همه کتاب یا مطالعه هر مطلبی که بدست آید با قصد اینکه در سریعترین وقت از مطالعه آن فارغ شویم برای عقل

و اخلاق یک کارزیان آور است.
دکتر ماردن

خوانندگان بر دو نوعند گروهی میخوانند که فرا گیرند و گروه دیگر میخوانند که فراموش کنند.
؟

خواندن و عمل نکردن مثل تخم زدن و تخم نپاشیدن است.
؟

خواننده خیلی بندرت همان استفاده را میکند که نویسنده از نوشته خود کرده است.
تولیستان بونارد

خوشبخت کسیکه یکی از دو چیز دسترسی دارد یا کتابهای خوب یا دوستانی که اهل کتاب باشند.
هوگو

خیلی فرق است بین کسیکه با شوق و حرارت میخواهد کتاب را مطالعه کند با آدم خسته‌ای که میخواهد با کتاب خستگی خود را رفع کند.
چارلز دیکنز

در دنیا لذتیکه با لذت مطالعه برابری کند نیست.
تولستوی

در این دنیا یگانه چیزی که میتواند ما را از فراموشی نجات دهد کتاب است.
تومیک

در بدبختی و تنهائی جائیکه هم زبانی ممکن است دروغ بگوید و فریب بدهد و درد بر درد بیفزاید. تنها کتاب است که آزار و فشار درد را میکاهد.
سعید نفیسی

ستون تمدن قرن بیستم کتاب و مطبوعات است.
روزولت

سیاست در زندگی اجتماعی و اخلاقی ملت ها کلی تاثیر دارد ولی یک کتاب ممکن است در این امر تاثیر فوق العاده‌ای داشته باشد.
گلادستون

صنعگران از مطالعه متنفرند. مردم بی‌ادب ان علاقمندند. و دانشمندان و عقلا از مطالعه استفاده میکنند. — بایگون

طبیعت یگانه کتابی است که کلیه صفحاتش پرمعنی است. — گوته

فقر و پریشانی ما بجائی رسیده بود که از اسباب و اثاثیه منزل یک بشقاب و قاشق هم نداشتیم، ولی خوشبختی ما در این بود که پدرمان در موقع مردن دو کتاب برای ما بمیراث گذاشته یکی کتاب «راه رسیدن مرد صالح به آسمان» و دیگری کتاب «پرهیزکاری و تقوی». — یونیان

قرائت کتابهای خوب مکالمه با مردمان شرافتمند گذشته است. — دکارت

کتاب باغ بوستان دانشمندان است. — حضرت امیر (ع)

کتاب غذای روح بشر است. — حضرت امیر (ع)

کتاب در اعماق قلب ما جای میگیرد، ما از هوای روانبخش کتاب تنفس واقعی و کسب حیات معنوی میکنیم و هرچه از دوران توحش و جاهلیت تا عصر کنونی بدست آورده‌ایم همه از دولت افکار نویسندگان و تالیفات آنها بوده است. — ؟

کتاب برای جوانان راهنمائی است که آنها را بسوی شرافت و فضیلت میکشانند. — ازمی تایلد

کتاب از لوازم و ضروریات اولیه زندگی است و لباس جزو تجمل و زینت آن. — اداسموس

کتاب خوب بمنزله بهترین دوست و مونس انسانی است. اخلاق و صفات کتاب مانند انسان تغییرپذیر نیست و هرچه از اول بوده است همیشه هم بهمان حال باقی خواهد بود. کتاب از تمام دوستان انسانی ثابت قدمتر و باوفاتر و صبورتر است.

و هرگز در ایام بدبختی و محنت با انسان پشت نمیکند بر عکس آغوش مهربان و رأفت آن برای استقبال ما همیشه گشوده است و در دوره جوانی ما را سرگرم و مشغول میسازد و در روزگار پیری و خستگی تسلیت و دلداریمان میدهد . اسمایلز

کتاب معلمی است که بدون عصا و تازیانه ما را تربیت میکند . دانشمند انگلیسی

کتاب جام جهان نماست . هوگو

کتاب رشته اتصال و پیوند معنوی است و مردم غالباً بوسیله آثار و نوشته های مؤلفین که طرف توجه و اقبال جامعه است با یکدیگر هم فکر و مأنوس میشوند و بدانوسیله وجه اشتراکی مابین خویش احساس میکنند . اسمایلز

کتابهای بد سموم فکری هستند و موجبات تباهی دماغ را فراهم میکنند . شوپنهاور

کتاب بزرگ کتابی است که خواننده را بزرگتر از آنچه هست بنماید . ادوارداواو

کتاب مونس و غمگسار اوقات اندوه و خستگی است که حزن و اندوه را به سرور و شادمانی تبدیل میکند . زنگ و غم را از آئینه خاطر میزداید و گنجینه ذهن را پر از گوهرهای گرانبها میکند . اسمایلز

کتاب خوب در حکم رفیق خوب است . رومن پیر

کتاب بر عالم مدنیت فرمانروائی میکند . ولتر

کتاب بوستان مزینی است که گلهائی از سینه بزرگان میروید . از مردگان سخن میگوید و ترجمان کلام زندگان است . جاحظ

کتاب بعد از فکر بهترین دوست زندگی است اگر بد باشد هیچ نمیارزد و اگر خوب باشد از زنده ترین چیزهاست . استابل

کتاب و ارای جنبه های خلود و ابدیت است بتها و معابد با شکوه خراب و معدوم میگردد و پرده های نقاشی مجسمه های

گرانبها ضایع و تباه میشوند لیکن کتاب بی هیچ نقصی در طی از منه و قرون تنها باقی میماند . اسمایلز

کتاب عالمی جاودانی و پاکیزه و روحانی است که اوقات فراغت ما در آنجا بسعادت حقیقی نائل میگردد . وردزورث

کتابها بودند که بمن کمک کردند تا از این باطلاق گندیده بیرون آمدم وگرنه هلاک میشدم . ماکسیم گورکی

کتاب همنشینی است که ترا بخشم نمیآورد و دوستی است که ترا هیچگاه ملول نمیکند و پند آموزی است که هیچگاه ترا

بلغزش دچار نمیکند . ؟

کتاب بخوانید و به هنگام تنهائی در عبارات و معانی آن تفکر کنید و موقعیکه با دیگران نشسته اید در گفتار آنان دقت کرده

آنچه را مربوط به افکار شماست فرا گیرید . لودآویبوری

کتاب ظرفی پر از علم و ظرائف است گاهی از نوادرش میخندی و هنگامی از غرائبش شگفتی میکنی . کتاب در ساعت

تنهائی همدم خوب و در بلا دبیگانه آشنای خوبست . جاحظ

کتاب خوب در حکم ضریح و مدفن جاودانی حیات انسانی است زیرا زندگانی حقیقی بشری فقط عبارت از تفکر است و افکار

نیز در صفحات کتب پایدار و مخلد میماند . بنابراین کتابهای خوب گنجهای شاهواری از اندرز و کلمات حکیمانه است . اسمایلز

کسانیکه با افکار عالی و خوب دمساز ند هرگز تنها و بی مونس نیستند . فیلیپ سیدنی

گوئی کتابها این سخن گویان خاموش و بصیدا بالاترین وسیلهٔ دلداریست که برای مردم رنجدیده آزار کشیده فراهم شده‌اند.

سعید نفیسی

لذت مطالعه یگانه لذتی است که خالص و بی غل و غش است موقعی که سایر لذات از بین میرود این لذت همچنان پابرجا باقی میماند.

آنتونی ترولوپ

ما نه تنها باید کتابهای خوب را بخوانیم و دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما بمنزلهٔ کتاب خوبی باشد که دیگران از ما سرمشق بگیرند.

فنلن

مردمان فقیر و مسکین میتوانند بدون هیچ دغدغه و تشویش بمصاحبت افکار بزرگان نائل گردند، زیرا این گلستان معنوی را حصار و در و فقط سواد است و هر کس از عهدهٔ خواندن برآید میتواند بیزحمت و حاجب و دربان بدان اندر رود و تماشا نماید.

مطالعهٔ کتابهای خوب تفکر در امر حیات و مصاحبت با دوستان اهل دل برای سعادتمند شدن کافی است. دومیکین

مطالعه وسیلهٔ ایمنی از بدی خلایق است و انسان را در قرون گذشته سیر داده و با افکار بزرگان آشنا میسازد. دکارت

مطالعه یگانه راهی است برای آشنائی و گفتگو با بزرگان روزگار که قرنها پیش از این در دنیا بسر برده و اکنون در زیر خاک منزل دارند.

دکارت

من هیچ غمی نداشته‌ام که خواندن یک صفحه کتاب آنرا از بین نبرده باشد.

مونتسکیو

من در بالین مرگ مادرم حضور داشتم من نامزد محبوب خود را از دست دادم من شاهد مرگ فرزند خویش شدم

در جوانی گرسنگی و بینوائی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی مطالعه مستمر کتاب ناراحتیهایم را بطور بیسابقه ای تخفیف داد؟

مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعتهای ملالت بار به ساعات لذتبخش . مونتسکیو

مطالعه همان اثر را در دماغ میگذارد که ورزش در بدن . ؟

ما نه تنها باید کتابهای خوب خود را دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما خود بمنزله کتاب خوبی باشد که دیگران از ما سرمشق بگیرند . فنلون

میل و علاقه طبیعی من بمطالعه کتاب کشتی زندگانی مرا در اوایل عمر از غرق شدن در گرداب جهالت و فساد اخلاق رهائی داد در صورتیکه هر کس مثل من در اوان طفولیت از نعمت مراقبت و غمخواری والدین محروم باشد بندرت میتواند از این گرداب هایل خلاصی یابد . تماس هود

نخست کتابهای خوب را بخوانید و گرنه فرصت خواندن آنها را پیدا نخواهید کرد . ؟

نحوه افکار و اندیشه های انسان بطوری است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب پایه اندیشه ها و افکار انسان را بر مبنای جدید و یا در مسیر خاص قرار دهد و چه بسا ممکن است کتابی مسیر سرنوشت میلیونها انسان را در راه مخصوص بیندازد . انیشتین

وقتیکه دفعه اول یک کتاب خوب میخوانم مانند آنست که با یک دوست جدید آشنا شده ام . وقتی که همان کتاب را دو مرتبه میخوانم مانند آنست که با دوست قدیمی مجدداً ملاقات کرده ام . اولیور گولد اسمیت

وقتی احساس میکنید دیگر هیچ دوستی برایتان باقی نمانده به قفسه کتابهایتان مراجعه کنید . ؟

هر کتاب آتشکدهٔ گیتی را روشن میسازد . امرسن

هر نوشته ای به یکبار خواندن میارزد . جاحظ

هرگز به کسی کتاب ندهید حتی اگر به آنها اطمینان داشته باشید در کتابخانهٔ من فقط کتابهائی وجود دارد که از دیگران بامانت گرفته‌ام ؟

هر کتاب بخواندن میارزد بایستی در آن واحد دو بار خوانده شود ، رعایت دستور فوق دو علت دارد یکی اینکه در مطالعهٔ
دوم قسمتهای مختلف کتاب بهتر درک میشود و قسمت آغاز کتاب موقعی نیک فهمیده میشود که از پایان آن نیز مطلع باشیم
و دیگر اینکه در این دو مطالعه وضع روحی ما یکسان نیست در مطالعهٔ دوم ما نظرهٔ تازه ای نسبت به هر قسمت پیدا کرده
و طور دیگر تحت تأثیر آن کتاب قرار میگیریم . شوپنهاور

همه وقت کتاب موجد انقلابات عظیم عالم بوده است . ؟

همانطور که اخلاق و سیرت اشخاص را بوسیلهٔ دوست و معاشرینشان میتوان شناخت همانطور هم از روی کتابهائیکه
میخوانند میتوان بعادات روحی و ساختمان اخلاق آنها پی برد . اسمایلز

همدمی و مصاحبت با کتب و جراید را در کلبه ای محقر دوستتر دارم از زندگانی در عالیترین قصور و عهده داری بالاترین مشاغل
و محروم از لذت مطالعه . ماکولی

هنگام مطالعه طرف صحبت فقط دانشمندان هستند ولی در خارج اجتناب از احمقان محال است . اسمایلز

یک محصّل باید کتابهای خوب بخواند امّا یک نویسنده باید کتابهای مهمل را هم مطالعه کند من مزخرفترین کتابها را میخوانم و با اینکه جواهر قیمتی اغلب در خزانه هاست گاهی در ویرانه ها گنجهائی پیدا میشود که آدم را خیلی متموّل میکند. آدم باید از هر سوراخ سنبه ای خبر داشته باشد.

برنارد شاو

یکساعت عمر گذشته را به هیچ قیمتی نمیتوان بازگردانید امّا با دادن چند قطعه پول ناچیز میتوان تجارب تمام عمر بزرگترین عقلای عالم را تصرف کرد.

منتسکیو

یک کتابخانه بدون کتابخوان از یک جنازه بیفایده تر است امّا یک کتابخوان بدون کتابخانه میتواند با انعطاف خاصی راه ایجاد یک کتابخانه را هموار کند.

رایموند روابد

خوشتر ز کتاب در جهان یاری نیست | در غمکدهٔ زمانه غمخواری نیست
هر لحظه بگوشهٔ تنهائی | صد راحت هست و هرگز آزاری نیست

جامی

بهتر ز کتاب هیچ جائی نبود | خوشتر ز کتاب آشنائی نبود
در درد به برای دفع امراض وجود | بهتر ز مطالعه دوائی نبود

سید یحیی برقعی

حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم | که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم
جز صراحی و کتابم نبود یار و ندیم | تا حریفان دغا را بجهان کم بینم

حافظ

در این دنیا به از آن نیست صاحب | که باشد یک کتابی وکتی جیبی
نشیند با تو تا هر وقت خواهی | نیازارد از تو خواهش‌های واهی
بگوید از برایت داستان‌ها | حکایتها کند از باستان‌ها
نه از خوی بدش دلگیر گردی | نه چون از حرف او سیر گردی

ایرج میرزا

همنشینی به از کتاب مخواه — که مصاحب بود گه و بیگاه

بهجت افزای جان و راحت دل — هر چه دلخواه تست از آن حاصل

اینچنین همدم لطیف که دید؟ — که نه رنجید و نه برنجانید

امثال و حکم دهخدا

به از کتاب کسی در زمانه یار تو نیست — که هیچ یار شب و روز در کنار تو نیست

به روزگار چو او در جوانی و پیری — کسی انیس و مددکار و غمگسار تو نیست

به یک بهانه ز سوی تو رو نگرداند — گهی مخالف و گه یار بیقرار تو نیست

به روز ناخوشی از دیدنت نتابد روی — به شام حادثه غافل ز روزگار تو نیست

چو دوستان دگر یار نیمه راه نبود — رقیب حیله‌گر و خصم نابکار تو نیست

هزار نکته تو را رایگان بیاموزد — چنین معلم آسان در انتظار تو نیست

بود همیشه به راه سفر مصاحب تو — که چون کتاب رفیقی به اختیار تو نیست

کتابخانه نبود گلشن نشاط انگیز — دریغ باشد اگر زان گلی نثار تو نیست

رفیق اهل و موافق کتاب خوب بود — بهوش باش که هر که هست دوستدار تو نیست

ز مهمان به جهان یادگارها ماند — به از کتاب ثمربخش یادگار تو نیست

ابراهیم صهبا

از خواندن چیزی که بخوانی و ندانی
هرگز نشود حاصل چیزیت جز اتعاب

بهمن خرد

چون عمر ماست همچو حبابی بروی آب
ما میرویم و خانهٔ ما میشود خراب

در چشم ما دگر چه تفاوت کند که
خاکستر سیاه جهان یا که زر ناب

ما میرویم کس نتواند دگر به مهر
ما را بچشم خویش ببیند مگر بخواب

ما میرویم و در پی ما آید این جهان
با هر چه خیر و شر که مر او راست با شتاب

وصل و فراق، داد و ستد، اندوه و نشاط
گفت و شنود، سکوت و فغان، پرسش و جواب

تا روزگار هست همین ماجرا بود
یک قوم در ذهاب و دگر قوم در ایاب

باید اثر گذارد ز خود در جهان و رفت
تا شد بزرگ کار نجیب و دبیر کامیاب

باید چه کرد؟ نیکی؟ در باره که؟ خلق
بی اختلاف نوع و مکان هست مستجاب

باید چو میرویم بماند بروزگار
از ما بیادگار کتابی علی الحساب

باشد که در گشایش ایام بهتری
صاحبدلان دهند بگیرند از آن کتاب

حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی

کودک

آدمی باید در پنج خصلت با کودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند. دیگر چون بیمار شوند از عذاب ننالند. و گله نکنند و آنکه همه طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نزاع کنند در دل نگاه ندارند و زود آشتی کنند. و از اندک چیزی بترسند و با رقت باشند و با اندک چیزی راضی و خشنود گردند. — بوذرجمهر

آنکه اشکهای یک کودک را بخشکاند خود خواهد گریست. — مثل آفریقائی

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هر کاری را که آنها بکنند انجام دهند. — ویلیام کویت

اگر میخواهید بدانید دختر شما پس از ازدواج با شما چگونه رفتاری خواهد کرد. کافی است به صحبت او و برادر کوچکش گوش کنید. — سام لوسون

اگر به بچه کمی محبت نشان بدهید، وی صد چندان بشما مهر خواهد ورزید. — جان روسکن

امروزه سرگرم کردن یک بچه بیشتر از آنچه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام میشود. — هربرت پروشنو

با کودکان باید نرمی و درشتی را با هم بکار ببریم. و نه اینکه همیشه مانع آن شویم که از راهی که میخواهند بروند. اگر از اینجا درد سر برای خود در ملامت کردن آنان چشم بپوشیم در آن هنگام که بزرگ شوند مایهٔ درد سر ما خواهند شد ولی بهر قیمت هست

برحمت میتوانید دوباره آنها بچنگ آورید .

پرچون

بهترین دورهٔ زندگانی ما روزگار طفولیت است و همین که از آن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم .

هوک

پدران و مادران دورهٔ اول زندگی بچه‌هایشان را صرف آموختن راه رفتن و صحبت کردن آنها میکنند و بقیهٔ دوران کودکی کارشان این است که آنها را بنشانند و ساکتشان کنند .

رابرت تانو

خطاهای کودکان به گردن والدین است .

مثل آفریقائی

در هر بچه یک معماری حیرت‌بخش نهان است .

شویان

فرزند بمثل انگشت ششم است . اگر ببریدش رنج دارد و اگر نگاهش دارند زشت نماید .

نوذر شهریار

قبل از آنکه کودک را کتک بزنید یقین پیدا کرده باشید که خود سبب خطای او نبوده اید .

اوستین اومالی

کاش حیوان و یا کودک بودم که آینده را نمیدیدم و گذشته را یاد نمیکردم و فقط بحال توجه داشتم و خوش بودم .

لابرویر

کودکان یاد گذشته را نمیکنند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده و آنرا بخوبی طی میکنند . در بین سالمندان بسیار معدودند افرادی که اینچنین رفتار میکنند .

لابرویر

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این خصلت مشغله دوستی ایشان در چیزی صرف شود که بسود ایشان باشد .

لاک

کودکان به نمونه و سرمشق بیش از انتقاد نیازمندند .

ژوبر

کودک بی پدر چون خیمه ای بی سقف است .

مثل آفریقائی

نفرینی که از قلب خاموش کودکی برمیخیزد کارگرتر از خشم نیرومندترین مرداست .

ا - ب . براونینگ

بگذارید بچه ها گریه کنند زیرا باران هم غنچه را ضایع نمیکند .

ژان پول

نمیتوانید بکودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند مگر آنکه آنرا آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی امانی وی از میان همین اشتباهات بیرون میآید .

هـ . وبیچر

هیچ چیز مثل بدبختی کودکان را ساکت نمیکند .

هوگو

هیچ رنجی بالاتر از رنج کودکی نیست که برای اولین بار طعم ظلم و قساوت را چشیده باشد .

رومن رولان

کودکی

ز دور کودکی آرم همی بحسرت یاد
که گر ز عمر مرا بود بهره‌ای آن بود

فروغ شوق و امید از دو چشم من میتافت
سرور و وجد ز رخسار من نمایان بود

گواه بودم بر بی ولی ز شادی دل
مرا به پهنهٔ میدان بخت جولان بود

بدان نشاط که در نوبهار خندهٔ گل
بکام بخت لب من همیشه خندان بود

یا به روز بنالم ز دست دیده و دل
هنوز دیده بدستور و دل بفرمان بود

بخلوت دل من ره نداشت آز و نیاز
بچشم همت من سیم و سنگ یکسان بود

ز دست رهزن ایام در امان بودم
که مهر مادر و لطف پدر نگهبان بود

به مهر مادر جان زنده بود در تن من
پر از محبت ادیم و ریه و شریان بود

نداشت لوح دلم جز امید نقش دگر
در این صحیفه نه نامی ز یأس و حرمان بود

بسر بزرگی در مغز خرد من جا داشت
خیالها که فراتر ز حد امکان بود

دریغ و درد که دوران کودکی بگذشت
که جاودان بجهان نیکبخت نتوان بود

از کتاب سپیده اثر دکتر علی صدارت

لذت

کسیکه از مشاهده کارهای نیک دیگران لذت نبرد از انجام کارهای نیک واقعی ناتوان است. لاواتر

ابله بدنبال لذات موهوم میگردد و جز یأس و ناامیدی نتیجه دیگری در راه خود مشاهده نمیکند ولی عاقل میکوشد تا سرحد امکان خویشتن را از مشقات و مصائب زندگانی برکنار دارد. ؟

از زندگی خود لذت ببرید. بدون آنکه آنرا با زندگی دیگران مقایسه کنید. کندورسه

از گلستان روزگار گلی باید چید که خارش محبت نخلد و از پیمانه عمر باده‌ای باید نوشید که پس از شب مستی خمار صبحش جان را نیازارد. آ. س. ماردن

اگر در این جهان از دست و زبان مردم آسوده باشیم برگ اشجار و زمزمه آبشار و جریان جویبار هر یک بزبانِ دیگری با ما سخن خواهند گفت. شکسپیر

انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمیتواند به لذت و شادکامی برسد. بلکه درصورتی میتواند بآن سرچشمه راه یابد که پا بر سر این تمایلات بگذارد. آندره ژید

این لذتهای آنی و موقتی برقی است خطرناک که در ظلمات حیات میدرخشد و جلوه آن دیده غافلان را خیره میکند ولی خیلی زود شعله آن خرمن سعادت و اقبال را سوزانیده مشتی بیچاره را بر روی توده های خاکستر آن بحسرت و ناکامی مینشاند.
لرد آوبری

برای تولد و مرگ چاره ای نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت را ببریم.
جورج سانتایان

برای خوشی و لذتهای بزرگ باید ناراحتیهای بزرگتری را تحمل کرده باستقبال آنها برویم.
غ - ذ

بشر برای لذت بردن بدنیا آمده است زیرا همینقدر که بتواند احساس لذت کند کافی است و نیازی بدلیل دیگر ندارد.
پاسکال

تمام حیوانات باستثنای انسان باین حقیقت واقفند که هدف اصلی در زندگی لذت بردن از آنست.
ساموئل باتلر

چقدر لذت بخش است که آدم سنگینی بار خودش را روی دوش دیگران نگذارد.
غ - ذ

خواهش نفس و طبع سرکش ما را بدنبال لذات آنی میکشد لیکن عقل برخلاف. غالباً ما را از طی این طریق نهی میکند و بامور شریفتر میخواند هیچکس نباید در پی لذتی رود که الم ناشی از آن کماً و کیفاً بر آن لذت بچربد.
محمد زکریای رازی

خدمت بخلق وظیفه نیست بلکه لذتی است زیرا سلامتی و شادمانی شخص را زیاد میکند.
زرتشت

خردمند دنبال خوشی و لذت نمیرود. بلکه میکوشد از درد و اضطراب رهائی یابد.
شوپنهاور

در زندگی فقط دو چیز هدف انسان است اول تأمین آنچه که میخواهد دوم تمتع از آن فقط عاقلترین افراد نوع بشر بانجام دومی موفق میشوند.
دیل کارنگی

در لذتی که آمیخته به قباحت بود، خوشحال نباشید و تفکر کنید که لذت نمیماند و قباحت میماند.
سقراط

دوام لذت موجب کاهش قدر آن و نقصان لذت موجب افزایش اهمیت آن است . — دانته

کسی که یک لذت همگی را با لذت آنی و کوتاه بفروشد بسیار زیانکار است . — فخر رازی

کسی میتواند از زندگی کاملاً برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کاملاً چشم بپوشد . — ایبسن

کسیکه میخواهد خویشتن را از مصیبتها برهاند باید در تجسس لذات موهوم نباشد چه اگر باشد همچون نابینائی است که راه را از چاه تشخیص نمیدهد . — گوته

لذتهای جسمانی در اول کار به ما لبخند میزنند ولی عاقبت نیش زهرآلود خود را در روح ما فرو برده هلاکمان میکنند . — توماس

لذت دنیا در خرج کردن است نه در جمع کردن ثروتمند واقعی کسی است که خرج میکند نه کسیکه روی هم میگذارد . — جمالزاده

لذت عبارت از آن خوشحالی است که در حصول یک آرزو بانسان دست میدهد و چون آمال انسانی را نهایت نیست حظوظ و لذائذ را هم کرانه ای پیدا نمیشود . — کاظم زاده ایرانشهر

لذتی که از علم حاصل میشود بی آلایش است . — افلاطون

لذت را در عمق هرچیز میتوان یافت اما نصیب کسی است که آن را بیرون بیاورد . — ؟

لذت انفرادی بسرعت بیمزه و ملال انگیز یا مایه رنج میشود . — شارب

لذت جوانی در نافرمانی است اما مشکل اینست که دیگر امروز فرمانی وجود ندارد . — ژان کوکتو

مرد خردمند اتفاقاتی را که از نظر افراد عادی مصیبت جلوه میکند وسیله کامیابی و لذت خویش قرار میدهد . — متولینگ

مست باش و مخروش. گرم باش و مجوش. شکسته باش و خاموش که سبوی درست را دست بدست برند و شکسته را بدوش

نجات خواهی به تسلی شو. بقا طلبی از پی فنا شو. خواجه عبدالله انصاری

میوه کار، شیرین‌ترین لذات است. ؟

میوه‌ای که در دسترس ماست از میوه‌ای که بالای شاخه درخت است لذیذتر میباشد ولی از این جهت میوه بالای درخت در نظرمان جلوه میکند که دستمان بآن نمیرسد. ولتر

نباید فراموش کنیم که مسرات و لذات زندگی مفت و رایگان نیست و غالباً در مقابل آن رنج و محنتهائی را تحمل میکنیم. بهمین دلیل مصائب و سختیهای ما بی‌نتیجه نمی‌ماند و به پاداش آن سعادتی خواهیم داشت. شکایت و ناله مصیبت ما را رفع نمیکند پس چرا بیهوده خود را رنج میدهیم و زحمت شکایت بیجا را تحمل میکنیم. اگر مصائب روزگار را با مناعت و متانت و شجاعت استقبال کنیم بسعادت منتهی شود. همیشه عادت کنید که خوبیها را ببینید و از بدیها چشم بپوشید. شهد را بنوشید و شرنگ را ندیده بپندارید. لرد آویبوری

وجدان همان اندازه لذت بخش است که پاک است. پولس

هدف و آرزوی ما باید بکار انداختن زندگی باشد نه لذت بردن از زندگی. مکدف

بهترین لذتها کار و فعالیت است بشرط آنکه هدفی هم در نظر باشد، در این صورت کار جزء زندگی خواهد شد. غ - ذ

هر کس باید مطابق لیاقت و ارزش اجتماعیش از زندگی برخوردار شود. غ - ذ

هر عیش و لذتی را که در دنیا بنظر بیاورید دارای رنج و زحمت است و اگر فوراً برای ما تولید زحمت نکند در آینده -

اسباب دردسر خواهد شد وفقط دو لذت است که هرگز نتیجه ناگوار و درد و رنج و پشیمانی در پی ندارد و این دو لذت

عبارت است از : اول لذت نیکی کردن بمردم ، دوم لذت انجام وظیفه زیرا خوشی فراوانی را بعداً

احساس میکنیم .

روسو

همیشه کوتاه ترین لذت شیرینترین لذتهاست .

؟

یکی از ناشناخته ترین لذتها در زندگی حرف زدن با خویشتن است .

فرانسیس دواتو

بجهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست | عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
پادشاهی و گدائی بر ما یکسان است | که برین در همه را پشت عبادت خم از اوست
غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد | ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست

سعدی

مستی از من پرس و شور عاشقی | وآن کجا داند که در دامش نیست
باد صبح و خاک شیراز آتشی است | هر که را در وی گرفت آرام نیست

سعدی

گر لذت ترک لذت بدانی | دگر شهوت نفس لذت نخوانی
هزاران در از خلق بر خود ببندی | گرت باز باشد دری آسمانی
سفرهای علوی کند مرغ جانت | گر از چنبر آز بازش پرانی
ولیکن ترا صبر عنقا نباشد | که در دام شهوت بگنجشک مانی
ز صورت پرستیدنت میهراسم | که تا زنده ای ره بمعنی نرانی
گر از باغ انست گیاهی برآید | گیاهت نیاید گل بوستانی

دریغ آیدت هر دو عالم خریدن — اگر قدر نقدی که داری بدانی

بیا تا به از زندگانی بهشتت [?] — چه افتاد تا صرف شد زندگانی

چنان میوه‌ای ساکن و خواب در سر — که میترسم از کاروان بازمانی

وصیت همین است جان برادر — که اوقات ضایع مکن تا توانی

سعدی

دست رنج تو همان به که شود صرف بکام — دانی آخر که به ناکام چه خواهد بودن

پیر میخانه همی خواند معمائی دوش — از خط جام که فرجام چه خواهد بودن

حافظ شیرازی

محبت

آن احساس سرشار آمیخته به تبسم که از دو لب ما در جستن کرده و بر رخسار فرزند نقش می بندد نامش عاطفه است. — ؟

آنکس که به دیگری خدمت میکند اگر نخواهد خود را پست و خسیس نشان دهد، باید یکباره آن را از یاد ببرد. محبتی را که در حق کسی شده به یاد او آوردن و درباره آن سخن گفتن با سرزنش کردن چندان تفاوتی ندارد. — دموستن

آنکس که حس احترام و محبت خدمتگزاران را برنمی‌انگیزاند. انسان آزاده واقعی نیست. — اندریو کارنگی

ارزانترین همه چیزها مهربانی است که بکار بردن آن مستلزم کمترین ناراحتی و فداکاری است. — اسمایلز

از دل برود هر آنکه از دیده برفت. — ؟

اشک چشمی را خشکاندن بیش از آن مایه شهرت و افتخار است که دریای خون براه انداختن. — بایرون

اگر بار دیگر به زندگی باز میگشتم به همه مهربانی می نمودم و در حق همه کسان نیکی میکردم. ولی چون راهی به چنان زندگی نیست بهتر آن است که هم اکنون چنین کنم و از نیکی و مهربانی غفلت نورزم و آنها را پشت گوش نیندازم. — پن

اگر بر آب روی خسی باشی و اگر بر هوا پری پرنده‌ای باشی دل بدست آر تا کسی باشی. — خواجه عبدالله انصاری

اگر بخواهم حال حسنه دمندی که بدون محبت و عشق زندگی میکنند بیان نمایم باید بگویم چشمان شفاف و روشنی راکه

در ظلمت بگشایند هیچ فایده ای از بینائی نخواهد برد.

متر لینگ

اگر شما مهربان و رئوف نباشید وظایف خود را در دنیا بطور کامل انجام نداده اید.

شارل یوکستون

اگر بخواهی قلبت پر مهر وانباشته برحمت شود بر یتیمان ترحم کن و حاجات آن ها را برآور و دست لطف و محبت

بر سر آنها بکش.

حضرت امیر (ع)

انسان بندهٔ احسان است.

حضرت امیر (ع)

ای مالک یتیمان و پیران را که ناتوان شده اند از خاطر مبر و همواره در فکر آنها باش چه کودک خردسال و

مرد سالخورده اگر کفیل نداشته باشند عاجزند و راهی برای تحصیل معاش ندارند و به سؤال نمیپردازند که برای خود کاری

فراهم کنند.

حضرت امیر (ع)

با یتیم چون پدر مهربان باش.

حضرت محمد (ص)

با نمایاندن دلسوزی و علاقمندی به دیگران خود را از یاد ببرید.

دیل کارنگی

با محبت میتوان دنیا را تسخیر کرد.

باید عنان ترحم خود را کاملاً در دست داشته باشیم والا ترحمیکه عنانش از دست شخص خارج شود بیشتر از بیرحمی زیان رساند ؟

برای روح بزرگ همه چیز بزرگ و محترم است و برای روح کوچک همه چیز کوچک و بی اهمیت است حتی دوستی و محبت. پاسکال

برای جلب علاقه باید اظهار علاقمندی کرد. دیل کارنگی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را ظاهر مکن زیرا هر وقت اندک تغییری مشاهده کرد ترا دشمن میدارد. سقراط

بودا در آخرین لحظات زندگیش بیانات خود را در دو کلمهٔ ذیل خلاصه کرد، محبت، دلسوزی. بودا

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد. حضرت محمد (ص)

بیهوده از دیگران انتظار محبت نداشته باشید این محبت را شما باید در دل دیگران ایجاد کنید. حجازی

بخاطر یک گل سرخ باغبان نوکر هزار خار میشود. مثل ترکی

پاکدل باش تا دلها را پروانهٔ خود سازی. کاظم زادهٔ ایرانشهر

تبسم زیبایان بسان طلوع خورشید زندگی است. ؟

تمام تعقلات و اندیشه های مرد بیک محبت زن نمیارزد. ولتر

جز با عشق و محبت طالب ازدواج مباش ولی خواهان کسی شو که مستحق ابراز علاقه و یگانگی باشد. داپوله

حس شفقت و مهربانی مانند کلید زرین است که دریچهٔ دلها را بروی انسان میگشاید. اسمایلز

دانهٔ خدمت نیکو بیفشان، یادگارهای شیرین از آن بیرون خواهد آمد. مادام دومتاهل

دریغا که زبان و دل همیشه با هم نیستند. گاهی دل از بی پروائی و تندروی زبان خونابه میریزد و گاهی که دل از مهر و محبت

میجوشد، زبان همچو سنگ بسته از جا نمی جنبد. حجازی

در هیچ جا و هیچ موقع دشمن نمیتواند به محبت غلبه کند. سیدلی

در عالم چیزی بالاتر از محبت نمی بینم. بتهوون

در جهان یگانه مایهٔ نیک بختی انسان محبت است. افلاطون

در مکانیکه محبت فرمانرواست، ظلم و جور محکوم بزوال است. ؟

دل آدمی رمنده ایست که با مهر و محبت رام میشود. حضرت امیر (ع)

دنیای ما چون کوهساریست که هر کس در آن بانگ زند انعکاس صوت خویش را میشنود، کسیکه روحش از مهر و محبت سرشار باشد از دیگران جز محبت و وفا نمی بیند. لود آویبوری

دنیا را محبت نجات میدهد، این مرض بزرگ بشریت را محبت میتواند مداوا کند. کمال الملک

دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید. دیل کارنگی

دل بدل راه دارد. مثل ایرانی

دلت را همچنان تمیز کن که ظرفت را. مثل چینی

راه درست و نجیبانه کشتن دشمن نیست، با مهربانی میتوانید چنان او را عوض کنید که دیگر نتواند دشمن باشد و در این صورت او کشته شده است. آلاین

رحیم و رئوف باش ولی دقت کن که مهربانی و عطوفت تو مستحقین عقوبت و سختی شامل نشود تا موجب فساد گردد. ارسطو

زمانی هست که سه کلمه که با محبت و فروتنی ادا شود، پاداش بسیار بهتر از سه هزار جلد کتاب دریافت میکند که با تندی و تلخی و بی اعتنائی حکمت و فرزانگی نوشته شده باشد، روشن نوشتن نباید قلب ما را از حقیقت اگر حقیقتی وجود داشته باشد دور کند.

ه. هوکر

بانوی مهربان شوهرش را برای همیشه تصاحب میکند.

بوریس پاسترناک

زندگانی اگر با عاطفه سرد کار نداشته باشد گوارا و ارزنده نخواهد بود.

؟

سعادت و شادکامی ما بمیزان محبت ماست.

؟

سگها بزحمت لطف و احسان زیاد را تحمل میکنند و انسان خیلی کمتر از آنها.

شوپنهاور

شادی حقیقی نصیب کسانی است که قلبی مالامال از محبت دارند.

؟

شش وسیله جلب محبت مردم ۱- صمیمانه نسبت بغیر علاقمند باشید ۲- تبسم بر لب داشته باشید ۳- بیاد بیاورید که نام هر کس برای او شیرین‌ترین و مهمترین لغت قاموسهاست ۴- گوش دادن بیاموزید طرف خود را تشویق آورید که از خود سخن بگوید ۵- با مخاطب از آنچه دوست دارد صحبت کنید ۶- صمیمانه و صادقانه اهمیت او را برای خودش محسوس سازید.

دیل کارنگی

شعلهٔ درخشان و کوتاه خشم پیکان محبت را تیز میکند.

ژاندارک

شمشیر علیه محبت و مهربانی وجود ندارد.

مثل ژاپونی

غریب کسی است که حبیبی ندارد . حضرت امیر (ع)

فلک با تابش خورشید پاداش مهربانی را میدهد . بایرون

قایق محبت حتی بر کوه صعود میکند . ؟

قوام همه موجودات بسبب محبت است و هیچ موجودی از محبت خالی نتواند بود چنانکه از وجودی و وحدتی خالی نتوان بود . خواجه نصیر طوسی

قلبی که مهر میورزد همیشه جوان است . ؟

کتاب محبت را بدقت مطالعه کردم صفحات مسرت بخش آن را مختصر یافتم و تمام اوراق را با رنج و اندوه مالامال دیدم . گوته

کسیکه برای محبت حدودی قائل میشود اصلاً معنای محبت را نفهمیده است . پوشگین

کلمات مهرآمیز نقش خود را در جان آدمی میسازد و چه نقش زیبائی است . بشنونده آرامش و آسایش و نیرو میبخشد و او را از احساسات تلخ و تند و خالی شرمسار میکند ما هنوز بآن آغاز نکرده ایم که کلمات محبت آمیز را به آن فراوانی که شایسته آنهاست بکار بریم . پاسکال

کوششی که برای خوشبخت و شادمان کردن دیگران بکار میبریم مایه برتری مقام خود ما میشود . ل . م . چایلد

کسی که مهربانی میکارد حق شناسی درو میکند . مثل تازی

کلیدیکه همه دشوارها را در زندگی خواهد گشود محبت است مثل ایرانی

گاه از یک تبسم همچو از لبخند آفتاب ، دنیائی روشن میشود . حجازی

گاهی لقمه نانی با ضیافتی برابری میکند . — ف. تونگی

گوهر بی مالش صیقل نمی پذیرد و آدمی بی محبت . — مثل چینی

محبت نردبان رفعت است . — حضرت امیر

محبت فرمانروای فاتحی است که حاکم بر وجود مردم صاحب کمال است . — رحمت عبیر

محبت در ازدواج از احترام ایجاد میگردد . — فنلون

محبت تلخکامیها را شیرین و یأس را با امید و غم را به شادی و بدبختی را به خوشبختی تبدیل میکند . — ؟

محبت در حقیقت بسان قطره ژاله رخشان است که در کاسه یک گل خندان قرار دارد مغزش در اعماق روانهای پاک و دلهای تابناک است . — لامنه

محبت مغشوش زود اخلال پذیرد چنانکه درم و دینار مغشوش زود تباه شود . — خواجه نصیر طوسی

محبت یک احساس شور انگیز است ، درست مانند مارش نظامی . — فونواساگان

محبت پژمردگان را شاداب ، ناتوانان را توانا ، گمراهان را هدایت ، مأیوسان را امیدوار و خسته دلان را جان میبخشد . — ؟

محبت واقعی شبیه گیاهیست که آهسته رشد و نمو میکند و مادام که در برابر مشکلات و مشقات پایداری نکند لایق اینکه آن را محبت واقعی بخوانند نخواهد بود . — واشنگتون

محبت سرمایهٔ جاودانی رادمردان جهان است . ؟

محبت را به هیچ چیز تشبیه نتوان کرد ، زیرا که هیچ چیز رقیق تر و لطیف تر از محبت نیست . سمنون محب

محبت را فراموش نکنید و آنرا ناچیز مشمارید . افلاطون

محبت داروی شفابخش قلبهای شکسته و روانهای ناتوان است . ؟

محبت گوهر گرانبهائی که در بعضی از قلبها خاکستر روی آنرا گرفته است این پوشش نازک و مختصر را با تبسم و خندیدن بزدائید تا گوهر گرانبهائی که پنهان شده است آشکار شود و با درخشش خود روح و قلب همگان را روشن سازد . دیل کارنگی

مردم در قلمرو احساسات خیلی زودتر با یکدیگر آشنا و صمیمی میشوند تا در منطقه نفوذ عقل و منطق . گوستاولوبون

مردیکه برای وصول بتوفیق و رستگاری بشر ، دشوارترین رنجها را بر خود هموار میسازد و نیکوکاری و محبت را یگانه داروی دردهای بشری میداند مقامی و الا و ارزشی عالی دارد . ؟

مسیح و سقراط بر مبنای زمینه های کاملاً مخالفی ، یک چیز را گفته اند عقل محبت است ، محبت عقل است ، مطلب اساسی که این دو جمله براهها ی مختلف القا میکنند ... همان صفتی است که همهٔ تمدن بشری بر آن بنا شده است . الکساندر مایکجان

من از ساختمان قلب خود در شگفتم که چون سنگ با مقاومت و گاهی چون شیشه بیطاقت است ، طوفانهای حوادث مرا تکان نمیدهد ولی از یک نسیم ملایم محبت بر خود میلرزم . نظام وفا کاشانی

مهربانی رشتهٔ زرینی است که افراد اجتماع با آن بیکدیگر پیوسته میشوند . گوته

مهربانی زبانی است که لال میتواند با آن سخن گوید و کر میتواند آن را بشنود و بفهمد . بووی

مهربانی ها همچون عسلی است که نیش نامهربانی را در دیگری کند میکند . لاندور

مهر و دوستی پایه هستی و ریشه امید و بنیان زندگانی است و اگر از همه کاینات پرتو محبت فروغ افکن نگشته بود ، جهان و چگونگی آن ناپسند و بی رونق مینمود . ؟

محبت را از ماهی باید آموخت که از آبش بیرون آری بمیرد . مثل ایرانی

مهربانی مانند بذر گندم کاشتن است و بعد افزایش می یابد . مثل آفریقائی

نیاز به محبت دیگران از سخت ترین غرائز ماست ، خوشبختانه خزینه دلها همه از این گوهر انباشته است . حجازی

وقتی شما نسبت بدیگران مهربان هستید ، یعنی بخودتان مهربانترید . فرانکلین

وقتی کسانیکه در اطراف من هستند دارند از بی غذائی میمیرند کاری که برای من مجاز است اینست که بگرسنگان غذا بدهم . گاندی

وقتی قلبت را هدیه میکنی مواظب باش . مثل آفریقائی

هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد که دلش نرم گردد یتیمی را نزد خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سفره خود بنشاند و از روی شفقت دست بر سرش بکشد ، همانا که یتیم را بر مردم حقی عظیم است . حضرت محمّد

هر چه کمتر سفره بدبختیهای خودمان را پیش روی دیگران بگشائیم محبت و همدردی آنان را بخود جلب کرده ایم . دیوی

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است حیات انسان نیز نیازمند روشنائی عشق و محبت است. دوده

هیچ بلای آسمانی بدتر از محبتی نیست که به تنفر و کینه تبدیل شده باشد. کومگزیو

هیچ چیز مانند احسان انسان را اسیر نمیکند. ارسطو

یک قلب مهربان، چشمه‌ای از شادی است که هر چیز را در اطراف خود با لبخند تر و تازه میکند. واشنگتون ایروینگ

یک هدیه با ارزش بدون خرج که هرگز فراموش نمیشود مهربانی و محبت است. لاورنس

یگانه سلاحی که میتواند صلح و صفا را در میان ابناء بشر تضمین کند محبت است. ؟

یک کلمه محبت آمیز میتواند تمام فصل زمستان انسان را گرم کند. مثل ژاپونی

آخر مهر و محبت نه همین سوختن است   تا چها بر سر خاکستر پروانه رود

ذوقی اردستانی

ای که با درد محبت زندگانی میکنی   روزگارت خوش که عیش جاودانی میکنی

ابوالحسن ورزی

پیوند دوستی از آن پاره میکنیم   تا باز بندم و تو نزدیکتر شوم

ذوقی اردستانی

تسلّی دل خود میکنم بمهر و محبت   گهی به دانهٔ اشکی گهی به شعلهٔ آهی

فروغی بسطامی

درس ادیب اگر بود زمزمهٔ محبّتی   جمعه بمکتب آورد طفل گریزپای را

نظیری نیشابوری

ز جانان مهر و از ما جانفشانیست   جواب مهربانی مهربانیست

همام تبریزی

عاشقی مایهٔ شادی بود و گنج مراد   دل خالی ز محبّت صدف بی گهر است

رهی معیری

گرفتار محبت را نشانه هست — که خود خاموش و حرفش بر زبان هست

ذهنی شاملو

ما قصهٔ سکندر و دارا نخوانده‌ایم — از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

حافظ شیرازی

نیست بی شور محبت جزئی از اجزای من — ناله می‌خیزد بسان نی ز سر تا پای من

تمنای هندی

یار آمد و بود بر سر مهر — بی مهری روزگار نگذاشت

وفای قمی

نامم ز کارخانهٔ عشاق محو باد — گر جز محبت تو بود شغل دیگرم

ای عاشقان روی تو از ذره بیشتر — من کی رسم به وصل تو کز ذره کمترم

حافظ شیرازی

رشته گر باریک باشد در محبت باک نیست — جهد کن تا از کشش نگسلد این رشته را

تکلو

من رشتهٔ محبت تو پاره می‌کنم — شاید گره خورد به تو نزدیکتر شوم

[illegible]

از محبت تلخها شیرین شود / وز محبت مسها زرین شود

از محبت خارها گل می‌شود / وز محبت سرکه‌ها مُل می‌شود

از محبت دُردها صافی شود / وز محبت دردها شافی شود

از محبت دار تختی می‌شود / وز محبت بار بختی می‌شود

از محبت سجن گلشن می‌شود / بی محبت روضه گلخن می‌شود

از محبت نار نوری می‌شود / وز محبت دیو حوری می‌شود

از محبت سنگ روغن می‌شود / بی محبت موم آهن می‌شود

از محبت، حزن شادی می‌شود / وز محبت، غول هادی می‌شود

از محبت نیش نوشی می‌شود / وز محبت شیر موشی می‌شود

از محبت سقم صحت می‌شود / وز محبت قهر رحمت می‌شود

از محبت مُرده زنده می‌شود / وز محبت شاه بنده می‌شود

این محبت هم نتیجه دانش است / کی گزافه بر چنین تختی نشست

مولانا جلال‌الدین مولوی

مرد

استحان کنید مرد را به فعل او نه بقول . افلاطون

برای یک مرد هیچ شکنجه ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد . ناپلئون

بزنان خود با احترام بنگرید آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامهٔ دلپذیر و زیبای محبت را میبافند و در پردهٔ عفاف احساسات لطیف را میپرورانند . شیللر

بندرت مردی پیدا میشود که بدون شاهد عمل خیری را انجام دهد . سه نگ

پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت میتوانی . فرانکلین

تواناترین مرد آنکس است که به نیروی دانش بر خواهش و آرزوی خویش چیره شود . حضرت امیر

در بحرانهای بزرگ وظیفه مخصوص زنانست که از مصائب ما مردان بکاهند . ناپلئون

زن بد مرداب خوشرنگی است که مرد در آن غرق میشود . مثل افریقائی

مرد در زندگی خود تکیه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجهٔ نیک سیرت و با اخلاق نمیتواند بدست آورد . دوتوکویل

مرد پاک زن نیکوسیرت را شایستهٔ احترام میداند . — میلتون

مرد کامل آنستکه دشمنان از او در امان زیست کنند نه آنکه دوستان از او هراسان باشند . — سقراط

مرد باید راست بایستد نه اینکه دیگران او را راست نگه دارند . — مارکولی

مردان آفرینندهٔ کارهای مهمند و زنان بوجود آورندهٔ مردان . — رومن رولان

مرد عالم کسی است که همیشه درصدد فرا گرفتن چیزی باشد . — روسو

من هروقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم . — ادموند بورک

مردیکه پیوسته اظهار تأسف میکند ، بدرد نمیخورد . — ؟

هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی نمیتواند مرد باشد . — مثل یونانی

مرد باید که در کشاکش دهر
سنگ زیرین آسیا باشد

سعدی

گرت از دست برآید دهنی شیرین کن
مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی

سعدی

مرگ

آخرین نوشته قبل از مرگ آندره شینه شاعر و رومان نویس فرانسه :

بگذار هرچه زودتر مرگ فرارسد . زیرا که از زندگی خسته شده ام. آخر به چه چیز این زندگی دل خوش کنم . کدام صفا و یکرنگی . کدام پایداری مردانه . کدام شرافت و پاکدامنی . کدام قدس و تقوائیکه دادجویان در پی آنند . کدام سایهٔ خوشبختی . کدام اشک مودت . کدام خاطرهٔ نیکوئیهای گذشته . کدام اثر دوستی . این جهان را آن ارزش ندارد که ترکش ملالی بدنبال داشته باشد ، همه جا ترس فرمانروائی و خدائی میکند همه جا پستی و دوروئی حکمفرماست همه جا . همه بجز مردمی پست و دورو نیستیم . خداحافظ ای دنیا ، خداحافظ !

اندره شینه

آدمی جز باندکی و آنهم برای مدتی کوتاه نیاز ندارد . چه زود بایستی از تن خاکی خود که طبیعت ممسک برای ساعتی باو عاریت داده است صرفنظر کند .

یانگ

آرزو دارم که تا آخرین رمق وجود من ثمربخش باشد و هنگامی بمیرم که از من هیچ خدمتی ساخته نباشد .

برنارد شاو

آرزوی تجدید حیات آدمی یک آرزوی ابلهانه است زیرا بوجود آمدن انسان یک اشتباه و یک حادثهٔ غم انگیز

است که بهتر است اساساً تجدید نشود.

شوپنهاور

آنچه بهنگام مرگ بر اندوه میافزاید بی هنری فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر آنچه از غم میکاهد، هنرمندی و اندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد.

؟

آنچه باعث آزار ما میشود زندگی است و یک بیمار همینکه مُرد تمام آلام او از بین میرود.

مترلینگ

آنچه ما بنام مرگ میخوانیم یک زندگی است که هنوز نتوانسته ایم چگونگی آنرا بفهمیم.

مترلینگ

آنهائی که خودکشی میکنند برای اینست که محبوبتر شوند و دلها را بسوزانند غافل از اینکه برای محبوب شدن، وسائل بهتری داریم.

حجازی

آخرین عضوی که در وجود یک زن میمیرد، زبان او است.

مثل هندی

آنکه تهمت میزند هزار بار میکشد و قاتل یکبار.

مثل چینی

از زندگی چه میدانیم که از مرگ بدانیم.

کنفوسیوس

از مرگ نترسید زیرا تلخی او از ترس از او است.

سقراط

از صدها هزار افراد بشر بیش از تنی چند با کفن خونین به سیه چال مرگ فرو نخواهند شد.

غزالی

از عجایب زندگی یکی این است که مرگ درست وقتی ما را در میابد که آماده شده ایم تا از یک زندگی شیرین برخوردار شویم.

برنارد شاو

اسقف سن پیر، در موقع مرگ «ولتر» به بالینش حاضر شده از او پرسید چه حس میکنی گفت «مثل اینکه میخواهم مسافرتی

به ییلاق کنم.» و با همین آسایش و اطمینان فکر دنیا را وداع گفت. ولتر

اغلب افراد برای مرگ ناگهانی آماده ترند تا موفقیت ناگهانی. گیل فلان

اگر مرگ در کار نبود هرگز اخلاق در زندگی وارد نمی شد. شاتوبریان

اگر در جهان چیزی تغییر نمیکرد، اسباب تأسف بود زیرا ممکن نبود بشر بسعادت آرام بی غل و غش نظیر مرگ برسد. ترلینگ

اگر متوجه بودیم که هر آن ممکن است دست روزگار ما را از هم جدا کند مهربانتر از این با هم رفتار میکردیم. حجازی

اگر از مرگ توقع دوستی داری برای پذیرائی او آماده باش و اگر آن را دشمن میپنداری برای پیروزی بر

او خود را مهیا کن برتری مرگ تنها در آن هنگام است که همچون بیگانه ای بسر وقت ما بیاید. کوادلز

اگر میدانید که یک محکوم بمرگ بهنگام مجازات تا چه حد آرزوی بازگشت بزندگی دارد. آنگاه قدر روزهائی را که با غم

سپری میسازید بهتر میدانستید. بوعلی سینا

اگر نتوانیم آزاد زندگی کنیم بهتر است مرگ را با آغوش باز استقبال کنیم. گاندی

اگر مرگ نبود زندگی شیرینی و حلاوت نداشت. متولینگ

امید و آرزو آخرین چیزیست که دست از گریبان بشر برمیدارد. دوسو

امروز منتظر فردا هستیم و فردا که شد انتظار پس فردا را داریم و پس فردا منتظر هفته بعد و آن هفته منتظر سال بعد و سال

بعد منتظر سالهای آینده میباشیم تا وقتیکه جوان هستیم تصور میکنیم انتظار ما برای تشکیل خانواده است و پس از زن گرفتن و بوجود آمدن فرزندان تصور میکنیم که انتظار ما برای پس انداز و گرد آوردن اندوخته جهت روزگار پیری است در روزهای سالخوردگی هم مرتباً انتظار فردا را داریم و شگفت اینجاست که نظیر عاشقی که در انتظار معشوق باشد و دقیقه شماری نماید. سعی میکنیم که هرچه زودتر امروز بگذرد و روز دیگر بیاید. یک وقت متوجه میشویم که انتظار ما برای وصول فردا هیچ علتی نداشته جز اینکه منتظر مرگ بوده ایم ... آری آنچه از آغاز حیات در انتظارش بودیم همین است .

مترلینگ

انسان هرچه پرسنش افزوده میشود. حافظه اش کوتاه تر و رشته خاطراتش درازتر میشود .

یوری گاگارین

انسان در سنی که از کار باز ماند بهتر است که سال بعد بدیرنگ بمیرد .

ادیسون

انسان بینوا در روزگار تخم میافشاند و حاصل خود را ناکامی درو میکند و پشت سر او مرگ دروگری است که هیچوقت از کار نمی ایستد .

بایرون

ای مرگ از تو بخاطر نوری که بر جهل ما میافکنی سپاسگزاریم .

بوسه ئه

اینهمه جنایات برای چه. برای ثروت برای پول برای کامرانی ولی پس از تمام این فجایع آیا مرگ مجال میدهد که از اندوخته خود استفاده کنیم .

محمد مسعود

انسان در طول عمر مشغول یاد گرفتن است ولی متأسفانه نادان میمیرد .

مثل یوگسلاوی

اگر از تلاش دست برداری از زیستن هم دست برداشته ای . مثل چینی

اگر میخواهی مدتها در پیری عمر کنی زود پیر شو. یعنی ضعف و عواقب پیری را بر خود بپذیر و مبارزه بیهوده مکن

با هر نفس که مرد از سینه بر میآورد گامی بسوی مرگ بر میدارد . مثل از کتاب جشن پیری

با اینکه دوره عمر ما کوتاه است دوسوم عمر کوتاه ما در این میگذرد که از کندی مرور زمان ناراضی هستیم و شب و روز در نظرمان بلند جلوه میکند و همواره میخواهیم امروز بگذرد و فردا بیاید گوئی بمرگ وعده داده ایم که در حدود امکان زودتر به ملاقات او برویم . متر لینگ

با اینکه تمام بدبختیهای ما را زندگی سبب میشود بر عکس همیشه از مرگ میترسیم و با اینکه میدانیم مرگ پایان رنجها است از ناشش وحشت میکنیم . متر لینگ

باید دانست که رسیدن بکمال مقصود یعنی آرزوی دیگری نداشتن و از جنب و جوش و حرکت افتادن و بعبارت ساده وصول بمقصد یعنی مرگ . متر لینگ

بچه شیرخواره وقتیکه مادر پستان راست را از دهانش بر میدارد در یک چشم بهم زدن پستان چپ مادر را می یابد و با نهایت آرامی و تسلی میکند و می نوشد. مردن عبارت از یک چنین تغییر و تحولی کوچک است ، در ممات کثرت بوحدت مبدل میشود و در حیات وحدت بکثرت . تاگور

بدون مرگ زندگی اهمیت و ارزش نداشت زیرا ترس از مرگ است که زندگانی را در نظر ما اینقدر لذت بخش

و خواستنی جلوه میدهند. — مترلینگ

بدتر از مرگ چیست؟ آنکه بعد از آمدنش مرگ را طلبی. — هوگو

برای زنده بودن مجبور باش. مرگ را هیچوقت از دست ما نگرفته اند. — محمد مسعود

بسا کسانیکه در زندگانی مورد نفرت و انزجار بودند، اما پس از مرگ پیشوای اهل دل و محبوب همگان شدند. — سیسرون

بعضی مردم از ترس مرگ تن بمرگ میدهند و از ترس خواری لباس خواری بتن میکنند. — سید جمال الدین اسدآبادی

بعقیدهٔ من اگر مرگ در دنیا نبود بشر بآن محتاج بود و میبایست آنرا اختراع کند تا از چنگال کسالتهای زندگی خلاص شود بسیاری از ما در واقع پیش از مردن مرده هستیم. برای اینکه همه چیز خود را از دست داده ایم. — مترلینگ

بگذار زندگی مانند گلهای تابستان و مرگ مانند برگهای پائیز زیبا باشد. — تاگور

بگذار که مرگ هر روز در برابر چشمانت باشد آنوقت هرگز بچیزهای پست میل نمیکنی و سخت، غبطه چیزی را نمیخوری. — اپیکتتوس

بمرگ راضی شدن به فتح نائل شدن است. — ویکتور هوگو

بمن بگو قبل از آمدن باین دنیا کجا بودی؟ تا بگویم بعد از مرگ کجا میروی. — شوپنهاور

برای کسی بمیر که برایت تب کند. — مثل ایرانی

بسیاری از افراد در نتیجهٔ افراط در داروهائیکه میخورند میمیرند نه در نتیجه بیماریهایشان. — مثل فرانسوی

به مرگ عدو شادمانی خطاست. — مثل ایرانی

پیکار کنید که مرگ شرافتمند هزار بار از زندگی ننگین ستوده تر است — حضرت امیر (ع)

تا وقتیکه انسان باقی است فهم این نکته برای او دشوار است که برای جاویدان شدن بایستی بمیرد و بعد از آن مرگ نداشته باشد. — سقراط

تاریکی مرگ، همچون سفیدی صبح است، همه چیز ها را در نظر شخص در حال احتضار زیباتر مینماید. — ایشتو

تحمل هر مصیبتی از نزدیک حتی مرگ بدرجات آسانتر از تصور آن از دور است. — بزرگ علوی

تختخواب خطرناکترین جای دنیاست چون صدی نود مردم در آن میمیرند. — مارک تواین

ترسو بر دل هر روز چندین بار میمیرد و باز زنده میشود. — شوپنهاور

تمام دانش ما فقط بدرد آن میخورد که بطرز دردناکتر از سایر حیوانات جان بسپاریم. — مترلینگ

تمام اشتباهات ما درباره مرگ ناشی از این است که خیال میکنیم درد و رنجی که ما قبل از مردن میکشیم مربوط بمرگ است درصورتیکه چنین نیست و تمام درد و رنجها مربوط بزندگیست، زندگی موجب درد و رنج میشود و مرگ پایان دردها — نت نرالیک

تمدن بعدی بشر تمدن سیاهپوستان خواهد بود، نژاد سفید، درحال از میان رفتن است خودش هم میداند که کارش تمام است لذا با سرعت مشغول انتحار است. — برنارد شاو

تمام آسیب و صدمات این جهان باستثنای مرگ ناشی از عدم ثبات و عزم راسخ است. — مادام ژوفرن

تولد و مرگ اجتناب ناپذیر است و یگانه چاره اینست که از فاصله موجود بین حیات و ممات استفاده کنیم. — سارانایانا

تولد چیزی غیر از آغاز مرگ نیست . — ادوارد یانگ

تمام آرزوها دم مرگ زنده میشوند . — مثل ایتالیائی

چگونه بر آن امید باشیم که زندگانی ما پایدار ماند با آنکه روزگار گذشته ما باز نخواهد گردید خواه بر فراز سفره جلاد و خواه در روی خاک میدان مرد را شایسته ترین مکان برای جان دادن آنجاست که در راه زندگانی دیگران بمیرد. — دبیری

چقدر زندگی شیرین است زیرا انسان یکبار و برای همیشه میمیرد . — مولیر

چه خوش مرگی است که با زن و فرزند و دوستان و عزیزان همگی بیک چشم بر هم زدن نابود شویم علم اگر هنوز اسباب خوشبختی ما را فراهم نکرده این نعمت را برای ما تهیه دیده است . — حجازی

چه بسا اشخاص که فقط به صدای طنین کلنگ گورکن از خواب بیدار میشوند . — ؟

حیات بشر چون شبنم است که از روی برگ گلی میلغزد و میافتد . — بودا

حتی وقت فرارسیدن مرگ نیز وابستگی به قوت اراده و نیروی خواستن در وجود ما دارد . — گوته

حقیر شمردن مرگ یکی از عمده ترین فضائل اخلاقی است . — مونتنی

حتی مرگ نیز بر شیرینی طعم حیات میافزاید زیرا ما را نسبت بزندگانی وابسته و علاقمند میسازد . — اسمایلز

خوشبخت کسانیکه در گهواره مرگ را درک میکنند آنها بجز بوسه ها و لبخندهای مادر چیز دیگر را نمیشناسند . — شاتوبریان

خستگی مرگ ناقص است و اگر دوام یافت مرگ کامل میشود . — کراین

داروهائیکه برای رفع ترس از مرگ بما تجویز میکنند مانند خود مرگ خشک و نادلپذیر و مایهٔ دشنام است . چارلز لمب

در تمام زندگی مرگ بما اشاره میکند .

در مرگ نیز مردی باید . طاهر ذوالیمینین

در بخشی از برمه رسم چنین است که دوستان مردیکه در حال مرگ است دور او جمع شده و کارهای نیکی که انجام داده است بیادش میاورند . از کتاب پیام آوران عصر ما

دست مرا از تابوت بیرون گذارید تا مردم گیتی بدانند که با اینهمه رنج از دنیا چیزی با خود نبردم . اسکندر

دنیا جای فراموشی است و انسان این چند روزهٔ عمر را خواه بیاد گذشته و خواه بامید آینده میگذراند و بعد مرگ براو مستولی شده و پس از چندی جزء فراموش شدگان ابدی محسوب خواهد گردید . نظام وفا کاشانی

در دوازده سالگی طفولیت میمیرد و در ۱۸ سالگی جوانی و در بیست سالگی عشق نخستین و در سی سالگی ایمان در مردان و در چهل سالگی امید و در پنجاه سالگی خواهشهای نفسانی و از شصت ببعد حواس پنجگانه بتدریج نیروی خود را از دست میدهد و میمیرد . شل آلمانی

ذرات یک قطعه سنگی که کنار جاده افتاده بقدری حرکت و نیرو دارد که زندگی ما در قبال آن حکم خواب و بلکه مرگ را دارد . مترلینگ

روحها را نیز مانند جسمها میکشند . آناتول فرانس

رهائی قطعی هر کس در نابودی است . بودا

زمان مانند گرگ وجود ما را پاره پاره میکند و قطعه قطعه عمر ما را میخورد دهان گرگ زمان با خون میلیونها موجودات رنگین است . ؟

زمین نیز مانند ما بجستجوی خوراکست و از این مردم میخورد و میآشامد . ابوالعلا

زندگی مردم را در یک سطح قرار میدهد و مرگ افراد برجسته را هویدا میگرداند . برنارد شاو

زندگی مارنجیر نیست مرکب از چندین مرگ . یانگ

زندگانی را آنگاه بر مرگ فضیلت است که بنام باشد به با ننگ . سقراط

زندگی راهپیمائی به سوی مرگست و مردن دخول در حیات جاودانی . نیکول

زندگانی با این همه هیاهو . زندگانی با این همه قیل و قال یک صفحه تولد است و پنج صفحه ازدواج و طلاق و اولاد و یک صفحه فوت . همین و همین دیگر هیچ و هیچ . محمد مسعود

زنون فیلسوف نامدار در ۳۳۶ پیش از میلاد متولد شده و ۹۷ سال عمر کرده از بین عقایدش چنین برمیآید که وی انتحار را عمل بدی نمیدانسته بلکه برای آن ارزش اخلاقی قائل بوده و چون در اخلاق او معتقد بود که باید از طبیعت پیروی کرد و اگر زمانی انسان تشخیص داد که قادر به هماهنگی با طبیعت نیست و باید بحالت طفیلی زندگی کند بنا به وظیفه اخلاقی انتحار کند و سربار جامعه و طبیعت نباشد و از همین لحاظ بروایتی در اواخر عمر خودکشی کرده است مطلب دیگری که بوی نسبت میدهند این است که او معتقد به شهر و خانه و وطن نبود بلکه همه جای دنیا را وطن و مسکن خود

میدانست و روی این اصل خودی و بیگانه برای او یکی بود و همه مردم را برای حق و قانون یکسان میدانسته و این

افکار در سازمان قضائی زمان او بی تاثیر نبوده است در مورد زناشوئی میگوید نباید شخص بدنبال زن نیکو

صورت وطناز برود چون او با تفرعن و بی اعتنائیش شادی آدمی را منغص میکند . ؟

زندگان مردگان هستند که ایام مرخصیشان را در این دنیا میگذرانند . متولینگ

زندگی برای انسانها بیماری دردناکی است و مرگ این بیماری را مداوا میکند . ابوالعلا

زندگی چیست ؟ بیداری که تنها یک لحظه طول میکشد و دوباره بخواب می پیوندد و دوران شگفت آمیز و کوتاهی که تولد

و مرگ را از هم جدا میسازد جرقه ایست که در ظلمت شب میدرخشد و ناپدید میگردد . لامارتین

زندگی خواب است و مرگ بیداری آن هم از کوتاهی عمر شکوه میکنیم هم سعی میکنیم کوتاهتر گردد . دکارت

ساعتی فرا خواهد رسید . پایان جاده شکوه و افتخار چیزی جز گور سرد نیست . ؟

سرانجام آدمی رشته وجودش قطع میگردد و کسی او را بر نمیگرداند . پس بیائید از نعمات و لذات جهان حاضر استفاده

کنیم و از عطایای جهان با جرارت و شوق بهره ببریم . ؟

سختی مرگ آنقدر نیست که مفارقت دوستان . مثل عربی

شب مانند یک ماده گرگ گرسنه با دندانهای خود ساعات زندگی ما را می بلعد و مرگ ما را از گوشه چشم ، با دقت

نگاه میکند . متولینگ

صاحب اراده فقط پیش مرگ زانو میزند و آنهم در تمام دوره عمر بیش از یکمرتبه نیست . — نظام وفا

طمطراق مرگ بیش از حقیقت آن مخوفست . — فرانسوا باکن

فداکاری جان در دو مورد خوبست اول اینکه چاره منحصر بفرد باشد و بهیچ وسیله دیگری غیر از ایثار جان نتوان منظور را انجام داد، دوم آنکه بدانیم از آن فداکاری دیگران نیکبخت خواهند شد . — مترلینگ

فراموشی، مرگ دومی است که مردمان بزرگ پیش از مرگ اول از آن بیمناکند . — دبوفکو

فراموش نکنیم که ما خیلی بیشتر از نوح در این جهان بسر برده ایم زیرا ما بوسیله اجداد خودمان هزاران سال در این جهان زندگی میکنیم و هر یک از آنها تجربیات و مشاهدات خود را برای ما بارث گذاشته اند . — مترلینگ

قبر ای خانه گلها ای آشیانه دلها، ای طلسم بازنشدنی، ای شهر ظلمت، ای اقلیم عدم، ای سد بی نفوذیکه امواج تکاپو و مطامع بشری از تو تجاوز نمی نمایند، ای سرحد محکمی که لشگرها و سپاهها و جنگها و خونریزیها نزدیک تو تسلیم میگردند چقدر اسم تو مقتدر و مهیب و موحش و بیمناک است . — نظام وفا

قو . قبل از مردن آواز میخواند بد نبود اگر برخی افراد قبل از آواز خواندن میمردند . — کالریج

قبر اولین تحفه آسمانی به بشر است . — مثل چینی

کسیکه در پی امری خطیر جان میسپارد مثل کسی است که تازه زخم برداشته و در گرمی گیرودار جراحت خویشتن را احساس نمیکند، پس کسانیکه همت خود را وقف راه خیر میکنند، از زحمت و آزار مرگ برکنارند و شیرینترین مرگها متعلق بکسانی است

که کارهای بزرگ از آنان سرزده و آرزوهای خطیر آنان برآورده شده است. — سقراط

کسیکه از مرگ میترسد از زندگی هم میترسد. — ولتر

گاهی پذیرفتن مرگ نه از فرط دلاوری و بی باکی یا بدبختی و مصائب است بلکه از خستگی و مکررات ایام است. — بایکون

گورستانها پر از افرادی است که فکر میکرده اند پس از مرگشان هیچکس نمیتواند جانشین آنها شود. — ؟

مأیوس مباش زیرا یأس، مرگ است. — حضرت امیر(ع)

ما از ابتدای عمر نظیر چابک سواری که مرتبا اسب خود را عوض و در هیچ منزل توقف نمی نماید، عجله داریم که زودتر روزها و هفته ها و ماهها بگذرد تا به منزل مرگ واصل شویم و این معشوق عزیز را در آغوش بگیریم. — مترلینگ

ما توانا هستیم در آن لحظه ایکه تصمیم میگیریم که بمیریم. — ناپلئون

ما در طول عمرمان مثل بازیگرانی هستیم که چند لحظه ای روی صحنه ظاهر میشویم. — شکسپیر

مبادا چون شدتی رو آورد، تمنای مرگ کنی. — حضرت محمد(ص)

متولد شدم و ندانستم برای چه؟ زندگی کردم و ندانستم چگونه زندگی کنم؟ و اکنون میمیرم و نمیدانم چرا؟ — پاسکال

مرگ آرزوها را درو میکند. — حضرت امیر(ع)

مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است. — حضرت امام حسین(ع)

مرگ را متهم نکنید که سبب جدائی دوستان میشود و خویشاوندان را به فراق ابدی مبتلا مینماید، زیرا ما در زندگی خود

والحق اطرافیان شاهده میکنیم که غالباً دوستان وخویشاوندان قبل از مرگ بقدری ازهم دور هستند وبطوری زندگی رشتهٔ الفت آنها را بریده است که مردن دوست باعث تأثر آنها نخواهد شد .

متولینگ

مردن درحال ایستادن بهتر از زیستن درحالت زانوزدن است .

دولوروس ایبارروری

مرد آزاده کسی است که کوچکترین توجهی به مرگ نداشته و افکارش بسوی زندگی است نه مرگ .

اسپینوزا

مردن فنا شدن نیست ، تعویض دوستان است .

لامارتین

مردن بعلت به که زندگانی بمذلت .

سعدی

مرگ طبیب بارسینی است که هنگام عجز پزشکان از علاج بسراغ بیمار آمده و او را بهبودی ابدی میبخشد . متولینگ

مرگ ، فرمان آزادی است . انتهای راه پرپیچ وخم و ناهموار زندگی است . دوران پریشانی و سرگشتگی و بیچارگی با مرگ بسر میآید .

حجازی

مرگ بهیچوجه قابل اهمیت نیست . مرگ یکی از تحولات مرموز حیات است .

محمد مسعود

مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمیمیرند ، زیرا گور ایشان قلوب نسلهای آتیه است .

توسیدید

مرگ هرگز دشوارتر از تولد نیست .

آناتول فرانس

مرگ سرخر بموقع خروس بی محلی است که همیشه در بی موقعترین اوقات قیافهٔ منحوس خود را آشکار کرده بساط آمال و آرزوها ، اقدامات و کوشش ، امید و مسرت ، عیش و عشرت ها را به هم می پیچد افسانه عمر را با نواری پرانده و مرموزی

خاتمه میدهد . محمد مسعود

مرگ هراس ندارد ، زیرا مرگ خواب بیت آرام که خیالات آشفته در آن وجود ندارد . سقراط

مردم ، چنان از مرگ میهراسند که گوئی بدون شک بزرگترین شراست ، درصورتیکه هیچکس نمیتواند یقین کند که بزرگترین خیراست . و. تیفودد

مرگ این لطف را نیز دارد که کاخ نیکنامی را نصیب انسان میکند و حسد و تنگ نظری کسان را نسبت بوی - نابود می سازد . بایگون

مرگ بهترین پناهی است برای دردها ، غمها ، رنجها و بیدادگریهای زندگی . همه این جنگ و جدالها ، کشتارها ، درندگی کمکشها و خودستائیهای آدمیزاد در سینهٔ خاک تاریک و تنگنای گور فروکش کرده آرام میگیرد . ؟

مرگ دوست آدمهای خسته است . اوریانا فالاچی

مرگ کلید زرّین است که دروازهٔ ابدیت را میگشاید . میلتون

مرگ را سهل انگارید که مرارت آن در خوف آنست . سقراط

مرگ آرزوی بعضی و مایه نجات بعضی دیگر و سرانجام همه است . سنکا

مرگ مهم نیست ، خوشبخت نبودن مهمترین چیزهاست . هوگو

مرگ یکبار میآید ولی ترس فرارسیدن آن در طول عمر آدمی را ازجر میدهد . لابرویر

مرگ پسندیده است از برای صالح و طالح اما صالح برای رسیدن به نعیم دائمی و سرور ابدی و اما طالح برای آسودگی و راحت مردم از شر و جور او .

سقراط

مردن نوع بشر خود جزئی از فوائد زیستن است گاهی بجانب جاودانگی است؛ مردن برای مردمان خوب همچون خوابی کوتاه است که برای رسیدن بکمال و زیستن در ابدیت از آن بیدار خواهند شد .

توراین ادواردز

مرگ آزاد کننده آنکس است که آزادی نمیتواند او را از بند برهاند پزشک کسی است که دارو او را درمان نمیکند مایه تسلی آنکس است که روزگار نمیتواند او را تسلی بخشد .

کولتون

مرگ تاج زندگی است اگر نبود زندگی، زندگی نبود و حتی ابلهان خواستار مرگ میشدند .

یانگ

مرده را با گریه و سوگواری خود عذاب مده مگر نمیدانی که شام زندگی پر از رنج و محنت او بصبح درخشنده روشن خاتمه یافته است .

شاعر فرانوی

مسافرت بمنزله هر لحظه مردن و زنده شدن است .

هوگو

مکرر اتفاق افتاده اشخاص بجهت فرار از مرگ جان خود را تلف کرده اند .

تبو

من اشخاص زنده را آنانی میدانم که مبارزه میکنند؛ بی مبارزه زندگی مرگ است .

هوگو

من فقط یک ترس دارم و آن اینست که عمرم بیش از اندازه در این دنیا بطول انجامد و آخر الامر مانند گلیمی پوسیده دیگران را از وجود خویش در زحمت و رنج اندازم .

توماس جفرسن

من دانسته‌ام که شربت مرگ چشیدنی است و بار فنا کشیدنی. آنگه در کاری بلند تلف شوم به که در کاری پست بمیرم. — یعقوب لیث

میگویند زمان میگذرد. افسوس که چنین نیست این مائیم که میگذریم و زمان است که باقی میماند. — هانری دابس

نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست. — سقراط

نسلهای مردم مانند نسلهای برگهاست که بادها آنها را بر زمین میریزد ولی آنها همیشه قوّت خود را به زمین داده و آنرا آبستن میکنند و در حلول بهار آنرا از نو سبز میسازند. — هومر

وقتی انسان در آستانهٔ مرگ است سخنانش حکیمانه میشود. — کنفوسیوس

وقتی شخص گمان کرد دیگر احتیاجی به پیشرفت ندارد باید تابوت خود را آماده کند. — دکتر ماردن

وقتی دوست میداری دلت میخواهد زنده باشی و وقتی کینه میورزی آرزوی مرگ میکنی. — از منتخبات کنفوسیوس

وقتی مرد پیر، زن جوانی بگیرد، مرگ با دولبخند میزند. — مثل آلمانی

هر رهروی مقصدی دارد و مقصد نهائی همه مرگ است. — حضرت محمّد (ص)

هرگاه مرگ کسیکه جویای دانش است برسد و در حال جستجو باشد شهید مرده است. — حضرت محمّد (ص)

هر روز ستون مردگان روزنامه‌ها را بخوانید و از اینکه اسم شما در میان اموات نیست خوشحال باشید. — دکتر کلمن

هرگاه بگوری میرسم می پندارم که بر سنگ آن نوشته «میخواهی از شما بدگویند چنان بنمائید که مرده‌اید». — بوژدا

هر که دوست نفس او جاویدان ماند، باید پیش از مردن آنرا بمیراند . سقراط

هرگاه چیزی بدتر از مرگ بیابی مرض و ناخوشی است و اگر دنبال مثل و مانند آن بگردی بدون شک جز تنگدستی و فقر چیز دیگری را نخواهی یافت . بزرگمهر

هرکس به نفس زنده است بمرگ بمیرد و هرکه با خلاص وصدق زنده است هرگز نمیرد . شیخ ابی سعید

هرگز نگوئید مرگ به سراغ فلانی آمد زیرا مرگ پایندار و این ماهستیم که به سراغ مرگ میرویم و هر ساعتی که میگذرد یکقدم بمرگ نزدیکتر میشویم . مترلینگ

هر بار که از گورستان بگذری افتخار را خواهی شناخت . سن فرانوا

هرکس دو بار بمیرد یکبار آنگاه که عشق از دلش میرود و بار دیگر آنگاه که زندگی را بدرود میگوید، اما مرگ زندگی در برابر مرگ عشق ناچیز است . ولستر

هرکس صاحب ثروتی است که ارزش آن از همه ثروت های دیگر او بیشتر است و آن نفس آخرین اوست . مارک تواین

هر دوست از دست رفته همچون آهن ربائی است که ما را بجهان دیگر میکشد . ریشتر

همراهان و همکاران مرگ از خود مرگ ترسناکترند . زیرا ناله و زاری رفیقان، رنگهای پریده، گریهٔ یاران و لباس سیاه که در هنگام عزا به تن میکنند و مراسم دیگر سوگواری مرگ را پر مخافت جلوه میدهد . سه نک

همه چیز ابدی است و هیچ چیز از بین نمیرود . بشرط اینکه مرگ را با از بین رفتن اشتباه ننمائید . در این جهان

مرگ بمنزله تغییر لباس است و پس از تغییر کسوت باز ما باقی هستیم آری ما همگی مثل خدا جاودانی میباشیم و تا پایان جهان خواهیم بود. — مترلینگ

همان لحظه ایکه امید به زندگی قطع شود مرگ فرا رسیده است. — ناپلئون

همانگونه که رسیدن بوی چمنزار به مشام جان برای تن مایه سلامتی است اندیشیدن درباره مرگ برای روح - نیرو بخش است. — مولیر

هیچ چیز مانند کار نکردن کشنده نیست. — ؟

همه قافله پس و پیشیم، مرگ به غنی و فقیر نگاه نمیکند. مرگ شتریست که به در هر خانه میخوابد. همه چیز چاره دارد جز مرگ. — دهخدا

یک عمر از وحشت مرگ بخود میلرزیم. در صورتیکه وقتی او رسید ما چشمهای خود را برهم گذاشته ایم و او را نخواهیم دید. — جبران

یگانه چیزیکه در جهان بین همه بطور عادلانه تقسیم شده مرگ است. — فیلیپ

یگانه نعمت بزرگی که در زندگی داریم و قدر آنرا بسهم نمیدانیم و اگر نبود چه مصیبتهائی متحمل شده و باین نتیجه میرسیدیم که باید بهر طوری شده آنرا بوجود بیاوریم و آن نعمت جواب تمام دردها، تمام ناراحتی ها، تمام بدبختیها، امیدها، آن گوهر گرانبها اسمش مرگ است. غ-ذ

مرگ رؤیای بازگشت است و آنکه بعالم نیستی گام می نهد باصل خویش باز میگردد. — ویلیام باتلر

از قعر گل سیاه تا اوج زحل
کردم همه مشکلات گیتی را حل

بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل
هر بند گشاده شد مگر بند اجل

ابوعلی سینا

بیا که عمر چو باد بهار میگذرد
بکار باش که هنگام کار میگذرد

تو غافلی و شفق خون دیده می بارد
که زود بیسر و دور روزگار میگذرد

ز چشم اهل نظر کسب کن حیات ابد
که آب خضر از این جویبار میگذرد

عمعق بخارائی

پرتو عمر چراغیست که در بزم وجود
به نسیم مژه برهم زدنی خاموش است

سید اشرف

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

من از او عمری ستانم جاودانی
او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ

سنائی

هر زنده دلی که او ز اهل درد است
دانسته ز اسباب تعلق فرد است

هر پیره زنی مرگ طبیعی دارد
مرد آنکه باختیار میرد مرد است

ابوالهیثم رودباری

خاک در سرای مغانم که تا ابد — خیزد صدای بی غمی از آتش نهادش

دریاب نقد وقت که جم با وجود جام — تا رفت در حساب نیارد زمانه اش

؟

هر که را خوابگه آخر به دو مشتی خاک است — گو چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را

حافظ

افضل چه نشسته ای که یاران رفتند — ماندی تو پیاده و سواران رفتند

در باغ نماند غیر زاغ و زغن — سیمین بدنان سمن عذاران رفتند

بابا افضل کاشانی

گر مرگ را به خود آسان کنی — خود مرگ را هم هراسان کنی

سهروردی

عمر رفت و آفتاب تموز — اندکی ماند و خواجه غره هنوز

سعدی

مشورت

آنکه با رأی دیگران میپردازد، از خطاها در امان است. — حضرت امیرؑ

اگر میخواهی کاری را خوب انجام بدهی با شصت تن از سالخوردگان مشورت کن. — مثل چینی

اگر با یک مرد عاقل به مشورت پردازی نصف حکمت و خردمندی او به تو کمک خواهد کرد. — ؟

اوّل استشاره، آنگه استخاره. — مثل عربی

با کسانیکه براه دیگری میروند مشورت کردن بیفایده است و نشان بیخردی است. — کنفوسیوس

با کسیکه خود گرفتار و یا گرسنه و یا هراسان است شور مکن هرچند که صاحب رأی باشد. — ابن ساعده

با عاقل مشورت کن که رأی او خالی از هوای نفسانی است و با نادان مکن زیرا که او تابع هوای نفس باشد. مشورت مکن با آنکه محاط زمانست بلکه مشورت کن با آنکه محیط بر زمان باشد. — سقراط

باید در مشاوره دقیق و خونسرد باشیم و در اجرای آن سخت و جدّی. — ناپلئون

با دشمن نیز باید مشورت کرد تا پایه دشمنی او معلوم گردد. — سقراط

بلند پایه‌ترین مردم در خرد و اندیشه کسی است که خود را از مشورت بی‌نیاز نداند. — حضرت امیر (ع)

با اینکه زیاد میدانی با کلاهت مشورت کن. — ؟

پیش از آنکه عزم کاری کنی مشورت کن، و پیش از آنکه قدم در کاری نهی بیندیش. — حضرت امیر (ع)

پیش از رفتن از رفیق بپرس. — حضرت امیر (ع)

چون با تو مشورت کنند جواب مده مگر بعد از تفکر و اندیشه بسیار تا کمیت رای خود را به راه صواب دانی و اگرچه دشمنان باشند نباید بدیشان خیانت کنی و یافه گذار نمائی برای ایشان از خیرخواهی و مصلحت آنچه میدانی. — جعفر صادق

چون ترا شغلی پیش آید هرچند ترا کفایت آن باشد مستبد برای خود مباش که هر که مستبد برای بود پشیمان شود و از مشورت کردن عیب مدار اما با پیران عاقل و دوستان مشفق. — قابوس بن وشمگیر

در امور مهم تصمیم باید از شوری باشد نه از یک نفر. — حکمت شینتو، هند

کسیکه مشورت میکند خویشتن را در راحتی میافکند و دیگران را در تعب. — بیپاس حکیم

مشورت کنید و افکار خود را باهم بسنجید تا از میان آنها راستی زائیده شود. — حضرت امیر (ع)

ممکن است انسان در مورد مسائل مربوط بدیگران درست قضاوت کند ولی در مسائل مربوط به خودش بخطا رود زیرا در موقع قضاوت در امور خودمان «اراده» بفعالیت میپردازد و «عقل» را از کار می‌اندازد لذا باید با دوست خود مشورت کند. — شوپنهاور

مشورت با هزار کس کن و راز خود را با یکی مگو . — امثال و حکم دهخدا

مشورت کن با کسی که بگریه ات اندازد نه با کسیکه ترا بخنداند . — مثل تازی

وقتی با کسی صحبت میکنیم در اثنای سخن چیزهای تازه ای برایمان کشف میشود که اگر تنها فکر میکردیم هیچ وقت بآن نمیرسیدیم . — لرد آویبوری

هر که در مهمات با خردمندان مشاوره کند شریک عقل آنها میشود . — حضرت امیر ع

هر که با دانا مشورت کند از رسوائی ایمن باشد . — از تاریخ گزیده

ای برادر یار دانایی بجوی ماجرای مشورت با او بگوی

مشورت ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

می‌کند دانا در چاره پدید رای او بر بسته‌ها آمد کلید

مولوی

بهر کاری با کاردان راز گوی در چاره از رای او باز جوی

وحید دوی

عقل قوت گیرد از عقل دگر پیشه‌گر کامل شود از پیشه‌گر

مولوی

فتحی که جهان از او گشادند در بازوی مشورت نهادند

گر عقل تو عقده می‌گشاید با ناخن شور خوشتر آید

نظامی

گویند که بی مشورت کار مکن الحق سخنی خوش است انکار مکن

لیکن نه کسی که از غمت غم نخورد گر دُر ز دهن بریزد اظهار مکن

صفوت

هنرمند شایسته بخت ور — نپیچد ز رأی خردمند سر

اگر زیرکی کار هشیار کن — بتقلید دگر عقل خود یار کن

مرزبان نامه

گفت پیغمبر بکن ای رای زن — مشورت کالمستشار مؤتمن

مشورت ادراک و هشیاری دهد — عقلها مر عقل را یاری دهد

مولوی

به پارسایی از این حال مشورت بردم — مگر ز خاطر من بند بسته بگشاید

سعدی

هر که بی مشورت کند تدبیر — غالبش بر هدف نیاید تیر

سعدی

مضرات مسکرات

آیا میدانید آنچه را این مرد در جامی لرزان که در دستان مرتعش خود از مستی دارد و مینوشد چیست؟ او اشکها، خون، زندگیِ زن و فرزندانش را در این جام مینوشد. — لامنه

اگر نوشیدن نوشابه های الکلی، در پاره ای از کشورها ممنوع میشد میزان جنایت چنان کاهش می یافت که پلیس کاری برای انجام دادن نداشت. — نظریه دکتر جان بیرل جراح معین استرالیا

اگر بگوئیم الکل غذاست مسخره کرده ایم و به وجدان انسانی توهین وارد ساخته ایم، چیزی که اینطور گلو و شکم را میسوزاند و عضلات و مغز را فلج میکند و در نتیجه انسان، حیوان دیوانه ای میشود و روح و جسم خود را میکشد غذا نیست. کسانیکه میگویند الکل غذا است اگر چه از دانشمندان باشند کمتر از جنایت کاران جامعه نیستند. با وجودیکه دانشمندان بزرگ در باره آن تحقیق کرده اند الکل غذا نیست بلکه سم شوم نفرت انگیزی است. الکل انسان را بخواب میکند تا روح حیوانی او را بیدار سازد. — دکتر سن ژاک

الکل بزرگترین علت پیدایش رنج و فقر انسانی است و بزرگترین عامل بیماری جهان است. — ژرژ کلمانسو

الکل بزرگترین علت افزایش جرائم جنائی است. — هانری روبر

الکل بلای عظیمی است که بشر را از تمدن به توحش میبرد. — ژان ژلیبون

الکل غذا نیست سمّی است برای جسم و روح . بوتلو دانشمند والتوی

الکل خطری برای جامعه است من معتقد شده ام که آینده به ملتهائی تعلق دارد که از مصرف نوشابه های الکلی خودداری میکنند. دکتر یوال

بزرگترین دلیل اینکه من مشروب نمیخورم آنست که میخواهم بدانم اوقات خوش من چگونه میگذرد . خانم آستور

بشر ضربتی را شدیدتر از ضربت مسکرات نخورده . محمدعلی صفوت

پناه بر خدا از موقعیکه مردم دزد عقل را بدهان خود داخل کنند. مقصود از دزد عقل مشروبات الکلی است. واقعاً هیچ عاقلی این کار را نمیکند . شکسپیر

پیاله فروشی ها کشتارگاه انسان است . استیک

تنها در طول مدت یک نسل این کشور را از نوشابه های مست کننده محروم کنید و آنگاه خواهید دید که شورش و غوغا چنان غیر ممکن میشود که سوختن بدون اکسیژن . هاریس من

ثمرهٔ شرابخوارگی دو چیز است . یا بیماری یا دیوانگی . قابوس بن وشمگیر

جاهائیکه مرگ و میر در اثر سل در آن خیلی زیاد است آنجاهائی است که مصرف مشروبات الکلی زیاد است . پروفسور اندوزی

در مبارزه با الکلیسم ما دو دشمن داریم اول آدمهای الکلی هستند که نمیخواهند خود را معالجه کنند دوم کسانی هستند که ثروت خود را روی میلیونها اجساد انسانی بالا برده اند . پروفسور دبوف

در این دنیا هیچ چیز با مضرت تر از مستی نبود چنانکه هیچ فضیلت و شرف زیاده از خردمندی و هوشیاری نباشد . خواجه نصیر

حکیمی را گفتند: چرا از خوردن شراب نفرت داری و گریزانی، گفت قبیح است برای کسیکه پادشاهان را مغلوب نموده خود مغلوب شراب گردد. ؟

شب مستی بامداد پستی و رخوت میاورد. غ - ذ

شراب قساوت قلب میآورد و دهان را متعفن و دندانها را سیاه میکند. حضرت رضا (ع)

شراب دست را لرزان چشم را اشکبار نفس را مسموم و حافظه را نابود میکند کسیکه خریدار این آب زهرآلود است آن را به بهای جان میخرد. ؟

شما نصف میکده ها را ببندید تا من هم ضمانت کنم که کشور از نصف بیمارستانها و تیمارستانها و زندانها بی نیاز خواهد بود. طبیب آلمانی

صدمات الکل منحصر به بدن نیست بلکه مراکز فکر و اندیشه را نیز سخت صدمه میزند چنانکه تعداد دیوانگان در سال ۱۸۶۵ مسیحی فقط چهارده هزار نفر بود و در سال ۱۹۱۰ در اثر استعمال مشروبات الکلی به هفتاد هزار نفر رسید. کاستون اودوبل

کسیکه به نوشیدن شراب عادت کرد دیگر نباید براو اعتماد کرد زیرا لیاقت حفظ اسرار ندارد آیا لازم است که انسان دشمن را در درون خود جای دهد که عقلش را بدزدد و او را مانند جانوران بی خرد کند. ما فرزندان آدم هستیم گاه گاه محکوم شویم که مانند جانوران بیخرد باشیم. من برای این حرف از خدا آمرزش می طلبم زیرا با این تشبیه بجانوران توهین کرده ام. امام خمینی

کمترین عیب شرب خمر سلب اراده و حاکمیت انسان است بر نفس خود. محمدعلی صفوت

میخانه جائیکه دیوانگی را بطر بطر میفروشند. سونیت

میگساری خرد را فرسوده سازد و دل را مرده مستی آرد و هستی برد.

سید علی اکبر رقی

وقتی مشروب خوردی با سلامتی و عقل خداحافظی کن.

شل لویسلادی

وقتی شیطان نتوانست بیک خانه وارد شود اوّل شراب را بدانجا میفرستد.

؟

هرگاه خمر خورده جود و جوانمردی کند همه کس آن هنر را نسبت بباده دهد چون قباحتی از او ظاهر گردد از زشتی نفسش شمرده شود؟

هر پیاله فروش مرکز تولید بیماریها، جنایات و فقر عمومی و تمام بلایائی است که بحیات انسان حمله میاورد و مخصوصاً حیات طبقهٔ کارگر را مورد نهب و غارت قرار میدهد.

مونتالبو

هر اقدامی علیه مصرف مشروبات الکلی بعمل آید باید با تمام قوا از آن طرفداری کرد.

امیل لوبه

هیچ اقدامی در مبارزه با سل بموفقیت نمیرسد تا وقتیکه اقدامی جدّی در مبارزه با مشروبات الکلی بعمل نیاید. فیومن

هیچ انسانی لحظات هشیاری را بدست شیطانی بنام الکل نمیدهد که او را بسوی دیوانگی سوق دهد.

غ-ذ

گویند بخور می که ترا غم ببرد
غم از دل تو رطل دمادم ببرد

غم به، ولی با خردش یکجا به
دیگر نخورم می که مرا هم ببرد

گوهرخاصه

گر نیست قوی بیت به بر و جسم درست
زنهار منه لب به لب جام نخست

زین جام نخست چون شدت دست فراز
دست از تن و نفس پاک میباید شست

امیرخیزی

نکند دانا مستی، نخورد عاقل می
ننهد مرد خردمند سوی مستی پی

چه خوری چیزی کز خوردن آن چیز ترا
نی چنان سرو نماید به نظر سرو چو نی

گر کنی بخشش گویند که می کرد نه او
ور کنی عربده گویند که او کرد نه می

صنایی

هر کس که در این زمانه نوشید شراب
شد کشتی عقل و دین او غرق در آب

چون عزت آدمی به دین و خرد است
وقتی که خرد نشد چه انسان چه دواب

سید مهدی الصبری

یکی بر نهادی است خمر ای برادر
که بر کس همه ننگ و عار است بارش

آن می که حسد دین چو ریزی در کام ناکام شوی ز دانش و مانی خام

عقلت ز سر و صفایت از دل برود در دایره شراب گر نهی گام

سید یحیی رقعی

براحت نفسی رنج پایدار مبر شب شراب نیرزد به بامداد خمار

سعدی

خرد را می ببندد چشم را خواب گنه را عذر شوید جامه را آب

فخرالدین گرگانی

زنهار چیز مخور که مستی آرد کالایش بت پرستی آرد

گر آنکه حیات لذت باشد دوری کن از آن حرامزاده

نظامی

ساقی ز چنین بساط باشد بر نام دشمن جان است جام باشد بشکن جام

فراهانی

بشنو نصیحت پیر ای جوان باده پرست مده بباد جوانی بعشق باده ناب

قوامی گنجه

معاشرت

اختیار مصاحبت اشرار نکنید، چه همینکه اهانت ترا کنند بر تو منت نهند . — افلاطون

از همنشینی مرد بخیل دوری گزین زیرا چون ترا بدو حاجت افتد از تو بگریزد . — حضرت محمد

از شخصیت کس پرسش مکن از همنشینان او سؤال کن . — حضرت امیر

اشرار مردم نیک را میگذارند و مشایعت و مطاوعت بد را اختیار کنند مانند مگس که مواضع صحیح بدن را میگذارد و به مواضع فاسدهٔ بدن میگراید . — افلاطون

اگر با اشخاصی که صاحب روح بلند و اخلاق عالی هستند زندگی کنید احساس خواهید کرد که قوهٔ مرموزی روح و اخلاق شما را بطرف مجد و تعالی میکشانند . — اسمایلز

انسان به هر که با او هم خو و همفکر بود دل می بندد و به هر که دارای علو نفس و جوانمردی و بزرگواری باشد، علاقمند میشود . — سیرون

از هر کس که به تو نفرت میورزد دوری کن حتی اگر مگس و تو فیل باشی . — مثل آفریقائی

اگر به میان گرگها روی از آنها زوزه کشیدن خواهی آموخت. — مثل فرانسوی

با درندگان پنجه در افکندم و سرپنجهٔ شیر و پلنگ را درهم شکستم ولی خوی بد برمن چیره شد و زبونم کرد. — ؟

با فاسقِ متواضع بسر بردن بهتر که با عابد متکبّر مصاحبت کردن. — ؟

با شجاعان عالم و درندگان بیابان روبرو شدم ولی هیچکدام مانند همنشین بد بر من غالب نشد. — بوذرجمهر

با مردمان نیک معاشرت کن تا خودت هم یکی از آنها بشمار روی. — ژرژ هوبرت

به انوشیروان گفتند سبب چیست که مردم بار گران بدوش میکشند و آزار نمی بینند ولی بار همدم ناسازگار نتوان کشید

او گفت زیرا کشیدن بار سنگین را همه اعضاء تن همکاری کنند ولی بار همنشین بد بر دوش روح است. — ؟

بپرهیز از نادانی که خود را دانا شمرد. — ؟

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان. — ؟

تا توانی با علمای صالح همنشین باش تا جان به فضیلت علم بیارائی و از پرتو دانش آنان روشن و بزرگوار شوی. امام صادق (ع)

تنها چارهٔ نفرت جدائی است. — مثل آفریقائی

چای سرد و برنج سرد را میتوان تحمل کرد اما نگاه سرد و سخن سرد قابل تحمل نیست. — مثل چینی

حذر کن از همنشینی کسیکه سست باشد رأی و عقل او. ناپسندیده باشد عمل او زیرا که یار به یار خود قیاس و اعتبار کرده شود. حضرت علی (ع)

حُسن سلوک از فداکاریهائی تشکیل شده است. — امرسن

حسن معاشرت همراه با شرافتی است که جنگجوترین مردم به آن احترام میگذارد. بدی معاشرت سبب آن میشود

که ترسوترین مردم هم به ستیز با آدمی برخیزند. چسترفیلد

خوبترین برادران شما آن است که عیبهای شما را البوتیان هدیه فرستند. حضرت محمّد

خوی بد در امیر نشان بابخردان است و نیکوئی اخلاق در همنشینی با خردمندان میباشد. امام محمّدتقی ع

دانائی و قدر و عدالت و معرفت در صورتیکه با آن هنر کوچک زندگی و رفتار که حسن معاشرت نامیده میشود همراه نباشد

نمیتواند شخص را چنانکه باید معرفی کند. ستیل

در گفتگو و معاشرت تا حدّی تشریفات را ملاحظه کن ولی از اندازه فراتر مگذار. وضع رفتار معمولاً با همان صورتیکه جلوه گر شود

از طرف مقابل باز میگردد. فولر

در همنشینی باید خود را با مردمان صاحب وجدان همدم ساخت و از مردم بی وقر و بی ارزش دوری جست. کنفوسیوس

در بین همه مردم که در عمرم آشنائی بهم رساندم هیچیک را بهتر از خود ندیدم. روسو

روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم. ناصرخسرو

رذیلت، حیوانی است وحشی و منفور و بدترکیب که روزهای اوّل از دیدارش میترسید و بتدریج با آن آشنا میشوید، تا حدّی

که صورت زشتش را ببوسید. پوپ

زیان رساننده تو در معاشرت سه کس است: ۱- آنکه ترا بالطرب مدد دارد ۲- آنکه بفریب مغرورت کند ۳- آنکه همّت او

کوتاهتر از همّت تو باشد .

افلاطون

سلوک و رفتار آیینه ای است که هرکس خود را در آن نشان میدهد .

گوته

شخص قرض داشته باشد بهتر از آنست که زن بد داشته باشد .

مثل سوئدی

طبیعت های بی عیب و نقص با امتداد معاشرتهای نالایق خلل پذیر میشود .

فلشید

صفات یک مرد تابع نیکیها و بدیهای دوستان اوست .

مثل ژاپونی

علامت برجستهٔ مردمی که به همنشینی خوب معتاد شده اند آرامش و ملایمت تزلزل ناپذیریست که از همهٔ کارهای بزرگ و کوچک ایشان مشاهده میشود آرام غذا میخورند آهسته حرکت میکنند در آرامش زندگی میکنند و حتی پول خود را آرام از کف میدهند در صورتیکه آدم پست نمیتواند یک قاشق را بدون براه انداختن سر و صدای عجیبی بدست گیرد یا یک اهانت را تحمّل کند .

بولور

در معاملات سعی کنیم حیثیت افراد را در نظر گرفته سعی کنیم آنها را همانطور که هستند قبول داشته باشیم در غیر اینصورت در معاملات شکست خواهیم خورد .

غ - ذ

کسیکه میخواهد نقاش خوبی بشود سرمشقهای عالی انتخاب کرده و از روی آن مشق نماید همینطور هم کسیکه میل دارد زندگانیش منزّه و پاکیزه باشد باید بهترین اشخاص را سرمشق و نمونهٔ خود قرار داده آنقدر بکوشد تا به پای آنها برسد و حتّی از آنها درگذرد .

ادن نلشام

کسی بدبخت تر از مرد بدطبع پیری نیست که نه قابلیت پذیرفتن لذت دارد و نه چنانست که بتواند مایهٔ خوشی دیگران را فراهم آورد . سروتمپل

کسیکه اخلاق و روحیه او به شما شبیه شد نگاه کنید به همنشین او . حضوت امیز؟

گفتگو کردن با دیگران مخصوصاً آنهائیکه از مطالعهٔ کتب سرمایهٔ کافی اندوخته اند یکی از بهترین لذتهای زندگانی است، وقتی شما در تفکرات خود به نقاط تاریکی برخورد میدو سؤالاتی از خویشتن میکنید که جواب آنرا نمیدانید چقدر خوشحال میشوید اگر کسی جواب سؤالات شما را بدهد . لود آویبوری

مردمی عالی در حسن رفتار است نه در عقل بیشتر . بیچر

مرد شریف و شایسته چنان است که پیوسته با همانند خود نشست و برخاست کند، کیست که آن اندازه استوار باشد که در معرض فریب دیگران واقع نشود . شکسپیر

مصاحبت با خردمند گنج است و معاشرت با جاهل باعث تعب و رنج . سقراط

مصاحبت فراوان و روابط صمیمی میان دو شخص چنان ایشان را به یکدیگر شبیه میسازد که نه تنها اخلاق و رفتارشان مانند یکدیگر میشود بلکه رخساره و آهنگ صدای ایشان نیز باهم شباهت پیدا میکند . لاوارتر

مصاحبت با مردمان درستکار از هر ثروت و ملک پر حاصلی بهتر است . امند رسیدیس

معاشرت با مردمان خوش اخلاق و فاضل بهترین تقوی روح جوانان است . اسمایلز

معاشرت با مردمان نیک همیشه مولد خوبی و نیکوئی است زیرا اخلاق خوب مانند نوری است که به اطراف میتابد و نزدیکان خود را روشن میسازد .

جان براون

نزدیک مباش به همنشینی مردمان شرور و بد اخلاق زیرا که طبع تو از طبیعت او شر را میدزدد در حالیکه تو آگاه نباشی. افلاطون

وضع دوستانه داشته باش و از آزادی احمقانه بپرهیز آزادی خشونت آمیز مایه تحقیر است ولی اندکی محافظه کاری وسیله جلب احترام میشود و با تواضع ظریف مهربانی دیگران فراهم میآید .

فولر

هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند بطریقت ایشان متهم گردد و اگر بخرابات رود به نماز کردن منسوب گردد بخمر خوردن .

سعدی

همسایه ات را دوست بدار اما دیوار ما بین خود تان را از بین نبرید .

مثل آلمانی

هیچ وسیله زیبائی یا بینش یا شکل یا رفتاری مؤثرتر از این نیست که آدمی بخواهد در اطراف خود شادی پراکنده سازد، نه رنج .

امرسون

یقین است که رفتار حکیمانه یا وضع جاهلانه همچون بیماری از شخص به شخص دیگر سرایت میکند، پس لازم است که مردمان مواظب انتخاب معاشران خود بوده باشند .

شکسپیر

یکی از بهترین مسرات دنیا این است که گروهی در یک جا جمع شوند و ساعات فراغت را بسخنان شیرین و دلپذیر بگذرانند روحهای آنها بهم نزدیک زبان یکدیگر را خوب میفهمند و از اسرار دل همدیگر خبردار شوند .

لرد آویبوری

بیاموزمت کیمیای سعادت ... ز همصحبت بد جدائی جدائی حافظ

وگر بنگری سوی انگشت گر ... ازو جز سیاهی نبینی اثر

فردوسی

منشین با بترین بر که شوی ... همچو او زشت نام و بی‌آزرم

آنکه خود بد بود ندارد عار ... گر ترا بد کند ندارد شرم

لب الوجیزه

همنشین تو از تو به باید ... تا ترا عقل و دین بیفزاید

سعدی

هست تنهائی به از یاران بد ... نیک چون با بد نشیند بد شود

مولوی

یار بد بدتر بود از مار بد ... تا توانی میگریز از یار بد

مار بد تنها همی بر جان زند ... یار بد بر جان و بر ایمان زند

سعدی

پای در زنجیر پیش دوستان ... به که با بیگانگان در بوستان سعدی

ملّت - میهن

آباد کردن کشور مبارزه با فقر و جهالت تعمیم فرهنگ و بهداشت با حرف امکان پذیر نیست باید کار کرد، کار مداوم و طولانی.

آنکه رنجیده و آزرده ترک وطن میکند روح ناسازگار خود را همراه میبرد. حجازی

اگر دوستی وطن نبود شهرها و ممالک بدآب و هوا خراب و بی سکنه میماند. حضرت محمد(ص)

اگر مرا مخیّر کنند که در کشور ما دولت بدون روزنامه و یا روزنامه بدون دولت باشد بی شک طریق دوم را انتخاب خواهم کرد. جفرسن

اولین کشوری که تأسیس بیمارستان پرداخت کشور ایران بود. دوانسون

اولین ملّتی که احتیاج به مواد خوراکی و زراعی نداشتند ایرانیان بودند. سقراط

اولین هیأت اجتماع در ازدواج و پس در عائله و خانواده و بعد در یک مملکت تشکیل میگردد ایران بوده. سیسرون

اولین دولتی که ثبت اسم و علائم و صورت و قیافه واردین و بیگانگان را بکشور مقرر داشت دولت ایران بود. دوانسون

اولین ملّتی که اصول خدمت سربازی را معمول و مدارس مخصوص جهت تعلیم ایجاد کرد و جوانانشان را بدون رعایت

اصل و نسب یکسان در آنجا تحت مراسم سخت گذاشت ایرانیان بودند .

صد کلام از افکار فلسفی شیخ محمد خیابانی

۱ - در آزادی و استقلال

۱ - اولین لازمهٔ شرافت یک ملت استقلال است .

۲ - استقلال ملت ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت .

۳ - حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست .

۴ - هرگاه میخواهید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را پیشه خود سازید .

۵ - بدون حقیقت آزادی ، آزادی میسر نیست .

۶ - یک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد .

۷ - در راه زندگی شرافتمندانه باید از جان و مال گذشت .

۸ - زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی ، زندگی را دوست دارد .

۹ - آزادی مستلزم مساواتست در مقابل قانون همه برابریم .

۱۰ - هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد به ما اجازه دهد الی الابد خطاکار باشیم .

۱۱ - عطر گلاب جعلها را سراسیمه میکند ، عطر آزادی را در مملکت نشر نمائید تا جعلهای استبداد از میان بروند .

۱۲- آزادی عقیده در بالای سر هر سیاست حاکم است.

۱۳- شما هر قدر آزادیخواه باشید، هستند جماعتی که از شما آزادیخواه‌ترند.

۱۴- ایران را ایرانی باید آزاد کند.

۱۵- در عین آزادی باید مقید باشی.

۱۶- روح ملت فدای هیچ کس نیست! ارواح خادمین ملت باید فدای ملت شود.

۲- در تجدد و ترقی

۱۷- اولین وسیلهٔ ترقی، داشتن روح تجدد است.

۱۸- یک ملت زنده و بیدار و هوشیار باید همیشه بطرف تجدد رهسپار گردد.

۱۹- برضد زمانه راه رفتن غلط و محال است.

۲۰- باید زمانه ما را بهر کجا که لازم است برویم هدایت کند.

۲۱- چنانکه زمانه ملتها را سوق میکند و میروند ما هم نباید از زمان خودمان عاق شویم.

۲۲- باید ترقی کردن را واجب دانست ترقی نکردن مردن است.

۲۳- هر ملتیکه ترقی را با نظرهای لاقیدی و بی علاقه ملاحظه نماید دچار هلاکت خواهد شد.

۲۴- ما اولاد قرن حاضریم و عاق قرن خود نخواهیم شد.

۲۵ - اولین دشمن یک متجدد، آمال، ایده آل، زمان او ست.

۲۶ - جهال، مرگ را بر تغییر عادت ترجیح میدهند.

۲۷ - آنچه امروز یک امل مبتذل و مرغوبی است ممکن است فردا منفور و مردود باشد.

۲۸ - عوام یک علاقه صمیمی با عادات خودشان دارند و عادات مانع ترقی و تجدد است.

۲۹ - عقل و منطق عوام در چشم او ست.

۳۰ - کلاه امروزی شما به قد کلاه دیروزی پدران شما نیست و فردا هم کلاه امروزی را در سر نخواهید داشت.

۳۱ - همان قوه که در موقع خود به شکل آتش و حرارت متجلی میگردد، بعد از این باید به شکل کار و حرکت به بروز آید و چرخهای تمدن و تکامل را راه بیندازد.

۳ - در فلسفه اجتماعی

۳۲ - عوام تابع تلقینات است و هرگاه مدیران او قابل و صاحب حسن نیت باشند ممکن است نتایج حسنه از عوام گرفت.

۳۳ - یک فرد بی علاقه به جامعه خود کمتر از حیوان است.

۳۴ - عدم علاقه بر حیات اجتماعی دلیل بر عدم زندگی است.

۳۵ - در حیات سیاسی و اجتماعی آنانکه علاقمند نیستند به مثابه امواتی هستند که حیات از آنان رو گردان و گریزان است.

۳۶ - مردگانند اشخاصیکه برای خاطر اغراض و انتقام شخصی خود به اتفاقات مخالف عقیده و مسلک تن در میدهند.

۳۷ - ترحم بر عاصیین حقوق جماعت، خیانت بر جماعت است.

۳۸ - در میان دو نظریه متفاوت باید بروزدی عقل خود را بکار انداخت و یک قرار قطعی اتخاذ نمود.

۳۹ - یک نادان در یک لحظه ممکن نیست دانا بشود.

۴۰ - شخصی که در تاریکی زیست کرده است در پیش یک روشنائی آنی چشمش خیره و یا کور میشود.

۴۱ - کسیکه به تکالیف اجتماعی خود عمل نکند حقوق خودش را فاقد میگردد.

۴۲ - مجازات و مکافات نباید لاغی شعور باشد.

۴۳ - هیچ کار بزرگ بدون فکر انجام نمیگیرد.

۴۴ - از افکار غیر متجانس و متضاد نمیتوان نتیجه گرفت.

۴۵ - هر زمان تقاضائی دارد که با میزان علم و معرفت بشر تغییر پذیر است

۴۶ - اعمال جماعت آنی و غیرارادی است مثل یک زلزله ناگهانی عالمی را بهم زده خود نیز از میان میرود.

۴۷ - عوام وقتی که میخوابد کاملاً میخوابد و وقتی که بیدار شد دیگر فعالیت تدریجی را قبول نمی نماید.

۴۸ - عوام بی اراده و اختیار است و تابع جریان و تلقینات.

۴۹ - تمایل عوام به موهومات است معرکه و افسانه های یک درویش بیشتر از کنفرانسهای یک دانشمند او را جذب میکند.

۵۰ - در تعیین عیار و قیمت ملتها تجربه بالاتر از همه چیز است

۵۱ - یک حرکت عمومی تمام بشر متمدن را بجانب یک سر منزل تکامل پیش میبرد .

۵۲ - بنام هر اکثریتی نمیتوان حکم قطعی داد .

۵۳ - هر دورهٔ تاریخی که در حیات یک هیئت اجتماعیه رخ میدهد ، با قلم یکنفر مورخ و یا بفرمان یک زمامدار امور تعیین و تحدید نمیشود .

۵۴ - حادثات اجتماعیه محصول و نتیجهٔ عوامل طبیعیه است .

۵۵ - نه ممکن است تاریخ را فریب داد و نه ممکن است زمان را از سیر سریع خودش باز داشت .

٤ - در شرایط موفقیت

۵۶ - انتظام و انضباط یک شرط عمدهٔ موفقیت است .

۵۷ - مقتدرترین فرقه های سیاسی اروپا فقط با نظام و دسیپلین خودشان امتیاز دارند .

۵۸ - انسان باید در حیات طوری مشغول کار شود که گویا هیچ نخواهد مرد .

۵۹ - ما فدائیان اولاد خودمان هستیم ما خواهیم مرد تا آنان زنده بمانند .

۶۰ - باید فداکاری کنید تا آتیهٔ شما و اولاد شما تأمین شود .

۶۱ - اندوختن سهل است ، نگهداری مشکل .

۶۲ - برای گذشتن از یک حالت موجود به یک حالت جدید ، قدرت و متانت جوهری لازم است .

۶٤ - هرگاه صمیمیت و صداقت شما بدرجهٔ کمال و کفایت باشد هیچ قوه متصور نیست که بتواند بر شما غلبه جوید .

۶۴ - اضطرابات در حیات افراد و جماعات یک عامل بیداری و احتیاط و تدبیر است.

۶۵ - یک اضطراب معقول و عاری از عصبانیت، بهترین استاد سیاسی است که راههای رفتن و کارهای کردنی را به جماعت نشان میدهد.

۶۶ - اقوام مضطرب و دوراندیش زحمت میکشند و رنج میبرند و ثمرات شیرین آنها استفاده مینمایند.

۶۷ - طبیعت میدان یک مجادلهٔ عمومی است که زندگی را پاداش مظفرین و غالبین قرار داده است.

۶۸ - در این کارزار بزرگ، ناتوانان و ضعفا نمیتوانند زیست کنند.

۶۹ - برای تأمین حیات و بقا در این جهان باید از ضعف و ناتوانی دوری گزید.

۷۰ - اعتماد به نفس یک شرط عمدهٔ موفقیت است.

۷۱ - یک تشکیلات محروم از دیسیپلین از عدم موفقیت به عدم موفقیت غلطیده همیشه طریق سقوط و انحطاط را می پیماید.

۷۲ - در روی خرابه های دیروزی باید عمارت فردا را بلند کرد.

۷۳ - بلند کردن عمارت فردا، فکر دوربین و دوراندیش فکر تعقل و تدبیر و فکر ایجاد و اجرا میخواهد.

۵ - در اخلاق

۷۴ - اعتماد به نفس یک شرط عمدهٔ موفقیت است.

۷۵ - در ردیف و مجازات حب نفس باید عزت نفس و اعتماد به نفس را هم در نظر گرفت.

۷۶ - باید تنبل‌ها و تن‌پرورها را هیئت اجتماعیه اخراج و تبعید کنند .

۷۷ - عزم کردن کافی نیست هر عزم باید مبدل به عمل گردد .

۷۸ - در کلیه امور و حوادث باید وظیفه را از غیر وظیفه تفکیک و تفریق نمود .

۷۹ - شجاعت یک شرط مهم موفقیت است .

۸۰ - ما شجاعتی را که توأم و همراه با متانت و استقامت باشد لازم داریم .

۸۱ - یک لقمه خاردار باشید تا هیچ گلوئی نتواند شما را فرو ببرد .

۸۲ - یک ملت که از مرگ نترسد هرگز نمی‌میرد .

۸۳ - مردن در راه یک امل بزرگ عین موفقیت است .

۸۴ - ما آن مجنونان و آن عاشقانیم که از هیچ چیز نمی‌ترسیم .

۸۵ - تو واحد و متحد جلوه نما و بگذار دیگران از تو بترسند .

۸۶ - ترس، مرد را از همه شئون رجلیت و فتوت سخت کرده او را با دنی‌ترین حیوانات همسنگ و همپایه قرار میدهد .

۸۷ - ترس عامل عمده اسارت ملتها است .

۸۸ - یک ملت ترسو، بزودی در چنگال هر مستبد ستمگر گرفتار میآید .

۸۹ - برای گذاردن طوق بندگی بر گردن یک ملت ترسو، بیدادگران تردست با کمال آسانی پیدا میشوند .

۹۰. نترسیدن کافی نیست باید جرئت و شجاعت داشت، باید پردل بود .

۹۱- یک جرئت مسلح با تدبیر و شجاعت، یک شجاعت دوربین و دوراندیش و بیشتر از همه یک شجاعت فداکار و پرحرارت، ناجی ملتها است .

۹۲- شجاعت مادی بی شجاعت معنوی کامل نیست .

۹۳- شجاعت معنوی عبارت از حاکمیّت و تسلّط مرد است نسبت به احساسات خودش .

۹۴- کسیکه تابع هوی و هوس و محکوم نفس اماره خودش نیست شجیع و جسور است .

۹۵- شجاعت معنوی یک فضیلت و نتیجه یک محاکمه منطقی است

۹۶- شجاعت معنوی اثر یک عزم و اراده و جلوه یک تصمیم اختیاری است .

۹۷- تصمیم مرد شجیع این است، چون نباید بترسم نمیخواهم بترسم و نمیترسم .

۹۸- در مقابل تصمیم مرد شجیع هیچ قوه از قوای معلومه بشری فایق و غالب نیست .

۹۹- هرگز نباید به خستگی و یأس اعتقاد داشت و بخصوص وقتی که بار سنگین زندگی یک ملت از یک موی باریک آویزان است .

۱۰۰- ای «ایران» «لایموت»، سرت را بلند دار و زنده و پاینده باش .

از کتاب «اثر ارزنده» از افتخارات ایرانشهر

ایرانیان برای حفظ احترام یکدیگر هرگز در حضور هم آب دهان بر زمین نمیاندازند — هرودت

ایرانیان از کردارهای ناپسند هرگز سخن نمیگویند. — هرودت

ایرانیان صفات نیک خود را با تمام ثروت شاه آشور برابر نمی کنند. — ؟

ایرانیان در هر کاری میانه روی را اتخاذ می نمایند. — گزنفون

ایرانیان اول ملتی بودند که باز خریدان بردگان خود چون فرزند رفتار میکردند. — هرودت

ایرانیان در معابر و انظار مردم هیچ ننوشند و هیچ نخورند. — گزنفون

ایرانیان با کمال دقت و احتیاط از سخنان بیهوده و هرزه حذر مینمایند و از کردارهای ناپسندیده هرگز سخن بزبان نمی رانند. — هرودت

ایرانیان از دروغ و ناسپاسی و فریب می پرهیزند و از این روست که یونانیان با دیده حرمت و حیرت و احترام بآنان می نگرند. — گزنفون

ایرانیان در هر کس که صفات نیک می یافتند بدیده بزرگی و احترام بدو مینگریستند هر چند که آن خوی در یکی از دشمنان آنان ظاهر میشد. — هرودت

ایرانیان همانطوریکه از مرض طاعون حذر میکنند از استعمال مسکرات نیز متنفرند. — آمیان

ایرانی با اخلاق ترین ملل دنیاست و حسن ظاهر دلیل است بر حسن باطن. — سقراط

ایرانیان بر نفس خویش تسلطی سخت دارند و همیشه میکوشند تا هر گونه بدی و زشتی را از خویش دور سازند . ؟

ایرانیان دروغ را زشت ترین چیزها شمارند و بعد از دروغ قرض را سخت بد دارند و گویند ، قرض دار ، گذشته از گناه قرض بسا باشد که در مقابل وام خواه مرتکب دروغ نیز بشود . هرودت

ایرانی بی باک فداکار و با تربیت است سقراط

ایرانیان رسم بر این دارند که پرستش خداوند را بر قلعه های مرتفع بجا آرند . هرودت

ایرانیان دارای وجدانی پاک و اخلاقی نیکو هستند . سقراط

ایرانیان بواسطهٔ تعالیم عالی از هر نواقصی بری هستند . پلوتارک

ایرانیان در کارهای خود استعانت از خدا جویند و فتح و پیروزی از او خواهند و دعای خیر را مخصوص خود نکرده و همواره در هنگام عبادت سعادت و سلامت خود و دیگران را از خداوند آرزو میکنند . هرودت

ایرانیها بعضی صفات دارند که در هیچکدام از ملل قدیم حتی رومی ها هم نبوده این صفات عبارتند از ، ادب ، شجاعتِ اخلاقی ، جوانمردی ، صفات مذکوره را ایرانیها از ابتدای تاریخشان دارا بوده اند . کولیتن سن

ایرانیان فوق العاده تسلط بر نفس دارند و همیشه سعی دارند هر گونه بدی و زشتی را از خود دور سازند . هرودت

ایرانیان خنده و شوخی و کارهای ناپسند را در مجالس بسیار زننده و بد میدانند . هرودت

اگر در غربت طلا بارد و در وطن سنگ بهتر است که در وطن بمانی . مثل آلمانی

اگر میخواهی بدانی وطنت تا چه حد دوست داری مدتی خارج برو. — مثل رومی

بخاطر داشته باشید که در هر وضعی که هستید وطن برای خاطر استعداد، تقوی، احساسات و تمام اعمال شما حقی بگردن شما دارد، شما سربازانی آماده بجنگ هستید که ناگزیرید پیوسته برای او از خواب برخیزید و به جنگ او بشتابید. — بارتلمی

برای اینکه وطن پدید آید مدرسه‌ای و قبرستانی کافی است. — موریس بارس

بزرگی و عظمت یک مملکت منوط به وسعت خاک آن نیست بلکه مربوط به اخلاق و روحیات اهالی آن است. — کلبر

پایه ملیت هر قوم را سنن آداب و رسوم و آثار و هنرهای علمی آن قوم نگاه میدارد. — عطائی

پروردگار را لشکری است از اهل پارس چون بر قومی غضب کند توسط پارسیان از آنها انتقام گیرد. — حضرت محمد

تا شما به صلاح خود آشنا نشوید، ایران عزیز اصلاح نخواهد شد. — جواد فاضل

تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که مردان هنرمند و حساس گلهای زیبای آن میباشند. — گوستاو لبون

ترقی حقیقی یک ملت در اضافه نمودن به قوانین سابق نیست. بلکه در حذف مقدار زیادی از آنهاست. — گوستاو لبون

تظاهر بانجام کارهائیکه از قدرت ما خارج است و سرگرم نمودن ملت با بیانات فریبنده و تعقیب سیاست برزخ روز در مقابل ملت شعار ما نیست. — ؟

ثروت کشور در اثر فوق العادگی مردان در گرد آوردن و تحصیل مال نیست، بلکه بر اثر فوق العادگی آن در نگهداری آن است، زیرا حجم و ظرفیت جوئی نیست که دریاچه بزرگی را پر آب میکند بلکه نیرومندی و متانت و استحکام سدهاست.

که نمیگذارد آب ضایع شود .

دکتر ماردن

جوانان ایران از دروغ و ناسپاسگری و حیله فوق العاده متنفرند و هرگز پیمان شکنی و حق نشناسی از ایشان دیده نمیشود و این صفت آنان سبب شده است که یونانیان با یک نظر تعجب و احترامی بآنان بنگرند .

گزنفون

جهانگیری آنقدر مشکل نیست . مسئله مشکل جهانداری است .

عبدالرحمان شرفکندی

چقدر سخت است انسان بمیرد در حالیکه به کشورش هیچ خدمتی نکرده .

لینکلن

حس وطن دوستی بزرگترین مظهر روح ملی یک نژاد است . این حس موجه غریزه اجتماعی مخصوص است که در موقع خطر عمومی بلافاصله جانشین غریزه انفرادی میگردد .

گوستاولبون

خدمت به وطن نیمی از وظیفه است و خدمت به انسانیت نیم دیگر آن .

هوگو

خرابی کار یک مملکت از دو چیز است . اوّل نداشتن مردمان عالم و لایق دوّم نبودن آنها در سر کارهای مملکت . ولتر

خیلی بهتر بود که یونانیان مغلوب ایرانیان میشدند تا مغلوب رومیان .

نیچه

خیلی از کسانیکه بسمت وزارت مراد دارند باید حتماً در شکه چی ساده باشند و خیلی از درشکه چی ها هستند که کاملاً لیاقت وزارت فرانسه را دارند .

ناپلئون

در نظر من هیچ شکلی زیباتر و جمیلتر از شکل یک نفر وطن دوست نخواهد بود .

پل دوم

در هنگام صلح مفهوم کلمه وطن نسبتاً مبهم است . قدرت حقیقی آن فقط وقتی معلوم میشود که مورد تهدید قرار گرفته باشد . گوستاولبون

میشله

در مدرسه باید وطن را فهمید .

در راه میهن اگر دوازده پسر داشتم و همه را یکسان دوست میداشتم و یازده پسر را در راه میهن کشته میدادم خوشتر بود تا یکی

شکسپیر

در رختخواب بمیرند .

دهقان و دهکده اش قادر است جهانی را ابزور آزمائی بخواهد زیرا قانونیکه بر دهقان حکومت میکند اینست که او برای دفاع

گاندی

از حیثیت و افتخار زادگاهش حتی مرگ را آسانی تحمّل خواهد نمود .

صمیمیت و عواطف و احساسات شما نسبت به میهن خودتان باید ما فوق همهٔ احساسات و عواطف شما باشد . ؟

عشق و علاقه به وطن و آب و خاک مانند علاقه به پدر و مادر و زن و فرزند امری طبیعی است . ؟

حجازی

عشق و الفت خانواده است که کوچه و محله و شهر و کشور را فرا میگیرد و حبّ وطن نامیده میشود .

افلاطون

علاقه ای در دنیا شدید تر از عشق به وطن نیست .

عشق ورزیدن به میهن عبارت از اینست که انسان با تمام قوا میل داشته باشد عملی شدن آرمانهای بشری را در آن مشاهده

بلینکی

نماید و بقدر قوّهٔ خود در راه کار یاری نماید .

حجازی

غالباً ملّتی که در بلا و سختی باشد رو به بلندیست و ملّتی که بناز و نعمت رسیده باشد رو به پستی .

لئوتولستوی

قدرت یک کشور نه به سنگرهای یک کشور است و نه به کشتیهای آن ، فقط به مردانش میباشد .

کالیا ، امپراطور روم هنگامیکه گردن به زیر تیغ میداد روی به جلاد کرد و گفت بزن اگر برای خیر روم و ملت روم میزنی .

کافی نیست که انسان برای وطنش خدمت انجام داده باشد بلکه هرگز از خدمتگزاری خودداری ننماید . — پلوتارک

کدام ملت از همه باسعادت تر است؟ ملتی که دارای قانون باشد. از آن سعادتمندتر؟ ملتی که قانون آن جریان دارد از آن باسعادت تر؟ ملتی که در قانونش تبعیض نیست و از آنهم سعادتمندتر؟ ملتی که هیچگاه به قانون محتاج نیست — از کتاب ؟؟

کسی اجازه ندارد خود را بکشد، و اگر گشت با این طریق وجود خود را از میهن خود دزدیده است . — مونتسکیو

مافوق ارادهٔ ملت اراده ای نیست . — ؟

ملتی که تعصب وطن دوستی در روح او رو به ضعف گذارده باشد خیلی زود در تاریخ عالم نابود خواهد شد ولی آنکه حتی مهلت طی کلیهٔ مراحل انحطاط را داشته باشد . — گوستاولوبون

ملتی که به فداکاری و قربانی دادن نامحدود عادت کرده است میتواند به مدارج عالی ارتقاء یابد . — گاندی

ملتی که حقوق یک ملت دیگر را غصب میکند هرگز خود، از نعمت آزادی بهره مند نیست . — پوشینسکی

من بدبختی میهن خود را از چشم نویسندگان و عوامل تبلیغی مصر می بینم . — توفیق الحکم

من وطنم را بیشتر از خانواده ام دوست میدارم اما با انسانیت بیشتر از کشورم علاقمندم . — فنلون

میتوان ایده آلهای یک ملت را از روی اعلاناتش معلوم کرد . — نرمان دوگلاس

میهن دوستی باید مقدم بر هر کار و خودمختاری و استقلال پیشرو بر هر اندیشه باشد . — ؟

میهن ما برای ارواح پاک چه سرزمین مقدسی است . — ولتر

میهن دوستی اشعه مجلل و فروزانی است که در پیشانی جانبازان و بیگناهان میدرخشد. پیفروس رودیان

میخی میتواند نعل اسب را نجات بدهد، نعل میتواند اسب را نجات بدهد، اسب میتواند سوار را نجات بدهد،

سوار میتواند مملکتی را نجات بدهد. مثل ترکی

نشستن بر تخت و غذا خوردن روی میز عادت قدیم ایرانیان بوده، چه از لفظ میز بان برمیآید که ایرانیان جای

را منحصر به سریر و سفره را به میز میدانسته و اینکه روی زمین بنشینند و بخورند. عادتیست که از اقوام عربیه

در میانهٔ ایشان شایع شد. آئینه سکندری

وطن دوستی حد اعلای دین و مذهب من است. گاندی

وطن مادر دوم است. وطن خویش را افزونتر از هر چیز گرامی دارید. ؟

وقتی ثروتهای بزرگ بدست افراد مردم میافتد در پرتو آن نیرومند میشوند و در سایهٔ نیرومندی و ثروت خیال

میکنند که میتوانند در خارج از وطن خود زندگی نمایند و خوشبخت و سرفراز باشند. ولی بزودی میفهمند که اشتباه کرده اند

وعظمت هر ملتی فقط بر روی خرابه های وطن خودش میباشد و بس. منتسکیو

هر ملتی که دارای بهترین مکاتب است بهترین و قویترین ملت بشمار میرود و اگر امروز نیست فردا خواهد شد. ژول سیمون

هر ملتی یک طور فکر میکند و یک سنخ معتقدات دارد که معتقدات مولود افکار و ملکات آنهاست. ؟

هرج و مرج های شدید همواره با استقرار حکومت دیکتاتوری منجر میگردد. ناپلئون

هرچه در دنیا آفریده شده زیباست و زیباتر از همه مرگ و کشته شدن در راه وطن است.

ابومسلم خراسانی

یکی از بارزترین و برجسته‌ترین حوادثی که در مدت ۲۰ سال اخیر در تاریخ تربیت و آداب عالیه بوقوع پیوسته، پرده برانداختن از روی خدمات حیاتی و مهمی بوده است که ایران در ابداع و تکامل تمدن انجام داده است با دلایل صحیحی که در دست هست میتوان تصور نمود که بنیان تمدن جدید ابتدا از ناحیه‌ای که ارمنستان آذربایجان و شمال ایران تشکیل یافته بود آغاز شده و از این منبع سرچشمه گرفت یک سلسله اکتشافات منجمله آثاری که مربوط به چهار هزار سال قبل از میلاد تا هزار و دویست سال بعد از میلاد است و اثبات مینماید که خدمات عالیه و برجستهٔ ایران در تعالی اصول تربیت و آداب عالیهٔ آسیا و اروپا چقدر مستمر و متنوع و اساسی بوده است این خدمات که آثار بارزهٔ آنرا در زبان، ادبیات، علوم و موسیقی آشکار می‌بینیم بیشتر در قلمرو صنایع ظریفه شایان اهمیت توجه است.

پروفسور پوپ

یک گدا برای بی‌آبرو ساختن ملتی کافیست.

مثل یونانی

ما باله عزت و شرافت نوشیم / در راه وطن از دل و از جان کوشیم

گر در صف رزم جامه از خون پوشیم / آزادی را به بندگی نفروشیم

ملک الشعرای بهار

مرغی که هست بر سر شاخیش لانه‌ای / دلشاد از آن بود که مر او راست خانه‌ای

گر باد پست پایه بساطش زند به هم / گر هستیش بجای نماند نشانه‌ای

روز دگر دوباره به منقار می‌کشد / خار و خسی که سازد از آن آشیانه‌ای

ای کم ز مرغ داده ز کف آشیان خویش / تا کی ز دام غافلی و در بند دانه‌ای

باری وزیر و لانهٔ ما را به باد داد / برخیز تا دوباره بسازیم لانه‌ای

جهانشاه حسن

نالهٔ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من برفیقی که به طرف چمن است

فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش / بنمائید که هر کس نکند مثل من است

جامه‌ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

عارف

ایران چو وقت مردم صاحب‌هنر نگاشت / کی راسم و رسم از همه جا بیشتر نگاشت

این کوه‌ها ربوده چه هنگام بی‌پلنگ / این بیشه در کدام زمان شیر نر نگاشت

این زال بخورده بهر دو رگی هزار / پور دلیر چون پسر زال زر نگاشت

کی بر سر سپاهش از شیر و آفتاب / گردون بریت پرچم فتح و ظفر نگاشت

سیمرغ قاف دولتش از همت بلند / کی قاف تا بقاف جهان زیر پر نگاشت

چندی خراب شد ز خویش شد نه ز غیر / غیر از پی خرابی ایران جگر نگاشت

این ملک از نفاق و دورویی خراب شد / نقص دگر نبودش و عیب دگر نگاشت

ای هموطن نفاق بدل کن باتفاق / هرگز نفاق سود بغیر از ضرر نگاشت

آنکس که پیشرفت خود اندر عناد دید / گویا ز پیشرفت محبت خبر نگاشت

بنگر خدای خانهٔ او چون خراب کرد / آنکس که جز خرابی ایران ثمر نگاشت

هر بد کننده، بد بحق خویش میکند / آری صغیر کس بجز از کشته بر نگاشت

صغیر اصفهانی

موسیقی

آن لطف و تغییر حالتی که بیهوده در عشق و سفر میجوییم موسیقی به ما اهدا میکند. — مارسل پروست

آنجا که دل نیست موسیقی وجود ندارد. — واگنر

اگر کسی گوش شنوا داشته باشد. در همه چیز موسیقی را خواهد شنید. — لودبایرون

با دقت به ترانه های ملی گوش فرا دار آنها سرچشمهٔ بی پایان قشنگ ترین ملودیها میباشند و چشمهای ترا به صفحات مشعشعهٔ ملل گوناگون باز میکنند. — ژرمان

بگوئید بدانم چرا زمانیکه با نقاشان و حجاران جوان گفتگو میکنیم باعماق فکر و اندیشهٔ آنان پی برده و تمایلات آنان را در مییابیم خیلی بندرت از خود سخن بمیان میآورند درصورتیکه وقتی با موسیقی دانان همصحبت میشوم هرگز یک فکر زنده اظهار نمیکنند و فقط از اصول و قواعد و فن و فورمولهای موسیقی سخن میرانند. — موسورسکی

ایرانیان در دورهٔ باستان برای موسیقی خط داشته اند ۳۶۵ حرف. علامت. داشته و با آن میتوانستند، همه گونه اصوات را ثبت کنند. — ازحافظ عارف

جائیکه سخن باز میماند موسیقی آغاز میگردد .

واگنر

در موسیقی نتها مانند کلمات معنی مشخص دارند ولی ترجمه و تفسیر آنان غیر ممکن است .

مندلسن

در بین هنرها موسیقی بیش از همه در عواطف انسان تأثیر دارد یک سمفونی در هر مایه از دست یک استاد بدون شک بیشتر از یک کتاب اخلاق در دل اثر میکند .

ناپلئون

سرچشمهٔ الهام شعر و نقاشی زاییده نمونه های خارجی است درصورتیکه این موضوع درباره موسیقی صدق نمیکند لیکن آهنگهای دلربا که زیبائی جهان از آنهاست هنرمندان بزرگوار بوجود میآورد .

آنسکو

سمفونی پنجم بتهوون عالی ترین سر و صدائی است که بگوش بشر خورده است .

ادوارد مورگان فوا ستر

علت اینکه ما از موسیقی خوشمان میآید این است که در دنیای رؤیاها و احلام خود فرو میرویم طبایع عالی موسیقی را دوست میدارند لیکن بهتر آن میدانند که از آن به عنوان وسیله برای دخول در رؤیاهای خویش استفاده کنند . ویکتور هوگو

گمان میکنیم تأثیر موسیقی این است که در هر کسی یک وجود ثانوی ابیدار میکند که خیلی عالی تر و زورمند تر از موجود معمولی همه روز است .

موسورسکی

مردیکه در درونش موسیقی ندارد و نداهای خوش دلنشین او را تحت تأثیر قرار نمیدهد برای خیانت ، توطئه چینی و غارتگری مناسب میباشد و هیچکس نباید باو اعتماد کند .

شکسپیر

معماری موسیقی منجمد شده است .

مادام دوستال

موسیقی فقط هنر نیست بلکه همه هنرهای زیبا را شامل است . نیکلاویچ مورف

موسیقی نیروی حیات بخشی است که با طرزی اسرارآمیز خاطره های فراموش شده دورترین روزهای زندگی را

در قلبها بیدار میکند . چارلز داروین

موسیقی نه تنها احساسات را بیان میکند بلکه گاهی نیز احساسات را بوجود میآورد . هانوی الن فردینه

موسیقی کشوری است که روح من در آن حرکت میکند در این جا بر چیز گلهای زیبا میدمد و هیچ علف هرزه ای در آن نمیروید

اما کمتر هستند اشخاصیکه بفهمند در هر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است . بتهوون

موسیقی برای آواز و نقاشی برای منظر مانند شعر است برای کلمات اما آنجاکه موسیقی و شعر در فهماندن احساسات

دقیق بشری کوتاه میآیند و در هنر خویش فرو میمانند نوبت نقاشی شروع میشود در بسیاری از موارد چیزی یک

پرده نقاشی به ما میفهماند یک میلیون کلمه با دای آن قادر نیست . میکل آنژ

موسیقی بخودی خود پرداخته ترین هنرهای زیبا بوده و همه طبیعت را شامل میشود اگر تنها هنرش بنامیم از ارزش -

آن خواهد کاست . نیکلایویچ مورف

موسیقی از عالیترین هنرهاست که معنی مطالب نامعلوم و نفهمیدنی را برای ما توضیح میدهد و تفسیر میکند و ما را به عالمی که

هنوز برای انسان مجهول است رهبری میکند . والنز

موسیقی بیان خوش آهنگ زندگی است . موزاد

موسیقی از فکر تراوش میکند و به قلب می نشیند .

بتهوون

موسیقی احساسات را اصداد ارمیکند .

دولاکروا

موسیقی نوعی دیسیپلین و وسیله ایجاد نظم و حس مشترک است موسیقی قادر است آدمیان را مهربانتر و اخلاقی تر و معقولتر نماید .

مارتین لوتر

موسیقی عزیزترین ولی نامطبوعترین سر و صداهاست . حقیقتاً من سکوت را بر دل انگیزترین نغمه ترجیح میدهم . گوته

موسیقی تنها مسکن ارواح آشفته و بیسامان بشری است .

مهربابا

موسیقی احساسات بشری را لطیف میسازد و خشونت را از بین میبرد و ریشه خشم و غضب را از روح خارج میسازد ؟

موسیقی گرد و خاک زندگی روزانه را از روان و روح آدمی میزداید .

دودباخ

من سهولت را اشعار خود کرده ام موسیقی نباید مانند علوم خفیه یا اسرار جادوگری باشد .

تالمن

نغمه و وزن موسیقی تأثیر فوق العاده ای در روح انسان دارد و اگر درست بکار رود میتواند زیبائی را در رؤیاهای روح جایگزین کند .

افلاطون

شش هزار اوستاد دستان ساز — مطرب و پای کوب و لعبت باز

گرد کرد از سواد هر شهری — داد هر بقعه را از آن بهری

تا به هر جا که رخت کش باشند — خلق را خوش‌منش کنند و خوش باشند

دیوان خمسه

بلبل ز شاخ سرو به گلبانگ پهلوی — می‌خواند دوش درس مقامات معنوی

یعنی بیا که آتش موسی نمود گل — تا از درخت نکتهٔ توحید بشنوی

حافظ شیرازی

میهمانی

آمد و شد زیاد ملالت و بیزاری بیاورد .

حضرت امیر(ع)

آنکس که در میهمانی عصبانی شود بی ادب است

مثل ایتالیائی

اگر به میهمانی گرگ میروی سگ همراه ببر .

مثل روسی

بهترین میهمان کسی است که کم بیاید و زود هم برود .

؟

برای میهمانی هر قدر خرج کنی بالاخره از یاد میهمان خواهد رفت .

مثل اسکاتلندی

حتی مورچگان از میهمانی که بموقع برنخیزد خوششان نمیآید .

مثل آفریقائی

چون میهمانی کنی از خوبی و بدی خوردنیها عذر مخواه که این طبع بازاریان باشد . هر ساعت مگوی که فلان چیز بخور خوب نیست یا چرا نمیخوری یا من نتوانستم سزای تو کنم که این سخن کسانیست که یکبار میهمانی کنند .

قابوسنامه

دیوژن شخصی را دید که خویشتن را برای حضور در یکی از جشنها مهیا میکند . گفت انسانها باید تمام روزهای خود را روز جشن و میهمانی بدانند .

از کتاب در جستجوی خوشبختی

درمهمانی آدم خسیس همه میخورند و در دل میزبان ناسزا میگویند. — مثل فوالنوی

میهمان پررو را کباب کن و بخور. — مثل آفریقائی

میهمان از پشت سر زیباست. — مثل اسپانیولی

میهمان روز اوّل زر باشد روز دوّم نقره روز سوّم آهن روز چهارم سفال روز پنجم خاکستر که کوچه ریزند. — مثل ایرانی

هرکس برای یک و یا دو روز میهمان انگاشته میشود و در روز سوّم فضول و مزاحم. — مثل هندی

میهمان برکت، شادی و صفا بخانهٔ دوست میآورد. — ؟

میهمان ناخوانده اگر دو نفر شد قابل تحمّل است و اگر بیشتر غیرقابل تحمّل. — ؟

اگر در سفره‌ای میهمان نباشد گوئی در طعام نمک نیست نمک سفره میهمان است. — ؟

هرگز در حضور میهمان عزیز فرزندرا تنبیه مکن. — ؟

در مجلسی که همدم آزادگان شوی
صافی و دلگشای به کردار باده باش

مهمان خویش را بنواز و بجای نیک
بنشان و بهر خدمت او ایستاده باش

صد بند اگر زمانه به کارت درافکند
ضجرت مکن بخند بت و ابروگشاده باش

مانند خوشه گر هوس سرکشیت هست
چون دانه از طریق تواضع فتاده باش

خواهی که شاه خطهٔ آزادگان شوی
زاسب مراد خویش به رغبت پیاده باش

ور بایدت چو ابن یمین کنج عافیت
زنهار در ره از طلب نانهاده باش

ابن یمین

چو مهمان آیدت دلشاد میباش
ز هر بند غمی آزاد میباش

منه منت چو بر خوان تو باشند
که آن شکرانه بر جان تو باشند

ز خوان دیگران بخشش به جد کن
جوانمردی ز خوان و نان خود کن

ناصر خسرو

ضیافتی که در آنجا توانگران باشند
شکنجه‌ایست فقیران بی‌بضاعت را

صائب

در برم گشته کسی همچو تو مهمان امشب
شده این خانه ز روی تو گلستان امشب

بوستان بی تو مرا بود چو زندان امروز
با تو زندان به برم گشته چو بستان امشب

تن و جانم که از هجر تو فرسود ز غم؟
کاورد وصل تو از نو بتنم جان امشب

روز هجران که از دست تو کردم فریاد
هستم از کردهٔ خود سخت پشیمان امشب

جای آن لعل و گهرها که ز چشمم میریخت
بهره‌ها می‌برم از آن لب و دندان امشب

چشم در روی تو و دل به غم مشغول از بهت
که خدایا رسد زود به پایان امشب

مست سوی صحبت دیوانهٔ خویش آید بالطبع
بسته خوش با دل من چشم تو پیمان امشب

ای عجب بیشتر از پیش چرا میسوزم
گشته خاموش اگر آتش هجران امشب

به، که با بوسه ببندی لب غالب ورنه
وقت تنگ است سخن اوست فراوان امشب

دیوان غالب

از فروغ روی مهمان شد منور خانه‌ام
خانه‌ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه‌ام

۹

نبوغ - مردان بزرگ

آنچه مرد را بزرگ میکند موفقیت است.

ناپلئون

اگر که به نبوغ خویش وقعی نمی نهد و دربند آنست که مطبوع طبع کوته فکران جلوه کند نزد من مقام و منزلتی ندارد. میکلآنژ

آیا بخت و اقبال است که مردان بزرگ را بمقام سیادت میرساند؟ نه آنان چون مردان بزرگ بودند توانستند بخت و اقبال را مطیع و منقاد خود سازند.

ناپلئون

از دیگران تقلید نکن خود را بشناس و آنچه هستی باش بدان که در دنیا کسی مثل تو نیست.

دیل کارنگی

از مردمانی که سعی دارند جاه طلبی های شما را تحقیر کنند دوری کنید، انسانهای ناچیز همیشه این عمل را میکنند درحالیکه اشخاص بزرگ سعی دارند کاری کنند که احساس کنید شما هم روزی به عظمت خواهید رسید.

مارک تواین

اشخاص بزرگ و نامی بکوه مانند، هرچه بایشان نزدیکتر شوی عظمت و ابهت آنان برتو معلوم گردد، مردم پست و دون همت سراب را مانند که چون کمی بآنان نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند. گوته

اشخاص بزرگ که در دنیا موفقیت های عظیم نصیبشان شده همواره در روح خود برای وقایع و حوادث غیر منتظره

جای مخصوصی باز میکنند . متولینگ

اگر بگوئیم که تنرلینگ سقراط عصر حاضر است سقراط را خیلی بزرگ و تنرلینگ را خیلی کوچک کرده ایم . برکسون

انسان هرچه بالاتر رود احتمال دیده شدن وصلهٔ شلوارش بیشتر میشود . شهاب الدین

ایجاد یک نام بزرگ آسانتر است تا نگهداری آن . بو نه فن

با بزرگان همنشین باش و از گلستان دانش آنان کلماتی زیبا برچین . ؟

بحرانهای بزرگ مردان بزرگ بوجود میآورد . کندی

بدشواریهای جهان بگوئید به سراغ کسیکه با آنها آشنائیت بیایند. کسیکه روزها و شبهای دراز در زیر سنگ حوادث خفته باشد از قلوه سنگی که در راه پیمائی زیر پای او پیدا شود نمی نالد . سعید نفیسی

بزرگی در آن است که کسی بتواند آسایش خود و خواهش طبع خویش را فدای دیگری کند . سعید نفیسی

بعضی اشخاص ممکن است علی الظاهر خشن و نامعقول بنظر بیایند ولی در باطن صاحب قلبی پاک و روحی منزه و ارجمند باشند . اسمایلز

برای آدم توانا هیچ باری سنگین نیست برای بازرگانان هیچ راهی دور نیست برای دانشمند هیچ کشوری بیگانه نیست برای آدم خوش زبان هیچ کس دشمن نیست . مثل چینی

برای اینکه بزرگ باشی نخست کوچک باش . مثل هندی

برای اینکه انسان کمال بیابد صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است . مثل چینی

بزرگی به علم و ادب است نه به حسب و نسب .

مثل تازی

پشت سر مرد شایسته و لایق مردان شایسته و لایق هستند .

مثل چینی

تاریخ بشر مجموعه ای است از حوادث زندگانی مردان بزرگ زمام امور حیات اجتماعی انسان در طی تاریخ و در میان تمام ملل جهان از آسیائی و اروپائی در دست مردان بزرگ بوده است که به نیروی استعداد و قریحه و اراده و فکر خویش بر دیگران برتری یافته اند و هرگاه تاریخ زندگانی اینگونه رجال را از تاریخ بشر برداریم، دیگر چیزی که قابل مطالعه و دقت و پیروی و تقلید باشد در آن باقی نخواهد ماند .

نصرالله فلسفی

تشویش و نگرانی بهترین استعدادهای انسانی را بیدار میکند .

دیل کارنگی

تمام چیزهائیکه نوابغ آینده خواهند گفت هم اکنون در وجود من و شما هست. منتهی باید آنرا پیدا کرد و انگشت روی آن گذاشت .

مترلینگ

تواضع نردبان بزرگی و بلندی است .

شکسپیر

جاه طلبی هوس یک شخصیت بزرگ است از مرد جاه طلب هم ممکن است کارهای بزرگ سر بزند و هم اعمال پست و ناشایست. این امر بستگی تمام دارد به اصولیکه راهنمای او است .

ناپلئون

جنون، فقر و زوال عقلانیست . بلوغ توانگری و شادابی آنست از آن چرند و بی معنی و از این تازه و متعالی بدست میاید .

پیر ژانه

چرچیل سیاستمدار معروف در دفتر خاطرات دانشجوئی که از او تقاضای یادگاری کرده بود نوشت «عیب جامعه این است که همه دلشان میخواهد آدم مهمی باشند و هیچکس نمیخواهد فرد مفیدی باشد.» ؟

چه قدر از مردان بزرگ هستند که هر روز بیش از یکبار کودک میشوند. ناپلئون

چیزی که افراد هرگز از بزرگان نمی‌بخشند خطاهائی است که خودشان مرتکب شده و مسئولین از آن جلوگیری نکرده‌اند. ابن اسفوزه

چه قدر بزرگ است آنکس که بنادرستی خود اعتراف میکند. مثل انگلیسی

خاک گورستان را بو کنید مزار رادمردان را از بوی خون بشناسید. شیخ عطار

خیلی باید صخره بزرگی باشی که جریانها از پهلویت بگذرد و تو نگاهش کنی و بگوئی تو آبی برو. ؟

در هر موجودی که آثار بزرگواری و مقامات معنوی هویدا باشد جاذبه‌ای هست که دل را میفریبد و خاطر را به خود بیرون میکشانند. ؟

در راه بزرگی از این خطرات باید حذر کرد کاهلی، بیماری، پرخوابی و زود از خود راضی شدن. پندهائی از صندو

دریای خروشان زندگی با طوفانها و موجهای کوه آسا همراه است امواج سهمگین حوادث از پیشرفت مردان بزرگ در مسیر زندگی جلوگیری میکند پیروزی مال دسته‌ایست که با داشتن تدبیر و عقل سینه حوادث را بشکافند و با کمک دانش و بینش با مشکلات مبارزه نمایند. ؟

در آنجا که خیال میکنیم چیزی جز ذلت نیست بسیار فضیلت مییابیم و در آنجا که تصور میکردیم همه حسابگری و دغلی است به دوستیهای بی آلایش میرسیم و بدین ترتیب از دو طرف افراط و تفریط حد وسط بدست میآید و چون باین نتیجه میرسیم

که هیچ موجود بشری، خوب تمام، یا بد تمام نیست انسان را چنان که باید بشناسیم و می فهمیم که باید کم توقع داشته باشیم

و بسیار چشم پوشی کنیم، روزگار بد بینی و مردم گریزی را درمان میکند.

بولود

شاید قرنها بگذرد و در کرهٔ خاکی متفکری مانند تیرلینگ بوجود نیاید.

اینشتن

شخصیت و بزرگی مقام هر شخص را در تعداد دشمنانش میتوان تشخیص داد.

ناپلئون

شرافت و عظمت واقعی متعلق به کسانی است که بیشتر به بشر خدمت کرده و رنجهای موجود افراد را کمتر ساخته باشند. پاستور

شکستهای زندگی مردان توانا ساخته اند نه پیروزیهای آن.

؟

شهر بزرگ جائی است که دارای زنان و مردان بزرگ است، چنین جائی اگر از کلبه های کوچک نیز پدید آمده باشد

در واقع بزرگترین شهر دنیاست.

والت ویتمن

صمیمیت یکی از دلائل نبوغ است.

بودلر

طبیعت زادخانهٔ نبوغ است شهرها بصورتی ناچیز بآن خدمت میکنند کتابها و دانشگاهها دست آموزند چشم مشتاق

دیدن افق است، چشم انداز کوه و اقیانوس و رود و دشت و ابرها و ستارگان را دوست دارد، خواهان تماس

واقعی با عناصر و مهر ورزیدن با فصول در آمدن و رفتن آنهاست.

ا.ب.الکوت

عده ای معدود از مردان بزرگ برای مشهور ساختن ملتی کافی هستند.

ناپلئون

عده ای در امریکا لورنس سیاه پوست را برای سوزانیدن در خرمن آتش بردند و از او خواستند آخرین نظرش را

درباره افرادی که کشان کشان او را روی زمین کشیده اند بیان کند او جواب داد من ابداً فرصتی برای جنگ و

نزاع و نگرانی ندارم و هیچکس نمی تواند مرا آنقدر پائین آورد که نسبت باو کینه بجویم. — دیل کارنگی

عزت و احترام قیمت زحمت و مشقت است. — حسن رشدیه

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردان خرد آشکار میشود. — کارلایل

عمر آنقدر کوتاه است که نمیارزد آدم کوچک و حقیر بماند. — ؟

عمارات بزرگ را از سایه آنها و مردان بزرگ را از تعداد دشمنان آنها میتوان شناخت. — مثل چینی

غم و محنت روزگار دل را روشن و فکر را قوی میکند و مصائب مردان بزرگ بوجود میآورد. — از کتاب در آغوش خوشبختی

کسانی شایسته بنای یادبود میباشند که احتیاجی بدان ندارند بعبارت دیگر افرادی لایق بنای یادبود

که قبلا در قلوب و اذهان مردم جای گرفته اند. — هازلت

کسانیکه از حیث استعداد و قریحه مافوق دیگران هستند غالباً بخطا و تقصیر نزدیکترند زیرا هیچ علت ندارد که

استعداد اشخاص را مافوق بشر قرار دهد. — ولتر

کسانیکه روی بلندی ایستاده اند بادها تکانشان میدهد و این اشخاص اگر از جایگاه خود بیفتند تکه تکه خواهند شد. — ؟

ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که بشر را به شاهراه راستی راهنمائی میکنند. — زردشت (ع)

محترم بودن نتیجه یک عمر لیاقت اندوختن است. — مادام دلامبر

مرد بزرگ آن کسی است که هر موقع اراده کند بین احساسات و افکار بتواند حائلی ایجاد کند. — ناپلئون

مرد فرزانه همواره نه نکته را در نظر دارد، روشن دیدن، خوب گوش دادن، مهربان سخن گفتن، آداب داشتن، راستگو بودن، انجام وظیفه کردن، هنگام تردید پرسیدن، خود را از خشم دور نگاه داشتن، در عین موفقیت عادل و منصف بودن. — کنفوسیوس

مرد بزرگ غمخواری و تشویش نشان نمیدهد، عاقل است و تردید ندارد، شجاع است و نمیترسد. — کنفوسیوس

مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی در بین نباشد ظلم نمیکنند. — ناپلئون

مرد بزرگ از صفات خوب دیگران استفاده میکند نه از صفات بدشان سوء استفاده. — کنفوسیوس

مردان بلند نام و باافتخار هرگز نمی میرند، زیرا گورشان قلوب نسلهای آینده است. — تولستوی

مردان بزرگ مانند عقاب هستند و آشیانه خود را روی قله بلند تنهائی میسازند. — شوپنهاور

مرد بزرگ وقار دارد، اما متکبر نیست مرد کوچک تکبر دارد اما وقار ندارد. — کنفوسیوس

مردان بزرگ جز بکار خود به چیز دیگر اعتماد ندارند و از هیچکس یاری نجویند. — کنفوسیوس

مرد بزرگ با روی خوش رد میکند و مرد کوچک با روی ترش میپذیرد. — کنفوسیوس

مردیکه واقعاً بزرگ است حاکم بر واقعیاتی است که خود پدیدش آورده. — ناپلئون

مردان بزرگ مانند شهابها هستند که میسوزند و جهانی را از نور خود روشن میکنند. — ناپلئون

مردانی بوده‌اند که برای رسیدن به کمال حتی جان خود را از دست داده‌اند . کنفوسیوس

مردم فرومایه از اشتباهات و لغزشهای اشخاص بزرگ لذت فراوان میبرند . شوپنهاور

مرد بزرگ دیر وعده میدهد و زود انجام میدهد . کنفوسیوس

مردمان عادی نظیر شهر صد دروازه هستند که از هر یک از دروازه‌های آن که بخواهند وارد میشوند اما وجود مرد خردمند شهری است که یک دروازه دارد و آنهم دروازه‌ای بسته و قتی بشر خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند . متر لینگ

مرد خردمند نرفته تمیداند ، نگاه نکرده می بیند و عمل نکرده کار را بپایان میرساند . آئین تائو

مرد بزرگ بخود سخت میگیرد و مرد کوچک بدیگران . کنفوسیوس

مصیبت نبوغ را آشکار میکند و اقبال و آسودگی آن را پنهان مینماید . هورس

معاشرت بر دانائی میافزاید ولی تنهائی مکتب نبوغ است . گیبون

مقام عالی انسانی در برابر شماست آنرا بدست آورید . شیلر

نگذاریم اشخاص شرافتمند و اصیل روزگار مان بدون دریافت افتخاراتی از میان ما بروند . فرانکلین

ممکن نیست کسی شرح احوال و زندگانی اشخاص بزرگ و با استعداد را بخواند و خودش بدون اینکه ملتفت باشد با قوه مرموزی بطرف مجد و تعالی کمال اخلاقی کشیده نشود . دیوزائیلی

من برای شادمانی بدنیا نیامده‌ام . آمده‌ام کارهای بزرگ انجام بدهم . بتهوون

می ارزد که انسان برای بیگناهی بهر نوع فداکاری تن در دهد .

؟

نابغه در بند حدود و تعینات دیگران نیست قانون او در وجود خود اوست یا همچون کوهی آتشفشان از درون منفجر میشود و کوهپاره ها را از پیش برمیاندازد و دهانه ای برای فوران خود میسازد . فطرت وی قانون میگذارد و کار خود را با آن می سنجد .

گوته

نابغه کسی است که پیوسته افکارش را از قوه به فعل آورد ولی نابغهٔ واقعی کسی است که از مداومت خودداری کند . زیرا خلاقیت ابدی مخصوص پروردگار است .

بالزاک

نابغه باید بدنیا بیاید نمیتوان نبوغ را تعلیم داد .

درایدن

نامداران جهان دلیرترین افرادند .

سیرون

نبوغ و ارزش بشر وقتی با عالیترین صورت خود بتظاهر برمیخیزد که شخص خود و هدفهای فردی را در وجود اجتماع حل و محو کند .

اینشتین

نبوغ چیزی نیست مگر استعداد فراوان در صبر و شکیبائی .

بوفون

نبوغ نیروی ترکیب کننده ایست که میتواند افکاری کاملاً تازه که هیچ عقلی آنرا پیش بینی نکرده ترکیب کند این آخرین درجهٔ نیروی اخلاقی است .

پی یو ژانه

نوابغ بزرگ دارای کوتاهترین بیوگرافی ها هستند .

امرسون

نوابغ برخلاف اشخاص عادی تنها در فکر خود نیستند و منافع شخصی را در نظر نمیگیرند بدین جهت در آثار

نوابغ همیشه نظریاتی دیده میشود که دارای جنبهٔ کلی و جهانی و از حدود زمان فراتر میروند . — شوپنهاور

نیوتن بجای تخم مرغ روی آتش ساعت خود را گذاشته بود در صورتیکه قوهٔ جاذبهٔ زمین را کشف کرد . — یکی از مردان بزرگ

نبوغ یعنی حوصله . — مثل فوالنوی

هر کسی نبوغی دارد ، اما اغلب برای چند دقیقه . — ت.اس. الیوت

هر نابغه خیلی بد بنامی بخشد که نمی ستاند . — هیلر

هرگز از خود انتقاد ننموده و خود را با کسی مقایسه نکنید شما خودتان هستید و همین کافیست غالباً در خصوص سجایا ،

توانائیها ، اعمال نیک و سودمند ارزش و اهمیت شرافت و حیثیت و بزرگی خود فکر کنید . — پل نیس لس

هر قائد و پیشوائی باید به تناسب مقام و استعداد محیط ظهور کند وگرنه میوهٔ نارسی و عمل بیهوده ای خواهد بود . — ؟

هرگز به بزرگی نمیرسی تا در آن راه زحمت بسیار نکشی . — سیسرون

همهٔ مردان بزرگ در زیر دانائی خود دارای دل کودک هستند . — مثل چینی

هیچکس بلندی مقام پیدا نمیکند مگر در خوی خویش . — ابن عطاء

یکساعت زندگی با افتخار و با شکوه به یک قرن گمنام زیستن میارزد . — والتراسکات

یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک را نمی بیند . — مثل چینی

آن کس را بستائید که اندر همه عمر
بهر آسایش مردم قدمی بردارد

نیکمرد آنکه نگردد دل او هرگز شاد
مگر از خاطر کس بار غمی بردارد

افسر

عبادت بجز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلق نیست

ره نیکمردان آزاده گیر
چو استاده‌ای دست افتاده گیر

سعدی

کوشش کن تا خلق را بکار آئی
تا بخدمت جهان بیارائی

سکه بر نقش نیکنامی بند
کز بلندی رسی بچرخ بلند

همتی را که هست نیک اندیش
نیک اندیشی نیک آرد پیش

نظامی

قرنها باید که تا یک مشت پشم از پشت میش
عارفی را خرقه گردد یا حماری را رسن

سالها باید که تا یک پنبه دانه از زمین
شاهدی را حله گردد یا شهیدی را کفن

دهرها باید که تا صاحبدلی پیدا شود
بایزیدی از خراسان یا اویسی از قرن

نویسنده

آنانکه ترجمان افکار عامه هستند باید کاملاً به مسئولیت خود واقف باشند که حقایق را در نظر عامه مجسم کرده‌اند. اتلی

آنکس که آهنگ مولف شدن دارد نخست باید دانشجو باشد. داربدن

آیا میتوان با محکوم کردن نویسندگان که عیوب اخلاقی را بی پرده نشان میدهند اخلاق را اصلاح کرد. این کار

بشکستن آئینه ای میماند که روی زشت را صادقانه مینمایاند. ژول رومن

احتیاط باید کرد. نویسندگان را در هرچه نویسند، که از گفتار باز نتوان ایستاد و از نوشتن باز نتوان. ابوالفضل بیهقی

از چهار روزنامه بیش از هزار سرنیزه باید ترسید. ناپلئون

افتخار واقعی در این است که آدمی کارهائی بکند که قابل نوشتن باشد چیزهائی بنویسد که قابل خواندن باشد چنان

زیست کند که دنیا را برای زیستن در آن بهتر سازد. چلین

اگر نویسنده مردمان را دوست نداشته باشد خوانندگان هم مطالبش را دوست نخواهند داشت. کولیه

انشاء هرکس نمونه بارز از خود اوست. بوفن

اهمیت نویسندگان معروف در اینستکه آنچه دیگران دیده‌اند اینها توانسته‌اند بیان کنند.

ژوبرت

این حروف و نقطه های سیاه که بروی اوراق کتاب پراکنده شده آئینهٔ افکار انسانی است که میلیونها مردم از خواندن آن استفاده میکنند.

پتراوک

انگلیسها میگویند تخت وزیر شدن آسانتر از اینست که آدم بخواهد سردبیر روزنامه تایمز بشود.

مثل انگلیسی

با مردم زمانه معاشر باش ولی مانند آنان مباش برای معاصرین خود مطالبی بنویس که بآن محتاجند، نه مطالبی که می پسندند.

شیلر

باید زندگی کرد برای نوشتن، نه نوشتن برای زندگی کردن.

ژول رنارد

با خواندن یک شماره از جراید کشوری میتوان بدرجهٔ آزادی و استحکام مبانی حکومت، رشد ملی، تربیت فرهنگی، قوای فکری و نیروی روحی افراد آن پی برد.

ناپلئون

برای بیان اندیشه و خواستهای درونی شهامت بیشتری لازم است چون قهرمانی که در میدان جنگ جان سپرد. دلاپینک

برای آدمی بهتر است اصلاً بدنیا نیاید تا اینکه بدنیا بیاید و اثری از خود برجای نگذارد.

ناپلئون

برای آنکه بتوان خوب نوشت باید در یک کشور آزاد زندگی کرد.

ولتر

پیش از هر چیز انسان باید برای خوش آیند خودش چیز بنویسد.

گوستاو فلوبر

پاکدامنی را در دلها نشاندن، ناپاکی را زشت نمودن، بزرگی و لوای را رجحگی نهادن، شالوده‌ایست برای هر نیکمردی

که قلم در دست میگیرد، برای نویسندگی یا نقاشی یا حکاکی . — دیدرو

تندتر از شمشیر زبان اهل نظم و نثر است که مردم را بر نیشتی نام برند . — سولون حکیم

تنها دو یا سه سرگذشت انسانی بیشتر وجود ندارد و این داستانها چنان با بیرحمی و شدت تکرار میشوند مثل اینکه نظیرشان

در گذشته حادث نشده است . — ؟

حتی بازای نصف کره زمین حاضر نیستم در مقابل هوی و هوس این و آن تسلیم شوم و مسلماً چیزی را که از وجودم خارج

نشده باشد حتماً نخواهم نوشت . — بتهوون

خواندن انسان را کامل میکند، سخنرانی و گفتگو او را حضور ذهن و سرعت انتقال میدهد، ولی نوشتن انسان را دقیق میکند. — بیکن

خواننده خیلی بندرت همان استفاده را میکند که نویسنده از نوشته خود کرده است . — تویستان بونارد

خط زبان است، زبان بیان خرد است . — حضرت امیر(ع)

دانش را با نوشتن پای بند کنید، آنچه حفظ شود بگریزد و آنچه نوشته شود برقرار ماند . — حضرت امیر(ع)

دانش آموزید و هر کس از شما قدرت حفظ آنرا ندارد آنرا بنویسید و در خانه گذارد . — امام حسن بن علی(ع)

دانشت را بنویس و در میان برادرانت پراکن، که چون از این سرای درگذشتی نوشته هایت را به میراث گذاری

زیرا برای مردم روزگاری پدید آید که با هم تماس ندارند مگر بوسیلهٔ نوشته های یکدیگر . — امام صادق(ع)

در گفتن و نوشتن شتاب نکنیم تا آن کلمه را بیابیم که مقصود نزد دیگر است . — حجازی

در نثر آنچه زائد است فاسد است

شوپنهاور

دو نیرو بیش از هر چیز برای یک نویسنده لازم است یکی اینکه چیزهای تازه را مانوس سازد و دیگر اینکه چیزی مانوس را نو سازد.

جانسون

دنیای امروز با دو حرکت پیش میرود، صبح با حرکتیکه روزنامه های صبح او را امید میدهند و عصر به عصر با ضربه و تکانیکه روزنامه های عصر به او وارد میآورند.

سروالتر اسکات

راز هر اثر بزرگ اینست که چهره بشریت را پر بارتر و تحسین انگیزتر میکند.

آلبر کامو

روزنامه فریاد حیات و زندگی است صوتی است که از پیکر جانداری بلند میشود. نبضی است که میزند و حرکت میکند گواهی است که هنوز قلب کار میکند و در پیکر کشور روح و رمقی باقی است.

امیل زولا

روزنامه نگار پلیس اجتماع است هیچگاه نباید جلوی انجام وظیفه او را گرفت.

امیل زولا

روزنامه آسانترین راه اشاعه فرهنگ و بزرگترین وسیله بیداری مردم است.

ناپلئون

زندگی روشن و پرورش صحیح امروز مولود افکار نویسندگان دیروز است.

عفیفی پاشا

زیاد فکر کن، کم حرف بزن و خوب بنویس.

؟

ساختن یک کتاب همان اندازه حرفه است که ساختن یک ساعت. تنها نبوغ برای مولف شدن کافی نیست.

لابرویر

سه دشواری در کار تألیف وجود دارد، نوشتن چیزی که قابل نشر باشد یافتن مرد شریفی که آنرا نشر دهد، پیدا کردن مردان حساسی که آنرا بخوانند.

کولتون

شما بالاخره دیر یا زود خواهید رفت امّا پاره های جراید باقی میماند، کاری نکنید که یکروز کسی آنرا ببیند و بر شما لعنت کند.

ژیراردن

فشار هر قدر سخت باشد نباید شخص را بگفتن و نوشتن خلاف حقیقت آنهم در مقابل افکار عمومی وادار سازد.

اتلی

فقط هنگامی یک نویسنده میتواند اثری مهم بوجود آورد که کاملاً منزوی شود.

گوته

فکر کردن بسیار آسان است و عمل کردن بی نهایت دشوار هیچ چیز در زندگی مشکل تر از این نیست که انسان افکار خود را بعرصهٔ عمل گذارد.

گوته

قدرت قلم متّکی بحق و عدالت از هر اسلحه و شمشیری قوی تر و توانا تر و برنده تر است.

امیل زولا

قلم نویسندگان دانا، برتر است از خون شهیدان.

حضرت امیرؑ

قلم روزنامه نگار مانند تیشه ای است که نمیشود آنرا شکست این تیشه بدان منظور ساخته شده است که دنیای قدیم را ویران کند تا دنیای تازه ای بوجود آورد.

ولتر

کارهای این جهان بدو چیز برپاست یکی شمشیر و دیگری قلم چه اگر شمشیر و قلم حاکمیت نکند زندگی برقرار نیست.

نصیحة الملوک

کمرنگ ترین جوهر بهتر از قوی ترین حافظه است.

مثل چینی

مطبوعات مدرسهٔ ما، معبد ما و خالق ما هستند بین تمامی آثار تمدن ما این اثر یعنی مطبوعات یک سر و گردن بالاتر

ایستاده و بیش از هر قوه ای از ما و زندگی ما حمایت میکنند. — سر والتر سکات

نویسنده ایکه بحرفه خود مقید میباشد باید مانند شاهدی عین زندگانی را بطوریکه دیده است بخوانندگان خود معرفی کند نویسنده تمامی حقیقت را به نویسندگی آنکه آن را با افکار و احساسات شخصی خود بیاراید. — گوستاو فلوبر

نویسنده خوب آنست که مثل کوه یخ یک هشتم آن مرئی و متکی به هفت هشتم دیگرش باشد که در زیر آب مخفی است. — همینگوی

وجود ما نویسندگان و هنرمندان اگر تنها یک علت داشته باشد آن علت چیزی به جز این نخواهد بود: سخن گفتن به جای همه آن کسانی که نمیتوانند سخن بگویند. — آلبر کامو

هر علمی که بر کتابت نیاید ضایع گردد. — حضرت امیر (ع)

هر وقت پایه تخت میلرزد حس میکنیم که نویسنده آزاد مردی قلم بدست گرفته. — یکی از سلاطین مستبد ایران

هرکس خیال کند که چیزی در نوشته خود غیر از آنچه در روح وست میگذارد بسیار گمراه است — آناتول فرانس

هرگونه نوشته ای خوبست جز آنچه ملال آور باشد. — ولتر

ممکن است یک نویسنده باندازه یک سیاستمدار و یا یک جهانگشا در تغییر سرنوشت دنیا دخالت داشته باشد. — دیزرائیلی

من بدبختی میهنم را از چشم نویسندگان و عوامل تبلیغی مصری میبینم. — توفیق الحکیم

من برای مدت بیست و دو سال نویسنده بودم و برای پنجاه و پنج سال یک الاغ. — مارک تواین

مورخ پیام آوری است که بگذشته میگرد. — ؟

مهام امور کشوری، اروپا و آفریقا بوسیله چند انگشت خط نویس انجام میشود، حتی دنیای مترقی امروز هم اصلاحات

بزرگ خود را به نوک قلم و نور نگارش بدهکار است.　　توفیق الحکم

نویسندگان متفکر از آنجهت چنین نیستند که چیزهای نوی آورند بلکه از آنجهت که آنچه را میخواهند بگویند به صورتی بیان

میکنند که گوئی هیچ گز پیش از آن گفته نشده است.　　گوته

نویسنده و متفکر بزرگ آلمانی «توماس مان» هنگام احتضار چنین میگوید: عینکم را دم دستم بگذارید تا وقتیکه بیدار میشوم

کتاب بخوانم.

نویسنده آن است که مردم را از پایه دون به پایه بلند رساند.　　حکیم عمر خیّام

هنگام نوشتن همیشه سعی کنید آنچه میگوئید، بروی کاغذ بیاورید و در قبال آن، هنگام حرف زدن آنطور بگوئی -

نکنید که می نویسید.　　سنت بوو

هیچ نویسنده‌ای نمیتواند ادعا نماید که مصون از خطا و اشتباه است و فقط آنهائیکه هرگز نویسندگی نکرده‌اند تصوّر میکنند

که نویسنده مصون از اشتباه میباشد.　　سروالتر اسکات

هیچ تألیفی آن اندازه ناچیز نیست که بکاری نخورد بشرط آنکه شاهدی از زمان خود باشد.　　فوشه

یگانه آثاری، قابل خواندن است که نویسنده‌اش در آن سعی نمیکند عقاید خواننده را رهبری کند.　　ناپلئون

یک قلم موظف است که رویدادها را خالی از تعصب بنویسد و یک زبان آزاد باید حقیقت را در گفتار مورد توجه قرار دهد.

یک سعدی پیش از هزاران سپاه از بیداد ستمگران جلو گرفته .

حجازی

هرگز درباره موضوعی چیز ننویسید مگر آنکه بیشتر در آن باب زیاد خوانده باشید و هرگز درباره موضوعی چیزی نخوانید مگر آن زمان که عطشی در آن باره در خود احساس کرده باشید .

ایشتر

هر نویسنده تا حدی تمایل خویش را در آثارش میسازد حتی اگر این کار بر خلاف میلش باشد .

گوته

هر وقت میخواستم یک شاهکار ادبی بنویسم ابتدا خود را با بچه‌ای خردسال مشغول میکردم چون طبیعت آنان همیشه غرق مسرت و نشاط بود و بیخود اخم نمیکردند غصه نمیخوردند . اگر هم از چیزی مکدر میشدند خیلی زودگذر بود و مجدداً همان نشاط و سرور و خوشی پیش را آغاز میکردند .

داستایوسکی

همانطور که اشخاص لاغر و ضعیف الجثه بدن خود را با لباس زیبا میپوشند که چاقتر جلوه کنند همانطور هم اشخاصی که برای نوشتن مطلبی صحیح ندارند میخواهند بوسیله الفاظ و عبارات رنگ و رونقی بمنشآت خود بدهند . مونتن.

با قلم چو تیغ یار کنی
در نمائی زملک هفت اقلیم

ابوحنیفه اسکافی

نیکی

آدم نیکوکار همچو کودک بیگناه انتظار ودرترس آزار از کسی را ندارد . حجازی

آنچه را انسان دوست دارد از صمیم قلب انجام میدهد. اگر شما نیکی را دوست بدارید نیکی خواهید کرد . وند

آنکس که میتواند از بدی جلوگیری نماید باوجود این چنین نمیکند، خود دستیار کسی است که بدی میکند . فویمن

آنکس که مال مرا بدزدد، چیز بی ارجی را ربوده است! امّا آنکس که نام نیک مرا بربایدچیزی از مرا میبرد که او را غنی نمیکند ولی در حقیقت مرا حقیر میسازد . شکسپیر

اجر نیکی شما در عمل نیک شما مستور است . سیسرون

از داستانها، همچون منبرهای موعظه اخلاق میآموزیم موعظه هائی از سنگها و از کتابها میتوان شنید و در هر چیزی میتوان نیکی یافت . کولتون

از خوب خوبتر کسیکه خوب گوید، و از خوب خوبتر کسیکه خوب کند . حضرت صادق (ع)

از شنیدن خبر کارهای شرافتمندانه خویش خجالت مکش . شکسپیر

اعتراف کردار بد، آغاز انجام کردار نیک است.

اوگستین

اگر میخواهید بر عدهٔ خوبان و نیکوکاران جهان بیفزائید خود نیکوکاری را پیشه کنید.

حجازی

اگر علت و سبب بهترین کارهای ما دانسته میشد غالباً از نیکوکاری خود شرمسار میشدیم.

دیوار دل

اگر روزی بتوانیم تکه سنگ کوچکی را در راه گمگشتگی از جای خود تکان دهیم، اگر نور امیدی بر قلب شخصی دلتنگ و ناامیدی بدهیم اگر در بیابان پاشنهٔ زاری چاه آبی حفر نمائیم. اگر در زندگی غم و درد کسی را تخفیف و تسکین دهیم و بالاخره اگر بتوانیم اندوه فراوان کسی را بخوشی تبدیل نمائیم آنروز روز مبارک و روزی است که بیهوده نگذشته است.

؟

اگر خواهی که در میان خوبان گزیده باشی کرم پیشه کن.

؟

اگر زندگی انسان هیچگونه جنبهٔ انسانی نداشته باشد فردا و روز دیگری نیست.

کتاب یک مرد

اگر ما مرغ دلهای آزادگان را بدانهٔ احسان در دام نیاوریم و خاطره های پژمرده را به نیکی آرامش ندهیم بچه وسیله دیگر صید دلها توانیم کرد؟.

؟

امروز آنچه که میتوانی به بهترین وجه انجام بده باشد که فردا بتوان بهتر کار کرد.

نیوتن

انسان نمیتواند به همه نیکی کند اما میتواند نیکی را به همه نشان دهد.

دولن

انسان خوب کار نیک را فقط بخاطر نیکی انجام میدهد نه برای مزد و پاداش از نیکی و احسان دریغ مدار ابوالعلاء معری

با بدان نیکی کن تا از بدی آنها جلوگیری کنی.

حضرت امیر(ع)

با نیکان بدی مکن چه آنها را از نیکی باز میداری .

حضرت امیر(ع)

با من در بارهٔ نیکی، عدالت انتزاعی و ناموس طبیعی صحبت نکنید. احتیاج بالاترین قانونها و رفاه عامه بالاترین عدالتهاست .

ناپلئون

به تمام راههائیکه میتوانید در تمام جاهائیکه میتوانید در تمام اوقاتیکه میتوانید، با تمام مردمیکه میتوانید تا آنجائیکه میتوانید، خوبی کنید، خوبی .

جانولی

بدگوی مردم مباش تا بدگوی تو نباشند .

؟

بدیهای ما در روزگار به یادگار میماند و خوبیهایمان با ما وارد قبر میشود .

شکسپیر

به آنان که با من نیکوئی کنند، نیکوئی خواهم کرد، و با آنان که با من سر نیکی ندارند مهر میورزم و بدبینگونه همه مردم در نزد من در زمینهٔ نیکانند .

لائوتسه

برکت عمر در کار نیک است .

حضرت امیر(ع)

بزبان دیگر مگو، و بدل، دیگر مدار، تا گندم نمای و جو فروش نباشی .

قابوس وشمگیر

بزرگترین لذتها، لذت نیکی است .

سوواژ

بهترین ذخیرهٔ فردا، کار نیک امروز است .

؟

بهترین طریق برای جلب نیکی، رفع بدی است .

ولتر

بهترین وسیله برای جلب محبت دیگران، نیکی درباره آنهاست. — دوسو

بهترین انسان کسیکه در حق همه نیکی کند. — کنفوسیوس

بیم و حبن، روح را پژمرده ساخته و از هر کار نیکی بازش میدارند. — دوسو

بدیگران کمک کن، بدون اینکه خودت را از بین ببری. — مثل افریقائی

پاکان و نیکان، خوبی را تنها برای خود نمیخواهند، و از خودپرستی گریزانند. میخواهند و میکوشند که نیکی سراسر جهان را فرا بگیرد، یعنی همه را دوست میدارند. — سیسرون

تا میتوانی از کسی نیکوئی دریغ مدار که یکروزی نیکوئی بر دهد. — کیکاوس

تمام قلبهای فداکار، تمام قلبهائیکه میخواهند نیکوکاری را بیاموزند بار دیگران را حمل میکنند. — ادونت فاویل

تو نیکی را از دست مده، دیگران نیز خوب خواهند شد، وجود نیکان همچو باد است و بدان همچون گیاه، هر جا باد بوزد گیاه بناچار سر فرود میآورد. — کنفوسیوس

تمایل انسان به نیکوکاری مانند تمایل آب به روان شدن بطرف پائین است. — ؟

جوانمرد کسی است که عطایش بر درخواست پیشی گیرد. — حضرت امیر(ع)

جوانمردی. بخشایش در حال پیروزی، و فروتنی در هنگام خوشبختی و دهش بروز تنگدستی و بخشش بی سرزنش باشد. — خواجه نصیرالدین طوسی

جوانمردی دریائی است که از سه چشمه تشکیل میشود، سخاوت، شفقت، استغناء. — شیخ ابوالحسن خرقانی

جوانمرد آنستکه خلق را چون خویشتن خواهد بلکه بهتر . — شیخ شبلی

جوانمردی آنستکه از بی بضاعتان تنفر نکنی و با توانگران معارض نباشی . — جنید

جوانمرد آنستکه در وقت احتیاج ایثار کند . — ؟

جوانمرد آنستکه در هیچ مقام دامن کسی را نگیرد . — محمد بن علی ترمذی

جوانمردی آنستکه بار خود بر خلق ننهی . — تذکرة الاولیاء

چون کامیابی رو کند، همه خوبند، و چون ناکامی سر رسد، همه بد . — افلاطون

خردمند آن بود که با مردم به نیکی بیامیزد . — امام حسن (ع)

خطاکارترین کسان، افرادی هستند که عیب دیگران را می بینند . — بایکون

خوشبختی بکسانی روی میآورد که برای خوشبخت کردن دیگران میکوشند . — ؟

خوب است هر شب هنگام خواب از خود بپرسم : امروز چه بدی کردم ؟ چه گفتم ؟ چه فکر کردم، یا چه احساس کردم و چه کار نیکی انجام دادم . — پارکر

خوب باش و خوبی را شعار خود ساز زیرا هیچ چیز جز خوبی در موقعیکه به جهان دیگری میروی ترا تسلیت نمیدهد . — دالتراسکات

خودداری از نیکوکاری بسی بهتر از نیکی کردن بامید دریافت پاداش است . — مثل چینی

در مقابل همه چیز میتوان مقاومت کرد جز نیکی و خوبی . — روسو

در آئینه نگاه کن . اگر صورت زیبا داری کاری مناسب جمالت انجام ده و اگر قیافه‌ات نامناسب است زشتی کردار را به زشتی صورت میفزا . افلاطون

در جامعه اگر یک خانوادهٔ باشرف و نیکوکار وجود داشته باشد در سراسر آن جامعه عقاید مقدس خویش را انتشار خواهد داد . کنفوسیوس

دیکتاتورها در خانه هائی متولد میشوند که در آنها هرگز کار نیکو دستور داده نمیشود . هانوری دومونترلان

روزگاری میآید که حس نیکی بر سایر غرایز ما غلبه خواهد کرد و حکمران جهان خوبی و مهربانی خواهد گشت . حجازی

رفتار خوب تو همسایهٔ خوب بوجود میآورد . مثل آفریقائی

زمانیکه بدی کردی بدنبال آن نیکی کن نیکیها بدیها را نابود میکند . حضرت محمد (ص)

زود رسیده زود فاسد میشود . مثل امریکائی

سپاس دار باش تا سزاوار نیکی باشی . مثل ایرانی

شر با شر خاموش نمیشود، چنانکه آتش با آتش بلکه شر را خیر فرو می نشاند و آتش را آب . لقمان

شمع با آب شدن بدیگران نور میدهد . مثل فارسی

ضعیف نواز باش تا همه جا محترم باشی . ؟

عیب کوچک را نباید حقیر شمرد زیرا مانند دشمن کوچک است که در طی زمان با انسان آزار میرساند . استاهل

کافی نیست انسان کار خیر انجام بدهد، باید آنرا بطریقه صحیح نیز انجام بدهد. جان مولی

کسیکه مایل است خیر دیگران را تأمین کند خیر خودش را هم تأمین کرده است. کنفوسیوس

کسیکه سوء ظن را از بین میبرد، فقط یک سوء ظن را از انسانی نیکوکار است. شامفور

کاریکه حتی فکرش ناراحت میکند، مکن. مثل افریقائی

کسیکه برای یک نیکی اظهار حق شناسی میکند در را بروی یک نیکوکار دیگر میگشاید. مثل آلمانی

کسیکه بعنوان دوست نمیتواند به شما نیکی کند ممکن است بعنوان دشمن بشما شر برساند. مثل هلندی

گرسنگی بهتر تا فروتنی در نزد ناکسان و فرومایگان. حضرت امیر[۱]

گل سرخ پرورش دهید تا زمین شما بگلستان مبدل شود خار مکارید که در پایتان فرو خواهد رفت. ؟

مبادا آثار نیکان در تو ظاهر باشد و تو نیک نباشی. چرا که اگر چنین باشی، با ریاکاران محشور خواهی بود. حضرت محمد[۳]

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد. سعدی

مردم بزه کار دوست دارند عیب دیگران را آشکار سازند تا بر تباهکاری خویش بهانه بیش داشته باشند. حضرت امیر[۱]

مردم فرومایه حربه ای جز یاوه درآئین ورشتگوئی ندارند. امام باقر[۴]

مردم، حتی وقتی هم که از شما میخواهند معایبشان را آشکارا بآنها بگوئید انتظار مدیحه سرائی دارند. سامرست موام

مردمان را عیب نهانی آشکار مکن که ایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد. سعدی

مردیکه خصلت نیک دارد هرگز تنها نمی ماند زیرا همیشه دوستانی برای خود پیدا میکند.
کنفوسیوس

مطمئن ترین و مؤثرترین روش مبارزه با بدیها پایان گسترش دادن و بهتر کردن و استوار ساختن خواستهای نیکی است
که گاه در انسان نمایان میشود.
مادام سی وچین

مقدس ترین وظیفهٔ آدمی نیکی است علی الخصوص به کسانیکه از آنان روزی بدی دیده است.
فرانکلین

نگذارید بدیها بر شما مسلط شوند سعی کنید بر بدیها تسلط یابید.
ناپلئون

ممکن است دیگران در مقابل دوستی و خوشرفتاری ما اظهار امتنان و تشکری نکنند لیکن این فقدان قدردانی از بها و قیمت
حقیقی نیکوکاری نخواهد کاست.
بنتام

من میدانم که آن لرزشی که قلب مضطرب من برای اجرای یک نیکی تولید میکند، آری این لرزش ضعیف که اهتزاز
بهترین جزو حیات من است در آغوش ابدیت الی الابد در حرکت خواهد ماند.
سولی پودوم

نباید نیکوکار و بدکردار در نزد تو همانند و یکسان باشند، چه این رفتار مرد نیکوکار را از روش نیک خویش بر کنار دارد
و بدکردار را همواره به کارهای ناهنجار خود دادار سازد.
حضرت امیرؑ

نباید ناامید شوید که حس بشر دوستی از میان رفته است، زیرا نوع دوستی مثل اقیانوس است که اگر چند قطره از آن
آلوده گردد تمام آبهای آن هرگز آلوده نخواهد شد.
گاندی

نخست نیک باشیم، بعد خوشبخت میشویم، طالب پاداش پیش از پیروزی و دستمزد قبل از انجام کار نباشیم.
دوسو

نخستین وظیفهٔ ما که خود شرط وظایف دیگری است، خوب شدن است برای خاطر آنکه بتوانیم خوبی کنیم. ارنست تاویل

نسبت بدیگران نیکوکار و مهربان باشید نه نسبت بخود. ژوبر

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد و اموال را زیاد میکند. اگرچه انجام دهندگان آن بدکاران باشند. حضرت محمد(ص)

نیکی و سود خویش را در زیان دیگر کسان مخواه. زرتشت

نیکی بی مورد ظلم است. حضرت امیر(ع)

نیکوکار زندهٔ جاویدان است اگرچه در کوی خاموشانش جای دهند. حضرت امیر(ع)

نیکی دارای قوهٔ نفوذ و تأثیر فوق العاده ایست و باین جهت هرکس صالح و نیکوکار باشد بمنزلهٔ پیشوای بزرگ مردم است و بر کشور دلها حکومت میکند. ژرژ هوبرت

نیکی همه چیز را مغلوب میکند و خودش هرگز مغلوب نمیشود. تولستوی

نیکی چیزی است که بیش از هر چیز مردم را خلع سلاح میکند. لاکوردد

نیک بودن کافی نیست، باید آنرا نمایان ساخت. استاهل

نیکوکاری در مراحل اول تا اندازه ای زحمت دارد، و هر قدر در این راه بیشتر رفتیم توانائی ما زیادتر خواهد شد. گوئی

کارهای خوب مادرانی هستند که بمرور ایام فرزندان زیادی از آنها متولد میشود. لودآویبوری

نیکی بجای نیکی پسندیده است، و دشمنی بجای دشمنی پسندیده نیست . — خواجه عبدالله انصاری

نیکی، چه بدی داشت که یکبار نکردی . — ؟

نسبت به همه چنان سلوک و رفتار کن که گوئی از میهمان پذیرائی میکنی . — مثل چینی

وظیفهٔ ماست که نیکوکار باشیم، نه آنطوری که میخواهیم، بلکه آنطور که میتوانیم . — امیل

هر یک از شما باید در کردار نیک بدیگری سبقت جوید، و از این رو زندگی خود را خوش و خرّم سازد . — زرتشت

هر عیش و لذتی را که در دنیا بنظر بیاورید، دارای رنج و زحمت است و اگر و زرا برای ما تولید زحمت نکند در آینده اسباب دردسر میشود، فقط دو لذت است که هرگز نتیجه ناگوار و پشیمانی در بر ندارد، یکی نیکی کردن بمردم و دیگری انجام وظیفه . — روسو

هر که در حال توانائی نیکوئی نکند در حال ناتوانی سختی بیند . — سعدی

هرگاه کسیکه نیکی میکند با نتیجهٔ آن خود را مشغول نسازد، آنوقت حس غضب و خودخواهی در قلب او خاموش میشود . — بودا

هر زمان که پو یای آن گشتی که از نیکی نمودن کسیرا بهره مند سازی نخست باید نفس خود را از هرگونه هوی و هوس که وسیلهٔ انصراف از نیکوکاری هست پاک سازی . — ابن مقفع

هر که تفحص و تفتیش معایب دوستان کند، بدشمن مانندتر است . — نگارستان جوینی

هر که را در حق تو ظن خیر باشد ظن او را بیقین برسان . — باسیوس

هر نیکوئی که به نزدیکان خود میکنی معتقد باش که بر خود میکنی . — ؟

هرکه با نادان نشیند نیکی نبیند . — سعدی

همسایه آزاری نشانهٔ فرومایگی است . — حضرت امیر[ع]

همنوع خود را با نیکی تنبیه کن و شر او را با بخشش از خود بگردان . — حضرت امیر[ع]

هیچ چیز با نیکی قابل مقایسه نیست، هیچ کس را از وصول به نیکی مانع نشوید . — بودا

یار نیک را در روز بد باید شناخت . — ؟

به پیری گر نمی‌خواهی که محتاج عصا گردی — ز پا افتادگان را در جوانی دستگیری کن

صائب

تیره روزان جهان را به چراغی دریاب — تا پس از مرگ ترا شمع مزاری باشد

صائب

جوانمردی و راستی پیشه کن — همه نیکوئی اندر اندیشه کن

فردوسی

در آوری اگر از پای خسته‌ای خاری — عزیز مصر چو یوسف شوی پس از خواری

خسرو دهلوی

همی نصیحت من گوش دار و نیکی کن — که دانم از پس مرگم کنی به نیکی یاد

نداشت چشم بصیرت که گرد کرد و نخورد — ببرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد

سعدی

آنکس را بستاید که اندر همه عمر — بهر آسایش مردم قدمی بردارد

نیک مرد آنکه نگردد دل او هرگز شاد — مگر از خاطر کس بار غمی بردارد

محمد هاشم

وجدان

آنکه از عقل و وجدان خود اطاعت میکند کمتر باطاعت دیگران مجبور خواهد شد . — محمّد حجازی

اساس تمدن بروی علم و وجدان گذاشته شده بدون علم حیات مادی دشوار بلکه محال میشود و همچنین بدون وجدان زندگی قابل تحمّل نیست بنابراین علم از ضروریات حیات جسمانی و وجدان از ضروریات حیات روحانی است ؟

انسانی که دارای وجدانی پاک است در هر وضعی که باشد خشنود است و با آرامش خاطر زندگی میکند حال هر طور که میخواهند با او رفتار کنند . — عیسی مسیح (ع)

اولین تکلیف آدمی حمایت از ضعفا و جریحه دار کردن یک وجدان بشری است . — گاندی

ای وجدان بد کاریهای ما همه از چشم پوشی و گذشتهای بی جای تست . — محمّد حجازی

ای وجدان تو باعث عظمت وجود انسان و اخلاقی بودن کارهای او هستی و بدون تو من چیزی در وجود خود احساس نمیکنم که مرا در جهانی برتر از حیوانات قرار دهد . — ژان ژاک روسو

اگر وجدان پاک داری پس چرا غصه میخوری ؛ تو که چیزی کسر نداری . — مثل هندی

باید در کارها وجدان خود را راهنما قرار داد و همانرا که وجدان بما نشان میدهد پیش گرفت .

امرسون

بدون آزادی وجدان هیچ آزادی نمیتواند وجود داشته باشد همه آزادیهای دیگر از روی تکامل طبیعی از وجدان زائیده میشود .

کوبیتیان بدتدن

برای تحصیل سعادت روی کرهٔ خاکی فقط یک راه وجود دارد و آن این است که وجدانی پاک و روشن داشته باشیم و یا اصلاً وجدان نداشته باشیم .

اگون ناش

بنیاد حیات باید بر پایه های وجدان و عقل است نه بر غریزه و هوس .

مونتن

جهنم واقعی وجدان محرّب است .

مثل آلمانی

چه بخواهیم و چه نخواهیم وجدان بر ما غلبه دارد یا بر ضد ما ، یا به نفع ما .

لامارتین

حسّ وجدان آن قوهٔ قضاوت اخلاقی است که خود خویشتن را محاکمه میکند .

کانت

حسّ وجدان بزرگترین فیلسوف است .

ژان ژاک روسو

حسّ وجدان سرچشمه مکارم اخلاق و پرده دار حریم عنایت است .

کاظم زاده ایرانشهر

حقیقت حریت ، آزادی عبارتست از مسئولیت شخصی در پیشگاه وجدان و قلب .

برناردن دوسن پییر

حقیقت این است که پیش از آنکه آدمی مالک وجدان باشد وجدان مالک آدمی است .

دودتو

حکمای الهی بر آنند که : وجدان نخستین عطیهٔ الهی است که بشر بدان سرافراز و سرپیچی از فرمان وجدان گناه

و فرمانبرداری از وی موجب آرامش روان و آسایش ضمیر است . ؟

دانش بدون وجدان جز ویرانی نیست . رابله

دانای بی‌وجدان هیچگاه صاحب وحی پاک نخواهد بود . رابله

در زندان بسر بردن با یک وجدان پاک و فکر راحت بهتر از بسر بردن در باشکوه‌ترین بناها در تشویش و دغدغه است . ابوالعلا

در یک کشور اداره کردن هیچیک از طبقات مردم مشکل‌تر از اداره کردن اشخاصی که دارای حسن نیت هستند ولی
پیوسته وجدان خود را گول میزنند نیست . ناپلئون

در این ظلمات هول‌انگیز دنیا وجدان برای ما نه فقط راهنمای خوبیست بلکه شاهدی است عادل و باوفا که
اعمال ما را می‌بیند و مطابق آن گواهی میدهد . لوداویبوری

در سینه ما خدائی است که وجدان نام دارد . مناندر

در عالم دو چیز است که از همه زیباتر است آسمانی پرستاره و وجدانی آسوده . کانت

در سینه خود شراره آسمانی دارم که نامش وجدان است . شکسپیر

در مسائل اعتقاد و دیانت باید هر شخص عاقل و بالغ حکم وجدان خود را پیروی نماید . مانینگ

رضایت وجدان فقط بعد از انجام وظیفه حاصل میشود و بدون هدایت و راهنمائی وجدان افکار بزرگ و عالی تنها مشابه
نوری هستند که موجب گمراهی انسان میگردند . اسمایلز

رضایت وجدان بالاترین مرتبه هاست .

ژول سیمون

سرزنش وجدان مجازات گناهان ماست و پشیمانی جریمه ای است که برای آن میدهیم .

لرد اویبوری

صداقت و ایمان بحقیقت به انظور و مقصد اساسی زندگی خود قرار دادن و تکالیف را از روی وجدان بجا آوردن طبیعت مرد را بلندتر و کاملتر میسازد یکی را دوست داشتن و حیات او را آرزو کردن و دیگری را دشمن و مرگ او را خواستن بناچار طبیعت آدمی را تاریک میسازد .

کنفوسیوس

عده ای معتقدند که چون فکر میکنند بنابراین صاحب وجدان و فکر منطقی هستند .

مادام استاهل

عذاب وجدان آتشی است که هستی را خاکستر خواهد کرد . از این آتش سهمناک بهراسید .

حضرت امیر ع

عذاب وجدان بدتر از مرگ در بیابان سوزان است .

هوگو

فرمانروائی من بپایان میگیرد از جائیکه سلطنت وجدان آغاز میگردد .

ناپلئون

قبل از ارتکاب جنایت و انجام اعمال نامشروع . ندائی در اعماق تاریکی هستی فریاد میزند که این کار موافق اخلاق نیست و آن ندا ندای وجدان است .

؟

قاضی که بر مجموعه قوای شما حکومت تواند کرد . وجدان اخلاقی شما خواهد بود .

پوشه والتری

کسی که وجدانش ناراحت و روحش آزاد نباشد هیچوقت روی آسایش نمی بیند چنانچه روشفوکو لد گوید : کسی که در باطن خود آسایش ندارد بیهوده آن را در خارج جستجو میکند .

لود آویبوری

کسی که هر امری از وجدان خود تبعیت میکند خسته نشده و از زندگی ملول و از روزگار متألم نمیشود . بیگن

کسانیکه وجدان های آسوده دارند سیمای ایشان دریای آرامی است که حتی موج سریری نمیتواند آنرا بحرکت درآورد . سعید نفیسی

کسیکه وجدانش پاک باشد زود خوابش میبرد . مثل امریکائی

کسیکه وجدانش پاک باشد همیشه شادمان است . مثل چین

کسیکه شرم ندارد وجدان هم ندارد . مثل امریکائی

کسیکه وجدانش را برای کسب شهرت فدا میکند، تابلوی نقاشی را برای تحصیل خاکستر سوزانیده است . مثل چینی

مذهب هر فردی را باید به ایمان و وجدان او واگذار کرد . جمس ماریون

مردم با اخلاق معمولاً دارای وجدانی پاکند . اسمایلز

معلم نفس خود و شاگرد وجدان خویش باش . ارسطو

ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سر تقصیر ما بگذرد . اما سلسله اعصاب ما دست از سر ما برنمیدارند . جمس ماریون

من عدالت مطلق را توجه به وجدان میدانم صدای وجدان که در تنهائی بگوش آدمی میرسد، وظیفه دائمی ما را با سایرین تعیین میکند و طرز رفتار ما را درباره اشخاص و اشیاء و امکنه در هر حال به ما میاموزد . مترلینگ

من با علم امور دولت انجوی اداره کنم که در پایان فرمانروائی دولتم . اگر همه دوستان خود را در آن زمان

از دست بد بیم افلاکی از دوستانم باقی بماند و آن وجدان و قلب من است .
ابراهام لینکلن

ندای وجدان را در همه حال از خود دور نسازید .
ناپلئون

وجدان نیکوترین لطیفهٔ انسانی است که رهبری میکند ما را بخوبی ها ، کردار و گفتار ما را همه گاه بدیدهٔ قضاوت نگریسته و بر همگان لازم است که پیروی از فرمانش کنند .
؟

وجدان ، وجدان . ای وفادارترین دوست آدمی .
کروپ

وجدان لطیف نعمتی است گرانبها ، یک چنین وجدان نه تنها آنچه را که شر است تشخیص میدهد ، بلکه فوراً آن را دور میکند و همچون مژگان چشم است که ناگهان راه را بر غبار و خاشاک می بندد .
ن . ل . مشکن

وجدان نمایندهٔ پاکدامنی و عفت و صداقت است .
الکساندر دوما

وجدان هرگز ما را نمی فریبد بلکه راهنمای حقیقی ماست او راهنمای روح است چنانچه غرایز راهنمای جسمند . ؟

وجدان صدای خداوندی است که از دل انسان خارج میشود .
لامارتین

وجدان همواره حقیقت را اخلق میکند .
کی ارلکار

وجدان مانند آئینه است که نه تملق میکند نه تحقیر مینماید .
ژرژ واشنگتن

وجدان نمایندهٔ تقوی و پاکدامنی عفت و صداقت است .
الکساندر دوما

وجدان تحصن گاه غیر قابل تعرض آزادی انسان است .
ناپلئون

وجدانشان را به مجبور کنید که آنچه را می بیند ندیده بگیرد و نه آنچه را که باید محکوم شود تبرئه کند . کوکرل

وجدان بمنزله ستاره قطبی است گمشدگان راه زندگی را نجات میدهد . غ - ذ

وجدان اگر زخمی شد خوب شدنی نیست . مثل چینی

وجدان بد آدمی را ترسو میکند . مثل آفریقائی

وجدان پاک ترمز زبان است . مثل فرانسوی

وجدان محکمه ای است که در آن به وکیل دادگستری احتیاجی نیست . مثل انگلیسی

هر کجا میخواهی برو آنجا هم وجدانت را می بینی . دیدرو

همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم بمحکمه وجدان تسلیم کنید وجدان راهنمای بی نظیر و قاضی بی طرفی است . منتسکیو

همانطور که در هنگام راه رفتن دقت میکنی نیش خاری به پایت فرو نرود در تمام اعمال و افعالت مراقب باش که وجدان خود را نیازاری . اگر واقعاً چنین رفتار کنی هرگز کار ناشایستی از تو ظاهر نخواهد شد . گویو

هنگامیکه وجدانت ترا متهم میکند محکوم میکند و مجازات میکند . همه عالم نه میتوانند و نه حق دارند ترا ببخشند . کولرل

هیچ آدم گنهکاری در قبال دادگاه وجدان خویش برائت حاصل نمیکند . ؟

یک وجدان خوب به هزار شمشیر میارزد . ناپلئون

کسی که پاک ز آلودگیست وجدانش
کجا رواست چو یوسف مکان به زندانش؟

در این جهان هوس‌خیز هر که را نگرم
فتاده است به دست هوس گریبانش

میان ما اگر آزاده‌ای شود پیدا
روا بود که سر و جان کنیم قربانش

هر آنکه خلق پریشان و خون جگر خواهد
مدام فکر پریشان کند پریشانش

بحق کسی که سخن گفت همچو جمشیدی
همیشه راحت و آسوده است وجدانش

جمشیدی

وظیفه

آرامشی که پس از انجام وظیفه به انسان دست میدهد برتر از ترسها و امیدهاست . ؟

ادای وظیفه شیرینی هائی دارد که برتر از آن ممکن نیست . سلون

ارزش اخلاقی بسته به تعداد وظایفی است که آدم انجام میدهد . مترلینگ

از برای شانه های آدمی به هر اندازه ای که توانا باشد، باری سنگین تر از بار مسئولیت نیست به هر اندازه

که کوچک باشد . والتور

اغلب بنابر وظیفه و عادت عیش میکنیم نه برای لذت بردن . محمد حجازی

اگر تمام سعی و کوشش خود را صرف انجام وظیفه کنیم میتوانیم بسعادت خود یقین داشته باشیم . فنلون

اغلب مردم گله وار گرد هم می نشینند تا آنکه درباره اوضاع عمومی و تکالیف اجتماعی خود کلمه ای بزبان آرند

بلکه تنها از گفتن و شنیدن گفتارهای هزل و یاوه خوشحال و شاد میشوند و میخندند براستی این مردم را براه

راست آوردن بسیار دشوار است . کنفوسیوس

انجام وظیفه عالی ترین مقصد و منظور زندگی و اخلاق است و زندگی انسان در مرکز دایره وظایف عمومی قرار گرفته است اسمایلز

اول باید بشر را سرمست انجام وظیفه نمود و پس از حقوق دم زد . ؟

اولین وظیفهٔ ما این است که برای دیگران سودمند باشیم . ؟

اهمال در وظایف کوچک خطاهای بزرگ را میآموزد . ؟

بدترین افراد در دنیا کسانی هستند که میدانند وظایفشان چیست ولی معذلک انجامش نمیدهند . هانوی مادتین

برای کسانیکه اراده‌ای توانا دارند هیچ لحظه‌ای بی وظیفه نیست . لوتر

بزرگترین و دشوارترین وظیفه ما خوش زیستن است . حجازی

بزرگی و عظمت واقعی انسان در آن نیست که شخص در طلب آسایش و لذت یا کسب مقام و شهرت برای نفس خود باشد بلکه جلال و افتخار حقیقی هر کس عبارت از آن است که وظایف و تکالیف شخص خویش را بدرستی انجام دهد . برایت

بزرگترین کمال برای مرد عبارتست از اینکه وظیفه را برای خاطر وظیفه بجا بیاورد . کانت

بقای اجتماع پیروی مقررات اجتماعی است و آن جامعه که مقررات زندگی را زیر پا میگذارد نابود خواهد شد . ؟

بهترین وظیفه آنستکه انسان در اندیشه ستم بکسی نباشد . ؟

بین گذشته که از شما فرار میکند و آینده ایکه ما آنرا نمی بینیم حال هست که تکالیف ما در آنجاست . آدوکاسپارت

با قولیکه میدهی وام جدیدی بر عهده میگیری . مثل آفریقائی

تا خودت ناخن و انگشت داری گره کارت را باز کن .
مثل فیلیپینی

تحقیر در دو مرگ اولین وظیفه مرد است .
سیسرون

چون انجام همه امور از دایره وسیع شما خارج است، آنچه را که میتوانید انجام دهید وظیفه را بیش از کامیابی در نظر بگیرید
گاندی

چه خوشبختی از انجام وظیفه بالاتر است و چه سرگرمی از کار بهتر .
کارمن سیلو

حس وظیفه شناسی برای مردمان دلیر و شجاع نیز بمنزله حافظ و پشتیبان و آنها را سرافراز و مستقیم نگاه داشته و بآنها
قوه و قدرت میبخشد .
اپیکتوس

حقیقت را بگو و کار نیک را انجام بده و فراموش کن که بخاطر خودت کاری میکنی، آنچه برای انسان در جهان
مهم است انجام وظیفه است .
روسو

خدمت بخلق وظیفه نیست، بلکه دارای لذتی است که سلامتی و شادمانی شخص شما را زیاد میکند .
زرتشت

خردمند وظیفه را وسیله امرار معاش قرار نمیدهد، بلکه وظیفه برای او هدف زندگی است .
کنفوسیوس

خوشبخت کسیکه طعم وظیفه را چشیده و هر روز بطیب خاطر برای آن در تلاش است .
بروت

خوشبختی نامعین و گذرانست ولی وظیفه قطعی و جاودانست .
فوشتراسلین

خوشبختی وظیفه نیست ولی نتیجه انجام وظیفه است .
ارنست نارون

در دوراهیهای زندگی گاهی اتفاق میافتد عاطفه و وظیفه با هم تماس پیدا میکنند. کسانیکه از عاطفه پیروی نمایند

همیشه از خود مسرور و مشعوفند ولی مردمیکه در این قبیل مراحل تبعیت عقل و وجدان را ترجیح داده و انجام وظیفه نمایند غالباً از

کردهٔ خود منفعل و نادمند .

ولتر

در راه انجام وظیفه پایدار باش .

آئین هندو

در دنیا هیچ چیز قابل آن نیست که انسان بخاطر آن زنده باشد مگر خدمتگزاری و انجام وظیفه .

ولنکتین

دملی را که خود نیشتر میزنیم درد نمیکند .

مثل افوبقائی

رضایت وجدان فقط بعد از انجام وظیفه است .

اسمایلز

رلهائیکه در صحنهٔ زندگانی بعهدهٔ ما واگذار شده است بانتخاب و اختیار خود ما نبوده و تنها وظیفهٔ ما اینست که آنها را

بخوبی بازی کنیم .

اپیکتت

روح وظیفه شناسی را باید بزرگترین نعمت و موهبت اقوام و ملل عالم دانست و هر ملتی که افراد آن دارای این روح شریف

باشند بعظمت و ارتقاء آتیهٔ آن میتوان کاملاً امیدوار بود اما اگر برعکس این روح از میان ملتی رخت بربندد و جای

خود را بحس عیاشی و خودخواهی و نفس پرستی بسپارد ، بحال آن ملت بدبخت زار باید گریست زیرا بحکم طبیعت فرمان

انقراض و اضمحلال آن دیر یا زود امضاء خواهد شد .

اسمایلز

عالمیان همشهری اند و باید در وظایف و خطرات و غم ها و شادیهای یکدیگر با هم باشند .

دو برتسون

عمل نیک عملی است که برای کل نافع باشد . خوب و بد خیر و شر تابع این قاعده اند . وظیفه شناسی را میتوان از این نظر

وصف کرد. برای غایت تکامل عاملی باشد با وجدان و با اراده تکامل اخلاقی در فرد و جامعه عبارت است از غلبهٔ تدریجی حس غیرخواهی بر حس خودپرستی و علم اخلاق عبارتست از قواعدیکه خودپرستی را بسوی نوع پرستی - هدایت نماید.

هوبرت اسپینسر

عدالت، مجموعهٔ وظایف اخلاقی است.

مثل افریقائی

کارهای بزرگ جهان برحسب امریست که از حلقوم وظیفه خارج شده است و ناشایسته ترین آنها آنست که باصدای هوس انجام یافته.

لاکوزدد

کاریکه وظیفه و صمیمیت در آن دخالت دارد خلل پذیر نیست.

شکسپیر

کسیکه وظیفهٔ خود را نسبت بکسانیکه موظف است انجام وظیفه کند بجا نمی آورد دزد وظیفه است، چراکه وی دینی را که نسبت بدیگران دارد ادا نکرده است.

زرتشت

کسیکه بحکم تنبلی و تن پروری از منطقه و افتخار خود فرار کند در دو جهان جز مذلت و ننگ بهره ای نخواهد داشت.

حضرت محمد

کوشش اولین وظیفهٔ انسان است.

گوته

لفظ وظیفه در نظر من بزرگترین کلمات دنیا است.

ویلسون

ما آرامش خاطر را دوست داریم و همیشه بدنبال آن میرویم. ولی تا موقعیکه از انجام وظیفه فرار میکنیم هیچوقت به آرامش خاطر نخواهیم رسید.

لرد آویبوری

ما با گذشت زمان تغییر میکنیم زمان وظیفهٔ خود را کاملاً شرافتمندانه انجام میدهد .

دیکنز

میگویند خوشبختی پاداش انجام وظیفه است یعنی ، خوشبختی مزدیست که در مقابل انجام وظیفه بما میدهند ولی باید بدانیم که خوشبخت بودن یکی از مهمترین وظایف ماست .

لرد آویبوری

نباید وظایف خیالی جانشین وظایف حقیقی گردد .

وینه

نخستین وظیفهٔ هر فرد آنست که استعدادهای خود را پرورانده و از قوای خویش استفاده کند .

گوته

وظیفه شناسی بمنزلهٔ ساروجی است که ساختمان اخلاقی انسان را بهم چسبیده نگاه میدارد و بدون آن نه قدرت و نه صداقت نه پاکدامنی و نه حتی عشق و محبت هیچکدام ثابت و پایدار نخواهد ماند و اگر این حس در انسان مفقود باشد تار و پود وجود شخصی از هم میپاشد و او را به بیغولهٔ بدبختی و انزوا می افکند .

؟

وظیفه چیزی است که از دیگران انتظار انجامش را داریم .

اسکار وایلد

وظیفه سودبخش است ، باندازهٔ توانائی نه باندازهٔ دلخواه .

آمی ال

وظیفهٔ اساسی در زندگانی این نیست که ببینیم چه چیزهائی در فواصل دور و مبهم پنهان است بلکه کار اصلی ما باید صرف شناختن و آشنائی با چیزهائی گردد که در نزدیکی ما قرار گرفته است .

کارلایل

وظیفه و عقل همیشه باهم میروند و آنجا که پر و بال عقل از کار میافتد باز هم وظیفه بالا میرود و ماورای حدود عقل نقشه ای برای اعمال ما رسم میکند .

لرد آویبوری

وظیفه: وقتی که مردی ابلهانه عملی میکند که از آن باطناً خجل است بهانه میاورد که این وظیفه من است. — بونارد شاو

وظیفه حال را نباید به آینده واگذارد، هر چند در آینده بهتر و بزرگتر باشد. — ارنست تاویل

وظیفه ای را که از همه بشما نزدیک تر است انجام بدهید. — گوته

وظیفه را در درجه اول و ثمره ای را که از آن باید چید در درجه دوم باید شمرد. — کنفوسیوس

وظیفه راهی است کوهستانی که بسوی حقیقت میرود اما همه میخواهند راه آسانتری در پیش داشته باشند ولی دقت و توجه دیگران جلو روند اما نباید وقتی براه خود میرویم راه دیگران را قطع و خراب کنیم. — ؟

هر کس با عزم و اراده متین سعی در انجام وظیفه نماید به مقصود و منظور اصلی خلقت خویش را بانجام رسانده و شالوده یک اخلاق عالی مردانه ای را در نفس خویش استوار ساخته است. — اسمایلز

هر که خوشی را بر وظیفه مقدم شمرد قابل استقلال نیست. — آدوکاسیان

هر کس را بر تو حق و دین است، حق او را ادا کن. اگر مالیات مدیونی بپرداز، اگر باید از کسی بترسی از او بترس اگر باید بکسی احترام بگذاری به او احترام بگذار، اینست وظیفه شناسی. — سن پال

هرگز بخاطر دوستت از انجام وظیفه ای چشم مپوش. — سن لامبر

هر وظیفه ای را که فراموش کنیم، پرده ای بر روی حقیقتی که میبایست بدانیم کشیده میشود. — روسکین

هنگامیکه وظیفه ات را انجام دادی، موظفی از انجام وظیفه شادمان باشی. — گوته

یک قدم خارج از دایرهٔ وظیفه ممکن است ما را به پرتگاه نیستی بکشاند.

کرزن

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

حافظ

ای عاشق گدا چو لب روح‌بخش یار
میداندت وظیفه تقاضا چه حاجتست

حافظ

ای کریمی که از خزانهٔ غیب
گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم
تو که با دشمنان نظر داری

سعدی

وقت - فرصت

آدمیکه وقت شناس است و شما را منتظر نمیگذارد. با این عمل خود نشان میدهد که نه تنها برای وقت شما بلکه حتی برای وقت خود هم ارزش قائل میباشد. ساموئل اسمایلز

آدمیزاد در مقابل سرنوشت بازیچه‌ای بیش نیست فقط حال است که در اختیار ماست و ما باید قدر و قیمت آنرا بدانیم؟

آرزوی یک خوشبختی، بزرگتر، پیوسته ما را از لذت خوشبختی که از آن بهره‌مندیم باز میدارد. ژان دوال

آن فردائی که همه چیز امروز را فدای خوبی و بهتر نمودن آن میکنیم موهوم است شاید برای تو فردائی نباشد. غ - ذ

آنکه امروز را از دست میدهد فردا را نخواهد یافت خوشبختی آینده در استفاده کردن از زمان حال است. شابنگ

آیا حقیقتاً زندگی را دوست داری؟ اگر چنین است وقت را ضایع نکن زیرا زندگی از ماده وقت ساخته شده است. فرانکلین

آیا جهالت نیست که آدمی ساعات شیرین امروز را فدای روزهای آینده نماید. شوپنهاور

آدم عاقل فرصت نیک را به بخت نیک مبدل میسازد. مثل یونانی

اتلاف وقت گرانبهاترین خرجهاست. بالزاک

از آینده ناراحت نباشیم. بار روزانه را بمنزل برسانیم. لاکوردد

از ابومسلم خراسانی پرسیدند از چه باین مقام رسیدی؟ گفت: کار امروز را به فردا نینداختم. عبدالله منازل

از دست دادن وقت و فرصت بدان ماند که کسی گوید این درخت را برکن. هرچه اندیشه کند که برکند. نتواند. گوید صبر کنم تا قوت یابم. پس هر قدر صبر کند درخت قوی‌تر گردد و او ضعیف‌تر شود و کندن آن درخت دشوارتر. ابوعثمان مغربی

از این و از آن چیزی نپرسیدم. بلکه بکار خود پرداخته و سرگرم آن گردیدم و بعد فرصت هائی را که مورد التفات هیچکس نیست غنیمت دانستم امروز این را اشانس و اقبال مینامند. کیب لینک

از بزرگمهر سئوال شد کدام ساعت ضایع‌تر؟ گفت آن زمان که بجای کسی نیکی توان کرد و نکند. بزرگمهر

از یک لحظه دیر کردن. بسی سود و فرصت که عمری از دست میرود. حجازی

اگر انسان به غصه امروز خود غم فردا و رنج دیروز را نیفزاید، مقدار او هرچه باشد بآسانی میتوان تحمل کرد. هولتیک

اگر خواهی از اوقات فراغت خود فایده برگیری. کلیه وقت خود را خوب به مصرف رسان و چون تو از یک دقیقه مطمئن نیستی، یکساعت خود را بیهوده تلف مکن. فرانکلین

اگر راجع به آتیه فکر نکنید، آتیه ای نخواهید داشت. جان گالزورثی

اگر نامرادیها و بدبختیهائیکه گریبانگیر اشخاص میشود بر اثر عدم توجه و اعتنا به دقایق گرانبهای زندگیست. ربیع انصاری

امروز را دریاب و به فردا هرچه کمتر توانی تکیه کن. هوراس

امروز . امروز . امروز . — دوسکین

انسان آنقدر فرصت ندارد که نیمی از عمرش را صرف نزاع و ستیزه کند. اگر کسی از حمله و بدگوئی به من دست بکشد هرگز گذشته را برای تلافی بخاطر نخواهم آورد . — لینکلن

از این ستون تا آن ستون فرج است . — مثل فارسی

اشتباه یک لحظه یک عمر اندوه به بار میاورد . — مثل چینی

اگر غیبت کردی انتظاری نداشته باش . — مثل ترکی

با مروز توجه کنید . زیرا زندگانی همین امروز است ، در مدت کوتاه امروز است که تمام تغییرات و حقایق وجودی شما یعنی درخشندگی ، نوجوانی ، افتخار عمل و شکوه جوانی ظاهر میشود ، دیروز یک خواب بود - و فردا یک احتمالی بیش نیست ولی امروز اگر خوب زندگانی کنید هر دیروزی را خواب خوش و هر فردائی را یک احتمال امیدوار میکرداند. پس با مروز خوب توجه کنید که بامداد جوانی همین امروز است . — سانسکریت

برای اینکه عمری بخوشی و موفقیت بپایان برسانیم باید موقعیت زمان را در نظر بگیریم و باقتضای آن - گام برداریم . — واسل

بزرگترین فن زندگی استفاده از فرصتهای بی نظیر است که بر ما میگذرد . — سالونیل

بزرگترین مصیبت آنستکه بتوانی کاری نیک انجام دهی و آنقدر خودداری کنی که وقت آن بگذرد . . — ؟

بشرط دانستن قیمت وقت هم به ثروت و هم به صحت میتوانیم نائل شویم .
کاظم زاده ایرانشهر

بعضی از پدر و مادرها همه چیزشان را صرف فرزندانشان میکنند به جز وقت خود را .
موریس سایتر

به غیر از وقت هر چیز دیگر قابل خریداری است .
مثل سوئیسی

پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار : جوانی را پیش از پیری و سلامتی را پیش از بیماری و بینیازی را پیش از تهی دستی و آسودگی را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از فرا رسیدن مرگ .
حضرت محمد (ص)

تا موقعیکه در این دنیا هستید از مواهب و برکات آن استفاده کنید .
سلون

تردیدهای ما خیانتکارند . ما را از امتحان فرصتهائی که بدست آورده ایم باز میدارند و از نعمتهائیکه میتوانیم استفاده کنیم محروممان میدارند .
؟

تنها سرمایه گرانبهای ما وقت است و اگر رفت دیگر برنمیگردد .
اسمایلز

تیک تاک ، تیک تاک ، ساعت زندگی باید برای مبارزه حیات استهلاک شوند . بیائید مسامحه ننمائیم لحظات زمان را با افعال نافذ آرایش دهیم و انفاس محدود خود را آبرومندی و افتخار بپایان رسانیم . گورکی

تا موقعیکه آهن گرم است باید آنرا کوبید .
مثل آلمانی

چون در میان زمان زندگی میکنیم مجبوریم با او بجلو برویم در غیر اینصورت او ما را بجلو خواهد راند کسی که با میل با زمان به پیش میرود خوشبخت است .
هردر

حال گرانبهاترین اوقات و هنگام فرصت ماست . اناگوئون

حوادث بزرگ برشتهٔ نازک و موئی بسته است . مرد دانا از ناچیزترین جریانات استفاده میکند و آنچه را که

ممکن است فرصت مناسب و موقعیت ممتازی نصیبش سازد از نظر دور نمیدارد . ناپلئون

خوشبخت کسیکه دم را غنیمت میشمارد و بخود میگوید : من امروز خوشم تا فردا چه پیش آید . دریدون

خلق از آن در رنجند که کارها را پیش از وقت طلب میکنند . شیخ ابی سعید

خیلی سعادتمندم اگر در برابر چندین میلیون دلار چند سالی از این وقت را که مردم بدون فکر از دست میدهند خریداری کنم . اندرو کارنج

خوشبختی ها به ساعت نگاه نمیکنند . مثل روسی

در مواقع ضروری در برداشتن یک قدم بزرگ مردد نباشید . ویل روگر

در هر کاری یک ربع ساعت زودتر شروع به فعالیت کردم تمام موفقیت های خود را مرهون این اقدام هستم . نلسون

در زندگی لحظاتی وجود دارد که انسان صمیمی ترین دوستان خود را بیگانه می یابد . ؟

درباره وقت خسیس باشیم . تورنز

در سراسر اعمال بشری جزر و مدی موجود است که اگر آدمی در مجرای آن واقع شود به ساحل سعادت میرسد و گرنه

سراسر عمروی در گودالهای بدبختی و فلاکت سپری خواهد شد . شکسپیر

در میدان چوگان بازی کسی گوی را امیر باید که بتواند زودتر خود را به گوی رساند . ؟

دوست عزیز اگر میل کردی و یا لازم شد نقدینه خود را دور بریز و اراضی و املاک و مستغلات خود را از دست بده ولی حتی یکساعت از وقت را که نمیتوان ارزش آن را معین نمود از دست مده. دکتر ماردن

دی رفت و باز نیاید. فردا را اعتماد نشاید. حال را غنیمت دان که دیر نپاید. خواجه عبدالله انصاری

دوست دزد زمان است. مثل انگلیسی

راز موفقیت در زندگی اینست که موقعیکه فرصت آمد، انسان برای استفاده از آن کاملاً آماده باشد. دیسرائیلی

روز یکه میوائی به نوا میرسد و نان و خورش بر روی سفره اش میگذارد. روحش آرام و قلبش شاد میگردد ... آنروز عید او است. ؟

روزگار نسبت به کسیکه بداند وقت خود را چگونه مصرف کند، فوق العاده مهربان است. لود آویبوری

روزگار دریائی است که کشتی زندگی ما بر روی آن بطرف ساحل مقصود میرود، این دریای بزرگ همیشه در جزر و مد است اگر امروز آرام باشد مسلماً فردا طوفانی خواهد بود بنابراین وقتی آرام است فرصت را غنیمت شمارید. شکسپیر

زمان همه چیز را از بین میبرد. تنها عشق است که آنرا جاویدان میسازد. پل کلودل

زندگی کوتاه است و راه کار دراز و فرصتها زود از دست میرود. بقراط

سحرخیزی بهترین عادت است. زیرا با این عادت عادات نیک دیگر تولید میگردد. فرانکلین

سعادتمند کسی است که غم و غصه فردا و بود و نبود را نخورد و در مقابل با مصائب خود را نبازد و آنچه را که در دست

اوست غنیمت شمارد . — اپیکور

سپیده دم هر روز بهر کدام از ما فرصتی میدهد که کارهای خوبی انجام دهیم و کار را از نو شروع کنیم تا بتوانیم شکستها و ناکامیهای دوره گذشته را جبران نمائیم . — دکتر ماردن

ساعات صبح طلا در دهان دارد . — مثل آلمانی

شما که نمیدانید امروز چه میشود به فردا افتخار نکنید . — سلیمان بن (ع)

شما وقت را از دست نمیدهید این وقت است که شما را از دست میدهد . — جین مولر

ضایع ساختن وقت و غنیمت نشمردن فرصت باعث غم و اندوه است . — حضرت امیر (ع)

علت اینکه اتریشی ها پیوسته شکست میخورند اینست که از ارزش وقت بیخبرند . — ناپلئون

غافل مشو زکار که فرصت غنیمت است . — ؟

غیبت محبوب و دوست با وفا هر قدر کوتاه و ناچیز باشد بنظر قرنی است . — مولیر

فرصتها از دست دادن اندوهها بار آورد . — حضرت محمد (ص)

فرصتها میگذرد ، مانند گذشتن ابرها . — حضرت محمد (ص)

فرصت چون ابر زود گذر است پس مهیا باشید تا از فرصتهائیکه دارید بهره برگیرید . — حضرت امیر (ع)

فرصت گرانبهاترین اشیاء تست به گرانبهاترین کارها صرف کن . — سهل بن عبدالله

فرصت از دست مده و در کار سستی مکن که میوهٔ آن ذلت است . — فیثاغورث

فقط امروز در اختیار تو است برخیز و برای کار آماده باش و از هیچ چیز بیم نداشته باش . — توماس ارکمس

فرصت مناسب نردبان سعادت عقلا است . — مثل یونانی

فرصت زیر پا افتاده است ، دستت را پیش ببر تا آنرا برداری . — مثل انگلیسی

قبل از آنکه آفتاب سر از افق بکشد از خواب برخیز تا خورشید نگوید هنوز یک نفر در رختخواب کاهلی فرو مانده بازوی گشاده و عزم راسخ بدنبال کار خود برو . — فرانکلین

کارها در گرو وقت آنهاست . — حضرت محمد (ص)

کار امروز به فردا افکندن از کاهلی تن است . — ابوالفضل بیهقی

کار بسیار درستی است که تا آهن گرم است آنرا بکوبیم ولی درست تر آنکه با کوبیدن آنرا داغ کنیم . — کرامول

کار امروز را به فردا میفکن که چون فردا شود تازه امروز است . — ؟

کسیکه بخواهد میوه‌ای را قبل از وقت رسیدنش بچیند آنرا از بین برده است . — حضرت امیر (ع)

کسانیکه کار امروز را به فردا موکول میکنند آنهائی هستند که کار فردا را هم به پس فردا موکول خواهند کرد . — اسمایلز

کسانیکه آهسته میروند اگر همواره در راه راست قدم زنند از آنان که میشتابند و بیراهه میروند بسی بیشتر خواهند رفت . — دکارت

کسیکه از فرصت استفاده نمیکند کلاهش همیشه پس معرکه است . — مثل ایتالیائی

کسانیکه در انتظار زمان نشسته اند، اثر از دست داده اند. — مثل ایتالیائی

گذشته ها با آینده ها سخت همانند است! اگر بر گذشته افسوس میخوری آنچنان است که بر آینده دیده حسرت دوزی
خردمندان چنین نکنند و حال را بر دریغهای گذشته و احکام آینده ترجیح بخشند. — حضرت امیر

گذشته گذشت و آنچه میآید بر تو پوشیده است آنچه که در دست داری مغتنم شمر و بعمل گرای. — حضرت امیر

گذشته آینده ملاقات شده است. — ؟

ما با گذشت زمان تغییر میکنیم. زمان وظیفه خود را شرافتمندانه انجام میدهد. — دیکنز

ما همه فرزندان زمانیم. — شه فر

مردمان احمق همیشه از گذشته حرف میزنند عقلا در فکر حال هستند. دیوانگان از آینده سخن میرانند. — ناپلئون

مرور زمان بخودی خود بسیاری از نگرانیهای ما را از میان میبرد. — دیل کارنگی

موجود را به مفقود و یافته را به نایافته مفروش. — خواجه رشید الدین وزیر غازان

مگر که کار امروز به فردا نیفکنی که هر روز که بیاید کار خویش بیاورد. — ابوالفضل بیهقی

وقت تو میان دو نفس توست یکی گذشته و یکی نا آمده. — شیخ ابی سعید

وقت مانند مد دریا برای کسی منتظر نمیماند. — ؟

وقتیکه امری را به فردا محول میکنید فکر نمی کنید که هر روز و هر ساعت یک کار جدیدی را همراه میآورد. — لابوله

وقت وجود خارجی ندارد، معهذا گرانبهاترین دارائی انسان است

اعتصام الملک

وقت عزیز خود را جز به عزیزترین چیز مشغول نکنید و عزیزترین چیزهای آدمی شغل وی میباشد.

کشف المحجوب

وقت بزرگترین و گرانبهاترین چیزاست که در عالم وجود، یافت میشود و ابداً قابل خرید و فروش نیست و نادارترین گداهای عالم همان مقدار از وقت را در تصرف دارد که برای پادشاه و یا یک رئیس جمهور قابل تصرف است، مردم میتوانند زر یا چیز پربهای دیگر را ذخیره کنند ولی به هیچوجه نمیتوانند چیزی از وقت ذخیره نمایند.

دکتر ماردن

وقتی مسافری بعد از سالها دوری از یار و دیار به وطن باز میگردد و از دیدن عزیزانش اشک شوق میریزد عید اوست.

؟

وقتی دانشجوئی پس از سالها درس خواندن و رنج کشیدن گواهی نامهٔ پایان تحصیلات دریافت میکند عید اوست.

؟

وقتی مادری پس از ماهها تحمل درد و رنج طفل سالمی بدنیا میآورد و با اولین تبسم او مهر مادری و عشق ملکوتی قلب پر عاطفه اش را میلرزاند، این عید اوست.

؟

وقت طلا است.

؟

هرگاه دری از سعادت بروی تو گشوده شد آنرا غنیمت شمار و فرصت را از دست مده چه ندانی، کی بسته خواهد شد. حضرت محمد ص

هرکس مشغول شود باوقات گذشته بیفایده نقد وقت از دست داده است.

؟

هر روز به تنهائی حکم یک عمر را دارد.

سه نک

هرگز برای تمتع از خوشبختی امروز و فردا مکن.

آندره ژید

هر روز تو ار فردا پیام است — اقبال لاهوری

هرگز قدر آن روزهائیکه در کمال خوشبختی زندگی میکردیم نمیدانیم مگر زمانیکه برای همیشه آن ساعات خوش را از دست داده باشیم. — توماس ولف

همیشه در زندگی فرصت را میبازیم و با انتظار فرصت میگذرانیم. — حجازی

امر سیاست در ایجاد فرصت نیست بلکه از فرصت استفاده کردن است. — فودریک کبیر

هنوز در زمانه دقایقی هست که از اسرار گذشته پربهاترند. — وین الفورد

هنگامیکه بیماری پس از سپری شدن دوران نقاهت و پس از ماهها صحت و سلامت خود را بازمییابد و از بیمارستان مرخص میشود عید اوست. — ؟

هنگامیکه زندانی بیگناهی که بهترین سالهای عمر را در پشت میله های زندان با رنج و بدبختی سپری نموده خبر آزادیش را میشنود و از زندان آزاد میگردد عید اوست. — ؟

هنگامیکه انسانی با ایمان و نوعدوست درمانده ای را کمک میکند و بخاطر انسانیت افتاده ای را نجات میدهد، وجدانش آرام و روحش غرق مسرت میشود عید اوست. — ؟

هر لحظه از زمان را از آن خود گردان. — مثل چینی

در هر جا اگر دیر برسید بهتر از آنست که غایب باشید. — مثل انگلیسی

یک زمان غافل شدم صد سال راهم دور شد. | ?

یک بخیه بموقع آدمی را از نه بخیه بعدی نجات میدهد. | ابوالعلا

یک دلیل بزرگ برای اثبات وقت شناسی، کوتاه کردن صحبت در تلفن است. | مونه زدارد

یک من طلا نمیتواند یک من وقت را بخرد. | مثل چینی

یک اقدام بموقع بعوض صد اقدام مؤثر واقع میشود. | مثل فرانسوی

یک ساعت بامداد بهتر از دو ساعت شب است. | مثل آفریقائی

آنچه ندارد عوض ای هوشیار — عمر عزیز است غنیمت شمار

سعدی

گر صد سال باشی شاد و پیروز — همه عمر تو باشد یکی روز

گر سختی بری ور کامجوئی — ترا آن روز باشد کاندر اوئی

ویس و رامین

بودم جوان که گفت مرا پیر اوستاد — فرصت غنیمت است نباید ز دست داد

سعدی

بر چهرهٔ گل نسیم نوروز خوشست — در صحن چمن روی دل افروز خوشست

از دی که گذشت هر چه گوئی خوش نیست — خوش باش و ز دی مگو که امروز خوشست

خیام نیشابوری

دریاب خویش را که در این بحر موج خیز — همچون حباب وقت تو بسیار نازک است

واهب قندهاری

غنیمت شمار این گرامی نفس — که بی مرغ قیمت ندارد قفس

مکن عمر ضایع بافسوس و حیف — که فرصت عزیز است الوقت ضیف

سعدی

فرصت غنیمت است رفیقان درین چمن
فردا است همچو گل همه بر باد رفته ایم

ناصح اصفهانی

نگه دار فرصت که عالم دمی است
دمی پیش دانا به از عالمی است
سکندر که بر عالمی حکم داشت
در آن دم که میرفت عالم گذاشت

سعدی

هر چه بینی در جهان دارد عوض
گر عوض حاصل ترا گردد غرض
بی عوض دانی چه باشد در جهان
عمر باشد عمر قدر آن بدان

شیخ بهائی

آن همه ناز و تنعم که خزان میفرمود
عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

حافظ

هدف

اگر بدانیم کجا هستیم. کجا میرویم و به چه وسیله میرویم یکی از مشکلات خود و اجتماع برطرف میشود. — لینکلن

انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست بلکه با تمام ابنای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. — تولستوی

به طرف یک هدف هدفگیری کن. — مثل شرقی

تنها گنجی که جستجو کردن آن به زحمتش میارزد هدف است. — لوئی استولس

جاه طلبی مهمیزی است که آدمی را بکمکش با سرنوشت بر میانگیزد و محرکی است که هدف را بزرگ و پیشرفت را بزرگتر میسازد. — دیهل

زندگی بدون هدف چرخ زندگی را بدست قضا و قدر سپردن است. — سه نک

مبارزه با مشکلات ما را بهدف نزدیک میسازد و نمیگذارد که افراد سرسری و سطحی باشند. — ارنست همینگوی

مبارزه برای بدست آوردن پیروزی بمراتب زیباتر از خود پیروزی است. طی مسافت لذتبخش تر از رسیدن بهدف است وقتی پیروز میشوی یا بهدف میرسی تازه میفهمی که داری در گودالی پر از خالی دست و پا میزنی. — ؟

معنی حیات را در زیبائی و در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگی ما باید هدف عالیتری داشته باشد. ماکسیم گورکی

هدف خود را باید روی واقعیات بنا سازیم. امرسون

یگانه عملی که در زندگانی انسان را به هدفش میرساند، انجام وظیفه است. بانو استاهل

حاصلِ هر چه هست یکسر شرافت است — غیر از شرافت آنچه بود شر و آفت است

حکیمی

گوهر بی صدف درون دل است — صدف بی گهر درون گِل است

قیمت دُر نه از صدف باشد — تیر را قیمت از هدف باشد

سنائی غزنوی

هنر - هنرمند

آنجا که طبیعت توقف میکند، هنر آغاز میشود . — ویل دورانت

آنچه که در یک شب نمایش میآموزیم از عهدهٔ یک کتاب بزرگ بیرون است . — ولتر

آنچه هنگام مردن برماند و میافزاید بهیزی فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر آنچه از غم میکاهد، هنرمندی

واندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد . — ؟

اختلاف رأی دربارهٔ خوبی و یا بدی یک اثر هنری نشان میدهد که آن اثر پرمعنی و جاندار است . — اسکار وایلد

ارزش هنرمند را باید هنرشناس معین کند نه مردم توی کوچه، بتعریف این و آن عنده وشنوید و خود را هنرمند نشناسید

بگذارید مقام و شخصیت شما بی آنکه بدیگران تحمیل گردد، شناخته شود . — دولا

از هر چیز که در زندگانی ما را غمناک میسازد نقاشی برای ما خوشایند است . — میکل آنژ

اگر هنر داری بیاور و گرنه هنرنمائی مکن که رسوائی ببار خواهد آورد . — گوته

اگر مردم میدانستند برای احراز مقام استادی چه رنجها برده ام و چه روزها و چه شبها جان کنده ام هرگز از دیدن

شگفتیهای هنریم متعجب نمیشدند.

میکل آنژ

انسان وقتی هنرمند شد قلب او بقدر کافی وحشیست. چه ضرری دارد اگر لباس خوب بپوشد و خود را بصورت شخص عاقل در بیاورد.

توماس مان

اینکه انسان بتواند چیزهائی را که سبب آزار دیگران است در خود از بین ببرد هنر است.

کوکرل

بالاترین مزد هنرمند لذتی است که از توفیق خود میبرد.

اگوست ردن

باید هنر را از بند قوانین آزاد کرد و بصورت زیبا و طبیعی خودش جلوه گر ساخت.

بیزه

بدترین پاداش یک استاد اینستکه شاگرد انش تا ابد در حال شاگردی وی باقی مانند.

نیچه

بدبختانه ممنوعان ما طوری ساخته شده اند که افرادیکه در راههای صاف و کوبیده شده راه میروند، پیوسته بر کسانیکه میکوشند راه جدیدی باز کنند سنگ میاندازند.

ولتر

برای اینکه واقعیات زندگی آدمی مانند آرزوها، امیدها، عشق ها یکنوع تجسم واقعی و با دوام یابد، کسانی لازمند که حساستر روشن بین تر و آراسته تر از دیگران باشند تا بتوانند با جوهر وجود خویش حیات دیگران را حل نموده هنرمندانه از آن نقشی بلیغ بسازند.

پورند

بلندی پایه صنایع یک ملت را نباید از روی صنعتگران او اندازه گرفت بلکه از روی شناسندگان و حمایت کنندگان آن صنعتگران.

لازاروی

بهمان شدتی که بقال بکاسبی فن وقوق دارد، هنرمند از معامله بیزار است. — بالزاک

تا در کسب دانش و هنر چشم هم‌چشمی و رقابت نورزید، بزرگ و با ارزش نمیشوید. — ؟

تجربه نشان داده است افرادیکه دارای نبوغ هنری فوق العاده بوده اند در ریاضیات استعداد نداشته اند - هیچکس نمیتواند در هر دو رشته ممتاز گردد. — شوپنهاور

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن هنرهاست. — دیل کارنگی

تکامل باید هدف اولیهٔ همهٔ هنرمندان حقیقی باشد. — بتهوون

تمام هنرها برادر یکدیگرند، هر یک از هنرها بر هنرهای دیگر روشنائی میافکند. — ولتر

تنها وظیفهٔ هنرپیشه این نیست که روی صحنه بازی کند. بلکه باید با زندگی طبیعی وسیلهٔ انتقال افکار نویسنده به تماشاگر بشود چه خوشبختند هنرپیشگانی که بجای ایفاء نقش بازی کردن وظیفهٔ فهماندن بمردم را انجام میدهند. — لوئی ژووه

تنها کسیکه هنر دارد و کاری از او ساخته است میتواند بفردای خویش اطمینان کند. — سعید نفیسی

چه مردمان مستعدی که از نداشتن مربی و مشفق روح شناس عمر خود را تلف کرده و هنرهای خود را بگور برده اند. — کاظم زاده ایرانشهر

خدایا هنر چقدر بلند و عمر چه اندازه کوتاه است. — گوته

دانشمندان، علما، بزرگان، هر کدام نردبانی برای ترقی دارند لیکن شاعران و هنرمندان این مدارج را پروازکنان میپیمایند. — هوگو

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق به هر قومی که باشد از آن همهٔ جهانیان است. — پوشکین

در ترویج دانش و هنر، اهتمام نمائید تا صاحبان استعداد از طبقات مردم ضایع نشوند . ؟

در هنر اگر الهامات در قید قوانین باشند آثاری که زاده آن الهامات هستند ارزش هنری نخواهند داشت . کلود دوبوسی

در این دنیای پست و درمانده که کوچکترین شور و اشتیاق مواجه با حرمان میشود یگانه روزنه گریز هنر است و بس . برنو والتر

در اعمال بزرگ افراد خود را آنچنان که باید باشند نشان میدهند و در اعمال کوچک آنچنان که هستند . شانفور

در هنر هم مانند زندگی فقط آزادی و ترقی است . بتهوون

در هنر بتعویق انداختن، تنبلی، هوسها، اختناق، بدخوئی، نفهمیدن، نقص و تکرار اشتباه، تمام اینها زیانبخش است و باید از بین برود. برای نیل بمقام منافع هنرپیشگی باید مانند کودکان که ببازی خود ایمان دارند بهنر خویش مؤمن باشند تا بواقعیت هنر پی برده، هنرمندی بزرگ گردید . استانیلاوسکی

زیبائی دنیا بسته به هنرهای زیبا است. هنر مایه غرور و وسیله تسلیت و تشفی خاطر است . آناتول فرانس

سادگی، صداقت و عدم تصنع در هر اثر هنری بزرگترین اصول زیبائی است . بلوک

سنت در هنر بمنزله کتاب الفباست، اما جز این ارزشی ندارد . بالزاک

شاعری بزرگ در کشوری غریب که زبان مردم را نداند بچه سرنوشتی مبتلاست در نسل جدید، هنرمندان گروهی از شاعرانند که نخواسته اند سخن گفتن بیاموزند از این رو چیزی بیان نمیکنند . اگوست رودن مجسمه ساز و نقاش فرانسوی

شادماندن بهنگامیکه انسان درگیرودار کار ملال آور و بیش از اندازه پرمسئولیتی است، هنر کوچکی نیست . نیچه

شنیدن خرده گیریهای نامطبوع اگر بعد از تمجید مزایا و هنرهای ما باشد چندان بر ما گران نمی‌آید، همانطور که سلمانی قبل از آنکه تیغ را بکار ببندازد صورت را صابون کاری میکند.

دیل کارنگی

طبیعت هنگامی زیباست که در ما همان تأثیر هنر را داشته باشد باین طریق زیبائی چه در طبیعت و چه در هنر ممکن است بوسیلهٔ هم آهنگی و شورانگیزی و مخصوصاً اتحاد درونی آن دو با هم توصیف گردد.

کانت

غالب اشخاص هنر را حس میکنند بعضی‌ها میفهمند ولی عده‌ای بسیار کم هم حس میکنند و هم میفهمند.

هولاند

فقط عقیدهٔ مرد هنرمند قابل توجه است حتّی در مورد روش و اخلاق.

اسکار وایلد

فرصت معبود هنر و هنر معشوق فرصت است.

مثل ایتالیائی

کسب هنر بر همه کس از غنی و فقیر لازم است چه بسیار فقیران نیازمند که از راه هنرمندی بمقام ثروت و بی نیازی رسیده‌اند و چه فرزندان اغنیا که به ثروت مغرور و از صناعات و آداب محروم گشته و بروزگار مذلت و درویشی افتاده و مورد زحمت دوستان و محل شماتت دشمنان شده‌اند.

اخلاق ناصری

کسیکه با دستش کار میکند کارگر است، کسیکه با دست و عقلش کار میکند پیشه‌ور است، کسیکه با دست و عقل و احساسش کار میکند هنرمند است.

؟

کسیکه تصمیم گرفته در نقاشی و یا هنر دیگر بر همگان برتری جوید باید تمام قوای دماغی خود را از هنگام برخاستن تا هنگام بخواب رفتن روی همان یک موضوع متمرکز سازد.

اینولوز

هنگامیکه هنگام ظاهر شدن در صحنه ما را وادار کند که فراموش کنیم او هنرپیشه است بهترین هنرمند است. شارل دیدرن

مایه کار و سرمایه افتخار هنرمند، اندیشه اوست.
دکتر پرویز خانلری

ما نسل بدبختی هستیم. به همین جهت از بیچارگی ناچاریم به کمک دروغهای هنر خود را از واقعیتهای زندگی دور نگه داریم. ژرژ برناند

مردم همیشه از نقاشان میخواهند که شیوهٔ تازه ای در آثار خود بکار ببرند. با این وجود پرده های کهنهٔ نقاشان قدیمی را به قیمت بیشتری خریداری میکنند.
موریس اوسویلو نقاش فرانسوی

مرد آزاده پروردن هنرهای عالی را اساس مصاحبت با دوستان خود قرار میدهد و بوسیلهٔ مصاحبت با دوستان خود، فضایل اخلاق را در نفس خویش بکمال میرساند.
کنفوسیوس

مسکنت در کوی هنرمندان و رنجبران راه ندارد و شادمانی در خانواده ایست که مهربانی در آنجا حکومت میکند. شکسپیر

من میتوانم ادعا کنم که در هنر، تحمل بار مقدرات، اعم از شادی و تعب، آنقدر مسلط شده ام که مصائب در نهاد من، وجد و نشاطی ایجاد میکند که فوق ترین سعادت است.
گته

نمیدانم چه سرّی بین هنرمندان حقیقی وجود دارد که هیچکدام روی خوش نشان نمیدهند. بتهوون

وقتی از میکل آنژ سؤال شد: چرا تا بحال ازدواج نکرده ای؟ بدون تأمل جواب داد: من با هنر خود ازدواج کرده ام و آثاری که از خود بجای میگذارم در حکم فرزندان من هستند....

وقتیکه احساسات ما بوسیلهٔ هنرهای زیبا تحریک میشود این تحریک حس ما را در مقابل چیزهای لغو و محسوس زندگانی

نیروی مقاومت میدهد . — بل والری

هدف هر اثر هنری نشان دادن چند سوژه اصلی و هدایت کننده است . — ؟

هر کجا که زندگی تظاهر کند هر چند تلخ باشد، حقیقت هنر در همانجاست . — داستایوسکی

هر کس مرتکب اشتباهی نشده ، اکتشافی هم نکرده است . — گالیله

هشتصد میلیون تخته سنگ عظیم را فراعنه بر روی اسیران خود بفاصله هزار کیلومتر عبور دادند تا اهرام مصر شاهکار همیشه جاویدان خود را بسازند . — تاریخ مصر

هنر کلید فهم زندگی است . — اسکاروایلد

هنر تلخیهای زندگی را افزون میسازد و با وجود این تلخیها زندگی را شیرین میکند . — شوپن

هنر نگرشته مطالعه و تحقیق بی پایان است . — شومان

هنر و دانش برگزیده ترین و بزرگوارترین مردم را باهم مربوط میسازد . — بتهوون

هنر در طبیعت نهفته است و متعلق به کسیست که آنرا از طبیعت استخراج کند . — دورر

هنر من باید برای سعادت بیچارگان اختصاص یابد . — بتهوون

هنر دشمنی دارد . به نام جهالت . — بن جانسن

هنرپیشه باید هنر خود را آشکار و خود را پنهان کند این است هدف هنر . — اسکاروایلد

هنر از احتیاج زاده میشود و از ثروت میمیرد . ؟

هنر پیشه آفرینندهٔ زیبائی است . اسکار وایلد

هنر زائیده و دوستی این سه چیز است ، استعداد ، استاد خوب و پشتکار . تن

هنر و ر باید برای عده ای بیشمار مفید باشد نه برای عده ای معدود . تالمن

هنرمند ، هنرش را بخاطر لذت جامعه دوست دارد ، نه به خاطر سود و نفعی که از آن میبرد . ؟

هنرمند عاشق طبیعت است و بهمین جهت هم برده و هم ارباب آن است . تاگور

هنر محصول تحریک احساسات و هدف آن نیز انتقال احوال نفسانی و عواطف انسانی است . تولستوی

هنر قدرت و توانائی نیست ، بلکه تسلی خاطر است . توماس مان

هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان . ناصرخسرو

هنر خوب است اگر احساسات خوب را ترویج کند احساسات هنگامی خوبند که شعور ممیز نیک و بد خوبی آنها حکم دهد

این شعور در میان مردم یک عصر مشترک است ، هنر جهانی یک محک درونی دارد پا برجا و بیخطا : یعنی همان -

وجدان پاک . تولستوی

هنرمند متعلق به آثارش میباشد و آثارش متعلق بدیگران . هارون بوگسن

هنرمند با شناختن آنچه کرده اند میفهمد که چه باید کرد ؛ یعنی مالک فرهنگ و دستور کار پیشینیان خود میگردد گابریل سه‌آی

هنر دعوتیست بسوی سعادت . — شپیدستر

هنر نوعی رستگاریست. ما را از خواستن یعنی درد و رنج آزادی میبخشد تصاویر زندگانی را دلربائی میدهد . — شوپنهاور

هیچ گنجی به از هنر نیست و هیچ هنری بزرگوارتر از دانش نیست و هیچ پیرایه ای بهتر از شرم نیست و هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست . — سقراط

هر کس هنر بازی کردن با احساسات مردم را بداند آقای مردم میشود . — مثل اسکاندیناوی

یک هنردوست ممکن است هنرمند نشود . ولی یک هنرمند محققاً باید هنردوست باشد . — دیزرائیلی

یکروز بدون درک زیبائیهای هنر زیستن مانند چندین روز با غم بسر بردن است . — برلیود

یک عکس ارزش ده هزار کلمه را دارد . — مثل چینی

بهترین مراتب آن باشد — کآن به فضل و هنر بدست آید
رتبتی کآن نباشد استحقاق — زودش ابتر بنا شکست آید

ابن یمین

هنر از خود گذشتن‌هاست نه در برد بازیها — گرفتم پی شدی گر بگذری از خویشتن مردی

فرج الله شوشتری

هنر طلب که هنرمند را سعادت و بخت — بروزگار کهن ماه نو شود ایدل
هنر چو مشک بود مشک را که نهان ماند — جهان ز نفحهٔ او پر ز بو شود ایدل

ابن یمین

بوستان گل فضل و گلستان هنر — سیف دین ای ز وجود تو هنرها موجود
بکر فکرت دل صاحب‌نظران برباید — چون ز کتم عدم آید سوی صحرای وجود
مهر رایت چو بر اقلیم هنر سایه فکند — طالع اهل هنر شد متوجه به سعود
ذهن وقّاد تو از سلک معانی گه نظم — بسر انگشت بیان باز گشاید عقود
تا در اقلیم هنر نوبت شاهیت زدند — بنده گشت از دل و جان همچو ایازت محمود

ابن یمین

چو پرسند پرسندگان از هنر
نباید که پاسخ دهی از گهر

هنر نزد ایرانیان است و بس
ندارند شیر ژیان را بکس

فردوسی

هنر بچشم عداوت بزرگتر عیب است
گلست سعدی و در چشم دشمنان خار است

سعدی

ایا شنیده هنرهای خسروان بخبر
بیا ز خسرو مشرق عیان ببین تو هنر

عنصری

عیبم مکن از عشق که در مکتب ایام
آموخته بودم به از این گوهر ما

نظامی

خواجه ای گفت که جز غم چه هنر دارد عشق
گفتم ای خواجهٔ غافل هنری خوشتر از این

حافظ

هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است
گل بیخ زجهان مردم صاحب هنر

سعدی

هوس

آتشی مانند هوس نفسانی و گوسه ای مانند نفرت. دامی مانند جهالت و عذابی مانند آز وجود ندارد.

آدم چیزی را که دارد نمیخواهد. چشم و دلش دنبال چیزهائی که ندارد میرود در صورتیکه هزارها مردم به داشته های او حسرت میبرند ؟

آنکس که میخواهد به پاکی و طهارت باطن نائل آید باید خوشبختی را در فکر و کلام و عمل کاملا از قید هوی و هوس رهائی بخشد. گاندی

از تصور محسوسات توجه میزاید و از توجه خواستن و از خواستن شعله های هوی و از هوس عنان گسیختگی. حافظه عهد و وفا را فراموش میکند و مقصود والا را فرو میگذارد و روح را ناتوان میسازد تا آنکه روح مرد و مقصود والا همه از دست میرود. ؟

انسان نباید هرگز به پیروزی موقتی که بنفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و بدون جنبش میماند و ناگهان به اقتضای موقع و یا در نتیجه وسوسه ای باز بهیجان میآید. ناپلئون

اگر روزگار یک موجب ملال فراهم میکند ما خود بدست خیال ده موجب دیگر میسازیم. حجازی

از فرمان نفس حذر کن. خواجه عبدالله انصاری

اگر میخواهید غنی شوید از هوای نفس بکاهید. ولتر

اگر بتوانیم بر هوسهای خود تسلط پیدا کنیم تمام مشکلات برای ما آسان میشود. ولی تسلط بر هوس یک عمر زحمت دارد و ما چون کسی هستیم که عنان اسب سرکش را بدست داشته باشد، آیا میتواند دقیقه ای از مواظبت آن غفلت کند؟ معذالک هرکس بخواهد میتواند زمام هوسهای خویش را بدست گرفته و بدینوسیله کلید خوشبختی را در اختیار خود داشته باشد.

لود آویبوری

بگوشید که بندهٔ هوس خود نباشید، وگرنه خوبی و بدی شما در قالب هوستان خواهد ریخت جز آندم که هوستان خرسند است خوب نخواهید بود و هنگام ناخرسندی هوس جز بد نخواهید کرد.

؟

تغییر پذیری نشانهٔ ناتوانی است کمتر اتفاق میافتد که یک شخص در دوره زندگیشان چیزی را بخواهد و در صدد دست یافتن بآن باشد.

شارون

تنها تفاوتی که بین هوس و یک عشق جاویدان یافت میشود این است که هوس از یک عشق جاویدان با دوام تر است؟

چرخ زندگی دو دسته دارد یکی را هوس بدست میگیرد و دیگری را امید عقل را بجا داده اند که تا یک دست از آن بگیریم و به پیکر این ببندیم.

؟

خود را بهوس نزدیک مکن که خرد از تو روی برمیتابد.

بزرگمهر

دل انسانی همچون پری است که در بیابان بشاخهٔ درختی آویزان باشد، از وزش بادها دائم در انقلاب است و زیر و رو میشود.

حضرت محمد (ص)

دیوژن به اسکندر جهانگیر گفته بود: «تو بنده‌ٔ بنده‌ٔ من هستی. یعنی من بر هوسهای خود تسلط یافته‌ام و تو - اسیر آن هستی.

لرد آویبودی

کسی که در هوسرانی بکوشد از شخصیتش کاسته شود.

؟

مصائب حقیقی حیات آنقدرها زیاد نیست، عذاب و بدبختی دائمی ما نتیجه اضطراب و وسواس و هوسبازی است. لرد آویبوری

هوسها را بازیچه قرار دهیم نه آنکه خود بازیچه‌ٔ هوسها باشیم.

حجازی

هوس بروی خیالات واهی و خوشبختی بروی واقعیت بنا شده است.

شامفور

هوس مال پرستی، بزرگترین سرچشمه غم و رنج است.

توان کنگ

هوسهای نفسانی غالباً ضد خود را تولید میکنند، مثلاً حرص گاهی تولید اسراف و اسراف تولید خست میکند ما غالباً از فرط ضعف قوی مینمائیم و از فرط جبن شجاع میگردیم.

لارشفوگو

هیچ چیز از دست نرفته است و همه چیز در دسترس ماست. تو صبور باش و مأیوس مشو، مالک همه چیز خواهی شد. محمد مسعود

تا هوا تازه است ایمان تازه نیست
کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست

باد در مردم هوا و آرزوست
چون هوا بگذاشتی پیغام اوست

خلق در زندان نشسته از هواست
مرغ را پرها ببسته از هواست

ماهی اندر تابه ی گرم از هواست
رفته از مستوریان شرم از هواست

گر هواها بند بنهاده شود ،
صیقلی را دست بگشاده شود

تا کنون کردی چنین اکنون مکن
تیره کردی آب را افزون مکن

گر این آئینه نبود جز هوی
از هوی بگریز تا یابی صفا

مولوی

در بستر آرزو غنودن تا کی
تا چند رهین نفس بودن تا کی

یکبار به بهوش هم سری بالا کن
بر درگه خلق جبهه سودن تا کی

منصور اصفهانی

در چشم من آمد آن سهی سرو بلند
بربود دلم ز دست و در پای فکند

این دیده شوخ میکشد دل به کمند
خواهی که بکس دل ندهی دیده ببند

سعدی

روده تنگ بیک نان تهی پر گردد
نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ

سعدی

تو نشنیده‌ای داستان پلنگ
بدان ژرف دریا که زد با نهنگ
که گر بر خرد چیره گردد هوی
نیابد ز چنگ هوی کس رها
هوی را مبر پیش رای و خرد
کز آن پس فزود و هوی تو سگ

فردوسی

چه خبر دارد از حقیقت عشق
پای بند هوی نفسانی؟
خودپرستان نظر بشخص کنند
پاک بینان بصنع ربانی

سعدی

گر از پی شهوت و هوی خواهی رفت
از من خبرت که بینوا خواهی رفت
بنگر چه کسی و از کجا آمده‌ای؟
میدان که چه میکنی، کجا خواهی رفت؟

خیام نیشابوری

پایان

بخط حسین خسروی
۱۳۶۵ شمسی

منابع این کتاب

هزار گفتار از نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام

هزار و یک سخن در امثال و نصایح و حکم - امیرقلی امینی

عقاید فلسفی ابوالعلاء - عمر فروخ حسین خدیوجم

افکار جاویدان - احمد زرازوند

جام جهان نما - احمد ترک زاده

امثال ملل

در جستجوی خوشبختی - لرد آویبوری

مکالمات - کنفوسیوس

اندیشه های بزرگ - فریدون سنجری

اندیشه های عمیق - رحمت جبیر

مجمع النصایح - ملا عبدالرسول مدنی کاشانی

افکار جاوید - غلامرضا واحدی

آئین زندگی - دیل کارنگی

هزار سخن - محمد حجازی

برگزیدهٔ ضرب المثلهای جهان - مهرداد مهرین

دانش و زندگی - احمد ترک زاده

گنج گهر - علامه برقعی

چکیدهٔ اندیشه ها - سید یحیی برقعی

سخنان پر پر - رضا عطارپور

چکیده ها - محمد رسول فرهنگ خواه

خداوند سیاست - خواجه نصیرالدین طوسی. اقبال یغمائی

دانای بزرگ. بزرگمهر - اقبال یغمائی

ابوسعید ابوالخیر - ایرج افشار

سخنان بزرگان در سیر اخلاق - دکتر مصطفی امینی پرویز

سخنان بزرگان - دکتر ابوالقاسم عطائی

اندیشه های مردان بزرگ - مهرداد مهرین

گلستان سعدی - شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی

دیوانهای شعر و دهها کتاب دیگر

۵۰ قران